



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir

# حج ابراهیمی



## پژوهشی اثر:

۱- حج در سوره مبارکه آل عمران (تفصیلات مراجع تقلید)

۲- توافقی اثر حج از منظر مذاهب فقهیه امامیه، شیعه، حنفیه، مالکی، حنبلی

نویسنده: دکتر مولود گرمسودی تبار

استاديارشدگواراداناسلامیاسلمیه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# حج ابراهيمي

نويسنده:

مولود گرمرودي ثابت

ناشر چاپي:

طنين قلم

ناشر دييجيتالي:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان



# فهرست

۵	فهرست
۲۲	حج ابراهیمی
۲۲	مشخصات کتاب
۲۲	اشاره
۲۶	تقدیم ها:
۲۸	فهرست مطالب
۴۵	مقدمه:
۴۷	بخش اول: حج در سایه سار زلال احکام (نظرات مراجع تقلید)
۴۷	اشاره
۴۹	معنای حج در لغت و اصطلاح
۴۹	مترادف حج:
۵۰	حج در اصطلاح
۵۰	اسلام و تعدیلاتی در حج
۵۱	رویدادهای تأسف بار در ایام حج ابراهیمی
۵۲	جایگاه و فضیلت حج
۵۳	نظرات مجتهدین برالتزام عملی در حج
۵۴	سخن در تهیه اسباب حصول استطاعت در حج
۵۵	اقسام حج
۵۶	مسائلی پیرامون حجه الاسلام بر مبنای نظر آیه الله خامنه ای
۵۶	شرایط وجوب حجه الاسلام
۵۷	مبحث بلوغ در حج از منظر آیه الله خامنه ای
۵۷	سخن در باب بلوغ از نظر امام خمینی (ره) و سایر مجتهدین
۵۷	امام خمینی (ره)
۵۷	نظرات مجتهدین در مسأله بلوغ:

۵۹	.....
۵۹	..... اشاره
۶۰	..... مسأله ۱:
۶۰	..... مسأله ۲:
۶۰	..... مسأله ۳:
۶۰	..... مسأله ۴:
۶۱	..... مسأله ۵:
۶۱	..... مسأله ۶:
۶۱	..... مسأله ۸:
۶۱	..... مسأله ۹:
۶۲	..... مسأله ۱۰:
۶۲	..... مسأله ۱۱:
۶۲	..... مسأله ۱۲:
۶۲	..... مسأله ۱۳:
۶۳	..... مسأله ۱۴:
۶۳	..... مسأله ۱۵:
۶۳	..... مسأله ۱۶:
۶۳	..... مسأله ۱۷:
۶۳	..... مسأله ۱۸:
۶۳	..... مسأله ۱۹:
۶۴	..... مسأله ۲۰:
۶۴	..... مسأله ۲۱:
۶۴	..... مسأله ۲۲:
۶۴	..... مسأله ۲۳:
۶۴	..... مسأله ۲۴:
۶۴	..... مسأله ۲۵:

- مسأله ۲۶: ..... ۶۵
- مسأله ۲۷: ..... ۶۵
- مسأله ۲۸: ..... ۶۵
- مسأله ۲۹: ..... ۶۵
- مسأله ۳۰: ..... ۶۵
- مسأله ۳۱: ..... ۶۶
- مسأله ۳۲: ..... ۶۶
- مسأله ۳۳: ..... ۶۶
- مسأله ۳۴: ..... ۶۶
- مسأله ۳۵: ..... ۶۶
- مسأله ۳۶: ..... ۶۶
- سخن در حج طفل غیرممیز ..... ۶۷
- طفل محرم و محرمات احرام ..... ۶۸
- حکم حج طفل و گوسفند قربانی ..... ۶۹
- بلوغ طفل نابالغ ..... ۷۰
- شرط سوم: حریت و آزادگی ..... ۷۰
- شرط چهارم: استطاعت در حج ..... ۷۰
- تفصیلی در بیان استطاعت از منظر آیه الله خامنه ای ..... ۷۱
- مطلب اول: زاد و هزینه ی سفر ..... ۷۲
- مطلب دوم: مخارج عائله در طول مدت سفر ..... ۷۴
- مطلب سوم: ضروریات زندگی و معیشت ..... ۷۴
- تعریف حج بذلی ..... ۷۵
- احکام خاص حج بذلی از منظر امام خامنه ای و سایر مراجع تقلید ..... ۷۵
- احکام پیرامون مال هبه ای در حج ..... ۷۸
- مسائل عمومی استطاعت مالی از منظر امام خمینی (ره) ..... ۷۹
- تبیین استطاعت بدنی و احکام آن از منظر آیه الله خامنه ای ..... ۸۰

۸۰	..... استطاعت طریقی
۸۱	..... استطاعت زمانی
۸۱	..... مسایل عمومی استطاعت
۸۱	..... نظر سایر مجتهدین در باب استطاعت
۸۵	..... نظر امام خمینی (ره) و فقهای عظام پیرامون بدهی و مخارج حج
۸۷	..... مسائل پیرامون استطاعت
۹۰	..... استطاعت و مخارج مقدماتی آن بر حج
۹۱	..... مسائل مرتبط با نذر و حج
۹۲	..... احکام مرتبط با حج استحبابی
۹۳	..... مطالبی در حج نیایی
۹۶	..... بیان ۱۸ مسأله اختصاصی در باب حج نیابتی از منظر امام خمینی (ره)
۹۶	..... مسأله ۱:
۹۷	..... مسأله ۲:
۹۷	..... مسأله ۳:
۹۷	..... مسأله ۴:
۹۷	..... مسأله ۵:
۹۷	..... مسأله ۶:
۹۸	..... مسأله ۷:
۹۸	..... مسأله ۸:
۹۸	..... مسأله ۹:
۹۸	..... مسأله ۱۰:
۹۸	..... مسأله ۱۱:
۹۸	..... مسأله ۱۲:
۹۸	..... مسأله ۱۳:
۹۹	..... مسأله ۱۴:
۹۹	..... مسأله ۱۵:

- مسأله ۱۶: ..... ۹۹
- مسأله ۱۷: ..... ۹۹
- مسأله ۱۸: ..... ۹۹
- نیابت و شرایط آن در حج ..... ۹۹
- شرایط منوب عنه از دیدگاه امام خمینی (ره) ..... ۱۰۳
- احکام اجیرو حج تمتع ..... ۱۱۰
- سؤالات و استفتاءات با محوریت نیابت ..... ۱۱۰
- استطاعت و نفقه ..... ۱۳۴
- مسائل حج اموات ..... ۱۳۵
- استطاعت و ارثیه ..... ۱۳۶
- یازده مسأله در باب وصیت به حج از منظر امام خمینی (ره) ..... ۱۳۷
- در وصیت به حج ..... ۱۳۷
- مسأله ۱: ..... ۱۳۷
- مسأله ۲: ..... ۱۳۸
- مسأله ۳: ..... ۱۳۸
- مسأله ۴: ..... ۱۳۸
- مسأله ۵: ..... ۱۳۸
- مسأله ۶: ..... ۱۳۸
- مسأله ۷: ..... ۱۳۸
- مسأله ۸: ..... ۱۳۹
- مسأله ۹: ..... ۱۳۹
- مسأله ۱۰: ..... ۱۳۹
- مسأله ۱۱: ..... ۱۳۹
- حج و وجوه شرعیه (سهم امام- سهم سادات نذورات) ..... ۱۴۰
- مسایلی پیرامون نذر و عهد و قسم در حج ..... ۱۴۱
- مسأله ۱: ..... ۱۴۱

- مسأله ۲: ..... ۱۴۱
- مسأله ۳: ..... ۱۴۲
- مسأله ۴: ..... ۱۴۲
- مسأله ۵: ..... ۱۴۲
- مسأله ۶: ..... ۱۴۲
- مسأله ۷: ..... ۱۴۲
- مسأله ۸: ..... ۱۴۲
- مسأله ۹: ..... ۱۴۲
- مسأله ۱۰: ..... ۱۴۲
- مسأله ۱۱: ..... ۱۴۳
- مسأله ۱۲: ..... ۱۴۳
- مسأله ۱۳: ..... ۱۴۳
- مسأله ۱۴: ..... ۱۴۳
- مسأله ۱۵: ..... ۱۴۳
- مسأله ۱۶: ..... ۱۴۳
- مسأله ۱۷: ..... ۱۴۴
- مسأله ۱۸: ..... ۱۴۴
- مسأله ۱۹: ..... ۱۴۴
- مسأله ۲۰: ..... ۱۴۴
- مسأله ۲۱: ..... ۱۴۴
- مسأله ۲۲: ..... ۱۴۵
- مسأله ۲۳: ..... ۱۴۵
- مسأله ۲۴: ..... ۱۴۵
- مسأله ۲۵: ..... ۱۴۵
- مسأله ۲۶: ..... ۱۴۵
- مسأله ۲۷: ..... ۱۴۶

- مسأله ۲۸: ..... ۱۴۶
- مسأله ۲۹: ..... ۱۴۶
- مسأله ۳۰: ..... ۱۴۶
- مسأله ۳۱: ..... ۱۴۶
- مسأله ۳۲: ..... ۱۴۶
- مسأله ۳۳: ..... ۱۴۷
- مسأله ۳۴: ..... ۱۴۷
- مسأله ۳۵: ..... ۱۴۷
- تکسب و حج ..... ۱۴۷
- مشقت و حج ..... ۱۴۸
- عوامل (خدمه - پزشکان - روحانی کاروان) در حج - ..... ۱۴۹
- استفتاءات استطاعت در پاسخ به شبهات ..... ۱۵۰
- اقسام عمره ..... ۱۷۸
- احکام عمره ..... ۱۷۹
- مسأله ۱: ..... ۱۷۹
- مسأله ۲: ..... ۱۷۹
- مسأله ۳: ..... ۱۷۹
- مسأله ۴: ..... ۱۸۰
- اقسام حج ..... ۱۸۰
- فاصله بین عمره تمتع با عمره مفرده ..... ۱۸۱
- صور متصور در حج افراد و عمره مفرده ..... ۱۸۲
- فرق های بین عمره مفرده و تمتع ..... ۱۸۳
- اختصاری بر انجام حج تمتع ..... ۱۸۵
- حج تمتع ..... ۱۸۵
- استفتاءات اقسام عمره و حج ..... ۱۸۶
- تفصیلی در بیان اعمال عمره تمتع و حج تمتع ..... ۱۹۴

۱۹۴	محل احرام عمره تمتع
۱۹۴	اشاره
۱۹۴	اول- مسجد شجره
۱۹۶	دوم- وادی عقیق
۱۹۶	سوم قرن المنازل
۱۹۸	چهارم- یلملم
۱۹۸	پنجم- جحفه
۲۰۷	مسائل متفرقه میقات
۲۱۴	استفتاءات میقات
۲۲۵	واجبات احرام
۲۲۵	اشاره
۲۲۵	اول - نیت
۲۲۹	دوم- تلبیه، یعنی لبیک گفتن
۲۳۳	سوم- پوشیدن دو جامه احرام برای مردان
۲۴۲	استفتاءات احرام
۲۴۸	مستحبات احرام
۲۵۰	مکروهات احرام
۲۵۱	محرمات احرام
۲۵۱	اول: شکار صحرايي که وحشی باشد...
۲۵۶	دوم: جماع کردن با زن، و بوسیدن، و دست بازی کردن، و نگاه به شهوت، بلکه، هر نحو لذت و تمتعی بردن.
۲۶۷	سوم: عقد کردن زن از برای خود یا غیر، چه آن غیر، احرام بسته باشد یا نبسته باشد و محل باشد.
۲۷۲	چهارم: استمناء
۲۷۳	پنجم: استعمال عطریات
۲۷۸	ششم: پوشیدن چیزدوخته
۲۸۷	هفتم: سرمه کشیدن
۲۸۹	هشتم: نگاه کردن در آینه



- ۲۹۳ ..... نهم: پوشیدن موزه و چکمه و گیوه و جوراب و هرچه تمام روی پا را می گیرد.
- ۲۹۵ ..... دهم: فسق و فسوق
- ۲۹۶ ..... یازدهم: جدال
- ۳۰۱ ..... دوازدهم: کشتن جانورانی که در بدن ساکن می شوند
- ۳۰۴ ..... سیزدهم: انگشتر بدست کردن به جهت زینت
- ۳۰۷ ..... چهاردهم: پوشیدن زیور است برای زن به جهت زینت
- ۳۰۸ ..... پانزدهم: روغن مالیدن است به بدن
- ۳۱۲ ..... شانزدهم: ازاله مو است از بدن خود یا غیر خود چه محرم باشد چه محل
- ۳۱۸ ..... هفدهم: پوشانیدن مرد است سر خود را به هرچه او را بپوشاند
- ۳۲۴ ..... هیجدهم: پوشانیدن زنان روی خود را به نقاب و روبند و برقع
- ۳۳۰ ..... نوزدهم: سایه قرار دادن مرد است بالای سر خود
- ۳۳۷ ..... بیستم: بیرون آوردن خون است از بدن خود
- ۳۴۰ ..... بیست و یکم: ناخن گرفتن
- ۳۴۷ ..... بیست و دوم: کندن دندان
- ۳۴۷ ..... بیست و سوم: کندن درخت یا گیاهی که در حرم روییده
- ۳۵۴ ..... بیست و چهارم: سلاح در برداشتن
- ۳۵۵ ..... مسائل متفرقه محرمات احرام
- ۳۶۰ ..... سؤالات و جواب هایی پیرامون استفتاءات کفارات احرام
- ۳۸۲ ..... مستحبات دخول حرم
- ۳۸۳ ..... مستحبات دخول مکه معظمه
- ۳۸۳ ..... آداب دخول مسجد الحرام
- ۳۸۶ ..... طواف واجب و بعضی از احکام آن
- ۳۸۹ ..... واجبات طواف
- ۳۸۹ ..... اشاره
- ۳۹۰ ..... قسم اول - چیزهایی که شرط طواف است و آن پنج امر است:
- ۳۹۰ ..... ۱ - نیت است

- ۲- طاهر باشد ..... ۳۹۱
- ۳- طهارت بدن و لباس از نجاست ..... ۴۰۳
- ۴- ختنه کردن در حق مردان ..... ۴۰۷
- ۵- ستر عورت ..... ۴۱۰
- قسم دوم- شرایط خاص در حقیقت طواف ..... ۴۱۲
- اشاره ..... ۴۱۲
- اول- آن که ابتداء کند به حجرالاسود ..... ۴۱۲
- دوم- ختم نمودن هردوری است به حجرالاسود ..... ۴۱۴
- سوم- آن که در طواف کردن، خانه کعبه در طرف چپ طواف کننده واقع شود ..... ۴۱۵
- چهارم- داخل کردن حجر اسماعیل علیه السلام در طواف ..... ۴۱۷
- پنجم- طواف بین خانه کعبه و مقام حضرت ابراهیم علیه السلام از همه اطراف ..... ۴۱۸
- ششم- خروج طواف کننده از خانه و آن چه از آن محسوب می شود ..... ۴۲۳
- هفتم- آن که هفت شوط یعنی هفت دفعه دور بزند نه کمتر و نه زیادت ..... ۴۲۴
- مسائل متفرقه طواف ..... ۴۴۵
- پرسش هایی در باب استفتاءات طواف ..... ۴۴۹
- استفتاءات مراجع پیرامون احکام خاص بانوان در طواف ..... ۴۹۳
- استفتاءاتی در باب معذورین و امور مشتبه در طواف ..... ۵۰۳
- آداب و مستحبات طواف ..... ۵۱۸
- بیان چند مسأله در باب احکام حج مستحبی ..... ۵۱۹
- بخش دوم: منشور موقفین در حج از منظر مذاهب خمس (امامیه و حنبلی - شافعی - مالکی - حنفی) ..... ۵۲۰
- اشاره ..... ۵۲۰
- مدخل و پیشگفتار نویسنده ..... ۵۲۲
- فصل اول: مفهوم شناسی موقفین ..... ۵۲۴
- وقوف در لغت ..... ۵۲۶
- موقفینی در معنای اصطلاحی ..... ۵۲۶
- تفسیر برخی واژگان در آیه وَأَذَانٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ ..... ۵۲۷

۵۳۱	رفع یک شبهه
۵۳۴	وقت شناسی در «موقین»
۵۳۵	قول مشهور فقها
۵۳۶	حضور امام زمان (عجل الله) در حج
۵۳۶	پیام های «خذوا عتی مناسککم»
۵۳۷	احکام وادی محسر
۵۳۷	از جمله مواقف، عرفات ومشعر
۵۳۸	القای دوست در عرفه
۵۴۰	مشعر
۵۴۰	وجه تسمیه مشعر
۵۴۱	تفاوت های زمان جاهلیت و اسلام در وقوف عرفات ومشعر
۵۴۲	اقسام هشتگانه وقوفین
۵۴۴	اوقات در موقین
۵۴۴	حکم درک یکی از موقین
۵۴۶	حکم تارک وقوفین
۵۴۷	بررسی نحوه دعا در وقوفین
۵۴۸	حکم وقوف بر بالای کوه ها
۵۴۸	حکم فرد خواب، مجنون وکوان در وقوفین
۵۵۰	حکم مجامعت در وقوفین
۵۵۵	بررسی قاعده حرمت اهانت و کوچک شمردن (تحقیر) حرمت الهی
۵۶۱	موارد تطبیق قاعده «حرمت اهانت به امور محترم در دین»
۵۶۱	۱- توهین به خانه خدا:
۵۶۲	۲- اهانت به پیامبر(صلی الله علیه و آله) یا قرآن:
۵۶۲	۳- بی ادبی و بی احترامی نسبت به خدا:
۵۶۲	۴- اهانت به مسجد:
۵۶۲	۵- اهانت به اموات مسلمین:

- ۶- توهین قولی و یا فعلی نسبت به مکه مکرمه : ..... ۵۶۲
- توضیح برخی مناطق مرتبط با موقفین نوره: ..... ۵۶۳
- ثویه: ..... ۵۶۳
- ذوالحجاز: ..... ۵۶۳
- عرنه ..... ۵۶۳
- الاراک: ..... ۵۶۳
- سفیج الجبل: ..... ۵۶۴
- میسره الجبل: ..... ۵۶۴
- فصل دوم : اولین وقوف عرفات) از منظر امامیه ..... ۵۶۶
- اعمال قبل از رفتن به عرفات (مستحبات و واجبات) ..... ۵۶۸
- لف- مستحبات: ..... ۵۶۸
- ب- واجبات: ..... ۵۷۰
- مطلب اجماعی: ..... ۵۷۱
- حکم اعمال موقفینی در روزهای مشتبه ..... ۵۷۲
- نقش قاعده «الضرورات تبیح المحظورات» ..... ۵۷۳
- تبیین قاعده: ..... ۵۷۳
- عرفات، توقفگاه اول ..... ۵۷۴
- بیان فلسفه توقفگاه اول، برره برخی شبهات در سیره ابی عبدالله و رسول خدا (صلی الله علیه و آله) ..... ۵۷۸
- اهمیت وقوف در عرفه ..... ۵۸۱
- حد عرفه ..... ۵۸۳
- مشخصات عرفه ..... ۵۸۴
- وقت وقوف در عرفات ..... ۵۸۴
- حکم کوچ کننده از عرفات قبل از غروب خورشید ..... ۵۸۴
- ضرورت خواندن نماز عشائین در «مشعر الحرام» ..... ۵۸۵
- مفهوم شناسی حدیث «أصحاب الأراک لاحج لهم» ..... ۵۸۵
- جواب بر این استدلال: ..... ۵۸۵

- آداب حرکت به سوی عرفه ..... ۵۸۶
- احکام و مسائل خاص در عرفه ..... ۵۸۷
- مفهوم شناسی آیه «ثم أفيضوا من حيث أفاض الناس» ..... ۵۸۹
- فرصت آشتی با معبود در عرفات ..... ۵۸۹
- وقوف عرفات، یاد آور کوتاهی عمر ..... ۵۹۰
- تفسیر دعای « عرفه » از جانب امام حسین (علیه السلام) ..... ۵۹۰
- اسرار وقوف عرفات در حدیث شبلی ..... ۵۹۲
- جایگاه دعا در عرفات ..... ۵۹۴
- خروج از مکه به سمت « ینا » و وقوف در عرفه ..... ۵۹۶
- نحوه حرکت به سوی عرفات در سپیده دم ..... ۵۹۷
- محدوده عرفات ..... ۵۹۸
- دعای موقف ..... ۵۹۹
- شاخصه های روز عرفه ..... ۶۰۳
- موقف های عرفات و مشعر ..... ۶۰۶
- دعا برای دیگران در موقوفین ..... ۶۱۲
- زمانی کوچ از عرفات ..... ۶۱۴
- استفتائات مقام معظم رهبری در باب وقوف در عرفات ..... ۶۱۶
- پاسخ آیه الله خامنه ای به سؤالاتی پیرامون وقوف در عرفات ..... ۶۱۸
- مستحبات وقوف به عرفات در نظر آیه الله خامنه ای ..... ۶۱۹
- مستحباتی از احرام حج تا وقوف به عرفات مطابق با فتاوی امام خمینی (ره) ..... ۶۲۰
- وقوف به عرفات در نظر امام خمینی (ره) ..... ۶۲۰
- مستحبات وقوف به عرفات ..... ۶۲۴
- پاره ای از نظرات آیه الله لطف الله صافی گلپایگانی ..... ۶۲۷
- در محضر آیه الله زنجانی ..... ۶۲۸
- موقفین از منظر آیه الله مظاهری ..... ۶۲۸
- اهمیت عرفات در محضر درس خارج فقه آیت الله مکارم شیرازی ..... ۶۲۹

- وجه تسمیه عرفات، در نظر آیه الله مکارم شیرازی ..... ۶۲۹
- مستحبات وقوف به عرفات در کلام آیه الله مکارم شیرازی ..... ۶۳۰
- جلوه عرفه در کلام استاد جوادی آملی آیت الله العظمی جوادی آملی ..... ۶۳۱
- فصل سوم: دومین موقف (مشعر الحرام) از منظر امامیه ..... ۶۳۳
- واژه شناسی و مفهوم شناسی مشعر ..... ۶۳۵
- علت وقوف در مشعر و وجه نامگذاری آن به مزدلفه - جمع و ابطح ..... ۶۳۵
- زمان کوچ از عرفات، به سوی مشعر ..... ۶۳۵
- زمانی وقوف در مشگر (بیان اقوال) ..... ۶۳۶
- مشعر، کلاس شبانه خدا ..... ۶۳۷
- مفهوم رکن در شریعت و دین ..... ۶۴۰
- رکن بودن وقوف در مشعر ..... ۶۴۰
- دو اعتراض نسبت به کلمه ذکر در آیه «فإذا أقضّم من عرفات فاكوا الله یرد الشعر الحرام» ..... ۶۴۲
- امور مستحب، در مسیر حرکت به سوی مشعر ..... ۶۴۵
- حکم نماز مغرب و عشاء در مزدلفه ..... ۶۴۶
- آداب وقوف در مشعر الحرام ..... ۶۴۷
- آداب در راه رسیدن به مشعر ..... ۶۴۸
- مشعر، جایگاه شعور انسان و معجزه الهی ..... ۶۴۹
- مسائل پیرامون کوچ از مشعر ..... ۶۴۹
- واجبات در «مشعر» ..... ۶۵۰
- مستحبات در «مشعر» ..... ۶۵۳
- حکم مجامعت در مشعر ..... ۶۵۴
- وقوف در مشعر الحرام ..... ۶۵۵
- شب مزدلفه و وقوف در مشعر و کوچ از آن ..... ۶۵۵
- توصیه ای در مورد زنان ..... ۶۵۸
- محدوده «مشعر» ..... ۶۵۸
- قاعده ای در اثبات وقوف در مشعر ..... ۶۵۹

- تعریف قاعده ..... ۶۵۹
- وادی محسر ..... ۶۵۹
- سعی در وادی محسر ..... ۶۵۹
- حکم جاهل بر وقوف در مشعر ..... ۶۶۱
- نمونه ای از تساهل و تسامح بروقوف در مشعر ..... ۶۶۱
- احکام کوچ از مشعر به سوی منا ..... ۶۶۳
- حکم عبور فردی از مزدلفه با عجله قبل از فجر ..... ۶۶۴
- نحوه وقوف زنان و افراد خائف در مشعر ..... ۶۶۴
- حکم عدم وقوف در مشعر ..... ۶۶۶
- احکام در «مشر» (واجب - مستحب) ..... ۶۶۶
- احکام تارک مشعر، از روی عمد ..... ۶۶۷
- حکم فرد فراموشکار مشعر ..... ۶۶۹
- استفتائات آیه الله خامنه ای پیرامون وقوف در مشعر الحرام ..... ۶۷۰
- پاسخ آیه الله خامنه ای به سؤالات با محوریت وقوف در مشعر الحرام ..... ۶۷۳
- مستحبات وقوف به مشعر الحرام ..... ۶۷۴
- پاسخ آیه الله جوادی آملی به چند سؤال از مشعر ..... ۶۷۵
- فصل چهارم: نظرات اهل سنت در موقفین ..... ۶۷۶
- ذی الحججه، از جمله ماه های حرام ..... ۶۷۸
- واجبات حج ..... ۶۷۹
- بررسی رکن در موقفینی ..... ۶۷۹
- زمان حرکت از منا به سوی عرفه ..... ۶۸۰
- ذکر تکبیر در مسیر به سوی عرفه ..... ۶۸۱
- نحوه ورود به عرفه ..... ۶۸۱
- ورود به عرفه ..... ۶۸۱
- خواندن خطبه سخنرانی از سوی پیامبر (صلی الله علیه و آله) در عرفه ..... ۶۸۱
- وقوف در عرفه ..... ۶۸۲

- ۶۸۳ ..... وجوب وقوف در عرفه و نحوه آن
- ۶۸۳ ..... حکم رکن بودن عرفه
- ۶۸۴ ..... مکان وقوف در عرفه
- ۶۸۵ ..... مفهوم «عرفه کلها موقف»
- ۶۸۶ ..... حکم وقوف در عرفه
- ۶۸۶ ..... حد عرفه
- ۶۸۷ ..... زمان وقوف
- ۶۸۸ ..... احکام خاص عرفه
- ۶۸۸ ..... ۱- ایراد سخنرانی (خطبه امام در عرفه قبل از نماز
- ۶۸۹ ..... ۲- کوتاه بودن سخنرانی (خطبه) در عرفه
- ۶۸۹ ..... ۳- جمع بین نماز ظهر و عصر و نحوه اذان در روز عرفه
- ۶۹۱ ..... ۴- تعجیل در خواندن نماز روز عرفه
- ۶۹۱ ..... ۵- نحوه خواندن نماز ظهر و عصر عرفه (از نظر جماعت یا فردی، شکسته یا تمام)
- ۶۹۱ ..... ۶- بلند کردن دودست در دعای عرفه
- ۶۹۲ ..... ۷- امر به آرامش در هنگام کوچ از عرفه
- ۶۹۲ ..... برخی امور مستحب در عرفه
- ۶۹۳ ..... از جمله شرایط وقوف کننده
- ۶۹۳ ..... نظر شافعی:
- ۶۹۴ ..... نظر حنفیه: برای حضور در عرفه، شرایطی است؛ از جمله آن که:
- ۶۹۵ ..... امور واجب در وقوف
- ۶۹۷ ..... نظر حنبلی و شروط حضور در عرفه
- ۶۹۷ ..... نظر اشتراکی شافعی و حنبلی
- ۶۹۹ ..... اختلاف مذاهب چهارگانه در نحوه خواندن نماز ظهر روز عرفه
- ۷۰۰ ..... مقدار وقوف و نحوه آن
- ۷۰۱ ..... حکم حج کننده ای که وقوف در عرفه از او فوت شده
- ۷۰۲ ..... حکم جماع در موقوفی



۷۰۳	استدلال: کسانی که قائلند باید بقیه اعمال را بجا بیاورد، به این آیه استدلال نموده اند:
۷۰۴	مستحبات و قوف در عرفه و آدایش
۷۰۹	شروط و قوف در عرفه
۷۱۱	کیفیت حرکت (کوچ از عرفه)
۷۱۱	نزول (فرود آمدن در مکانی بعد از دور شدن از عرفه)
۷۱۲	وقوف در مزدلفه
۷۱۲	اول - صفت و وصف شرعی
۷۱۳	مشعرالحرام
۷۱۳	دلیل وجوب بیتوته در مزدلفه
۷۱۴	دوم - رکن بودن و قوف در مزدلفه
۷۱۵	سوم - مکان و قوف در مزدلفه
۷۱۶	چهارم - زمان و قوف در مزدلفه
۷۱۸	احکام خاص مزدلفه
۷۱۸	۱- جمع بین نماز مغرب و عشا
۷۱۹	۲- مقدم کردن زنان و کودکان به منازلشان در مزدلفه
۷۱۹	۳- مجوز زنان در کوچ از مشعر، قبل از صبح
۷۱۹	۴- وقت خواندن نماز صبح در مزدلفه
۷۲۰	۵- حکم فردی که نماز صبح را با امام در مزدلفه درک نکرد
۷۲۱	۶- تلبیه در مزدلفه
۷۲۱	۷- وقت کوچ از جمع مزدلفه)
۷۲۱	پنجم - حکم فوت شدن و قوف در مزدلفه از وقتش
۷۲۲	ششم - مستحبات و قوف در مزدلفه
۷۲۵	منابع و مأخذ
۷۳۲	منابع فقه اهل سنت
۷۳۶	درباره مرکز

حج ابراهیمی

مشخصات کتاب

سرشناسه: گمرودی ثابت، مولود، 1348 -

عنوان و نام پدیدآور: حج ابراهیمی / نویسنده مولود گمرودی ثابت.

مشخصات نشر: مشهد: طنین قلم، 1399.

مشخصات ظاهری: 630 ص.

شابک: 0-727312-622-978

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: حج

موضوع: Hajj\*

رده بندی کنگره: BP188/8

رده بندی دیویی: 297/357

شماره کتابشناسی ملی: 7344995

ص: 1

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: 2

حج ابراهیمی

نویسنده: دکتر مولود گرمودی ثابت

پژوهشی در:

1- حج در سایه سار زلال احکام ( نظرات مراجع تقلید )

2- موقین در حج از منظر مذاهب خمسہ ( امامیہ و حنبلی - شافعی - مالکی - حنفی )

مشهد، 1399

ص: 3

حج ابراهیمی

نویسنده: دکتر مولود گرمرودی ثابت «استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد»

ناشر: انتشارات طنین قلم

طراح جلد و صفحه آرا: مطهر کیمیائی - 09366258650

نوبت چاپ: چاپ اول، 1399

شابک: 978\_622\_7273\_12\_0

قیمت: 150000 تومان

نشانی ناشر: taninghalam @ yahoo com

شماره تلفن: 09151094695

فروشگاه اینترنتی کتاب: [www.ketab.ir/taninghalam](http://www.ketab.ir/taninghalam)

کلیه حقوق برای مؤلف محفوظ است.

ص: 4

## تقدیم‌ها:

تقدیم به آخرین ذخیره الهی، حضرت بقیه الله الاعظم که حضورش را در عرفات حس کردم.

تقدیم به بارگاه ملکوتی ثامن الحجج، آقا علی بن موسی الرضا (علیه السلام) که به قداستش وضو با ایمان به خلوص سبزش به سجده می‌روم.

تقدیم به همه شهدای مظلوم فاجعه «منا» بالاخص شهید حسنی کارگر در خیابان 204.

سپاس بیکران بر همدلی، همراهی و همگامی همسرم که نشانه لطف الهی در زندگی من است.

با درود فراوان بر روح پر فتوح پدر بزرگوارم که در جای جای مناسک حج حضورشان را احساس می‌کردم.

تقدیم به مادر دلسوز و مهربانم که سجده اینارش گل محبت را در وجودم پروراند و دامن گهربارش لحظه‌های مهربانی را به من آموخت.

و با تقدیر و تشکر شایسته از خانواده گرامی ام که همیشه سنگ صبورم بودند.

ص: 5



فهرست مطالب

۲۳	.....	مقدمه:
۲۵	.....	بخش اول حج در سایه سار زلال احکام (نظرات مراجع تقلید)
۲۷	.....	معنای حج در لغت و اصطلاح
۲۸	.....	اسلام و تعدیلاتی در حج
۲۹	.....	رویدادهای تأسف بار در ایام حج ابراهیمی
۳۰	.....	جایگاه و فضیلت حج
۳۱	.....	نظرات مجتهدین برالتزام عملی در حج
۳۲	.....	سخن در تهیه اسباب حصول استطاعت در حج
۳۳	.....	اقسام حج
۳۴	.....	مسائلی پیرامون حَجَّة الاسلام بر مبنای نظر آیه الله خامنه ای
۳۴	.....	شرایط وجوب حَجَّة الاسلام
۳۵	.....	مبحث بلوغ در حج از منظر آیه الله خامنه ای
۳۵	.....	سخن در باب بلوغ از نظر امام خمینی (ره) و سایر مجتهدین
۳۷	.....	بررسی تفصیلی اهمّ شرایط وجوب حج، از منظر امام خمینی (ره)
۴۵	.....	سخن در حج طفل غیر ممیز
۴۶	.....	طفل مُحَرَّم و مُحَرَّماتِ اِحرام
۴۷	.....	حکم حج طفل و گوسفند قربانی
۴۸	.....	بلوغ طفل نابالغ





۴۹	تفصیلی در بیان استطاعت از منظر آیه الله خامنه‌ای
۵۰	مطلب اول: زاد و هزینه‌ی سفر
۵۲	مطلب دوم: مخارج عائله در طول مدت سفر
۵۲	مطلب سوم: ضروریات زندگی و معیشت
۵۳	مطلب چهارم: رجوع به کفایت
۵۳	تعریف حج بذلی
۵۳	احکام خاص حج بذلی از منظر امام خامنه‌ای و سایر مراجع تقلید
۵۶	احکام پیرامون مال هبه‌ای در حج
۵۷	مسائل عمومی استطاعت مالی از منظر امام خمینی (ره)
۵۸	تبیین استطاعت بدنی و احکام آن از منظر آیه الله خامنه‌ای
۵۸	استطاعت طریقی
۵۹	استطاعت زمانی
۵۹	مسائل عمومی استطاعت
۵۹	نظر سایر مجتهدین در باب استطاعت
۶۳	نظر امام خمینی (ره) و فقهای عظام پیرامون بدهی و مخارج حج
۶۵	مسائل پیرامون استطاعت
۶۸	استطاعت و مخارج مقدماتی آن بر حج
۶۹	مسائل مرتبط با نذر و حج
۷۰	احکام مرتبط با حج استحبابی
۷۱	مطالبی در حج نیابی

بیان ۱۸ مسأله اختصاصی در باب حج نیابتی از منظر امام خمینی (ره) .....	۷۴
نیابت و شرایط آن در حج .....	۷۷
شرایط منوبّ عنّه از دیدگاه امام خمینی (ره) .....	۸۱
احکام اجیر و حج تمتع .....	۸۸
سوالات و استفتاءات با محوریت نیابت .....	۸۸
استطاعت و نفقه .....	۱۱۲
مسائل حج اموات .....	۱۱۳
استطاعت و ارثیه .....	۱۱۴
یازده مسأله در باب وصیت به حج از منظر امام خمینی (ره) .....	۱۱۵
حج و وجوه شرعیّه (سهم امام - سهم سادات - نذورات) .....	۱۱۸
مسائلی پیرامون نذر و عهد و قسم در حج .....	۱۱۹
تکسب و حج .....	۱۲۵
مشقت و حج .....	۱۲۶
عوامل (خدمه - پزشکان - روحانی کاروان) در حج .....	۱۲۷
استفتاءات استطاعت در پاسخ به شبهات .....	۱۲۸
مسائلی در حج استحبابی .....	۱۵۴
اقسام عمره .....	۱۵۶
احکام عمره .....	۱۵۷
اقسام حج .....	۱۵۸
فاصله بین عمره تمتّع با عمره مفرده .....	۱۵۹

۱۶۰	.....	صور متصور در حج افراد و عمره مفرده
۱۶۱	.....	فرق های بین عمره مفرده و تمتع
۱۶۳	.....	اختصاری بر انجام حج تمتع
۱۶۳	.....	حج تمتع
۱۶۴	.....	استفتاءات اقسام عمره و حج
۱۷۲	.....	تفصیلی در بیان اعمال عمره تمتع و حج تمتع
۱۸۴	.....	مسائل متفرقه میقات
۱۹۱	.....	استفتاءات میقات
۲۰۲	.....	واجبات احرام
۲۰۲	.....	اول- نیت
۲۰۶	.....	دوم- تلبیه، یعنی لبیک گفتن
۲۱۰	.....	سوم- پوشیدن دو جامه احرام برای مردان
۲۱۸	.....	استفتاءات احرام
۲۲۴	.....	مستحبات احرام
۲۲۶	.....	مکروهات احرام
۲۲۷	.....	محرمات احرام
۲۲۷	.....	اول: شکار صحرائی
۲۳۰	.....	دوم: جماع کردن با زن
۲۴۰	.....	سوم: عقد کردن زن
۲۴۳	.....	چهارم: استمناء

۲۴۴	پنجم: استعمال عطریات
۲۴۸	ششم: پوشیدن چیز دوخته
۲۵۴	هفتم: سرمه کشیدن
۲۵۶	هشتم: نگاه کردن در آینه
۲۵۸	نهم: پوشیدن موزه و چکمه و گیوه و جوراب و هر چه تمام روی پا را می‌گیرد
۲۵۹	دهم: فسق و فسوق
۲۶۰	یازدهم: جدال
۲۶۴	دوازدهم: کشتن جانورانی که در بدن ساکن می‌شوند
۲۶۶	سیزدهم: انگشتر بدست کردن به جهت زینت
۲۶۸	چهاردهم: پوشیدن زیور است برای زن به جهت زینت
۲۶۹	پانزدهم: روغن مالیدن است به بدن
۲۷۱	شانزدهم: ازاله مو است از بدن خود
۲۷۴	هفدهم: پوشانیدن مرد است سر خود را به هر چه او را بپوشاند
۲۷۹	هیجدهم: پوشانیدن زنان روی خود را به نقاب و روبند و برقع
۲۸۲	نوزدهم: سایه قرار دادن مرد است بالای سر خود
۲۸۸	بیستم: بیرون آوردن خون است از بدن خود
۲۹۰	بیست و یکم: ناخن گرفتن
۲۹۴	بیست و دوم: کندن دندان
۲۹۴	بیست و سوم: کندن درخت یا گیاهی که در حرم روییده
۲۹۸	بیست و چهارم: سلاح در برداشتن

۲۹۹.....	مسائل متفرقه محرماتِ احرام
۳۰۲.....	سوالات و جواب هایی پیرامون استفتاءات کفاراتِ احرام
۳۱۵.....	مستحبات دخول حرم
۳۱۶.....	مستحبات دخول مکه معظمه
۳۱۶.....	آداب دخول مسجد الحرام
۳۱۹.....	طواف واجب و بعضی از احکام آن
۳۲۱.....	واجبات طواف
۳۲۲.....	قسم اول- چیزهایی که شرط طواف است
۳۲۲.....	۱- نیتاست یعنی باید طواف را با قصد خالص برای خدا به جا آورد.
۳۲۳.....	۲- طاهر باشد.
۳۳۲.....	۳- طهارت بدن و لباس از نجاست
۳۳۵.....	۴- ختنه کردن در حق مردان.
۳۳۷.....	۵- ستر عورت
۳۳۸.....	قسم دوم- شرایط خاص در حقیقت طواف
۳۳۸.....	اول- آن که ابتداء کند به حجر الاسود
۳۴۰.....	دوم- ختم نمودن هر دوری است به حجر الاسود
۳۴۱.....	سوم- آن که در طواف کردن، خانه کعبه در طرف چپ طواف کننده واقع شود
۳۴۳.....	چهارم- داخل کردن حجر اسماعیل علیه السلام در طواف
۳۴۴.....	پنجم- طواف بین خانه کعبه و مقام حضرت ابراهیم علیه السلام از همه اطراف
۳۴۸.....	ششم- خروج طواف کننده از خانه و آن چه از آن محسوب می شود

۳۴۹.....	هفتم - آن که هفت شَوُط یعنی هفت دفعه دور بزنند نه کمتر و نه زیادتر .....
۳۶۵.....	مسائل متفرقه طواف.....
۳۶۹.....	پرسش هایی در باب استفتاءات طواف .....
۴۰۹.....	استفتاءات مراجع پیرامون احکام خاص بانوان در طواف .....
۴۱۹.....	استفتاءاتی در باب معذورین و امور مُشْتَبَه در طواف .....
۴۳۳.....	آداب و مستحبات طواف .....
۴۳۴.....	بیان چند مسأله در باب احکام حج مستحبی .....
۴۳۵ ..	<b>بخش دوم منشور مَوْقِفِین در حج از منظر مذاهب خمسّه (امامیه و حنبلی - شافعی - مالکی - حنفی) ..</b>
۴۳۷.....	مدخل و پیشگفتار نویسنده .....
۴۳۹.....	<b>فصل اول: مفهوم شناسی مَوْقِفِین .....</b>
۴۴۱.....	وقوف در لغت .....
۴۴۱.....	مَوْقِفِین در معنای اصطلاحی .....
۴۴۲.....	حج اکبر از منظر قرآن .....
۴۴۶.....	رفع یک شبهه .....
۴۴۹.....	وقت شناسی در «مَوْقِفِین» .....
۴۵۰.....	قول مشهور فقها .....
۴۵۱.....	حضور امام زمان (عجل الله) در حج .....
۴۵۱.....	پیام های «خُدُوا عَنِّي مَنَاسِكُمْ» .....
۴۵۲.....	احکام وادی مُحَسِّر .....

۴۵۲	از جمله موافق، عرفات و مَشْعَر
۴۵۳	لقای دوست در عرفه
۴۵۵	مَشْعَر
۴۵۵	وجه تسمیه مَشْعَر
۴۵۶	تفاوت های زمان جاهلیت و اسلام در وقوف عرفات و مَشْعَر
۴۵۷	اقسام هشتگانه وقوفین
۴۵۸	اوقات در مَوْقِفِین
۴۵۸	حکم درک یکی از مَوْقِفِین
۴۶۰	حکم تارکِ وقوفین
۴۶۱	بررسی نحوه دعا در وقوفین
۴۶۲	حکم وقوف بر بالای کوه‌ها
۴۶۲	حکم فرد خواب، مجنون و سکران در وقوفین
۴۶۴	حکم مجامعت در وقوفین
۴۶۸	بررسی قاعده حرمت اهانت و کوچک شمردن (تحقیر) حُرُمات الهی
۴۷۴	موارد تطبیق قاعده «حرمت اهانت به امور محترم در دین»
۴۷۶	توضیح برخی مناطق مرتبط با مَوْقِفِین
۴۷۹	فصل دوم: اولین وقوف (عرفات) از منظر امامیه
۴۸۱	اعمال قبل از رفتن به عرفات (مستحبات و واجبات)
۴۸۱	الف - مستحبات
۴۸۳	ب - واجبات



۴۸۵	حکم اعمال موقفین در روزهای مشتبه
۴۸۶	نقش قاعده «الضرورات تبيح المحظورات»
۴۸۶	تبیین قاعده:
۴۸۷	عرفات، توقفگاه اول
۴۹۱	بیان فلسفه توقفگاه اول، بر ردّ برخی شبهات در سیره ابی عبدالله و رسول خدا (ص)
۴۹۴	اهمیت وقوف در عرفه
۴۹۶	حدّ عرفه
۴۹۷	مشخصات عرفه
۴۹۷	وقت وقوف در عرفات
۴۹۷	حکم کوچ کننده از عرفات قبل از غروب خورشید
۴۹۸	ضرورت خواندن نماز عشائین در «مشعر الحرام»
۴۹۸	مفهوم شناسی حدیث «أصحاب الأراک لا حجّ لهم»
۴۹۹	آداب حرکت به سوی عرفه
۵۰۰	احکام و مسائل خاص در عرفه
۵۰۲	مفهوم شناسی آیه «ثم أفيضوا من حيث أفاض الناس»
۵۰۲	فرصت آشتی با معبود در عرفات
۵۰۳	وقوف عرفات، یاد آور کوتاهی عمر
۵۰۳	تفسیر دعای «عرفه» از جانب امام حسین (ع)
۵۰۵	اسرار وقوف عرفات در حدیث شبلی
۵۰۷	جایگاه دعا در عرفات

۵۰۹	خروج از مکه به سمت «منا» و وقوف در «عرفه»
۵۱۰	نحوه حرکت به سوی عرفات در سپیده دم
۵۱۱	محدوده عرفات
۵۱۲	دعای موقوف
۵۱۴	در کیفیت کوچ از عرفات
۵۱۶	شاخصه های روز عرفه
۵۱۹	موقوف های عرفات و مشعر
۵۲۱	وقوف در عرفه و حد موقوف
۵۲۴	دعا برای دیگران در موقوفین
۵۲۶	زمان کوچ از عرفات
۵۲۸	استفتائات مقام معظم رهبری در باب وقوف در عرفات
۵۳۰	پاسخ آیه الله خامنه ای به سؤالاتی پیرامون وقوف در عرفات
۵۳۱	مستحبات وقوف به عرفات در نظر آیه الله خامنه ای
۵۳۲	مستحباتی از احرام حج تا وقوف به عرفات مطابق با فتاوی امام خمینی (ره)
۵۳۲	وقوف به عرفات در نظر امام خمینی (ره)
۵۳۶	مستحبات وقوف به عرفات
۵۳۹	پاره ای از نظرات آیه الله لطف الله صافی گلپایگانی
۵۴۰	در محضر آیه الله زنجانی
۵۴۰	موقوفین از منظر آیه الله مظاهری
۵۴۱	اهمیت عرفات در محضر درس خارج فقه آیت الله مکارم شیرازی

۵۴۱.....	وجه تسمیه عرفات، در نظر آیه الله مکارم شیرازی
۵۴۲.....	مستحبات وقوف به عرفات در کلام آیه الله مکارم شیرازی
۵۴۳.....	جلوه عرفه در کلام استاد جوادی آملی
۵۴۵.....	فصل سوم: دومین موقوف (مَشْعَر الحرام) از منظر امامیه
۵۴۷.....	واژه شناسی و مفهوم شناسی مَشْعَر
۵۴۷.....	علت وقوف در مَشْعَر و وجه نامگذاری آن به مزدلفه - جمع و أَبْطَح
۵۴۷.....	زمان کوچ از عرفات، به سوی مَشْعَر
۵۴۸.....	زمان وقوف در مَشْعَر (بیان اقوال)
۵۴۹.....	مَشْعَر، کلاس شبانه خدا
۵۵۲.....	مفهوم رکن در شریعت و دین
۵۵۲.....	رکن بودن وقوف در مَشْعَر
۵۵۶.....	امور مستحب، در مسیر حرکت به سوی مَشْعَر
۵۵۷.....	حکم نماز مغرب و عشاء در مزدلفه
۵۵۸.....	آداب وقوف در مَشْعَر الحرام
۵۵۹.....	آداب در راه رسیدن به مَشْعَر
۵۶۰.....	مَشْعَر، جایگاه شعور انسان و معجزه الهی
۵۶۰.....	مسائل پیرامون کوچ از مَشْعَر
۵۶۱.....	واجبات در «مَشْعَر»
۵۶۴.....	مستحبات در «مَشْعَر»
۵۶۵.....	حکم مجامعت در مَشْعَر

وقوف در مَشْعَر الحرام.....	۵۶۶
شب مزدلفه و وقوف در مَشْعَر و کوچ از آن.....	۵۶۶
توصیه ای در مورد زنان.....	۵۶۹
محدوده «مَشْعَر».....	۵۶۹
قاعده ای در اثبات وقوف در مَشْعَر.....	۵۷۰
قاعده «كُلُّ مَنْ أَدْرَكَ الْمَشْعَرَ فَقَدْ أَدْرَكَ الْحَجَّ».....	۵۷۰
تعریف قاعده.....	۵۷۰
وادی مُحَسِّر.....	۵۷۰
سعی در وادی مُحَسِّر.....	۵۷۰
حکم جاهل بر وقوف در مَشْعَر.....	۵۷۲
نمونه ای از تساهل و تسامح بر وقوف در مَشْعَر.....	۵۷۲
احکام کوچ از مَشْعَر به سوی مِنا.....	۵۷۴
حکم عبور فردی از مزدلفه با عجله قبل از فجر.....	۵۷۵
نحوه وقوف زنان و افراد خائف در مَشْعَر.....	۵۷۵
حکم عدم وقوف در مَشْعَر.....	۵۷۷
احکام در «مَشْعَر» (واجب - مستحب).....	۵۷۷
احکام تارکِ مَشْعَر، از روی عمد.....	۵۷۸
حکم فرد فراموشکار مَشْعَر.....	۵۸۰
استفتائات آیه الله خامنه ای پیرامون وقوف در مَشْعَر الحرام.....	۵۸۱
پاسخ آیه الله خامنه ای به سؤالات با محوریت وقوف در مَشْعَر الحرام.....	۵۸۴

۵۸۵.....	مستحبات وقوف به مشعرالحرام
۵۸۶.....	پاسخ آیه الله جوادی آملی به چند سؤال از مشعر
۵۸۷.....	<b>فصل چهارم: نظرات اهل سنت در موقوفین</b>
۵۸۹.....	ذی الحجّة، از جمله ماه‌های حرام
۵۹۰.....	واجبات حج
۵۹۰.....	بررسی رکن در موقوفین
۵۹۱.....	زمان حرکت از منا به سوی عرفه
۵۹۲.....	ذکر تکبیر در مسیر به سوی عرفه
۵۹۲.....	نحوه ورود به عرفه
۵۹۲.....	ورود به عرفه
۵۹۲.....	خواندن خطبه (سخنرانی) از سوی پیامبر (ص) در عرفه
۵۹۳.....	وقوف در عرفه
۵۹۴.....	وجوب وقوف در عرفه و نحوه آن
۵۹۴.....	حکم رکن بودن عرفه
۵۹۵.....	مکان وقوف در عرفه
۵۹۶.....	مفهوم «عرفه کلها موقوف»
۵۹۷.....	حکم وقوف در عرفه
۵۹۷.....	حدّ عرفه
۵۹۸.....	زمان وقوف
۵۹۹.....	احکام خاصّ عرفه

- ۱- ایراد سخنرانی (خطبه) امام در عرفه قبل از نماز ..... ۵۹۹
- ۲- کوتاه بودن سخنرانی (خطبه) در عرفه ..... ۶۰۰
- ۳- جمع بین نماز ظهر و عصر و نحوه اذان در روز عرفه ..... ۶۰۰
- ۴- تعجیل در خواندن نماز روز عرفه ..... ۶۰۲
- ۵- نحوه خواندن نماز ظهر و عصر عرفه (از نظر جماعت یا فرادی، شکسته یا تمام) ..... ۶۰۲
- ۶- بلند کردن دو دست در دعای عرفه ..... ۶۰۲
- ۷- امر به آرامش در هنگام کوچ از عرفه ..... ۶۰۳
- برخی امور مستحب در عرفه ..... ۶۰۳
- از جمله شرایط وقوف کننده ..... ۶۰۴
- امور واجب در وقوف ..... ۶۰۶
- نظر حنبلی و شروط حضور در عرفه ..... ۶۰۷
- نظر اشتراکی شافعی و حنبلی ..... ۶۰۷
- اختلاف مذاهب چهارگانه در نحوه خواندن نماز ظهر روز عرفه ..... ۶۰۹
- مقدار وقوف و نحوه آن ..... ۶۱۰
- حکم حج کننده ای که وقوف در عرفه از او فوت شده ..... ۶۱۱
- حکم جماع در موقفین ..... ۶۱۲
- مستحبات وقوف در عرفه و آدابش ..... ۶۱۴
- شروط وقوف در عرفه ..... ۶۱۹
- کیفیت حرکت (کوچ) از عرفه ..... ۶۲۱
- نزول (فرود آمدن) در مکانی بعد از دور شدن از عرفه ..... ۶۲۱



۶۲۲	وقوف در مزدلفه.....
۶۲۲	اول - صفت و وصف شرعی.....
۶۲۳	مَشْعَر الحرام.....
۶۲۳	دلیل وجوب بیتوته در مزدلفه.....
۶۲۴	دوم - رکن بودن وقوف در مزدلفه.....
۶۲۵	سوم - مکان وقوف در مزدلفه.....
۶۲۶	چهارم - زمان وقوف در مزدلفه.....
۶۲۸	احکام خاص مزدلفه.....
۶۲۸	۱- جمع بین نماز مغرب و عشا.....
۶۲۹	۲- مقدم کردن زنان و کودکان به منازلشان در مزدلفه.....
۶۲۹	۳- مجوز زنان در کوچ از مَشْعَر، قبل از صبح.....
۶۲۹	۴- وقت خواندن نماز صبح در مزدلفه.....
۶۳۰	۵- حکم فردی که نماز صبح را با امام در مزدلفه درک نکرد.....
۶۳۱	۶- تلبیه در مزدلفه.....
۶۳۱	۷- وقت کوچ از جمع (مزدلفه).....
۶۳۱	پنجم - حکم فوت شدن وقوف در مزدلفه از وقتش.....
۶۳۲	ششم - مستحبات وقوف در مزدلفه.....
۶۳۵	منابع و مآخذ.....





در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) که فرمودند: «اما من کان من الفقهاء صائنا لتفیه، حافظ الدینه، مخالفا علی هواه، مطیعه لامر مولاه، فللعوام این یقلدوه» هر کدام از فقها که صیانت نفس دارد، از دینش محافظت می نماید، با هوای نفس مخالفت می کند و امر مولای خود (انمهی معصومین ع) را اطاعت می کند، پس بر مردم است که از او تقلید کنند. (وسائل الشیعه، ج 27، ص 131).

که این ویژگی ها در بعضی از فقهای شیعه موجود است. (مجتهدین).

حال با لطف الهی و عنایت آقا امام زمان (عجل الله) و یاری همسرم در سال 1394 به حج تمتع مشرف شدم. با عبور از دو سرزمین عرفات و مشعر الحرام، وقتی به منطقه « منا » رسیدم؛ دغدغه ای داشتم و دنبال گمشده ای بودم؛ و بعد از مدتی متوجه شدم، گم گشته من؛ همان عدم شناخت وافی از عرفات و مشعر بوده که مرا سرگشته و گم گشته کرده. آرزو داشتم که ای کاش؛ مجددا خداوند توفیق سفر معنوی را قسمتم کند، تا بر عمق درک و معرفتم در حج بیافزایم.

حادثه « منا » را پشت سر گذاشتم و افسوس می خوردم که چرا زمان به این سرعت می گذرد و بر معرفتم چیزی افزوده نشده است؛ و همچنان در خوابم.

لذا بر خود ضروری دانستم؛ تا در سال های آتی هر کسی که قصد تشریف را داشته، تأکید نمایم که حتما از قبل با نظرات مجتهد خود آشنا شوند؛ و حتی از نظرات برادران اهل سنت مذاهب اربعه) هم مطلع گردند. بر کسی پوشیده نیست که مناسک و مسائل فقهی حج دارای گستره عظیم بوده و هر روز که میگذرد با وقوع مسائل مستحدثه، بر گستره آن افزوده می شود.

زراره بن أعین که از شاگردان برجسته امام صادق علیه السلام است، خطاب به آن حضرت می گوید:

حدود چهل سال است که از حج می پرسم و شما پاسخ می دهید و هنوز هم مسائل آن تمام نشده است.

و امام صادق علیه السلام در پاسخ وی فرمودند:

خانه ای که دو هزار سال پیش از پیدایش آدم علیه السلام حج گزارده می شده است، توقع داری در چهل سال مسائل آن پایان یابد؟» اکنون در این زمان با وقوع مسائل مستحدثه و تعدد فتاوی مراجع، کار برای عموم مردم و به ویژه روحانیون محترم کاروان ها مشکل تر گردیده است.

چه ایرادی دارد که شیعیان و اهل سنت از نظرات مذاهب یکدیگر جو یا شوند (تقریب مذاهب)؟ و با چشم و فکر باز، راهی این سفر معنوی شوند؟ تا با تعاملات و ارتباطات فرهنگی و ایجاد اتحاد اسلامی در بین مسلمانان جهان، نقشه شوم دشمنان مبنی بر ایران هراسی و اسلام ستیزی را نقش بر آب کرده و پرچم بقیه الله بر فراز کعبه بیفشانیم.

« ان شاء الله »

مولود گرمودی ثابت استادیار دانشگاه آزاد اسلامی - واحد مشهد

17 ربیع الاول 1442 مصادف با آبان 1396

ص: 24

بخش اول: حج در سایه سار زلال احکام (نظرات مراجع تقلید)

اشاره

ص: 25



«حج» در لغت، قصد کردن چیزی را گویند(1) و البته «فاضل مقداد» می فرماید: (2) «و هو لغه القصد المتكرر» در لغت به معنای قصدی که تکرار می شود.

در اصطلاح شرع، «حج» عبادت مخصوصی است که در زمان و مکان معین، و به شکل خاصی، در جوار بیت الله الحرام به منظور اطاعت و تقرب به خدا انجام می شود. (3) ارتباط میان معنای لغوی و اصطلاح شرعی در این جا است که شخص برای انجام اعمال مخصوصی قصد زیارت خانه خدا را می کند. (4) و در فرهنگ فارسی عمید 1. زیارت، زیارت کعبه 2. آهنگ، حرکت، قصد 3. آهنگ کردن، قصد کردن 4. به زیارت رفتن 5. با دلیل غلبه کردن

### مترادف حج:

زیارت، زیارت کعبه، آهنگ، حرکت، قصد، آهنگ کردن، قصد کردن، به زیارت رفتن، با دلیل غلبه کردن.

صاحب کشف گوید: به فتح حاء مهمله و تشدید جیم منقوطة در لغت قصد به سوی چیزی است. و در شریعت قصد به سوی بیت الحرام یعنی کعبه است به اعمال مخصوصه در وقت مخصوص. و در پاره ای از لغات به کسر حاء مهمله خوانند. برخی گفته اند: کسر لغت اهالی نجد و فتح لغت غیر آنهاست. جمعی دیگر گفته اند: به فتح اسم و به کسر مصدر باشد. و بالعکس نیز گفته اند، چنانچه در فتح الباری و جامع الرموز گفته، و در بیرجندی آورده که: حج در لغت قصد است و استعمال آن غلبه کرده است بر قصد کعبه برای اجراء اعمال

ص: 27

1-1- جمهره اللغه، ج 1، ص 86.

2-2- کنز العرفان، ج 1، ص 257

3-3- القاموس الفقهي لغه واصطلاحا، ص 76 و مجمع البحرين، تحقیق، حسینی، سید احمد، ج 2، ص 285.

4-4- الجمل و العقود فی العبادات، مترجم، واعظ زاده خراسانی، محمد، ص 324.

معروف. و حجه به کسر، یک مرتبه حج گزاردن باشد. و قیاس فتح است. جز اینکه شنیده نشده است. خلیل گوید: حج فلان علینا؛ ای قدم . پس لفظ حج اطلاق شده است بر قدم به سوی مکه - زیارت کعبه بدانسان که در شرع وارد است.

## حج در اصطلاح

حج ملاقات خانه خدا و سنت ابراهیم (علیه السلام) است و یکی از مهم ترین فروع دین اسلام است؛ که مسلمانان در دهه اول آخرین ماه قمری ذی الحجه به مسجد الحرام در شهر مکه در عربستان رفته و مناسک خاص آن را به جا می آورند. هر مسلمان در صورت دارا بودن شرایطی خاص، مکلف است حداقل یک بار در طول عمر خود آن را انجام دهد.

## اسلام و تعدیلاتی در حج

حج نخستین بار در دین ابراهیم انجام شد و آیین های حج و عمره، احرام، لثم و لمس حجرالاسود، سعی بین صفا و مروه، وقفه در عرفات و رمی جمره، همگی پیش از اسلام رایج بود و تنها برخی تعدیلات در حج اسلامی نسبت به پیش از اسلام روی داده است.

اعراب پیش از اسلام هنگام طواف «لبیک یا لات»، «لبیک یا عزی» و «لبیک یا منات» می گفتند و هر قومی بت خود را می خواند و در اسلام، «اللهم» جای بت ها را گرفت و آن عبارت بدین شکل تغییر کرد: «لبیک اللهم لبیک».

عرب ها صید را در ماه حج حرام می دانستند. پیامبر اسلام حرمت صید را فقط در ایام حج و هنگام حرام مقرر کرد. عرب ها گاهی برهنه به پیرامون گردی (طواف کعبه می پرداختند. اسلام آن را منع کرد و پوشیدن لباس دوخته نشده را مقرر کرد. عرب ها از خوردن گوشت قربانی اکراه داشتند و پیامبر اسلام آن را مجاز دانست.

مسلمانان پس از فتح مکه و برانداختن بت های قریش از سعی میان صفا و مروه اکراه داشتند؛ زیرا پیش از اسلام بر این دو کوه دو بت سنگی قرار داشت که حاجیان و زائران آن دوره سعی بین صفا و مروه را برای نزدیک شدن به آنها و دست کشیدن و بوسیدن آنها انجام می دادند؛ ولی محمد سعی بین صفا و مروه را مجاز کرد و بنا بر متن قرآن این کار از شعائر الله دانسته می شود .

## رویدادهای تأسف بار در ایام حج ابراهیمی

برخی از رویدادهای مرگبار پیش آمده در آیین های حج بدین شرح است:

سال 1944: ابوطالب یزدی، در حین انجام طواف در مسجدالحرام دچار استفراغ شد، وی توسط مأموران عربستان گردن زده شد، چهار سال روابط ایران و عربستان مختل گردید.

سال 1986: در میان وسایل یکی از کاروان های حج ایرانی، مواد منفجره تی ان تی پیدا شد.

سال 1987: چهار صد نفر در درگیری بین نیروهای امنیتی عربستان و معترضان حامی ایران کشته شدند.

سال 1990: هزار و چهارصد و بیست و شش نفر از حاجیان در تونل منتهی به اماکن مقدس کشته شدند.

سال 1994: دویست و هفتاد نفر در اثر ازدحام جمعیت کشته شدند.

سال 1997: بر اثر آتش سوزی، 343 حاجی کشته و هزار و پانصد نفر مجروح شدند.

سال 1998: حداقل یکصد و هجده نفر بر اثر ازدحام جمعیت کشته شدند.

سال 2001: سی و پنج نفر در اثر ازدحام جمعیت کشته شدند.

سال 2004: دویست و پنجاه و یک نفر بر اثر ازدحام جمعیت کشته شدند.

سال 2006: سیصد و چهل و پنج نفر در مراسم سنگ زنی به نماد شیطان کشته شدند.

سال 2015: در فرودگاه جدّه، مأمورانی به بهانه مشکوک شدن به دو نوجوان ایرانی آنها را از بقیه جدا می کنند و دو نوجوان در بازگشت به ایران به بهانه بازرسی بدنی از خانواده های خودشان جدا می شوند. مأموران این دو را به بخش بازرسی خواهران برده و به بهانه بازجویی بدنی هردوی این نوجوانان را برهنه کرده و خودشان نیز برهنه شده اند، دراثنا بازرسی، سایر افراد کاروان متوجه شدند که مأموران قصد آزار و اذیت جنسی آن دو نوجوان را داشته اند و تعرض به این دو نوجوان ناکام می ماند.

سال 2015: عصر روز جمعه 20 شهریورماه یک بالابر بزرگ بر اثر شدت باد و طوفان در مکه به داخل مسجد الحرام در نزدیکی مقام ابراهیم سقوط کرد که منجر به کشته و زخمی شدن ده ها تن از حجاج حاضر در محل شد. این حادثه در فاصله چهار روز مانده به آغاز ماه ذی الحجه و ادای مناسک حج تمتع رخ داد.

سال 2015: روز پنج شنبه 2 مهرماه: براثر ازدحام جمعیت و عدم مدیریت برگزارکنندگان

سعودی، تعداد زیادی از حاجیان در منطقه منا کشته و زخمی شدند. تعداد جانباختگان ایرانی در این حادثه منا 464 نفر اعلام شد و بر اساس مجموع آمار استخراج شده از گزارش های جداگانه کشورها، تعداد جانباختگان تا تاریخ 28 آبان 1394، 2/474 نفر است. رسانه های ایرانی به نقل از سعید اوحدی، که در آن زمان رئیس سازمان حج و زیارت بود، شمار کلی جانباختگان را حدود 7700 نفر گزارش کرده اند و با استناد به آمار غیررسمی و مشاهدات میدانی

کرده اند این آمار به بیش از 8000 نفر خواهد رسید.

سال 2020: به دلیل بیماری کوید 19 (کرونا) هیچیک از کشورها به حج مشرف نشدند.

## جایگاه و فضیلت حج

بدان که بر هر مکلف که جامع شرایط باشد و جوب حج به دلیل قرآن و احادیث وارد از نبی اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام ثابت است.

حج یکی از ارکان دین است و از ضروریات آن بشمار می رود. ترک حج با اقرار به وجوب، یکی از گناهان کبیره و با انکار، موجب کفر است.

لذا حج واجب است به ضرورت دین و منکر آن با التفات به لزوم آن کافر است، و کسی که ترک کند آن را به واسطه سبک شمردن و بی اهمیت دانستن آن، در عقاب با کافر شریک است، و ترک آن بدون استخفاف و سبک شمردن از گناهان کبیره است. (1)

خداوند متعال در قرآن مجید فرموده است: « ولله علی الناس حج البیت من استطاع إلیه سبیلا ومن كفر الله غنی عن العالمین». (2)

شیخ کلینی قدس سره به طریق معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت نموده که: هر کس از دنیا رود و حجه الاسلام را به جا نیاورد بدون این که او را حاجتی ضروری باشد یا آن که به جهت بیمار شدن از آن باز ماند یا آن که پادشاهی از رفتن آن جلوگیری نماید، چنین کس در حال مردن به یهودیت یا نصرانیت از دنیا خواهد رفت. (3)

ص: 30

---

1-1- نجاه العباد (للإمام الخميني)، ص 204.

2-2- آل عمران: 97.

3-3- مناسک حج (المحشى للإمام الخميني)، ص 16 و مناسک حج آیه الله خامنه ای، ص 2.



این آیه و این روایت در اهمیت حج و وجوب آن کافی است و روایات بسیاری در این دو قسمت وارد شده که این مختصر، گنجایش ذکر آنها را ندارد.

حج از نظر شرعی مجموعه ای از اعمال مخصوصی است که به قصد اطاعت پروردگار انجام می گیرد و یکی از ارکانی است که اسلام بر آن بنا شده است. امام محمد باقر علیه السلام می فرماید:

«بنی الاسلام علی خمس، علی الصلاه والزکاه والصوم والحج والولایه»

«اسلام بر پنج پایه استوار گشته است: نماز، زکات، روزه، حج و ولایت». حج خواه واجب باشد و خواه مستحب، دارای فضیلت بسیار و پاداش فراوان است. روایات زیادی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت او علیهم السلام در فضیلت حج وارد شده است.

امام خمینی (ره) در این باب به دو مسأله اشاره نموده اند: (1)

مسأله 1: حج در عمر با شرایط وجوب یک مرتبه واجب است و وجوب آن فوری است، و اگر در سال اول ترک کند سال بعد بر او واجب است فوراً، و هم چنین هر سالی تعویق بیندازد در سال بعد باید فوراً به جا آورد.

مسأله 2: اگر حج بر مقدماتی توقف داشته باشد مثل گرفتن تذکره و مهیا کردن وسائل سفر باید همه را تهیه کند، به طوری که در همان سال استطاعت برسد به مکه، و اگر اهمال کند معصیت کار است و حج بر گردن او مستقر می شود.

### نظرات مجتهدین بر التزام عملی در حج

پیرامون اعتقاد نظری و عملی به انجام فریضه حج، به بخشی از نظرات مجتهدین می پردازیم: (2)

\*\*\* آیات عظام (خوئی)، (سیستانی)، (تبریزی): در صورتی که مستند به شبهه نباشد.

\* آیه الله (بهجت): در صورت منافات با بقاء تصدیق به وحدانیت خالق یا بقاء تصدیق به نبوت.

\* آیه الله (فاضل): چنانچه به انکار رسالت برگشت کند.

ص: 31

1-1- نجاه العباد (للإمام الخميني)، ص 204.

2-2- مناسک حج (المعشى للإمام الخميني)، ص 16.

\* آیه الله (مکارم): در صورتی که علم به ضروری بودن آن داشته باشد.

\* آیه الله (غروی): شاید به همین مناسبت است که در آیه مبارکه فرموده است و من كفر فإن الله غني عن العالمين از ترک حج تعبیر به کفر فرموده است. (1)

\* آیه الله سیستانی: در این فوریت (حججه الاسلام که حج واجب بر شخص مستطیع است، بیش از یک مرتبه در تمام عمر واجب نیست). دو وجه است: اول: این که شرعی باشد، و گویا مشهور هم همین باشد. دوم: این که عقلی باشد از باب احتیاط تا مبادا تأخیر آن منجر به ترک واجب بدون عذر شود که در این صورت مستحق عقوبت خواهد بود.

وجه اول احوط و دوم اقوی است. پس اگر آن را از سال اول استطاعت تأخیر انداخت بدون این که اطمینان داشته باشد که بعداً می تواند آن را انجام دهد ولی بعداً موفق به انجام آن شود متجری می شود، و اگر اصلاً موفق نشود مرتکب گناه بزرگی شده است. (2)

\*\*\* آیات عظام (گلپایگانی)، (صافی)، (خوئی)، (تبریزی): بلکه بعید نیست تأخیر آن از گناهان کبیره باشد.

آیه الله (بهجت): و تأخیر آن بدون عذر حرام است و تکرار این تأخیر در سالها بدون توسیط توبه از گناهان کبیره مثل ترک حج است. (3)

\* آیه الله (فاضل): تأخیر آن معصیت است ولی کبیره بودن آن به طوری که مسقط عدالت باشد ثابت نیست.

### سخن در تهیه اسباب حصول استطاعت در حج

\* آیه الله مکارم): و در صورت حصول استطاعت چنانچه راه منحصر به نام نویسی برای چند سال بعد باشد آن نیز واجب است. (4)

\* آیه الله (بهجت): در صورت اعتماد و وثوق به این که با تأخیر نیز حج را حتماً درک خواهد کرد اظهر عدم وجوب خروج در اولین فرصت است. پس اگر اتفاقاً درک نکرد حج بر او مستقر

ص: 32

---

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، ص 16.

2-2- مناسک حج آیه الله سیستانی، ص 8.

3-3- مناسک حج آیه الله بهجت، ص 3.

4-4- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، ص: 17

نشده است و اما با عدم اعتماد مذکور پس مورد تأمل است و عدم حرمت تقویت احتمالی در موردی که دلیل خاص نباشد خالی از وجه نیست. (1)

\* آیه الله (گلپایگانی) و آیه الله (صافی): در صورتی حج مستقر می شود که معلوم شود اگر می رفت به حج می رسید.؟ (2)

\*\*\* آیه الله (خوئی) و آیه الله (تبریزی): مگر این که حرجی باشد که در این صورت بر خودش واجب نیست ولی بعد از مرگ وی باید از ترکه او حج به جا آورند.

\* آیه الله سیستانی): اگر تأخیر به علت اطمینان به درک حج در همین سال باشد و اتفاقاً نرسد حج بر او مستقر نخواهد شد. (3)

\* آیه الله (فاضل): در صورتی حج بر او مستقر می شود که اگر می رفت به حج می رسید.

\* آیه الله (فاضل): اگر انجام حج برای او حرجی باشد حج از خودش ساقط است، ولی باید خود او بعداً در صورت قدرت انجام دهد. و یا بعد از فوتش از ترکه او حج نیایی و لو از میقات انجام دهند.

## اقسام حج

حج را انسان یا برای خود انجام می دهد و یا از طرف شخص دیگر که به آن حج نیایی می گویند و هر یک از دو قسم یا واجب است یا مستحب. حجبی را که شخص برای خود انجام می دهد و در آئین اسلام بر هر مکلفی که مستطیع است، واجب می باشد، « حجه الاسلام » می گویند. و گاهی از راه های دیگر مثل نذر، عهد، قسم و باطل شدن حج انجام شده، واجب می شود.

هم چنین حج از نظر موقعیت و محل زندگی مسلمانان و چگونگی انجام آن به سه قسم تقسیم می شود: 1- حج تمتع 2- حج افراد 3- حج قرآن.

حج تمتع وظیفه کسانی است که چهل و هشت میل که تقریباً معادل نود کیلومتر است از

ص: 33

---

1-1- مناسک حج آیه الله بهجت، ص 1.

2-2- مناسک عربی آیه الله صافی گلپایگانی، مسأله 6، ص 12.

3-3- مناسک آیه الله سیستانی، مسأله 3.

مکه دور باشند. و حج افراد و قران وظیفه کسانی است که در مکه یا در کمتر از مسافت مذکور باشند. (1)

### مسائلی پیرامون حجه الاسلام بر مبنای نظر آیه الله خامنه ای

مسأله 1: حجه الاسلام برای فرد مستطیع در تمام مدت عمر فقط یک مرتبه واجب، و در دفعات بعد مستحب است.

مساله 2: وجوب حجه الاسلام بر شخص مستطیع فوری است یعنی واجب است آن را در اولین سال استطاعت به جا آورد. و تأخیر آن بدون عذر جایز نیست. و در صورتی که آن را به تأخیر بیندازد معصیت کرده و حج بر عهده او مستقر می شود و واجب است در سال بعد آن را انجام دهد.

مسأله 3: اگر درک حج در سال حصول استطاعت، متوقف بر مقدماتی مانند تهیه اسباب و مقدمات سفر باشد، تحصیل آن واجب است به طوری که اطمینان پیدا کند که در همان سال به حج می رسد. و در صورتی که شخص کوتاهی کند و در آن سال به حج نرسد، عصیان کرده است و حج بر او مستقر می شود و واجب است در هر صورت بعدا به حج برود هر چند استطاعت او از بین برود. (2)

### شرایط وجوب حجه الاسلام

با چند شرط، حج واجب می شود و بدون وجود تمامی آنها حج واجب نیست: 1- بلوغ 2- عقل 3- حریت (آزاد) 4- استطاعت. (3)

البته آیه الله خامنه ای قائل به سه شرط هستند و در مناسک حج خود به شرط حریت اشاره نمودند و دلیل آن شاید امروزه برده ای نیست تا احکام برده داری بیان گردد.

اول و دوم - بلوغ و عقل. پس بر کودک و دیوانه، حج واجب نیست.

ص: 34

---

1-1- مناسک حج آیه الله خامنه ای، ص 2.

2-2- مناسک حج (للخامنی)، ص 3.

3-3- مناسک حج (المحشی للإمام الخمینی)، ص 18.

\* آیه الله (بهجت): که قاصر باشد زمان افاقه او از اداء واجب فعلی بر او. (1)

\* آیه الله خامنه ای: شرط اول: عقل، پس حج بر مجنون واجب نیست.

شرط دوم: بلوغ، پس حج بر غیر بالغ واجب نیست هر چند نزدیک سن بلوغ باشد. و اگر غیر بالغ به جا آورد، هر چند حج او صحیح است ولی از حجه الاسلام کفایت نمی کند.

### مبحث بلوغ در حج از منظر آیه الله خامنه ای

- اگر کودک برای حج محرم گردد و هنگام درک وقوف در مشعر الحرام (مزدلفه) بالغ شود، در صورتی که مستطیع باشد، حج او کفایت از حجه الاسلام می کند. (مسأله 4).

- اگر کودک بعد از آن که محرم شد مرتکب یکی از محرمات احرام شود؛ در صید، کفاره آن بر عهده ی ولی طفل است، و در غیر صید ظاهر کفاره نه بر ولی طفل واجب است و نه بر خود طفل. (مسأله 5).

- پول قربانی در حج بر عهده ی ولی طفل است. (مسأله 6).

### سخن در باب بلوغ از نظر امام خمینی (ره) و سایر مجتهدین

#### امام خمینی (ره)

اگر غیر بالغ حج به جا آورد صحیح است، هر چند از حجه الاسلام کفایت نمی کند. (2)

اگر کودک ممیز برای حج محرم شود و در وقت درک مشعر الحرام بالغ باشد کفایت از حجه الاسلام می کند. (3) و هم چنین اگر مجنون قبل از درک مشعر عاقل شود.

### نظرات مجتهدین در مسأله بلوغ:

\* آیه الله (بهجت): کفایت ادراک آن چه با آن حج ادراک می شود اگر چه اضطراری مشعر باشد با انجام واجب از اضطراری عرفه خالی از وجه نیست. (4)؟

ص: 35

1-1- کتاب حج آیه الله بهجت، ص 2.

2-2- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، مسأله 4، ص 18.

3-3- همان، مسأله 5.

4-4- کتاب حج آیه الله بهجت، ص 3.

آیه الله (خوئی): کفایت از حجه الاسلام نمی کند. (1) \* آیه الله سیستانی): در مورد مجنون متعرض نشده اند.

\*\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): احوط بلکه اقوی عدم کفایت از حجه الاسلام است و هم چنین نسبت به مجنون، بنا بر این اگر سالهای بعد مستطیع بودند حجه الاسلام را به جا آورند. (2)

\* آیه الله (بهجت): با سائر شروط و با اداء واجبات لاحق، بدون نیاز به تجدید نیت حجه الاسلام یا تجدید نیت احرام یا نیت وجوب به مجرد کمال، و معتبر است از زمان کمال نه قبل از آن استطاعت او به قدر فراغ از واجبات حج بنا بر اظهر، و در صورت ادراک حج بنحو صحیح در اجزاء عمره سابقه بر کمال از متمتع تأمل است، و احوط اعاده عمره است بقصد وظیفه.

\* در مناسک حج « امام خمینی (ره) » چنین آمده است: (3)

- کسی که گمان می کرد بالغ نشده و قصد حج استحبابی کرد و بعد معلوم شد بالغ بوده، حج او کفایت از حجه الاسلام نمیکند مگر در صورتی که قصد وظیفه فعلیه را نموده و آن را بر حج ندبی اشتباها تطبیق کرده باشد.

- از برای بچه ممیز مستحب است حج رفتن، و صحیح است حج او اگر چه ولی او اذن ندهد، لکن بعد از بالغ شدن اگر استطاعت داشت باید حج برود و حج زمان کودکی کافی نیست.

\* آیه الله (فاضل): هر چند احتیاط مستحب آن است که در صورت استطاعت، حج را در سالهای بعد اعاده کند. (4) آیه الله مکارم): احتیاط واجب در هر دو اعاده بعد از آن است در صورتی که مستطیع شوند.

\* آیه الله (تبریزی): کفایت از حجه الاسلام نمی کند. بلکه اگر متمکن بود طبق مسأله 169 مناسک برای عمره تمتع احرام ببندد و اعمال عمره و حج را اتیان کند، کفایت میکند. و در غیر این صورت باید آن حج را اتمام کند و در سالهای آینده چنانچه مستطیع بود، حجه الاسلام را

ص: 36

1-1 - مناسک آیه الله خوئی، مسأله 4.

2-2 - مناسک عربی، مسأله 14، ص 14.

3-3 - المحشی للإمام الخمینی، ص 19.

4-4 - مناسک، ص 10.

به جا آورد و اگر مجنون قبل از فوت زمان عمره تمتع عاقل شود بر فرض استطاعت محرم شده و اعمال را انجام می دهد و در غیر این فرض اتمام حج بر او واجب نیست.

\* آیه الله (غروی): احوط لزومی عدم کفایت است و هکذا در مجنون.

\* آیه الله (فاضل): اگر کسی در میقات مجنون بود همراهان او می توانند او را رجاء مثل کودک غیر ممیز محرم کنند و چنانچه قبل از درک مشعر عاقل شود کفایت از حجه الاسلام می کند. و احتیاط این است که به اذن ولی شرعی او را محرم کنند. و احتیاط مستحب آن است که در سالهای بعد اگر مستطیع شد حجه الاسلام را اعاده کند.

\*\*\*\* آیات عظام (خوئی)، (تبریزی)، (سیستانی)، (بهجت)، (صافی): این حج کافی از حجه الاسلام می باشد.

آیه الله (خامنه ای): مگر این که نیت کند حجه را که شارع مقدس از او خواسته به جای آورد.

\* آیه الله (مکارم): در صورتی که قصد مأمور به واقعی را داشته باشد کفایت میکند.

آیه الله (غروی): یا قصد کند عملی را که اگر بالغ بوده همان واجب می شد در حقیقت آن از حجه الاسلام خالی از وجه نمی باشد.

آیه الله (اراکی): در صورتی که ولی او اذن بدهد، بنا بر احتیاط.

\*\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): حج برای غیر مکلف ممیز مستحب است ولی کفایت از حجه الاسلام نمیکنند و اذن ولی در صحت حج او شرط نیست، اگر چه در مواردی که حج او موجب تصرف در اموالش می شود، برای تصرف اذن ولی لازم است. (1)

\* آیه الله (بهجت): احرام صبی ممیز صحیح است و احوط در صورت استلزام تصرف در مال، اذن ولی است در صحت آن.

**بررسی تفصیلی اهم شرایط وجوب حج، از منظر امام خمینی (ره)**

**اشاره**

در باب شرایط وجوب حج، ایشان (امام خمینی (ره)) در طی 36 مساله به نحو کامل و مفصلی پرداخته اند: (2)

ص: 37

1-1- آداب و احکام حج، مسأله 5.

2-2- نجاه العباد (للامام الخميني)، ص 205.

## مسأله 1:

برای وجوب حج شرطهایی است از جمله: اول: به حد بلوغ رسیدن

پس بر طفل گر چه نزدیک به بلوغش باشد واجب نیست و اگر حج کند صحیح است، لکن بعد از بلوغ اگر مستطیع شد باید حج به جا آورد.

دوم: عقل

پس بر مجنون واجب نیست، مگر آن که مجنون ادواری باشد و دوره عاقل بودنش به قدری باشد که به حج و تحصیل مقدماتی که حاصل نیست برسد.

سوم: استطاعت از جهت مال و بدن و باز بودن راه و امن بودن و وقت داشتن برای حج کردن، و هر یک از اینها را فاقد باشد حج بر او واجب نیست.

## مسأله 2:

مراد از استطاعت، عقلی نیست، بلکه آن چیزی است که شرع معین فرموده، و آن دارا بودن زاد و توشه سفر است به هر مقداری که محتاج است به حسب اختلاف فصول و اختلاف اشخاص از حیث عزت و شرف و قوت و ضعف، و دارا بودن مرکوب است به هر نحوی که متعارف است، به طوری که اگر از آن به ما دون آن اکتفاء کند خلاف شأن و آبروی اوست که در این صورت واجب نیست و یا آن که رفتن با آن حرج و مشقت دارد و یا در معرض خطر است.

## مسأله 3:

اگر توشه سفر ندارد لکن می تواند بین راه با کسب تهیه کند واجب نیست حج بر او، و اگر برود کافی از حج واجب نیست.

## مسأله 4:

اگر کسی از محل سکونتش استطاعت ندارد، و لکن تا محلی بدون استطاعت رفت و از آنجا تا مکه به واسطه کمی راه مستطیع شد، یعنی خرج رفتن و برگشتن به وطنش را داشت، حج بر او واجب است در صورتی که شرایط دیگر هم موجود باشد.

ص: 38



## مسأله 5:

شرط است در وجوب حج، آن که توشه و نفقه رفتن و برگشتن را داشته باشد به طور متعارف، مگر آن که بخواهد در مکه بماند، در این صورت نفقه برگشتن لازم نیست، یا بخواهد به جای دیگر غیر از وطنش اقامت کند که نفقه برگشتن تا آنجا لازم است اگر نفقه کمتر باشد، و اما اگر بیشتر باشد ولکن از روی ناچاری باید در آن محل اقامت کند، شرط است نفقه تا آن محل را اگر چه از وطنش بیشتر است، دارا باشد.

## مسأله 6:

لازم نیست در استطاعت، آن که خود توشه راه و مرکب را داشته باشد، بلکه اگر پول توشه و کرایه مرکوب را داشته باشد مستطیع است، بلکه لازم نیست پولش را هم داشته باشد، بلکه اگر چیزی داشته باشد از آن چه که احتیاج به آن ندارد در معاش متعارف، مثل آن که زمینی داشته باشد زیادتر از مورد احتیاج که کفایت میکند بر خرج سفرش باید بفروشد و حج کند.

## مسأله 7:

واجب نیست که برای حج قرض کند گر چه بتواند به آسانی قرض را بدهد، بلکه اگر مال هم دارد لکن خریدار ندارد یا طلب دارد، لکن بدهکار طلب را قبل از موعد نمی دهد، واجب نیست قرض کند و مکه برود و مستطیع نیست.

## مسأله 8:

اگر نزدش چیزی نیست که با آن حج برود، لکن طلبکار از کسی است به مقداری که اگر بدهد می تواند حج برود، پس اگر موعد طلب رسیده است واجب است با هر وسیله طلبش را وصول کند و حج برود گر چه به رجوع به ظالم باشد و اگر موعدش نرسیده لکن اگر مطالبه کند می دهد، لازم نیست مطالبه کند و مستطیع نیست.

## مسأله 9:

اگر به اندازه خرج مکه مال دارد لکن شرایط دیگر مثل صحیح بودن بدن یا باز بودن راه حاصل نیست، می تواند آن مال را تصرف کند و از بین ببرد، و اما اگر شرایط حاصل است لکن وقت رفتن نرسیده و قافله حج راه نیفتاده و احتمال می دهد که اسباب دیگر مهیا شود و قافله

نیز حرکت کند نمی تواند در آن مال تصرف کند، و اگر تصرف کرد و کاروان حرکت کرد حج بر عهده او می آید. (1)

#### مسأله 10:

شرط است در وجوب حج باقی ماندن مال تا آخر اعمال و اگر تلف شود در بین راه؛ چه وقت رفتن و چه وقت برگشتن بدون اختیار او، معلوم می شود که مستطیع نبوده، و اما اگر خودش عمدا توشه و مرکوب خود را تلف کند حج به عهده او مستقر می شود و باید برود.

#### مسأله 11:

شرط است در وجوب حج، آن که علاوه بر خرج سفر، مخارج عیالات خود را در زمان رفتن و برگشتن داشته باشد به طور مناسب با حال آنها، و مراد از عیال آنهایی است که باید در نظر عرف خرج آنها را بدهد اگر در شرع واجب نباشد، مثل برادر فقیر که در منزل اوست و جزء خانواده او محسوب است، بلکه اگر یک نفر اجنبی هم عیال او شمرده شود در عرف، باید مخارج او را داشته باشد.

#### مسأله 12:

شرط است در وجوب حج، آن که پس از برگشت دارای چیزی باشد که او و عیالاتش را اداره کند از قبیل ملک و علاقه یا تجارت و زراعت و صنعت و کسب مناسب با حال او، و اگر سرمایه ندارد لکن با آبرو و جاهت می تواند تجارت کند و امرار معاش نماید، کفایت میکند و حج بر او واجب است.

#### مسأله 13:

اهل علم فقیر که با وجوه شرعیه امرار معاش میکنند و پس از برگشت از حج نیز به همان منوال امرار معاش می کنند اگر به قدر مخارج حج داشته باشند، حج بر آنها واجب نیست و همچنین فقرایی که با گدایی می گذارند و هم چنین کسانی که تفاوت نمیکند به حال آنها حج رفتن، و قبل از حج و بعد از حج به یک منوال هستند بر هیچ یک اینها حج واجب نیست.

ص: 40

#### مسأله 14:

شرط است در وجوب حج، استطاعت بدنی؛ پس بر مریضی که نمی تواند برود یا مشقت دارد برای او یا پرستار می خواهد و خرج او را ندارد حج واجب نیست.

#### مسأله 15:

شرط است در وجوب حج، آن که وقت وسعت داشته باشد، پس اگر مال دار شد در وقتی که برای رفتن با مقدمات لازمه وقت ندارد یا ممکن است خود را برساند با مشقت زیاد، حج بر او در این سال واجب نیست و اگر استطاعت او باقی ماند، سال دیگر واجب است حج کند.

#### مسأله 16:

شرط است در وجوب حج، آن که در راه مانعی از عبور نباشد و برای او امکان رفتن و تمام کردن عمل باشد و اگر راه خطرناک باشد به طوری که بر جان و یا عرض و یا مال خود می ترسد و راه هم منحصر است به همین راه، حج بر او واجب نیست. (1)

#### مسأله 17:

اگر رفتن به حج مستلزم ضرر مالی باشد، غیر از آن چه لازمه عادی حج است، پس اگر تحمل آن ضرر برای او حرجی است و مشقت و کلفت دارد بر او واجب نیست. و الا واجب است.

#### مسأله 18:

بعد از حاصل شدن شرایطی که ذکر شد اگر رفتن به حج موجب ترک واجبی یا فعل حرامی شد باید ملاحظه اهمیت را کرد، پس اگر حج اهم است باید حج برود و اگر یکی از آنها مهمتر است باید ترک کند رفتن را، لکن اگر رفت و حج کرد حرجش صحیح است و کافی است، گرچه معصیت کرده است در ترک واجب یا فعل حرام.

#### مسأله 19:

اگر کسی پیش از آن که مستطیع شده، نذر کند که به زیارت حضرت سید الشهداء

ص: 41

(علیه السلام) برود در هر روز عرفه، نذر او مانع از حج او نمی شود و باید حج برود و به نذر عمل نکند، لکن اگر حج نرفت باید به نذرش عمل کند و اگر عمل نکرد کفاره ترک نذر را باید بدهد.

#### مسأله 20:

اگر کسی خودش مالدار نیست و دیگری به قدر کفایت سفر حج در رفتن و برگشتن به او ببخشد که به حج برود واجب است قبول کند و برود، و اما اگر مالی ببخشد و اسم حج نیاورد واجب نیست قبول کند.

#### مسأله 21:

اگر کسی خرجی حج ندارد ولکن کسی دیگر او را برای حج مهمان کند و بگوید حج بکن و به عهده من مخارج حج و مخارج عیالت، حج بر او واجب می شود، به شرط آن که اطمینان و وثوق داشته باشد به قول طرف و در صورتی که مورد وثوق نباشد واجب نیست. و فرقی نیست بین آن که مخارج را به تدریج بدهد یا یک مرتبه بدهد و یا آن را ملک او کند برای حج رفتن یا نکند.

#### مسأله 22:

در این نحو از استطاعت که به بخشش حاصل می شود، شرط نیست که در وقت برگشتن دارای معاشی باشد که او را اداره بکند.

#### مسأله 23:

اگر مهمان دار در بین راه از قولش برگشت، بعید نیست که واجب باشد بر او مخارج برگرداندن مهمان را به وطنش.

#### مسأله 24:

اگر بعد از آن که مهمان احرام بست مهماندار از قولش برگشت، بعید نیست که واجب باشد مخارج تمام کردن حج و برگرداندن او را به وطنش. (1)

#### مسأله 25:

کسی که حج بر او واجب گردید و مستقر شد و بعد از آن به مرضی مبتلا شد که نتوانست

ص: 42

حج برود و امید خوب شدن نداشت یا پیری مانع از رفتن شد یا آن که حج رفتن برای او حرج و مشقت شدید دارد، واجب است بر او که نائب بگیرد و احتیاط واجب آن است که فوراً نائب بگیرد.

#### مسأله 26:

اگر کسی مال دار بود و استطاعت مالی داشت و به واسطه مرض یا چیز دیگر نتوانست حج کند و وجوب حج بر او مستقر نشد، واجب نیست نائب بگیرد بنا بر اقوی.

#### مسأله 27:

کسی که عذر داشت و نائب گرفت و حج به جا آورد، اقوی آن است که حج نایب کافی است از حج او؛ چه عذرش تا آخر عمر باقی بماند یا بعد از عمل حج عذرش برطرف شود، لکن اگر عذرش قبل از تمام شدن حج نایب مرتفع شود؛ چه در بین راه در وقت رفتن باشد یا در بین عمل باشد، حج نایب کافی نیست و باید خودش حج بکند.

#### مسأله 28:

کسی که حج بر او مستقر شده بود و به حج رفت، اگر بعد از محرم شدن و داخل شدن در حرم بمیرد، کفایت میکند این عمل از حج واجب او، و واجب نیست قضای آن و اگر قبل از آن بمیرد واجب است حج او را قضا کنند.

#### مسأله 29:

اگر زن استطاعت پیدا کرد، شرط نیست که شوهر او را اذن بدهد، و جائز نیست برای شوهر که او را منع از حج بکند.

#### مسأله 30:

اگر زن نذر کند که حج برود و نذرش مضیق باشد، اذن شوهر لازم نیست و اما اگر موشع باشد تا وقت تنگ نشده باید اذن بگیرد، چنانچه در حج مستحب شرط است اذن شوهر. (1)

ص: 43

### مسأله 31:

زنی که مستطیع باشد شرط نیست که محرمی همراه او باشد، در صورتی که در امان باشد نسبت به خودش و ناموسش، چه شوهر دار باشد یا نباشد، و اگر در امان نباشد واجب است بر او که کسی را همراه ببرد؛ گر چه با اجرت، و اگر پول اجرت دادن نداشت و رفتن موقوف بود بر اجیر گرفتن، این زن استطاعت ندارد و بر او حج واجب نیست. (1)

### مسأله 32:

اگر کسی حج بر او واجب شد و اهمال کرد از رفتن، حج بر عهده او است و باید به هر نحوی شده حج برود، و اگر مرد باید قضای حج را از مالش به جا بیاورند.

### مسأله 33:

اگر کسی استطاعت پیدا کرد و حج نرفت و شرایط استطاعت او باقی بود تا وقت برگشتن از حج به حسب عادت، حج بر او مستقر می شود و به عهده او می آید.

### مسأله 34:

آن چه در مسأله پیش ذکر شد راجع به استطاعت مالی و بدنی و باز بودن راه است، و اما مثل عقل که از شرایط است، لازم نیست وقت برگشتن به وطن باقی باشد، بلکه اگر تا وقت تمام شدن اعمال باقی بود بر عهده اش می آید.

### مسأله 35:

حج واجب به عهده کسی بود و مرد باید از اصل مال او حج برای او بگیرند و هم چنین اگر حج نذری بر او واجب باشد.

### مسأله 36:

ورثه نمی توانند در مال میت تصرف کنند قبل از آن که حج بگیرند، یا مقدار مصرف را به ولی میت بدهند. (2)

ص: 44

---

1-1- نجاه العباد (للإمام الخميني)، ص 210.

2-2- همان، ص 0210

- امام خمینی (ره): مستحب است ولی طفل غیر ممیز محرم کند او را و لباس احرام به او به پوشاند، و نیت کند که این طفل را محرم میکنم برای حج، یا این طفل را معتمر میکنم به عمره تمتع، و اگر می شود، تلبیه را تلقین کند به او، و الا خودش به عوض او بگوید.

- بعید نیست که ولی در این امر کسی باشد که کفیل بچه و نگهدار او است اگر چه ولی شرعی نباشد. (1)

\* آیه الله (سیستانی): بعید نیست که در صحت آن اذن ولی معتبر باشد. (2)

آیه الله (مکارم): ولی اگر تصرف در مال خود می کند، باید به اذن ولی باشد.

\* آیه الله (غروی): گر چه واجب است استیذان از ولی در صورتی که ترک آن موجب اذیت والدین بوده باشد.

\* آیه الله (بهجت): صحیح است احرام ولی از طفل غیر ممیز و از مجنون، و متوئی نیت احرام طفل، ولی حاضر می شود، و تمام اعمال حج را آن چه را متمکن است طفل و غیر عاقل انجام می دهد با نیت ولی و آن چه را متمکن نیست ولی از جانب او انجام می دهد از آن جمله تلبیه احرام است که اگر متمکن باشد طفل و غیر عاقل انجام می دهد با نیت ولی، و گرنه ولی نایب می شود. (3)

\* آیه الله (بهجت): ولی در این مقام عبارت است از ولی در مال مثل آب و جذایی و وصی ایشان و حاکم و امین حاکم، و ولایت مادر در احرام طفل و سایر اعمال حج خالی از وجه نیست. (4)

آیه الله (غروی): قدر متیقن همان ولی شرعی است یعنی پدر و جد.

\* آیه الله (غروی): در صبیبه و مجنون اشکال است احوط ترک آن است.

\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): قدر متیقن از ولی در این امر نسبت به بچه غیر ممیز، ولی شرعی است، مانند پدر و جد و یا وصی یکی از آن دو، و هم چنین حاکم و امین از طرف حاکم و یا وکیل یکی از آنها، و اما غیر ولی شرعی مانند عمو و دایی و برادر، محل اشکال است،

ص: 45

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، ص 20

2-2- مناسک، مسأله 6.

3-3- کتاب حج، ص 4.

4-4- رساله ذخیره العباد، ص 5.

اگر چه کفیل و نگهدار بچه باشد، لکن مادر در این مورد ملحق به ولی شرعی است زیرا نسبت به او دلیل خاصی داریم، و اما در بچه ممیز در مواردی که اجازه ولی لازم است اجازه غیر ولی شرعی کفایت نمی کند. (1)

\*\*\* آیه الله (اراکلی)، آیه الله (نوری): در غیر ولی شرعی، محل اشکال است.

آیه الله (فاضل): مقصود از ولی، همان ولی شرعی است، ولی مادر در این مورد ملحق به ولی شرعی است.

\* آیه الله سیستانی: ولی طفل در این امر کسی است که حق حضانت و سرپرستی او را دارد، چه پدر و مادر او باشند و چه غیر آنها. (2)

آیه الله (مکارم): ولی به اذن ولی شرعی انجام می دهد.

### طفل محرم و محرمات احرام

- امام خمینی (ره):

بعد از آن که طفل محرم شد یا او را محرم کردند باید ولی، او را از محرمات احرام باز دارد، و اگر ممیز نیست خود ولی حفظ کند او را از محرمات. (3)

\*\*\*\* آیات عظام (خوئی)، (تبریزی)، (سیستانی)، (بهجت): این حکم فوق در مورد احجاج صبی غیر ممیز است.

\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): کفاره صید بر ولی طفل است، و اما در وجوب سایر کفارات بر ولی اشکال است اگر چه احوط این است که بر عهده ولی است. (4)؟

\*\*\* آیات عظام (خامنه ای)، (خوئی)، (تبریزی): ظاهره کفارات دیگر در غیر صید نه بر ولی واجب است و نه در مال طفل، ولی کفاره صید بر ولی واجب است (5)

- بعد از این که طفل محرم شد اگر محرمات احرام را به جا آورد یا ولی، او را از آنها باز

ص: 46

1-1- مناسک عربی، مسأله 11، ص 13.

2-2- مناسک، مسأله 11.

3- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، ص 21

4- مناسک عربی، مسأله 13، ص 13.

5-5- مناسک، مسأله 9، ص 13.



نداشت کفاره بر ولی طفل است نه بر مال طفل بنا بر اقوی در صید و بنا بر احتیاط واجب در غیر آن نیز.

\* آیه الله (مکارم): این احتیاط مستحب است.

### حکم حج طفل و گوسفند قربانی

- امام خمینی (ره):

گوسفند قربانی برای حج بر عهده ولی طفل است. تمام اعمال حج و عمره را باید ولی، طفل را وادار کند که به جا آورد و اگر نمی تواند، ولی او به نیابت طفل به جا آورد. (1)

\* آیه الله (سیستانی): کفاره صید غیر ممیز بر ولی اوست و در غیر آن بر نابالغ کفاره نیست نه در مال او و نه در مال ولیش.

\* آیه الله (بهجت): فداء صید مولی علیه بر ولی است که با مباشرت او عمل مولی علیه صحیح است) و کفاره موجب هدی بر ولی است در آن چه عمد و خطاء کفاره دارد بلکه در آن چه عمد فقط کفاره دارد و صبی عمد مرتکب شد ثبوت کفاره بر ولی که سبب است خالی از وجه نیست.؟ (2)

\* آیه الله (تبریزی): قربانی بچه غیر ممیز بر ولی او است که او را به حج برده و چنانچه پول آن را نداشت و خود بچه مالی داشت از مال او قربانی تهیه می کند و گرنه ولی روزه می گیرد.

\* آیه الله (سیستانی): پول قربانی بچه غیر ممیز بر ولی اوست. (3)

\* آیه الله (فاضل): و اگر تمکن نداشت از طرف طفل روزه بگیرد، و چنانچه خود ولی نیز حج تمتع انجام داده و فقط تمکن از یک قربانی دارد آن را برای طفل قربانی کند و برای خودش روزه بگیرد.

ص: 47

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، مسأله 11-12-13، ص 021

2-2- کتاب حج ص 5.

3-3- مناسک، مسأله 12.

## بلوغ طفل نابالغ

- امام خمینی (ره):

اگر طفل نابالغ قبل از این که در میقات محرم شود بالغ شد، حج او حجه الاسلام است. اگر از همان جا که محرم می شود مستطیع باشد. (1)

\* آیه الله (تبریزی): در وقتی که می خواهد طفل را طواف دهد واجب است او را وضو دهد اگر چه بصورت وضو باشد. (2)

\* آیه الله (فاضل): در اعمالی که نیاز به وضو دارد احتیاط طفل را وضو بدهد، و خودش هم وضو بگیرد.

آیه الله (بهجت): در صورت تمکن، احوط آن است که در حال طواف هردو طاهر باشند و نماز طواف را هردو بخوانند و سنگ ریزه را در دست طفل یا مجنون بگذارد و ولی با آن کیفیت رمی و نیت نماید و در تمام افعال آن چه در غیر نیت می تواند انجام دهد ولی متصدی نیت می شود. (3)

## شرط سوم: حریت و آزادی

\* آیه الله (بهجت): و لو بحصول عتق قبل از وقوف مشعر به نحو متقدم پس قبل از عتق، حج وعمره بر او واجب نیست اگر چه زاد و راحله را مالک بذل نماید، و حج با اذن مالک صحیح است ولی مجزی از حجه الاسلام نیست. (4)

\* آیه الله (غروی): پس برای مملوک حج واجب نیست گر چه به اذن مولایش بوده و مستطیع هم بوده باشد. (5)

## شرط چهارم: استطاعت در حج

استطاعت از جهت مال وصحت بدن و توانایی و باز بودن راه و آزادی آن و وسعت وقت و کفایت آن مورد نظر است.

ص: 48

---

1-1 - مناسک حج (المحشی للإمام الخمینی)، مسأله 14، ص 22.

2-2 - مناسک، مسأله 7، ص 14.

3-3 - کتاب حج ص 4.

4-4 - همان ص 5.

5-5 - مناسک حج (المحشی للإمام الخمینی)، ص 22.

- امام خمینی (ره):

استطاعت از جهت مال یعنی داشتن زاد و راحله که توشه راه و مرکب سواری است، و چنانچه عین آنها را ندارد کافی است چیزی مثل پول یا متاع دیگر داشته باشد که ممکن است آن را صرف در تهیه آنها نماید، و شرط است که مخارج برگشتن را نیز داشته باشد. (1)

### تفصیلی در بیان استطاعت از منظر آیه الله خامنه ای

استطاعت، که مشتمل بر امور زیر است شامل: الف) استطاعت مالی ب) استطاعت بدنی ج) استطاعت طریقی، یعنی راه رفتن به حج باز و امن باشد. د) استطاعت زمانی اکنون به ترتیب به بیان مسایل هر یک می پردازیم.

الف استطاعت مالی) استطاعت مالی شامل امور زیر می باشد: 1- زاد و توشه و هزینه سفر 2- هزینه افراد تحت تکفل در طول مدت سفر 3- ضروریات زندگی و آن چه در معیشت به آن نیاز دارد. 4- رجوع به کفایت.؟ (2)

\* آیه الله خامنه ای): پس از فرارسیدن زمانی که صرف آن برای رسیدن به حج لازم است شخص مستطیع نمی تواند خود را از استطاعت بیندازد و پیش از فرارسیدن این زمان نیز احتیاط واجب آن است که خود را از استطاعت خارج نسازد. (3)

ص: 49

- 
- 1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخمینی)، مسأله 15، ص 22.
  - 2-2- مناسک حج (للخامنی)، ص 4.
  - 3-3- مناسک حج (المحشی للإمام الخمینی)، ص 29.

## مطلب اول: زاد و هزینه ی سفر

مقصود از «زاد» هر چیزی است که انسان در سفر به آن نیاز دارد، اعم از خوردنی و نوشیدنی و سایر اموری که در سفر حج است.

- برای تحقق استطاعت مالی لازم نیست انسان عین توشه راه و مرکبی را که می خواهد با آن حج به جا آورد، داشته باشد، بلکه همین اندازه که پول یا جنس دیگری که بتواند با آن توشه راه و هزینه ی سفر را تهیه کند، داشته باشد، کافی است.

- کسی که توشه راه و هزینه ی سفر و چیزی هم که ممکن است برای تهیه آنها صرف نماید ندارد، حج بر او واجب نیست، هر چند بتواند آنها را با کسب و مانند آن بدست آورد.

- کسی که تصمیم دارد پس از انجام حج به وطن خود برگردد و یا به مکان دیگری برود، باید مخارج برگشت را نیز داشته باشد.

- کسی که استطاعت مالی ندارد ولی به مقدار مخارج حج و یا تکمیل آن از دیگری طلب دارد، اگر طلب او حال است و یا وقت طلب او رسیده است و بدهکار توانایی پرداخت آن را دارد و می تواند بدون حرج و زحمت آن را بگیرد، واجب است آن را مطالبه کند. (1)

- آیه الله خامنه ای و مهریه: زنی که مهریه اش برای مخارج حج کافی است و آن را از شوهرش طلبکار است، در صورتی که شوهر او توانایی پرداخت آن را نداشته باشد، نمی تواند آن را از او مطالبه کند و مستطیع نیست. ولی اگر شوهر او تمکن دارد و مطالبه مهر نیز برای زن مفسده ای ندارد، واجب است مهریه را مطالبه کرده و به حج برود. و چنانچه مطالبه آن برای او مفسده داشته باشد مثل این که منجر به نزاع و طلاق شود، مطالبه مهریه واجب نبوده و مستطیع نیست.؟ (2)

- امام خمینی (ره) و مهریه: زنی که مهریه اش وافی برای مخارج حج هست و آن را از شوهر خود طلبکار است (5) اگر شوهرش تمکن از اداء آن را ندارد، زن حق مطالبه ندارد و مستطیع نیست و اگر تمکن دارد و مطالبه آن برای زن مفسده ای ندارد با فرض این که شوهر نفقه و مخارج زندگی زن را می دهد لازم است زن، مهریه را مطالبه کند و به حج برود و چنانچه برای او مفسده دارد مثل این که ممکن است مطالبه به نزاع (1) و طلاق منجر شود که برای زن مفسده دارد، مستطیع نشده است. (3)

ص: 50

1-1 - مناسک حج (للخامنی)، مسأله 7 تا 10، ص 4.

2-2 - همان، مسأله 11، ص 4

3-3 - مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، مسأله 47، ص 40.

\* - قرض: اگر انسان مخارج حج را قرض کند، مستطیع نمی شود و در صورتی که با آن حج به جا آورد از حجه الاسلام کفایت نمی کند. و هم چنین کسی که می داند در سال آینده مستطیع می شود، نمی تواند مخارج حج را قرض کند و قبل از آن سال حج به جا آورد.

\* - بدهی: کسی که بدهی دارد و مالی غیر از مخارج حج که با آن بتواند بدهی خود را بپردازد ندارد، چنانچه بدهی او مدت دار باشد و اطمینان داشته باشد که در وقت اداء بدهی، توانایی پرداخت آن را دارد واجب است به حج برود. و هم چنین در صورتی که وقت اداء بدهی رسیده ولی طلبکار راضی به تأخیر اداء باشد و بدهکار مطمئن است که در وقت مطالبه می تواند بدهی را بپردازد. و در غیر این دو صورت حج واجب نیست. (1)

\* - ازدواج: کسی که نیاز به ازدواج دارد و ترک ازدواج موجب مشقت یا حرج یا وهن یا بیماری او شود و یا بیم آن داشته باشد که بر اثر ترک ازدواج به گناه بیفتد، زمانی مستطیع می شود که علاوه بر مخارج حج هزینه های ازدواج را نیز داشته باشد. و در غیر این صورت اگر با آن مال به حج برود ظاهر این است که از حجه الاسلام کفایت نمیکنند. (2)

- اگر اجرت ماشین یا هواپیما و یا سایر وسایل نقلیه در سال استطاعت بیشتر از حد متعارف باشد، در صورتی که توانایی پرداخت ما زاد را بدون حرج و مشقت داشته باشد، واجب است آن را بپردازد تا به حج برود. و مجرد گرانی و افزایش قیمت ها ضرری به استطاعت نمی زند. ولی اگر توانایی پرداخت ما زاد را ندارد یا پرداخت آن برای او مشقت و حرج دارد، واجب نیست آن را بپردازد و مستطیع نیست، و حکم خرید یا اجاره چیزهای دیگری که در سفر حج به آنها نیاز دارد نیز همین طور است. و هم چنین در صورتی که بر اثر نداشتن مشتری، مالی را که می خواهد پول آن را صرف حج کند به کمتر از قیمت معمولی بفروشد، نیز حکم همین را دارد.

- ملاک استطاعت برای حج، توانایی انجام آن به نحو متعارف بین مردم است و اگر کسی اعتقاد دارد که به این نحو استطاعت ندارد لکن احتمال می دهد که اگر تحقیق و تلاش کند بتواند راهی بیابد که با وضع مالی فعلی اش مستطیع از انجام حج شود، واجب نیست تحقیق نماید. ولی اگر شک در استطاعت داشته باشد و بخواهد بداند که آیا مستطیع شده یا خیر، ظاهراً واجب است وضعیت مالی خود را بررسی کند. (3)

ص: 51

---

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخمینی)، مسأله 11 تا 13.

2-2- همان، مسأله 14، ص 5.

3-3- مناسک حج (للخامنی)، مسأله 15 و 16، ص 5.

## مطلب دوم: مخارج عائله در طول مدت سفر

- در تحقق استطاعت مالی شرط است که مخارج خانواده اش را تا بازگشت از حج داشته باشد.

- مراد از عائله که داشتن مخارج آنان در تحقق استطاعت مالی شرط است، کسانی هستند که عرفاً عنوان عائله بر آنها صدق می کند، هر چند از نظر شرعی واجب النفقه او نباشند. (1)

## مطلب سوم: ضروریات زندگی و معیشت

- شرط است که ضروریات زندگی و آن چه را که عرفاً شایسته موقعیت اوست و به آن نیاز دارد، داشته باشد. و لازم نیست عین آنها موجود باشد، بلکه کافی است پول یا چیزی که بتواند آن را صرف تأمین نیازهای زندگی اش کند را داشته باشد. (2)

\* - رعایت شدن عرفی: شئون عرفی اشخاص با هم متفاوت است. کسی که داشتن مسکن شخصی از ضروریات زندگی او می باشد و یا عرف مناسب با شأن او است، و یا سکونت در منزل استیجاری یا عاریه ای و یا وقفی برای او حرج و مشقت دارد و یا موجب وهن او می شود، برای تحقق استطاعت او داشتن خانه ملکی شرط است.

- کسی که ضروریات زندگی از قبیل مسکن، لوازم خانه، وسیله نقلیه و ابزار کار و مانند آن را بیشتر از شأن خود دارد، اگر می تواند با فروش آنها و خرید ما یحتاج زندگی اش، مقدار زائد را صرف مخارج حج کند و این کار موجب حرج و وهن و منقصت او نمی شود، و مقدار ما زاد به اندازه مخارج حج و یا مکمل آن است، باید این کار را انجام دهد و مستطیع است. (3)

- اگر مکلف زمین یا جنس دیگری را بفروشد تا با پول آن خانه بخرد، در صورتی که منزل شخصی جزء نیازهای ضروری او باشد و یا مالکیت آن با موقعیت عرفی او مناسب است، با گرفتن پول زمین مستطیع نمی شود هر چند به مقدار مخارج حج و یا مکمل آن باشد. (4)

ص: 52

---

1-1 - مناسک حج (للخامنی)، مسأله 17 و 18.

2-2 - همان، مسأله 19.

3-3 - مناسک حج (للخامنی)، مسأله 20 و 21، ص 6.

4-4 - همان، مسأله 22، ص 6

- کسی که بعضی از اموالش مورد نیاز او نیستند و پول حاصل از فروش آنها برای استطاعت او کافی باشد و یا آن را تکمیل کند، با وجود شرایط دیگر حج بر او واجب می شود. (1)

مطلب چهارم: رجوع به کفایت

- آیه الله خامنه ای: یکی از شرایط تحقق استطاعت مالی رجوع به کفایت است (البته این شرط در حج بذلی وجود ندارد. یعنی بعد از برگشت از حج، تجارت یا زراعت یا صنعت یا شغل و یا منفعت ملک مثل باغ و مغازه و غیر اینها از منابع درآمد، داشته باشد، به طوری که برای زندگی مناسب با شأن عرفی خود و خانواده اش کافی باشد. و طلاب علوم دینی اگر بعد از مراجعت از حج زندگی آنها با شهریه حوزه های علوم دینی اداره می شود، کافی است.

- در زن نیز رجوع به کفایت شرط است، بنا بر این اگر زن شوهر داشته باشد و در حال حیات شوهرش مستطیع شود، بعد از بازگشت از حج، نفقه ای که شوهرش به او می پردازد رجوع به کفایت است. ولی زنی که شوهر ندارد، در تحقق استطاعت او شرط است که علاوه بر داشتن مخارج حج، بعد از بازگشت دارای یک منبع درآمد مالی باشد که برای اداره زندگی مناسب با شأن عرفی او کافی باشد. در غیر این صورت برای حج مستطیع نیست. (2)

### تعریف حج بذلی

اگر شخصی زاد و هزینه ی سفر نداشته باشد ولی دیگری مخارج حج او را بدهد مثل این که به او بگوید: حج به جا آور و نفقه ی تو بر عهده ی من، در این صورت حج بر او واجب می شود و لازم است آن را قبول کند. این حج را «حج بذلی» گویند.

### احکام خاص حج بذلی از منظر امام خامنه ای و سایر مراجع تقلید

\* آیه الله خامنه ای: در حج بذلی رجوع به کفایت شرط نیست و لازم نیست عین مال را داده باشد بلکه پرداخت قیمت آن کافی است.

ص: 53

1-1- مناسک حج (للخامنه ای)، مسأله 23.

2-2- همان، مسأله 24 و 25.

- حج بدلی از حجه الاسلام کفایت می کند، و در صورتی که بعداً خودش مستطیع شد لازم نیست حج به جا آورد.

- کسی که از طرف مؤسسه یا شخصی دعوت به حج شده باشد، در صورتی که در مقابل دعوت به حج متعهد به انجام کاری شود، عنوان حج بدلی بر او صدق نمی کند. (1)

\* امام خمینی (ره): اگر شخص، زاد و راحله ندارد ولی به او گفته شد که حج به جا آور و نفقه تو و عائله ات بر عهده من، با اطمینان به وفاء و عدم رجوع باذل، حج واجب می شود و این حج را بدلی می گویند و در آن رجوع به کفایت که از شرایط و جوب است شرط نیست، بلی اگر قبول بذل و رفتن به حج موجب اخلال در امور زندگی او شود؛ واجب نیست. (2)

\* آیه الله (فاضل): تعهد نسبت به عائله و اطمینان به وفاء و عدم رجوع باذل شرط نیست.

\* آیه الله (تبریزی): اگر نمی تواند نفقه عیال را تأمین کند چه به حج برود و چه نرود بذل نفقه عیال شرط نیست.

\* آیه الله (سیستانی): مگر این که نفقه عائله اش را تا زمان برگشت داشته باشد یا این که فرق نمیکند، چه حج برود و چه نرود نفقه آنها را نمی تواند تأمین کند یا از عدم تأمین نفقه آنها در حرج نمی افتد یا عائله واجب النفقه او نیستند که در این موارد بذل نفقه عائله شرط و جوب حج نیست. (3)

\*\* آیه الله (خوئی)، آیه الله (تبریزی): اطمینان به وفا و عدم رجوع باذل، شرط نیست، ولی اگر وثوق و اطمینان به رجوع و عدم وفاء باذل دارد حج واجب نمی شود.

\* آیه الله (نوری): به شرطی که قبول این بذل برای او مستلزم ذلت و منت نباشد.

\*\*\* آیات عظام (خوئی)، (تبریزی)، (بهجت): در این مسأله فرقی بین اباحه (در اختیار گذاشتن) و تملیک و دادن عین مال و یا قیمت آن نیست.

\* آیه الله (سیستانی): اباحه ای که برای اباحه کننده آن قابل برگشت باشد شرعاً، و تملیک متزلزلی که از طرف مقابل قابل فسخ بوده باشد شرعاً، موجب حصول استطاعت نمی شود مگر این که اطمینان داشته باشد که از اباحه اش صرف نظر نمی کند یا تملیکش را فسخ نمی نماید. (4)

ص: 54

1-1- مناسک حج (للخامنی)، مسائل 26 تا 28، ص 7.

2-2- مناسک حج (المحشی للإمام الخمینی)، مسأله 33، ص 32.

3-3- مناسک عربی، مسأله 43.

4-4- مناسک، مسأله 29-40-43.



\* آیه الله (سیستانی): ولی اگر خودش مقداری از مصارف حج را داشته باشد و بقیه را به او بذل کنند در این صورت رجوع به کفایت شرط است. (1)

\* آیه الله (سیستانی): بلی اگر در آمدش در خصوص روزهای حج باشد و با درآمد آن در بقیه روزهای سال یا بعضی از آنها زندگی می کند، به طوری که اگر به حج برود قدرت تأمین هزینه زندگی در بقیه یا بعضی از روزهای یاد شده نداشته باشد. در این صورت حج بر او واجب نخواهد بود، مگر این که مخارج زندگیش را در بقیه روزهای سال هم بدهند که در این صورت واجب خواهد بود. (مناسک، مسأله 45). (2)

\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): چنانچه مال، کافی برای مئونه حج باشد، و یا به مقداری است که به ضمیمه اموال خود شخص استطاعت حاصل می شود، حج بر او واجب، و کافی از حجه الاسلام است. (3)

\* آیه الله (نوری): مگر این که در قبول، ذلت و مهانت برای او باشد که در این صورت قبول واجب نیست.  
\* امام خمینی (ره):

بازل می تواند از بذلش برگردد، ولی اگر در بین راه باشد باید نفقه برگشتن او را بدهد، و اگر بعد از احرام رجوع کند باید نفقه اتمام حج را نیز بپردازد. پول قربانی در حج بذلی بر عهده باذل است ولی کفارات بر عهده او نیست و اگر پول قربانی را بذل نکند حج واجب نمی شود مگر در صورت وجود شرایط دیگر استطاعت.؟ (4)

\* آیه الله (بهجت): و بنا بر اظهر نفقه بازگشت از محل اعلام رجوع که زائد بر نفقه وطن است بر باذل است. (5)

- آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): بعد از احرام احوط ترک رجوع است، و نسبت به رجوع به عین مبدوله، تفصیلی در مناسک عربی موجود است.

\* آیه الله (فاضل): اگر اتمام واجب باشد باید نفقه اتمام حج را نیز بپردازد، اما وجوب اتمام در این فرض محل تأمل است.

ص: 55

1-1- مناسک، مسأله 45.

2-2- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 33، ص 32.

3-3- آداب و احکام حج، مسأله 47.

4-4- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسائل 35 و 36، ص: 34 و 35.

5-5- مناسک آیه الله بهجت، مسأله 51، ص 22.

\* آیه الله (تبریزی): باذل ضامن نفقه برگشتن او نیست همان طور که در صورت رجوع بعد از احرام، نفقه اتمام حج را هم ضامن نمی باشد گر چه اتمام بر او واجب است مطلقاً.

\* آیه الله (خوئی): در صورتی که اتمام آن بر مبذول له واجب باشد. و آن در جایی است که آن چه تاکنون به او بدل شده و او صرف نموده با ضمیمه به اموال خود موجب استطاعت او باشد.

\* آیه الله (سیستانی): اگر بعد از احرام باذل رجوع کند، مبذول له باید حج را تمام کند، اگر بر او حرجی نباشد هر چند فعلاً مستطیع نباشد و باذل ضامن مصرف اتمام حج او و بازگشتش می باشد.

\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): در صورتی که هدی بر مبذول له واجب باشد پول آن بر عهده باذل است، و الا تبدیل به صوم می شود. ولی در کفارات اگر محرم موجب و سبب آن را مرتکب شود پس اگر عمد) باشد کفاره اش بر عهده خود او می باشد و اگر از روی فراموشی یا جهل و یا اضطرار و ناچاری باشد و به این سبب کفاره واجب شود، پس اگر مبذول له تمکن از اداء داشته باشد و کفاره یافت شود، پول آن به عهده باذل می باشد و الا باید مبذول له به وظیفه غیر متمکن از کاره عمل نماید. (1)

\*\*\* آیه الله (اراکلی)، آیه الله (نوری): اگر عمل موجب کفاره را از روی عمد و اختیار انجام داده باشد، و در غیر این صورت به عهده باذل است علی الأحوط .

\* آیه الله (مکارم): احتیاط در غیر عمد، آن است که باذل پردازد.

آیه الله (غروی): لازم است در حج بذلی پول قربانی را هم بذل کند و گرنه حج بر مبذول له واجب نمی شود گر چه خودش تمکن از پول قربانی را داشته باشد.

## احکام پیرامون مال هبه ای در حج

- امام خمینی (ره):

اگر مالی که برای حج کفایت میکند را به او ببخشند برای این که حج به جا آورد باید قبول کند و حج به جا آورد، و هم چنین اگر واهب بگوید مخیری بین این که حج به جا آوری یا نه. ولی اگر اسم حج را نیاورد و فقط مال را به او ببخشد قبول واجب نیست.؟ (2)

ص: 56

1-1- آداب و احکام حج، مسأله 56.

2-2- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، مسأله 34، ص 33.

\*\*\* آیات عظام (خوئی)، (تبریزی)، (سیستانی): و اگر واهب (بخشنده) اختیار را به انسان بدهد و بگوید می خواهی با این مال حج برو و نمی خواهی به حج برو و یا مالی را ببخشد و نامی از حج نبرد، قبولش واجب نیست.

\* آیه الله (مکارم): بلکه قبول واجب است بشرط این که به هنگام بازگشت، زندگی او تأمین باشد.

### مسائل عمومی استطاعت مالی از منظر امام خمینی (ره)

- کسی که مستطیع شده نمی تواند بعد از رسیدن زمانی که باید مال را برای رفتن به حج، صرف کند خود را از استطاعت خارج نماید. بلکه احتیاط واجب آن است که قبل از آن زمان نیز خود را از استطاعت خارج نکند.

- در تحقق استطاعت مالی شرط نیست که استطاعت در محل خودش حاصل شود بلکه حصول آن هر چند در میقات باشد کافی است. بنابراین اگر هنگامی که به میقات رسید مستطیع شود، حج بر او واجب می شود و از حجه الاسلام کفایت میکند.

- استطاعت مالی در کسی هم که هنگام رسیدن به میقات، متمکن از انجام حج شده، شرط است. بنا بر این کسانی که با رسیدن به میقات، متمکن از حج می شوند مانند خدمه کاروان ها و غیر آنها، اگر سایر شرایط استطاعت از قبیل مخارج عائله و ضروریات زندگی و چیزهایی که در معیشت مناسب شأن خود به آنها نیاز دارند و رجوع به کفایت را داشته باشند، حج بر آنان واجب است و از حجه الاسلام کفایت میکند. در غیر این صورت حج آنان مستحبی خواهد بود و در صورتی که بعدا مستطیع شوند واجب است حجه الاسلام را به جا آوردند.

- کسی که در راه حج برای خدمت، در برابر اجرتی که با آن مستطیع می شود اجیر شود، بعد از اجاره حج بر او واجب می شود، ولی قبول اجاره واجب نیست.

- کسی که استطاعت مالی ندارد، اگر برای نیابت از دیگری اجیر شود و سپس بعد از عقد اجاره به واسطه ی مالی غیر از مال الاجاره مستطیع شود، باید در آن سال حج را برای خود انجام دهد و اگر عقد اجاره او برای همین سال بوده، اجاره باطل است و در غیر این صورت باید حج استیجاری را در سال بعد به جا آورد. (1)

ص: 57

- اگر شخص مستطیع بر اثر غفلت و یا عمد قصد حج استحبابی کند، هر چند هدف او تمرین برای انجام هر چه بهتر مناسک در سال بعد باشد و یا با اعتقاد به این که مستطیع نیست قصد حج استحبابی کند و بعد معلوم شود که مستطیع بوده، در کفایت آن از حجه الاسلام اشکال است و بنا بر احتیاط واجب است در سال بعد حج را به جا آورد، مگر آن که به توهم این که وظیفه فعلیه او امتثال امر استحبابی است، قصد امتثال امر فعلی شارع مقدس را داشته باشد که در این صورت کفایت از حجه الاسلام می کند. (1)

### تبیین استطاعت بدنی و احکام آن از منظر آیه الله خامنه ای

مراد از استطاعت بدنی، توانایی جسمی لازم برای انجام اعمال حج است. بنا بر این حج بر بیمار و سالمندی که قدرت رفتن به حج را ندارد و یا رفتن به حج برای او حرج و مشقت دارد، واجب نیست.

- بقاء استطاعت بدنی در وجوب حج شرط است، بنابراین اگر کسی به قصد حج، سفر کند ولی بیماری، او را قبل از احرام از ادامه راه باز دارد، کشف می شود که استطاعت بدنی در باره او تحقق پیدا نکرده است. و بر امثال او واجب نیست برای انجام حج نایب بگیرند. ولی اگر حج از قبل بر او مستقر شده و امسال، برای انجام حج حرکت کند و در بین راه بر اثر بیماری از ادامه مسیر باز بماند، در صورتی که از بهبودی و توانایی انجام حج بدون حرج و مشقت هر چند در سالهای آینده نا امید باشد، باید نایب بگیرد. لکن اگر امید به بهبودی و انجام حج هر چند در سالهای آینده داشته باشد، وجوب انجام حج از او ساقط نمی شود. (2)

### استطاعت طریقی

یعنی راه برای رفتن به حج باز و امن باشد، بنا بر این کسی که راه به روی او بسته است به طوری که نمی تواند به میقات برسد یا اعمال حج را تمام کند، و هم چنین کسی که راه حج برای

ص: 58

---

1-1- مناسک حج (للخامنی)، مسأله 34، ص 8.

2-2- همان، ص 8.

او باز است ولی امن نیست مثل این که در راه، خطری جان یا بدن یا آبرو و یا مال او را تهدید می کند، حج بر او واجب نیست.

## استطاعت زمانی

یعنی استطاعت، زمانی محقق می شود که انسان فرصت کافی برای رسیدن به حج در ایام خاص را داشته باشد. (1)

بنا بر این کسی که وقت او به گونه ای تنگ است که نمی تواند حج را درک کند و یا برایش مشقت و حرج شدید دارد، حج بر او در آن سال واجب نیست.

## مسائل عمومی استطاعت

- کسی که خودش مستطیع است باید ابتدا حجه الاسلام را به جا آورد و نمی تواند قبل از انجام آن از طرف دیگری برای حج نایب شود و یا برای خود حج استحبابی به جا آورد. و اگر حج نیایی یا استحبابی به جا آورد باطل است.

- اجازه شوهر برای رفتن به حج واجب، لازم نیست و زن باید حج واجب خود را به جا آورد هر چند شوهرش راضی به مسافرت او برای حج نباشد.

- اجازه پدر و مادر در صحت حجه الاسلام برای شخص مستطیع شرط نیست.

- اگر با وجود شرایط استطاعت، حج را ترک کند، حج بر ذمه او مستقر می شود و باید به هر نحوی که می تواند در سال های بعد حج را به جا آورد. (2)

## نظر سایر مجتهدین در باب استطاعت

\* آیه الله (بهجت): و نیز اظهر وجوب حج و تحقق استطاعت است بر کسی که فعلا زاد و راحله را ندارد ولی می تواند به مناسبت موقعیت شغلی خود بدون استیجار که بعدا ذکر می شود در بین راه کسب کند، و با کسب لایق به شأن، حوائج مناسب هر وقت را تحصیل نماید بدون

ص: 59

---

1-1- مناسک حج (للخامنی)، ص 8.

2-2- همان، مسائل 36 تا 39، ص 9.

خطر و با اطمینان به حصول، مثل خدمت کردن در کاروان به اعمالی که در غیر سفر، شغل او همانها است. (1)

\*\*\*\*\* آیات عظام (گلپایگانی)، (بهجت)، (فاضل)، (سیستانی)، (صافی): داشتن هزینه بازگشت هنگامی معتبر است که مکلف قصد بازگشت به وطن خود را داشته باشد. اما اگر نخواستہ باشد برگردد، یا خواسته باشد در جای دیگری غیر از وطن خود ساکن شود، باید هزینه رفتن به آن جا را داشته باشد، و دارا بودن هزینه بازگشت به وطن لازم نیست؟ (2)

\* امام خمینی (ره): شرط است در وجوب حج، علاوه بر مصارف رفتن و برگشتن، این که ضروریات زندگی و آن چه را در معیشت به آن نیاز دارد داشته باشد، مثل خانه مسکونی و اثاث خانه و وسیله سواری و غیر آن در حدی که مناسب با شأن او باشد و چنانچه عین آنها را ندارد، پول یا چیزی که بتواند آنها را تهیه کند، داشته باشد. اگر ضروریات زندگی یا پول آنها را در حج صرف کند از حجه الاسلام کفایت نمی کند. کسی که نیاز به ازدواج دارد و برای آن پول لازم دارد، در صورتی مستطیع می شود که علاوه بر مخارج حج، مصارف ازدواج را هم داشته باشد. (3)

\* آیه الله (خامنه ای): و از ترک ازدواج، به حرج یا مرض و یا حرام دچار می گردد. و یا ترک ازدواج موجب وهن او شود.

\* آیه الله (اراکی): و از ترک ازدواج، به حرج یا مرض و یا حرام دچار می گردد.

\* آیه الله (فاضل): به طوری که ترک ازدواج موجب مشقت یا ضرر باشد.

\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): اگر ترک تزویج مستلزم حرج باشد به نحوی که عرفه بگویند مستطیع نیست واجب نمی شود و الأ حج بر او واجب و مقدم است؟ (4)

\* آیه الله (بهجت): اگر در ترک نکاح مشقت غیر قابل تحمل بحسب عادت بود یا خوف مرض یا خوف وقوع در حرام بود اظهر جواز صرف در نکاح است و هم چنین اگر قبل از رسیدن وقت سیر کاروان حج، صرف در نکاح کند، اما بعد از رسیدن وقت سیر نمی تواند صرف در نکاح نماید به نحوی که متمکن از حج در آن سال نمی شود نه در صورت تمکن از جمع بین آن دو. (5)

ص: 60

1-1- کتاب حج، ص 9.

2-2- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، ص 22.

3-3- همان، مسأله 16-17-18، ص 23-24.

4-4- مناسک عربی، مسأله 32، ص 18.

5-5- کتاب حج، ص 12.

**\*\* آیه الله (خوئی)، آیه الله سیستانی):** در صورتی که صرف آن پول در راه حج سبب ناراحتی و مشقت در زندگی وی شود، حج بر او واجب نمی شود، و چنانچه سبب ناراحتی نشود واجب می شود.

\* آیه الله (خوئی) اضافه فرمودند: بلی اگر بنا بر صرف نکردن آن مال در نیاز خود داشت حج بر او واجب است. (1)

\* آیه الله (مکارم): منظور از نیاز این نیست که به خاطر ترک آن به عسر و حرج بیفتد بلکه همین اندازه که ازدواج از شئون زندگی او باشد کافی است. (2)

آیه الله (غروی): در صورتی که ترک ازدواج موجب حرج یا سبب حدوث ضرری یا مهانتی با باعث وقوع در محرم بوده باشد.

\* (سیستانی): مگر این که بیشتر از هزینه بازگشت به وطن باشد که در این صورت اگر ناگزیر از سکونت در آنجا نباشد، هزینه بازگشت به وطن در وجوب حج کافی است.

\* آیه الله (بهجت): به نحوی که بواسطه حج ناچار به تبدیل محل اقامت و مسکن نشود. (3)

**\*\* آیه الله (خوئی)، آیه الله (تبریزی):** داشتن هزینه بازگشت هنگامی معتبر است که مکلف قصد بازگشت به وطن خود یا جایی که دورتر از وطن نباشد را داشته باشد ولی اگر قصد رفتن به جایی دورتر از وطن خود را داشته باشد داشتن هزینه برگشت به وطن کفایت (البته مقصود جایی است که از رفتن به آنجا به حرج نمی افتد). (4)

\* آیه الله (اراکي): در صورتی که عازم بر آن باشد.

آیه الله (غروی): در صورتی که بخواهد به وطن خویش برگردد یا مصارف محلی که آنجا می خواهد برود.

\* آیه الله (خامنه ای): اگر تصمیم به بازگشت داشته باشد.

\* آیه الله (بهجت): ضرورت شخصیه یا شأنیه.

\* آیه الله (مکارم): خواه ملکی باشد یا اجاره ای که با شئون او سازگار باشد.

\* آیه الله (بهجت): در حدی که کافی برای شخص و شأن او باشد. (5)

ص: 61

---

1-1- تعلیقه عروه، ج 2، ص 234.

2-2- مناسک حج (المحشی للإمام الخمینی)، ص 24.

3-3- کتاب حج، ص 9.

4-4- مناسک، مسأله 22.

5-5- کتاب حج، ص 8 و ص 26.

\* آیه الله (سیستانی): .. و نداشتن آن موجب حرج باشد.

\* آیه الله (صافی): و نداشتن آن حرجی باشد.

\* آیه الله (نوری): به طوری که اگر متأهل نشود به زحمت می افتد یا به حرام افتد.

- امام خمینی (ره): کسی که از دیگری طلب دارد، و بقیه شرایط استطاعت را نیز دارا است، اگر وقت طلب او رسیده یا حال است و می تواند بدون واقع شدن در حرج و مشقت، (1) آن را بگیرد واجب است مطالبه کند (2) و بگیرد و به حج برود (3)، مگر مدیون نتواند بپردازد که در این صورت مطالبه جایز نیست و استطاعت حاصل نمی شود و هم چنین اگر وقت طلب او نرسیده و مدیون بخواهد بپردازد لازم است طلبکار آن را بگیرد و مستطیع می شود، ولی اگر مدیون نمی خواهد بپردازد مطالبه واجب نیست، هر چند با مطالبه حاضر به پرداخت شود.

- امام خمینی (ره): اگر غیر مستطیع، مصارف حج را قرض کند، مستطیع نمی شود، هر چند بتواند بعدا به سهولت قرض را اداء کند و اگر با آن حج به جا آورد از حجه الاسلام کفایت نمی کند. (4)

\*\*\* آیه الله (خوئی)، آیه الله (تبریزی)، در این مسأله قائل شده اند که اگر بتواند دین را بفروشد و پول آن به تنهایی و یا به ضمیمه مال دیگر وافی هزینه حج باشد و برای او مشقت نداشته باشد، در این صورت مستطیع است و باید به حج برود.

\* آیه الله (سیستانی): اگر بتواند دین را بفروشد به نحوی که اجحاف در حق او نباشد، و پول آن به تنهایی و یا به ضمیمه مال دیگر وافی هزینه حج باشد، در این صورت مستطیع است و باید به حج برود.

ص: 62

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، ص 24. آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): و نیز می تواند و لو با کمک غیر و اقامه دعوی در نزد حاکم شرع و یا با رجوع به حاکم غیر شرعی - در صورتی که استیفاء حق موقوف بر آن باشد، بنا بر اقوی - آن را وصول نماید، گرفتن و رفتن به حج واجب است (احکام و آداب حج، مسأله 29).

2-2- همان، آیه الله سیستانی): مستطیع است و واجب است حج برود هر چند با مطالبه و صرف آن مال در حج باشد و هم چنین است اگر بدهکار دارا باشد و بپردازد ولی بتواند هر چند با رجوع به حاکم جور حق خود را بگیرد یا بدهکار منکر باشد ولی بتواند آن را اثبات کند و بگیرد یا بتواند از اموال او از باب تقاص بردارد. آیه الله (غروی): گر چه بواسطه شخصی باشد که می تواند از آن بگیرد یا به واسطه حاکم شرع بلکه به واسطه حاکم جور بوده باشد در صورتی که رجوع به آنان حرجی نبوده باشد.

3-3- آیه الله (بهجت): اگر تحصیل آن متوقف بر مراجعه به دادگاه اگر چه حاکم جور باشد لازم است مراجعه نماید در صورتی که موجب ضرر و حرج فوق حد مسامحه نباشد، و در تضرر مالی غیر مجحف و نیز ضرر حالی مثل ذلت نفس و نقص جاه نزد حاکم جور تأمل است و اقرب و جوب مطالبه است با عقلانی بودن تن دادن به این ضرر با قطع نظر از تکلیف به حج (کتاب حج، ص 10).

4-4- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 20، ص 25.



\* آیه الله (فاضل): اگر بتواند دینش را به مقدار کمتر بفروشد در صورتی که موجب ضرر و مشقت نباشد. و این مقدار برای حج کافی باشد مستطیع است و باید حج انجام دهد.

\* آیه الله (سیستانی): اگر مهلت داشتن قرض به نفع بدهکار باشد هم چنان که معمولاً چنین است.

\* آیه الله (گلپایگانی): و اگر شک داشته باشد که مدیون با مطالبه می پردازد یا نه، به جهت آن که احتمال استطاعت می دهد، و تمکن از فحوص دارد، احتیاط در مطالبه است، و مطالبه در این فرض فحوص از استطاعت است، نه تحصیل استطاعت (1).

آیه الله (صافی): حکم مسأله در صورتی که فروش دین مؤجل به نقد ممکن نباشد و الا فروش آن مانند فروش سایر اموال واجب است.

\*\*\* آیات عظام (خوئی)، (تبریزی)، (بهجت): در صورتی که اگر مطالبه کند بدهکار خواهد پرداخت، باید مطالبه کند و به حج برود.

آیه الله (فاضل): مگر آن که یقین داشته باشد که اگر مطالبه کند مدیون حاضر به پرداخت آن می شود، که در این صورت مطالبه لازم است.

آیه الله (مکارم): اگر مطالبه محذوری ندارد باید مطالبه کند.

\* آیه الله (غروی): ولی اگر مطالبه کند و مالش را بگیرد مستطیع شده، حج برایش واجب می شود.

\* آیه الله (خامنه ای): در خصوص قید «پرداخت قرض به سهولت» نظر ایشان یافت نشد.

\* آیات عظام (خوئی)، (گلپایگانی)، (فاضل)، (صافی): هرگاه کسی مقداری پول قرض کند که آن پول به مقدار مخارج حج باشد، و قدرت پرداخت آن را بدون مشقت بعد از آن داشته باشد، حج بر او واجب خواهد بود.

### نظر امام خمینی (ره) و فقهای عظام پیرامون بدهی و مخارج حج

- امام خمینی (ره): کسی که مخارج حج را دارد و بدهی نیز دارد، (البته آیه الله (بهجت) معتقدند که از حقوق الناس باشد). چنانچه بدهی او مدت دار باشد و مطمئن است که در وقت اداء بدهی، تمکن از اداء آن را دارد، واجب است به حج برود، و هم چنین در صورتی که

ص: 63

وقت ادای بدهی رسیده لکن طلبکار راضی به تأخیر اداء باشد و بدهکار مطمئن است که در وقت مطالبه می تواند بدهی را اداء نماید و در غیر این دو صورت حج واجب نیست. (1)

\* آیه الله (بهجت): قرض گرفتن برای حج تحصیل استطاعت است و واجب نیست. مگر آن که مالی داشته باشد بالفعل که می تواند پس از حج با فروش و استبدال آن اداء دین کند که در این صورت قرض گرفتن واجب است با عدم تمکن از فروش آن قبل از حج و اگر مالی که با آن اداء دین می نماید بعد از حج تحصیل می شود، پس در وجوب حج فعلا تأمل است. (2)

\* آیه الله (تبریزی): هرگاه کسی مقداری پول قرض کند که آن پول بمقدار مخارج حج باشد و در وقت قرض کردن مالی داشته باشد که بتواند با آن قرض خود را اداء کند ولی فعلا نمی تواند آن را بفروشد یا در آن تصرف کند حج بر او واجب خواهد بود. (3)

\* آیه الله سیستانی: مگر آن که وقت پرداخت قرض آن قدر دور باشد که اصلاعقلاء به آن توجه نکنند. که در این صورت حج بر او واجب خواهد شد. (4)؟

آیه الله (غروی): در فرض تمکن از اداء آن به سهولت استطاعت صدق می کند و از حجه الاسلام کفایت می نماید. بلی قرض کردن برای این کار واجب نیست.

\* آیه الله (تبریزی): در صورتی حج واجب می شود که بدون حرج و مشقت قادر به ادا بوده باشد.

\* آیه الله (خوئی): بلی اگر دین خود را ادا نکند حج بر او واجب است و به هر حال اگر چنین فردی حج به جا آورد مجزی از حجه الاسلام می باشد. (5)

\* آیه الله (بهجت): بنا بر عدم فعلیت وجوب اداء مگر بعد از مطالبه. (6)

\* آیه الله (فاضل): مخیر است بین انجام حج و اداء دین و در صورت انجام حج کفایت از حجه الاسلام می کند.

\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): و اگر می داند که طلبکار از طلب خود خواهد گذشت، و یا بنا بر مسامحه دارد (مثل مهریه بعض زنان) چنین دینی مانع استطاعت نیست. (7)

ص: 64

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخمینی)، ص 26.

2-2- کتاب حج آیه الله بهجت، ص 11.

3-3- مناسک آیه الله تبریزی، مسأله 33.

4-4- مناسک آیه الله سیستانی، مسأله 33.

5-5- تعلیقه عروه، ج 2، ص 236.

6-6- کتاب حج آیه الله بهجت، ص 11.

7-7- احکام و آداب حج، مسأله 34.

\* آیه الله (سیستانی): اگر انسان مال وافی به هزینه حج را داشته، و به همان مقدار هم مقروض باشد، بنا بر اظهر حج بر او واجب نخواهد بود، و هم چنین اگر کمتر از آن مقدار، مقروض باشد، به طوری که اگر مقدار قرض برداشته شود، باقی مانده آن وافی به هزینه حج نباشد، که در این صورت هم حج بر او واجب نخواهد بود، و فرقی نیست بین این که وقت پرداخت بدهی رسیده باشد یا نه، مگر این که آن قدر، وقت پرداخت دور باشد که اصلاً عقلاء به آن توجه نکنند، مانند پنجاه سال.

### مسائل پیرامون استطاعت

- امام خمینی (ره): کسی که خمس یا زکات بدهکار است در صورتی مستطیع می شود که علاوه بر آنها مخارج حج را داشته باشد. (1)
- امام خمینی (ره): شرط است در وجوب حج، استطاعت بدنی و استطاعت از جهت باز بودن راه و استطاعت زمانی، پس بر مریضی که قدرت رفتن به حج ندارد یا بر او حرج و مشقت زیاد دارد واجب نیست و بر کسی که راه برای او باز نیست یا وقت تنگ است به طوری که نمی تواند به حج برسد نیز واجب نیست. (2)
- امام خمینی (ره): کسی که از جهت مالی مستطیع است و از جهت صحت بدن یا باز بودن راه مستطیع نیست می تواند در مال تصرف کند و خود را از استطاعت مالی هم خارج کند ولی اگر از آن جهات هم استطاعت دارد و فقط وسائل رفتن را تهیه نکرده یا وقت حج نرسیده، نمی تواند خود را از استطاعت خارج کند و اگر کرد، حج بر او مستقر می شود و باید به هر نحو است به حج برود.
- امام خمینی (ره): اگر در سالی که استطاعت مالی دارد از جهت صحت بدن یا باز بودن راه استطاعت ندارد و در سالهای دیگر از آن جهات استطاعت پیدا می کند، می تواند در مال تصرف کند و خود را از استطاعت خارج نماید؟ (3)
- امام خمینی (ره): کسی که در محل خودش مستطیع نیست واجب نیست به حج برود هر

ص: 65

---

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، مسأله 22، ص 27.

2-2- همان، مسأله 41، ص 37.

3-3- همو، مسأله 23، ص 27 و 28.

چند استطاعت حج میقاتی را داشته باشد، ولی اگر رفت و وقتی به میقات رسید استطاعت حج از آنجا را با همه شرایط دیگر داشت مستطیع می شود و کفایت از حجه الاسلام می کند. (1)

- امام خمینی (ره): کسی که بعد از استطاعت مالی بدون تأخیر، سعی در رفتن به حج داشته و در قرعه کشی شرکت نموده و از جهت این که قرعه به نامش اصابت نکرده نتوانسته به حج برود مستطیع نشده و حج بر او واجب نیست ولی اگر مسامحه کرد و تأخیر نمود و در سال های بعد در قرعه کشی شرکت کرد حج بر او مستقر شده است هر چند قرعه به نام او اصابت نکند؟ (2)

- امام خمینی (ره): در حصول استطاعت فرقی نیست بین این که در شهر (ماه) حج یعنی شوال و ذی قعدة و ذی حجه مال پیدا کند یا قبل از آن، بنا بر این اگر استطاعت مالی پیدا شود و استطاعت بدنی و سایر شرایط موجود باشد نمی تواند خود را از استطاعت خارج کند، حتی در اوائل سال و قبل از ماه های حج. (3)

\* آیه الله (غروی): بلی اگر بدهی داشته باشد و وقت اداء آن هم رسیده و تمکن از اداء هم نداشته باشد و طلبکار هم راضی بتأخیر اداء نباشد ولی طوری باشد که اگر حج برود مردم یا شخص معینی دین او را اداء میکنند باز مستطیع محسوب و حج برایش واجب است؟ (4)

\*\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): حکم سائر دیون را دارد، الا این که عین مال متعلق خمس و زکات باشد که مقدم بر سائر دیون است.

\*\* آیه الله (خوئی) و آیه الله (تبریزی): حکم سائر دیون را دارد الا این که عین مال متعلق خمس و زکات باشد که در صورتی مستطیع می شود که غیر از آنها مخارج حج را داشته باشد.

\* آیه الله (تبریزی): اگر می داند در همان سال سایر شرائط استطاعت حاصل می شود حفظ استطاعت مالی لازم است و گر نه لزوم ندارد و اگر اطمینان به زوال عذر تا آخر عمر ندارد بنا بر احتیاط در همان سال نایب بگیرد و چنانچه عذرش زایل شد و استطاعت مالی باقی بود بنا بر احتیاط دوباره خودش حج به جا آورد.

\*\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): اگر از جهت مالی قدرت دارد و از جهت صحت بدن استطاعت ندارد و امید خوب شدن ندارد واجب است نایب بگیرد، بلکه احوط نایب

ص: 66

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، مسأله 54، ص 43.

2-2- همان، مسأله 55، صص 4-43.

3-3- همو، مسأله 57، ص 44.

4-4- مناسک، مسأله 34.

گرفتن است برای کسی که امید خوب شدن دارد، پس اگر رفع عذر شد، خودش نیز به حج برود، مگر این که پس از رفع عذر استطاعت مالی نداشته باشد. (1)

\* آیه الله (خوئی): اگر دارا و ثروتمند است و توانایی مباشرت اعمال حج را ندارد یا دشوار و با مشقت است باید نایب بگیرد. و وجوب نایب گرفتن، مانند وجوب حج فوری است؟. (2)

آیه الله (سیستانی): کسی که تمکن مالی دارد ولی توانایی مباشرت حج را ندارد و امید این که بتواند در آینده انجام دهد ندارد، واجب است نایب بگیرد و اگر مباشرت برای او حرج و مشقت داشته باشد، می تواند نایب بگیرد، گر چه مباشرت افضل است و به هر حال هم چنان که وجوب مباشرت فوری است، وجوب استتبابه نیز فوری است.

\* آیه الله (گلپایگانی): بلی اگر علم داشته باشد که در آن سال متمکن از رفتن به حج است، جواز مصرف کردن وجه در غیر حج (خصوصاً در اوان خروج مردم برای حج) مشکل است، و اگر استطاعت مالی بعد از استطاعت طریقی حاصل شده باشد، تصرف در آن مال در زمانی که مردم آماده برای حج می شوند جایز نیست. (3)

آیه الله (خوئی): هرگاه انسان مالی داشته باشد که کفاف هزینه حج را بدهد حج بر او واجب می شود و جایز نیست در آن مال تصرفی کند که از استطاعت خارج شود و نتواند تدارک کند. و این تصرف خواه پیش از تمکن از سفر باشد یا بعد از آن فرقی ندارد، بلکه ظاهر این است که قبل از ماههای حج تصرف جایز نیست.

\* آیه الله (سیستانی): در تفصیل تمکن از مسیر می فرماید: اگر در آن تصرفی کند که از استطاعت خارج شود و نتواند تدارک کند، و برای او مشخص شده باشد که قدرت رفتن به حج در روزهای آن را داشته باشد، بنا بر اظهر حج در ذمه او مستقر است، ولی اگر قدرت رفتن برای او مشخص نشده باشد، حج در ذمه او مستقر نیست؟. (4)

\* آیه الله (بهجت): هر گاه انسان مالی داشته باشد که کفاف هزینه حج را بدهد، می تواند قبل از وقت حرکت قافله آن را در مصارف خود خرج کند هر چند دیگر نتواند به حج برود ولی در صورتی که آن مال را بطور نسبی تا زمان بعد از حج بفروشد و منظور فرار از استطاعت باشد،

ص: 67

1-1- مجمع المسائل، ج 1، مسأله 18، ص 431.

2-2- مناسک، مسأله 63.

3-3- آداب و احکام حج، مسأله 37.

4-4- مناسک آیه الله سیستانی، مسأله 39.

احتیاط این است که اقدام به این عمل ننماید. و اگر نموده با خود معامله مستطیع کند به این که سال آینده به حج برود با احتیاطاتی که سبب قطع به اجزاء از حجه الاسلام است (یعنی احتیاطا سعی در تحصیل و حفظ استطاعت شرعیه برای خود در وقت سیر کاروان در سال آینده بنماید نه صرف استطاعت عقلیه) و اگر معامله نه برای فرار است بلکه برای حاجت فعلی است که متمکن از بر آورده شدن آن نمی شود، مگر بعد از وقت سیر یا وقت حج اظهر جواز آن است. (1)

\*\*\* آیه الله (خوئی)، آیه الله سیستانی): تصرف در مال جایز نیست و واجب است مال را حفظ کند و خود را از استطاعت خارج نکند. (حاشیه بر عروه الوثقی). (2)

### استطاعت ومخارج مقدماتی آن بر حج

- امام خمینی (ره): کسی که استطاعت حج دارد باید خرجهای مقدماتی را از قبیل خرج تذکره و ویزا و ودیعه و آن چه مربوط به حج است بدهد، و این خرجها موجب سقوط حج نمی شود، ولی اگر استطاعت این نحو مخارج را نداشته باشد مستطیع نیست. (3) اگر اجرت ماشین یا هواپیما زیاد باشد یا زیادتر از حد معمولی باشد و همین طور قیمت اجناس در سال استطاعت زیاد باشد یا زیادتر از حد متعارف باشد باید حج برود، و جایز نیست تأخیر از سال استطاعت مگر آن که به قدری زیاد باشد که موجب حرج و مشقت در زندگانی شود. (4)

آیه الله خامنه ای:

- اگر اجرت ماشین یا هواپیما و یا سایر وسایل نقلیه در سال استطاعت بیشتر از حد متعارف باشد، در صورتی که توانایی پرداخت ما زاد را بدون حرج و مشقت داشته باشد، واجب است آن را پردازد تا به حج برود. و مجرد گرانی و افزایش قیمت ها ضرری به استطاعت نمی زند. ولی اگر توانایی پرداخت ما زاد را ندارد یا پرداخت آن برای او مشقت و حرج دارد، واجب نیست آن را پردازد و مستطیع نیست، و حکم خرید یا اجاره چیزهای دیگری که در سفر حج به آنها نیاز دارد

ص: 68

1-1- کتاب حج، ص 11.

2-2- مناسک حج (المحشی للإمام الخمینی)، ص 28.

3-3- همان، مسأله 25، ص 29.

4-4- همو، مسأله 26، ص 29.

نیز همین طور است. و هم چنین در صورتی که بر اثر نداشتن مشتری، مالی را که می خواهد پول آن را صرف حج کند به کمتر از قیمت معمولی بفروشد، نیز حکم همین را دارد. (1)

\* آیه الله (خوئی): اگر ضرر زاید بر مقدار متعارف و موجب اجحاف باشد و لو موجب حرج و مشقت هم نشود، حج واجب نیست و اما اگر هزینه و مخارج حج بالا برود و مثلاً کرایه ماشین در سال استطاعت گران تر از سال بعد باشد تأخیر جایز نیست و باید همان سال برود؟ (2)

\* آیه الله (بهجت): اگر هزینه و مخارج حج بالا برود و به حد غیر عقلایی نرسد و مثلاً کرایه ماشین در سال استطاعت گران تر از سال بعد باشد تأخیر جایز نیست و باید همان سال برود. (3)

آیه الله (خامنه ای): کسی که می داند با وضع معمول حج و مخارج عادی آن، دارای استطاعت نیست ولی احتمال می دهد که اگر تحقیق کند راه هایی پیدا شود که با وضع فعلی خود بتواند حج کند لازم نیست فحص کند ولی ملاحظه وضع مالی موجود خود برای کسی که نمی داند آیا استطاعت حج دارد یا نه و می خواهد بداند که آیا مستطیع هست یا نه علی الظاهر واجب است. (4)

### مسائل مرتبط با نذر و حج

- امام خمینی (ره): اگر نذر کند که در روز عرفه کربلائی معلی یا یکی از مشاهد دیگر را زیارت کند، نذرش صحیح است، لکن اگر مستطیع بوده یا در این سال مستطیع شد باید حج برود، و نذر مانع از حج نمی شود، و اگر نرفت حج بر او مستقر می شود، و باید به نذر عمل کند، و اگر حج رفت تخلف نذر موجب کفاره نمی شود، ولی اگر حج نرفت و به نذر هم عمل نکرد کفاره نذر را باید بدهد. (5)

\* آیه الله (غروی): صحت نذر مذکور با وجوب حج جمع نمی شود و چون در متعلق نذر رجحان معتبر است و در فرض مزبور منافی با واجب مکلف است رجحانی ندارد لازم است نذر را باطل بدانیم و زیارت عرفه بر تقدیر ترک حج گر چه راجح است الا این که نذر زیارت پیش

ص: 69

1-1 - مناسک آیه الله خامنه ای، مسأله 15، ص 5.

2-2 - مناسک آیه الله خوئی، مسأله 21.

3-3 - مناسک آیه الله بهجت، مسأله 18.

4-4 - مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، ص 31.

5-5 - همان، مسأله 30، ص 31.

ناذر مقید ترک حج نیست و تفصیل مسأله موکول است به کتب مفضلله فقهیه. از گفته های ما معلوم شد که نذر مذکور وجوب عمل ندارد، لذا عمل نکردن به نذر مذکور کفاره ندارد.

\* آیات عظام (گلپایگانی)، (اراکلی)، (خوئی)، (سیستانی)، (بهجت)، (تبریزی)، (صافی): نذر منحل می شود و باید به حج برود.

\* آیه الله (خوئی)، آیه الله (تبریزی): در این صورت عمل به نذر واجب نیست، بنابراین تخلف از نذر موجب کفاره نمی شود.

\* آیه الله (مکارم): نذر منعقد نیست و کفاره ندارد.

\* آیه الله (بهجت): حکم صورت تخلف نذر را مطرح نفرموده اند.

### احکام مرتبط با حج استحبابی

- امام خمینی (ره): اگر با اعتقاد به این که مستطیع نیست، قصد حج استحبابی کند و بعد معلوم شود که مستطیع بوده کفایت از حجه الاسلام نمی کند مگر در صورتی که قصد وظیفه فعلیه نموده باشد و اشتباها آن را بر حج استحبابی تطبیق کرده باشد. (1)

\* آیه الله خامنه ای: اگر کسی وصیت کند که برای او حج مستحبی به جا آورند، هزینه آن از ثلث برداشته می شود؟ (2)

\* آیه الله (گلپایگانی): اگر بطور جزم، قصد حج استحبابی کرده است کفایت آن از حجه الاسلام خالی از اشکال نیست. (3)

\* آیات عظام (مکارم)، (صافی)، (تبریزی): کفایت میکند. (4)

\* آیه الله خامنه ای: مگر این که نیت کند حجی را که شارع مقدس از او خواسته به جای آورد.

\* آیه الله (خوئی): کفایت می کند.

ص: 70

---

1-1 - مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، مسأله 32، ص 32.

2-2 - مناسک حج (للخامنی)، مسأله 46، ص 10.

3-3 - آداب و احکام حج، مسأله 78.

4-4 - تعلیقه عروه، ج 2، ص 240.



- امام خمینی (ره):

کسی که برای نیابت از دیگری اجیر شد و با اجرت آن مستطیع گشت در صورتی که استیجار برای سال اول باشد باید حج نیابی را مقدم بدارد و چنانچه استطاعت او تا سال بعد باقی بماند برای خودش در سال بعد حج به جا آورد. (1)

- آیه الله خامنه ای: کسی که حج بر او مستقر شده، اگر پیش از انجام حج فوت کند، ورثه او باید از اصل مال از طرف او نایب بگیرند مگر آن که وصیت کرده باشد که مخارج حج از ثلث پرداخت شود و در این صورت عمل به آن بر وصایای مستحب مقدم است. و اگر ثلث برای انجام آن کافی نباشد، کمبود آن از اصل مال برداشت می شود. (2)

در مواردی که نیابت واجب است باید فوراً مبادرت به انجام آن شود اعم از این که نیابت از طرف انسان زنده باشد یا میت. (3)

\* واجب نیست انسان زنده از بلد نایب بگیرد و اگر از میقات نایب بگیرد کافی است. و هم چنین کسی که از دنیا رفته و حتی بر او مستقر شده، حج میقاتی برای او کفایت میکند. ولی اگر نایب گرفتن فقط از وطن میت و یا شهر دیگری امکان پذیر است، واجب است ورثه آن را انجام دهند و مخارج آن از اصل دارایی میت خارج می شود. و در صورتی که وصیت به حج بلدی کرده باشد باید به وصیت او عمل کنند و هزینه ما زاد بر اجرت میقاتی از ثلث محاسبه می شود. (4)

\* آیه الله (خامنه ای): واجب است تا آنجا که امکان دارد خودش به حج برود و اگر حج به سبب مرضی که امید زوالش نیست یا پیری یا اسباب دیگر، برای او مشقت دارد، واجب است نایب بگیرد.

\* آیه الله مکارم: اگر امید بهبودی نداشته باشد می تواند نایب بگیرد. آیه الله (اراکلی): ولی امید خوب شدن داشته باشد. احتیاطاً نایب بگیرد.

آیه الله (تبریزی): اگر اطمینان به تمکن از مباشرت نداشته باشد بنا بر احتیاط واجب است که برای خود نایب بگیرد و چنانچه می داند متمکن از مباشرت نمی شود باید نایب بگیرد و هم

ص: 71

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 38، ص 35.

2-2- مناسک حج (للخامنه ای)، مسأله 43، ص 10.

3-3- همان، مسأله 44، ص 10.

4-4- مناسک حج (للخامنه ای)، مسأله 45، ص 10.

چنین در فرض بعدی باید بنا بر احتیاط نایب بگیرد و وجوب نایب گرفتن مانند وجوب حج فوری است. (1)

\*\*\* آیه الله سیستانی، آیه الله (خوئی): اگر امید به تمکن از مباشرت نداشته باشد، واجب است که برای خود نایب بگیرد.

\* آیه الله (سیستانی): به حدی که تحملش برای او مشکل باشد. (2)

\*\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): به نحوی که زندگی او مختل شود. (3)

- امام خمینی (ره):

کسی که برای حج نیابتی، اجیر شده و بعد در همان سال استطاعت مالی پیدا کرده چنانچه برای حج در آن سال اجیر شده باشد باید حج نیابتی را به جا آورد و اگر استطاعت او باقی ماند، حج خودش را در سال بعد انجام دهد. (4)

آیه الله (تبریزی): اگر حج نیابتی به جا آورد، حجتش صحیح است و ذمه منوب عنه بری می شود ولی در فرضی که واقعا بر او حج واجب بوده و لو نسبت به آن جاهل باشد اجاره باطل است و نایب استحقاق اجره المثل را دارد مگر بیشتر از اجره المسمی باشد و اگر حج استجابی برای خودش انجام دهد در صورت علم به استطاعت خود و عدم صحت حج استجابی، حج او باطل است و در غیر این صورت حجتش صحیح و مجزی از حجه الاسلام می باشد. (5)

\* آیه الله (سیستانی): ... اگر حج نیابتی مقید به همان سال نباشد، باید حج خود را مقدم بدارد، مگر این که برای او وثوق حاصل شود که در سالهای آینده حج را انجام خواهد داد، که در این صورت واجب نیست حج خود را مقدم بدارد.

آیه الله (تبریزی): اما اگر مقید به همان سال نباشد و برای او محرز است که می تواند حج نیابتی را در سالهای بعد به جا آورد، حج خودش را مقدم کند و الا باید حج نیابتی را مقدم بدارد.

آیه الله (بهجت): اما اگر حج نیابتی مقید به همان سال نباشد حج خود را مقدم بدارد. (6)

ص: 72

---

1- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، ص 43.

2- همان.

3- مجمع المسائل، ج 1، مسأله 11، ص 429.

4- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 56، ص 44.

5- همان، ص 38.

6- مناسک، ص 14، مسأله 29.

\* آیه الله (خوئی): بر مریض یا شخصی که استطاعت مالی دارد ولی از تمکن از رفتن به حج نا امید است یا بر او حرجی است واجب است نایب بگیرد. (1)

\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): اگر از جهت مالی قدرت دارد و از جهت صحت بدن استطاعت ندارد و امید خوب شدن ندارد واجب است نایب بگیرد در صورتی که حج بر او مستقر شده، و اگر حج بر او مستقر نشده باشد، نایب گرفتن مطابق احتیاط است اگر چه امید به زوال عذر هم وجود داشته باشد؟ (2)

- امام خمینی (ره):

اگر با وجود شرایط استطاعت، حج را ترک کرد، حج بر او مستقر می شود و باید بعداً به هر نحو می تواند به حج برود. مستطیع باید خودش به حج برود، و حج دیگری از طرف او کفایت نمی کند، مگر در مورد مریض یا پیر (3)

- امام خمینی (ره):

کسی که خودش مستطیع است نمی تواند از طرف دیگری برای حج نایب شود یا حج استحبابی به جا آورد، و اگر حج نیایی یا استحبابی به جا آورد باطل است. (4)

\* آیه الله (بهجت): در صورت یأس از خوب شدن استنابه می کند بنحو فوری بنا بر اظهر. (5)

\* آیه الله (فاضل): چنانچه تا پایان اعمال حج شرایط استطاعت باقی باشد، که در این صورت باید حج را انجام دهد مگر این که انجام حج حرجی باشد، که در این فرض از خودش ساقط است، و در این صورت باید از ترکه او - ولو از میقات - نایب بگیرد، یا شخصی تبرعا حج او را انجام دهد.

آیه الله مکارم: حج نیابتی او صحیح است هر چند گناه کرده است. و حج استحبابی او حج وجوبی محسوب می شود.

\*\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): در صحت آن اشکال است و احتیاط ترک نشود، عالم باشد و یا جاهل. (6)

ص: 73

1-1- مناسک، مسأله 63.

2-2- آداب و احکام حج، مسأله 90.

3-3- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 42 و 43، ص: 38.

4-4- همان، مسأله 44، ص: 38.

5-5- کتاب حج، ص 19-18.

6-6- آداب و احکام حج، مسأله 115.

\* آیه الله (سیستانی): کسی که ذمه اش مشغول به حج واجب است و متوجه است جایز نیست در همان سال نیابت به پذیرد ولی اگر حج نیابی انجام داد صحیح است و ذمه منوب عنه فارغ می شود، اما اجاره باطل است و مستحق اجرت المثل است.

\* آیه الله (بهجت): حج نایب، صحیح و ذمه منوب عنه بری می شود.

- امام خمینی (ره):

اگر شخصی از سالهای قبل مستطیع بوده و فعلا مسافرت با هواپیما به جهت کسالت برای او مقدور نباشد و غیر از هواپیما وسیله دیگری برای او فراهم نباشد نمی تواند نایب بگیرد و باید در وقت تمکن به حج برود و اگر متمکن نشد تا فوت شد باید از ترکه او برای او حج بدهند و اگر از سالهای قبل استطاعت نداشته در فرض مزبور مستطیع نشده است. (1)

آیه الله (بهجت): در صورت استقرار حج با فرض یأس از زوال عذر واجب است استتبابه نماید و با امید زوال عذر احوط جمع بین استتبابه فوری و لوازم مناسب با احتیاط در آن است، و با زوال عذر احوط اعاده با مباشرت است و با تبدیل آ امید زوال عذر به یأس از آن احوط تجدید استتبابه است و با استمرار عذر تا وقت وفات احوط برای غیر مایوس قضاء از او با تکرار استتبابه است. و اما صورت عدم استقرار حج پس با فرض یأس از زوال عذر اظهر وجوب فوری استتبابه است و با امید زوال عذر احتیاط مستحب این است که فوراً استتبابه کند که با زوال عذر اعاده با مباشرت می نماید و احتیاط در بقیه بر همان نحو است که ذکر شد؟ (2)

## بیان 18 مسأله اختصاصی در باب حج نیابتی از منظر امام خمینی (ره)

### مسأله 1:

واجب است برای میت که حج به عهده او بوده و مرده، نایب بگیرند که حج او را به جا آورد، و آن چه واجب است اگر وصیتی نکرده باشد آن است که از نزدیک ترین میقات به مکه به جا آورده شود، و اگر ممکن نشد از میقاتی که پس از آن میقات نزدیک تر است و هم چنین

ص: 74

1-1- تفصیل این مسأله در ذیل مسأله 41 استطاعت گذشت. مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، مسأله 52، ص 42.

2-2- کتاب حج، ص 18-19.

## مسأله 2:

اگر امکان نداشته باشد اجیر بگیرند مگر از شهر میت، واجب است از آنجا بگیرند، و مصرف از اصل مال است.

## مسأله 3:

صحیح است نایب گرفتن از میت در حج واجب و مستحب و از زنده در حج مستحب و گاهی در واجب.

## مسأله 4:

شرط است در نایب چند چیز: اول: آن که بالغ باشد بنا بر احتیاط واجب. دوم: آن که عاقل باشد، پس مجنون که از او قصد متحقق نشود صحیح نیست نایب شود. سوم: آن که شیعه دوازده امامی باشد. چهارم: آن که عادل باشد یا مورد وثوق باشد که عمل را به جا می آورد و احوط آن است که مورد وثوق باشد در به جا آوردن به طور صحیح، اگر چه بعید نیست که این شرط معتبر نباشد. پنجم: آن که به افعال حج از روی اجتهاد یا تقلید عالم باشد؛ گر چه به تعلیم کسی باشد در حال به جا آوردن به طور تدریج. ششم: آن که ذمه اش مشغول نباشد به حج واجب، چه حجه الاسلام و چه حج نذری که وقتش تنگ است، در صورتی که بتواند این حجی که بر او واجب بود به جا آورد، و اگر نتواند برای آن که مال ندارد، اشکال ندارد که نایب شود. (1)

## مسأله 5:

شرط است در کسی که برای او نایب می گیرند، آن که مسلمان باشد و اگر کافر باشد صحیح نیست نیابت از او، پس اگر بمیرد بر ورثه او واجب نیست که برای او نایب بگیرند.

## مسأله 6:

شرط است در کسی که از او نایب می گیرند، آن که مرده باشد و اگر زنده باشد، عاجز باشد از به جا آوردن و این شرط در حج واجب است، و اما حج مستحب برای زنده در هر صورت می شود نایب گرفت.

ص: 75

## مسأله 7:

مرد برای زن و زن برای مرد می تواند نایب شود، لکن اولی آن است که همجنس باشند.

## مسأله 8:

مانع ندارد نیابت کردن کسی که حج نرفته باشد؛ چه مرد باشد چه زن، از مرد و زن.

## مسأله 9:

باید نایب قصد نیابت کند به این که عمل حج را برای نیابت از فلان به جا می آورم، و باید تعیین کند که از کی به جا می آورد و لازم نیست اسم او را ببرد، و لکن مستحب است در همه موقوفها اسم او را ببرد.

## مسأله 10:

جائز نیست کسی را که عاجز است از عمل کردن به بعض اعمال حج، نایب بگیرند.

## مسأله 11:

اگر نایب پیش از احرام بمیرد و یا پیش از داخل شدن در حرم بمیرد کفایت نمیکند کار او از میت، بلکه باید برای او حج بگیرند و اگر بمیرد بعد از احرام و داخل شدن در حرم، کافی است برای میت و لازم نیست اجیر بگیرند.

## مسأله 12:

اگر اجیر کنند کسی را برای حج و تعیین نکنند که اجرت برای خود عمل است یا عمل و مقدمات است، ظاهر آن است که برای همه است از مقدمات و عمل، پس اگر اجیر بمیرد در حرم بعد از احرام، مستحق اجرت می شود به نسبت راهی که رفته و عملی که کرده و همین طور اگر بین عمل بمیرد هر جا باشد. بلی اگر مصداق عرفی حج را آورده باید اجرت تمام عمل را بدهند، گر چه بعض خصوصیات را نسیان کرده باشد و مرده باشد.

## مسأله 13:

شرط نیست در اجاره آن که راه را تعیین کنند، لکن اگر تعیین کردند باید عمل کند. و اگر عمل نکرد به مقدار مخالفت، از اجرت او کسر می شود، بلکه اگر اجیر شده باشد به حج از این

راه به طور قید، و تخلف کند هیچ چیز از اجرت را طلبکار نیست، ولکن ذمه میت از حج بری می شود. (1)

#### مسأله 14:

اگر کسی اجیر شد در سال معینی که حج کسی را با مباشرت خودش به جا آورد، نمی تواند برای کسی دیگر به همین طور اجیر شود، و اگر اجیر شد اجاره باطل است

#### مسأله 15:

اگر اجیر مرتکب عملی شد که کفاره باید بدهد کفاره از مال خودش باید بدهد.

#### مسأله 16:

اجیر مالک می شود اجرت را پس از عقد اجاره، لکن لازم نیست اجرت را به او بدهند مگر بعد از عمل، اگر قرینه در کار نباشد که اجرت را پیش از عمل بدهند.

#### مسأله 17:

اگر کسی را اجیر کردند برای حج و ذکری نکردند که خودت به جا آوری یا اجیر بگیری و قرینه ای در کار نباشد، باید خودش به جا آورد و نمی تواند اجیر بگیرد.

#### مسأله 18:

جایز است از برای میت حج کنند تبرعا؛ چه حج واجب و چه مستحب. و جایز است حج مستحب برای او بکنند با بودن حج واجب به عهده او. (2)

### نیابت و شرایط آن در حج

در نایب اموری شرط است: (3) 1- بلوغ، بنا بر احتیاط واجب.

ص: 77

---

1-1- نجاه العباد (للإمام الخميني)، ص 212

2-2- همان، ص 213.

3-3- مناسک حج (المحشى للإمام الخميني)، مسأله 107، ص 67.

\* آیه الله (تبریزی): نایب باید بالغ باشد، پس حج بچه نابالغ به جای دیگری کفایت نمی کند، البته در حجه الاسلام و حجهای واجب دیگر، هر چند آن بچه ممیز باشد که خوب و بد را تشخیص دهد. بلی بعید نیست که نیابت وی در حج مستحبی با اذن ولی صحیح باشد.

آیه الله سیستانی: بلوغ شرط است و بنا بر احتیاط بچه ممیز نمی تواند نایب شود، مگر در حج مندوب به اذن ولی.

\* آیه الله (خوئی): در حج واجب بلوغ نایب شرط است ولی در حج مستحبی بعید نیست که نیابت غیر بالغ با اذن ولی صحیح باشد. (1)

آیه الله (بهجت): نیابت طفل غیر ممیز صحیح نیست، و اگر بچه ممیز باشد و قائل به مشروعیت عبادت صبی ممیز باشیم، خالی از رجحان نیست که نیابت وی صحیح باشد. (2)

\* آیه الله (مکارم): بلکه بنا بر اقوی در حج واجب. 2- عقل. 3- ایمان.

4- وثوق و اطمینان به انجام دادن او، و اما بعد از اجراء عمل نایب، لازم نیست اطمینان به صحت آن و در صورت شک در صحت، حکم به صحت می شود و استنباه صحیح است هر چند قبل از عمل شک داشته باشد.

\* آیه الله (فاضل): این شرط در استنباه معتبر است نه در اصل نیابت.

\* آیه الله (خوئی)، آیه الله (تبریزی): و اگر نایب ثقة باشد اخبار او کافیست.

\* آیه الله (سیستانی): اگر خبر داد که از طرف او انجام داده و از خبرش وثوق و اطمینان حاصل نشد در این صورت اکتفا به خبر دادن او اشکال دارد. (3)

\* آیه الله (بهجت): وقتی ذمه منوب عنه فارغ و بریء می شود که یقین حاصل شود که نایب عمل را بطور صحیح به جا آورده یا آن که اماره معتبره باشد بر به جا آوردن. (4)

\* آیه الله مکارم: احتیاط واجب عدم استنباه در این دو مورد است.

5- معرفت نایب به افعال و احکام حج و لوبا ارشاد کسی در حال عمل.

ص: 78

---

1-1- مناسک، مسأله 103.

2-2- کتاب حج، ص 39.

3-3- مناسک، مسأله 104.

4-4- مناسک، مسأله 101.



## 6- ذمه نایب، مشغول به حج واجبی در آن سال نباشد. (1)

\* آیه الله سیستانی، آیه الله (بهجت): (با اختلاف تعابیر): مگر در صورتی که جاهل به وجوب باشد یعنی نداند که حج بر خودش واجب است یا می دانسته ولی غافل است و فراموش کرده، که در این دو صورت نیابت وی عیبی ندارد. و این شرط شرط صحت اجاره است نه شرط صحت حج نایب.

\* آیه الله (بهجت): اضافه می فرماید: پس هرگاه در حالی که حج بر خودش واجب بوده و از قبل دیگری و به نیابت او حج نماید اظهر آن است که حج او صحیح است و ذمه منوب عنه بریء شده است ولی نایب اجرتی را که قرار داده شده مستحق نخواهد شد بلکه مستحق اجره المثل خواهد بود (اجره المثل یعنی نرخ متعارف). (2)

\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): در صحت حج غافل و جاهل اشکال است و احوط عدم اکتفاء به حج آن دو است. (3)

\* آیه الله (خوئی): ذمه نایب مشغول به حج واجب منجز نباشد و این شرط صحت اجاره است.

\* آیه الله (تبریزی): ذمه نایب مشغول به حج واجب نباشد و این شرط صحت اجاره است، پس اگر غافل از استطاعت بود اجاره او صحیح است.

\* آیه الله (فاضل): این شرط معتبر نیست. \* آیه الله مکارم): اگر ذمه او مشغول باشد نیابت او صحیح است هر چند گناه کرده است. 7- معذور در ترک بعضی افعال حج نباشد.

\* آیه الله (فاضل): نیابت معذور و لو برای حج ندبی حتی اگر تبرعا و بدون وکالت باشد صحیح نیست بلی می تواند برای خود حج انجام دهد و ثواب آن را اهدا کند.

\* آیه الله (گلپایگانی): بنا بر احتیاط نیابت معذور صحیح نیست؟ (4)

\* آیه الله (خوئی): اجاره کردن معذور برای حج جایز نیست بلکه اگر خودش تبرعا حج نیابی به جا آورد اجزاء آن از منوب عنه مشکل است ولی کسانی که جایز است در شب عید قبل

ص: 79

---

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخمینی)، ص 68.

2-2- مناسک، مسأله 100، ص 37.

3-3- مناسک عربی، مسأله 1، ص 49.

4-4- همان، مسأله 9، ص 50.

از طلوع فجر به منا بروند و در شب رمی کنند و یا کسانی که ناچار به ارتکاب محرمات احرام هستند نیابتشان مانعی ندارد و آن چه از ایشان راجع به عذر طاری در نایب آمده اینست.

س- اگر برای نایب در حج پیش آمدی شود آیا می تواند نایب بگیرد مثلاً در رمی جمره و یا ذبح و یا غیره؟

ج- امام خمینی (ره): بلی می تواند نایب بگیرد اگر نایب برای حج تمتع اتفاقاً بخاطر ضیق وقت ناچار شد عدول به حج افراد کند مجزی از منوب عنه است و لذا می توان گفت ایشان نیابت معذور به عذر طاری را مجزی می دانند. (1)

آیه الله سیستانی: بنا بر احتیاط واجب نمی شود کسی را که از پیش عجز او از عمل اختیاری معلوم است اجیر کرد، بلکه اکتفا به تبرع او در نیابت نیز محل اشکال است و در مورد عذرهایی که بعداً عارض می شود حکم نایب همان حکم منوب عنه است که در بعضی موارد حج صحیح است و گاهی باطل است و استیجار و نیابت کسی که در انجام بعضی واجبات حج که ترک عمدی آنها هم موجب بطلان نیست، مانند طواف نساء و بیتوته و رمی روز یازده و دوازده اشکال ندارد.

\* آیه الله (بهجت): بنا بر احتیاط با تمکن از استیجار غیر معذور، نمی توان معذور را اجیر نمود، بلکه اگر چنین شخصی تبرعا به نیابت دیگری حج نمود اکتفا کردن به عملش مشکل است (بلی اگر در به جا آوردن کارهایی که بر محرم حرام است معذور باشد مثل این که مضطر به تظلیل (زیر سایه رفتن) باشد اجیر گرفتن یا نایب گرفتن چنین شخص عیبی ندارد). (2)

\* آیه الله (مکارم): ولی عذرهایی که در خود حج پیش می آید مانعی ندارد.

\* آیه الله (تبریزی): نیابت کسی که از ابتدا میدانند از اتیان به حج اختیاری عاجز است در حج واجب اشکال دارد.

\* آیه الله (صافی): نیابت کسی که از اتیان بعض اعمال عمره و حج معذور است اگر ترک عمدی آن عمل از غیر معذور موجب بطلان حج یا عمره نباشند به این که ترک آن عمل یا فقط حرمت تکلیفی دارد و یا علاوه بر آن موجب کفاره هم هست ولی ترک آن موجب بطلان عمل عمره یا حج نیست، اشکال ندارد و حتی اگر می داند که اجیر بعضی از اعمالی که ترک آن موجب بطلان حج و عمره نیست عمده بدون عذر ترک می کند استیجار او مانعی ندارد و مبرئ

ص: 80

---

1-1- استفتاءات آیه الله خوبی، ص 275 س 833 و نیز در مناسک مسأله 125.

2-2- مناسک، ص 41، مسأله 110.

ذمه منوب عنه می باشد بلی نسبت به استحقاق اجرت اگر موقع عقد اجاره، مستأجر اطلاع از معذور بودن اجیر در امور مذکوره نداشته باشد اجیر استحقاق اجرت ندارد ولو این که عمل او مبرئ ذمه منوب عنه است.

### شرایط منوب عنه از دیدگاه امام خمینی (ره)

در منوب عنه اموری شرط است (1): 1- اسلام.

آیه الله (فاضل): در منوب عنه اسلام و ایمان شرط است، پس حج به نیابت کافر و مخالف صحیح نیست.

\* آیه الله (بهجت): نیابت از کافر به احتمال حصول تخفیف عذاب محل تأمل است. (2)

2- در حج واجب شرط است که منوب عنه، فوت شده باشد یا اگر زنده است حج بر او مستقر شده و خودش از جهت مرضی که امید خوب شدن آن نیست یا از جهت پیری نتواند به حج برود و در حج استحبایی این شرط نیست و در منوب عنه بلوغ و عقل شرط نیست و مماثله بین نایب و منوب عنه نیز شرط نیست و جایز است کسی که تا کنون به حج نرفته و مستطیع نیست برای دیگری نایب شود.

\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): در نیابت از مجنون اشکال است مگر آن که بقصد رجاء آورده شود.

\* آیه الله (مکارم): نیابت از بچه و دیوانه ای که حج بر او مستقر نشده خالی از اشکال نیست.

آیه الله (فاضل): شرط هست ولی اگر حج قبل از جنون بر او مستقر شده عقل شرط نیست و در صورت یأس از بهبودی یا بعد از فوت او باید از مالش - و لوازمیقات - برای او استنابه کنند.

آیه الله (بهجت): در غیر صبی ممیز مشکل است.

\* آیه الله (بهجت): اگر چه نیابت زن از مرد مرجوح است. (3)

\* آیه الله (خوئی)، آیه الله (تبریزی): بلکه اگر منوب عنه مرد و زنده باشد که بخاطر عدم

ص: 81

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، مسأله 108، ص 69.

2-2- مناسک، مسأله 106

3-3- همان، ص 39، م 104.

تمکن نمی تواند حجه الاسلام را به جای آورد احتیاط لزومی آن است که مردی را که تا کنون به حج نرفته، به نیابت خود به حج بفرستد.

\* آیه الله (بهجت): بلی نایب گرفتن ضروره مکروه است به خصوص در صورتی که نایب زن و منوب عنه مرد باشد، اگر چه با داشتن بعضی مرجحات دیگر از قبیل فقاہت و تقوی و کمالات دیگر جانب رجحان تقویت می یابد و از مرجوحات بیرون می آید(1)

3- نایب باید در عمل قصد نیابت نماید و منوب عنه را در نیت تعیین کند و لو اجمالاً و شرط نیست اسم او را ذکر کند، گر چه مستحب است؟(2)

\* آیه الله (بهجت): معتبر است در نیابت قصد آن و تعیین منوب عنه با تعدد، و در صورت اتحاد کافی است قصد نیابت واجبه مثلاً(3)

4- ذمه منوب عنه فارغ نمی شود مگر به این که نایب، عمل را صحیحاً انجام دهد(4)

- اگر نایب بعد از احرام و دخول حرم بمیرد از منوب عنه مجزی است و در اجراء این حکم در حج تبرعی اشکال است بلکه در غیر حجه الاسلام خالی از اشکال نیست.

\* آیه الله (نوری): مجزی است مطلقاً.

\* آیه الله (خامنه ای): در حکم مذکور فرقی بین حجه الاسلام و غیر آن و اقسام نیابت نیست.

\* آیه الله (خوئی) و آیه الله (تبریزی): چنانچه نایب بعد از احرام بمیرد کفایت از منوب عنه میکند هر چند مردنش قبل از دخول حرم باشد بنا بر اظهر، و در این مورد فرقی بین حجه الاسلام و غیر آن نیست، و هم چنین فرقی نیست بین این که نیابت به اجرت باشد یا به تبرع.

آیه الله سیستانی): اگر بعد از احرام و قبل از دخول حرم بمیرد محل اشکال است و اگر بعد از دخول حرم باشد مجزی است و در این حکم فرقی بین حجه الاسلام و غیر آن نیست ولی در مورد حج تبرعی اشکال است.

\* آیات عظام (گلپایگانی)، (بهجت)، (صافی): بعد از احرام و پس از دخول حرم کافی است و در این حکم بین حجه الاسلام و غیر آن و بین نیابت به مزد و اجرت و تبرع فرقی نیست.

\* آیه الله (مکارم): فرقی در میان اقسام حج و نیابت نیست.

ص: 82

1-1- کتاب حج، ص 40.

2-2- مناسک حج (المحشی للإمام الخمینی)، مسأله 109، ص 70.

3-3- کتاب حج، ص 39.

4-4- همان، مسأله 110.

- امام خمینی (ره):

لباس احرام و پول قربانی در حج نیایی بر اجیر است مگر در صورتی که شرط شده باشد که مستأجر بدهد و هم چنین اگر اجیر موجبات کفاره را انجام دهد کفاره بر عهده خود او است نه مستأجر. (1)

امام خمینی (ره): نایب در طواف نساء نیز باید قصد منوب عنه نماید و احتیاط استحبابی آن است که بقصد ما فی الذمه به جا آورد. (2)

- امام خمینی (ره):

اگر نایب طواف نساء را صحیحا انجام ندهد زن بر او حلال نمی شود و بر منوب عنه چیزی نیست.

\* آیه الله (غروی): در صورتی که نایب در تمام حج نیابت کند و اگر مراد نایب در خصوص طواف نساء باشد به قرینه فرع ما قبل این فرع بر منوب عنه ایضا زن حلال نمی شود. (3)

- امام خمینی (ره):

استیجار کسی که وقتش از اتمام حج تمتع ضیق شده و وظیفه او عدول به افراد است برای کسی که وظیفه او حج تمتع است صحیح نیست، بلی اگر در سعه وقت او را اجیر کرد و بعد وقت ضیق شد باید عدول کند و بنا بر احتیاط از منوب عنه مجزی نیست. (4)

آیه الله (بهجت): از منوب عنه مجزی است. در صورتی که نیابت بر فراغ ذمه او باشد. (5)

\* آیه الله (سیستانی): ذمه منوب عنه بری می شود ولی در صورتی که اجاره بر اعمال عمره و حج تمتع بوده، اجیر استحقاق اجرت را نخواهد داشت، بلی اگر اجاره بر تفریغ ذمه منوب عنه بوده مستحق اجرت خواهد بود. (6)

\* آیه الله (خامنه ای): کفایت از حج تمتع می کند و مستحق اجرت هم هست.

ص: 83

---

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، مسأله 111، ص 71.

2-2- همان، مسأله 112.

3-3- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، مسأله 113.

4-4- همان، مسأله 114، ص 71.

5-5- مستفاد از سؤال 126 مناسک آیه الله خوئی.

6-6- مناسک، مسأله 125.

- امام خمینی (ره):

در حج واجب نیابت یک نفر از چند نفر در یک سال جایز نیست و در غیر واجب مانع ندارد. (1)

\* آیات عظام (خوئی)، (فاضل)، (تبریزی)، (سیستانی)، (بهجت): مگر این که به نحو شرکت بر آنها واجب شده باشد. مثل این که دو نفر یا بیشتر نذر کنند که با شرکت یکدیگر کسی را اجیر نمایند که در این صورت می توانند یک نفر را برای حج اجیر نمایند. (2)

- امام خمینی (ره):

کسی که حج بر او مستقر شده یعنی سال اول استطاعت، حج نرفته اگر بواسطه مرض، یا پیری قدرت رفتن ندارد یا رفتن برای او حرج و مشقت دارد واجب است نایب بگیرد، در صورتی که امید خوب شدن و قدرت پیدا کردن نداشته باشد، و به احتیاط واجب باید فوراً نایب بگیرد و اگر مستقر نشده باشد بر او، اقوی عدم وجوب است. (3)

- امام خمینی (ره):

بعد از آن که نایب عمل را به جا آورد، حج از معذور ساقط می شود و لازم نیست خودش حج کند اگر چه عذرش برطرف شود و اما اگر قبل از اتمام حج عذر برطرف شد، چه قبل از احرام یا بعد باید خودش حج برود؟. (4)

\* آیات عظام (خوئی)، (تبریزی)، (سیستانی)، (بهجت): بنا بر احتیاط واجب در صورت حصول تمکن باید خودش حج را به جا آورد.

\* آیه الله (صافی): در صورتی که حج بر او مستقر بوده با تمکن باید خودش حج به جا آورد و هم چنین اگر مستقر نبوده ولی استطاعتش باقی باشد باید حج به جا آورد. (5)

آیه الله (گلپایگانی): مگر این که در وقت نایب گرفتن، امید خوب شدن و رفع عذر داشته باشد که در این صورت بنا بر احتیاط، اگر رفع عذر شد و استطاعت داشت باید خودش هم حج را انجام دهد.

ص: 84

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی) مسأله 115، ص 71.

2-2- مناسک، ص 45، مسأله 123.

3-3- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، مسأله 116، ص 72.

4-4- همان، مسأله 117، ص 72.

5-5- آداب و احکام حج، حاشیه مسأله 90.

آیه الله (غروی): اقوی این است که در صورت ارتقاع عذر خودش لازم است حج را انجام دهد.

\* آیه الله (گلپایگانی): مگر این که در اثناء عمل بعد از احرام عذر برطرف شود ولی منوب عنه تمکن از انجام عمل کامل نداشته باشد که در این صورت حج نایب مجزی است. (1)

\* آیه الله (مکارم): بنا بر احتیاط واجب باید خودش حج برود.

\* آیه الله (صافی): اگر بعد از احرام عذر مرتفع گردد که امکان انجام حج برای منوب عنه در همان سال یا سال بعد باشد ارتقاع عذر کاشف از بطلان اجاره و بلکه بطلان احرام نایب است.

آیه الله (سیستانی): گر چه احتیاط واجب است که نایب نیز عمل حج را تمام نماید. (2)

- امام خمینی (ره):

کسی که حج بر او واجب باشد چه سال استطاعتش باشد و چه حج بر او مستقر شده باشد جایز نیست نیابت کند از غیر، و اگر نیابت کند باطل است، چه عالم بحکم باشد یا نباشد.

آیه الله (فاضل)، آیه الله مکارم): نیابت او صحیح است هر چند گناه کرده است. (3)

- امام خمینی (ره):

اگر اجیر برای حجه الاسلام بعد از احرام بستن و داخل شدن در حرم بمیرد کفایت میکند از حج کسی که برای او به جا آورده است، و لازم نیست حج کردن برای او، و اگر قبل از احرام یا بعد از آن و قبل از داخل شدن در حرم بمیرد باید دو مرتبه اجیر بگیرند، و همین حکم را دارد کسی که برای خودش به حج برود. (4)

\* آیه الله (خوئی): اگر بعد از احرام بمیرد کفایت از منوب عنه میکند هر چند قبل از دخول حرم بمیرد. (5)

\* آیه الله (خامنه ای): مجزی نیست بنا بر احتیاط واجب.

\*\* آیه الله (سیستانی)، آیه الله مکارم): اگر بعد از احرام و قبل از دخول حرم بمیرد این حکم احتیاطی است.

ص: 85

1-1 - مناسک عربی، مسأله 90.

2-2 - مناسک، مسأله 64.

3-3 - مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، مسأله 118، ص 72.

4-4 - همان، مسأله 119، ص 72.

5-5 - مناسک، مسأله 114.

\* آیه الله (تبریزی): چنانچه بعد از احرام بمیرد کفایت از منوب عنه میکند هر چند مردنش قبل از دخول حرم باشد. (1)

\* آیه الله (سیستانی): کسی که حج بر او مستقر شده است اگر بعد از احرام حج در حرم بمیرد حجه الاسلام از او ساقط است چه تمتع باشد چه قران و چه افراد و اگر در عمره تمتع بمیرد نیز ساقط است و اگر قبل از آن بمیرد چه بعد از احرام قبل از دخول حرم و چه بعد از دخول حرم بدون احرام ساقط نمی شود و باید از او قضا کند و این حکم در حج واجب غیر از حجه الاسلام و در عمره مفرد جاری نیست و اما کسی که حج بر او مستقر نشده است اگر بعد از احرام بمیرد قضا واجب نیست هر چند قبل از دخول حرم باشد.

- امام خمینی (ره):

اگر کسی را برای حج اجیر کردند و قرار نگذاشتند که اجرت برای خصوص عمل باشد یا در مقابل عمل و رفت و آمدها باشد پس اگر قبل از داخل شدن در حرم مرد، ظاهراً مستحق اجرت رفتن تا محل موت می باشد و همین طور اگر بعد از احرام و دخول حرم بمیرد بیشتر از آن چه ذکر شد و اجرت احرام مستحق نیست، اگر چه حج از میت ساقط می شود، و اگر بعضی اعمال را به جا آورد و مرد مستحق اجرت آن اعمال نیز می باشد، و اگر اعمال را به نحوی به جا آورده است که در عرف گفته شود که عمره و حج را به جا آورد، مستحق تمام اجرت است اگر چه بعضی اعمال را که مضر به صحت حج نیست و محتاج به اعاده نیست نسیاناً ترک کرده باشد. (2)

\* آیه الله (مکارم): معمولاً اجاره برای ادای تکلیف منوب عنه است. بنا بر این مستحق تمام اجرت می باشد.

\* آیه الله (غروی): اگر اجیر شده به تفریغ ذمه میت، تمام اجرت را باید بدهد و اگر اجیر شده برای اعمال حج لازم است اجرت قسمت شود و به مقدار عملش از اجرت اخذ نماید.

\* آیه الله (سیستانی): در صورتی که مقدمات عمل داخل اجاره باشد، هر مقدار از مقدمات را که انجام داده باشد اجرت همان مقدار را مستحق می شود.

آیه الله (بهجت): اگر تصریح بخلاف متعارف نباشد بر حسب معلوم از داعی استیجار که برائت ذمه منوب عنه است چیزی از اجرت پس گرفته نمی شود وقتی که وفات نایب پس از احرام و دخول حرم باشد و اگر قبل از احرام باشد استحقاق اجرت المثل مقدار راهی که پیموده

ص: 86

1-1- مناسک، مسأله 114.

2-2- مناسک حج (المحشی للإمام الخمینی)، مسأله 120، ص 73.



است بعید نیست و نیز توزیع اجره المسمی بی وجه نیست در صورتی که بعض عمل را مثل احرام انجام داده باشد و یا سیر از طریق خاص در اجاره قید شده باشد. (1)

\* آیه الله (خامنه ای): اگر اجاره برای تفریح ذمه منوب عنه باشد که ظاهر حال در اجاره حج همین است و اجیر بعد از احرام و دخول حرم بمیرد مستحق تمام اجرت است.

\*\* آیه الله (خوئی)، آیه الله (تبریزی): هرگاه اجیر بعد از محرم شدن بمیرد تمام اجرت را مستحق خواهد شد در صورتی که بر تفریح ذمه میت اجیر شده باشد. و اما اگر اجیر بر به جا آوردن اعمال شده باشد اجرت مقداری را که به جا آورده مستحق می شود و چنانچه قبل از احرام بمیرد چیزی مستحق نخواهد بود بلی اگر مقدمات عمل داخل اجاره باشد هر مقدار از مقدمات را که انجام داده باشد اجرت همان مقدار را مستحق می شود. (2)

\* آیه الله (گلپایگانی): ظاهراً مستحق تمام اجرت می باشد علی الأقوی و هم چنین است حکم صورت بعد.

\*\*\* آیات عظام (اراکی)، (فاضل)، (صافی): مگر آن که اجیر برای تفریح ذمه شده باشد، که در این صورت تمام اجرت را می برد.

\* آیه الله (خوئی): اگر بر خود اعمال اجیر باشد به نحو تعدد مطلوب، به نسبت اعمالی که انجام داده مستحق اجرت است.

- امام خمینی (ره):

کسی که به عنوان نیابت رفت به مکه، و خودش حج واجب به جا نیاورده احتیاط آن است که بعد از عمل نیابت، برای خودش عمره مفرده به جا آورد و این احتیاط واجب نیست لکن خیلی مطلوب است. (3)

\* آیه الله (سیستانی): مگر آن که اجیر برای تفریح ذمه شده باشد که در این صورت تمام اجرت را می برد و اگر بر خود اعمال اجیر باشد به نحو تعدد مطلوب به نسبت اعمالی که انجام داده مستحق اجرت است.

\* آیه الله (بهجت): احتیاطاً عمره به جا آورد.

\* آیه الله (مکارم): این احتیاط واجب است.

ص: 87

1-1- کتاب حج، ص 41

2-2- مناسک، مسأله 115.

3-3- مناسک حج (المحشی للإمام الخمینی)، مسأله 121، ص 74.

## احکام اجیر و حج تمتع

- امام خمینی (ره):

کسی که اجیر شده برای حج تمتع، می تواند اجیر دیگری شود برای طواف یا ذبح، یا سعی، یا عمره مفرده بعد از عمل حج، چنانچه می تواند برای خودش طواف و عمره مفرده به جا آورد. (1)

\* آیه الله (مکارم): در مورد عمره مفرده اگر در همان ماه عمره تمتع باشد قصد رجاء کند.

- امام خمینی (ره):

کسی که عذر داشته باشد از بعض اعمال حج، نمی شود (1) او را اجیر کرد برای حج، و اگر شخص معذور از بعض اعمال، تبرعا از غیر، حج بکند اکتفا کردن به آن اشکال دارد. (2)

\* آیه الله (گلپایگانی): بنا بر احتیاط .

\* آیه الله (مکارم): ولی عذرهایی که در خود حج تصادفا به وجود می آید مانند وقوف اضطراری، مانع نیست.

## سؤالات و استفتاءات با محوریت نیابت

\* سؤال: کسی مستطیع بوده و در میقات به نیابت دیگری محرم شده و به مکه آمده و عمره تمتع را از طرف منوب عنه انجام داده است، وظیفه او چیست (3)؟

- امام خمینی (ره):

با این که خودش مستطیع است نیابت او صحیح نیست و احرام او باطل است و باید برگردد به میقات و از آنجا برای خودش محرم شود.

\* آیه الله (تبریزی): اجاره باطل می باشد، ولی حج صحیح است و ذمه منوب عنه بریء می شود گر چه موظف بوده است به میقات برگردد و برای خودش محرم شود.

\* آیه الله (خوئی): در فرض تنجز وجوب حج بر خود نایب، اجاره باطل است ولی اگر حج نیابی را تمام کند مجزی از منوب عنه است گر چه وظیفه اش این بود که هر لحظه حج نیابی را رها کرده و به میقات برود و برای خودش حج به جا آورد.

ص: 88

1-1 - مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، مسأله 122.

2-2 - همان، مسأله 123، ص 75.

3-3 - همو، س 124، ص 75.

\* آیه الله (سیستانی): اگر مطمئن باشد در سال بعد حج خود را انجام می دهد، حج نیایی را تمام کند و اگر مطمئن نیست باید به یکی از مواقیف رفته و برای خود احرام ببندد ولی اگر حج نیایی را تمام کند حشش صحیح است و اگر استیجاری باشد اجاره باطل است و مستحق اجرت المثل است.

\* آیه الله (فاضل): نیابت او صحیح است اگر چه معصیت کرده است، و در مورد سؤال که فعلا از احرام خارج شده است واجب است به میقات برگردد و برای خودش محرم شود. ولی اگر دوباره معصیت کرد و حج نیایی را تمام کرد صحیح است و از منوب عنه مجزی است.

\* سؤال: اگر کسی که نیابت از دیگری گرفته و به حج آمده، از بعض اعمال معذور است آیا می تواند در این اعمال نایب بگیرد، و آیا می تواند پول نیابت را به دیگری بدهد که اصل حج را به جا آورد؟(1)

- امام خمینی (ره):

نایب شدن معذور، صحیح نیست و باید پول را به صاحبش برگرداند مگر این که از طرف صاحب پول مجاز در نایب گرفتن باشد که در این صورت می تواند دیگری را در اصل عمل حج نایب کند، و در صورتی که بدون اجازه، نیابت را به دیگری واگذار کرد و او عمل را انجام داد، حج از طرف منوب عنه واقع می شود ولی پول را باید به صاحبش برگرداند و صاحب پول ضامن چیزی نیست و اجرت نایب را باید امر کننده بپردازد.

\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله مکارم): بنا بر احتیاط. \* آیه الله سیستانی): اگر عذر بعدا پیش آمده است نایب گرفتن جایز است.

\* آیه الله (بهجت): اگر بدون توجه محرم شده احتیاطا در موارد عذر نایب بگیرد تا عمل را صحیحا به جا آورد و خود نیز آن عمل را انجام دهد نیابتش صحیح است هر چند از اول نمی توانسته نایب شود و اما قبل از احرام پس با احراز رضایت منوب عنه حج میقاتی برای او بدهد چون اطلاق اجاره قید مباشرت را برمی دارد.(2)

\*\* آیات عظام (خوئی)، (تبریزی)، (سیستانی): اگر منوب عنه زنده است نیابت بدون اذن او مجزی نیست.(3)

ص: 89

---

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، س 125، ص 76.

2-2- مناسک س 106 و س 17.

3-3- مناسک، مسأله 66.

\* آیه الله مکارم؛ مگر این که صاحبش راضی گردد.

\* سؤال: از هر کاروان نوعاً چند نفر از خدمه به نیابت آمده اند و به ناچار باید نیمه شب از مشعر برای انجام کارهای لازم در منا یا همراه ضعفاً، به منا بروند، سؤال این است که آیا اجیر شدن و نیابت آنان صحیح است یا خیر (1)؟

- امام خمینی (ره):

با توجه به این که از معذورین هستید و نمی توانید وقوف اختیاری در مشعر را درک کنند نیابت آنان صحیح نیست، و اگر قبل از استخدام اجیر شده اند باید حج را به جا آورند و وقوف اختیاری را درک نمایند.

\*\* آیه الله (اراکي)، آیه الله (نوری): مگر آن که بنحو خطاء در تطبیق باشد، که در این صورت از خودش واقع می شود.

\*\*\* آیه الله (خوئی)، آیه الله (تبریزی): نیابت معذور اشکال دارد.

\* آیه الله (بهجت): بنا بر احتیاط با تمکن از استیجار غیر معذور نمی توانند اجیر شوند؟ (2)

\*\*\* آیه الله (خوئی)، آیه الله (تبریزی): نیابت آنان محل اشکال است مگر این که بتوانند برای درک مسمی وقوف اختیاری به مشعر برگردند.

\* آیه الله (مکارم): نیابت آنها صحیح است.

\* آیه الله سیستانی: صحت نیابت آنان بعید نیست. (3)

سؤال: آیا شخص زنده در موردی که می تواند نایب بگیرد باید از بلد نایب بگیرد یا از میقات، و اگر دیگری برای او نایب بگیرد کفایت میکند یا خیر؟ (4)

- امام خمینی (ره):

نایب گرفتن از میقات کفایت می کند، و خودش باید نایب بگیرد و نایب گرفتن دیگری برای او کافی نیست مگر از طرف او وکالت داشته باشد.

ص: 90

---

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، س 126، ص 76.

2-2- مستفاد از مناسک، ص 40، مسأله 110 و در جزوه پرسشهای جدید حج ص 4، مسأله 13 آمده است در صورتی که بدانند به واجبات اختیاریه نمی توانند عمل کنند احتیاط در ترک نیابت است.

3-3- ملحق مناسک، س 58، فرع 2.

4-4- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، س 127، ص 77.

\* سؤال: آیا عمره مفرده یا طواف استحبایی را می توانیم به نیابت چند نفر انجام دهیم، و در اعمال آن از جمله طواف نساء نیت همه باید بشود یا نیت بعضی کافی است (1)؟

- امام خمینی (ره): می توانید به نیابت چند نفر انجام دهید، و باید نیت همه بشود.

\* سؤال: کسی را روز عید قبل از حلق دستگیر کرده اند و او را به ایران فرستاده اند آیا رفقای او می توانند از او نیابت کنند و بقیه اعمال را انجام دهند یا خیر، و چگونه از احرام خارج می شود (2)؟

- امام خمینی (ره):

بدون این که خودش نایب بگیرد نیابت صحیح نیست، و برای خارج شدن از احرام باید به منا بیاید و حلق یا تقصیر کند و اعمال مترتبه را انجام دهد، و اگر نمی تواند برود در محل خودش حلق یا تقصیر نماید و بنا بر احتیاط موهای خود را به منا بفرستد، و باید برای اعمال مترتبه نایب بگیرد.

\* آیه الله (بهجت): چنانچه احراز رضایت شود و شاهد حال هم بر رضایت بود به طوری که اگر او بفهمد راضی است نیابت صحیح است با مراعات سایر جهات.

\*\*\* آیه الله (خوئی) و آیه الله (تبریزی): چنانچه از دخول به مکه جلوگیری شده می تواند در محل خودش قربانی نماید و احتیاط این است که حلق یا تقصیر نیز بنماید و اگر وارد مکه شده و تنها اجازه اعمال را به او نداده اند حلق یا تقصیر نموده و در صورت امکان موی خود را به منا بفرستد و برای بقیه اعمال نایب بگیرد (3).

\*\*\* آیات عظام (گلپایگانی)، (صافی)، (مکارم): بنا بر احتیاط مستحب.

\* آیه الله (سیستانی): در صورت امکان باید موی خود را به منا بفرستد (4).

\* آیه الله (خامنه ای): نسبت به لزوم فرستادن موها به منا یا عدم لزوم آن نظر ایشان یافت نشد.

\* سؤال: افرادی که هر سال به حج می روند- از قبیل خدمه کاروانها- در محل خود از کسی نیابت قبول می کنند، ولی در میقات بر اثر اشتغال زیاد از نیابت غافل و محرم می شوند، بعد که

ص: 91

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، س 128، ص 77.

2-2- همان، س 139، ص 77.

3-3- مناسک، مسأله 445.

4-4- مناسک، مسأله 440.

متوجه شدند دوباره نیت نیابت می کنند، آیا حج نیابتی آنان درست است یا حج برای خودشان حساب می شود(1)؟

-امام خمینی (ره):

باید عمره و حج را به همان نیت اول اتمام کنند، و احرام دوم صحیح نیست مگر آن که احرام اول باطل باشد، مثل این که حج بر او واجب نبوده و نیت حجه الاسلام کرده باشد.

\*\*\* آیات عظام، (نوری)، (اراکی)، (فاضل): اگر شخص غافل ارتکازاً قصد منوب عنه را داشته، و داعی و انگیزه او منوب عنه بوده هر چند قصد خودش را اخطار کرده، قصد ارتکازی بر اخطار فعلی مقدم است و برای منوب عنه واقع می شود، و حج نیابتی صحیح است.

\* آیه الله (تبریزی): اگر ارتکازاً قصد منوب عنه را داشته اند به طوری که اگر کسی می پرسید جواب می دادند برای منوب عنه حج به جا می آوریم کفایت میکند و حج نیابت آنها صحیح است.

\* آیه الله (بهجت): در صورتی که قصد انجام وظیفه داشته مخل به نیابت نیست و عمل مجزی است(2).

\* آیه الله (سیستانی): اگر محرک آنان در احرام، حج نیابتی باشد کافی است ولی اگر به کلی غافل باشند که اگر از آنها پرسیده شود جواب می دهند که برای خود احرام می بندیم باید حج را به نیت خود تمام کنند ولی اگر پس از انجام عمره از مکه خارج شوند و در ماه بعد به مکه برگردند، مثلاً- آخر ذی قعدة خارج و اول ذی حجه وارد شوند عمره آنها باطل می شود و می توانند از یکی از مواقیت به نیت منوب عنه احرام ببندند، گر چه باطل کردن عمره تمتع عمدا گناه است.

\* آیه الله (مکارم): همین اندازه که نیت نیابت در عمق ذهن او باشد کافی است.

\*\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): با فرض آن که مستطیع نبوده و از قبل اجیر برای انجام حج شده است نیت احرام برای خود او منعقد نشده است و در صورتی که مجدداً به نیت منوب عنه محرم شده است حج نیابتی او صحیح است.

\* آیه الله (غروی): در صورتی که واجد شرایط و جوب حج بوده باشند ولی اجاره و نیابت قبل

ص: 92

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، س 130، ص 78.

2-2- مناسک، ص 22.

از تحقق استطاعت بوده باشد احرام دومی صحیح است و احرام اولی باطل بوده است بلی اگر استطاعت قبل از قبول نیابت باشد باید عمره و حج را به همان نیت اولی اتمام کنند.

\* آیه الله (سیستانی): در این مثال احرام اول او صحیح است. \* آیه الله مکارم): نیت حجه الاسلام تأثیری ندارد.

سؤال: شخصی در میقات برای خودش حرم می شود و تلبیه می گوید، بعد به فکر می افتد که چون خودش حج واجب را در سالهای گذشته به جا آورده، برای پدر یا مادر یا یکی از خویشاوندان دیگرش حج تبرعی به جا آورد، آیا می شود با نیت عدول کند، و یا دوباره به نیت شخص مورد نظر محرم شود یا خیر(1)؟

- امام خمینی (ره):

اگر به احرام صحیحی محرم شده، نمی تواند نیت را عوض کند و باید عملش را به همان نیتی که در احرام داشته، اتمام کند.

\* آیه الله (غروی): نظر بر این که احرام را به نیت حجه الاسلام به جا آورده است سپس ملتفت شده که حجه الاسلام بر او واجب نیست احرامش باطل و می تواند دوباره به هر نیتی که می خواهد محرم شود.

سؤال: نایی در احرام عمره تمتع بعد از این که وارد مکه شد شک می کند که نیت نیابت کرده یا نه، آیا باید به میقات برگردد و مجدداً به نیابت محرم شود، یا اصلاح حج برای خودش حساب می شود و دیگر نمی تواند نایب باشد؟

- امام خمینی (ره):

در نیت خطور لازم نیست، اگر انگیزه او در حال احرام نیابت بوده، عمل را به نیابت انجام دهد، و اگر در داعی و انگیزه هم شک دارد، باید اعمال را به نیت اجمالی (همان نیت در احرام) اتمام کند، و در نیابت به آن اکتفا نمی شود. (2)

آیه الله (غروی): اگر طوری باشد در حال عمل که اگر بپرسند احرام را به چه نیتی انجام دادی بگوید: که برای نیابت انجام دادم این نیت ارتکازی است و آن در هر عملی کافی است.

ص: 93

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، س 131، ص 79.

2-2- همان، ص 132.

\* آیه الله (تبریزی): باید به میقات برگردد و مجدداً به نیابت از غیر محرم شود.

\*\*آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): در صورتی که فعلاً خود را نایب می داند و شک در نیت احرام گذشته خود دارد وظیفه او حمل به صحت است و به عنوان نیابت بقیه اعمال را به جا آورد.

\* آیه الله (خوئی): اگر احتمال بدهد که نه قصد خود و نه دیگری را کرده، احرام او باطل است. مگر این که در حال طواف مثلاً نیت معنی دارد که به همان نیت اعمال را تمام می کند. (1)

\* سؤال: زنی در عرفات در روز نهم دیوانه شد، او را به بیمارستان بردند و تا آخرین وقتی که می توانستند همراهان او در مکه بمانند باقی ماندند، خوب نشد، آیا شوهرش که با او است می تواند برای او نایب بگیرد، و یا خودش باقی اعمال را انجام دهد یا نه (2)؟

- امام خمینی (ره):

مجنون تکلیف ندارد، و نمی تواند برای او نایب بگیرند، و اگر عاقل شد حکم اشخاص محرم دیگر را دارد.

\* آیه الله (مکارم): این در صورتی است که سال اول استطاعت او باشد.

\*\*آیه الله (خوئی)، آیه الله (تبریزی): مجنون تکلیف ندارد و نمی تواند برایش نایب بگیرند و بنا بر اظهر احرام او باطل می شود.

آیه الله (فاضل): در فرض سؤال نایب گرفتن مجزی و صحیح نیست و ظاهراً احرام او باطل می شود.

\* آیه الله سیستانی): اگر پس از درک مسمای وقوف در عرفات دیوانه شده باشد و سپس به قدری به عقل بیاید که اختیاری مشعر را درک کند، یا اضطراری شعر با اختیاری یا اضطراری عرفه، پس حج او صحیح است، و اگر به عقل نیاید، باید برای تکمیل اعمال شوهر برای او نایب بگیرد.

\* سؤال: هرگاه کسی مریض شود، به طوری که بعد از احرام عمره قادر به انجام اعمال نباشد،

ص: 94

1-1- مستفاد از مناسک، قبل از مسأله 177.

2-2- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، ص 133، ص



آیا کسی که برای عمره تمتع مستحبی محرم شده و عمره را انجام داده است می تواند در حج نایب او شود یا خیر(1)؟

- امام خمینی (ره):

کسی که برای عمره تمتع محرم شده و لو مستحبی، نمی تواند در اصل عمره یا حج برای دیگری نایب شود و باید عملش را اتمام کند، ولی اگر مریض فقط قادر به انجام طواف و سعی نباشد و بتواند وقوفین را درک کند و بقیه اعمال را نایب بگیرد، جایز است دیگران را در طواف و سعی و اعمال دیگر نایب قرار دهد، هر چند خودشان هم حج یا عمره به جا می آورند.

سؤال: بنده چون مسئول گروه حج بودم به استناد وظیفه ام که مراقبت از بیماران و عاجزهای گروه بود وقوف اضطراری انجام دادم، لطفا وظیفه شرعی این جانب را بیان فرمائید.(2)

- امام خمینی (ره):

اگر همراه عجزه بوده اید که لازم بوده با آنان باشید و آنان از وقوف اختیاری معذور بوده اند برای شما هم اشکالی نداشته، بلی اگر نایب کسی شده اید نیابت شما درست نبوده است.

\* آیه الله (مکارم): نیابت شما هم درست است.

\* آیه الله (تبریزی): نیابت شما محل اشکال است.

\* آیه الله (سیستانی): صحت نیابت شما بعید نیست.

\* آیه الله (خوئی): کسانی که ناچارند همراه زنان و بیماران باشند، اگر بتوانند و لو یک لحظه از وقوف اختیاری مشعر را درک کنند باید برگردند و اگر نمی توانند باید قبل از ظهر روز عید به آنجا برگردند و در فرض عجز از آن هم حج آنان صحیح است و چنانچه این وظیفه را از روی جهل به حکم ترک کرده باشند حجتشان صحیح است ولی باید یک گوسفند کفاره بدهند(3).

\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (فاضل): اگر عذر شما طاری بوده نیابت صحیح است. سؤال: اگر کسی دفعه اول به صورت خدمه، حج به جا آورده و در دفعه دوم دوباره به

ص: 95

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، س 134، ص 80

2-2- همان، ص 135.

3-3- مناسک، مسأله 378 و 379 و 380

ماموریت خدمه عازم مکه معظمه است، آیا می تواند به عنوان پدر یا مادر که فوت شده اند نیابت نماید، و در چنین صورتی آیا حج از عهده پدر و مادرش برداشته می شود؟(1)

- امام خمینی (ره):

مانع ندارد و حج از منوب عنه کافی است، مگر آن که سال اول، مستطیع نبوده و امسال مستطیع باشد.

\* آیه الله (مکارم): خدمه در حکم مستطیع هستند به علاوه مستطیع اگر قصد نیابت کند حج برای منوب عنه کافی است هر چند گناه کرده است.

\* آیه الله (فاضل): در این صورت حج نیایی صحیح است اما معصیت کرده.

\*\*\* آیات عظام (خوئی)، (تبریزی)، (سیستانی): حج نیایی او صحیح است.

\* سؤال: این جانب حدود شانزده سال قبل نیابتاً به مکه معظمه مشرف شده و در منا چون سفر اول بوده است، و می دانسته ام که طبق تقلید حضرت عالی باید در سفر اول حلق کنم، و لکن نمی دانستم که ماشین ته زن با تیغ فرق دارد و به جای تیغ با ماشین ته زن سر خود را تراشیدم و بعد از آن سفر هم دو سفر دیگر مشرف شدم و در سفرهای بعدی سر خود را ماشین نموده و ناخن هم گرفته ام، لطفاً بفرمایید در سفر اول که به جای تیغ با ماشین سر را تراشیدم، در مقابل این کار وظیفه ام چیست؟ و آیا این عمل سفر اول در سفرهای بعدی خللی وارد می آورد یا ذمهم ببری شده است(2)

- امام خمینی (ره):

شما در صورت امکان باید به مکه بروید و در منا حلق کنید و بعد از آن طواف و نماز و سعی و طواف نساء و نماز آن را به جا آورید، و در این اعمال نیت اتمام حج سفر اول را بکنید و بعد از آن چیزی بر شما نیست، و اگر خودتان نمی توانید بروید یا رفتن برای شما حرجی است در محل خود حلق کنید و بنا بر احتیاط موی آن را به منا بفرستید و در بقیه اعمال فوق نایب بگیرید، و نسبت به دو سفر دیگر که آیا صحیح و کافی بوده یا نه احتیاط را مراعات نمایید.

\*\*\*\*\* آیات عظام (خوئی)، (خامنه ای)، (بهجت)، (فاضل)، (مکارم): ضروره (کسی که بار اول حج اوست) بین حلق و تقصیر مخیر است، گر چه احتیاط این است که حلق کند.

ص: 96

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، س 136، ص 81.

2-2- همان، س 137.

\* آیه الله (سیستانی): حلق با ماشین ته زن کافی است، گر چه احتیاط مستحب با تیغ است. (1)

\* آیه الله (اراکي): اگر با ماشین برقی بوده که چیزی از مو باقی نمانده، از حلق رأس کفایت می کند، و اگر مقداری از مو باقی مانده مطابق متن عمل شود.

\* آیه الله (تبریزی): چون حلق برای سروره (کسی که بار اول حج اوست) متعین نیست، بنا بر این حجهای شما هر سه صحیح است و چیزی بر شما واجب نمی باشد.

\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): چون تراشیدن سر بعنوان تقصیر بنا بر احتیاط است اگر در این مسأله به کسی که تقصیر را کافی می داند مراجعه نمایید تکلیفی بر شما نیست.

\* سؤال: کسانی که مجاز هستند در شب عید قربان بعد از درک اضطراری مشعر به منا بروند، آیا همه آنان از ذوی الاعذار می باشند که نیابت و لو تبرعا مورد اشکال است یا نسبت به بعضی استثناء شده است (2)؟

- امام خمینی (ره): در فرض سؤال زنها می توانند نایب شوند، و نیابت در سایر ذوی الاعذار صحیح نیست.

\* آیه الله (مکارم): نیابت در این گونه موارد صحیح است.

\* آیه الله (سیستانی): چون وقوف رکنی را درک کرده اند نیابت آنها صحیح است.

\* سؤال: شخصی در حج از میتی نیابت کرده و در وقت عقد اجاره برای انجام مناسک، هیچ عذری نداشت، ولی چند سال بعد از انجام حج متوجه شد که در وقوف مشعر الحرام با زنها و مریضها به عنوان راهنما، وقوف اضطراری کرده و به منا رفته است، و غافل بوده که نایب باید وقوف اختیاری بکند، آیا وظیفه اش چیست (3)؟

- امام خمینی (ره):

عمل مزبور مجزی از حج نیابتی استیجاری نیست، و از جهت اجرت باید به اجیر کننده مراجعه نماید، و یا در صورتی که اجاره، موقت به زمان مخصوصی که منقضی شده نباشد، دوباره حج نیابتی صحیح به جا آورد.

ص: 97

1-1- ملحق مناسک، س 351.

2-2- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، س 138، ص 82.

3-3- همان، س 139

\* آیه الله (گلپایگانی): بعید نیست در عذر طاری حج نیابتی صحیح و مستحق اجرت هم باشد. (1)

\* سؤال: آیا می توانم برای مادرم و برای خودم فریضه حج را انجام دهم (2)؟

- امام خمینی (ره): در یک سال بیش از یک حج واقع نمی شود.

\* سؤال: شخصی به عنوان نیابت در مسجد شجره محرم شده و به مکه آمده، در مکه فهمید که خودش مستطیع بوده است، آیا باید اعمال عمره را بقصد خود به جا آورد یا بقصد نیابت، و اگر باید حج را بقصد خود به جا آورد نسبت به حج نیابتی چه وظیفه دارد، و آیا می تواند برای آن نایب بگیرد یا نه (3)؟

- امام خمینی (ره):

إحرام او صحیح نبوده است و باید برگردد و برای عمره تمتع برای خودش محرم شود و وظیفه خودش را انجام دهد، و راجع به حج نیابتی نمی تواند نایب بگیرد، مگر اجازه داشته باشد یا استیجار او برای مطلق تحصیل حج باشد.

\* آیه الله (فاضل): إحرام او صحیح است و تبدل نیت برای شخص محرم صحیح نیست.

\* آیه الله (مکارم): احتیاطاً عمره را تمام کند و طواف نساء به جا آورد و به میقات برگردد و محرم شود. این در صورتی است که اجیر نشده باشد و الا اجاره او صحیح است و در آن سال مستطیع نیست.

\* آیه الله (خوئی): اگر حج نیابتی را تمام کند صحیح است گر چه وظیفه اش رها کردن حج نیابتی و احرام بستن برای حج خودش بوده است.

\* آیه الله (سیستانی): اگر مطمئن است که سال دیگر می تواند حج خود را انجام دهد، حج نیابتی را اتمام کند و گر نه آن را رها کند و به میقات برگردد و برای خود احرام ببندد (4).

\* آیه الله (تبریزی): چون إحرام اور صحیح است باید اعمال عمره را تمام کند و طواف نساء

ص: 98

1-1- آراء المراجع، ص 39 و 50.

2-2- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، س 140، ص 83.

3-3- همان، س 141.

4-4- ملحق مناسک، س 1.

هم به جا آورد و پس از آن به میقات برگشته و برای خود محرم شود و وظیفه خودش را انجام دهد.

\* آیه الله (خوئی): نیابت معذور اشکال دارد.

\* آیه الله (مکارم): عمل مزبور کفایت میکند و اجیر حق اجرت دارد.

\* آیه الله (فاضل): در عذر طاری حج نیابتی صحیح و مستحق اجرت هم می باشد.

\* آیه الله (بهجت): اتمام عمل طبق وظیفه عذری نایب (عذر طاری) کفایت میکند و مضر به صحت نیابت نیست.

\* آیه الله (تبریزی): اگر از روی جهل به مسأله قبل از طلوع فجر از شعر کوچ کرده، حج نیابی او بنا بر اظهر صحیح است و باید یک گوسفند کفاره دهد و در اجرت با مستأجر خود، تراضی کند.

\* آیه الله (سیستانی): عمل مزبور مجزی است حتی اگر از ابتدا چنین عذری داشته است، زیرا درک مقدار رکن از وقوف کافی است.

\* آیه الله (صافی): حج صحیح و مبرئ ذمه منوب عنه است و نسبت به اجرت رضایت مستاجر را تحصیل نماید.

\* سؤال: کسی که نایب بوده و عمره تمتع را انجام داده و بعد ناچار شده است که به ایران بازگردد، آیا می تواند بقیه اعمال را به دیگری واگذار نماید که حج تمتع را انجام دهد(1)؟

- امام خمینی (ره): نمی تواند.

\* سؤال: آیا شرط ایمان نایب که در اصل نیابت حج و هم چنین در ذبح، شرط است در سایر اعمالی که نیابت در آن جایز است، مثل رمی و طواف، هم شرط است یا خیر(2)؟

- امام خمینی (ره): در سایر اعمال نیز شرط است.

\* آیه الله (سیستانی): در ذبح شرط نیست و در بقیه موارد احتیاط واجب است.

\* آیه الله (مکارم): شرط نیست و در بقیه موارد احتیاط واجب است.

ص: 99

---

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، س 142، ص 84.

2-2- همان، س 143.

\*\*\* آیات عظام (اراکي)، (بهجت)، (نوري): در ذبح، ایمان شرط نیست.

\* سؤال: شخصی تمام اختیارات اموال پدرش را دارد و پدر نمی تواند بالمباشره حج را به جا آورد، پسر بدون تذکر دادن به پدر شخصی را اجیر برای حج پدر نموده و خودش هم برای حج خود مشرف شده، در این فرض آیا حج اجیر برای حج پدر، مجزی است یا خیر؟ و هر گاه در مدینه تصمیم بگیرد که آن چه را از مال پدر به اجیر داده است با پدر حساب نکند و از مال خودش باشد، رفع اشکال می شود یا نه (1)؟

- امام خمینی (ره):

در فرض مزبور استنباه در مورد پدر صدق نمی کند، و حجه الاسلام از طرف پدر واقع نمی شود، و فرقی بین دو صورت فوق نیست.

\* آیه الله (بهجت): با احراز رضایت پدر اشکال ندارد و تبرع از حی در حج واجب با عدم قدرت او اظهر جواز آن است و با اذن باشد احوط است در تفریغ ذمه (2).

آیات عظام (اراکي)، (نوري)، (فاضل): مگر وکالت مطلقه از پدر داشته باشد.

آیه الله (گلپایگانی): اجیر گرفتن برای پدر از مال او بدون اطلاع پدر صحیح نیست بلی در صورتی که مبلغ اجاره را از مال خود تبرعا بپردازد در فرض سؤال که پدر عاجز از انجام حج است مانعی ندارد و مجزی از حجه الاسلام پدر می باشد.

\* آیه الله سیستانی: اگر اختیارات او شامل نایب گرفتن در حج هم بوده کافی است و گرنه عمل نایب کافی نیست مگر این که قبل از احرام، پدر مطلع شود و موافقت نماید (3).

\* سؤال: شخصی پس از آن که به مدینه مشرف شد جنون پیدا کرد با توجه به این که سابقا حج بر او مستقر شده است، آیا می شود برای او نایب گرفت یا خیر، و اگر نشود، تبرع حج از او چه صورت دارد (4)

- امام خمینی (ره): نیابت و تبرع در فرض سؤال صحیح نیست.

\* آیه الله (مکارم): اگر امید به بهبودی او نباشد گرفتن نایب برای او مانعی ندارد.

ص: 100

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، س 144، ص 84.

2-2- کتاب حج، ص 45 و مناسک مستفاد از س 17 و س 157.

3-3- ملحق مناسک، س 40.

4-4- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، س 145، ص 84.

\* آیه الله (سیستانی): باید پس از مرگ برای او نایب بگیرند.

آیه الله (فاضل): در فرض سؤال که زنده است صحیح نیست، بلی در صورت یأس از بهبودی او نیابت صحیح است.

\* آیه الله (نوری): فقط حاکم شرع می تواند برای او نایب بگیرد.

\* سؤال: فردی پس از استطاعت مالی برای حج اسم نویسی کرد و برای دو سال بعد اسمش در آمد، ولی چند ماه قبل از حرکت، فوت کرد در حالی که پسرش را نایب قرار داده بود که برای او حج به جا آورد، در حالی که پسر خود استطاعت مالی داشته ولی در اسم نویسی مسامحه کرده و نوشته است، در صورتی که اگر اسم می نوشت شاید در همان سال اول، قرعه به نامش در می آید و شاید هم سالهای بعد، اکنون پسر به مدینه آمده به عنوان نیابت حج بلدی از جانب پدر، و هنوز محرم نشده، چه وظیفه ای دارد(1)

- امام خمینی (ره):

در فرض مرقوم نیابت صحیح نیست، و باید برای خودش حج نماید.

\* آیه الله (اراکی): مگر آن که اجیر شده باشد برای حج امسال از طرف پدر و استطاعت

طریقی از ناحیه اجاره بدست آمده باشد که باید نیابت کند.

\* آیه الله (خوئی): حج نیابی او صحیح است و در صورتی که رفتن به حج منحصر به استفاده از سهمیه پدر بوده و استفاده از آن بنا به وصیت پدر یا نظر ورثه موقوف به این باشد که خود او برای پدر حج نیابی انجام دهد، این که لازم باشد پسر باز برای خود حج به جا آورد روشن نیست و چیزی از ایشان در دست نیست.

\* آیه الله (فاضل): حج خودش مقدم است لکن اگر مخالفت کرد حج نیابی صحیح است اگر چه مرتکب گناه شده است.

\* آیه الله (مکارم): نیابت او صحیح است و استطاعت خودش ثابت نیست. هر چند بخاطر کوتاهی کردن در اسم نویسی گناه کرده است.

\* آیه الله (بهجت): نیابت شخص مستطیع جایز نیست، و لو اگر انجام دهد صحیح است.

\* آیه الله (تبریزی): در فرض مزبور برای خودش حج به جا آورد و برای پدرش نایب بگیرد.

\* آیه الله (خامنه ای): اگر راه با فیش مورد وصیت برای پسر باز شده و یا این که ورثه فیش را

ص: 101

به یکی از فرزندان بدهند که به نیابت پدر به حج برود باید حج را به نیابت از پدر به جا آورد و چنانچه وصیتی نبوده و از او خواسته نشده که نیابت کند باید برای خودش حج به جا آورد و برای پدر نایب بگیرد.

\* سؤال: شخصی اجیر حج بلدی از قم شده و خودش ساکن اراک است، بعد از اجیر شدن در نظر داشته که به قم برود و از آنجا حرکت کند، پس از چند روز در حالی که از موضوع غافل شده، برای انجام کار دیگری به قم و بعد از آنجا به تهران رفته است، آیا همان نیت قبلی برای حرکت از قم کافی است یا باید برگردد به قم، و بر فرض خروج از ایران چه حکمی دارد(1)؟

- امام خمینی (ره):

اگر می تواند باید برگردد، و چنانچه برنگشت و لو در صورت تمکن و حج را انجام داد، حج صحیح است و بالنسبه استحقاق اجرت دارد.

\*\* آیه الله (اراکي)، آیه الله (نوری): اگر داعی ارتکازی داشته، گر چه خطاری نبوده و غافل شده، برگشتن لازم نیست، زیرا در نیت خطور لازم نیست، و اگر بالمره غافل شده و از ارتکاز هم محو شده، باید برگردد.

\* آیه الله (مکارم): مگر این که نیت در اعماق ذهنش وجود داشته باشد.

\* آیه الله (بهجت): لازم نیست برگردد.

\* آیه الله (غروی): در صورتی که اجیر کننده راضی به آن کیفیت بوده باشد و گرنه با وقوع اجاره به حج از قم، حج از غیر قم محل اشکال است.

\* سؤال: آیا بر نایب واجب است که بر طبق فتوای مرجع تقلید منوب عنه اعمال حج را انجام دهد، یا مطابق وظیفه خودش عمل نماید(2)؟

- امام خمینی (ره):

میزان، وظیفه خود اوست، ولی اگر اجیر شده به کیفیت خاصی، باید طوری عمل کند که مراعات وظیفه خودش و کیفیت ذکر شده، بشود.

\*\* آیه الله (تبریزی)، آیه الله (خونی): چنانچه منوب عنه حی باشد، باید بر طبق تقلید

ص: 102

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، س 147، ص 86.

2-2- همان، س 148، ص 86



منوب عنه عمل کند و چنانچه منوب عنه مرده باشد، اگر وصیت کرده باشد به تقلید منوب عنه عمل کند. و در غیر این دو صورت مراعات تقلید منوب عنه لازم نیست.

\* آیه الله (تبریزی) اضافه فرموده اند: و لازم است آن عمل بنا به تقلید وصی و ورثه هم صحیح باشد و اگر وصیتی نکرده، نایب به حسب تقلید خودش عمل کند و طوری باشد که به حسب وظیفه ورثه هم مجزی باشد.

\* آیه الله سیستانی: باید طبق تقلید خودش عمل کند ولی اگر اجیر شده باشد که طبق نظر منوب عنه یا مستأجر عمل کند، چه به صراحت ذکر شده باشد، و چه اطلاق منصرف به آن باشد باید به همان نحو عمل کند، مگر در صورت یقین به فساد عمل.

آیه الله (بهجت): در نیابت از میت به وظیفه خودش عمل میکند و در نیابت صحیح از

زنده فی الجملة احتیاط می کند (1).

\* سؤال: آیا در اجاره برای اعمال حج لازم است اجیر و مستأجر از یکدیگر سؤال کنند که مقلد چه کسی هستند یا نه (2)؟

ج- لازم نیست، و اجیر مطابق تقلید خودش عمل میکند.

\* آیه الله (خوئی): اگر اجیر بتواند اعمال را به نحوی انجام دهد که بدانند مطابق تقلید منوب عنه واقع می شود، و در صورتی که عمل طبق فتوای مقلد منوب عنه به نظر نایب باطل باشد، باید عمل به احتیاط کند.

\* آیه الله (تبریزی): بنا بر احتیاط مراعات تقلید منوب عنه را بنماید.

سؤال: نایب چند ماه قبل از حج به بلد منوب عنه می رود و به عنوان نیابت حج حرکت میکند و به وطن خودش یا محل دیگری می رود، و در ماه ذی حجه که عازم حج می شود، دیگر به بلد منوب عنه نمی رود، کافی است یا نه؟ و چه وقت باید برود (3)

- امام خمینی (ره): کافی است.

\* سؤال: در موردی که مرحوم پدرم فرموده بود پسر بزرگ نیابتاً به مکه برود و من که پسر بزرگ

ص: 103

1-1- مناسک، س 23.

2-2- مناسک حج (المحشى للإمام الخميني)، س 149، ص 87.

3-3- همان، س 150، ص 87.

هستم به وسیله ارث مستطیع شده ام اما تاکنون نتوانسته ام سهم خود را به پول مبدل کنم، آیا می توانم با این حال به جای پدر حج به جا آورم یا نه(1)؟

- امام خمینی (ره):

با فرض حصول استطاعت مالی برای خودتان و لوازم بابت ارثیه اگر امکان فروش و صرف قیمت در حج را دارید باید اول برای خودتان حج به جا آورید، و برای پدر بعدا انجام دهید یا دیگری را نایب بگیرید.

\* آیه الله (غروی): چون فرض مسأله در عدم تمکن از فروش است می تواند پسر بزرگ به جای پدر حج به جا آورد.

\* آیه الله (سیستانی): مگر این که وصیت شده باشد که حج را همان سال استطاعت انجام دهید در این صورت اگر مطمئن باشید که سال بعد می توانید حج خود را انجام دهید به وصیت عمل کنید وگرنه در آن سال حج خود را انجام دهید و حج از جانب پدر را سال بعد انجام دهید.

آیه الله مکارم): اگر میت شرط مباشرت کرده نمی تواند نایب بگیرد.

\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): اگر حج واجب بر عهده پدر بوده در همان سال نایب بگیرید تا تأخیر در انجام وصیت نشود.

\* سؤال: آیا جایز است برای نایب در طواف عمره تمتع یا طواف حج که طواف را در غیر موسم حج به جا آورد یا نه(2)

ج- مانع ندارد.

\* آیه الله (سیستانی): باید عمل را در وقتی انجام دهد که بر منوب عنه تأخیر از آن جایز نیست پس اگر نایب در طواف عمره تمتع باشد باید در وقتی انجام دهد که منوب عنه بتواند بقیه اعمال را قبل از فوت ووقوف در عرفات انجام دهد و اگر طواف حج باشد تأخیر آن از ذی حجه جایز نیست ولی اگر ماه ذی حجه تمام شد در هر زمان کافی است و اگر منوب عنه طواف را فراموش کرده و به وطن بازگشته است نایب در هر زمان می تواند آن را انجام دهد.

ص: 104

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، س 151، ص 87.

2-2- همان، س 152.

آیه الله (مکارم): طواف حج تمتع را باید تا آخر ذی الحجه به جا آورد و طواف عمره تمتع را باید در اشهر حج قبل از عرفات به جا آورد.

\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): طواف عمره تمتع را در اشهر حج و طواف حج را در ذی حجه روز عید و بعد از آن باید به جا آورد مگر این که منوب عنه طواف را فراموش کرده باشد و بعد از گذشتن موسم متذکر شود که در این صورت خود او و در فرض عدم تمکن، نایب او می تواند طواف را در غیر اشهر حج به جا آورد.

\* سؤال: شخصی قبلاً مستطیع بوده و به حج نرفته و الآن هیچ گونه قدرت مالی جهت انجام ندارد، آیا فرزندش می تواند تبرعا از طرف او حج نیابی انجام دهد(1)؟

- امام خمینی (ره):

نیابت در حج از حی صحیح نیست مگر در صورتی که شخص از جهت پیری نتواند به حج برود یا مریض باشد و از جهت مرض نتواند برود و مأیوس از خوب شدن تا آخر عمر باشد.

\* آیه الله (بهجت): مگر در صورتی که از غیر جهت مال استطاعت نداشته باشد به طوری که مباشرت مقدور او نباشد.

\* آیه الله سیستانی: مرض و مانند آن.

\* آیه الله (خوئی): یا عذر دیگری داشته باشد و عذر و مرض تا آخر عمر باقی بماند.

آیه الله (تبریزی): یا عذر دیگری داشته باشد و اطمینان به زوال عذر و مرض نداشته باشد.

\* آیه الله (فاضل): یا عذر دیگری داشته باشد و عذر و مرض تا آخر عمر باقی بماند مثل این که محکوم به حبس ابد باشد.

\* سؤال: حج به نیابت حضرت ولی عصر - ارواحنا له الفداء - چون در موسم حج تشریف دارند جایز است یا نه(2)؟

ج- اشکال ندارد.

\*\* آیه الله (اراکي)، آیه الله مکارم): به امید مطلوبیت اشکال ندارد.

ص: 105

---

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، س 153، ص 88.

2-2- همان، س 154، ص 88.

\* آیه الله (بهجت): مانع ندارد و احتیاط در حج از نفس (خود) و اهداء ثواب برای آن حضرت است (1).

\* سؤال: زنی که واجب الحج است وصیت کرده که از اصل ترکه اش برای او حج بلدی توسط وصیش انجام شود، حال استطاعت جانی و مالی و غیره برای وصی او فراهم است، فقط از حیث عدم شرکت در نام نویسی برای حج، آن هم با عذری، استطاعت راهی ندارد، آیا می تواند حج نیابی را انجام دهد (2)؟

- امام خمینی (ره):

وصی اگر قبلا استطاعت نداشته و فعلا هم راه برای او باز نیست الآن هم مستطیع نیست و می تواند برای حج نیابی اجیر شود، ولی اگر بدون این که اجیر شود خود را به میقات برساند نمی تواند حج نیابی به جا آورد و باید برای خودش حج به جا آورد.

\* آیه الله (مکارم): اگر از نام نویسی آن زن استفاده کند، باید برای او حج نماید.

\* آیه الله (تبریزی): در فرض مزبور وصی برای خود حج به جا آورد و برای حج بلدی میت نایب بگیرد.

\* آیه الله (گلپایگانی): با فرض استطاعت در میقات، نیابت صحیح نیست.

\* سؤال: کسی که حج نیابی انجام می دهد اگر در قربانی شخص ثالثی را وکیل کرد ذابح چگونه نیت کند، آیا باید نیت کند که به وکالت از میت قربانی می کنم یا باید وکالت از نایب میت کند؟ در هر صورت آیا باید نام میت را هم ببرد (3).

- امام خمینی (ره):

نام میت بردن لازم نیست، بلکه چنانچه نیت کند آن چه بر عهده نایب است انجام دهد صحیح است.

\* آیه الله (تبریزی): نایب باید نیت کند که برای حج نیابتی که انجام می دهد قربانی می کند و ذابح لازم نیست که نیت کند هر چند احوط و اولی این است که نیت کند آن چه را که بر عهده نایب است انجام می دهد.

ص: 106

1-1- مناسک، ص 158، مسائل متفرقه، س 1.

2-2- همان، س 155.

3-3- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، س 156، ص 89.

\* سؤال: کسی که برای حج اجیر می شود، اگر شرط کند که مثلاً برای طواف نساء یا یک عمل دیگری که نیابت بردار است نایب میگیرم، آیا این شرط نافذ است و می تواند عمل نماید یا نه(1)؟

- امام خمینی (ره): اگر عذر دارد نمی تواند قبول کند، بلی در قربانی مانع ندارد و شرط لازم نیست.

\* آیه الله (بهجت): بنا بر احتیاط نمی تواند قبول کند.

\*\*\* آیات عظام (گلپایگانی)، (تبریزی)، (صافی): نیابت او محل اشکال است. (2)

\* آیه الله (سیستانی): در عملی مانند طواف نساء که صحت حج بر آن متوقف نیست، اگر از ابتدا هم عذر او معلوم باشد نیابت صحیح است.

\* آیه الله (فاضل): معذور نباید نیابت کند و شرط اجازه در استتبابه صحیح نیست مگر در قربانی که آن هم نیاز به شرط ندارد و اگر شرط کنند استیجار صحیح است لکن شرط قابل عمل نیست.

\* آیه الله (خوئی): بنا بر احتیاط نیابت او مجزی نیست. در خصوص طواف نساء فتوای ایشان در دست نیست.

\* سؤال: کسی که احتمال قوی عقلایی می دهد که نتواند اعمال را به نحو عادی انجام دهد، و ممکن است حج تمتع را بدل به افراد کند، آیا می تواند از حج واجب نیابت کند(3)؟

- امام خمینی (ره):

می تواند نیابت کند، ولی اگر وظیفه او عدول به افراد شد بنا بر احتیاط منوب عنه نباید اکتفاء به آن کند.

آیه الله (گلپایگانی): در عذر طاری اجزاء بعید نیست. (4)

\* آیه الله (صافی): اگر وضع به طوری است که نایب عند العرف استطاعت حج تمتع دارد از حج منوب عنه مجزی است و إلا در صورت عدول مجزی از منوب عنه نیست.

\* آیه الله (فاضل): اگر از ابتدا علم یا اطمینان به عروض عذر نداشته باشد نیابت و حج

ص: 107

1-1 - مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، ص 157.

2-2 - مجمع المسائل، ج 1، ص 447، مسأله 33.

3-3 - مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، ص 158، ص 90.

4-4 - آراء المراجع، ص 39.

صحیح است هر چند بعدا به واسطه عذریاتنگی وقت که اتفاقا عارض شده حج او بدل به افراد می شود و در این صورت ذمه منوب عنه بری می شود.

\* آیه الله سیستانی: اگر از ابتدا علم یا اطمینان به عروض عذر ندارد نیابت و حج صحیح است هر چند بعدا عذر عارض شود و حج او بدل به افراد شود(1).

آیه الله (خوئی): هرگاه شخصی را برای حج تمتع اجیر نماید و وقت هم زیاد باشد و اتفاقا یعنی پس از احرام عمره تمتع) وقت برای حج تمتع تنگ شد و اجیر عدول به حج افراد کرد ذمه منوب عنه بری می شود(2).

\* آیه الله (مکارم): مگر این که از عذرهایی باشد که در حج احیانا پیش می آید. که در این فرض اکتفاء به آن بلا اشکال است.

آیه الله (تبریزی): می تواند نیابت کند اگر وقت وسعت داشته باشد و احتمال عذر طاری بدهد و چنانچه عذر طاری شد حج او کفایت از منوب عنه میکند.

\* سؤال: ناییبی که در وقت قبول نیابت برای حج معذور نبوده است، و بعد از عقد اجاره در موقع عمل یا قبل از محرم شدن جزء معذورین شده و در هر عذری که پیش آمده طبق وظیفه معذورین رفتار نمود، آیا حج او از منوب عنه کافی است؟ و آیا نسبت به نحوه عذر فرقی هست یا نه(3).

- امام خمینی (ره): محل اشکال است.

آیه الله (بهجت): اتمام عمل طبق وظیفه عذری نایب کفایت میکند و مضر به صحت نیابت نیست(4).

\*\* آیه الله سیستانی، آیه الله (فاضل): در عذر طاری اشکال ندارد.

\* سؤال: کسانی که در حال اجیر شدن، از معذورین نبوده اند و بعدا در اثناء عمل عذر عارض شده است، آیا نیابتشان صحیح است و مستحق تمام اجرت می باشند یا نه(5).

ص: 108

1-1- ملحق مناسک، س 35.

2-2- مناسک، مسأله 125.

3-3- مناسک حج (المحشی للإمام الخمینی)، س 159، ص: 90.

4-4- مناسک، سن 25.

5-5- مناسک حج (المحشی للإمام الخمینی)، س 160، ص 91.

- امام خمینی (ره): اشکال دارد.

\*\*\*\* آیات عظام (گلپایگانی)، (فاضل)، (صافی)، (مکارم): اشکال ندارد.

\* آیه الله (تبریزی): در عذر طاری نیابت معذور صحیح است و حج او از منوب عنه کافی است و در اجرت با مستأجر خود تراضی کند.

\* آیه الله (بهجت): مسأله نیابت در سؤال 159 گذشت. و مسأله اجرت در صورت صحت نیابت و اجزاء مستحق تمام اجرت است اگر شرطی بر خلاف نباشد نظیر مسأله 120 که گذشت.

\* سؤال: خدمه ای که از روی جهل به مسأله اجیر شده اند و وقوف اختیاری مشعر را درک نکرده اند فعلا تکلیفشان چیست، و هم چنین سایر معذورینی که حج ناقص از این قبیل انجام داده اند تبرعا یا با اجرت (1)

- امام خمینی (ره):

نیابت ایشان صحیح نیست و کفایت از منوب عنه نمی کند، و باید پول را برگردانند و خودشان با عدم عذر نسبت به درک اختیاری اشعر باید با انجام عمره مفرده، از احرام خارج شوند.

\* آیه الله (فاضل): احتیاطا از ادنی الحل تجدید نماید و عمره مفرده انجام دهد.

\* آیه الله (تبریزی): در عذر طاری نیابت معذور صحیح است و حج او از منوب عنه کافی است و در اجرت با مستأجر خود تراضی کند.

آیه الله (خامنه ای): نایبی که در وقت قبول نیابت برای حج معذور نبوده است، لکن بعد از عقد اجاره در موقع عمل یا قبل از محرم شدن جزء معذورین شده اگر عذر او منجر به نقص بعضی از اعمال حج نشود نیابت او صحیح است مثل این که در ارتکاب بعضی از تروک معذور شود ولی اگر عذر منجر به نقص در اعمال حج شود بطلان اجاره در این صورت بعید نیست و احوط مصالحه بین نایب و منوب عنه در اجرت و اعاده عمره و حج برای منوب عنه می باشد.

\* آیه الله (صافی): اگر قبل از احرام معذور از انجام حج به نحوی که برای آن اجیر شده است گردیده مستحق اجرت نیست اگر چه در بعض صور حج او کفایت از منوب عنه می کند.

\* آیه الله مکارم): صحیح است.

ص: 109

آیه الله (گلپایگانی): اگر عذر آنان طاری نبوده صحت حج و کفایت آن از منوب عنه محل اشکال است.

\* سؤال: در مناسک آمده است که معذور نمی تواند نایب شود، معذور به چه کسی گفته می شود؟ لطفا حد آن را معین کنید، مثلا کسی که نمی تواند نماز طواف را صحیح بخواند، یا نمی تواند خودش رمی جمرات کند، و یا نمی تواند قربانی نماید، و یا نمیتواند یکی دیگر از واجبات حج را اعم از ارکان و غیر ارکان انجام دهد، معذور است یا خیر(1)

- امام خمینی (ره):

هر کس نتواند اعمال اختیاری حج را انجام دهد معذور است و نمی تواند نایب شود، ولی مباشرت در ذبح در حال اختیار هم لزوم ندارد، و لذا کسی که نمی تواند ذبح کند می تواند برای حج نایب شود و برای ذبح نایب بگیرد.

\* آیه الله سیستانی: اگر معذورند، هر چند از ابتدا معلوم باشد، چون درک وقوف رکنی میکنند کافی است و نیابت صحیح است، بلکه حتی اگر غیر معذور هم به آن اکتفا کند حجت صحیح است، ولی در صورت علم کفاره دارد.

\* آیه الله (فاضل): اگر عذر آنها طاری بوده نیابت صحیح است و کفایت میکند.

\* آیه الله (تبریزی): چنانچه شب در مشعر وقوف کرده اند و از روی جهل به مسأله قبل از طلوع فجر از آنجا کوچ کرده اند و در وقت دانستن مسأله امکان برگشت به شعر و درک وقوف نبود حج آنها صحیح است، و باید یک گوسفند کفاره بدهند و اگر در حج اجیر بوده اند در اجرت با مستأجر خود تراضی کنند و هم چنین سایر معذورینی که در اثناء عمل عذر پیدا کرده اند و از اول نمی دانسته اند اگر به وظیفه معذور عمل کنند حج نیابتی آنها صحیح است ولی احتیاطا در اجرت با مستأجر خود تراضی کنند.

\* آیه الله (گلپایگانی): بنا بر احتیاط(2).

\* آیه الله (بهجت): با علم و اطلاع از معذور بودن قبول نیابت خلاف احتیاط است(3).

\* آیه الله (سیستانی): اگر از انجام عمل اختیاری در حج معذور باشد، هر چند مانند قرائت نماز طواف یا تلبیه باشد، بنا بر احتیاط واجب نیابت او مجزی از منوب عنه نیست، ولی اگر از

ص: 110

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، س 162، ص 92.

2-2- مجمع المسائل 1/ 443، مسأله 16.

3-3- پرسشهای جدید حج، س 19.



انجام اعمالی که در صحت حج دخالت ندارند، مانند طواف نساء یا بیتوته یا رمی روز 11 و 12 معذور است نیابت صحیح است و هم چنین اگر در وقوف در بیش از مقدار رکن معذور باشد نیابت صحیح است.

\* سؤال: کسی که نماز او صحیح نیست و برای حج به نیابت آمده است، آیا نیابت او صحیح است؟ و مفروض این است که به عنوان نیابت محرم شده است (1)

- امام خمینی (ره):

اگر از قرائت صحیح معذور است، نیابت و احرام او باطل است، و اگر معذور نیست صحیح است و باید قرائت خود را درست کند.

\* آیه الله (گلپایگانی): اگر از قرائت صحیح معذور است نیابت او محل اشکال است (لکن در باطل بودن احرام و عدم آن فتوای ایشان بدست نیامد).

\* آیه الله (خوئی)، آیه الله (تبریزی): نیابت او اشکال دارد.

\* آیه الله (مکارم): بنا بر احتیاط واجب.

آیه الله سیستانی): بنا بر احتیاط واجب نیابتش مجزی نیست ولی احرامش صحیح است و باید عمل را تمام کند.

آیه الله (بهجت): احتیاطا در موارد عذر نایب بگیرد تا عمل را صحیحا به جا آورد و خود نیز آن عمل را انجام دهد نیابتش صحیح است هر چند از اول نمی توانسته نایب شود.

\*\*\* آیه الله (غروی)، آیه الله (فاضل): گر چه به تلقین شخص دیگری باشد که آن بخواند و نایب هم با او بخواند.

\* سؤال: اگر مستتیب یا منوب عنه در وقت نیابت بدانند که نایب جزء معذورین است و او را نایب کنند، آیا اجرت نیابت برای نایب حلال است یا نه؟ و ثانیاً آیا حج نیابتی او صحیح و از حجه الاسلام یا غیر حجه الاسلام منوب عنه کفایت می کند یا نه (2)

- امام خمینی (ره): با فرض این که معذور بوده و استیجار شده استحقاق اجرت ندارد، و کفایت نمی کند.

\* آیه الله (تبریزی): نیابت او اشکال دارد.

ص: 111

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، ص 163، ص 93.

2-2- همان، ص 164، ص 93.

آیه الله (مکارم): عذرهایی که در حج پیش می آید مانع صحت نیست.

\* آیه الله (گلپایگانی): احوط استرضاء از مستأجر است یا اجرت را مسترد دارد و بنا بر احتیاط کفایت نمی کند (1).

آیه الله (خوئی): اجیر می تواند اجره المثل عملش را از کسی که او را اجیر کرده بگیرد، مگر این که بیشتر از اجره المسمی باشد (2).

### استطاعت و نفقه

امام خمینی (ره): شرط است در استطاعت که مخارج عائله اش را تا برگشت از حج داشته باشد هر چند عائله واجب النفقه او نباشند. و نیز شرط است در استطاعت رجوع به کفایت، یعنی بعد از برگشت از حج، تجارت یا زراعت یا صنعت یا منفعت ملک، مثل باغ و دکان داشته باشد به طوری که برای زندگانی به شدت و حرج نیفتد و اگر قدرت بر کسب لائق به حالش هم داشته باشد کافی است، و اگر بعد از مراجعت نیاز به مثل زکات و خمس و سایر وجوه شرعیه داشته باشد، کفایت نمی کند، بنا بر این بر طلاب و اهل علمی که در بازگشت از حج نیاز به شهریه حوزه های علمیه دارند حج واجب نیست (3).

\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): و یا عرفا ملتزم به پرداخت نفقه آنها شده باشد مثل خواهر و برادر، باید نفقه آنها را هم داشته باشد (4).

\*\* آیه الله (تبریزی)، آیه الله (خوئی): داشتن مخارج عائله غیر واجب النفقه شرعی، شرط نیست مگر این که با ترک انفاق بر آنها خودش به حرج می افتد.

\* آیه الله (بهجت): در عیال غیر واجب النفقه و مصارف لازمه برای حفظ شأن احوط رعایت عسر و حرج است یعنی نه اقتصار بر فقط مقداری که بر او واجب شرعی است می کند و نه انتظار تمکن از هر چه عرفیت دارد می کشد. پس تحقق استطاعت منوط به دارا بودن مقداری است که اگر نباشد لازمه اش عسر و حرج است.

ص: 112

1-1 - مناسک عربی، ص 50، مسأله 9.

2-2 - المسائل الشرعیه، ج 1، ص 310.

3-3 - مناسک حج (المحشی للإمام الخمینی)، مسأله 40 و 41، ص 36.

4-4 - آداب و احکام حج، مسأله 66.

\* آیه الله (بهجت): اظهر اعتبار رجوع به کفایت است به این معنا که به سبب حج از غنا به فقر یا از فقر به اوسع از آن واقع نشود(1).

\* آیه الله خامنه ای: اگر بعد از مراجعت زندگی آنها با شهریه اداره می شود کفایت میکند و حج واجب است.

## مسائل حج اموات

- امام خمینی (ره): کسی که حج بر او مستقر شد و به جا نیاورد تا فوت شد، باید از ترکه او برای او حج بدهند و حج میقاتی کفایت می کند، و تا حج او را ندهند ورثه نمی توانند در ترکه تصرف نمایند و لازم است در همان سال فوت، حج را اداء نمایند و تأخیر از آن جایز نیست، و چنانچه در آن سال استیجار ممکن نباشد مگر از بلد، لازم است از بلد اجیر بگیرند و از اصل ترکه خارج می شود، و هم چنین اگر در آن سال از میقات نتوانند اجیر بگیرند مگر به زیادت از اجرت متعارف، لازم است اجیر بگیرند و تأخیر نیندازند، و اگر وصی یا وارث اهمال کنند و تأخیر بیندازند و ترکه از بین برود ضامنند، بلی اگر میت ترکه نداشته باشد، بر وارث، حج او واجب نمی شود(2).

\*\* آیه الله (خوئی)، آیه الله (تبریزی): کسی که مرده و حجه الاسلام بر او بوده، ورثه پیش از استیجار برای حج نمی توانند در ترکه تصرف کنند، خواه هزینه حج برابر ترکه باشد یا کمتر از آن، بنا بر احتیاط، بلی اگر ترکه خیلی زیاد باشد و ورثه ملتزم به ادای حج شوند، می توانند تصرف کنند.

\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): حتی در صورتی که ترکه بیش از مخارج حج باشد، بنا بر احتیاط واجب تصرف در اموال مت جایز نیست(3).

\* آیه الله (فاضل): بلی اگر ترکه بیشتر از مخارج حج باشد بهتر است تصرف نکنند.

آیه الله (بهجت): ورثه پیش از استیجار برای حج می توانند در ترکه تصرف کنند در صورتی که قصد استیجار داشته باشند.

ص: 113

1-1- کتاب حج، ص 26.

2-2- مناسک حج (المحشی للإمام الخمینی)، مسأله 45، ص 39.

3-3- آداب و احکام حج، مسأله 104.

\* آیه الله (سیستانی): برای ورثه جایز نیست تا زمانی که ذمه او به حج مشغول است به طوری در میراث تصرف نمایند که منافی با قضاء حج میت از میراث باشد(1).

\* آیه الله مکارم؛ مگر این که بنای قطعی بر ادای حج داشته باشد، در این صورت تصرف جایز است.

\* آیه الله (غروی): در صورتی که مصرف حج مستغرق ترکه بوده باشد و اگر زائد بر آن باشد تصرف در زائد مانعی ندارد.

\* آیه الله (سیستانی): احوط این است که فوراً برای فارغ شدن ذمه او اقدام نمایند هر چند با استیجار از ترکه، و اگر در همان سال، استیجار از میقات میسر نشد به احتیاط واجب باید از بلد استیجار کنند و تأخیر نیندازند هر چند بدانند در سال بعد از میقات میسر می شود، ولی در این صورت مازاد بر اجرت حج از میقات را از سهم صغار ورثه به حساب نیاورند(2).

### استطاعت وارثیه

- امام خمینی(ره): اگر زنی شوهرش از دنیا برود و در حیات شوهرش استطاعت مالی نداشته باشد و بعد از مردن او از ارث شوهر، استطاعت مالی پیدا کند ولی از جهت مرض نتواند به حج برود در صورتی که مرض او به نحوی است که قدرت بر رفتن به حج ندارد مستطیع نشده و حج بر او واجب نیست و هم چنین اگر بعد از مردن شوهر، شغل یا زراعت یا صنعتی که بتواند بعد از برگشتن از حج، زندگی خود را اداره کند نداشته باشد مستطیع نمی شود هر چند ارثی که برده برای رفتن به حج و برگشتن کافی باشد(3).

\* آیه الله (خامنه ای): مگر این که وصیت کرده باشد مخارج حج از ثلث پرداخت شود که در این صورت بر وصیای مستحبه مقدم است و اگر ثلث وافی نبود کمبود آن از اصل ترکه میت اخراج می شود.

آیه الله (سیستانی): مگر این که وصیت کند از ثلث خارج شود و ثلث کافی باشد و اگر کافی نباشد از سایر ترکه باید تکمیل شود.

ص: 114

1-1- مناسک، مسأله 76.

2-2- مناسک، مسأله 79.

3-3- مناسک حج (المحشی للإمام الخمینی)، مسأله 46، ص 40.

\* آیه الله (مکارم): مگر این که وصیت کند از ثلث خارج شود.

\* آیه الله سیستانی: بنا بر احتیاط واجب ولی ما زاد بر اجرت متعارف را از سهم صغار ورثه به حساب نیاورند.

\* آیه الله (بهجت): در صورتی که مطالبه مهر از شوهر ناراحتی و یا مشکلاتی در زندگی ایجاد نکند وی مستطیع است و مطالبه مهر منعی ندارد بلکه لازم است، ولی اگر موجب درد سر و ناراحتی برای وی شود و یا مراجعه به حاکم باعث منقصت شأن او گردد مطالبه لازم نیست (1).

\* آیه الله (صافی): ولی رعایت احتیاط به این که به نحوی خود را واجد شرط استطاعت نماید ترک نشود.

\* آیه الله (سیستانی): اگر به حدی باشد که برای زن تحملش مشکل باشد.

\* آیه الله (گلپایگانی): مجرد طلاق باعث عدم وجوب حج نیست. بلکه اگر صرف مهریه در حج موجب شود که زندگی او مختل شود حج بر او واجب نیست (2).

\* آیه الله مکارم: حتی اگر منجر به طلاق نشود ولی مشکلات مهمی در زندگی او حاصل گردد حج لازم نیست.

\* آیه الله (تبریزی): اگر مطالبه مهریه موجب ناراحتی هایی شود که زن در زندگی اش به حرج و مشقت بیفتد، حج بر او واجب نیست.

\* آیه الله (خوئی): یعنی مطالبه بر او حرجی یا در آن خوف ضرر باشد. حج بر او واجب نیست (3).

## یازده مسأله در باب وصیت به حج از منظر امام خمینی (ره)

### در وصیت به حج

#### مسأله 1:

اگر وصیت کند که برای او حج بگیرند و معلوم باشد که حج واجب به گردن اوست، باید از

ص: 115

1-1- پرسشهای جدید حج، س 3

2-2- مجمع المسائل، ج 1، مسأله 33.

3-3- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، ص 41.

اصل مال خارج شود، و اگر وصیت کند که از ثلث، حج بدهند باید از ثلث بدهند و اگر کافی نشد، تتمه را از اصل بدهند.

## مسأله 2:

اگر بدانند که حج واجب به گردنش نیست و وصیت به حج کند، باید از ثلث بدهند، مگر آن که ورثه اجازه دهند زائد بر ثلث را.

## مسأله 3:

اگر معلوم نباشد که حج واجب به عهده او است و معلوم نباشد که سابقاً هم به عهده او بوده، حج از ثلث داده می شود.

## مسأله 4:

اگر معلوم بوده که حج واجب به عهده او بوده و ندانند به جا آورده یا نه، باید حج را از اصل مال بدهند.

## مسأله 5:

اگر میت تعیین اجرت نکند، لازم است بر وصی با راضی نبودن ورثه یا صغیر بودن آنها آن که اقتضار کند به اجرت مثل عمل و زیاده از آن اجیر نکند، و اگر کسی پیدا شود که کمتر از اجرت متعارف را بگیرد واجب است او را اجیر کند.

## مسأله 6:

اگر وصیت به حج بکند و یک دفعه یا چند دفعه را ذکر نکند، یک دفعه کفایت میکند و اگر بیشتر از یک دفعه معین کند و به عهده او حج واجبی نباشد باید از ثلث او هر چه رسید بدهند، در صورتی که وصیتهای دیگری در کار نباشد(1).

## مسأله 7:

اگر وصیت کند که برای من حج بدهید به کسی که پیاده برود صحیح است و از ثلث حساب

ص: 116

می شود، اگر حج مستحبی است، و اگر حج واجب است زیادی از حج میقاتی و تفاوت میان پیاده و غیر پیاده را از ثلث حساب می کنند

#### مسأله 8:

اگر وصی میت اجرت حج را گرفت و تلف شد بدون تقصیر و تعویق انداختن از وقت، ضامن نیست آن را، و باید از بقیه مال میت حج بدهد اگر حج واجب بوده و از بقیه ثلث اگر مستحب بوده، و اگر مال میت بین ورثه قسمت شده باید به قدر حج برگردانند. و اگر تلف به تقصیر او بوده یا آن که مال را نگهداشته و اهمال نموده در دادن به حج، ضامن است. و اگر معلوم نباشد که تقصیر کار بوده یا نه، ضامن نیست.

#### مسأله 9:

اگر وصی، اجیر کرد کسی را برای حج و آن شخص قبل از رفتن به حج مرد و نتواند از مال او برای حج بگیرند یا مال نداشته باشد، باید حج میت را از بقیه اموال میت بدهند اگر واجب بوده و از ثلث بدهند اگر مستحب بوده.

#### مسأله 10:

اگر کسی پیش شخصی مالی را امانت گذاشته و مرده است و حال آن که به عهده او حجه الاسلام بوده و شخص امانت دار بداند یا گمان داشته باشد که ورثه او حج او را نمی دهند اگر امانت را به آنها بدهد، واجب است که از آن مال برای او حج به جا آورد و اگر زیادی از حج داشت به ورثه بدهد و احتیاط آن است که از حاکم شرعی اگر ممکن باشد اذن بگیرد.

#### مسأله 11:

الحاق غیر حجه الاسلام در این حکم که در مسأله قبل گفته شد به حجه الاسلام محل اشکال است و احتیاط واجب آن است که مراجعه به حاکم شرع بکند. (1)

ص: 117

## حج و وجوه شرعی (سهم امام - سهم سادات نذورات)

- امام خمینی (ره): با وجوه شرعی مثل سهم امام و سهم سادات، شخص مستطیع نمی شود و اگر به مکه برود کفایت از حجه الاسلام نمیکند (1).

\* آیه الله (گلپایگانی): افرادی که از وجوه خاصی مثل سهم سادات و وجوه شرعی و نذورات استفاده میکنند، مانند طلاب و سادات و اشخاص دیگری که مورد توجه مردم هستند، در صورتی که هزینه حج و مخارج عیالات را تا بازگشت داشته باشند، بعید نیست که حج بر آنان واجب باشد (2).

آیه الله (فاضل): چنانچه به عنوان شهریه یا از روی استحقاق و خدمات دینی از طریق حاکم شرع به او داده شده مالک می شود، و اگر به مقدار حج باشد مستطیع است و باید حجه الاسلام به جا آورد.

\*\*\* آیه الله (خوئی)، آیه الله (تبریزی): کسی که مالی را که بتواند با آن حج به جا آورد، در اختیار دارد هر چند ملک او نباشد ولی تصرفش در آن جایز باشد با تحقق سایر شرایط مستطیع است (3).

\* آیه الله (غروی): در صورتی که از روی استحقاق و خدمات دینی از سهم امام به او داده شده باشد به مقداری که بتواند به حج رفته و برگردد مستطیع شده و حجش حجه الاسلام واقع می شود.

\* آیه الله (فاضل): و هم چنین اگر از طریق زکات و یا خمس و یا استعطاء، امور خود را اداره کند، کافی است، و هم چنین کسی که آن چه دارد در راه حج خرج کند زندگی او قبل و بعد از حج تفاوتی نکند، حج بر او واجب می شود و نیز بر طلاب که با شهریه اداره می شوند چنانچه هزینه حج و مخارج خانواده خود را داشته باشند یا به عنوان روحانی مشرف شوند حج واجب است و از حجه الاسلام کفایت میکند.

\*\*\* آیات عظام (خوئی)، (تبریزی)، (سیستانی): کسی که از وجوه شرعی مانند خمس و زکات و امثال اینها زندگی خود را اداره می کند و بر حسب عادت مخارجش بدون مشقت، مضمون و حتمی باشد، در صورتی که دارای مقداری پول گردد که وافی به هزینه حج و مخارج

ص: 118

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، مسأله 48، ص 41.

2-2- آداب و احکام حج، مسأله 68.

3-3- مستفاد از مناسک، مسأله 40.



عیالش باشد، بعید نیست حج بر او واجب باشد، و هم چنین است کسی که شخص دیگر در تمام مدت زندگی او، مخارجش را متکفل باشد و هم چنین کسی که اگر آن چه دارد در راه حج صرف کند زندگی بعد از حجش با قبل از آن تفاوتی نکند.

\* آیه الله (بهجت): اگر زندگی آنها با وجوهات بر حسب عادت بدون مشقت مضمون و حتمی باشد. در صورتی که دارای مقداری پول گردد که وافی به هزینه حج و مخارج عیالش باشد حج بر او واجب است (1).

\* آیه الله (گلپایگانی): افرادی که از وجوه خاصی مثل سهم سادات و وجوهات شرعیه و نذورات استفاده می کنند، مانند طلاب و سادات و اشخاص دیگری که مورد توجه مردم هستند، در صورتی که هزینه حج و مخارج عیالات را تا بازگشت داشته باشند، بعید نیست که حج بر آنان واجب باشد (2).

### مسایلی پیرامون نذر و عهد و قسم در حج

#### مسأله 1:

اگر نذر کند یا عهد کند یا قسم یاد کند که حج برود، واجب است عمل کردن بر طبق آنها و موافق با نذر و عهد و قسم باید عمل کند.

#### مسأله 2:

شرط است در منعقد شدن این سه، آن که بالغ و عاقل باشد و از روی قصد و اختیار باشد، پس از طفل اگر چه ده ساله باشد صحیح نیست هر چند عباداتش صحیح است، و هم چنین صحیح نیست از دیوانه و غافل و کسی که از روی سهو نذر کند یا مست باشد یا از روی اجبار و اکراه واقع کند.

ص: 119

1-1- مناسک، مسأله 25.

2-2- آداب و احکام حج، مسأله 68

### مسأله 3:

شرط است در منعقد شدن قسم از زن، اذن شوهر و از اولاد، اذن پدر. و معتبر است که اذن سابق باشد و اجازه متأخر کفایت نمی کند.

### مسأله 4:

توقف داشتن قسم بر اذن شوهر، برای خود قسم است نه برای آن است که متعلق آن منافی با حق شوهر است، پس قسم زن بدون اذن شوهر منعقد نیست؛ چه منافی حق او باشد یا نباشد. و همین طور نذر زن بی اذن شوهر منعقد نمی شود.

### مسأله 5:

در نذر اولاد شرط نیست اذن پدر، و نذر مثل قسم نیست در این حکم.

### مسأله 6:

بعید نیست که اذن شوهر در نذر زن صیغه ای هم معتبر باشد.

### مسأله 7:

اگر پدر کافر باشد، اذنی در قسم اولاد معتبر نیست، اگر اولاد مسلم باشند.

### مسأله 8:

در اولاد فرق نیست بین دختر و پسر در حکم متقدم.

### مسأله 9:

مادر حکم پدر را ندارد، و شرط نیست در قسم اولاد اذن مادر.

### مسأله 10:

اگر زن قبل از آن که شوهر کند قسمی خورد و پس از آن شوهر کرد واجب است عمل کند بر طبق قسم، مگر آن که منافات با حق شوهر داشته باشد که در این صورت واجب نیست. و اما در

نذر به این نحو که در قسم ذکر شد، محل تأمل است واجب بودن با منافی بودن با حق شوهر؛ گر چه واجب بودن بی وجه نیست، مگر بعض موارد که محل اشکال است (1).

#### مسأله 11:

اگر نذر کند که از محل معینی حج برود، واجب است از همان محل برود و اگر از محل دیگر رفت، ذمه اش به حج نذری مشغول می ماند و واجب است که برای وفاء به نذر حج کند.

#### مسأله 12:

اگر نذر کند که در سال معینی حج کند و در آن سال از جای دیگر حج کرد، واجب است کفاره مخالفت نذر را بدهد.

#### مسأله 13:

اگر نذر کرد که به حجه الاسلام از محل معینی برود و از محل دیگری رفت، باید کفاره بدهد، لکن حجه صحیح است و کفایت از حجه الاسلام میکند.

#### مسأله 14:

اگر نذر کرد که حج به جا بیاورد و مقید نکرد به سال معینی، می تواند آن را تأخیر بیندازد تا وقتی که گمانش برود که اگر تأخیر بیندازد دیگر موفق نمی شود.

#### مسأله 15:

اگر نذر کند که در سال معینی حج بکند، جائز نیست از آن سال با امکان تأخیر بیندازد، و اگر تأخیر انداخت معصیت کار است و قضای آن را باید بکند، و اگر مرد باید از جانب او حج را قضا کنند.

#### مسأله 16:

اگر نذر کند که حج بکند و مقید نکند به وقتی، پس اگر توانست به جا بیاورد و به جا نیاورد و مرد، واجب است از طرف او قضای حج را به جا آورند و اقوی آن است که مخارج حج از اصل مال میت باید خارج شود.

ص: 121

### مسأله 17:

اگر نذر کند که حج به جا بیاورد و نتواند به جا آورد تا بمیرد، قضا از طرف او واجب نیست؛ چه مقید کند نذرش را به سال معینی یا نکند.

### مسأله 18:

اگر نذر کند که اگر فلان مریض خوب شد حج به جا بیاورم و قبل از آن که مریض خوب شود، نذر کننده مرد، واجب نیست از طرف او قضا به جا آورند (1).

### مسأله 19:

اگر نذر کرد که حج به جا آورد و مستقر شد و خوب بر او به واسطه متمکن شدن بر عمل، و پس از آن مریض شد، به طوری که مأیوس از خوب شدن گردید، بعید نیست که واجب نباشد بر او نایب گرفتن، و آن حکم مختص به حجه الاسلام باشد.

### مسأله 20:

اگر نذر کند که کسی را در سال معینی به حج بفرستد و مخالفت نذر کند با قدرت بر فرستادن، باید کفاره بدهد و قضا نیز بکند آن را، و اگر مرد باید از اصل مال او قضا و کفاره را بدهند (2).

### مسأله 21:

اگر نذر کند به حج فرستادن کسی را معلق به شرطی، مثل آن که نذر کند که اگر فلان مریض شفا پیدا کرد فلان را به حج بفرستد و قبل از آن که شرط حاصل شود، یعنی مریض خوب شود نذر کننده مرد، پس اگر آن شرط حاصل شد بعد از مردنش و نذر کننده در زمان زنده بودنش می توانست به حج بفرستد و شرط هم نکرده بود که خودم زنده باشم وقت حج فرستادن، در این صورت با این شرایط باید از مال او قضای آن را از جانب او به عمل بیاورند و آن شخص را به حج بفرستند.

ص: 122

---

1-1- نجاه العباد (للامام الخميني)، ص 216.

2-2- همان، ص: 217

## مسأله 22:

اگر شخص مستطیع نذر کند که حجبی که بر او واجب است به جا بیاورد، نذرش منعقد می شود و کفایت میکند از او حجه الاسلام، و اگر ترک کرد تا مرد، باید قضا و کفاره از او بدهند و اگر نذر کرد در حال نداشتن استطاعت که حجه الاسلام به جا آورد باید استطاعت را تحصیل کند و حجه الاسلام را به جا آورد، مگر این که نذر کند که اگر مستطیع شدم حجه الاسلام را به جا آورم، در این صورت لازم نیست تحصیل استطاعت، لکن اگر مستطیع شد باید به نذرش عمل کند و اگر نکرد کفاره باید بدهد یا از او بدهند (1).

## مسأله 23:

در حج نذری شرط نیست که شخص مستطیع باشد با شرایطی که شرع معین فرموده، بلکه همان که قدرت عادی داشت و رفتنش مشقت زیادی نداشت واجب است برود.

## مسأله 24:

اگر مستطیع نذر کند که در سال استطاعت حج کند غیر حجه الاسلام، نذرش صحیح نیست، مگر آن که نذر کند که اگر استطاعتش از بین رفت حج برود و استطاعت نیز زائل شود، و اگر بدون قید نذر کرد و استطاعت زائل شد، بعید نیست صحت نذر.

## مسأله 25:

اگر نذر کرد در حال نداشتن استطاعت که حج کند غیر حجه الاسلام و بعد از نذر مستطیع شود، پس اگر نذرش موسع است یا در وقت متأخر از سال استطاعت است باید حجه الاسلام را به جا آورد و بعد به نذرش عمل کند، و اگر نذرش در همان سال استطاعت است باید حجه الاسلام را به جا آورد و نذرش لغو و بی جا بوده (2).

## مسأله 26:

اگر نذر کرد در حال نداشتن استطاعت که حج فوری به جا آورد و پس از آن مستطیع شد،

ص: 123

---

1-1- نجاه العباد (للامام الخميني)، ص: 217.

2-2- همان، ص 218.

باید حجه الاسلام به جا آورد و نذرش باطل است، مگر آن که نذرش آن باشد که اگر امسال نشد باز فوراً به جا آورد و هکذا، در این صورت بعد از حجه الاسلام باید به نذرش عمل کند.

#### مسأله 27:

اگر نذر کند که حج به جا آورد و مقید نکند به حجه الاسلام یا غیر حجه الاسلام و قرینه هم نباشد که حج به نذر غیر از حجه الاسلام باشد، ظاهر آن است که یک حج به قصد حجه الاسلام و عمل به نذر کافی باشد، لکن با این وصف ترک احتیاط نکند به این که حجه الاسلام را اول بیاورد، و پس از آن حج نذری را به جا آورد.

#### مسأله 28:

اگر نذر کند که حج کند هر حجه که باشد، حجه الاسلام از آن کفایت می کند، بلکه حج به نیابت هم کفایت میکند.

#### مسأله 29:

اگر به عهده او حجه الاسلام باشد و حج نذری، و نتواند هر دو را به جا آورد، باید حجه الاسلام را مقدم بدارد، و اگر مرد و مال او برای هر دو کافی نبود، باید حجه الاسلام را از مال او بدهند(1).

#### مسأله 30:

کسی که بر عهده او حج نذری موشع است می تواند قبل از عمل به نذر، حج مستحب به جا آورد.

#### مسأله 31:

اگر نذر کند که یا حج خودش بکند یا کسی را به حج بفرستد، واجب است یکی از این دو عمل را به جا آورد، و اگر به جا نیاورد و مرد واجب است از مال او یکی را قضا کنند.

#### مسأله 32:

اگر نذر کند سواره به حج برود نذرش صحیح است، و اگر نذر کند پیاده برود نیز صحیح

ص: 124

است، چه پیاده رفتن افضل باشد از سواره یا بعکس، در هر صورت هر دو نذر صحیح و منعقد است.

### مسأله 33:

اگر نذر کند پای برهنه حج کند نیز صحیح است و باید برود.

### مسأله 34:

شرط است در صحیح بودن نذر و منعقد شدن آن، آن که نذر کننده قادر باشد به آوردن آن

و ضرر بدنی برای او نداشته باشد و حرج و مشقت در آن نباشد، پس اگر نذر کرد پیاده یا پای برهنه برود و نمی توانست برود یا ضرر بدنی یا مشقت داشت، نذرش باطل است.

### مسأله 35:

اگر نذر کرد پیاده به حج برود، نباید کشتی سوار شود و اگر غیر راه سواره راهی نباشد، نذرش باطل است. بلی اگر در بین راه شط یا نهری باشد که نمی شود از آن عبور کرد، مگر با مرکب، واجب است که در مرکب بایستد و ننشیند.

### تکسب و حج

- امام خمینی (ره): اگر کسی منزل گران قیمتی دارد و در صورتی که آن را بفروشد و منزل ارزانتر بخرد<sup>(1)</sup> و با تفاوت قیمت آن بتواند به حج برود، چنانچه منزلی که دارد زائد بر شئون او نباشد لازم نیست آن را بفروشد و با این فرض مستطیع نیست و اگر زائد بر شئون او باشد با وجود سائر شرایط مستطیع است<sup>(2)</sup>.

- امام خمینی (ره): کسی که از راه کسب یا غیر کسب مخارج رفتن و برگشتن حج را دارد و بعد از برگشتن از حج مقداری از مئونه زندگی خود را از درآمد کسب مثل منبر و بقیه را از

ص: 125

---

1-1- آیه الله مکارم): هر گاه در شأن او باشد مانعی ندارد و حج او صحیح است. مناسک حج (المحشی للإمام الخمینی)، مسأله 49، ص 41.

2-2- مناسک حج (المحشی للإمام الخمینی)، مسأله 49، ص 41.

شهریه ای که از وجوه شرعیه است تأمین می کند اگر در راه اداره زندگی بعد از مراجعت از حج نیاز به شهریه داشته باشد مستطیع نیست (1).

آیه الله (خامنه ای)، آیه الله (مکارم): چنانچه شهریه او تأمین باشد مستطیع است.

\* آیه الله سیستانی، آیه الله (خوئی): اگر فروش خانه سبب حرج و مشقت او نیست حج بر او واجب است (2).

\* آیه الله (غروی): اگر تعیش از وجوهات شرعیه یا روضه خوانی منافات با شأنش نباشد مثل تجار و کسبه بلکه به نحوی باشد که حج برود یا نرود امرار معاشش از وجوهات است با تمکن بعد از برگشتن مستطیع شمرده شده و حجش حجه الإسلام می باشد.

- امام خمینی (ره): اگر کسی زمین یا چیز دیگری را بفروشد که منزل مسکونی تهیه کند در صورت نیاز به منزل مسکونی مستطیع نمی شود هر چند پولی که بدست آورده برای مخارج حج کافی باشد (3).

آیه الله (غروی): اگر سکونت در منزل اجاره ای یا وقفی منافی شأنش نباشد در فرض مسأله مستطیع شمرده شده لازم است به حج رود.

### مشقت و حج

- امام خمینی (ره): هرگاه زنی با کسب می تواند مخارج خویش را متکفل شود و مخارج حجش را نیز دارد و در صورت رفتن او به حج، شوهرش برای مخارج به زحمت می افتد اگر به زحمت افتادن شوهر، موجب حرج برای زن نباشد مستطیع است و باید به حج برود و به زحمت افتادن شوهر، مانع استطاعت زن نمی شود (4).

\* آیه الله (خامنه ای): اگر در نزد عرف، داشتن خانه ملکی از شئون عرفی او باشد یا سکونت در غیر خانه ملکی برای او باعث مشقت و ناراحتی شود و یا موجب تحقیر او گردد، مستطیع نمی شود.

\*\* آیه الله (خوئی)، آیه الله (بهجت): در صورتی که صرف آن پول در راه حج، سبب

ص: 126

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 50.

2-2- به نقل از: مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 50، ص 41.

3-3- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 51، ص 42.

4-4- همان، مسأله 53، ص 43.



ناراحتی و مشقت در زندگی وی شود، حج بر او واجب نمی شود، و چنانچه سبب ناراحتی نشود واجب می شود.

\* آیه الله (سیستانی): در صورتی که صرف آن پول در راه حج، سبب حرج و مشقت در زندگی وی شود حج بر او واجب نمی شود و چنانچه سبب حرج نشود واجب می شود.

\* آیه الله (غروی): اگر حرجی باشد زن مستطیع نخواهد شد ولی این امر به فرض مسأله اختصاصی ندارد بلکه اگر زن از ارثیه مورث خود مستطیع مالی شود ولی اگر بحج رود شوهرش برای مخارج به زحمت می افتد و این امر موجب حرج زن شود مستطیع نخواهد شد و این فرض داخل در فرض عدم استطاعت زن است(1).

### عوامل (خدمه- پزشکان - روحانی کاروان) در حج

- امام خمینی (ره): خدمه کاروانها که وارد جده می شوند اگر سایر شرایط استطاعت را دارند از قبیل داشتن وسایل زندگی بالفعل یا بالقوه و رجوع به کفایت، مثلا کار و صنعت و غیر آن که با آنها می توانند پس از مراجعت ادامه زندگی مناسب خود را بدهند مستطیع هستند و باید حجه الاسلام به جا آورند و کفایت از حج واجب آنان می کند، و چنانچه سایر شرایط را ندارند به مجرد امکان حج، برای آنان استطاعت حاصل نشده است و حج آنان استحبایی است و چنانچه بعدا استطاعت پیدا کردند باید حج واجب را به جا آورند، و حکم روحانی کاروان نیز همین است لکن اگر بعد از مراجعت از مکه نیاز به شهریه حوزه دارند مستطیع نمی شوند(2).

\* آیه الله (غروی): در صورتی که خدمت کاروان مانع از اعمال حج او نشود و گرنه استطاعت نخواهد داشت.

- امام خمینی (ره): پزشکان یا کسان دیگری که با مأموریت به میقات آمده اند و در میقات جامع شرایط استطاعت هستند، واجب است حجه الاسلام به جا آورند هر چند که لازم است مأموریت خود را نیز انجام دهند(3).

آیه الله مکارم): در تمام مواردی که افراد به عنوان خدمه یا روحانی یا غیر آن به حج

ص: 127

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، مسأله 53، ص 43

2-2- همان، مسأله 58، ص 44.

3-3- همو، مسأله 59، ص 45.

می روند چنانچه زندگی خانواده آنها در همان مدت تأمین باشد حجه الاسلام و تأمین زندگی آنها در بازگشت شرط نیست.

\* آیه الله (فاضل)، آیه الله (غروی): چنین اشخاصی مستطیع بوده و حج آنها از حجه الاسلام کفایت میکند.

\* آیه الله (فاضل): مگر این که مأموریت آنها مشروط به عدم احرام برای حج تمتع باشد، یا عمل به مأموریت مانع از انجام اعمال حج باشد که در این دو صورت حج واجب نیست، بلی اگر مخالفت کردند و حج انجام دادند هر چند مرتکب معصیت شده اند ولی حج آنها صحیح است و کفایت از حجه الاسلام می کند.

\* آیه الله (غروی): در صورتی که عمل به مأموریت مانع از آوردن اعمال حج نباشد و گرنه مستطیع نخواهند بود(1).

آیه الله (بهجت): باید حجه الاسلام به جا آورند، مگر آن که مأموریت به گونه ای باشد که نتوانند به وظائف عمل کنند(2).

### استثناءات استطاعت در پاسخ به شبهات

\* سؤال: کسی در مدینه مریض شده (سکته کرده و فعلا در بیمارستان است و دکترها گفته اند که باید تا دو هفته استراحت کند، آیا بعد از مدت استراحت در صورتی که حمل او برای انجام دادن اعمال مشکل باشد اگر او را به مکه ببرند وظیفه این شخص چیست(3)؟

ج- امام خمینی (ره): اگر سال اول استطاعت او است و قدرت اعمال حتی به نحو اضطراری را ندارد از استطاعت افتاده و حج بر او واجب نیست ولی برای دخول مکه باید محرم شود و با انجام اعمال عمره مفرده و لو اضطراری آن از احرام خارج می شود، و چنانچه سال اول استطاعت او نباشد و حج بر او مستقر شده اگر مأیوس از خوب شدن باشد باید نایب بگیرد که برایش عمره و حج تمتع انجام دهد و خودش برای دخول مکه محرم شود و عمره مفرده به جا آورد، و چنانچه برای این شخص انجام اعمال حج تمتع ممکن باشد و لوبه نحو اضطرار

ص: 128

---

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، ص 45.

2-2- همان، ص 45.

3-3- همو، س 60، ص 45 و ص 46.

و انجام اضطراری اعمال، لازم است محرم شود و هر مقدار از اعمال را که می تواند و لو با کمک گرفتن از دیگری انجام دهد، و هر مقدار را که نمی تواند، نایب بگیرد ولی در وقوفین، گرفتن نایب کافی نیست (1).

\*\*\* آیه الله (خوئی)، آیه الله (تبریزی): اگر توانائی مباشرت اعمال حج را ندارد و او به این که برای بعض اعمال نایب بگیرد از استطاعت افتاده است. ولی اگر ثروتمند است و دیگر هیچ گاه توانائی مباشرت اعمال حج را ندارد و یا مشقت دارد.

\* (آیه الله (تبریزی): بنا بر احتیاط) باید برای حج نایب بگیرد.

\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): و قدرت بر نایب گرفتن هم ندارد.

\* آیه الله (سیستانی): اگر توانائی مباشرت اعمال حج را ندارد و نایب هم نمی تواند بگیرد از استطاعت افتاده است ولی اگر تمکن مالی دارد و توانائی مباشرت اعمال حج را ندارد یا دشوار و با مشقت است و امید به بهبودی ندارد باید نایب بگیرد (2).

\* آیه الله (خوئی):... ولی اگر دارا و ثروتمند است و امید به بهبودی ندارد یا حج بر او حرجی است باید نایب بگیرد.

\* سؤال: کسی که احتمال می دهد حجی که در سالهای قبل انجام داده صحیح نبوده یا مستطیع نبوده است و فعلاً شرایط استطاعت را دارد و بخواهد احتیاط کند، حج را به چه نیتی به جا آورد؟

ج- امام خمینی (ره): می تواند قصد ما فی الذمه یعنی قصد امثال مطلق امر متوجه به او را کند و می تواند قصد حجه الاسلام احتیاطاً نماید (3).

\*\*\* آیه الله (تبریزی)، آیه الله (بهجت): در این مسأله قصد امثال امر فعلی را بنماید.

\* آیه الله (غروی): یا قصد امر واقعی را نماید.

\* سؤال: شخصی که حج واجب خود را انجام داده است آیا می تواند آن را بقصد ما فی الذمه اعاده کند؟

ص: 129

---

1-1- مناسک حج (المحشى للإمام الخميني)، س 60، ص 45 و ص 46.

2-2- مناسک، مسأله 63.

3-3- مناسک حج (المحشى للإمام الخميني)، سؤال 61، ص 46.

ج- امام خمینی (ره): مانع ندارد ولی اعاده حج کفایت از اجزاء - در صورت صحت حج سابق و بطلان اجزاء - نمی کند و باید خود آن جزء تدارک شود.

\* آیه الله (غروی): این جهت محذوری ندارد و غایه الامر این است که حج سابقش ناقص می ماند ولی حجی را که الان می آورد صحیح و موجب ابراء ذمه از حجه الاسلام می باشد.

\* آیه الله (مکارم): اگر حج خود را به طور صحیح انجام داده و جهی برای اعاده آن نیست.

\* آیه الله (نوری): مانع ندارد مطلقا.

\* آیه الله (تبریزی): وجوب نایب گرفتن مانند وجوب حج فوری است.

\* آیه الله (غروی): قصد مافی الذمه در این فرص درست نیست چون احتمال فراغ ذمه را دارد و احراز نکرده است که در ذمه اش چیزی بوده باشد فلذا لازم است به داعی رجاء امر، که عنوان احتیاط است به جا آورد(1).

\* سؤال: کسی که با وجود تقلید صحیح قبلا به حج مشرف شد و چون رجوع به کفایت را مجتهد او شرط استطاعت نمی دانسته حجه الاسلام قصد نموده و به جا آورده است با این که رجوع به کفایت نداشته است، فعلا همه شرایط استطاعت برای او موجود است و از حضرت امام تقلید می کند آیا باید حج سابق را اعاده کند یا خیر؟

ج- امام خمینی (ره): اعاده لازم است(2).

\*\*\*\*\* آیات عظام (گلپایگانی)، (مکارم)، (فاضل)، (تبریزی)، (سیستانی): اعاده لازم نیست.

\* سؤال: شخصی بعد از انجام عمره تمتع مریض شد و از انجام حج منصرف شد و به ایران رفت و در مکه کسی را وکیل کرده که برای فراغ ذمه او اقدام نماید، وظیفه در این مورد چیست و آیا محرمات احرام بر چنین شخصی چه وضعی دارد؟

ج- امام خمینی (ره): در فرض مسأله، وکیل گرفتن بی فایده است و چنانچه سال اول استطاعت او بوده است و در اثر مرض از قدرت انجام حج افتاده باشد در این صورت وجوب حج بر او موقوف است به بقاء استطاعت تا سالهای بعد(3)، ولی در صورتی که سال اول استطاعت

ص: 130

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، سؤال 62، ص 46.

2-2- همان، ص 63، ص 47.

3-3- آیه الله (بهجت): عمره او مفرده می شود و احتیاطا باید طواف نساء به جا آورد.

نبوده و حج بر او از قبل واجب بوده است چنانچه مأیوس از خوب شدن باشد باید در همان سال یا سال بعد برای حج و عمره تمتع نایب بگیرد، و در صورتی که مأیوس از خوب شدن نباشد نایب نمی تواند بگیرد و باید خودش حج و عمره تمتع را مجدداً انجام دهد، و در هر صورت فعلاً از احرام خارج و محرمات احرام بر او حلال شده است (1).

\*\*آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): بنا بر احتیاط در این صورت هم (و در صورتی که مأیوس از خوب شدن نباشد) نایب بگیرد و اگر بعداً رفع عذر شد و دارای شرایط بود احتیاطاً خودش نیز حج را انجام دهد (2).

\*\*\* آیات عظام (تبریزی)، (گلپایگانی)، (صافی): مگر آن که ثروتمند باشد و مباشرت اعمال را نتواند بکند، پس بنا بر احتیاط باید نایب بگیرد.

\* آیه الله (خوئی): مگر آن که ثروتمند باشد و مباشرت اعمال را نتواند بکند یا برای او مشقت داشته باشد و امید به بهبودی نداشته باشد که در این صورت باید برای عمره و حج تمتع نایب بگیرد (3).

\* آیه الله (سیستانی): اگر از انجام حج متمکن نبوده، وظیفه او بنا بر احتیاط واجب این بوده است که عمره تمتع را بدل به عمره مفرده کند و طواف نساء را انجام دهد، و اکنون اگر بازگشت برای او مقدور نیست احتیاطاً باید برای طواف نساء نایب بگیرد (4).

\* آیه الله (غروی): ولی این سال مستطیع نبوده است زیرا در استطاعت بقاء شرایط تا آخر حج معتبر است و الحج بالوکاله با عدم وجوب آن به موکل معنی ندارد.

سؤال: در حال حاضر که هر کسی بخواهد حج مشرف شود باید قبلاً برای ثبت نام و مقدمات حج اقدام نماید، اگر کسی ثبت نام کرد ولی نوبت او را برای چند سال دیگر اعلام نمودند، اگر قبل از رسیدن آن نوبت، از راه دیگر وسیله رفتن برای او فراهم شد و پول قرض کرد و به مکه رفت، آیا حج او حجه الاسلام است یا خیر (5)؟

ص: 131

1- - مناسک حج (المحشی للإمام الخمینی)، س 64، ص 47.

2- 2 - مناسک عربی، مسأله 90، ص 32.

3- 3 - مناسک، مسأله 63.

4- - مناسک، ذیل مسأله 151 و ملحق مناسک، س 92.

5- 5 - مناسک حج (المحشی للإمام الخمینی)، س 65، ص 48.

ج- امام خمینی (ره): اگر قبلا حج بر او مستقر نشده و فعلا هم نمی تواند به حج برود مگر با قرض، حج بر او واجب نشده است، و حج او حجه الاسلام نیست.

\* آیه الله (غروی): ولی اگر بتواند از راه دیگری به حج رود و حاجتی به قرض کردن نداشته باشد حج او صحیح و حجه الاسلام محسوب می شود.

\* آیه الله سیستانی: مگر آن که وقت پرداخت قرض آن قدر دور باشد که اصلا عقلاء به آن توجه نکنند. که در این صورت حج بر او واجب خواهد شد (1).

\*\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): مگر در صورتی که از کسی طلب داشته باشد و یا مالی دارد که در دسترس او نیست و بعدا به راحتی می تواند به واسطه آن قرضی را که گرفته اداء کند، که در این صورت با قرض کردن صدق استطاعت می کند و اگر قرض کرد و سایر شرایط هم فراهم بود حج واجب می شود و حجه الاسلام می باشد (2).

\* آیه الله (تبریزی): هرگاه کسی مقداری پول قرض کند که آن پول به مقدار مخارج حج باشد و در وقت قرض کردن مالی داشته باشد که بتواند با آن قرض خود را اداء کند حج بر او واجب خواهد بود بلکه مثل این شخص اگر بتواند بدون منت قرض کند لازم است قرض کند و به حج برود (3).

\* آیه الله (مکارم): مگر این که نوبت خود را که برای آن ثبت نام کرده در مقابل آن به وام دهنده واگذار کند.

\* سؤال: اگر کسی به خیال این که استطاعت دارد بقصد عمره تمتع محرم شد و به ترتیب کلیه اعمال حج تمتع حجه الاسلام را انجام داد و بعد از تمام شدن اعمال معلوم شد که مستطیع نبوده است، بفرمایید احرام و اعمال گذشته اش چگونه است، و نسبت به آینده اگر مستطیع شد، آیا حجه الاسلام بر او واجب است یا نه (4)؟

ج- امام خمینی (ره): محرم نیست، ولی اگر مستطیع شد باید حجه الاسلام به جا آورد (5).

\*\* آیه الله (اراکی)، آیه الله (نوری): اگر بقصد تقیید بوده إحرام واقع نشده، و اگر خطا در

ص: 132

1-1- مناسک، مسأله 33.

2-2- مناسک عربی، مسأله 34، ص 19.

3-3- مناسک، مسأله 33.

4-4- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، س 66، ص 48.

5-5- همان، ص 49.

تطبیق بوده احرام حج مستحب واقع شده و احرام صحیح بوده و از آن خارج شده، ولی مجزی از حجه الاسلام نیست.

\* آیه الله (خوئی): حجش صحیح است ولی کفایت از حجه الاسلام نمی کند(1).

\*\* آیه الله سیستانی، آیه الله مکارم: إحرام او صحیح و حج او مستحبی است و کفایت از حجه الاسلام نمی کند.

آیه الله (بهجت): اگر بقصد انجام وظیفه فعلیه بوده حج صحیح استحبابی هم می باشد.

\* سؤال: کسی خیال می کرد مستطیع نیست، به نیت استحباب محرم شد و اعمال عمره تمتع را انجام داد، بعد در مکه پرسید، معلوم شد مستطیع بوده است، آیا مجدداً باید به نیت وجوب، محرم شود یا کافی است(2)؟

ج- امام خمینی (ره): کفایت نمی کند، و در صحت حج ندبی او تأمل است.

\* آیه الله (خامنه ای): مگر این که نیت کند حجی را که شارع مقدس از او خواسته به جای آورد(3).

\*\* آیه الله مکارم، آیه الله (صافی): بلکه کفایت می کند.

\* آیه الله (بهجت): اگر بقصد امر فعلی بوده اگر چه اعتقاد ندبیت آن را داشته اظهار صحت و اجزاء از حجه الاسلام است(4).

\* آیه الله (گلپایگانی): مگر این که قصد کرده باشد حجی را که بر اوست و اشتباه گمان کرده استحبابی است که در این صورت بعید نیست کفایت کند(5).

آیه الله (فاضل): باید حجه الاسلام را انجام دهد و اکتفاء به عمره انجام شده مشکل است لذا برای احرام عمره تمتع وجوبی باید به وظیفه ناسی احرام عمل کند و در ضیق وقت باید حج افراد انجام دهد، مگر این که خطاء در تطبیق باشد.

\*\*\* آیه الله (خوئی)، آیه الله (تبریزی): مجزی از حجه الاسلام است و نیاز به احرام جدید نیست.

ص: 133

1- - استفاد از تعلیقه عروه، ج 2، ص 240.

2- 2 - مناسک حج (المحشی للإمام الخمینی)، س 67، ص 49.

3- 3- همان، مسأله 6، ص 19.

4- 4- کتاب حج، ص 30.

5- 5- مناسک عربی، ص 30، مسأله 80.

\* آیه الله (سیستانی): چنانچه کسی به اعتقاد این که مستطیع نیست به عنوان استحباب به حج رفت و قصد اطاعت امری که فعلا متوجه او است را نمود و بعد معلوم شد مستطیع بوده حجش کفایت می کند و حج دیگری بر او واجب نیست(1).

\* آیه الله (غروی): ولی اگر به قصد امر واقعی می آورد یا به قصد عملی که اگر مستطیع بوده به جا می آورد حجش صحیح خواهد بود.

\*\*\* آیات عظام (نوری)، (اراکی)، (فاضل): اگر تقیید به استحباب داشته، و اگر به نحو خطاء در تطبیق بوده صحیح و کافی است.

\* سؤال: در قبالة های کنونی برای ازدواج، مبلغ زیادی نوشته می شود، آیا زنی که می خواهد ازدواج کند طبق برنامه مذکور واجب الحج می شود یا خیر؟ ضمنا مشخص فرمائید مبلغ چقدر باشد بهتر است(2)؟

ج- امام خمینی (ره): اگر بدون مفسده بتواند مهر را بگیرد و به حج برود مستطیع است، و مهر السنه بهتر است و استحباب دارد.

\* آیه الله (سیستانی): اگر مستلزم حرجی برزن باشد که تحملش برای او مشکل است مستطیع نیست.

\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): و اختلال در زندگی. (مجمع المسائل، ج 1، مسأله

\* آیه الله (تبریزی): بدون وقوع در حرج.

\* آیه الله مکارم): و یا حاصل شدن هر چیزی بر خلاف حیثیت او.

\* آیه الله (بهجت): در صورتی که مطالبه مهر از شوهر ناراحتی و یا مشکلاتی در زندگی ایجاد نکند وی مستطیع است و مطالبه مهر منعی ندارد بلکه لازم است، ولی اگر موجب درد سر و ناراحتی برای وی شود و با مراجعه به حاکم باعث منقصت شأن او گردد مطالبه لازم نیست(3).

\* آیه الله (غروی): مگر این که اداء آن مشروط بقدرت و تمکن بوده باشد و زوج متمکن از دفع آن نباشد(4).

ص: 134

1- - مناسک، مسأله 58.

2- 2- مناسک حج (المحشی للإمام الخمینی)، س 69، ص 50.

3- 3- همان، ذیل مسأله 47، ص 40.

4- 4- مناسک حج (المحشی للإمام الخمینی)، س 69، ص 50.



\* سؤال: اگر پدری بعد از ثبت نام برای حج فوت کرده است و چند پسر دارد، و اجازه حج به یکی از پسران داده می شود آیا در چنین موردی استطاعت طریقی برای کدام حاصل می شود(1)

ج- امام خمینی (ره): با فرض وجود سایر شرایط استطاعت، به هر کدام اجازه داده شود مستطیع می شود.

\* آیه الله مکارم): ولی ورثه باید بر آن توافق کنند و حج واجبی هم بر عهده پدر نباشد.

آیه الله (گلپایگانی): اگر به عنوان نیابت پدر است بر هیچ یک از آنها رفتن به حج و قبول نیابت واجب نیست، مگر آن که بالخصوص مورد وصیت باشد، و اگر منظور این است که یکی از آنها می تواند با استفاده از فیش پدر برای خود حج به جای آورد، در صورت داشتن سایر شرایط استطاعت، باید هر کدام سعی کنند که خودشان به حج بروند، و در صورت مشاجره بین آنها، با قرعه تعیین شود، و در هر صورت ارزش فیش را به ورثه مدیون است، و چنانچه پدر واجب الحج بوده است، باید برای او استیجار نمایند(2).

آیه الله (صافی): اگر به عنوان نیابت پدر است بر هیچ یک از آنها رفتن به حج و قبول نیابت واجب نیست مگر آن که بالخصوص مورد وصیت باشد و اگر منظور این است که یکی از آنها می تواند با استفاده از فیش پدر برای خود حج به جای آورد در صورت داشتن سایر شرایط استطاعت بر هر کدام که میدانند با استفاده از فیش مورد مزاحمت دیگران قرار نمی گیرد حج واجب است و اگر همه در این جهت مساوی باشند بر همه لازم است اقدام کنند و چنانچه یکی از آنها بدون مسامحه دیگران موفق به استفاده شد حج از دیگران ساقط است ولی با مسامحه، حکم به استقرار حج بر او خالی از وجه نیست این در صورتی است که فیش از ترکه میت محسوب نشود و اگر از ترکه محسوب شود در صورتی که هیچ یک از ورثه از حق خود نسبت به آن صرف نظر نکند باید به فروش برسد و بهای آن بین ورثه کما فرض الله تقسیم شود و بنا بر این هر یک از ورثه یا غیر ورثه باید اقدام به خرید فیش نمایند هر کس برایش فراهم شد حج بر او واجب است و چنانچه پدر واجب الحج بوده است باید برای او استیجار نمایند هر چند بفروش فیش باشد.

\* سؤال: پدری برای حج ثبت نام کرده است و در وصیتش گفته است که برایش حج

ص: 135

1-1- مناسک حج (المحشى للإمام الخميني)، ص 70، ص 50.

2-2- آداب و احکام حج، مسأله 144.

مستحبی به جا آورند، و پسر بزرگتر چون دیده خودش استطاعت بدنی و مالی دارد، و فقط استطاعت طریقی نداشته که آن هم با فوت پدر برایش حاصل شده به نیت خود حج را انجام داده، نه به نیابت از پدر، آیا حج او صحیح است یا نه؟ چون استطاعت طریقی نداشته مگر از طریق نیابت (1).

ج- امام خمینی (ره): فرض مزبور نیابت نیست، و حج خودش صحیح و مجزی است.

آیه الله مکارم: ولی به خاطر ترک وصیت پدر گناه کرده و باید حج مستحبی او را انجام دهد و یا کسی را بفرستد تا به جا آورد.

\* آیه الله سیستانی: وصیت پدر در حج نسبت به او نافذ است و پسر استطاعت طریقی نداشته که بتواند برای خودش حج به جا آورد (2).

\* سؤال: مسلمین بعضی از کشورهایی که حکومتشان کمونیستی است، اگر بخواهند حج بروند باید مبلغ زیادی به آن حکومت کمک کنند و قهرا این پول برای تقویت چنین حکومتی مصرف می شود، در صورتی که راه منحصر به این کار باشد آیا اولاً- حج بر چنین اشخاصی واجب است یا نه؟ و ثانياً اگر این مقدار پول را بدهند و به حج بروند از حجه الاسلام کفایت میکند یا نه (3)؟

ج- امام خمینی (ره): آن چه ذکر شد موجب سقوط حج نمی شود (4).

\* آیه الله (بهجت): ضررهای مالی غیر مجحف که از ظالمین در طریق و از حکومتهای ظالمه صورت می گیرد داخل در استطاعت، و با قدرت تحمل موجب سقوط نمی شود بلکه واجب است و هم چنین قراردادهای حکومتهای ظلم. و اگر ضرر مالی مجحف و موجب عسر باشد مانع از استطاعت شرعیه است (5).

\* آیه الله (خوئی): اگر جزو مخارج حج در آن کشور باشد حج واجب است و اگر اتفاقاً این مبلغ را از او می گیرند اگر مستلزم ضرر مالی معتد به می باشد حج بر او واجب نیست. البته اگر موجب فساد بر مسلمین باشد طبعاً جایز نیست (6).

ص: 136

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، س 71، ص 51.

2-2- ملحق مناسک، سؤال 10.

3-3- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، س 72، ص 51.

4-4- همان، س 73، ص 52.

5-5- کتاب حج، ص 21.

6-6- (مستفاد از مسأله 21 مناسک).

آیه الله (گلپایگانی): این گونه پرداخت ها منافات با استطاعت ندارد و در صورت امکان باید مبلغ را پرداخته و به حج برود و آن حج از حجه الاسلام کفایت میکند.

\* آیه الله (صافی): اگر موجب تقویت کفر در برابر اسلام محسوب شود که عرف آن بر ضرر اسلام و خلاف مصلحت مسلمین شمرده شود استطاعت حاصل نیست ولی اگر پول را پرداخت و استرداد آن ممکن نبود پس از پرداخت اگر چه معصیت کرده استطاعت حاصل می شود و باید به حج برود.

\* آیه الله (سیستانی): هرگاه در راه حج دشمنی باشد که دفع او جز به پرداخت مال به او ممکن نباشد، پس اگر پرداخت آن نسبت به حال شخص ضرر زیادی داشته باشد، واجب نخواهد بود و وجوب حج ساقط می شود، و الا واجب خواهد بود. بلی پرداخت پول جهت جلب رضای او تا آن که راه را باز کند واجب نیست (1).

آیه الله (تبریزی): هرگاه در راه حج دشمنی باشد که دفع او جز به پرداخت مال زیاد ممکن نباشد، پرداخت مال واجب نیست و وجوب حج ساقط خواهد شد مگر این که بذل مال امر متعارف باشد، مثل این که حکومت از کسانی که وارد کشور می شوند مالی را اخذ می کنند که در این صورت بذل واجب است و از مئونه حج حساب می شود (2).

\* آیه الله (مکارم): و حج او مجزی است.

\* سؤال: زنی برای حج ثبت نام کرده است، ولی شوهرش که او هم استطاعت داشته به عللی ثبت نام ننموده است، آیا زن می تواند شرعاً نوبت خود را به شوهرش بدهد به این امید که در آینده هر دو با هم ثبت نام نمایند یا نه (3).

ج- امام خمینی (ره): اگر زن مستطیع است نمی تواند نوبت خود را به شوهرش بدهد، ولی اگر نوبت را به او داد حج شوهر صحیح است.

\* آیه الله (مکارم): ولی زن گناه کرده است.

\* سؤال: من با داشتن بیست هزار تومان قرض و گرفتن یک ماه حقوق قبل از پرداخت آن،

ص: 137

1-1- مناسک، مسأله 16.

2-2- همان.

3-3- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، س 73، ص 52.

راضی و به موفق به سفر حج شدم، با توجه به این که شخص طلبکار از این سفر حج پولش احتیاج ندارد، آیا این حج واجب محسوب می شود یا نه (1)؟

ج- امام خمینی (ره): اگر استطاعت مالی از برای شما محقق بوده، در فرض مزبور حج شما صحیح و حج واجب محسوب است، به شرط آن که امکان ادای بدهی بعداً به سهولت برای شما فراهم باشد. ولی اگر با قرض برای حج استطاعت مالی پیدا کرده اید مستطیع نشده اید و از حجه الاسلام محسوب نمی شود.

آیه الله (غروی): این شرط با فرض این که طلبکار احتیاج به پولش ندارد و کاملاً از حج مدیون راضی است محل حاجت نیست.

\* آیه الله (مکارم): مگر این که مالی که معادل آن باشد و بتواند دین را با آن اداء کند داشته باشد.

\* سؤال: اگر کسی مستطیع شد، آیا می تواند مال خودش را به پدر یا مادر ببخشد و خرج سفر حج ایشان نماید، و اگر چنین کرده است، تکلیفش چیست (2)؟

ج- امام خمینی (ره): اگر شخص مستطیع است باید حج به جا آورد، و با بخشش پول به والدین، تکلیف از او ساقط نمی شود، و در صورتی که با بخشش پول به والدین نتواند حج واجب بر خود را به جا آورد بخشش جایز نیست، اگر چه صحیح است.

\* سؤال: اشخاصی که در وقت اسم نویسی برای حج، استطاعت مالی دارند و از طرف دولت برای پنج سال یا بیشتر اسم می نویسند، آیا برای این گونه اشخاص اسم نویسی واجب است یا نه؟ و بر فرض وجوب اگر مسامحه کردند و ننوشتند و بعد از مدت پنج سال مردند یا از استطاعت مالی افتادند، فقط ترک واجب کرده اند یا این که حج هم بر آنان مستقر است؟

ج- امام خمینی (ره): اگر احتمال دهند که قرعه در همان سال اول به نامشان بیرون می آید لازم است شرکت کنند، و اگر شرکت نکردند باید به حج بروند، و حکم کسی را دارند که حج بر او مستقر است.

\* آیه الله (غروی): و هکذا اگر احتمال دهند در سال دوم یا سوم قرعه به نامشان در بیاید

ص: 138

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، س 74، ص 52 و 53.

2-2- همان، س 75، ص 53.

باید شرکت کنند و گرنه حکم کسی را پیدا میکنند که حج بر او در سال دوم یا سوم مستقر شده است.

\* آیه الله (خوئی): باید در قرعه کشی شرکت کنند(1).

\* آیه الله (مکارم): اسم نویسی برای این اشخاص واجب است و اگر یقین به اصابت قرعه داشته باشند حج بر آنها مستقر می شود ولی احتمال کافی نیست.

\* آیه الله (تبریزی): اگر اطمینان داشته باشد که در سال اول نامش بیرون می آید لازم است در قرعه کشی شرکت کند.

\* آیه الله (گلپایگانی): در مورد سؤال نام نویسی واجب است و چنانچه مسامحه کرد و بعد از پنج سال فوت نمود چون علی الظاهر در طول پنج سال متمکن از رفتن به حج بوده است حج بر او مستقر شده، و باید برای او استیجار نمایند.

\* آیه الله (صافی): در مورد سؤال وجوب نام نویسی محل تأمل است و چنانچه با ترک آن بعد از پنج سال فوت کرد استقرار حج بر او معلوم نیست اگر چه احتیاط آنست که برای او با بقاء استطاعت تا سال پنجم استیجار حج نمایند(2).

\* سؤال: این جانب با شرایط زیر طبق قرعه کشی سازمان حج و زیارت ان شاء الله در سال 1366 عازم بیت الله الحرام هستم

1- هزینه کامل زیارت خود و همسر از پول مخمس تهیه شده است.

2- معلم آموزش و پرورش بوده و حقوق مستمر در حد معمول زندگی با قناعت را دریافت می دارم.

3- فاقد مسکن و اتومبیل شخصی بوده و در هر شهری که شاغل باشم، مستأجر هستم.

4- وسائل زندگی را در حد معمول دارا می باشم.

با توجه به شرایط فوق و شبهاتی که نسبت به وجوب حج و عدم آن از اطراف القاء می شود آیا حج این جانب و همسر از حج واجب کفایت می کند یا خیر(3)

ج- امام خمینی (ره): در فرض مرقوم چنانچه همسر شما به مقدار رفتن و برگشتن برای حج پول دارند و می توانند بروند، مستطیع هستند، و شما در صورتی استطاعت دارید که لوازم زندگی

ص: 139

1-1 - استفاد از مناسک، ص 16، و المسائل الشرعیه، س 1، ج 1، ص 297.

2-2 - مناسک حج (المحشی للإمام الخمینی)، ص 53.

3-3 - همان، س 77، ص 54.

خود و عائله را به مقدار شانتان دارا باشید، و بعد از برگشتن بتوانید با درآمد کسب خودتان زندگی خود و عائله را اداره کنید.

\* آیه الله (مکارم): در یک جمله حج بر شما و همسران واجب است.

\*\*\* آیات عظام (خوئی)، (تبریزی)، (بهجت): اگر از جهت صرف هزینه حج در ناراحتی و مشقت نشوند واجب است حج بروند.

\* آیه الله سیستانی: در فرض مذکور در سؤال حج بر هر دو واجب است.

\* سؤال: اگر شخصی مستطیع بود و در رفتن به حج مسامحه کرد تا نوبت او از دست رفت، حال که اسم نمی نویسند آیا با واسطه و سفارش در ایران یا خارج از ایران و با صرف مبالغی زیاد، جایز است به حج مشرف شود یا خیر؟ زیرا در غیر این صورت سالها فریضه او تأخیر می افتد و خوف این را دارد که خدای ناکرده از تارکین حج به حساب آید؟

ج- امام خمینی (ره): باید به هر نحو هست و بر خلاف مقررات جمهوری اسلامی نیست به حج مشرف شود(1).

\* آیه الله (بهجت): قبل از استقرار حج استطاعت شرعیه شرط است و بعد از آن استطاعت عقلیه و مقدوریت میزان است البته با مراعات سائر احکام شرعیه(2).

\* آیه الله (تبریزی): باید به هر نحو ممکن مادامی که حرج نبوده و مستلزم ارتکاب حرام نباشد، به حج مشرف شود.

\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): در صورت تمکن اگر چه با صرف مبلغ زیادتر لازم است به حج برود(3).

\* آیه الله (فاضل): اگر حرجی نباشد باید به هر نحو

\* آیه الله (خوئی): اگر حرجی نباشد و نیز متوقف بر ارتکاب حرام اهم یا مساوی نباشد حج واجب است.

آیه الله (غروی): در صورت تمکن از حج ولو با مخالفت قوانین حکومت حج ساقط نمی شود و در صورتی که اسباب حرج یا ضرر فوق العاده نبوده باشد.

ص: 140

1-1 - مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، ص 78، ص 55.

2-2 - مستفاد از کتاب حج، ص 27 و 22.

3-3 - آداب و احکام حج، مسأله 147.

\* سؤال: شخصی قبلاً حج بر او مستقر نشده، اما در موقع ثبت نام جهت حج تمتع مستطیع بوده و ثبت نام نموده، ولی بعداً از نظر مالی محتاج شده و احتیاج به پول سپرده شده در بانک را دارد، بفرمایید می تواند پول را پس بگیرد یا خیر؟ و چنانچه در سال اول یا سالهای بعد قرعه به نام او اصابت کند، فرق دارد یا نه (1)؟

ج- امام خمینی (ره): با فرضی که ذکر شده مستطیع نیست و می تواند پول را بگیرد، و فرق ندارد.

\* آیه الله (خوئی): اگر نفقه لازم باشد و یا از ترک انفاق به حرج بیافتد.

\* آیه الله (تبریزی): اگر در سال اول قرعه به نام او اصابت کند، نمی تواند پول را بگیرد مگر آن که در حرج بیفتد.

\* آیه الله (سیستانی): اگر پول را برای نفقات لازم نیاز داشته و غیر از آن پولی نداشته است.

\* آیه الله (غروی): استطاعت مالی خود را نمی تواند از بین ببرد گر چه در سال اول قرعه به اسمش اصابت نکند و در سال دوم یا سوم اصابت کند.

سؤال: پدرم در سال 1360 برای زیارت خانه خدا مستطیع شد و در سال 1362 جهت زیارت خانه خدا به مکه مشرف شد، ولی بعد از احرام بستن، بین راه سگته و فوت کرد و هیچ گونه عملی را انجام نداد، آیا حج به گردش می باشد یا خیر (2)؟

ج- امام خمینی (ره): اگر بعد از دخول حرم مرده، حج از او ساقط شده است، و اگر قبل از دخول حرم فوت کرده، در صورتی حج واجب نیست که سال اول استطاعت او باشد.

\* آیه الله (سیستانی): ظاهر سؤال این است که حج بر او مستقر بوده است و در این صورت و در فرض سؤال حج از او ساقط نیست و باید از او قضا کنند.

\* آیه الله (مکارم): اگر بعد از احرام فوت کند حج از او ساقط است. خواه در حرم فوت کرده باشد و یا در خارج حرم.

\* آیه الله (بهجت): یعنی سال اول استطاعت شرعی نه فقط مالیه.

\* آیه الله (خوئی): بلکه در این فرض که حج بر ذمه اش مستقر نبوده ولی قبل از احرام یا دخول حرم بمیرد ظاهر قضا از او واجب شود.

ص: 141

---

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، س 79، ص 55.

2-2- همان، س 80، ص 55.

\* سؤال: شخصی دارایی او قریب هفتصد و پنجاه هزار تومان از اصل ملک و خانه که ارث از پدرش به او رسیده می باشد به اضافه این که یک باب منزل مسکونی هم دارد، اکنون که نامبرده در اثر سانحه ای از دنیا رفته است دارای یک همسر و دو بچه صغیر می باشد که معاش آنان از درآمد همین املاک مذکور تأمین می شود، آیا شخص متوفی مستطیع بوده یا خیر؟ و در صورت وجوب حج آیا حج بلدی گرفته شود یا میقاتی کفایت می کند؟ و آیا می شود مخارج حج از کل ترکه پرداخت گردد(1)؟

ج- امام خمینی (ره): چنانچه شخص متوفی در حال حیات خرج رفت و برگشت خود و عیالاتش را داشته و در برگشتن هم درآمد لایق به حال خود و خانواده را داشته و می توانسته به مکه برود و تأخیر انداخته، مستطیع بوده، و چنانچه وصیت نکرده حج میقاتی از اصل ترکه خارج می گردد.

آیه الله سیستانی: بلکه اگر تمکن مالی داشته و توانایی مباشرت اعمال حج را نداشته یا دشوار و با مشقت بوده و در نایب گرفتن تأخیر کرده است حج بر ذمه اش می باشد(2).

\* آیه الله (خوئی): بلکه اگر دارا و ثروتمند بوده و توانایی مباشرت اعمال حج را نداشته یا دشوار و با مشقت بوده و در نایب گرفتن تأخیر کرده حج بر ذمه اش می باشد مگر این که احتمال داده شود در حال حیات در مورد استطاعت خود غافل قاصر بوده که در این صورت لازم نیست برای او حج به جا آورند(3).

\* آیه الله (تبریزی): و هم چنین بنا بر احتیاط اگر ثروتمند بوده و توانایی مباشرت اعمال حج را نداشته یا دشوار بوده و در نایب گرفتن تأخیر کرده، حج بر ذمه اش می باشد.

\* سؤال: شخصی که حج به جا آورده، لکن چون امرار معاش او از وجوه و امثال آن بوده و آن زمان نیز متذکر مسأله مربوط به عدم استطاعت چنین شخصی نشده و گمان کرده که حج واجب خود را انجام داده است، پس از آن و در حال استطاعت قطعی نیابت حج به جا آورده است، آیا حج نیابتی وی صحیح است یا باید پس از انجام حج واجب مستقر خودش، نیابت را تکرار کند(4)؟

ص: 142

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، س 81، ص 56.

2-2- مناسک، مسأله 63.

3-3- مناسک، مسأله 63 و تعلیقه عروه، ج 2، ص 240.

4-4- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، س 82، ص 56.



ج- امام خمینی (ره): چنانچه در وقت انجام حج اولی مستطیع نبوده، با فرض حصول استطاعت در زمان حج ثانی، حج نیابتی باطل است و حج خود را باید انجام دهد، و حج نیابتی را اگر وقت آن موسع بوده بعد از حج خودش انجام دهد، و در غیر این صورت به صاحب پول مراجعه کند.

\* آیه الله خامنه ای، آیه الله مکارم): حج اول صحیح بوده و حج نیابتی او نیز صحیح است.

\* آیه الله (بهجت): با ملاحظه حواشی مسأله 40 که گذشت هر دو حج او صحیح است.

آیه الله (فاضل): در فرض مذکور مستطیع بوده و حج انجام شده حج واجب می باشد و حج نیابتی هم محکوم به صحت است.

\* آیه الله (غروی): به حسب گفته ما که از وجوه شرعی یعنی سهم مبارک امام انسان مستطیع می شود حج نیابتی در فرض سؤال صحیح است (1).

\* سؤال: کسی که واجب الحج بوده از پاکستان عازم حج شد و در مدینه منوره بیمار گردید و در حال بیماری به طرف مکه رهسپار شد و در بیمارستان مکه قبل از حج وفات نمود، تمام دارائیش در وقت فوت، مقداری پول و قطعه زمینی در پاکستان بوده است، با توجه به این که پول موجودش برای نیابت حج او کفایت نمی کند، آیا ورثه اش باید زمین را بفروشند و برایش نایب بگیرند، و یا این که با فوت او حج ساقط می شود (2)؟

ج- امام خمینی (ره): اگر با احرام عمره تمتع داخل مکه شده و پیش از انجام یا اكمال اعمال عمره یا بعد از انجام آن فوت نمود، همان مقدار عمل او مجزی و حج از او ساقط است، ولی اگر بدون احرام عمره وارد مکه شد و در آنجا فوت نمود در صورتی که حج بر او قبلاً مستقر بوده، باید از اصل ترکه او برایش نایب بگیرند. و حج میقاتی کفایت میکند.

\* آیه الله (مکارم): اگر بعد از احرام فوت شده حج از او ساقط است. خواه بعد از دخول حرم و یا قبل از دخول حرم باشد.

ص: 143

---

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، س 82، ص 57.

2-2- همان، س 83، ص 57.

\* سؤال: این جانب در موقع ازدواج یک سفر حج به زوجهام وعده داده ام، آیا ادائش چگونه می باشد(1)

ج- امام خمینی (ره): اگر مجرد وعده بوده است، لازم نیست ادای آن. و اگر مهر قرار داده شده باشد باید به آن عمل کند.

\* آیه الله (سیستانی): به احتیاط واجب باید به آن وفا کنید.

\* آیه الله (مکارم): ولی بدون شک عمل به آن مستحب مؤکد است.

\* آیه الله (مکارم): یا شرط ضمن العقد بوده است.

\*\*آیه الله (خوئی)، آیه الله (تبریزی): اگر شرط ضمن العقد باشد، وفاء واجب است و در غیر آن، تخلف از وعده کراهت شدیده دارد.

آیه الله (بهجت): تنها وعده سفر موجب استطاعت نمی شود ولی بر مرد لازم است که به وعده خود وفا کند اگر هنگام عقد ازدواج به او وعده داده است(2).

\* سؤال: این جانب که به علت کهولت سن و بالا بودن قند خون و امراض دیگر قادر به انجام فریضه حج نمی باشم، آیا می توانم نیابت از طرف خود کسی را حج بفرستم یا خیر(3)؟

ج- امام خمینی (ره): اگر قبلا از جمیع جهات مستطیع بوده اید، و لیکن اقدام بر انجام حج نکرده اید و در نتیجه حج بر شما مستقر شده و فعلا در اثر پیری یا بیماری که امید خوب شدن نباشد تمکن از سفر حج ندارید واجب است کسی را نایب بگیرید تا برای شما حج به جا آورد.

\* آیه الله (بهجت): بر چنین شخصی واجب نیست به حج برود ولی نایب گرفتن بر او واجب است علی الأظهر.

\* سؤال: شخصی پدرش وصیت کرده است که فرزندش از جانب او حج به جا آورد، بعد از مرگ پدر، فرزند مستطیع می شود. آیا لازم است حج خود را بر حج پدر مقدم بدارد، و اگر حج خود را مقدم بدارد آیا صحیح است یا نه(4)؟

ج- امام خمینی (ره): اگر قبل از آن که پسر مستطیع شود، پدر او را اجیر کرده که بعد از فوت

ص: 144

1-1 - مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، س 84، ص 57.

2-2 - مناسک، س 4، ص 161.

3-3 - مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، س 85، ص 58.

4-4 - همان، س 86، ص 58.

او در سال اول حج برای پدر انجام دهد یا نسبت به مدت، مطلق بوده که منصرف به سال اول است و پسر قبل از استطاعت خود اجاره را قبول کرده، لازم است سال اول بعد از فوت پدر حج نیابی برای پدر انجام دهد. و در غیر این صورت باید برای خودش حج کند. و در صورت اول اگر برای خودش حج به جا آورد صحیح است، گر چه در مخالفت اجاره معصیت کرده است. ولی در صورت دوم اگر حج نیابی به جا آورد صحیح نیست، و نه برای خودش واقع می شود و نه برای پدرش، و حج بر خودش مستقر می شود که باید به هر نحو شده در سال بعد اتیان کند و اگر به جا نیاورد در سالهای بعد با مراعات فوراً فوراً انجام دهد. و باید معلوم باشد که مجرد وصیت به حج بدون استیجار فرزند، نیابت را بر او واجب نمیکند هر چند وصیت را قبول کرده باشد. بنا بر این در فرض استطاعت فرزند بعد از فوت پدر باید برای خودش حج به جا آورد و نیابت صحیح نیست(1).

\*\*\* آیات عظام (گلپایگانی)، (خوئی)، (تبریزی)، (صافی): در صورتی که استطاعت او توقف بر قبول استیجار داشته باشد لازم است اول برای پدر حج انجام دهد و الا استطاعت بعد کاشف از بطلان اجاره است.

آیه الله فاضل): هر کدام از دو حج را سال اول انجام دهد، محکوم به صحت است هر چند در بعضی از صور عصیان کرده است.

\* آیه الله (اراکي): در صورتی که استطاعت از مال الاجاره پیدا شده باشد، و الا حج خود را مقدم بدارد.

\* آیه الله (سیستانی): اگر با پول نیابت مستطیع شده باشد. ولی اگر با پول دیگری مانند ارث مستطیع شده باشد، پس اگر مطمئن باشد که سال بعد می تواند حج خود را انجام دهد، اجاره صحیح است و باید در سال اول، حج پدر را انجام دهد و اگر مطمئن نباشد اجاره باطل است و باید حج خود را انجام دهد.

\*\* آیه الله سیستانی): مگر این که مطمئن باشد که سال بعد می تواند حج خود را انجام دهد.

\*\*\* آیه الله سیستانی): اگر اجرت را معین کرده و او در حیات پدر قبول کرده اجاره است، و در صورتی که صحیح باشد باید انجام دهد(2).

ص: 145

1-1- مناسک حج (المحشى للإمام الخميني)، ص 59.

2-2- منهاج الصالحين، ج 2، ص 1449.

\*\*\* آیات عظام (خوئی)، (تبریزی)، (سیستانی): حج نیابی او صحیح است و برای پدرش واقع می شود، ولی نایب اجره المثل را طلبکار است. نه اجره المسمی را.

آیه الله (مکارم): صحیح است ولی بخاطر تأخیر حج خودش معصیت کرده است.

\*\*\* آیه الله (اراکلی)، آیه الله (نوری): اگر در وصیت قید مباشرت شده و فرزند وصیت را قبول کرده، نیابت واجب می شود، و استیجار لازم نیست.

\* آیه الله (مکارم): اگر وصیت کرده خود فرزند به جا آورد و او قبول کرده لازم است عمل کند. بنا بر این استطاعت برای او حاصل نمی شود (1).

\* سؤال: خانم خانه داری که حج بر او واجب شده است و شوهرش اجازه مسافرت به تنهایی را نمی دهد و می گوید چون برای حج اسم مرا ننوشته ای من اجازه نمی دهم، وظیفه اش چیست؟ و آیا بدون اجازه شوهر می تواند به حج برود یا نه (2)؟

ج- امام خمینی (ره): در سفر حج واجب، برای زن اجازه شوهر شرط نیست و زن باید حج واجب خود را به جا آورد ولو این که شوهر او راضی به مسافرت او برای حج نباشد (3).

\* آیه الله (مکارم): ولی بهتر جلب رضایت اوست.

\$ سؤال: شخصی طبق وصیت پدر که پول به حساب سازمان حج واریز کرده است به نیابت او به مکه آمده در حالی که خود فرزند نیز استطاعت مالی داشته است آیا به نیابت پدر حج به جا آورد، یا حج خود را انجام دهد (4)؟

ج- امام خمینی (ره): اگر راه برای پسر باز نبوده و از جهت نوبت پدر و نیابت از او راه برای او باز شده است باید برای پدرش حج کند، مگر آن که تبرعا و بدون اجاره به نیابت پدر آمده باشد، که در این صورت مستطیع شده و باید برای خودش حج به جا آورد، و گذشت که به مجرد وصیت و قبول فرزند، نیابت واجب نمی شود مگر آن که قبل از استطاعت اجیر شود.

\* آیات عظام (تبریزی)، (گلپایگانی)، (صافی): باید برای خود حج به جا آورد و برای پدر نایب بگیرد.

ص: 146

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، س 86، ص 59.

2-2- همان، س 87، ص 59.

3-3- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، ص 60.

4-4- همان، س 88، ص 60.

\* آیه الله سیستانی): در این صورت نیز باید برای پدرش حج کند.

آیه الله (خوئی): در صورتی که وصیت پدر این بوده که او خودش حج نیایی را به جا آورد فتوای ایشان معلوم نیست.

\* آیه الله (اراکي)، آیه الله (نوری): اگر در وصیت قید مباشرت شده و فرزند وصیت را قبول کرده نیابت واجب می شود و استیجار لازم نیست.

آیه الله (مکارم): اگر وصیت را قبول کرده واجب العمل است.

\* آیه الله (سیستانی): و گذشت که اگر اجرت معین شده باشد و او در حیات پدر وصیت را قبول کرده باشد، اجاره است و باید انجام دهد.

\* سؤال: شخصی بجز برای هدی، استطاعت حج را دارا است، آیا حج برای او واجب است (1).

ج- امام خمینی (ره): بلی مستطیع است و پول هدی، جزء استطاعت نیست.

\* آیه الله (خوئی)، آیه الله (فاضل): چنین شخصی مستطیع نیست مگر با تمکن از جمیع مصارف حج و از جمله ثمن هدی (2).

\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): مستطیع نمی شود و پول هدی جزء استطاعت است (3).

\* آیه الله (سیستانی): استطاعت حاصل است و به جای هدی روزه می گیرد.

\* آیه الله (مکارم): زیرا به جای آن روزه می گیرد و چنین کسی عرفاً استطاعت برای حج دارد.

\* آیه الله (تبریزی): در صورتی که بتواند بدون حرج و مشقت بدل هدی روزه بگیرد.

\* آیه الله (غروی): حسب استظهار ما از ادله، ثمن هدی جزء استطاعت می باشد.

\* سؤال: این جانب سال گذشته به حج مشرف شده ام و با توجه به فتوای حضرت عالی که فرموده اید طلابی که به شهریه حوزه نیاز دارند مستطیع نیستند و در صورتی مستطیع می شوند که از وجوه شرعیه مستغنی باشند، لذا این جانب مقدار پولی با افراد ذی حق (پدر و همسایه) مبادله و دست گردان کردم و به عنوان این که نسبت به بنده ذی حق هستند به آنان بخشیدم و ایشان آن را جهت مخارج حج به من برگرداندند، من هم در تمام اعمال و مناسک حج نیت

ص: 147

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، ص 89.

2-2- معتمد، ج 1، ص 183.

3-3- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، ص 89، ص 60.

حجه الاسلام کردم، آیا این حج برای این جانب کفایت از حجه الاسلام می کند یا نه؟ ضمناً لازم به تذکر است که در ثبت نام عمومی سال 1360 پول به حساب ریختم و آن موقع فتوای فوق را ندیده بودم و پولی که دست گردان شده بود جایگزین آن پولی که در حساب واریز کرده بودم قرار گرفت، بفرمایید آیا عین پول مبذول باید هزینه باشد یا بذل آن کافی است(1)؟

ج- امام خمینی (ره): در فرض سؤال احوط آن است که بعداً اگر استطاعت پیدا کردید حج را اعاده نمایید.

\* آیه الله (خامنه ای): این گونه افراد حجشان صحیح و مجزی است.

\* آیه الله (غروی): ظاهر اینست که اعاده لزومی ندارد مگر از بابت استحباب.

\* آیه الله (مکارم): سابقاً گفته شد این گونه افراد از طلاب و غیر طلاب مستطیع هستند و حجشان صحیح و مجزی است.

\* سؤال: شخصی قدرت مسافرت حج را ندارد و از قادر شدن بعد هم مأیوس است و استطاعت مالی هم ندارد، اگر به او بذل نفقه حج نمایند آیا باید قبول کند و نایب بگیرد یا این که قبول واجب نیست، و نیز اگر او را مهمان کنند حج واجب می شود تا استنابه کند یا خیر(2)؟

ج- امام خمینی (ره): در فرض مرقوم حج واجب نیست.

\* آیه الله (خوئی): اگر مالی را به او اباحه کنند به اندازه ای که با آن می تواند حج برود و مجاز در نایب گرفتن هم باشد نایب گرفتن بر او واجب می شود(3).

\* آیه الله (تبریزی): اگر مالی را به او اباحه کنند به اندازه ای که با آن می تواند حج برود و مجاز در نایب گرفتن هم باشد بنا بر احتیاط واجب نایب بگیرد.

\* سؤال: اگر در میقات مستطیع شد و حجه الاسلام به جا آورد، مجزی است یا نه؟ و آیا در فرض مسأله رجوع به کفایت، شرط است یا نه(4)؟

ج- امام خمینی (ره): اگر مستطیع شده، مجزی است، ولی رجوع به کفایت شرط است(5).

\* آیه الله (بهجت): زندگی او از پسر به عسر تغییر نکند.

ص: 148

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، س 90، ص 61.

2-2- همان، س 91، ص 61.

3-3- (مستفاد از مبانی ایشان در بحث استطاعت).

4-4- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، س 92، ص 61.

5-5- همان، جواب س 92، ص 62.

\* آیه الله مکارم): اگر چنانچه انجام حج در این شرایط تأثیر چندانی در وضع و حال او نداشته باشد حج او صحیح است و رجوع به کفایت شرط نیست.

\* آیه الله (تبریزی): مگر برای کسی که اگر آن چه دارد در راه حج خرج کند به حرج نمی افتد.

\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): مگر برای کسی که اگر آن چه دارد در راه حج خرج کند زندگی او قبل و بعد از حج تفاوتی ندارد.

\* سؤال: شخصی که استطاعت رفتن به حج را پیدا کرده، آیا می تواند پول حج را به مصرف لازمی در غیر مئونه خود و افراد واجب النفقه اش خرج کند و خود را از استطاعت بیندازد؟ مثلاً آیا می تواند در شرایط کنونی کشور خرج جبهه کند(1)؟

ج- امام خمینی (ره): مستطیع باید به حج برود، و دادن پول در مصارف مذکور کافی از حج واجب نیست، و اگر خرج کند و از استطاعت بیفتد، باید به هر نحو هست به حج برود.

\* آیه الله (بهجت): هرگاه انسان مالی داشته باشد که کفاف هزینه حج را بدهد می تواند قبل از وقت حرکت قافله آن را در مصارف خود خرج کند، هر چند دیگر نتواند به حج برود. ولی در صورتی که آن مال را نسیه تا زمان بعد از حج بفروشد و منظور فرار از استطاعت باشد، احتیاط این است که اقدام به این عمل نکند(2).

\* سؤال: در مواردی که نهاد یا ارگانی فردی را به حج می فرستد، بدون این که ملزم باشد کاری انجام دهد، آیا از موارد حج بذلی است یا خیر؟ و قبول آن واجب است(3)؟

ج- امام خمینی (ره): با فرض مشروعیت آن بدون تعهد به هیچ کاری، حکم حج بذلی دارد.

\* آیه الله (خوئی): در صورتی که ولایت شرعی بر بذل داشته باشد یا حاکم شرع آن را اجازه نماید.

\* سؤال: مقداری پول دارم که برای رفت و آمد به سفر مکه کافی است، ولی هنوز از طرف دولت جمهوری اسلامی وقتی برای ثبت نام اعلام نشده است، آیا نگهداری آن پول لازم است، و من مستطیع هستم(4)؟

ص: 149

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، جواب س 93، ص 62.

2-2- مناسک، ص 16، مسأله 36.

3-3- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، س 94، ص 62.

4-4- همان، س 95، ص 62.

ج- اگر سایر شرایط را دارید و در همین سال هم ثبت نام می شود، باید ثبت نام کنید. و در غیر این صورت مستطیع نیستید و نگهداری پول لازم نیست(1).

\* آیه الله (خامنه ای): نظر ایشان ذیل مسأله 24 گذشت.

\* آیه الله (سیستانی): اگر احراز کند که در سال بعد واجد شرایط خواهد شد لازم است پول را نگه دارد.

\* آیه الله (تبریزی): در صورتی که فقط از طریق ثبت نام می توانید به حج بروید، چنانچه در این سال ثبت نام می شود و اطمینان دارید با ثبت نام می توانید در همین سال به حج بروید، باید ثبت نام کنید و به حج بروید، و هم چنین اگر توانایی رفتن به حج از طریق آزاد را دارید، مستطیع هستید و باید به حج بروید، و در غیر این دو صورت مستطیع نیستید و نگهداری پول لازم نیست.

\* آیه الله (صافی): اگر اصل اعلام وقت و اجازه از طرف دولت معلوم نباشد نگهداری آن لازم نیست و اگر ثبت نام برای حج در امسال معلوم باشد هر چند تاریخ آن هنوز معین نشده باشد جواز صرف آن در راه دیگر محل تأمل است.

\* آیه الله (غروی): اگر بتواند از راه دیگری به مکه رود مثل سفر به کشورهای دیگر و از آنجا به حج می توان رفت مستطیع بوده و نگهداری پول لازم است و لو برای سال دیگر. (تفصیل این مسأله در ذیل مسأله 23 گذشت).

\* سؤال: همسر شهیدی که دارای دو بچه چهار ساله می باشد و عملاً سرپرستی این دو بچه را دارد و به عنوان خانواده شهید قرعه حج هم به نام او در آمده است آیا مشار إليها می تواند مخارج را از مال این دو صغیر بر دارد و مناسک حج را انجام دهد یا خیر(2)؟

ج- امام خمینی (ره): نمی تواند مصارف حج را از اموال صغیر بردارد.

\* سؤال: کسی که چهار پسر دارد و زن برای همه شان گرفته است، و خرج سالانه خود را هم دارد و قرض هم ندارد، و با پسرانش درآمدشان یک جا است الان خرج دو نفر را دارند که به حج بروند، آیا حج واجب است یا نه، و اگر واجب شده است آیا تنها بر پدر واجب شده یا بر پسر هم واجب شده است، و اگر بر پسر هم واجب شده است کدامشان حق اولویت را دارند(3)؟

ص: 150

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، س 95، ص 63.

2-2- همان، س 96، ص 63.

3-3- همو، س 97، ص 63.



ج- امام خمینی (ره): کسی که از مال خودش به مقدار حج دارد و می تواند به مکه برود و بعد از برگشت زندگانی لایق شأنش را داشته باشد مستطیع است و باید حج برود.

\* آیه الله (غروی): در فرض سؤال به دو نفر آنها حج واجب است و اولویتی در بین نیست و هر کدام را بفرستند حجتش صحیح است با ملاحظه رجوع به کفاف.

\* آیه الله (بهجت): چون پنج نفر شریک و مالک این درآمد هستند بر هیچ کدام واجب نیست (1).

\* آیه الله (مکارم): یعنی اگر فرضاً مال مزبور را تقسیم کنند و حق هر کدام را بدهند، هر کدام مستطیع است باید حج برود و اگر هیچ کدام مستطیع نمی شوند بعضی می توانند حق خود را به دیگری واگذار کنند تا مستطیع شود.

\*\*آیه الله (خوئی)، آیه الله (تبریزی): اگر پس از برگشت در زندگی به حرج نمی افتد حج بر او واجب است.

\* سؤال: کسی که واجد شرایط حج باشد و نوه ای دارد که شرعاً و عرفاً به زن احتیاج دارد که اگر زن نگیرد به حرام می افتد، آیا کدام مقدم است و وظیفه پدر بزرگ چیست، ازدواج برای نوه اش یا حج (2)؟

ج- امام خمینی (ره): حج خودش مقدم است مگر این که ازدواج نوه از مخارج عرفی او محسوب شود و نتواند هم برای او ازدواج کند و هم به مکه برود.

\* آیه الله (غروی): مگر در صورتی که ترک ازدواج نوه اش برایش حرجی باشد.

\* آیه الله (گلپایگانی): مخارج ازدواج نوه از نفقات واجبه بر پدر بزرگ نیست و اگر مستطیع است باید به حج برود.

آیه الله (صافی): اگر عرف مخارج ازدواج نوه به عهده پدر بزرگ باشد که ترک اداء آن حرجی باشد عدم حصول استطاعت بعید نیست.

\*\*آیه الله (خوئی)، آیه الله (تبریزی): و ترک آن بر پدر بزرگ مستلزم وقوع در حرج باشد.

آیه الله (سیستانی): اگر صرف مال در حج و ترک تزویج نوه برای او (پدر بزرگ) حرجی باشد، حج واجب نیست و گرنه واجب است (3).

ص: 151

1-1- مستفاد از سؤال 6 مناسک

2-2- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، س 98، ص 64

3-3- ملحق مناسک، س 12.

\* سؤال: این جانب با داشتن استطاعت مالی و هفتاد و دو سال سن، چون معتاد به خوردن تریاک هستم طبق مقررات کشوری، اداره بهداشت از رفتن حج جلوگیری می کند، از نظر شرع تکلیف حج چیست(1)؟

ج- امام خمینی (ره): اگر قبلاً مستطیع بوده اید و با امکان، حج نرفته اید حج بر شما مستقر شده است، و اگر قبلاً استطاعت نداشته اید در فرض مذکور مستطیع نیستید، مگر آن که بتوانید ولو با ترک تریاک، تحصیل اجازه کنید و به مکه بروید.

\* آیه الله (مکارم): و اگر مأیوس از ترک اعتیاد هستید باید نایب بگیرید.

\* آیه الله (تبریزی): محل تعلیقه آخر عبارت است و اگر نتوانید بنا بر احتیاط باید نایب بگیرید.

\* آیه الله (غروی): بلکه در فرض سؤال مستطیع می شود اگر بتواند به خارج از کشور مسافرت و از آنجا به حج رود.

\* سؤال: آیا از منافع خمس و زکات، کسی مستطیع می شود یا نه، و آیا خمس و زکات جزء ترکه میت است یا نه(2)

ج- امام خمینی (ره): چنانچه به عنوان مصرف از طرف ولی امر به او داده شده، مالک شده و جزو ترکه او محسوب است، و از منافع آن هم با وجود سایر شرایط مستطیع می شود(3).

\* آیه الله (تبریزی): کسی که در زمان اخذ زکات و سهم سادات مستحق آن باشد، آن را مالک می شود و جزء ترکه او حساب می شود. و اگر با آن کسب کند و از راه کسب یا نماء منافی داشته باشد، با وجود سائر شرایط مستطیع می شود و در سهم امام علیه السلام چنانچه عین آن باقی باشد، ملک گیرنده نیست و جزء ترکه او حساب نمی شود، و اگر با آن چیزی را خریده و با سهم امام علیه السلام ثمن آن را اداء کرده، آن چه را که خریده مالک می شود و احکام ملک بر آن بار می شود.

\* آیه الله (خوئی): عین سهم امام که به اهل علم برای ارتزاق داده می شود ملک آنها نیست.

آیه الله (سیستانی): در مورد سهم امام علیه السلام اگر فقط مجاز در تصرف باشد مالک نمی شود و جزء ترکه نیست و موجب استطاعت نمی باشد و اگر از سوی حاکم شرع تملیک شده

ص: 152

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، س 99، ص 64.

2-2- همان، س 100، ص 64.

3-3- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، ص 65.

باشد جزء ترکه است و موجب استطاعت و اما سهم سادات و زکات اگر مستحق بوده مالک است و جزء ترکه است و موجب استطاعت

\* سؤال: هرگاه کسی سرمایه یا ابزار کار دارد که اگر مقداری از آن را بفروشد می تواند با آن زندگی کند بدون زحمت، و با تفاوت آن قادر بر حج است آیا این شخص مستطیع است(1)؟

ج- امام خمینی (ره): با وجود سایر شرایط، مستطیع است.

آیه الله (مکارم): در صورتی که فروختن آن مخالف شئون او نباشد.

\* سؤال: شخصی باغی دارد که چند سال است درآمدی نداشته، اما از نظر قیمت برای سفر حج کافی بوده، صاحب باغ عرفا اطمینان دارد وقتی باغ ثمر بدهد او هم از کار افتاده خواهد شد و باید از درآمد باغ امرار معاش نماید، آیا این شخص مستطیع است(2)

ج- امام خمینی (ره): اگر تمکن از امرار معاش بغیر از درآمد آن باغ نداشته باشد مستطیع نیست.

\* آیه الله (مکارم): اگر در حال حاضر و پس از بازگشت زندگی او از طریق دیگر تأمین می شود حج بر او واجب است.

\* سؤال: شخصی که بعد از عمره تمتع دیوانه شده، آیا لازم است که او را برای حج محرم کنند و وظیفه چیست(3)

ج- امام خمینی (ره): لازم نیست و بر دیوانه تکلیفی نیست.

\* آیه الله (بهجت): و تکلیف ولی او برای احرام غیر لزومی است.

\* سؤال: اگر دختر بچه سه ساله را مادرش در سفر مکه معظمه همراه ببرد، و در میقات نیت احرام و تلبیه را از جانب دخترش انجام بدهد، و در طواف عمره و سعی بین صفا و مروه و طواف زیارت و طواف نساء و وقوف عرفات و شعر و منا، مادر از طرف دختر نیت نموده و خود دختر را طواف و سعی و توقف بدهد و آن چه از اعمال حج که دختر قادر نیست مادرش از جانب او انجام دهد، آیا آن دختر بعد از بلوغ و رشد می تواند شوهر نماید یا خیر(4)

ص: 153

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، س 101، ص 65.

2-2- همان، س 102، ص 65.

3-3- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، س 103، ص 65.

4-4- همان، س 104، ص 65 و 66.

ج- امام خمینی (ره): با فرض این که تمام اعمال را مطابق وظیفه انجام داده اند از احرام خارج شده و می تواند شوهر کند.

\* سؤال: اگر اطفال غیر ممیز - پسر یا دختر را پدر و یا مادر در سفر مکه معظمه همراه ببرند آیا واجب است که پدر یا مادر در صورت تمکن اطفال، خود اطفال را وادار به انجام اعمال حج و عمره و طواف نساء نمایند و یا خود پدر و مادر و یا نایب ایشان اعمال عمره و حج و طواف نساء را از جانب اطفال به جا آورند، و اگر هیچ کدام کارهای مذکور فوق را پدر و مادر و اطفال عملی نکنند آیا این اطفال بعد از بلوغ و رشد می توانند ازدواج کنند و یا باید به مکه بروند و عمره و حج و طواف نساء را انجام دهند و بعد ازدواج نمایند، و یا تنها طواف نساء بر گردن آنان است (1)؟

ج- امام خمینی (ره): بر ولی طفل واجب نیست او را محرم کند یا از طرف او حج انجام دهد، ولی اگر او را محرم کرد باید وظائف و اعمال را مطابق وظیفه ای که در مناسک و در رساله ذکر شده است انجام دهند، و گرنه در بعض صور طفل در احرام باقی می ماند و تا تدارک نکنند نمی تواند ازدواج نماید.

\* سؤال: اولاً با وجود دین چه مقدار پول برای استطاعت کافی است؟ و ثانیاً در صورتی که پول باشد لیکن به علت بیماری قلب، مقامات پزشکی سازمان حج و زیارت تشریف را خالی از خطر ندانسته و تجویز ننمایند، آیا بایستی یک نفر برای انجام حج اعزام گردد (2)؟

ج- امام خمینی (ره): شما اگر قبل از آن که استطاعت پیدا کنید مریض شده اید که قدرت رفتن به مکه را از جهت مرض نداشته اید، مستطیع نشده اید و نایب گرفتن لازم نیست، و نیز استطاعت مالی در صورتی موجود است که پول به مقدار رفتن و برگشتن داشته باشید و پس از برگشت، امکان پرداخت دین به سهولت برای شما باشد (3).

\* مسائلی در حج استحبابی

- امام خمینی (ره): مستحب است کسی که شرایط و جوب حج را ندارد از بلوغ و استطاعت و غیر آنها، در

ص: 154

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، س 105، ص 66.

2-2- همان، س 106، ص 65.

3-3- همو، س 106، ص 66 و 67.

صورت امکان حج به جا آورد و هم چنین بر کسی که حج واجبش را انجام داده است مستحب است دو مرتبه به حج برود و مستحب است تکرار حج در هر سال. بلکه مکروه است پنج سال متوالی آن را ترک کند و مستحب است در وقت خارج شدن از مکه نیت برگشتن نماید و مکروه است قصد برگشتن داشته باشد(1).

\* آیه الله (مکارم): ولی اگر انجام حج های مستحبی پی در پی سبب محرومیت انجام دهندگان حج واجب شود بهتر است مجال را به آنها بدهند.

- امام خمینی (ره):

مستحب است از طرف خویشاوندان یا غیر آنها حج به جا آورد تبرعا، چه زنده باشند یا مرده و هم چنین از طرف معصومین، و نیز طواف از طرف آنها و غیر آنها مستحب است بشرط آن که در مکه نباشند یا معذور باشند(2).

\* آیه الله (فاضل): استحباب و مشروعیت طواف مستحبی برای حاضر در مکه هر چند معذور باشد ثابت نشده است.

- امام خمینی (ره):

کسی که زاد و راحله ندارد مستحب است قرض کند و به حج برود در صورتی که می تواند قرض را اداء کند(3).

\* با مال حرام جایز نیست به حج برود و اگر مال او مشتبه است و علم به حرمت آن ندارد، می تواند آن را صرف کند(4).

\* آیه الله (مکارم): بشرط آن که از نظر ظاهر محکوم به حلال بودن باشد.

- امام خمینی (ره):

بعد از فارغ شدن از حج استحبایی می تواند ثواب آن را به دیگری هدیه کند هم چنان که در وقت شروع می تواند آن را نیت کند(5).

ص: 155

---

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، مسأله 165، ص 94.

2-2- همان، مسأله 166.

3-3- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، مسأله 167، ص 94.

4-4- همان، مسأله 168.

5-5- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، مسأله 169.

- امام خمینی (ره):

- کسی که مال ندارد تا با آن حج به جا آورد مستحب است ولو با اجاره دادن خودش و نیابت از دیگری به حج برود(1).

### اقسام عمره

- امام خمینی (ره):

عمره هم مانند حج دو قسم است: واجب و مستحب. و بر کسی که شرایط استطاعت را داشته باشد یک مرتبه در عمر واجب می شود، و وجوب آن مانند حج فوری است و در وجوب آن استطاعت حج معتبر نیست بلکه اگر برای عمره مستطیع باشد واجب می شود، هر چند برای حج مستطیع نباشد هم چنان که عکس این هم همین طور است که اگر شخص برای حج استطاعت داشته باشد و برای عمره مستطیع نباشد باید حج به جا آورد لکن باید معلوم باشد که برای کسانی که از مکه دور هستند مثل ایرانیان که وظیفه آنها حج تمتع است هیچ گاه استطاعت حج از استطاعت عمره و استطاعت عمره از استطاعت حج جدا نیست، چون حج تمتع مرکب از هر دو عمل است بخلاف کسانی که در مکه یا قریب به آن هستند که وظیفه آنها حج و عمره مفرده است که نسبت به آنها استطاعت برای یکی از دو عمل تصور می شود(2).

\* آیه الله مکارم: بنا بر احتیاط واجب برای کسانی که اهل مکه هستند یا دور از آن.

\* آیه الله (سیستانی): ولی اگر وظیفه آنها بدل به حج افراد شد واجب است در صورت تمکن بعد از آن عمره مفرده انجام دهند و اگر در آن سال نشد در سال بعد وجوب آن فوری است.

- امام خمینی (ره):

واجب است بر کسی که می خواهد داخل مکه شود با احرام وارد شود و برای احرام باید نیت عمره یا حج داشته باشد و اگر وقت حج نیست و می خواهد وارد مکه شود واجب است عمره مفرده انجام دهد و از این حکم کسانی که مقتضای شغلشان این است که زیاد وارد مکه می شوند و از آن خارج می شوند استثناء شده است(3).

ص: 156

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، مسأله 170، ص 94.

2-2- همان، مسأله 171، ص 95.

3-3- همو، مسأله 172.

\* آیه الله (سیستانی): ورود به مکه بلکه در حرم بدون احرام جایز نیست(1).

\*\*\*\* آیات عظام (خامنه ای)، (مکارم)، (گلپایگانی)، (صافی): هم چنین در مورد کسانی که در همان ماه عمره را به جا آورده اند خارج شده و سپس در همان ماه داخل می شوند احرام و عمره مجدد واجب نیست.

آیه الله سیستانی، آیه الله (فاضل): و هم چنین کسانی که پس از اعمال حج یا عمره مفرده از مکه خارج شوند و در همان ماه بازگردند.

آیه الله (بهجت): و هم چنین کسی که بعد از تمام نمودن اعمال حج یا بعد از عمره مفرده از مکه خارج شده و بیرون رفته باشد چنین شخصی می تواند در همان ماه خروج بدون گذشتن سی روز بدون احرام وارد مکه شود(2).

## احکام عمره

### مسأله 1:

همان طوری که حج از واجبات است با شرایطی که گذشت، عمره مفرده نیز با آن شرایط واجب است در عمر یک مرتبه، و وجوبش فوری است.

### مسأله 2:

شرط نیست در وجوب عمره آن که استطاعت برای حج داشته باشد، بلکه اگر استطاعت برای عمره داشته باشد واجب می شود گر چه استطاعت حج نداشته باشد، چنانچه اگر استطاعت برای حج داشته باشد و برای عمره نداشته باشد، حج واجب می شود.

### مسأله 3:

عمره تمتع که جزء اول حج تمتع است از عمره مفرده که ذکر شد کفایت میکند، پس کسی که عمره تمتع را به جا آورد واجب نیست بر او که عمره مفرده به جا آورد(3).

ص: 157

---

1-1- مناسک، مسأله 141.

2-2- مناسک شیخ، ص 90.

3-3- نجاه العباد (للامام الخميني)، ص 220.

کسی که وظیفه اش حج تمتع است لکن استطاعت حج تمتع ندارد و استطاعت عمره تمتع را دارد، مثل اجیری که برای حج تمتع به مکه رفته است واجب نیست بر او که عمره مفرده به جا آورد، بعد از آن که از عمل نیابت فارغ شد؛ گر چه استطاعت برای عمره مفرده داشته باشد در مکه که هست، لکن احتیاط آن است که به جا آورد(1).

- امام خمینی (ره):

تکرار عمره مانند تکرار حج مستحب است و در مقدار فاصله بین دو عمره اختلاف فرموده اند و احوط آن است که در کمتر از یک ماه بقصد رجاء به جا آورده شود(2).

\* آیه الله سیستانی: ورود به مکه بلکه در حرم بدون احرام جایز نیست(3).

\*\*\*\* آیات عظام (خامنه ای)، (مکارم)، (گلپایگانی)، (صافی): هم چنین در مورد کسانی که در همان ماه عمره را به جا آورده اند خارج شده و سپس در همان ماه داخل می شوند احرام و عمره مجدد واجب نیست.

\*\* آیه الله سیستانی، آیه الله (فاضل): و هم چنین کسانی که پس از اعمال حج یا عمره مفرده از مکه خارج شوند و در همان ماه بازگردند.

\* آیه الله (بهجت): و هم چنین کسی که بعد از تمام نمودن اعمال حج یا بعد از عمره مفرده از مکه خارج شده و بیرون رفته باشد چنین شخصی می تواند در همان ماه خروج بدون گذشتن سی روز بدون احرام وارد مکه شود(4).

### اقسام حج

حج سه قسم است: تمتع و قران و افراد. تمتع وظیفه کسانی است که چهل و هشت میل که شانزده فرسخ است از مکه دور باشند. قران و افراد بر غیر آنها واجب می شود و این تفصیل در حجه الاسلام است(5).

ص: 158

1-1- نجاه العباد (للإمام الخميني)، ص 221.

2-2- مناسک حج (المحشى للإمام الخميني)، مسأله 173، ص 96.

3-3- مناسک، مسأله 141.

4- مناسک شیخ، ص 90.

5-5- مناسک حج (المحشى للإمام الخميني)، ص 97.



\*\*\*\* آیات عظام (خوئی)، (سیستانی)، (فاضل)، (مکارم) (با اختلاف در تعبیر): فاصله یک ماه شرط نیست، بلکه در هر ماه قمری می توان یک عمره انجام داد. مثلاً یک عمره در آخر ماه رجب و عمره دوم در اول ماه شعبان واقع گردد. و تفصیل مسأله خواهد آمد.

\* آیه الله (تبریزی): در اعتبار فاصله بین عمره تمتع و عمره مفرده اگر به نیت یک شخص باشد احتیاط ترک نشود.

\* آیه الله (خامنه ای): فاصله معینی بین دو عمره شرط نیست ولی بنا بر احتیاط در هر ماه فقط یک عمره برای خود می تواند به جا آورد ولی آوردن عمره برای غیر خود هر نفر یک عمره جایز است.

\* آیه الله (اراکلی): و احوط آن است که در کمتر از 10 روز به قصد رجاء آورد.

\* آیه الله (گلپایگانی): فاصله انداختن بین دو عمره مفرده لازم نیست. بلکه می توان در یک روز چندین عمره مفرده به جا آورد.

\* آیه الله (نوری): می تواند هر روز یک عمره به جا آورد.

آیه الله (بهجت): فاصله بین دو عمره لازم نیست بنا بر اظهر اگرچه افضل در عمره ثانیه این است که در ماه دیگری غیر از ماه عمره سابقه باشد و یا فاصله ده روز بین دو احرام باشد، بلکه احد الفصلین احوط است و چنانچه بخواهد، یک عمره برای خود و یک عمره برای دیگری به جا آورد فاصله یک ماه لازم نیست و هم چنین است، اگر هر دو عمره برای دیگری باشد، هم چنان که فاصله بین عمره تمتع و عمره مفرده و بالعکس لازم نیست (1).

### فاصله بین عمره تمتع با عمره مفرده

اما در فاصله بین عمره تمتع با عمره مفرده نظر آیات عظام چنین است:

\* آیه الله گلپایگانی: انجام دو عمره پی در پی با فاصله کمتر از ده روز مکروه است و احوط ترک آن است اگر چه اقوی جواز عمل عبادی مکروه است (2).

\*\*\*\* آیات عظام (اراکلی)، (خوئی)، (تبریزی)، (فاضل): کسی که می خواهد حج تمتع به

ص: 159

1-1- مناسک، مسأله 134.

2-2- آداب و احکام حج، مسأله 1003.

جا آورد می تواند قبل از عمره تمتع و یا بعد از حج تمتع عمره مفرده به جا آورد و بین این دو عمره فاصله معتبر نیست.

\* آیه الله (سیستانی): در اعتبار فاصله بین عمره تمتع و عمره مفرده اشکال است و احتیاط نباید ترک شود و اما انجام عمره مفرده بین عمره تمتع و حج، موجب بطلان عمره تمتع می شود.

\* آیه الله (مکارم): یا بیشتر یعنی حدود 86 کیلومتر.

\*\*\* آیه الله (خوئی)، آیه الله (تبریزی): از مسجد الحرام 16 فرسخ دور باشد.

### صور متصور در حج افراد و عمره مفرده

- امام خمینی (ره): صورت حج افراد که گاهی مورد ابتلای متمتع می شود از این قرار است که:

زن حائض یا کسی که به واسطه ضیق وقت نمی تواند عمره تمتع را به جا آورد باید قصد کند حج افراد را، و به همان احرام عمره تمتع که عدول به افراد کرده برود به عرفات و مثل سایر حجاج وقوف کند، بعد از آن برود به شعر و وقوف کند، بعد برود به منا و اعمال منا را به جا آورد مگر هدی را که واجب نیست بر او، بعد برود به مکه و طواف زیارت و نماز و سعی و طواف نساء و نماز آن را به جا آورد، پس در این وقت از احرام خارج می شود، بعد از آن برگردد به منا برای بیتوته و اعمال ایام تشریق به همان نحو که سایر حجاج به جا می آورند، پس صورت حج افراد عین صورت حج تمتع است با یک فرق که در حج تمتع هدی باید ذبح کند و در حج افراد واجب نیست ولی استحباب دارد که باید کسی که حج تمتع او بدل به حج افراد شد بعد از حج به جا آورد (آیه الله سیستانی): در صورت تمکن» (1).

\*\* آیه الله (تبریزی)، آیه الله سیستانی): حج افراد با حج تمتع در تمام اعمال مشترک هستند و در 6 جهت با هم فرق دارند (2).

- امام خمینی (ره):

آن است که خارج شود به ادنی الحل، و افضل آن است که از «جعرانه» یا «حدیبیه» یا «تعیم» که از همه نزدیکتر به مکه است محرم شود، و باید به مکه و طواف کند و نماز آن را

ص: 160

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، مسأله 174، ص 97.

2-2- تفصیل آن در مسأله 158 مناسک آیه الله تبریزی و مسأله 150 مناسک آیه الله سیستانی) بیان شده است.

بخواند و سعی بین صفا و مروه بکند و تقصیر کند یا سر تراشد و طواف نساء به جا آورد و نماز طواف بخواند(1).

### فرق های بین عمره مفرده و تمتع

- امام خمینی (ره): بین عمره مفرده و تمتع فرقی نمی باشد؛ مگر در سه چیز(2):

اول - آن که در عمره تمتع باید تقصیر کند، یعنی از مو یا ناخن خود باید بگیرد، و سر تراشیدن جایز نیست و در عمره مفرده مخیر است بین سر تراشیدن و تقصیر.

\* آیه الله (فاضل): مجزی نیست.

\* آیه الله (بهجت): با افضلیت حلق(3).

دوم - آن که در عمره تمتع طواف نساء ندارد و در عمره مفرده دارد. سوم - آن که میقات عمره تمتع یکی از مواقیع پنجگانه است که ذکر آن می آید. و میقات عمره مفرده ادنی الحل است و جایز است از یکی از مواقیع پنجگانه محرم شود.

\*\*\* آیات عظام (خوئی)، (سیستانی)، (تبریزی): احرام بستن برای عمره مفرده باید از همان مواقیع عمره تمتع باشد و اگر مکلف در مکه باشد و بخواهد عمره مفرده به جا آورد جایز است از حرم خارج شده و احرام ببندد و واجب نیست به یکی از مواقیع عمره تمتع برود و بهتر است که احرامش از یکی از این 3 محل باشد: حدیبیه، جعرانه، تنعیم.

- امام خمینی (ره):

کیفیت أفعال حج افراد از احرام و وقوفین و اعمال منا و اعمال مکه عین کیفیت حج تمتع است، و در احکام مشترک هستند، و کیفیت افعال عمره تمتع از احرام و طواف و سایر اعمال عین کیفیت عمره مفرده است(4).

- امام خمینی (ره): عمره تمتع را اگر کسی به جا بیاورد کافی است از عمره مفرده.

ص: 161

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، مسأله 175، ص 97.

2-2- همان، مسأله 176، ص 98.

3-3- مناسک شیخ، ص 89.

4-4- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، مسأله 177، ص 98.

- امام خمینی (ره):

کسی که وظیفه اش حج تمتع است مثل اشخاصی که از مکه شانزده فرسنگ شرعی دور باشند اگر استطاعت برای عمره داشته باشند و برای حج نداشته باشند عمره مفرده بر آنها واجب نیست مثل اشخاصی که به نیابت، حج میکنند، گر چه احتیاط آن است که به جا آورد(1).

\* آیه الله (مکارم): این احتیاط واجب است .

- امام خمینی (ره):

کسی که محرم شد به احرام عمره مفرده حرام می شود بر او جمیع چیزهایی که در احرام تمتع گفته شد و بعد از آن که تقصیر کرد یا سر تراشید همه چیز بر او حلال می شود مگر زنها و بعد از آن که طواف نساء را با نمازش به جا آورد زن هم بر او حلال می شود(2).

- امام خمینی (ره): طواف نساء را در عمره مفرده باید بعد از تقصیر یا سر تراشی به جا آورد(3).

\* آیه الله (بهجت): در عمره مفرده تقدیم طواف نساء بر تقصیر در صورت ضرورت یا نسیان یا جهل مجزی است(4).

- امام خمینی (ره):

کسی که به احرام عمره مفرده وارد مکه شد اگر احرامش در ماههای حج بوده جایز است که آن را عمره تمتع قرار دهد و دنبال آن حج تمتع به جا آورد و در این صورت هدی بر او واجب می شود(5).

\* آیه الله (تبریزی): تا وقت حج در مکه باقی ماند.

\* آیه الله سیستانی: اگر عمره مفرده را در ماههای حج انجام دهد و در مکه تا روز هشتم ذی الحججه بماند و قصد حج کند عمره او عمره تمتع به حساب می آید.

ص: 162

---

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 179.

2-2- همان، مسأله 180.

3-3- همو، مسأله 181.

4-4- مناسک، س 166.

5-5- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 182، ص 99.

## اختصاری بر انجام حج تمتع

بدان که حج تمتع مرکب است از دو عمل: یکی عمره تمتع، و دیگری حج تمتع و عمره تمتع مقدم است بر حج.

و عمره تمتع مرکب است از پنج جزء: اول - حرام. دوم - طواف کعبه. سوم - نماز طواف چهارم - سعی بین کوه صفا و مروه.

پنجم - تقصیر، یعنی گرفتن قدری از مویا ناخن. و چون محرم از این اعمال فارغ شد آن چه بر او به واسطه احرام بستن حرام شده بود حلال می شود.

\*\*\* آیه الله سیستانی، آیه الله مکارم): احتیاط آن است که تنها به گرفتن ناخن قناعت نکند.

\*\*\* آیه الله (خوئی)، آیه الله (تبریزی): بجز تراشیدن سر، و اما سر تراشیدن تفصیلی دارد که از این قرار است: هرگاه عمره تمتع در ماه شوال به جا آورده شود سر تراشیدن تاسی روز از عید فطر گذشته جایز است و اما بعد از آن احتیاط این است که سر تراشیده نشود و چنانچه تراشیده شد و از روی علم و عمد بود احتیاط این است که یک گوسفند کفاره داده شود.

\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): ولی تراشیدن سر جایز نیست و اگر سر بترشد باید یک گوسفند کفاره بدهد بنا بر احتیاط هر چند جاهل یا ناسی باشد.

## حج تمتع

- امام خمینی (ره): و حج تمتع مرکب است از سیزده عمل: اول - احرام بستن در مکه. دوم - وقوف به عرفات. سوم - وقوف به مشعر الحرام. چهارم - انداختن سنگ ریزه به جمره عقبه در منا.

ص: 163

پنجم - قربانی در منا. ششم - تراشیدن سر یا تقصیر کردن در منا. هفتم - طواف زیارت در مکه. هشتم - دو رکعت نماز طواف. نهم - سعی بین صفا و مروه. دهم - طواف نساء. یازدهم - دو رکعت نماز طواف نساء. دوازدهم - ماندن به منا، شب یازدهم و شب دوازدهم و شب سیزدهم برای بعضی از اشخاص.

سیزدهم - در روز یازدهم و دوازدهم رمی جمرات، و اشخاصی که شب سیزدهم در منا ماندند روز سیزدهم باید رمی جمرات کنند(1).

\*\*\*\* آیات عظام (خوئی)، (مکارم)، (سیستانی)، (تبریزی): بنا بر احتیاط .

- امام خمینی (ره):

لازم نیست مکلف این اعمال را قبل از ورود به عمره و حج بداند و لو اجمالا، و کافی است که نیت کند عمره تمتع را، یعنی عبادتی را که خداوند بر او واجب کرده، و همین طور حج تمتع را به نحوی که واجب است بر او، و کیفیت و تفصیل هر یک را از رساله در وقت عمل یاد بگیرد و عمل کند، ولی یاد گرفتن اجمالی آن بهتر و موافق احتیاط است(2).

### استفتاءات اقسام عمره و حج

\* سؤال: شخصی در اثناء عمره مفرده، در شوط پنجم سعی، مریض شده و نتوانسته است عمره را تمام کند، او را به ایران برده اند و بعد از بهبودی هم نتوانسته به مکه بیاید فعلا وظیفه او چیست؟ توضیح آن که کسی نایب شده که وظیفه او را انجام دهد و عملی را که وظیفه او است و او را از احرام خارج می کند به جا آورد(3).

ص: 164

1- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، ص: 100

2- همان، س 183، ص 100.

3- 3- همو، س 184.

- امام خمینی (ره):

با فرض این که خود شخص نمی تواند مراجعت کند، نایب برای خروج منوب عنه از احرام، سعی را تمام کند و آن را اعاده نماید و به منوب عنه خبر دهد که تقصیر نماید و بعد از تقصیر برای طواف نساء نایب بگیرد، و توضیح آن که مسأله از موارد حصر نیست، چون شخص مریض فعلا خوب شده و این که نمی تواند به مکه بیاید از جهت مرض نیست (1).

\* آیه الله (تبریزی): احتیاطا سعی را تمام کند... \* آیه الله سیستانی، آیه الله (خوئی): اعاده کافی است.

\* آیه الله (سیستانی): ولی نماز طواف را باید خودش بعد از طواف نایب بخواند.

\* سؤال: کسی عمره مفرده به جا آورده و بدون انجام طواف نساء به مدینه آمده است، فعلا می خواهد برای عمره تمتع محرم شود، آیا جایز است بدون انجام طواف نساء محرم شود و بعد از انجام عمره تمتع، طواف نساء را به جا آورد (2).

- امام خمینی (ره): مانع ندارد.

\* آیه الله (فاضل): احتیاطا آن است که طواف نساء عمره مفرده یا حج تمتع را انجام نداده برای عمره تمتع یا عمره مفرده محرم نشود هر چند اگر قبل از انجام طواف نساء محرم به عمره و حج شد باطل نیست. ولی پس از اتمام آنها طواف نساء را بنا بر احتیاط انجام دهد.

\*\* آیه الله (نوری)، آیه الله (اراکلی): و هم چنین کسی که پس از انجام حج تمتع طواف نساء را ترک کرده، می تواند برای عمره مفرده محرم شود.

\* آیه الله (تبریزی): صحت احرام جدید قبل از طواف نساء عمره مفرده محل اشکال است.

\* سؤال: اگر فاصله بین دو عمره کمتر از یک ماه باشد فرموده اید باید عمره دوم را بقصد رجاء به جا آورد، آیا فرقی هست بین دو عمره مفرده از خود شخص و بین دو عمره مفرده ای که هر دو یا یکی از آنها به نیابت از دیگران باشد یا نه (3).

ص: 165

---

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، ص 101.

2-2- همان، س 185، ص 101.

3-3- همو، س 186، ص 101.

- امام خمینی (ره): فرق نمیکند.

\* آیه الله (بهجت): در این مسأله و دو مسأله بعدی به حاشیه مسأله 173 مراجعه شود. و حکم اجرت هم از آن معلوم می شود.

\*\*\*\*\* آیات عظام (خوئی)، (سیستانی)، (تبریزی)، (فاضل)، (صافی): در یک ماه قمری نمی تواند دو عمره برای خود و یا یک نفر دیگر انجام دهد. ولی انجام دو عمره یکی برای خود و یکی برای دیگری و یا دو عمره برای دو نفر متفاوت جایز است.

\* آیه الله (گلپایگانی): فاصله بین دو عمره شرط نیست.

آیه الله (اراکي): اگر عمره به نیابت از دیگری باشد رعایت فاصله لازم نیست. سؤال: این که حضرت عالی فرموده اید: اگر فاصله میان دو عمره کمتر از یک ماه باشد، عمره دوم رجاء قصد شود، مقصود یک ماه است یا سی روز کامل (1)

- امام خمینی (ره):

میزان یک ماه است، و اگر در بین ماه عمره به جا آورده، احتیاط مذکور را تا سی روز مراعات کنند.

\* آیه الله (مکارم): بلکه میزان این است که در هر یک از ماههای قمری می توان یک عمره مفرده انجام داد.

\*\*\* آیات عظام (خوئی)، (تبریزی)، (سیستانی): چنانکه گذشت در هر ماه قمری می توان یک عمره انجام داد پس اگر یک عمره را در اواخر ماه انجام دهد عمره دیگر را در اول ماه بعد مانعی ندارد.

\* آیه الله (فاضل): میزان عنوان ماه است.

\* سؤال: اگر بین دو عمره کمتر از یک ماه فاصله باشد باید عمره دوم را بقصد رجاء انجام دهد چنانچه عمره دوم نیابت باشد نایب می تواند برای آن اجرت بگیرد یا خیر، و چنانچه بر منوب عنه انجام عمره مفرده واجب باشد کفایت میکند یا خیر (2)

ص: 166

---

1-1- مناسک حج (المحشى للإمام الخميني)، ص 187، ص 102.

2-2- همان، ص 188.



- امام خمینی (ره): لازم است احتیاط مراعات شود، و چنانچه با تذکر به اجیر کننده اجرت بگیرد اشکال ندارد.

\* آیه الله (اراکي): لازم است در دو عمره مفرده، اگر برای خودش انجام میدهد فاصله ده روز رعایت شود.

\*\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): اجرت گرفتن مانعی ندارد.

\*\* آیه الله (سیستانی)، آیه الله (خوئی): در فرض سؤال نیابت مانعی ندارد (1).

\* آیه الله (فاضل): کفایت از منوب عنه میکند و اجرت گرفتن اشکال ندارد.

\* آیه الله (مکارم): و کفایت کردن آن محل اشکال است.

\* آیه الله (تبریزی): نیابت مانعی ندارد و نایب می تواند برای آن اجرت بگیرد و کفایت از منوب عنه میکند.

\* سؤال: اگر زنی به نیت عمره مفرده محرم و بعد از آن عادت شود و در همه روزهایی که می تواند در مکه باشد حیض است، برای عمره مفرده باید چه کند؟ و اگر آنجا اعمالی انجام نداده و فعلا به ایران آمده، چه وظیفه ای دارد (2).

- امام خمینی (ره):

در فرض سؤال باید برای طواف و نماز نایب بگیرد و بقیه اعمال عمره را خودش به جا آورد، و چنانچه به ایران آمده اقدام کند و برگردد، و اگر نمی تواند، برای اعمال عمره نایب بگیرد ولی باید خودش تقصیر کند و ترتیب بین آن و سایر اعمال مراعات شود و تا اعمال را به جا نیاورد آن چه به وسیله احرام بر او حرام شده بر او حلال نمی شود.

\* آیه الله سیستانی): در مورد خارج شدن از احرام عمره مفرده در این فرض بدون بازگشت و انجام اعمال از سوی خودش مطلبی از ایشان در دست نیست.

\* سؤال: آیا طواف در عمره مفرده استحبابی حکم طواف واجب را دارد که باید نماز آن خلف مقام باشد یا حکم طواف استحبابی را دارد و در هر جای مسجد الحرام می توان نماز آن را خواند (3).

ص: 167

1-1- مناسک، مسأله 137.

2-2- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، س 189، ص 102.

3-3- همان، س 190، ص 103.

- امام خمینی (ره): حکم طواف واجب را دارد و باید نماز آن، خلف مقام باشد.

\* سؤال: انجام عمره مفرده در ماههای حج پیش از عمره تمتع جایز است یا خیر؟ و در این مساله فرقی بین ضروره و غیر ضروره هست یا نه (1)

- امام خمینی (ره): مانع ندارد، و فرق نمیکند.

\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): برای کسی که نایب در حج بلدی نباشد و بر خودش حج واجب نشده یا حج واجب خود را انجام داده اشکال ندارد (2).

آیه الله سیستانی): و احوط آن است که این دو عمره در یک ماه قمری نباشد.

\* سؤال: تأخیر عمره مفرده در حج افراد تا چه وقتی بلا عذر جایز است (3)؟

- امام خمینی (ره): باید مبادرت نماید عرفا علی الأحوط و تأخیر نشود.

\* آیه الله (تبریزی): گر چه اقوی عدم وجوب مبادرت است.

\* آیه الله (سیستانی): وجوب آن فوری است مانند وجوب حج.

\* سؤال: زنی که احتمال می دهد خون حیض ببیند و نتواند داخل مسجد الحرام شود، آیا می تواند برای عمره مفرده مستحبی محرم شود و اگر خون دید برای طواف و نماز نایب بگیرد، و هم چنین مریض اگر احتمال می دهد نتواند اعمال عمره مفرده را انجام دهد (4)

- امام خمینی (ره): اشکال ندارد و چنانچه وظیفه او نایب گرفتن شد عمل به وظیفه نماید.

\* سؤال: هم چنان که عمره مفرده را قبل از عمره تمتع و لو با کمتر از فاصله شدن یک ماه

ص: 168

---

1-1 - مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، س 191.

2-2 - آداب و احکام، ص 392، مسأله 1014.

3-3 - مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، س 192، ص 103.

4-4 - همان، س 193.

تجویز فرموده اید، آیا بعد از عمره تمتع هم با کمتر از یک ماه فاصله تجویز می فرمایید، یا باید رجاء انجام شود؟

- امام خمینی (ره): به قصد رجاء انجام شود(1).

\* سؤال: کسی که وظیفه او عمره تمتع است و ندانسته به نیت عمره مفرده محرم شده است تکلیف او چیست(2)؟

- امام خمینی (ره):

اگر قصد عمره مفرده کرده، باید عمره مفرده انجام دهد و بعد عمره تمتع را به جا آورد، و چنانچه اشتباه در تطبیق بوده، تمتع واقع می شود و صحیح است.

\* سؤال: اگر تقصیر را در عمره مفرده چه 2 یا نسیانا به جا نیاورد و طواف نساء را نیز ترک کرده و بعد رفته است به مسجد شجره و برای عمره تمتع محرم شده و عمره تمتع را به جا آورده و بعد متوجه نقص کار خود شده است، تکلیف این شخص با داشتن فرصت برای اعاده عمره تمتع و نداشتن فرصت چیست(3)؟

- امام خمینی (ره):

در فرض مرقوم چنانچه عمره مفرده را در اشهر حج به جا آورده و می خواهد حج مستحبی به جا آورد می تواند عدول به عمره تمتع کند چه وقت برای اعاده عمره تمتع داشته باشد یا نه. ولی اگر حج واجب باشد کفایت نمی کند علی الأحوط و باید پس از تقصیر صحیح به میقات برود و برای عمره تمتع مجددا محرم شود.

\* آیه الله (بهجت): چون از احرام عمره مفرده هنوز بیرون نیامده احرام عمره تمتع صحیح نیست باید ابتدا تقصیر کند تا از احرام عمره مفرده بیرون آید چنانچه وقت داشته باشد که برای عمره تمتع محرم شود می تواند به میقات برگردد و محرم شود و در صورت عدم امکان در خارج حرم محرم شود(4).

ص: 169

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، س 194.

2-2- همان، ص 195، ص 104.

3-3- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، س 196.

4-4- مناسک، س 122.

\*\*\*\*\* آیات عظام (گلپایگانی)، (خوئی)، (فاضل)، (بهجت)، (تبریزی)، (صافی)، (با اختلاف در تعبیر): در تلب عمره مفرده به عمره تمتع فرقی بین حج واجب و مستحب نیست. البته اگر آن شخص تا ایام حج در مکه باقی باشد.

\* آیه الله (تبریزی): در فرض مرقوم بعد از تقصیر به نیت ما فی الذمه به میقات برود و برای عمره تمتع مجدداً محرم شود و اگر ممکن نشد از هر کجا که ممکن بود محرم شود و بنا بر احتیاط واجب عمره تمتع را اعاده کند.

\* آیه الله خامنه ای: بنا بر احتیاط واجب بین عمره تمتع و حج، عمره مفرده انجام ندهد لکن بعد از اتمام حج مانع ندارد و قصد رجاء لازم نیست.

\* آیه الله (فاضل): در فرض مزبور فاصله و قصد رجاء لازم نیست اما بین عمره تمتع و حج تمتع نمی تواند عمره مفرده انجام دهد.

\* آیه الله (گلب): قصد رجاء لازم نیست.

آیه الله (خوئی): بعد از فراغ از اعمال حج مانع ندارد و قصد رجاء لازم نیست (1).

\* آیه الله (صافی): اگر هر دو را برای خود انجام می دهد در عمره مفرده قصد رجاء نماید.

\*\* آیه الله (اراکی)، آیه الله (نوری): بین عمره تمتع و عمره مفرده فاصله لازم نیست چه قبل باشد چه بعد و فاصله ده روز بین دو عمره مفرده معتبر است.

آیه الله سیستانی: انجام عمره مفرده بین عمره تمتع و اعمال حج، موجب بطلان عمره تمتع است ولی اگر بعد از اعمال حج و در ماه دیگر قمری غیر آن چه در آن عمره مفرده بود انجام دهد اشکال ندارد و اگر در همان ماه باشد خالی از اشکال نیست.

\* آیه الله (فاضل): عمره مفرده او مبدل به عمره تمتع شده و کافی است.

\* آیه الله (خوئی): اگر کسی در ماههای حج عمره مفرده انجام دهد و اتفاقاً در مکه تا موسم حج بماند می تواند آن را عمره تمتع قرار دهد (2).

\*\* آیه الله (مکارم)، آیه الله (صافی): می تواند عمره مفرده انجام دهد و می تواند عدول به تمتع کند اگر در ماههای حج باشد.

\* آیه الله (تبریزی): اگر قصد عمره مفرده کرده و وقت برای عمره تمتع داشته باشد باید عمره مفرده انجام دهد و بعد عمره تمتع را به جا آورد. و چنانکه بعد از انجام عمره مفرده تا وقت حج

ص: 170

1-1-1- مناسک، مسأله 137.

2-2- همان، مسأله 142.

در مکه باقی ماند می تواند عمره مفرده ای را که انجام داده عمره تمتع قرار دهد و برای حج محرم شود.

\* آیه الله (سیستانی): ولی اگر در مکه تا روز هشتم ذی الحجه بماند و قصد حج کند عمره مفرده او عمره تمتع به حساب می آید.

\* سؤال: کسی که حجش بدل به افراد شده و باید بعد از حج، عمره مفرده به جا آورد، اگر سال بعد که به حج می رود بعد از اعمال حج، عمره مفرده را به جا آورد کافی و مجزی است یا نه(1)؟

- امام خمینی (ره):

احوط آن است که تا عمره مفرده را انجام نداده، برای عمره و حج دیگر محرم نشود هر چند اگر خلاف کرد، ضرر به صحت عمره و حج او نمی زند.

\*\* آیه الله (خوئی)، آیه الله (بهجت): مانعی ندارد(2).

\* آیه الله (مکارم): باید توجه داشت که عمره مفرده واجب را در هر ماه از سال می توان انجام داد ولی چون وجوب آن ظاهراً فوری است باید تاخیر نیندازد.

\* آیه الله (تبریزی): احتیاط مستحب آن است..

\* آیه الله (سیستانی): وجوب آن فوری است ولی اگر تأخیر انداخت مجزی است. \* آیه الله مکارم): احتیاط واجب در ترک این کار است.

\* سؤال: کسانی که از هند و پاکستان به عربستان می آیند و در مکه معظمه مقیم می شوند آیا حجشان تمتع است یا وظیفه دیگری دارند(3)؟

- امام خمینی (ره):

چنانچه بقصد مجاورت در مکه بمانند و بعد از دو سال مستطیع شوند حکم اهل مکه را پیدا می کنند، و در غیر این صورت صور مختلفه ای است که در تحریر الوسیله ذکر شده است.

\* سؤال: کیفیت حج قران را بیان فرمائید، و آیا این حج بر کدام اشخاص واجب می شود(4)؟

ص: 171

1-1 - مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، س 197، ص 105.

2-2 - مناسک، مسأله 158.

3-3 - مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، س 198، ص 105.

4-4 - همان، ص 199، ص 106.

- امام خمینی (ره):

حج قران واجب تعیینی نیست و چون مورد ابتلاء نیست می توانید به کتب مفصله مراجعه نمایید.

\* آیه الله (بهجت): شخصی که وظیفه او در حجه الإسلام تمتع است با اقامه در مکه و اطراف نزدیک آن بدون قصد توطن دائم، فریضه او مادامی که داخل سال سوم اقامت نشده باشد تغییر نمی کند چه قبل از اقامت مستطیع شده باشد و یا بعد از آن بلکه باید در صورت اراده حجه الإسلام به سوی یکی از مواقیت خارج شود و آنجا محرم گردد و اگر نتوانست به یکی از مواقیت برود، در خارج حرم محرم شود و اگر در خارج حرم هم نتوانست از محل خودش محرم شود(1).

\*\*\* آیه الله (اراکي)، آیه الله (نوری): مگر در صورتی که از ابتداء قصد توطن داشته باشد که پس از گذشتن مدتی که وطن صدق کند حکم اهل مکه را دارد هر چند دو سال نگذشته باشد.

### تفصیلی در بیان اعمال عمره تمتع و حج تمتع

#### محل احرام عمره تمتع

#### اشاره

\* مواقیت خمسہ

\* مسأله: بدان که محل احرام بستن برای عمره تمتع که آن را میقات می نامند مختلف می شود به اختلاف راههایی که حجاج از آنها بطرف مکه می روند، و آن پنج محل است(2):

#### اول- مسجد شجره

که آن را ذو الحلیفه می نامند و آن میقات کسانی است که از مدینه منوره به مکه می روند.

\* مسأله: جایز است در صورت ضرورت احرام را از مسجد شجره تأخیر بیندازد تا میقات اهل شام(3).

ص: 172

1-1- مناسک، مسأله 155.

2-2- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 200، ص

3-3- همان، مسأله 201.

\* آیه الله (بهجت): و جواز طرف مقابل که حرام از مسجد با فعل مضطر الیه وفداء است محل تأمل است(1).

\* مسأله: احتیاط واجب آن است که در داخل مسجد شجره محرم شود نه خارج آن، هر چند نزدیک به آن باشد.

\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله مکارم): بلکه همین اندازه که محاذی مسجد از طرف راست یا چپ باشد کفایت میکند هر چند از داخل مسجد مستحب است.

\* آیه الله (خوئی): إحرام از منطقه ذو الحلیفه، مانعی ندارد(2).

\* آیه الله (خامنه ای): إحرام خارج از مسجد شجره برای کسانی که از طریق مدینه به سوی مکه حرکت می کنند کفایت نمی کند و واجب است داخل مسجد محرم شوند.

\* آیه الله (بهجت): جایز نیست در بیرون مسجد به طوری که محاذی و برابر آن از طرف راست یا چپ باشد احرام بسته شود و اختیارا باید در صورت امکان از درون مسجد حرام بسته شود(3).

\* آیه الله (تبریزی): جایز است در بیرون مسجد به طوری که محاذی آن از طرف راست یا چپ باشد احرام بسته شود و احوط این است که در صورت امکان از درون مسجد احرام بسته شود و احتیاط واجب آن است که از پشت مسجد قدیم احرام نیندند.

آیه الله (غروی): این افضل است، گر چه از خارج محاذی عرفی آن نیز جایز است.

\*\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): إحرام از پشت دیوار مسجد نیز صحیح است.

\* آیه الله (تبریزی): شخص جنب و حائض در خارج مسجد محرم می شود و تجدید تلبیه در جحفه لزومی ندارد و نیز اگر در حال عبور از مسجد محرم شوند مانعی ندارد.

امام خمینی (ره):

شخص جنب و حائض می توانند در حال عبور از مسجد محرم شوند، و نباید در مسجد توقف کنند(4).

آیه الله (خوئی): احتیاط واجب نیست و احرام در خارج مسجد مانع ندارد.

ص: 173

1- - مناسک شیخ، ص 9.

2- 2 - تعلیقه العروه، ج 2، ص 342.

3- 3 - مناسک، ص 64.

4- 4 - مناسک حج (المحشی للإمام الخمینی)، مسأله 203، ص 110.

\* آیه الله مکارم: می توانند در خارج مسجد یا در حال عبور از مسجد محرم شوند.

\* آیه الله سیستانی: برای حائض و نفساء احرام بستن بیرون مسجد شجره کافی است.

امام خمینی (ره):

اگر جنب به واسطه زیادی جمعیت نتواند در حال عبور از مسجد احرام ببندد، و آب برای غسل نباشد، و نتواند صبر کند تا آب پیدا شود باید تیمم کند و داخل مسجد شود و احرام ببندد(1).

\* آیه الله (اراکي)، آیه الله (نوری): و چنین است حائض که از حیض پاک شده است.

\* آیه الله (فاضل): و هم چنین است حائض و نفساء که پاک شده اند.

امام خمینی (ره):

اگر حائض نتواند تا وقت پاک شدن صبر کند احتیاط آن است که نزدیک مسجد محرم شود و در «جحفه» یا محاذی آن احرام را تجدید کند(2).

آیه الله (غروی): در این صورت کفایت میکند نیت و تلبیه و پوشیدن لباس احرام اگر ممکن باشد و إلا واجب است پوشیدن آن در هر مکانی که ممکن شود.

\*\*\* آیه الله (اراکي)، آیه الله (نوری): اگر بواسطه زیادی جمعیت از عبور از مسجد هم عاجز باشد احتیاط آن است که از نزدیک مسجد محرم شود.

\*\*\* آیات عظام (گلپایگانی)، (فاضل)، (صافی): اگر حائض نتواند تا وقت پاک شدن صبر کند، باید نزدیک مسجد محرم شود و نیاز به تجدید احرام از جحفه ندارد. و همین طور است حکم زنی که در حال نفاس باشد.

## دوم- وادی عقیق

که اوائل آن را « مسلخ » و اواسط آن را « غمره » و اواخر آن را « ذات عرق » می گویند که محل احرام عامه است، و آن میقات کسانی است که از راه عراق و نجد به مکه می روند(3).

## سوم قرن المنازل

و آن میقات کسانی است که از راه طائف حج می روند.

ص: 174



2-2- همان، مسأله 205، ص 110.

3-3- مناسک حج (المحشى للإمام الخمينى)، ص 111.

که اسم کوهی است، و آن میقات کسانی است که از راه یمن می روند.

پنجم - جحفه

و آن میقات کسانی است که از راه شام می روند.

\* آیه الله (سیستانی): و کسانی که از مسجد شجره گذشته و محرم نشده اند هر چند بدون عذر.

\* آیه الله (سیستانی): می تواند بیرون مسجد محرم شود.

آیه الله (مکارم): هر کس می تواند در کنار مسجد محرم شود و تجدید احرام لازم نیست.

\* آیه الله (بهجت): اگر نتواند وارد مسجد شود در خارج مسجد محاذی آن محرم می شود و در جحفه یا محاذی آن تجدید احرام می کند بنا بر احتیاط (1).

\* آیه الله خامنه ای): زنانی که عذر دارند بخاطر ازدحام و امثال آن نتوانند در حال عبور از داخل مسجد محرم شوند واجب است که از جحفه یا محاذی آن محرم شوند کما این که می توانند با نذر شرعی از منزل خود در مدینه احرام ببندند.

امام خمینی (ره):

اگر بینه شرعیه قائم شد یعنی دو شاهد عادل شهادت دادند که فلان مکان میقات است، تقطیس و تحصیل علم لازم نیست، و اگر علم و بینه ممکن نشود می تواند اکتفا کند به ظن حاصل از پرسیدن از کسانی که اهل اطلاع به آن مکانها می باشند (2).

\* آیه الله سیستانی): شهادت دو عادل در صورتی مفید است که مستند به حس یا مانند آن باشد.

\* آیه الله مکارم): رسیدن به میقات با حد اقل شهادت یک نفر عادل نیز ثابت می شود، ولی در زمان ما میقاتها مشخص است و احتیاجی به این امور نیست.

\* آیه الله (بهجت): احوط و اقوی لزوم تحصیل علم است به این اماکن و اگر علم ممکن نباشد بعید نیست اکتفاء به ظن حاصل از پرسیدن اهل معرفت به این اماکن (3).

ص: 175

1-1- مناسک، سی 34.

2-2- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، مسأله 206، ص 111.

3-3- مناسک شیخ، ص 10.

\* آیه الله (اراکي): احوط و اقوی لزوم تحصیل علم به این امکان می باشد.

\* آیه الله (فاضل): تحصیل اطمینان لازم است.

\* آیه الله (سیستانی): تحصیل علم یا اطمینان یا حجت شرعی لازم است.

امام خمینی (ره):

هر گاه از راهی برود که به هیچ یک از میقاتها عبورش نیفتد باید از محاذات میقات احرام ببندد(1).

\* آیه الله (خوئی): کسی که تقریباً یک ماه یا بیشتر در مدینه منوره اقامت نموده و عازم حج باشد و بخواهد از غیر راه متعارف مدینه تا مکه برود، همین که شش میل از مدینه دور شود محاذی و برابر مسجد شجره خواهد بود و همان جا میقاتش خواهد بود و از همان جا احرام می بندد. و در تجاوز نمودن از محاذات مسجد شجره و احرام بستن از محاذات یکی از مواقیت دیگر، بلکه از خصوص مورد مذکور نیز مشکل است.

آیه الله (بهجت): باید از محاذات اولین میقات نزدیک به خود محرم شود(2).

امام خمینی (ره):

- اگر عبور او طوری است که محاذات با دو میقات پیدا میکند احتیاط واجب آن است که از جائی که اول، محاذات پیدا میکند احرام ببندد، و در محاذات میقات بعد، تجدید نیت احرام کند(3).

\* آیه الله (سیستانی): مخیر است از محاذی هر کدام احرام ببندد گر چه احتیاط مستحب احرام در محاذی اول است.

آیه الله (تبریزی): باید از جایی که اول محاذات پیدا می کند، احرام ببندد و تجدید نیت در محاذات میقات بعد لازم نیست.

\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): واجب است که از جائی که اول محاذات پیدا می کند، احرام ببندد.

\* آیه الله (اراکي): احتیاط مستحب.

\* آیه الله (فاضل): تجدید احرام لازم نیست و باید از اول محاذات محرم شود.

ص: 176

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 207، ص 112.

2-2- مناسک، ص 66.

3-3- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 208، ص 112.

امام خمینی (ره):

- کسانی که از محاذات غیر مسجد شجره عبور می کنند احتیاط مستحب آن است که قبل از رسیدن به محاذات، به نذر محرم شوند و بهتر آن است که در محاذات، تجدید احرام کنند(1).

\* آیه الله (خوئی): اگر فاصله زیاد باشد ظاهراً نذر لازم است و اگر فاصله کم باشد بنابر احتیاط واجب باید نذر کند یا این که به یکی از مواقیع برود(2).

\*\*\* آیات عظام (گلپایگانی)، (بهجت)، (فاضل)، (صافی): متعرض مسأله استحباب نذر نشده اند.

\* آیه الله (تبریزی): بر مکلف واجب است یقین یا اطمینان به رسیدن به میقات پیدا نموده و احرام ببندد و یا حجت شرعیه داشته باشد، و افرادی که آنجا زندگی می کنند، گفته آنها حجت شرعیه محسوب می شود، بلکه شهادت یک نفر ثقة کافی است، اگر بدانیم مستند او سؤال از عرف محل است.

آیه الله (غروی): ظن اثری ندارد، بلی خبر واحد ثقة قابل اعتماد است شرعاً و جایز است که اتکاء به خبر واحد کند.

\* آیه الله (بهجت): اقوی کفایت احرام اول است به نحوی که در مسأله قبل بیان شد(3).

امام خمینی (ره):

- شخص مستطیع اگر احرام را از میقات تأخیر بیندازد از روی علم و عمد، و ممکن نشود برگردد به میقات بواسطه عذری و میقات دیگری در پیش نداشته باشد حج او باطل است، و باید سال دیگر حج به جا آورد(4).

\* آیه الله خامنه ای: اگر می تواند باید به میقات برگردد و اگر بخاطر ضیق وقت یا عذر دیگر نمی تواند، باید به خارج حرم برود و از آنجا محرم شود و اگر بر این نیز قادر نیست در داخل حرم محرم شود حج او صحیح است.

\* آیه الله (سیستانی): واجب است برگردد به همان میقات در صورت امکان هر چند میقات

ص: 177

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخمینی)، مسأله 209، ص 112.

2-2- مناسک، مسأله 164.

3-3- مناسک، ص 10.

4-4- مناسک حج (المحشی للإمام الخمینی)، مسأله 210، ص 113.

دیگری در پیش باشد به جز کسی که از ذو الحلیفه گذشته باشد هر چند عمدا و بدون عذر که می تواند از جحفه محرم شود.

\*\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): اگر چه احوط آن است که از هر مکانی که ممکن باشد محرم شود و عمره را انجام دهد و بعد هم قضاء آن را به جا آورد.

\* آیه الله (خوئی): اگر در صورت امکان در خارج حرم محرم شود و در صورت عدم امکان در حرم محرم شود، اگر چه به واسطه تأخیر مرتکب معصیت شده است لکن صحت آن خالی از وجه نیست. ولی در صورت تمکن احتیاط مستحب این است که حج را اعاده کند.

آیه الله (بهجت): بنا بر احتیاط واجب باید احرام ببندد از هر مکانی که ممکن باشد به تفصیلی که در ناسی احرام مذکور است. و عمره را به جا آورد و قضای آن بعد از آن(1).

امام خمینی (ره):

- شخصی که می خواهد از محاذی میقات محرم شود اگر محاذات را نداند باید از اهل اطلاع مورد وثوق بپرسد، و قول مجتهد که اهل اطلاع به آن مکانها نیست اعتبار ندارد، و اگر نتواند محاذات را بفهمد قبل از رسیدن به محلی که احتمال می دهد از محاذات گذشته است به نذر محرم شود، بلکه اگر از محل معینی پیش از رسیدن به محاذات، به نذر محرم شود احوط است(2).

\* آیه الله (بهجت): اگر علم به محاذات ممکن نباشد ظاهرا کفایت مظنه است در صورتی که موجب اطمینان یا حاصل از سؤال اهل آن محل باشد علی الأحوط(3).

\* آیه الله (سیستانی): اگر دو خط متقاطع را فرض کنیم که زاویه قائمه ای را تشکیل می دهند و یکی از آنها از مکه می گذرد و دیگری از میقات، نقطه تقاطع محل محاذات با میقات است و معیار در این امر صدق عرفی است نه دقت عقلی.

\* آیه الله (بهجت): اگر در طریق او محاذات علمیه با ظئیه نباشد احوط رفتن به سوی میقاتی یا محاذات آن است و محتمل است جواز احرام از اول احتمال، و تجدید آن در مقدار اقرب مواقیت به مکه(4).

ص: 178

1-1- مناسک شیخ، ص 12.

2-2- مناسک حج (المحشی للإمام الخمینی)، مسأله 211، ص 113.

3-3- همان، ص 11.

4-4- مناسک شیخ، ص 10 و 11.

- کسانی که با هواپیما به حج میروند و می خواهند بعد از حج به مدینه مشرف شوند احتیاط آن است که بدون احرام بروند «جده» و از اهل اطلاع مورد اعتماد تحقیق کنند اگر جده یا «حده» معلوم شد محاذی با یکی از میقات ها است از آنجا محرم شوند و الا بروند به میقات دیگر مثل جحفه و از آنجا محرم شوند، و اگر نتوانستند به جحفه یا به میقات دیگر بروند با نذر از جده محرم شوند، و بهتر آن است که در «جده» تجدید احرام کنند اگر چه لازم نیست (1).

\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): جایز نیست از جده با نذر محرم شوند بلکه باید به جحفه رفته از آنجا محرم شود.

\* آیه الله (خوئی): احرام از جده حتی با فرض محاذی بودن آن با میقات مجزی نیست و بر حاجی لازم است که در صورت امکان به یکی از مواقیت برود یا از وطن خود یا در راه قبل از رسیدن به جده به مقداری که قابل ملاحظه باشد هر چند در هواپیما باشد نذر احرام نموده و از محل نذر، احرام ببندد و یا این که پس از ورود به جده به محلی که رابع نام دارد برود و از آنجا با نذر احرام، قبل از میقات احرام ببندد.

\* آیه الله (فاضل): محاذات جده با هیچ یک از میقات ها ثابت نیست. بنا بر این باید یا به میقات یا محاذات میقات برود ولی برای عمره مفرده می تواند از ادنی الحل محرم شود.

آیه الله (تبریزی): محاذات جده با یکی از مواقیت ثابت نیست بلکه اطمینان به عدم محاذات آن است، پس احرام از جده مجزی نیست. و بر حاجی لازم است از محل خود یا در راه قبل از رسیدن به جده به مقداری که قابل ملاحظه باشد هر چند در هواپیما باشد- نذر احرام نموده و از محل نذر احرام ببندد و یا به یکی از مواقیت رفته، احرام ببندد و یا به رابع برود و آنجا با نذر احرام، محرم شود.

\* آیه الله سیستانی): با ملاحظه نقشه های جغرافیایی نقطه محاذی جحفه در جنوب شرقی جده واقع است و لذا با نذر می شود در فرودگاه جده احرام بست زیرا قبل از میقات واقع است و اما نذر احرام در هواپیما یا قبل از آن با علم به این که به ناچار زیر سایه خواهد رفت مورد اشکال است.

\* آیه الله مکارم: محاذات جده با هیچ یک از میقات ها ثابت نیست بنا بر این باید یا به میقات یا به محاذات میقات برود و یا اگر نمی تواند احتیاطا نذر کند و در ابتدای حرم تجدید احرام کند.

\* آیه الله (نوری): اگر از جده مستقیماً عازم مکه شوند میقات آنان «جحفه» است.

\* آیه الله (بهجت): احوط در مورد کسی که از جده به حج می رود این است که از محاذی میقاتی که اقرب به وی است احرام ببندد(1). کسانی که با هواپیما به جده می روند در صورتی که رفتن به جحفه یا میقات دیگر همراه با مشقت و دشواری باشد می توانند با نذر در جده محرم شوند و کفایت میکند(2).

\* آیه الله (اراکی): رجاء نذر کند.

\* آیه الله (تبریزی): در صورتی که رفتن به یکی از مواقیت ممکن نباشد و قبل از میقات هم به نذر محرم نشده لازم است از جده با نذر احرام بسته و بعداً در خارج حرم قبل از دخول آن تجدید احرام کند.

امام خمینی (ره):

- مراد از محاذات آن است که کسی که می رود به طرف مکه به جایی برسد که میقات به طرف راست یا چپ او واقع شود به خط راست به طوری که اگر از آنجا بگذرد میقات متمایل به پشت او شود(3).

\* آیه الله (غروی): بلکه در مقابلش واقع گردد نه، تمایل به پشت او شود.

امام خمینی (ره):

محاذات ثابت می شود به علم و به دو شاهد عادل، و اگر اینها ممکن نشود اگر گمان حاصل شد از قول کسانی که مطلع به آن مکانها هستند ظاهراً کافی است، بلکه از قول کسانی که اهل خبره هستند و از روی قواعد علمیه محاذات را تعیین می کنند اگر گمان حاصل شد ظاهراً کافی است(4).

ص: 180

1-1 - مناسک، مسأله 173.

2-2 - همان، س 39.

3-3 - مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، مسأله 213، ص 115.

4-4 - همان، مسأله 214.

\* آیه الله (غروی): گمان شرعا اثری ندارد قول ثقه واحد معتبر است گر چه گمان نیاورده باشد.

\* آیه الله (فاضل): اگر اطمینان حاصل شد.

\* آیه الله (سیستانی): معیار در تشخیص محاذات باید علم یا اطمینان یا حجت شرعی بر آن قائم باشد.

\* آیه الله (تبریزی): محاذات با میقات به علم و اطمینان ثابت می شود و نیز به گفته کسانی که به آن مکانها رفت و آمد می کنند اما گفته کسی که از روی قواعد علمیه محاذات را تعیین می کند، اعتباری ندارد.

امام خمینی (ره):

- کسی که به واسطه فراموشی یا ندانستن مسأله و عذر دیگر بدون إحرام از میقات عبور کرد پس اگر امکان داشت برگشتن به میقات و به اعمال عمره می توانست با برگشتن برسد واجب است برگردد و از میقات احرام ببندد، چه داخل حرم شده باشد یا نه و اگر ممکن نیست به نحوی که گفته شد، پس اگر داخل حرم نشده از همان جا احرام ببندد، و احتیاط مستحب آن است که هر مقداری می تواند به طرف میقات برگردد و آنجا محرم شود، و اگر داخل حرم شده واجب است اگر می تواند و به اعمال عمره می رسد از حرم خارج شود و محرم گردد، و اگر نمی تواند به نحوی که گفته شد همان جا محرم شود، و احتیاط مستحب آن است که هر قدر می تواند به طرف خارج حرم برگردد و آنجا محرم شود(1).

\* آیه الله (بهجت): عذری که مسوغ ترک باشد و لو ظاهرا، از قبیل مرض و جهل به موضوع بدون تقصیر، و ظاهر لحوق جهل به حکم است با عدم تقصیر در آن چه مذکور شد و این در مسأله بعدی نافع است(2).

\* آیه الله (سیستانی): این حکم در غیر مورد مسجد شجره است و کسی که از آن عبور کند هر چند عمدی باشد می تواند از جحفه محرم شود، گر چه گناه کرده است.

آیه الله (مکارم): می تواند از همان جا محرم شود.

\*\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): پس اگر از میقات دیگری عبور می کند از میقات

ص: 181

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، مسأله 215.

2-2- مناسک شیخ، ص 11.



بعدی محرم شود و اگر میقات دیگری در مسیر نیست به مقداری که می تواند به طرف میقات برگردد و اگر هیچ یک از این طرق ممکن نیست از همان محل محرم شود.

\* آیه الله (گلپایگانی): و هر مقدار که می تواند باید بطرف میقات برگردد و از آنجا محرم شود. و اگر نمی تواند از جای خود محرم شود.

\* آیه الله خامنه ای: بنا بر احتیاط واجب.

\* آیه الله (مکارم): اگر می تواند و به اعمال عمره می رسد از حرم خارج شود و هر چند به تنعیم رود.

\*\* آیه الله (سیستانی)، آیه الله (تبریزی): بنا بر احتیاط واجب به مقداری که ممکن است به طرف میقات برگردد و محرم شود.

آیه الله (مکارم): هر چند به تنعیم رود.

\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): و در میقات محرم گردد و یا به طرف میقات به مقداری که ممکن است برود و إلا از ادنی الحل محرم شود و در صورت عدم تمکن از رفتن به ادنی الحل در مکه محرم شود (1).

\* آیه الله (بهجت): و احتیاط به دور شدن از حرم بمقدار عدم فوت حج ترک نشود (2).

امام خمینی (ره):

- زن حائض اگر مسأله نمی دانست و عقیده داشت که نباید در میقات محرم شود و احرام نیست حکمش همان است که در مسأله قبل گفته شد (3).

\* آیه الله (مکارم): این زن اگر می تواند باید به میقات برگردد.

آیه الله (سیستانی): در صورتی که داخل حرم شده باشد احتیاط واجب این است که در صورتی که نتواند به میقات برگردد به بیرون حرم رفته و از آنجا احرام ببندد، بلکه احوط آن است که در این صورت از حرم بمقدار ممکن دور شود و اگر ممکن نشد حکم دیگران را دارد (4).

\* آیه الله (خوئی): ولی بنا بر احتیاط باید به مقدار ممکن از حرم دور شود و احرام ببندد.

ص: 182

1-1- آداب و احکام، مسأله 293.

2-2- مناسک شیخ، ص 11.

3-3- مناسک حج (المحشی للإمام الخمینی)، مسأله 216، ص 116.

4-4- مناسک، مسأله 170.

امام خمینی (ره):

- جایز نیست احرام بستن پیش از رسیدن به میقات، و اگر احرام ببندد صحیح نیست ولی اگر نذر کند که از محلی که پیش از میقات است احرام ببندد جایز است، و باید از همان جا محرم شود. مثلاً اگر نذر کرد که از «قم» محرم شود واجب است عمل کند، و بهتر آن است که به میقات یا محاذات میقات که رسید احرام را تجدید کند(1).

\* آیه الله (سیستانی): اگر بداند مستلزم ارتکاب حرم می شود مانند استظلال انعقاد نذر مورد اشکال است.

\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): و در این صورت احتیاط مستحب است که در هنگام عبور از میقات تلبیه را تجدید کند(2).

\* آیه الله (فاضل): تجدید احرام لازم نیست.

\* آیه الله (بهجت): نیازی به تجدید احرام در میقات نیست بلکه می تواند از راهی به مکه برود که بر میقات نگذرد(3).

آیه الله خامنه ای): نظر ایشان نسبت به تجدید احرام در میقات یا محاذی آن یافت نشد.

امام خمینی (ره):

- جایز نیست احرام را از میقات تأخیر بیندازد اختیاراً، بلکه احتیاط واجب آن است که از محاذات میقات بدون احرام عبور نکند، اگر چه میقات دیگری بعد از آن باشد(4).

\* آیه الله (بهجت): اقرب جواز عدول اهل مدینه است از مرور به دو الحلیفه برای احرام از جحفه اختیاراً(5).

\* آیه الله (سیستانی): واحوط این است که مکلف از محاذی میقات نگذرد مگر با احرام، اگر چه بعید نیست که گذشتن جایز باشد، در صورتی که در پیش روی مکلف میقاتی یا محاذی میقاتی باشد(6).

\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): بلکه واجب است.

ص: 183

---

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 217.

2-2- مسأله 300، آداب و احکام حج.

3-3- مناسک، مسأله 164

4-4- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 218، ص 116.

5-5- مناسک شیخ، ص 9.

6-6- مناسک، مسأله 167.

\* آیه الله (فاضل): این احتیاط مستحب است.

- امام خمینی (ره):

- اگر از میقات بدون احرام عبور کرد واجب است در صورت امکان برگردد و از آن میقات محرم شود، بلکه اگر میقات دیگری بعد از آن میقات باشد باید به احتیاط واجب برگردد به میقاتی که از آن گذشته و محرم شود(1).

\* آیه الله سیستانی: و هر گاه بدون احرام از میقات گذشته، در صورت امکان باید به میقات برگردد، مگر کسی که بدون عذر از ذوالحلیفه گذشته و به جحفه رسیده باشد، که چنین شخصی بنا بر اظهار برایش کافی است که از جحفه احرام ببندد، اگر چه گناه کار است(2).

\*\*\*\*\* آیات عظام (خامنه ای)، (خوئی)، (گلپایگانی)، (تبریزی)، (بهجت)، (صافی): در صورت امکان باید برگردد.

\* آیه الله (مکارم): این احتیاط واجب نیست

### مسائل متفرقه میقات

- امام خمینی (ره):

- احتیاط واجب آن است که از خود مسجد شجره احرام بسته شود نه اطراف آن و احتیاط مستحب آن است که در محل اصلی مسجد محرم شود اگر چه از مسجد مطلقا جایز است، حتی در قسمتی که مسجد توسعه پیدا کرده است(3).

\* آیات عظام (خوئی)، (گلپایگانی)، (تبریزی)، (مکارم)، (صافی): این احتیاط مستحبی است.

\* آیه الله (بهجت): واجب است در صورت امکان از داخل مسجد محرم شود(4).

\* آیه الله (تبریزی): احتیاط واجب این است که از پشت مسجد قدیم احرام نبندد.

\* آیه الله (بهجت): احتیاط احرام از مسجد قدیمی شجره باشد و با فحص از اهل اطلاع

ص: 184

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 219، ص 117.

2-2- مناسک، مسأله 167.

3-3- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 220، ص 118.

4-4- مناسک، مسأله 162.

توسعه از یمین و یسار و خلف است و قسمت محراب از مسجد قدیمی محسوب می شود و در صورت عدم امکان دخول به قسمت قدیمی از محاذی آنجا محرم شوند(1).

- امام خمینی (ره):

- اگر زن در میقات حائض باشد و یقین کند که نمی تواند عمره تمتع را در وقت خود انجام دهد، باید نیت حج افراد کند و برای حج افراد محرم شود ولی اگر بعد از آن کشف خلاف شد در صورتی که برای حجه الاسلام محرم شده احرام او باطل است و باید برای عمره تمتع مجددا محرم شود.(2)

\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): جمعی فرموده اند: «واجب است از میقات محرم به حج افراد شود»، لکن چون این یقین بر حسب عادت است و امکان دارد بر خلاف عادت پاک شود، احتیاط آن است که در وقت احرام قصد کند محرم می شوم به احرامی که بر من واجب است از عمره تمتع یا حج افراد، پس اگر قبل از گذشتن وقت عمره پاک شد اعمال عمره را تمام کند و محل شود و بعد اعمال حج را به جا آورد، و حج تمتع او صحیح است، و اگر پاک نشد به همان احرام اعمال حج افراد را به جا آورد و بعد عمره مفرده به جا آورده و حج افراد صحیح است.

\* آیه الله (فاضل): نمی تواند نیت حج افراد کند و باید به نیت عمره تمتع محرم شود و بعدا در ضیق وقت عدول به افراد کند.

\* آیه الله (خوئی): اگر به نیت ما فی الذمه محرم شود اشکالی نیست ولی اگر به نیت حج افراد محرم شود و بعد پاک شود احرامش باطل است.

\* آیه الله (مکارم): بهتر است در موقع حرام قصد کند احرامی را که بر او واجب است انجام میدهد، تا مشکلی برای او پیش نیاید.

\* آیه الله (تبریزی): می تواند به قصد ما فی الذمه احرام ببندد و چنانچه قبل از گذشتن وقت عمره تمتع پاک شد، عمره تمتع به جا آورد و بعد حج آن را انجام دهد. و اگر پاک نشد به همان احرام حج افراد به جا آورد و سپس عمره مفرده انجام دهد بلکه اگر بقصد حج افراد احرام بست، و قبل از گذشتن وقت عمره پاک شد، با همان احرام اعمال عمره تمتع را انجام داده و

ص: 185

1-1- استفتاءات، س 33.

2-2- مناسک حج (المحشی للإمام الخمینی)، مسأله 221

سپس حج تمتع را انجام دهد، گر چه احتیاط مستحب در این صورت تجدید احرام برای عمره تمتع می باشد.

**\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی):** لازم است این حج افراد را عدول به عمره تمتع کند، یعنی طواف و نماز آن و سعی را به جا آورد و تقصیر کند و بعد برای حج محرم شود و اعمال حج را به جا آورد. و این مخصوص کسی است که مکلف به حج تمتع باشد، و اما کسی که حج افراد هم از او صحیح است مختار است که عدول نماید به تمتع یا حج افراد را تمام نماید.

سایر آیات عظام متذکر مسأله کشف خلاف نشده اند. و در نیت افراد با حضرت امام رحمه الله موافق هستند.

**\* آیه الله (سیستانی):** عدول کند به عمره تمتع و اعمال آن را انجام دهد و باید رعایت کند که پس از انجام سعی تلبیه نگوید.

- امام خمینی (ره):

- کسانی که با هواپیما به جده می روند نمی توانند از جده یا خیبیه محرم شوند بلکه باید به یکی از مواقیت مثل جحفه بروند و از آنجا محرم شوند و اگر از مدینه بروند باید از مسجد شجره محرم شوند و در این حکم فرقی بین این که قصد عمره تمتع یا مفرده داشته باشند نیست و حدیبیه میقات عمره مفرده است برای کسانی که در مکه هستند (1).

**\* آیه الله سیستانی):** می تواند از جده با نذر محرم شود زیرا جنوب شرقی آن محاذی با جحفه است.

**\*\*\* آیات عظام (گلپایگانی)، (فاضل)، (صافی):** در عمره مفرده احرام از ادنی الحل کفایت می کند، اگر چه با عبور از میقات بدون احرام گناه کرده است (2).

**\*\*\* آیه الله (خوئی)، آیه الله (تبریزی):** و نیز کسی که بدون قصد دخول مکه، از میقات عبور کرده است می تواند از ادنی الحل برای عمره مفرده محرم شود.

**\* آیه الله سیستانی):** میقات عمره مفرده برای کسی که می خواهد وارد حرم شود همان میقات های معروف است ولی اگر کسی برای کار دیگری غیر از عمره در آن محل بوده و قصد دخول حرم هم نداشته و از میقات گذشته و سپس تصمیم بر انجام عمره گرفته است می تواند از ادنی الحل محرم شود.

ص: 186

---

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، مسأله 222، ص 119.

2-2- مناسک عربی، ص 84.

- امام خمینی (ره):

- کسانی که میقات برای آنها مشخص نیست نمی توانند به گفته راهنما (بلد) یا حمله دار که میگوید فلان محل میقات است حرم شوند مگر از گفته او اطمینان پیدا کنند و الا باید به عرف محل مراجعه نمایند.

\* آیه الله (غروی): در صورتی که شخص موثقی باشد اعتماد به قول آنان می تواند کرد اگر چه اطمینان هم حاصل نشود.

\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): اگر ظت از این طریق هم ممکن نشود در اولین نقطه ای که احتمال محاذات با یکی از مواقیت را می دهد رجاء محرم شود، و تلبیه بگوید و بعد در هر جا که احتمال محاذات می دهد تجدید نیت کند و تلبیه را تکرار نماید تا یقین کند که در محاذات به میقات احرام بسته است.

\*\* آیه الله (خامنه ای)، آیه الله مکارم): ظن حاصل از گفته اهل اطلاع کافی است.

\*\*\* آیه الله (خوئی)، آیه الله (تبریزی): و یا این که آنها ثقة باشند و مستندشان اخبار عرف محل باشد.

- امام خمینی (ره): - در صورتی که ثابت نیست که رابع محاذی جحفه است احرام از آن جایز نیست.

\*\*\* آیات عظام (خوئی)، (تبریزی)، (سیستانی): احرام از رابع با نذر صحیح است به اعتبار این که رابع قبل از جحفه است (1).

- امام خمینی (ره):

- کسی که در غیر ماههای حج به مکه رفته و عمره مفرده به جا آورده و در مکه مانده تا ماههای حج برای احرام عمره تمتع باید به یکی از مواقیت پنجگانه معروفه برود و نمی تواند از تعمیم محرم شود (2).

\* آیه الله (سیستانی): به احتیاط واجب حتی اگر حج تمتع استحبابی باشد.

- امام خمینی (ره): - کسانی که برای عمره مفرده به مکه مشرف می شوند و باید به یکی از مواقیت معروفه بروند،

ص: 187

---

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، مسأله 224، ص 120.

2-2- همان، مسأله 225، ص 120.

نمی توانند بدون احرام از میقات تجاوز کنند و در صورت تجاوز، واجب است به میقات برگردند و از آنجا محرم شوند. و اگر کسی نتوانست برگردد هر جا که هست محرم شود.

\* آیه الله (بهجت): عبور از میقات بدون احرام جایز نیست، و در صورت تجاوز احرام از ادنی الحل برای قاصد عمره مفرده کافی است.

آیه الله خامنه ای): واجب است برگردد و از همان میقاتی که از آن عبور کرده است محرم شود چه میقات دیگری در جلو باشد یا نه.

- امام خمینی (ره):

- اگر شخص در مکه باشد و بخواهد عمره تمتع به جا آورد و به عللی از رفتن به میقات عمره تمتع معذور باشد لازم است به خارج حرم برود و از آنجا محرم شود و از ادنی الحال کافی است.

\*\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): واجب است به خارج حرم رفته و هر مقدار ممکن است به طرف میقات برود و محرم شود.

\* آیه الله (بهجت): احوط آنست که بمقدار ممکن از حرم دور شود بطرف میقات (1).

\* آیه الله (تبریزی): احوط این است که هر مقدار ممکن است به طرف میقات برود و محرم شود.

\* آیه الله (سیستانی): اولی این است که تا حد ممکن بطرف میقات رفته و محرم شود (2).

- امام خمینی (ره):

- میقات برای شاغلین در جده از ایرانیان و غیر آنها در عمره تمتع و عمره مفرده همان مواقیت معروفه است، و نمی توانند از جده یا ادنی الحل محرم شوند، و اگر از روی جهل به مسأله در جای دیگر محرم شوند، احرام آنها صحیح نیست و محرمات احرام بر آنها حرام نمی شود چنانچه در صورت علم و عمد هم حکم همین است هر چند در صورت جهل، اگر بعد از اعمال، مسأله را فهمیده اند عمل آنان صحیح است (3).

آیه الله مکارم): برای عمره مفرده می توانند مانند سایرین از دیبیه که در 50 کیلومتری مکه است محرم شوند.

ص: 188

1-1- مناسک شیخ، ص 11.

2-2- مناسک، مسأله 169، فرع دوم.

3-3- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، مسأله 228، ص 121.

\* آیه الله (سیستانی): می توانند از جده با نذر محرم شوند و کسی که منزلش از میقات به مکه نزدیکتر باشد می تواند از منزل احرام ببندد.

\* آیه الله (خوئی): اگر حدود سه سال در جده می ماند که صدق مقر و منزل بر آن بکند می تواند از جده محرم شود(1).

آیه الله (فاضل): در عمره مفرده چون میقات ادنی الحل است می تواند از جده با نذر محرم شود.

آیه الله خامنه ای): اگر چه بعید نیست جواز احرام از جده با نذر برای عمره مفرده ولی احتیاط در احرام از مواقیت است.

\* آیه الله (بهجت): از روی جهل با عدم تقصیر(2).

\*\* آیه الله سیستانی)، آیه الله (بهجت): عمل آنان خالی از اشکال نیست و احتیاط در صورت امکان عمره را اعاده نمایند و این احتیاط نباید ترک شود.

\*\*\* آیه الله (خوئی)، آیه الله (تبریزی): صحت عمره محل اشکال است.

- امام خمینی (ره):

- خدمه کاروانها که می خواهند به مکه بروند و بعد از آن باید از مکه خارج شوند بنا بر احتیاط نباید عمره تمتع انجام دهند، بلکه برای دخول مکه باید به یکی از مواقیت معروفه بروند و از آنجا برای عمره مفرده محرم شوند. و ادنی الحل، میقات این اشخاص نیست، و پس از انجام اعمال عمره مفرده می توانند از مکه خارج شوند، و در صورت خارج شدن از مکه اگر فقط به جده بیایند برای ورود به مکه در مرتبه دوم و سوم و بعد از آن، احرام واجب نیست، ولی اگر به مدینه بروند و از آنجا بخواهند به مکه بروند باید در مسجد شجره محرم شوند برای عمره مفرده دیگر، و چون بین این عمره مفرده و عمره مفرده اول یک ماه فاصله نشده عمره دوم را رجا به جا آورند، و در هر صورت این اشخاص آخرین مرتبه ای که به مکه می روند باید به یکی از مواقیت معروفه، مثل مسجد شجره یا جحفه، بروند و از آنجا برای عمره تمتع محرم شوند(3).

\* آیه الله (مکارم): اگر در همان ماه قمری که محرم شده وارد شود.

\* آیه الله (اراکي): در ماهی که محرم شده است تجدید احرام لازم نیست.

ص: 189

1-1- المسائل الشرعیه، ج 1، ص 322 و 320.

2-2- مناسک شیخ، ص 11.

3-3- مناسک حج (المحشی للإمام الخمینی)، مسأله 229، ص 122.



\* آیه الله (تبریزی): در ماهی که محرم شده اند تجدید احرام لازم نیست و لو به مدینه بروند و از آنجا بخواهند به مکه بروند.

\* آیه الله (خامنه ای): چنانچه بخواهد در کمتر از یک ماه به مکه مراجعه نماید نیاز به احرام مجدد ندارد.

\*\* آیه الله (خوئی)، آیه الله سیستانی): حکم جده و مدینه یکی است و تا ماه هلالی که عمره مفرده را در آن انجام داده تمام نشود می تواند بی احرام وارد مکه شود(1).

\* آیه الله (مکارم): نیاز به محرم شدن از هیچ میقاتی نیست.

\* آیه الله (فاضل): در صورت جهل و نسیان اگر بعد از اعمال حج متوجه شوند حج صحیح است و اگر بعد از عمره تمتع یا عمره مفرده متوجه شوند عمره باطل است و در عمره تمتع اگر وقت دارد و ممکن باشد جبران کند و اگر وقت ندارد حج تمتع بدل به حج افراد می شود و در این صورت نیز کفایت از حجه الاسلام می کند.

\* آیه الله (بهجت): خروج از مکه بعد از عمره تمتع جایز نیست برای کسی که اگر خارج شود فوت می شود حج از او در آن سال، و اظهر عدم اعتبار فاصله بین دو عمره است اگر چه احوط و افضل است، و اگر بعد از عمره خارج از مکه و حرم و میقات شد و برگشت در غیر ماه حرام اولی پس محتاج به حرام عمره است که آن را عمره تمتع قرار می دهد و برای عمره سابق انجام طواف نساء موافق احتیاط است(2).

\* آیه الله (مکارم): خدمه کاروانها می توانند عمره تمتع را به جا آورند و از احرام خارج شوند و بعد برای انجام کارهای ضروری به جده یا مدینه و مانند آن بروند بشرطی که مطمئن باشند که به موقع به حج برسند.

\* آیه الله (فاضل): اگر بخواهند در ماهی که عمره انجام داده خارج شوند و در همان ماه برگردند می توانند عمره تمتع انجام دهند، در این صورت فرقی نمیکنند که بخواهند به مدینه بروند یا جده. و در این فرض باید بدون احرام مجدد به مکه وارد شوند. اما اگر بخواهند در ماه بعد برگردند نباید عمره تمتع انجام دهند، بلکه عمره مفرده انجام دهند و برای آخرین بار که به مکه رجوع میکنند عمره تمتع انجام دهند.

\* آیه الله (سیستانی): اگر بین این عمره و حج، عمره دیگری فاصله نشود می توانند عمره تمتع

ص: 190

1-1- مناسک، مسأله 141.

2-2- مناسک شیخ، ص 89 و 90

انجام دهند و پس از آن اگر خوف فوت اعمال حج نداشته باشند می توانند برای کاری هر چند غیر ضروری خارج شوند پس اگر در همان ماه قمری برگردند حرام مجدد لازم نیست و اگر ماه بعد باشد و نخواهند دوباره خارج شوند و در ماه بعد وارد شوند باید با احرام عمره تمتع وارد شوند و اگر باز هم بخواهند در ماه بعد وارد شوند باید اکنون با احرام عمره مفرده وارد شوند.

\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): اگر حج تمتع بر آنها واجب باشد باید به قصد عمره تمتع محرم شوند و انجام عمره مفرده قبل از حج برای کسی که حج بر او واجب است یا نایب در حج بلدی است اشکال دارد.

\* آیه الله (غروی): خدمه کاروانان و آنانی که محتاجند مکرره داخل مکه و خارج شوند، نظیر حطاب و حشاش جایز است داخل مکه شوند بدون احرام.

\*\*\* آیات عظام (گلپایگانی)، (فاضل)، (مکارم): همان طور که گذشت برای عمره مفرده اگر از ادنی الحل محرم شود عمره اش صحیح است.

### استفتاءات میقات

\* سؤال: کسانی که به علت عادت ماهانه نمی توانند داخل مسجد شجره محرم شوند باید در خارج آن محرم شوند و در محاذی جحفه تجدید احرام نمایند، با توجه به این که محاذی جحفه نقطه مشخصی نیست، وظیفه چیست (1)؟

- امام خمینی (ره):

- می توانند به جحفه بروند و در آنجا تجدید احرام کنند، و چنانچه حدود محاذات را تشخیص دهند و در تمام آن حد، با بقاء نیت، تلبیه را تکرار کنند کفایت میکند.

\* آیه الله (خوئی): احرام در منطقه ذو الحلیفه صحیح است (2).

\*\*\* آیات عظام (گلپایگانی)، (سیستانی)، (فاضل)، (مکارم)، (تبریزی)، (صافی): تجدید احرام لازم نیست.

\* سؤال: جماعتی از راه طائف عازم مکه بودند، قبل از رسیدن به قرن المنازل آنان را از راه

ص: 191

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخمینی)، سؤال 230، ص 123

2-2- تعلیقه عروه، ج 2، ص 342.

وادی عقیق فرستادند و از راه قرن المنازل منع کردند و لذا در وادی عقیق محرم شدند، آیا احرام آنان چه صورت دارد(1)

- امام خمینی (ره): صحیح است.

\* سؤال: در مناسک مرقوم است که زندهای حائض باید با عبور از مسجد شجره محرم شوند و اگر نمی توانند، در خارج محرم شوند و در محاذی جحفه تجدید احرام کنند، چون این کار مشکل است و محاذی جحفه معلوم نیست آیا حضرت امام اجازه می فرمایند که این گونه اشخاص در مدینه با نذر محرم شوند(2)

- امام خمینی (ره):

چون احرام قبل از میقات با نذر صحیح است، زندهای حائض که عذر شرعی از دخول مسجد دارند، می توانند در مدینه با نذر برای عمره محرم شوند. و در این صورت لازم نیست به مسجد شجره بروند، ولی نذر زن باید با اذن شوهر باشد.

\*\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): با آن که می تواند از پشت دیوار مسجد هم محرم شود نذر لازم نیست.

\* آیه الله (بهجت): اگر چه نایب باشند(3).

\*\*\* آیات عظام (مکارم)، (گلپایگانی)، (صافی): چون احرام در خارج مسجد شجره جایز است از همان جا محرم می شوند.

\* آیه الله سیستانی: احرام آنها در خارج مسجد شجره نیز صحیح است.

\*\*\* آیات عظام (خوئی)، (سیستانی)، (مکارم): اگر نذر زن مزاحم حق شوهر نباشد اجازه لازم نیست.

\* آیه الله خامنه ای: اگر شوهر حضور دارد باید بنا بر احتیاط نذر زن با اجازه او باشد.

\* آیه الله (تبریزی): چنانکه گذشت احرام در خارج مسجد شجره هم جایز است و تجدید تلبیه در جحفه لزومی ندارد ولی اگر بخواهند با نذر قبل از میقات محرم شوند چنانچه احرام قبل از میقات منافی با حق شوهر نباشد مانعی ندارد و الا باید باذن شوهر باشد.

ص: 192

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، سؤال 231، ص 124.

2-2- همان، سؤال 232.

3-3- مناسک، ص 36.

آیه الله (بهجت): در صورتی که نذر او منافات با حق شوهر نداشته باشد اذن شوهر لازم نیست(1).

\* سؤال: زن حائضی که از مدینه عازم مکه بود، گمان می کرد که در حال عبور در مسجد شجره می تواند محرم شود و وظیفه اش را انجام دهد، ولی وقتی که به محوطه حیاط مسجد رسید دید به جهت ازدحام نمی تواند با عبور محرم شود، لذا از شوهرش که حاضر بود اجازه نذر گرفت و چند قدمی از مسجد فاصله گرفت و با نذر محرم شد، آیا کفایت میکند یا خیر(2)؟

- امام خمینی (ره): اگر احراز کند که قبل از میقات، با نذر محرم شده است مانع ندارد.

\* آیه الله (خوئی): احرام در خارج مسجد شجره صحیح است و نذر لزوم ندارد.

آیه الله (فاضل): گذشت که اگر حائض و نفساء نتوانند تا وقت پاک شدن صبر کنند باید نزدیک مسجد شجره محرم شوند و نیاز به تجدید احرام در جحفه نیست و نذر هم لازم نیست.

\* سؤال: زن در حال حیض به خیال این که می تواند در حال عبور، در مسجد شجره احرام ببندد وارد مسجد شد و بلافاصله احرام بست و تلبیه را هم گفت و چند قدمی هم به طرف دری که می خواست خارج شود رفت، ولی چون دید نمی شود عبور کرد برگشت و از همان دری که وارد شده بود خارج شد، آیا احرامش چگونه است(3)؟

- امام خمینی (ره): صحیح است.

\* آیه الله (تبریزی): صحت احرامش محل اشکال است.

امام خمینی (ره):

یک نفر از حجاج به کلی شنوایی خود را از دست داده و زبان او هم لکنت دارد که قادر بر تکلم صحیح نیست، مسئولین و سایر حجاج همراه، به این موضوع توجه نداشته اند و این آقا بدون نیت و تلبیه وارد مکه شده است، تکلیف او و همراهانش چیست(4)

ص: 193

1-1- همان، س 37.

2-2- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، سؤال 233، ص 124.

3-3- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، سؤال 234، ص 125.

4-4- همان، سؤال 235، ص 125.

- امام خمینی (ره):

باید به میقات برگردد و با نیت و تلبیه محرم شود هر چند با بردن همراه باشد، و اگر نمی تواند به میقات برود باید در خارج حرم محرم شود، و اگر نمی تواند تلبیه را صحیح بگوید ولو با تلقین، احوط آن است که به هر نحو می تواند بگوید و ترجمه اش را نیز بگوید.

\* آیه الله (بهجت): و بنا بر احتیاط واجب باید تا مقدار ممکن از حرم دور شود(1).

\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): ترجمه اش را بگوید و نایب هم بگیرد رجاء که از طرف او بطور صحیح تلبیه را بگوید.

\*\* آیه الله (خامنه ای)، آیه الله (مکارم): احوط این است که در این صورت نایب هم بگیرد.

\* آیه الله (خوئی): اگر کسی قدرت بر تصحیح تلبیه و لو با تلقین نداشته باشد می تواند به ملحون اکتفا کند گر چه احوط جمع بین ترجمه و استنابه نیز هست. و نیز اخرس (گنگ و لال) کافی است با اشاره تلبیه بگوید گر چه احوط استنابه نیز هست(2).

آیه الله سیستانی: اگر تلقین میسور نبود کافی است به نحوی که می تواند بگوید اگر عرفا تلبیه صدق کند و اگر صدق نکند به احتیاط واجب هم مرادف عربی آن را و هم ترجمه آن را بگوید و هم نایب بگیرد.

\* آیه الله (تبریزی): بنا بر احتیاط مستحب نایب هم بگیرد.

\* آیه الله (گلپایگانی): و نایب هم بگیرد رجاء.

\*\* آیه الله (اراکی)، آیه الله (فاضل): و بهتر آن است که علاوه بر آن نایب هم بگیرد.

\* آیه الله (بهجت): می تواند احتیاط کند به جمع بین این و استنابه اگر چه جواز اکتفاء به همان مقداری که می تواند با ضم ترجمه عبارت صحیحه خالی از وجه نیست مثل اکتفا به ترجمه در صورت عدم توانائی به هیچ مقدار و نیز اکتفاء به استنابه عدم قدرت بر ترجمه هم، کما این که لال اکتفاء به تحریک لسان و اشاره به انگشت با عقد قلب می نماید و اگر ممکن نباشد استنابه می کند(3).

\* سؤال: نظر به این که مسجد جحفه و مسجد تنعیم اخیرا تخریب و بازسازی شده و وسعت

ص: 194

1- مناسک شیخ، ص 11.

2- 2- تعلیقه عروه، ج 2، ص 361 و مناسک، مسأله 179 و 180.

3- 3- مناسک شیخ، ص 13.

یافته است، آیا حجاج یا معتمرین باید حتما در حدود مسجد قبلی محرم شوند و یا محرم شدن در تمام مسجد فعلی معتبر است (1)؟

- امام خمینی (ره):

- میقات در جحفه خصوص مسجد نیست و از هر جای جحفه می توانند محرم شوند، و هم چنین مسجد تنعیم خصوصیت ندارد و احرام از ادنی الحل صحیح است هر چند در مسجد نباشد. بنا بر این در صورت توسعه مسجد با صدق جحفه در اول، و ادنی الحل در دوم، احرام اشکال ندارد.

آیه الله (مکارم): ادنی الحل میقات عمره مفرده است.

\* سؤال: در مناسک فرموده اید خدمه ای که می خواهند به مکه بروند و از مکه خارج شوند، در صورت خارج شدن از مکه، اگر فقط به جده می روند، برای ورود به مکه در مرتبه دوم و سوم و بعد از آن احرام واجب نیست، ولی اگر به مدینه بروند و از آنجا بخواهند به مکه بروند باید در مسجد شجره محرم شوند برای عمره مفرده دیگر چنانچه میسر است، نکته علمی فرق میان جده و مدینه را بیان فرمائید (2)؟

- امام خمینی (ره): - فارق، عبور از میقات و عدم عبور است.

\* آیه الله (فاضل): گذشت که میان جده و مدینه فرق نیست بلکه فارق عنوان ماهی است که در آن خارج و داخل می شود.

\* آیه الله (غروی): گذشت اشخاصی که مکررا به مکه داخل و خارج شوند مثل حطاب و حشاش و خدمه کاروانان حاجتی به احرام ندارند.

\* سؤال: کسی که وسائش در جحفه مانده است، آیا می تواند برای آوردن وسائل خود، از احرام خارج گردد در حالی که برای عمره تمتع محرم شده، و وارد حرم گردیده است (3)؟

- امام خمینی (ره): - می تواند قبل از خروج از احرام عمره، برود و وسائل خود را بیاورد، و اگر اعمال عمره تمتع

ص: 195

---

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، سؤال 236، ص 126.

2-2- همان، سؤال 237.

3-3- همو، سؤال 238، ص 127.

را انجام داده و محل شده است، نمی تواند از مکه خارج شود مگر در حال ضرورت، محرما به احرام حج علی الأحوط.

\*آیه الله (تبریزی): در اثناء عمره بنا بر احتیاط نمی تواند خارج شود مگر حاجتی داشته باشد.

آیه الله (خوئی): در اثناء عمره نمی تواند خارج شود مگر از روی حاجت.

\* آیه الله (فاضل): بنا بر احتیاط واجب در اثنای عمل نیز نباید خارج شود. بلی اگر یقین یا اطمینان داشته باشد که خروج از مکه به حج او لطمه نمی زند مانعی ندارد که حتی بدون احرام نیز خارج شود، اگر چه احتیاط مستحب عدم خروج بدون احرام است. و در هر صورت چنانچه بدون احرام خارج شد و در همان ماه برگشت حج تمتع او صحیح است، اما اگر ماه بعد برگشت عمره اولش فاسد شده و باید مجددا عمره تمتع انجام دهد و الا حج تمتع او صحیح نیست.

آیه الله سیستانی): می تواند قبل از اتمام عمل از مکه بیرون برود در صورتی که قدرت برگشتن به مکه را داشته باشد(1).

آیه الله خامنه ای): نظر ایشان نسبت به خروج از مکه در اثناء عمل یافت نشد.

\* آیه الله (گلپایگانی): واجب است با احرام حج از مکه بیرون رود.

\*\*آیه الله (خوئی)، آیه الله (تبریزی): مگر در فرض حاجت که باید محرم به احرام حج شده آنگاه خارج شود.

\*\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): بلی اگر رفتن به آنجا با احرام برای او حرج باشد جایز است بدون احرام خارج شود.

\*\*آیه الله خامنه ای)، آیه الله مکارم): و اگر بستن احرام برای حج و ماندن در احرام تا روز عرفه موجب عسر و حرج می شود لازم نیست.

\* آیه الله (سیستانی): اگر بداند که می تواند به مکه برگردد و از آنجا احرام برای حج ببندد، اظهار جواز بیرون رفتن از مکه بدون احرام است، و اگر نداند با احرام حج از مکه بیرون رود(2).

\* سؤال: کسی از جده محرم شده و اعمال عمره تمتع را انجام داده است تکلیف او چیست(3)؟

- امام خمینی (ره): - اگر از رفتن به میقات معذور نبوده و وقت برای انجام عمره تمتع هست باید به میقات برود

ص: 196

1- - مناسک، مسأله 152.

2- 2- همان، مسأله 151.

3- 3- مناسک حج (المحشی للإمام الخمینی)، سؤال 239، ص 127.

و محرم شود و عمره تمتع را اعاده کند، و اگر رفتن به میقات ممکن نیست به خارج حرم برود و از آنجا محرم شود.

\* آیه الله (بهجت): با رعایت احتیاطی که گذشت در فاصله گرفتن از حرم بمقدار ممکن در جاهل غیر مقصر و یا سایر اعدار.

\* آیه الله (اراکي): و اعمال عمره و حج را انجام دهد و سال بعد بنا بر احتیاط اعاده کند.

\* سؤال: آیا جایز است کسی که به احرام عمره تمتع در یکی از میقات ها محرم شده است به طرف خلاف مکه برود و بعد از چند روز بیاید

مکه، مثلاً از مسجد شجره به مدینه و بعد از همان راه یا راه دیگر به مکه برود(1)؟

- امام خمینی (ره): - مانع ندارد.

\* سؤال: بعد از اتمام حج تمتع اگر شخص از مکه خارج شود و بخواهد مراجعت کند آیا لازم است محرم شود یا خیر(2)؟

- امام خمینی (ره):

- در صورتی که از وقت احرام عمره تمتع یک ماه نگذشته است لازم نیست حرم شود و می تواند بدون احرام وارد مکه شود.

\* آیه الله (خوئی): در همان ماهی که عمره تمتع انجام داده اگر برگردد لازم نیست حرم شود.

\*\*\*\*\* آیات عظام (اراکي)، (مکارم)، (تبریزی)، (گلپایگانی)، (صافی)، (فاضل): در همان ماهی که حرم شده مراجعت کند لازم نیست حرم شود.

آیه الله سیستانی): اگر در همان ماه قمری باشد که عمره تمتع را انجام داده است لازم نیست محرم شود.

\* آیه الله (بهجت): در این صورت عدم فاصله اگر ماه خروج با ماه مراجعت تغایر دارد احوط این است که با احرام برای عمره وارد مکه

شود اگر چه خروج در آخر ماهی و ورود در اول ماه دیگر باشد و هم چنین است گذشتن سی روز با عدم تغایر ماه(3).

ص: 197

---

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، سؤال 240، ص 128.

2-2- همان، سؤال 241.

3-3- مناسک شیخ، ص 90.



\* سؤال: کسی که عمره مفرده انجام داده است، آیا می تواند در فاصله کمتر از یک ماه، بدون احرام از میقات تجاوز کند(1)؟

- امام خمینی (ره):

احتیاط آن است که بقصد رجاء برای عمره مفرده دیگر محرم شود و بدون احرام تجاوز نکند.

\* سؤال: کسی که در جده و یا مدینه حالت روانی پیدا می کند، آیا لازم است محرما وارد مکه شود، یا بدون احرام نیز جایز است(2)؟

- امام خمینی (ره):

مجنون، تکلیف ندارد و احرام بر او واجب نیست، و اگر بدون احرام وارد مکه شود اشکالی ندارد.

\* سؤال: زن حائضی که نمی توانست صبر کند تا پاک شود، نزدیک مسجد شجره محرم شد و بنا داشت محاذی جحفه احرام را تجدید کند، در ماشین خوابش برد و وارد مکه شد، آیا احرام او درست است(3)؟

- امام خمینی (ره):

- در صورت امکان باید برگردد و از جحفه یا محاذی آن محرم شود علی الأحوط، و اگر ممکن نیست، از حرم خارج شود و از آنجا حرام بیند.

آیه الله (بهجت): در صورتی که نتواند به میقات برگردد همان احرام کفایت میکند(4).

\* سؤال: اگر بعد از خروج از میقات در بین راه متوجه شود که تلبیه را نگفته، یا نیت نکرده و یا به جهت دیگر احرامش درست نیست، و چنانچه بخواهد از همان جا به میقات برگردد میسر نیست ولی اگر بیاید مکه امکان دارد برگردد، آیا می تواند بیاید مکه و به میقات برگردد، یا باید از همان جا محرم شود(5)؟

ص: 198

---

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، سؤال 242، ص 128.

2-2- همان، سؤال 243، ص: 129.

3-3- همو، سؤال 244

4-4- پرسشهای جدید حج، س 26.

5-5- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، سؤال 245، ص: 129.

- امام خمینی (ره):

- اگر می‌تواند به میقات برگردد و لو از مکه، نمی‌تواند برای عمل واجب از غیر میقات محرم شود، ولی برای دخول مکه از ادنی الحل به نیت عمره مفرده محرم شود و بعد از اعمال آن، به یکی از مواقیت معروف برود و برای عمره تمتع احرام ببندد.

\* آیه الله (تبریزی): بنا بر احتیاط اگر هر دو عمره در یک ماه انجام می‌شود به نیت یک شخص به جا نیاورد.

\* آیه الله (خوئی): فتوای ایشان در دست نیست ولی احتیاط موافق متن است.

\* سؤال: زن بدون اذن شوهرش نذر میکند و با نذر محروم می‌شود، آیا احرامش درست است، و چنانچه با همان احرام اعمالش را به جا آورده باشد چگونه است (1)؟

- امام خمینی (ره):

- اگر قبل از میقات محرم شده، احرام او صحیح نیست، اگر چه در صورتی که بعد از تمام شدن حج فهمید عملش صحیح است، ولی اگر بعد از عمره متوجه شد، در صورتی صحیح است که قابل جبران نباشد. و در صورتی که می‌تواند باید به میقات برود و از آنجا محرم شود و اگر نمی‌تواند به میقات برود، از خارج حرم احرام ببندد.

\*\* آیه الله (خوئی)، آیه الله (مکارم): اگر نذر زن منافی حق شوهر باشد اذن معتبر است و الا معتبر نیست.

\* آیه الله (خامنه‌ای): نذر زن برای احرام بستن قبل از میقات در غیاب شوهرش موقوف بر اذن او نیست ولی در صورت حضور شوهرش احتیاط آن است که بدون اذن او نذر نکند پس اگر در این صورت نذر کند منعقد نمی‌شود.

\* آیه الله سیستانی: اگر قبل از میقات محرم شده چنانچه صحت حج واجب توقف بر آن داشته یا آن که منافی حق شوهر نبوده احرامش صحیح است.

\* آیه الله (تبریزی): اگر قبل از میقات محرم شده، چنانچه صحت حج توقف بر آن داشته یا آن که منافی حق شوهر نبوده، احرامش صحیح است.

\* آیه الله (بهجت): در صورتی که نذر او منافاتی با حق شوهر نداشته باشد مانعی ندارد (2).

ص: 199

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، سؤال 246، ص 130.

2-2- پرسشهای جدید حج، س 28.

\* آیه الله (فاضل): در صورتی که قابل جبران نباشد عمره تمتع صحیح نیست و باید حج افراد انجام دهد.

آیه الله (مکارم): در صورتی که در همان ماه قمری به مکه برود احرام مجدد لازم نیست.

\* آیه الله (بهجت): به حاشیه مساله قبل مراجعه شود.

\* آیه الله خامنه ای): قبل از گذشت یک ماه از احرام سابقش می تواند بدون احرام از میقات عبور کند.

\* آیه الله (تبریزی): اگر در همان ماه که محرم شد مراجعت کند تجدید احرام لازم نیست .

\* سؤال: آیا نذر احرام قبل از میقات برای نایب هم جایز است یا نه (1)؟

- امام خمینی (ره): اشکال ندارد.

\* سؤال: هرگاه حائض یا جنب عصیانا وارد مسجد شجره شود و مانند دیگران توقف نماید و محرم شود، آیا احرام او صحیح است یا نه (2)؟

- امام خمینی (ره): - احرام صحیح است.

\* آیه الله (مکارم): اگر عمدا باشد خالی از اشکال نیست.

\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): چنانچه قصد قربت از او متمشی شود احرام صحیح است.

\* آیه الله (تبریزی): صحت احرام او محل اشکال است. و باید تلبیه را بقصد احرام تجدید کند.

\* آیه الله (بهجت): اگر چه در توقف معصیت کرده است (3).

\* سؤال: کسانی که در مکه اقامت پذیرفته اند، موقتا نه دائما، آیا میقاتشان همان مواقیت خمسه معروفه است یا ادنی الحل (4)؟

ص: 200

---

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، سؤال 247، ص

2-2- همان، سؤال 248.

3-3- پرسشهای جدید حج، س 29.

4-4- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، سؤال 249، ص 130.

- امام خمینی (ره):

- اگر فریضه آنها تبدیل نشده باید از مواقیت معروفه محرم شوند، و اگر تبدیل شده میقات آنها مکه است.

\* سؤال: شخصی بدون إحرام، عمد یا جهلا یا سهوا، وارد مکه شده و بعدا از جهت گرانی بیش از حد کرایه یا ممنوعیت از طرف دولت نتوانست به میقات برگردد، وظیفه اش چیست(1)؟

- امام خمینی (ره):

- اگر ممکن نیست به میقات برود از ادنی الحل باید محرم شود مگر این که ترک احرام از میقات بدون عذر باشد، که در این صورت نمی تواند حج به جا آورد و اگر مستطیع است سال بعد باید حج انجام دهد، و گرانی بیش از حد عذر نیست مگر موجب حرج باشد.

\*\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): واجب است تا حد امکان به سمت میقات برود.

\* آیه الله (فاضل): پس از زوال عذر و یادآوری اگر برگشتن به میقات ممکن باشد بر می گردد والا احرام از همان جا ببندد، اگر چه احوط آن است به هر مقدار که می تواند به میقات برگردد.

\* آیه الله (سیستانی): در این صورت لازم است از حرم بیرون رفته و از خارج حرم محرم شود و اولی در این صورت این است که هر چه بتواند از حرم دور شود و احرام ببندد و اگر نتواند از حرم خارج شود هر جا هست محرم شود.

\* آیه الله (بهجت): لازم است از حرم بیرون رفته و از خارج حرم محرم شود، و احتیاط واجب در این صورت این است که هر چه بتواند از حرم دور شود و احرام ببندد.

\* آیه الله (تبریزی): در این صورت لازم است از حرم بیرون رفته و از خارج حرم محرم شود، و احوط در این صورت این است که هر چه بتواند از حرم دور شود و احرام ببندد، و اگر نتواند از حرم بیرون برود در همان مکانی که هست محرم شود.

\* آیه الله (اراکلی): اگر چه احوط آن است که از هر مکان ممکن باشد احرام ببندد و قضای آن را در سال بعد به جا آورد.

\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): اقوی بطلان عمره یا حج است اگر چه احوط احرام از ادنی الحال است و در سال بعد باید قضا کند.

آیه الله (خوئی): در این فرض اگر چه معصیت کار است ولی اگر در صورت امکان به

ص: 201

خارج حرم برود و از آنجا محرم شود، صحت حج او مانند فرض اول خالی از وجه نیست، کما این که در هر دو فرض اگر نتواند از حرم خارج شود و در داخل حرم محرم شود اشکال ندارد (1).

\*آیه الله (بهجت): در این صورت بنا بر احتیاط واجب از حرم بیرون رفته و از بیرون حرم احرام ببندد و باید عمره را قضا نماید (2).

\*آیه الله (سیستانی): مگر این که از میقات محرم شود.

\*آیه الله (مکارم): هر چند احتیاط مستحب آن است که از ادنی الحل یا هر جا که می تواند محرم شود و حج را به جا آورد و سال آینده طبق آن چه در متن آمده عمل کند.

## واجبات احرام

### اشاره

واجبات در وقت احرام سه چیز است (3):

### اول - نیت

یعنی انسان در حالی که می خواهد محرم شود به احرام عمره تمتع، نیت کند عمره تمتع را و لازم نیست قصد کند ترک محرماتی را که بر محرم پس از احرام، حرام می شود، بلکه کسی که بقصد عمره تمتع یا حج تمتع لبیک های واجب را گفت، محرم می شود چه قصد بکند احرام را یا نکند و چه قصد بکند ترک محرمات را یا نکند. پس کسی که می داند ارتکاب میکند بعضی محرمات را مثل زیر سایه رفتن در حال سفر، احرام او صحیح است. ولی احتیاط آن است که قصد کند ترک محرمات را.

\*\*\*\* آیات عظام (خوئی)، (خامنه ای)، (تبریزی)، (بهجت): در نیت چند چیز معتبر است:

1- قصد قربت (نزدیکی به خدا) مانند عبادات دیگر غیر از احرام.

\*آیه الله (بهجت): قصد قربت (یعنی به جهت اطاعت و امتثال فرموده خداوند عالم) (4).

ص: 202

1-1- مناسک، مسأله 168.

2-2- همان، به ذیل مسأله 210 و 215 مراجعه شود.

3-3- مناسک حج (المحشی للإمام الخمینی)، مسأله 251، ص 132.

4-4- مناسک شیخ، ص 12.

2- هم زمان بودن با شروع در احرام.

3- تعیین احرام که برای عمره است یا برای حج، و تعیین حج که تمتع است یا قرآن یا افراد، و تعیین این که برای خود است یا برای دیگری، و تعیین این که حجش حجه الاسلام است که برای اولین بار به استطاعت بر او واجب شده یا حج نذری است که به سبب نذر بر او واجب شده یا حجی است که به سبب فاسد بودن حج قبل بر او واجب شده یا حج مستحبی است.

خلاصه هر یک از اینها که باشد باید در نیت مشخص شود. پس اگر بدون تعیین نیت، احرام نمود، احرامش باطل خواهد بود.

\*\* آیه الله (خوئی) و (تبریزی): حجه الاسلام عنوان قصدی نیست و اگر مکلف مستطیع برای خود حج به جا آورد حجه الاسلام است مگر با علم و عمد قصد حج استحبابی نماید.

\* آیه الله (مکارم): نیت احرام این است که قصد می کند تروک احرام را بر خود حرام کند و قصد اجمالی کافی است.

آیه الله (سیستانی): در نیت معتبر است قصد قربت و وقوع آن در میقات و مانند آن و مشخص نمودن عبادتی که قصد احرام برای آن دارد، که آیا حج است و یا عمره و تعیین حج که تمتع است یا قرآن یا افراد، و در صورت نیابت باید آن را قصد کند و اگر برای خودش باشد کافی است که قصد انجام آن از غیر ننماید و در عمل نذری کافی است که آن چه نذر نموده بر عملش منطبق باشد، و لزومی ندارد قصد کند حجی که انجام می دهد - مثلاً حج نذری است، هم چنان که برای این که حجی که انجام می دهد حجه الاسلام باشد، کفایت میکند که حجه الاسلام که بر او واجب شده بر عملش منطبق باشد و نیاز به قصد زایدی نیست (1).

\*\*\*\* آیات عظام (اراکلی)، (گلپایگانی)، (بهجت)، (صافی): لازم است قصد کند ترک کارهایی که بر محرم حرام است.

\* آیه الله (خامنه ای): لکن باید قصد انجام چیزی که احرام را باطل می کند نداشته باشد.

\* آیه الله (مکارم): احرام او خالی از اشکال نیست مگر در حال ضرورت.

\* مسأله: آن چه ذکر شد که لازم نیست قصد کند ترک محرمات را در غیر آن محرماتی است که عمره یا حج را باطل می کند. مثل اکثر محرمات، و اما آن چه عمره یا حج را باطل می کند مثل

ص: 203

نزدیکی با زن در بعضی از صور که ذکر خواهد شد پس با قصد ارتکاب آن، احرام باطل است بلکه غیر ممکن است (1).

\*\*\* آیات عظام (اراکى)، (گلپایگانی)، (بهجت)، (مکارم): قصد ترک جمیع محرمات را لازم می دانند.

\* آیه الله (خوئی): بنا بر قول مشهور (نسبت به جماع قبل از سعی در عمره مفرده، فتواست).

\* آیه الله (تبریزی): در صحت احرام عزم بر ترک محرمات از اول تا آخر احرام معتبر نیست.

\* آیه الله (سیستانی): فقط در حین احرام عمره مفرده اگر مکلف قصد داشته باشد که قبل از فارغ شدن از سعی با همسر خود نزدیکی کند، یا تردید دارد که این کار را بکند یا نه، ظاهر این است که احرامش باطل است، و بنا بر احتیاط حکم استمنا هم همین است (2).

\* مسأله: عمره و حج و اجزاء آنها از عبادات است و باید با نیت خالص برای طاعت خداوند تعالی به جا آورد (3).

\*\*\* آیه الله (اراکى)، آیه الله (نوری): و هم چنین احرام.

\* آیه الله (سیستانی): بلکه برای تذلل در پیشگاه خداوند.

\* آیه الله (نوری): و باید نیت آن را داشته باشد که بعد از عمره تمتع را انجام بدهد.

\* مسأله: اگر عمره را به ریاء یا غیر آن باطل کند احتیاط واجب آن است که حج افراد به جا آورد و پس از آن عمره مفرده به جا آورد و در سال دیگر حج را اعاده کند (4).

\*\*\* آیه الله (اراکى)، آیه الله (فاضل): و جبران آن ممکن نشود و وقت نباشد.

\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): به وظیفه ای که بعداً برای باطل کننده عمره یا حج خواهد آمد عمل نماید.

\*\*\* آیات عظام (خوئی)، (تبریزی)، (سیستانی): اگر عمره را باطل کند در صورت امکان واجب است اعاده آن و اگر ممکن نبود حجش باطل می شود و باید سال دیگر عمره و حج را اعاده کند.

ص: 204

1-1- مناسک حج (المحشى للإمام الخميني)، مسأله 252، ص 133.

2-2- مناسک، مسأله 178

3-3- مناسک حج (المحشى للإمام الخميني)، مسأله 253، ص 133.

4-4- همان، مسأله 254، ص 133.

\* مسأله: اگر حج را به نیت خالص به جا نیاورد و به ریاء و غیر آن باطل کند باید سال دیگر عمره و حج را اعاده کند (1).

\* مسأله: اگر بعضی از ارکان عمره یا حج را به نیت خالص نیاورد و به ریاء و غیر آن باطل کند و نتواند آن را جبران کند پس در عمره حکم بطلان عمره را دارد و در حج حکم بطلان حج را، ولی اگر محل جبران باقی است و جبران کرد عملش صحیح می شود، گر چه معصیت کار است (2).

\* مسأله: اگر به واسطه ندانستن مسأله یا جهت دیگر به جای نیت عمره تمتع، حج تمتع را قصد کند پس اگر در نظرش آن است که همین عمل را که همه به جا می آورند او هم به جا آورد و گمان کرده جزء اول از دو جزء حج، اسمش: حج تمتع است ظاهراً عمل او صحیح است و عمره تمتع است، و بهتر آن است که نیت را تجدید کند (3).

- امام خمینی (ره):

اگر به واسطه ندانستن مسأله یا جهت دیگر گمان کند که حج تمتع بر عمره تمتع مقدم است و نیت حج تمتع کند به عزم این که پس از احرام برود به عرفات و شعر و حج به جا آورد و عمره را پس از آن به جا آورد احرام او باطل است، و باید در میقات تجدید احرام کند، و اگر از میقات گذشته است باید در صورت امکان برگردد به میقات و محرم شود، و الا از همان جا محرم شود، و اگر وارد حرم شده و ملتفت شد باید در صورت امکان از حرم خارج شود و محرم شود، و الا در همان جا محرم شود (4).

\* آیه الله (مکارم): بنا بر احتیاط واجب.

\* آیه الله (بهجت): اگر وقت تنگ باشد و نتواند پیش از حج اعاده و یا جبران کند حج او افراد می شود و عمره مفرده پس از حج به جا می آورد و احوط اعاده حج است در سال آینده مناسک شیخ ص 16 و 56).

ص: 205

---

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخمینی)، مسأله 255، ص 134.

2-2- همان، مسأله 256، ص 134.

3-3- مناسک حج (المحشی للإمام الخمینی)، مسأله 257، ص 134.

4-4- همان، مسأله 258، ص 134.



و صورت آن بنا بر اصح آن است که بگوید (1):

لبیک اللهم لبیک لبیک لا شریک لک لبیک» .

\* مسأله: و به این مقدار اگر اکتفا کند محرم شده و احرامش صحیح است، و احتیاط مستحب آن که علاوه بر آن نایب هم بگیرد.

\*\*آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): صورت تلبیه واجب که به وسیله آن احرام واقع می شود این است: «لبیک اللهم لبیک لبیک لا شریک لک لبیک» احتیاط در این است این جمله اضافه شود: «ان الحمد والنعمة لک والملك لا شریک لک».

\* آیه الله (مکارم): احتیاط واجب است که بگوید... اما لبیک پنجم را نگوید.

\* آیه الله (سیستانی): لبیک پنجم جایز است ولی جزء این احتیاط استحبابی نیست.

\* مسأله: واجب است صحیح گفتن قدر واجب از لبیک را که گذشت، همان طور که صحیح گفتن تکبیره الإحرام در نماز واجب است (2).

\* مسأله: اگر تلبیه را بقدر واجب که ذکر شد، نداند باید آن را یاد بگیرد یا کسی او را در وقت گفتن تلقین کند، یعنی کلمه آن شخص بگوید و شخصی که می خواهد احرام ببندد دنبال او بطور صحیح بگوید (3).

\* مسأله: اگر نتواند یاد بگیرد یا وقت یاد گرفتن نباشد و با تلقین هم نتواند بگوید احتیاط آن است که به هر نحو که می تواند بگوید، و ترجمه اش را هم بگوید، و بهتر آن است که پس از آن که چهار «لبیک» را به صورتی که گفته شده گفت بگوید (4):

ان الحمد والنعمة لک والملك لا شریک لک لبیک»..

و اگر بخواهد احتیاط بیشتر بکند پس از گفتن آن چه ذکر شد، بگوید:

«لبیک اللهم لبیک ان الحمد والنعمة لک والملك لا شریک لک لبیک» .

ص: 206

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، مسأله 259 .

2-2- همان، مسأله 260، ص 135.

3-3- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، مسأله 261.

4-4- همان، مسأله 262.

و مستحب است بعد از آن بگوید:

لیبک ذا المعارج لیبک، لیبک داعیا الی دار السلام لیبک، لیبک غفار الذنوب لیبک، لیبک أهل التلبیه لیبک، لیبک ذا الجلال و الاکرام لیبک، لیبک تبدئ و المعاد الیک لیبک، لیبک تستغنی و یفتقر الیک لیبک لیبک مرهوبا و مرغوبا الیک لیبک لیبک إله الحق لیبک، لیبک ذا النعماء و الفضل الحسن الجمیل لیبک لیبک کشاف الكرب العظام لیبک، لیبک عبدک و ابن عبدیک لیبک لیبک یا کریم لیبک».

و این جملات را نیز بگوید خوب است:

«لیبک أتقرب إلیک بمحمد و آل محمد لیبک لیبک بحجه و عمره لیبک لیبک و هذه عمره متعه إلی الحج لیبک لیبک أهل التلبیه لیبک لیبک تلبیه تمامها و بلاغها علیک»

\* آیه الله (فاضل): احتیاط مستحب آن است که به جای صورت اول بگوید.

\* آیه الله (فاضل): و ظاهرا همین مقدار کافی است و احتیاط مستحب آن است که ترجمه را بگوید و نایب نیز بگیرد.

\* مسأله: اگر لیبک گفتن را فراموش کرد یا به واسطه ندانستن حکم نگفت، واجب است برگردد به میقات در صورت امکان و احرام ببندد و لیبک بگوید و اگر نتواند برگردد همان جا بگوید اگر داخل حرم نشده است، و اگر داخل حرم شده واجب است برگردد به خارج حرم و احرام ببندد و لیبک بگوید، و اگر ممکن نیست همان جا محرم شود و لیبک بگوید، و اگر بعد از گذشتن وقت جبران، یادش آمد بعید نیست صحت عمل (1).

\*\*\* آیات عظام (خامنه ای)، (اراکی)، (فاضل): احرام ببندد و لیبک بگوید.

\* آیه الله (سیستانی): بنا بر احتیاط واجب به مقداری که ممکن است به طرف میقات برگردد و محرم شود.

\* آیه الله (بهجت): محل تأمل است (2).

\* آیه الله (سیستانی): اگر در عمره باشد صحت عمل مورد اشکال است.

\* آیه الله (مکارم): اگر بعد از اتمام حج یا عمره یادش بیاید عمل او صحیح است.

\*\*\* آیه الله (خوئی)، آیه الله (تبریزی): صحت عمل خالی از اشکال نیست.

ص: 207

1-1 - مناسک حج (المحشی للإمام الخمینی)، مسأله 263، ص 136.

2-2 - مناسک شیخ، ص 12.

\*آیه الله (فاضل): اگر بعد از اعمال حج یادش آمد حج او صحیح است. ولی اگر بعد از عمره تمتع یا عمره مفرده یادش آمد عمره باطل است، و در عمره تمتع اگر فرصت دارد و امکان جبران دارد باید به میقات و لو به ادنی الحل برگردد و جبران کند و اگر امکان جبران نبود حج افراد انجام دهد، و در این صورت کفایت از حجه الاسلام می کند.

\* مسأله: اگر کسی لبیک واجب را نگفت چه به واسطه عذری و چه بدون عذر چیزهایی که بر محرم حرام است بر او حرام نمی شود، و اگر آن چه در احرام موجب کفاره می شود به جا آورد کفاره ندارد، و هم چنین اگر لبیک را به ریاء باطل کند (1).

\*\*\* آیات عظام (اراکلی)، (تبریزی)، (مکارم): احوط این است نایب هم بگیرد.

\* آیه الله (خامنه ای): باید به هر نحو که می تواند بگوید و بنا بر احتیاط نایب هم بگیرد.

\* آیه الله (سیستانی): کافی است به نحوی که می تواند بگوید، اگر عرف صدق تلبیه کند و اگر صدق نکند به احتیاط واجب هم مرادف عربی و هم ترجمه آن را بگوید و نیز نایب بگیرد.

آیه الله (نوری): نایب گرفتن لازم نیست.

\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): اگر تلقین ممکن نشد به هر طوری که می تواند بخواند و ترجمه اش را به فارسی یا زبان دیگر بگوید و نایب هم بگیرد رجاء که از طرف او بطور صحیح بخواند (2).

\* مسأله: اگر بعد از گفتن لبیک واجب در میقات، فراموش کند که نیت عمره تمتع کرده یا نیت حج تمتع، بنا بگذارد که نیت عمره تمتع کرده، و عمره او صحیح است، و هم چنین اگر بعد از لبیک گفتن در روز هشتم که باید برای حج تمتع بگوید، فراموش کرد که لبیک را برای حج گفت یا برای عمره، بنا بگذارد که برای حج تمتع گفته، و حج او صحیح است و احتیاط مستحب در تجدید تلبیه است (3).

\*\*\* آیه الله (تبریزی)، آیه الله (خوئی): اگر داخل در عمل مترتب مثل طواف عمره تمتع یا وقوف به عرفات شده، حکم به صحت می شود (4).

ص: 208

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخمینی)، مسأله 264، ص 136.

2-2- مناسک فارسی، ص 29.

3-3- مناسک حج (المحشی للإمام الخمینی)، مسأله 265، ص 137.

4-4- مستفاد از تعلیقه عروه، ج 2، ص 356.

\* مسأله: جایز نیست لبیک واجب را از میقات تأخیر بیندازد، و اگر تأخیر انداخت باید به دستوری که در مسأله 215 ذکر شد، عمل کند (1).

\* آیه الله (اراکي): بنا بر احتیاط جایز نیست.

\* آیه الله (خوئی): کسی که می خواهد از راه مدینه به حج برود بهتر است گفتن تلبیه را تا رسیدن به بیداء (جایی که یک میل با ذو الحلیفه به طرف مکه فاصله دارد) تأخیر بیندازد و در آنجا تلبیه بگوید و کسی که از راه دیگر به حج می رود تلبیه را پس از قدری راه رفتن بگوید.

\* مسأله: واجب در لبیک بیش از یک مرتبه نیست، ولی مستحب است تکرار آن و زیاد گفتن آن هر چه می تواند، و برای هفتاد مرتبه گفتن ثواب زیادی ذکر شده است، و لازم نیست آن چه را در حال احرام بستن گفته است تکرار کند، بلکه کافی است بگوید «لبیک اللهم لبیک» یا تکرار کند «لبیک» را فقط (2).

\* آیه الله (مکارم): بقصد رجاء.

\* مسأله: - احتیاط واجب آن است که کسی که برای عمره تمتع محرم شد در وقتی که خانه های مکه پیدا می شود لبیک را ترک کند و دیگر لبیک نگوید، و مراد از خانه های مکه خانه هایی است که در زمانی که عمره به جا می آورد جزء مکه باشد هر چند مکه بزرگ شود، و احتیاط واجب برای کسی که احرام حج بسته آن است که لبیک را تا ظهر روز عرفه بیشتر نگوید (3).

\*\*\*\* آیات عظام (خوئی)، (تبریزی)، (فاضل)، (مکارم): واجب است.

\* آیه الله (خامنه ای): قطع تلبیه عمره تمتع در هنگام پیدا شدن خانه های مکه و قطع تلبیه حج از زوال روز عرفه واجب است.

\*\*\* آیات عظام (خوئی)، (تبریزی)، (سیستانی)، (بهجت): بلکه مراد خانه های قدیمی مکه است.

\*\*\* \*\*\* آیات عظام (خوئی)، (خامنه ای)، (تبریزی)، (بهجت)، (مکارم)، (فاضل): باید قطع نماید.

ص: 209

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 266، ص 137.

2-2- همان، مسأله 267، ص 137.

3-3- همو، مسأله 268.

\* مسأله: که یکی «لنگ» است و دیگری «رداء» که باید آن را به دوش بیندازند. و احتیاط واجب آن است که این دو جامه را قبل از نیت احرام و لبیک گفتن بپوشد و اگر بعد از لبیک پوشید احتیاط آن است که لبیک را دوباره بگوید (1).

\* آیه الله (گلپایگانی): پوشیدن دو جامه احرام اختصاص به مردان ندارد و احتیاط واجب آن است که زنها نیز دو جامه را به پوشند اگر چه کندن لباس دوخته بر آنها واجب نیست و جایز است بعد از احرام دو جامه حرام را بیرون بیاورند و با همان لباس خودشان باشند و بهتر آن است که در حال سعی و طواف دو جامه حرام را در برداشته باشند.

\* آیه الله (فاضل): دو جامه ای که باید محرم بپوشد، مخصوص مرد است. ولی زن قبل از نیت و تلبیه به احتیاط واجب نیت کند. همان لباسی که پوشیده لباس احرامش باشد، ولی احتیاط مستحب آن است که فقط در حال نیت و تلبیه دو لباس احرام را بپوشد.

\* آیه الله (صافی): احتیاط مستحب آنست که زنها نیز دو جامه حرام را در وقت محرم شدن به پوشند و در طواف و سعی نیز همراه داشته باشند (2).

\* آیه الله (بهجت): واجب است پوشیدن دو جامه در حال احرام، و محل پوشیدن، از باب مقدمه قبل از نیت و تلبیه است و احتیاط در صورت تاخیر پوشیدن در اعاده نیت و تلبیه است (3).

\*\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): می بایست قبل از نیت و تلبیه دو جامه را به پوشند.

\*\* آیه الله (اراکي)، آیه الله (نوری): لباسهای دوخته را بکنند، و این دو جامه را.

\*\* آیه الله (خامنه ای)، آیه الله (فاضل): احتیاط مستحب است.

\* آیه الله (سیستانی): احتیاط مستحب اعاده نیت و تلبیه است (4).

ص: 210

---

1-1 - مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 269، ص 138.

2-2 - مناسک فارسی، ص 28.

3-3 - مناسک شیخ، ص 14.

4-4 - مناسک، مسأله 189.

\* مسأله: لازم نیست که لنگ، ناف و زانورا بپوشاند، و کفایت میکند که بنحو متعارف باشد، ولی مستحب است که ناف و زانورا به پوشاند(1).

\*\* آیه الله (خوئی) و آیه الله (تبریزی): باید به اندازه ای باشد که ناف تا زانورا به پوشاند.

\*\*\* آیات عظام (گلپایگانی)، (سیستانی)، (مکارم)، (صافی): بنا بر احتیاط واجب لازم است.

\* آیه الله (اراکي): بنا بر احتیاط .

\* آیه الله (بهجت): ازار از ناف تا زانورا باید به پوشاند (ولی استحباب پوشاندن ناف و زانورا متعرض نشده اند. (2))

\* مسأله: در پوشیدن دو جامه احرام ترتیب خاصی معتبر نیست، بلکه به هر ترتیبی بپوشد مانع ندارد، فقط باید یکی را لنگ قرار دهد به هر کیفیتی که می خواهد، و یکی را رداء قرار دهد به هر کیفیتی که می خواهد، و احتیاط مستحب آن است که رداء شانه ها را به پوشاند (3).

\* آیه الله (خامنه ای): اگر به کیفیت متعارف باشد کفایت می کند.

\*\*\* آیه الله (اراکي)، آیه الله مکارم): بنا بر احتیاط واجب.

\*\*\* آیات عظام (گلپایگانی)، (تبریزی)، (بهجت): باید به پوشاند.

\* آیه الله (سیستانی): احتیاط واجب این است که رداء به اندازه ای باشد که دو شانه و دو بازو و مقدار قابل توجهی از کمر را به پوشاند (4).

\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): باید رداء به قدری باشد که شانه ها را به پوشاند.

\* آیه الله (خامنه ای): باید رداء به قدری باشد که شانه ها را به پوشاند.

\* آیه الله (فاضل): بلکه واجب است علاوه بر آن قسمتی را به پوشاند به گونه ای که صدق رداء بکند.

\* مسأله: احتیاط واجب آن است که در حال اختیار اکتفا نکند به یک جامه بلند که مقداری از آن را لنگ کند و مقداری را رداء قرار دهد، بلکه باید دو جامه جدا باشند (5).

ص: 211

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 270، ص 138.

2-2- مناسک، مسأله 189.

3-3- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 271، ص 138.

4-4- مناسک، مسأله 189.

5-5- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 272، ص 139.

\* آیه الله خامنه ای): پوشیدن دو جامه احرام واجب تعبدی است.

\* آیه الله (بهجت): احرام صحیح است.

\* آیه الله (سیستانی): بلکه ظاهر این است که کافی نباشد.

\* مسأله: در پوشیدن جامه احرام احتیاط واجب آن است که نیت کند و قصد امر الهی و اطاعت او کند و احتیاط مستحب آن است که در کندن جامه دوخته هم نیت و قصد اطاعت کند.

\* آیه الله (بهجت): در پوشیدن لباس احرام قصد قربت لازم است. (متذکر نیت کندن لباس مخیط نشده اند) آیه الله (سیستانی): بعید نیست اعتبار قصد قربت در پوشیدن لباس احرام.

\* مسأله: شرط است در این دو جامه که نماز در آنها صحیح باشد، پس کفایت نمی کند جامه حریر و غیر مأکول و جامه ای که نجس باشد به نجاستی که در نماز عفو از آن نشده باشد (1).

\*\*آیه الله (خوئی)، آیه الله (تبریزی): احتیاط آن است که پوشیدن به نحو متعارف باشد.

\* آیه الله (سیستانی): احتیاط مستحب این است که پوشیدن به نحو متعارف باشد.

\* آیه الله (بهجت): واجب است پوشیدن دو جامه احرام که یکی از آنها ستر کند ما بین ناف و زانو که آن را ازار گویند و دیگری که رداء باشد آن قدر باشد که بپوشاند دو شانه را به نحوی که رداء و تری به آن صادق باشد (2).

\* آیه الله (بهجت): بنا بر احتیاط. در مجموع موانع نماز خواندن در لباس (3).

\* آیه الله (سیستانی): بنا بر احتیاط واجب در غیر درندگان.

\* مسأله: لازم است جامه ای را که لنگ قرار می دهد نازک نباشد به طوری که بدن نما باشد، و احتیاط مستحب آن است که رداء هم بدن نما نباشد (4).

\*\*\*\*\* آیات عظام (خوئی)، (اراکی)، (نوری)، (تبریزی)، (بهجت)، (فاضل)، (مکارم): احتیاط واجب است.

ص: 212

1-1 - مناسک حج (المحشی للإمام الخمینی)، مسأله 274، ص 139.

2-2 - مناسک شیخ، ص 14.

3-3 - همان.

4-4 - مناسک حج (المحشی للإمام الخمینی)، مسأله 275، ص 140.





**\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی):** معظم له در مناسک فارسی احتیاط وجوبی و در مناسک عربی فتوا می دهند به این که بدن نما نباشد.

\* آیه الله (سیستانی): احتیاط این است که هیچ قسمتی از آزار بدن نما نباشد، ولی این شرط در رداء معتبر نیست (1).

\* آیه الله (خامنه ای): بدن نما بودن رداء مانع ندارد. مشروط بر این که رداء بر آن صدق کند.

\* مسأله: احتیاط واجب آن است که لباس احرام زن حریر خالص نباشد، بلکه احتیاط آن است که تا آخر احرام حریر نباشد (2).

\*\*\*\*\* آیات عظام (خامنه ای)، (گلپایگانی)، (خوئی)، (تبریزی)، (صافی): باید از حریر خالص نباشد.

\* آیه الله (بهجت): اما زنان بنا بر اقوی جایز است در جامه حریر احرام ببندند، گر چه احتیاط در ترک آن است. و هم چنین است جواز پوشیدن آن در جمیع احوال احرام (3).

مسأله: دو جامه ای که ذکر شد که باید محرم بپوشد مخصوص به مرد است، ولی زن می تواند در لباس خودش به هر نحو هست محرم شود چه دوخته باشد یا نباشد ولی حریر محض نباشد (4).

\*\*\* نظر آیات عظام (گلپایگانی)، (فاضل) و (صافی) در سوم از واجبات احرام (پوشیدن لباس) گذشت.

\* آیه الله (مکارم): و به هر رنگ باشد.

آیه الله (تبریزی)، آیه الله (سیستانی): زنان می توانند در لباسهای عادی خود در صورتی که دارای شرایط ذکر شده در لباس احرام باشد احرام ببندند.

\* مسأله: احتیاط واجب آن است که هر وقت در بین اعمال یا غیر آن در احوال احرام این دو جامه نجس شود تطهیر یا تبدیل نماید، و احوط مبادرت به تطهیر بدن است در حال احرام اگر نجس شود (5).

ص: 213

1- مناسک، مسأله 193.

2- 2- مناسک حج (المحشی للإمام الخمینی)، مسأله 276، ص 140.

3- 3- مناسک شیخ، ص 15.

4- 4- همو، مسأله 277.

5- 5- مناسک حج (المحشی للإمام الخمینی)، مسأله 278، ص 140.

\* آیه الله (صافی): اگر لباس احرام در بعض حالات احرام نجس شود، احتیاط مستحب آن است که آن را عوض کند و یا تطهیر نماید، بلکه احوط و اولی آن است که اگر محرم بدنش نجس شود نجاست را از آن زایل کند (1).

\* آیه الله (مکارم): این حکم واجب است.

\* آیه الله (سیستانی): به احتیاط واجب باید مبادرت کند به تبدیل یا تطهیر.

\* آیه الله (فاضل): یا لباسی که زن محرم پوشیده.

\* آیه الله (بهجت): و چنانچه بدن نجس شود تطهیر آن از جهت محرم بودن واجب نیست بنا بر اظهر (2).

\* آیه الله (فاضل): احتیاط استحبابی است.

\* آیه الله (سیستانی): وجوب مبادرت به تطهیر بدن ثابت نیست.

\* مسأله: اگر تطهیر نکند جامه حرام یا بدن را کفاره ندارد (3).

آیه الله (فاضل): و إحرام او هم باطل نمی شود.

\* مسأله: احتیاط آن است که جامه إحرام از پوست نباشد، لکن ظاهراً اگر به آن جامه گفته شود مانع ندارد (4).

\*\*\* آیه الله (مکارم)، آیه الله (تبریزی): این احتیاط ترک نشود.

\* آیه الله (خوئی): بنا بر احتیاط، بافتنی باشد و از قبیل چرم و پوست و نمد نباشد.

\* آیه الله (بهجت): اقوی جواز احرام است. در لباسهایی که می تواند در نماز بپوشد هر چند پوست یا غیر بافتنی باشد (5).

\* آیه الله (سیستانی): احتیاط مستحب در دو جامه احرام این است که بافتنی باشد و از قبیل چرم و پوست و نمد نباشد (6).

ص: 214

---

1- - مناسک فارسی، ص 44، مسأله 35.

2- 2 - مناسک، مسأله 197.

3- 3 - مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، مسأله 279، ص 141.

4- - همان، مسأله 280.

5- - مناسک، مسأله 194.

6- 6 - همان.

\* آیه الله (خامنه ای): چنانچه جامه احرام از پوست یا نایلون و مانند آن باشد اگر عرفا به آن جامه گفته می شود و متعارف است مانع ندارد.

\* مسأله: لازم نیست که جامه احرام منسوج و بافتنی باشد، بلکه اگر مثل «نمد» مالیده باشد و جامه به آن گفته شود مانع ندارد (1).

\* آیه الله (اراکي): بنا بر احتیاط لازم است منسوج باشد و نمد کافی نیست.

\* آیه الله (مکارم): احتیاط در آن ترک نشود.

\*\*\* آیه الله (خوئی)، آیه الله (تبریزی): احوط در دو جامه احرام این است که بافتنی باشد و از قبیل چرم و پوست و نمد نباشد.

\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): به احتیاط واجب جامه احرام بافته باشد و از پوست و یا مثل نمد مالیده نباشد (2).

\* مسأله: افضل آن است که محرم اگر جامه احرام را عوض کرده وقتی که وارد مکه می شود برای طواف همان جامه ای را که در آن محرم شده است بپوشد، بلکه موافق احتیاط استحبابی است (3).

\* مسأله: اگر محرم اضطرار پیدا کند به پوشیدن قبا با پیراهن برای سردی هوا یا غیر آن می تواند قبا و پیراهن بپوشد، لکن باید قبا را پائین و بالا کند و به دوش بیندازد، و دست از آستین آن بیرون نیاورد، و احوط آن است که پشت و رو نیز بکند، و پیراهن را نیز باید به دوش بیندازد و نپوشد، و اگر اضطرار رفع نمی شود مگر به پوشیدن قبا و پیراهن، می تواند بپوشد (4).

\* آیه الله (فاضل): مثل نیافتن رداء و ازار.

\* آیه الله (سیستانی): واجب این است که پشت و رو کند و دست از آستین آن بیرون نیاورد اما بالا- و پایین کردن آن در مناسک ایشان نیامده است.

\* آیه الله (فاضل): احتیاط استحبابی است، و واجب است پیراهن را نیز بالا و پایین کند.

\* آیه الله (مکارم): یعنی به طور معمولی بپوشد.

ص: 215

---

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 281، ص 141.

2-2- مناسک فارسی، ص 28، مسأله 37.

3-3- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 282، ص 142.

4-4- همان، مسأله 283.

**\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): ولی باید برای آن کفاره بدهد.**

**\*\*\* آیات عظام (خامنه ای)، (سیستانی)، (تبریزی): و بنا بر احتیاط کفاره هم بدهد.**

**مسأله:** لازم نیست جامه حرام را همیشه در برداشته باشد، بلکه جایز است آنها را عوض کند و برای شستن بیرون بیاورد و برای حمام رفتن آنها را بکند بلکه جایز است برای حاجت هر دو را بیرون بیاورد و لخت شود (1).

**\*\*\* آیات عظام (خوئی)، (تبریزی)، (سیستانی): و غیر حاجت.**

**\* مسأله:** شخص محرم می تواند از دو جامه احرام بیشتر بپوشد، مثل دو سه رداء و دو سه لنگ برای حفظ از سرما یا غرض دیگر (2).

**\* آیه الله (فاضل):** لکن همه آنها باید شرایط لباس احرام را داشته باشند.

**\* مسأله:** اگر لباس احرام را عمد نپوشد یا لباس دوخته در حالی که می خواهد محرم شود بپوشد معصیت کرده است، ولی به احرام او ضرر نمی رساند و احرامش صحیح است، و اگر از روی عذر باشد معصیت هم نکرده و احرامش صحیح است (3).

**\* آیه الله (اراکی):** و اگر در حال عقد احرام، لباس دوخته را عمداً بیرون نیاورد، احرام او اشکال دارد و اگر از روی عذر باشد معصیت نکرده.

**\* آیه الله (خامنه ای):** اگر در حین احرام از روی علم و عمد لباس دوخته را از تن بیرون نیاورد، صحت احرامش خالی از اشکال نیست.

**\* آیه الله (مکارم):** در صورت عمد خالی از اشکال نیست.

**\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی):** بنا بر احتیاط باید لباس را بکند و محرم شود تا قطع به صحت احرام نماید (4).

**\* مسأله:** گره زدن لباس احرام اشکال ندارد ولی احتیاط واجب آن است که آن را که لنگ قرار داده به گردن گره نزنند، و اگر از روی جهل یا نسیان گره زد احتیاط آن است که فوراً باز کند،

ص: 216

---

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 284، ص 142.

2-2- همان، مسأله 285.

3-3- همو، مسأله 286

4-4- مجمع المسائل 458/1 مسأله 6.

ولی به احرامش ضرر نمی رساند و چیزی هم بر او نیست، و سنگ در جامه احرام گذاشتن و با نخ بستن نیز جایز است (1).

\* آیه الله (اراکي): بنا بر احتیاط واجب اشکال دارد.

\*\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): سنجاق زدن و گره زدن حوله احرام، و سنگ گذاشتن بین دو طرف حوله، به نحوی که حوله به صورت یقه پیراهن درآید جایز نیست، و نیز نباید پارچه حرام را چاک داده و مانند پیراهن بپوشد، بلی قرار دادن سنگ کوچک، در جامه احرام برای آن که آن را سنگین کرده، و ردا را حفظ نماید مانعی ندارد.

\*\*\*\* آیات عظام (خوئی)، (تبریزی)، (بهجت)، (سیستانی): احوط این است که ازار (لنگ) خویش را به گردن خود بلکه مطلقاً گره نزنند، و لو بعضی آن را به بعضی دیگر. و با چیزی مانند سنجاق نیز آن را به هم وصل نکنند. و احوط این است که ردا نیز گره زده نشود، ولی فرو کردن سوزن یا سنجاق در آن عیبی ندارد.

\* آیه الله خامنه ای): بستن لنگ به گردن جایز نیست لکن سنجاق زدن و امثال آن و گره زدن بعضی آن به بعضی مانع ندارد مادامی که از صدق مسمای ازار خارج نشود و در رداء. بستن آن مطلقاً مانعی ندارد، مادامی که از صدق مسمای رداء خارج نشود.

\* آیه الله (اراکي): جایز نیست بنا بر احتیاط.

\* آیه الله (گلپایگانی): اگر بدون گره باشد مانعی ندارد، بشرط آن که دو طرف رداء را روی یکدیگر نگذارد که مثل گریبان شود.

آیه الله (نوری): چنانکه جایز است بعضی از لباس احرام را به بعضی دیگر با سوزن و غیر وصل کند.

\* مسأله: شرط نیست در احرام بستن پاک بودن از حدث اصغر و اکبر، پس جایز است در حال جنابت و حیض و نفاس محرم شود، بلکه غسل احرام برای حائض و نفساء مستحب است (2).

\* مسأله: اگر پیراهن بپوشد بعد از آن که محرم شد لازم است که پیراهن را شکاف دهد و از پائین بیرون آورد، ولی اگر در پیراهن محرم شود لازم نیست شکاف دهد و از پائین بیرون آورد،

ص: 217

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 287، ص 143.

2-2- همان، مسأله 288.

و همین قدر لازم است آن را بکند و لباس احرام بپوشد، و در هر دو صورت احرامش صحیح است (1).

\* آیه الله (بهجت): در هر دو صورت نزع مخیط باید بدون پوشاندن سر باشد (2).

\* مسأله: اگر فراموش کند احرام را و به خاطرش نیاید مگر بعد از اتمام همه واجبات و نتواند جبران کند احتیاط در بطلان عمره او است اگر چه صحت آن بنظر بعید نیست، ولی اگر اعمال حج را هم تمام کرد و یادش آمد عملش صحیح است (3).

\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): عمره او صحیح است.

\* آیه الله (فاضل): عمره اش باطل است و باید عدول بغیر حج تمتع کند و همین طور است اگر ترک احرام از روی جهل باشد.

\* آیه الله (اراکي): احتیاط واجب در بطلان عمره او است.

\* آیه الله (مکارم): عمره و حج او صحیح است.

\* آیه الله (تبریزی): صحت عمره او خالی از اشکال نیست و باید احتیاط ترک نشود.

\* آیه الله (خوئی): خالی از اشکال نیست و باید احتیاط ترک نشود (4).

\* آیه الله (خامنه ای): نظر ایشان نسبت به صحت یا بطلان عمره به دست نیامد.

\* آیه الله (بهجت): محل تأمل است صحیح بودن غیر حج (5).

\* آیه الله (سیستانی): خالی از اشکال نیست و باید احتیاط ترک نشود.

\* آیه الله (سیستانی): اگر احرام حج را فراموش کند یا جهلاً ترک کند تا اعمال تمام شود حج صحیح است.

## استفتاءات احرام

\* مسأله: کسی در وقت احرام این طور قصد می کند: محرم می شوم، یا احرام می بندم، برای

ص: 218

1-1 - مناسک حج (المحشی للإمام الخمینی)، مسأله 289، ص 143.

2-2 - مستفاد از صفحه 20، مناسک شیخ

3-3 - مناسک حج (المحشی للإمام الخمینی)، مسأله 290، ص 144.

4-4 - مناسک، مسأله 172.

5-5 - مناسک شیخ، ص 12.

عمره تمتع یا غیر آن، با توجه به این مسأله که فرموده اید نیت احرام لازم نیست، بلکه ممکن نیست، این احرام چه صورت دارد (1)؟

- امام خمینی (ره):

به احرام ضرر نمی زند هر چند قصد احرام لازم نیست، و احرام امر قصدی نیست، بلکه اگر شخص بقصد حج یا عمره تلبیه بگوید محرم می شود هر چند قصد احرام نکند.

\* آیه الله (خامنه ای): در صورت علم و عمد نظر ایشان در ذیل مسأله 286 بیان شد.

\*\*\* آیات عظام (اراکلی)، (مکارم)، (بهجت): لازم است. و تفصیل این مسأله در ذیل بحث نیت در واجبات احرام گذشت.

\* آیه الله (تبریزی): همین که به قصد عمره و یا حج تمتع تلبیه واجب را گفت، محروم می شود و قصد احرام، همین است.

(\* آیه الله (غروی): به این معنی که توقف بر قصد ندارد نه این که قصد احرام ممکن نیست.

\* مسأله: زنی قبل از احرام برای عمره تمتع می دانست که عادت ماهانه او ده روز است و قبل از احرام حج، اعمال عمره تمتع را نمی تواند انجام دهد، مع ذلک، نیت عمره تمتع کرد، آیا در برگرداندن نیت احرام عمره تمتع به حج افراد، باید چه کند (2)؟

- امام خمینی (ره):

نیت را به حج افراد برگرداند و اشکال ندارد، بلی اگر با التفات به این که نمی تواند عمره تمتع را انجام دهد و اگر انجام دهد صحیح نیست به نیت عمره تمتع محرم شود، صحت این احرام، بلکه حصول جد به آن، محل اشکال است.

\* آیه الله (بهجت): در صورتی که قصدش انجام وظیفه بوده کفایت میکند و حج افراد به جا می آورد (3).

آیه الله (خوئی): اگر در حال احرام تا آخرین زمان ممکن برای اتیان اعمال عمره تمتع حائض بوده فتوای ایشان در دست نیست که آیا احرامش برای عمره تمتع باطل است یا می تواند آن را بعنوان حج افراد قرار دهد، گر چه در استفتاءات حکم به بطلان احرام برای حج افراد

ص: 219

---

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، مسأله 291، ص 144.

2-2- همان، مسأله 292، ص 145.

3-3- مناسک، س 41

شده اگر زن در وقت احرام حائض بود و گمان می کرد تا آخر وقت پاک نمی شود و بعدا کشف خلاف شد.

\* آیه الله (تبریزی): این در صورتی است که در حال احرام حائض باشد چنانکه ظاهر سؤال است ولی اگر بعد از احرام حائض شد مخیر است بین این که حج افراد به جا آورد و بعد از فراغت، عمره مفرده به جا آورد و بین این که اعمال عمره تمتع را بدون طواف و نمازش به جا آورد به این ترتیب که سعی و تقصیر نموده و برای حج احرام بسته به عرفات و منا برود و پس از فراغ از اعمال مناقضای طواف عمره و نماز آن را قبل از طواف حج به جا آورد.

\* سؤال: مردها معمولا برای احرام، یک حوله به عنوان لنگ به کمر می بندند و یکی هم بر روی شانه ها می اندازند، ولی بعضی افراد برای این که موقع ورزش باد و یا سوار شدن ماشین عورت آنان ظاهر نشود اضافه بر آن دو حوله، یک متر چلووار ندوخته از وسط پا عبور می دهند به نحوی که دو طرف پارچه از جلو و عقب زیر حوله قرار می گیرد، آیا این عمل صحیح است یا اشکال دارد (1)؟

- امام خمینی (ره): اشکال ندارد.

\* آیه الله (مکارم): ولی بهتر اجتناب از این گونه کارهاست.

\* سؤال: آیا می شود برای کسی که قادر بر تلبیه گفتن نیست نایب گرفت یا خیر (2)؟

- امام خمینی (ره):

اخرس (لال) باید با انگشت به تلبیه اشاره کند و زبانش را هم حرکت دهد، و نایب گرفتن کافی نیست.

\* آیه الله (خامنه ای): احوط آن است که نایب هم بگیرد.

\*\*\* آیات عظام (خوئی)، (تبریزی)، (فاضل)، (مکارم): بهتر است نایب هم بگیرد.

\* آیه الله (بهجت): شخص گنگ و لال با انگشت خود همراه با نیت قلبی به تلبیه اشاره

ص: 220

---

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، سؤال 293، ص 145.

2-2- همان، سؤال 294.



نموده و زبان خود را حرکت دهد، و اگر ممکن نباشد که این کار را خودش انجام دهد نایب بگیرد که به جای او تلبیه بگوید (1).

\* آیه الله سیستانی: اگر در اثر عارضه ای لال شده است و الفاظ تلبیه را می داند، به مقداری که می تواند تلفظ کند و اگر نتواند زبان و لب را به آن حرکت دهد و همراه با آن در قلب اخطار نماید و با انگشت به آن اشاره کند و اگر لال و کر مادرزاد است و مانند آن، پس زبان و لب را مانند کسانی که تلفظ می کنند حرکت دهد و با انگشت اشاره کند.

\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): اگر چه به گفتن ترجمه آن باشد و نایب هم بگیرد رجاء که از طرف او بطور صحیح بگوید.

\* سؤال: کسی که در گذشته حج واجبش را انجام داده، و بنا دارد حج مستحبی به جا آورد، ولی از روی ناآگاهی و یا فراموشی در نیت احرام عمره می گوید «احرام عمره تمتع از حج تمتع از حجه الاسلام می بندم قربه إلی الله»، آیا آوردن و در نیت داشتن حجه الاسلام، در حالی که حج مستحبی است، اشکال دارد یا خیر (2)؟

- امام خمینی (ره):

اشکال دارد، مگر آن که اشتباه لفظی باشد و قصدش این بوده عمره ای که وظیفه او است انجام دهد و اسمش را حجه الاسلام گذاشته باشد.

\*\*\* آیه الله (خوئی)، آیه الله (تبریزی): مانعی ندارد (3).

\* آیه الله سیستانی: اشکال ندارد.

\* سؤال: اگر کسی بداند در صورت صحیح نگفتن تلبیه، محرم نمی شود، و تلبیه را غلط بگوید و اعمال حج را انجام دهد، آیا اعمالش صحیح است یا نه (4)؟

- امام خمینی (ره):

چنانچه از روی عمد بوده صحیح نیست، و اگر عمدی نبوده و از روی فراموشی یا ندانستن مسأله بوده، در فرض مرقوم بعید نیست صحت عمل.

ص: 221

1-1- مناسک، مسأله 180.

2-2- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، سؤال 295، ص 146.

3-3- مستفاد از تعلیقه عروه، ج 2، ص 240.

4-4- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، سؤال 296.

\* آیه الله (فاضل): با توجه به این که عالم به حکم بوده اگر نسبت به موضوع جاهل بوده یعنی نمی دانسته تلبیه را غلط می گوید حکم ترک احرام از روی جهل و سهو را دارد که حکم آن در مسأله 290 گذشت.

\* آیه الله (اراکي): در جهل به حکم، محل اشکال است.

\*\* آیه الله (خوئی)، آیه الله (تبریزی): صحت عمل او خالی از اشکال نیست و باید احتیاط کند.

\* سؤال: اگر کسی تلبیه را غلط بگوید و بعد از وقوفین و قبل از اتمام اعمال حج فهمید که صحیحا محرم نشده است، آیا وظیفه او نسبت به سایر اعمال، و هم چنین عمره قبلی او چگونه است (1)؟

- امام خمینی (ره):

با فرض این که بعد از وقت جبران متوجه شده بعید نیست صحت عمل، لکن احوط عدم اکتفاء به این حج است، و این احتیاط ترک نشود.

\* آیه الله (سیستانی): اگر تلبیه را به مقدار تمکن اداء کرده است و غلط بودن آن به اندازه ای نیست که صدق تلبیه نکند عمل صحیح است در غیر این صورت اگر تلبیه عمره را غلط گفته است عمل او بنا بر احتیاط باطل است و اگر تلبیه احرام حج باشد همان جا تلبیه بگوید و عملش صحیح است.

\*\*\* آیات عظام (خامنه ای)، (فاضل)، (گلپایگانی): این احتیاط استحبابی است.

\*\*\* آیه الله (خوئی)، آیه الله (تبریزی): صحت عمل خالی از اشکال نیست و باید احتیاط نماید.

\* سؤال: ترجمه تلبیه (لبيك اللهم لبيك، لبيك لا شريك لك لبيك) چیست (2)؟

- امام خمینی (ره):

ترجمه جمله مذکور چنین است: اجابت میکنم دعوت تو را خدایا اجابت میکنم دعوت تو را، اجابت میکنم دعوت تو را، شریکی نیست مر تو را، اجابت میکنم دعوت تو را.

و اگر کلمه دعوت را هم نگوید کفایت میکند در مواردی که باید ترجمه را بگوید.

ص: 222

---

1-1- مناسک حج (المحشى للإمام الخميني)، سؤال 297، ص 147.

2-2- همان، سؤال 298.

\*\*\* آیه الله (اراکي)، آیه الله (نوری): با کمال میل و شوق اجابت میکنم دعوت تو را خدایا، با کمال میل و شوق اجابت می کنم، اجابت میکنم دعوت تو را با کمال میل و شوق، شریکی نیست مرتورا، با کمال میل و شوق اجابت می کنم، اجابت می کنم تو را.

\* سؤال: لباس احرامی که معلوم نیست از درآمد منبر است یا وجوهات شرعیه آیا لازم است خمس آن را بدهد (1)؟

- امام خمینی (ره): با فرض شک، لازم نیست، هر چند احتیاط مطلوب است.

\* آیه الله (سیستانی): اگر به مقدار تمکن، تلبیه را گفته است و غلط بودن آن به حدی نبوده است که صدق تلبیه نکند چیزی بر او نیست در غیر این صورت اگر در احرام عمره باشد بنا بر احتیاط واجب عمل باطل است و اگر در احرام حج باشد صحیح است.

\* آیه الله (غروی): یعنی شک در این که لباس از درآمد است یا غیر درآمد اما اگر بداند از درآمد است و شک کند که از منبر یا وجوهات شرعیه است بنا به گفته ما باید خمس آن را در بیاورد.

آیه الله (بهجت): در هر دو مورد به زائد از مؤنه سنه خمس تعلق می گیرد.

\* سؤال: کسی که به دیگران تلقین نیت و تلبیه می کند و خودش فراموش کرده است که نیت نماید، وظیفه اش چیست (2)؟

- امام خمینی (ره):

اگر بقصد انجام عمره یا حج تلبیه نگفته، محرم نشده است و باید در صورت امکان به میقات برگردد، و اگر ممکن نیست به خارج حرم برود و مجددا محرم شود.

\* سؤال: آیا لباس احرام منحصر در دو جامه است و بیشتر نباید باشد (3)؟

- امام خمینی (ره): مقدار واجب آن دو جامه است، و زیادتیر مانع ندارد.

ص: 223

---

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، مسأله 299، ص 147.

2-2- همان، مسأله 300، ص 148.

3-3- همو، مسأله 301، ص 148.

امام خمینی (ره): مستحبات احرام چند چیز است:

1- آن که قبلاً بدن خود را پاکیزه نموده و ناخن و شارب خود را بگیرد و موی زیر بغل و عانه را با نوره ازاله نماید (1).

\* آیه الله (سیستانی): پاره ای از مستحبات و مکروهاتی که اینجا ذکر شده مبتنی بر قاعده تسامح است پس باید رعایت آنها به قصد رجا باشد نه ورود.

\* آیه الله (مکارم): این امور و امور مربوط به ترک مکروهات را بقصد رجا به جا می آورد.

- کسی که قصد حج دارد از اول ماه ذی القعدة و شخصی که قصد عمره مفرده است پیش از یک ماه موی سر و ریش را رها کند.

\* آیه الله (مکارم): و بعضی از فقها به وجوب آن قائل شده اند و این قول گر چه ضعیف است احوط است.

2- آن که پیش از احرام در میقات غسل احرام بنماید و این غسل از زن حائض و نفساء نیز صحیح است و تقدیم این غسل بخصوص در صورتی که خوف آن باشد که در میقات آب یافت نشود جایز است و در صورت تقدیم اگر در میقات آب یافت شد مستحب است غسل را اعاده بنماید و بعد از این غسل اگر مکلف لباسی را پوشید یا چیزی را خورد که بر محرم حرام است باز هم اعاده مستحب است و اگر مکلف در روز غسل نمود از غسل تا آخر شب آینده کفایت می کند و هم چنین اگر غسل در شب نمود تا آخر روز آینده کافی است ولی اگر بعد از غسل و پیش از احرام به حدث اصغر محیرث شد غسل را اعاده نماید.

\* آیه الله (اراکي): بنا بر احتیاط.

\* آیه الله (بهجت): در انتقاض غسل سابق بغیر نوم، تأمل است و اظهر در نوم، عدم انتقاض است، و آن که اعاده، شبیه به مستحب در مستحب است (2).

\*\*\* آیه الله (خوئی)، آیه الله (تبریزی): اگر سال بر آن گذشته باشد، لازم است خمس آن را بدهد.

\* آیه الله (سیستانی): بنا بر احتیاط واجب باید با حاکم شرع به نسبت احتمال مصالحه کند.

ص: 224

1-1 - مناسک حج (المحشى للإمام الخميني)، مسأله 302، ص 148.

2-2 - مناسک شیخ، ص 6.

\* آیه الله (فاضل): و این در صورتی است که وجوهات شرعیه را به عنوان شهریه گرفته باشند. اما اگر به عنوان استحقاق یا خدمات دینی گرفته اند و سال بر آن گذشته است باید خمس آن را بدهند.

3- آن که در جامه احرام از پنبه باشد (1).

\*\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): و بهتر آن است که در پارچه سفید محرم شود و نیت احرام و نیت پوشیدن جامه احرام بلکه نیت کندن لباس دوخته را نیز بر زبان آورد.

4- آن که احرام را به ترتیب ذیل ببندد در صورت تمکن بعد از فریضه ظهر، و در صورت عدم تمکن بعد از فریضه دیگر، و در صورت عدم تمکن از آن بعد از شش یا دو رکعت نماز نافله، در رکعت اول پس از حمد سوره توحید، و در رکعت دوم سوره جحد را بخواند، و شش رکعت افضل است، و بعد از نماز حمد و ثنای الهی را به جا آورد و بر پیغمبر و آل او صلوات بفرستد آنگاه بگوید:

اللهم إني أسألك أن تجعلني ممن استجاب لك و آمن بوعدك و اتبع أمرك فإني عبدك و في قبضتك لا أوقى إلا ما وقيت ولا آخذ إلا ما أعطيت وقد ذكرت الحج فأسألك أن تعزم لي عليه على كتابك و سنة نبيك صلواتك عليه و آله و تقويني على ما ضعفت و تسلم لي مناسكي في يسر منك و عافيه و اجعلني من وفدك الذي رضيت و ارتضيت و سميت و كتبت، اللهم إني خرجت من شقه بعيدة و أنفقت مالي ابتغاء مرضاتك اللهم فتمم لي حجتي و عمرتي، اللهم إني أريد التمتع بالعمرة إلى الحج على كتابك و سنة نبيك صلواتك عليه و آله، فان عرض لي عارض يحبسني فخلني حيث حبستني بقدر الذي قدرت على الله إن لم تكن حجه فعمره، أحرم لك شعري و بشري و لحمي و دمي و عظامي و مخي و عصبى من النساء و الثياب و الطيب أبتغي بذلك وجهك و الدار الآخرة».

\*\*\* آیات عظام (اراکي)، (فاضل)، (بهجت): در صورت عدم تمکن از فریضه اداء، بعد از فریضه قضا محرم شود.

5- هنگام پوشیدن دو جامه احرام بگوید:

الحمد لله الذي رزقني ما أوارى به عورتى و أؤدى فيه فرضى و أعبد فيه ربي و أنتهى فيه إلى ما أمرنى، الحمد لله الذي قصدته فبلغنى و أردته فأعانتى و قبلنى ولم يقطع بى و وجهه أردت

ص: 225

فاسلمنی فهو حصنی و کهنفی و حرزی و ظهیری و ملاذی و رجائی و منجای و ذخری و عدتی فی شدتی و رخائی» (1).

6- آن که تلبیه ها را در حال احرام تکرار کند خصوصا در موارد آینده:

الف - وقت برخاستن از خواب.

ب - بعد از هر نماز واجب و مستحب.

ج- وقت رسیدن به سواره.

د- هنگام بالا رفتن از تل یا سرازیر شدن از آن.

ه- وقت سوار شدن یا پیاده شدن.

و- آخر شب.

ز- اوقات سحر. زن حائض و نفساء نیز این تلبیه ها را بگویند.

و شخص متمتع تلبیه گفتن او در عمره مستمر خواهد بود تا آن که خانه های مکه را ببیند. و اما تلبیه حج تا ظهر روز عرفه مستمر است.

\*\* آیه الله (اراکي)، آیه الله (بهجت): و هم چنین بر مردان مستحب است تلبیه را بلند بگویند.

## مکروهات احرام

امام خمینی (ره): مکروهات احرام چند چیز است:

1- إحرام در جامه سیاه، و أفضل إحرام در جامه سفید است (2).

\*\*\* آیه الله (سیستانی)، آیه الله (تبریزی): بلکه احوط ترک آن است.

\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): بلکه اولی ترک پوشیدن هر پارچه رنگ شده است مگر رنگ سبز که در بعضی روایات معتبره استثناء شده است.

2- خوابیدن محرم بر رخت و بالش زرد رنگ (3).

ص: 226

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، ص 150.

2-2- همان، مسأله 303.

3-3- همو، ص 151.

آیه الله (بهجت): بر بالش سیاه رنگ.

3- احرام بستن در جامه چرکین و اگر جامه در حال احرام چرک شود بهتر آن است که مکلف مادامی که در حال احرام است آن را نشوید.

\* آیه الله (مکارم): ولی می تواند آنها را تبدیل به احرامی تمیز کند.

4- احرام بستن در جامه راه راه

\* آیه الله سیستانی: احرام بستن در جامه نقشه دار و مانند آن.

5- استعمال حنا پیش از احرام در صورتی که اثر آن تا حال احرام باقی بماند.

\* آیه الله (مکارم): اگر قصد زینت داشته باشد اشکال دارد و فرقی میان حنا و رنگهای امروز نیست.

\*\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): با قصد زینت خلاف احتیاط است.

\* آیه الله (بهجت): اظهر جواز استعمال حنا است قبل از احرام هر گاه اثر آن باقی بماند تا حال احرام (1).

6- حمام رفتن و اولی آن است که محرم بدن خود را با کیسه و مثل آن نساید.

\* آیه الله (مکارم): کراهت حمام رفتن ثابت نیست ولی بدن خود را با کیسه و مثل آن نمالد.

\*\*\* آیه الله (سیستانی)، آیه الله (تبریزی): اولی بلکه احوط آن است که محرم بدن خود را با کیسه و مثل آن نساید.

7- لبیک گفتن محرم در جواب کسی که او را صدا نماید.

\*\* آیه الله (سیستانی)، آیه الله (تبریزی): بلکه احوط ترک آن است.

\*\* آیه الله (اراکلی)، آیه الله (فاضل): و هم چنین ساییدن صورت، چنانچه نداند موجب بیرون آمدن خون می شود و هم چنین کشتی گرفتن.

## محرمات احرام

### اول: شکار صحرائی که وحشی باشد...

اول: شکار صحرائی که وحشی باشد مگر در صورتی که ترس داشته باشد از آزار آن (2).

ص: 227





\* آیه الله (سیستانی): حیوانی که در اصل وحشی باشد هر چند بالعرض اهلی شده باشد، و فرقی نمیکند که حلال گوشت باشد یا حرام گوشت و علاوه بر شکار کردن، کشتن و مجروح ساختن بلکه هر گونه ایذا آن حرام است.

\* آیه الله (خامنه‌ای): به جهت عدم ابتلاء صید معظم له متعرض آن نشده اند.

امام خمینی (ره):

خوردن گوشت شکار بر محرم حرام است چه خودش شکار کند یا غیر خودش، چه محرم شکار کند یا غیر محرم (1).

\* آیه الله (سیستانی): حتی اگر غیر محرم آن را در غیر حرم شکار کرده باشد.

\* آیه الله (مکارم): خواه قبل از احرام خودش شکار کرده باشد یا نه.

امام خمینی (ره):

نشان دادن شکار را به شکارچی حرام است و همین طور اعانت او به هر نحوی حرام است (2).

امام خمینی (ره):

اگر محرمی صید را ذبح کند در حکم میتة خواهد بود بنا بر مشهور، و به احتیاط واجب هم در باره محرم و هم محل (3).

\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): اگر محرم صیدی را شکار کند و یا آن را ذبح کند میتة خواهد بود، پس بر محرم و غیر محرم حرام است خوردن آن، بلکه نماز خواندن در پوست آن نیز جایز نیست (4).

\* آیه الله (فاضل): اگر محرمی صید را ذبح کند، از نظر خوردن در حکم میتة خواهد بود، در صورتی که ذبح یعنی بریدن رگهای چهارگانه به دست محرم باشد اما چنانچه با پرتاب تیر صید کرده باشد به احتیاط واجب در حکم میتة است. بدون فرق بین آن که محرم از آن استفاده نماید یا محل.

\*\* آیه الله (خوئی)، آیه الله (تبریزی): صیدی را که محرم ذبح کرده بر محرم و محل حرام است.

ص: 228

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، مسأله 304.

2-2- همان، مسأله 305.

3-3- همو، مسأله 306.

4-4- مناسک عربی، ص 86.

امام خمینی (ره):

شکار دریایی مانع ندارد، و آن حیوانی است که تخم و جوجه، هر دو را در دریا کند (1).

\* آیات عظام (گلپایگانی)، (تبریزی)، (سیستانی): حیوان دریایی آن است که فقط در آب زندگی کند.

\* آیه الله (مکارم): و زندگی در دریا کند بنا بر احتیاط واجب .

\*\*\* آیه الله (اراکي)، آیه الله (نوری): و در آن هم زندگی کند.

\* آیه الله (فاضل): زندگی او در دریا باشد به نظر عرف.

امام خمینی (ره): ذبح و خوردن حیوانات اهلی مثل مرغ خانگی و گاو و گوسفند و شتر مانع ندارد (2).

امام خمینی (ره):

پرنندگان، جزء شکار صحرايي می باشند و ملخ نیز در حکم شکار صحرايي است (3).

امام خمینی (ره):

احتیاط واجب آن است که زنبور را نکشد اگر قصد اذیت او را نداشته باشد (4).

آیه الله (فاضل): زنبور غسل باشد یا زنبورهای دیگر.

\* آیات عظام متعرض حکم کشتن زنبور نشده اند هر چند آیه الله (خوئی)، در کفارات، کفاره کشتن زنبور را ذکر کرده اند.

امام خمینی (ره):

نگاه داشتن صید حرام است اگر چه خودش مالک آن باشد (5).

\*\* آیه الله (اراکي) و آیه الله (فاضل): اگر قبل از احرام با خود آورده باشد باید آن را رها کند و با خود نگاه ندارد.

\*\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): اگر صید را با خود آورده باشد وقتی محرم شد از ملک او بیرون می رود و باید آن را رها کند.

آیه الله (سیستانی): چه خودش آن را شکار کرده باشد پیش از احرام یا بعد از آن و چه

ص: 229

3-3 - مناسك حج (المحشى للإمام الخمينى)، مسأله 309.

4-4 - همان، مسأله 310، ص 153.

5-5 - مناسك حج (المحشى للإمام الخمينى)، مسأله 311.

دیگری شکار کرده باشد و چه شکار در حرم صورت گرفته باشد، چه در بیرون آن اگر با خود همراه داشته باشد (1).

امام خمینی (ره):

اگر پرنده ای که نزد او است «پر» در نیاورده یا پر او را چیده اند واجب است آن را حفظ کند تا پر درآورد و آن را رها کند، بلکه بعید نیست که واجب باشد حفظ بچه صید را، مثل آهو بزه تا بزرگ شود و رها کند آن را (2).

\*\*\* آیه الله (مکارم) و آیه الله (تبریزی): بنا بر احتیاط واجب.

\* آیه الله سیستانی: اگر محرم در بیرون حرم صید را با شکار کردن یا پس از آن کشته باشد بنا بر احتیاط خوردن آن گوشت بر محل نیز حرام است و هم چنین حرام است بر محل صیدی که آن را محل یا محرم در حرم شکار یا ذبح کرده باشد.

امام خمینی (ره):

هرشکاری که حرام است، جوجه و تخم آن نیز حرام است. بدان که در شکار احکام بسیاری است و چون محل حاجت چندان نیست از بیان آنها خودداری شد (3).

\* آیه الله (سیستانی): بعید نیست حرمت برداشتن، شکستن و خوردن تخم آنها بر محرم و به احتیاط واجب نباید دیگری را در این امر کمک کند.

\* آیه الله سیستانی: همان گونه که شکار حیوانات صحرايي حرام است کشتن همه حیوانات حرام است به جز:

1- حیوانات اهلی هر چند وحشی شده باشند. 2- مرغی که قادر بر پرواز نیست مانند مرغ خانگی. 3- حیوانی که از آن بر خود می ترسد یا قصد زدن یا گزیدن انسان را دارد. 4- پرندگان شکاری اگر کبوتران حرم را اذیت کنند. 5- مار و عقرب و موش و هم چنین تیراندازی و سنگ انداختن به کلاغ و لاشخور جایز است.

**دوم: جماع کردن با زن، و بوسیدن، و دست بازی کردن، و نگاه به شهوت، بلکه، هر نحو لذت و تمتعی بردن.**

ص: 230

1-1- مناسک، مسأله 201.

2-2- مناسک حج (المحشى للإمام الخميني)، مسأله 312، ص 153.

3-3- همان، مسأله 313، ص 154.

امام خمینی (ره):

اگر کسی در احرام عمره تمتع از روی علم و عمد با زن چه در قبل و چه در دبر و یا با مرد جماع کند ظاهراً عمره اش باطل نشود و لکن موجب کفاره است که بیان آن می آید، و احتیاط آن است که اگر این عمل پیش از سعی واقع شد عمره را تمام کند و آن را دو مرتبه به جا آورد(1).

\* آیه الله (غروی): این حکم مبنی بر احتیاط است.

\* آیه الله (سیستانی): و هم چنین بلند کردن یا در آغوش گرفتن با شهوت.

\* آیه الله (بهجت): قید بودن شهوت برای نظر به اهل مسلم است (2).

آیه الله (سیستانی): در صورتی که نگاه کردن به همسر از روی شهوت موجب خروج منی شود لازم است از آن پرهیز کند و احتیاط مستحب آن است که اگر موجب خروج منی هم نشود پرهیز کند.

آیه الله (سیستانی): محرم می تواند از همنشینی و صحبت و مانند آن با عیال خود لذت ببرد ولی احتیاط مستحب ترک استمتاع است مطلقاً (3).

\*\* آیه الله (خوئی)، آیه الله (تبریزی): محرم می تواند به غیر از جماع و بوسیدن و لمس و نگاه به شهوت و ملاحظه از عیال خود لذت برد بنا بر اظهار (مانند التذاذ از صدا و یا سخن گفتن با او) گر چه احوط ترک استمتاع است مطلقاً.

\* آیه الله (فاضل): مرد نسبت به زوجه خودش.

\* آیه الله (مکارم): نگاه و لمس بدون قصد لذت مانعی ندارد، و احتیاط آن است که بوسیدن بدون قصد لذت را نیز ترک نماید.

\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): برای زنان همین حکم نسبت به مردان صادق است اگر چه از محارم زن باشند.

\*\*\* آیه الله (اراکي)، آیه الله (نوری): از زن.

\* آیه الله (سیستانی): اگر بعد از تمام شدن سعی باشد و هم چنین در عمره مفرده .

\* آیه الله (غروی): بنا بر احتیاط لزومی.

\* آیه الله (خوئی): ایشان متعرض جماع با مرد نشده اند.

ص: 231

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 314.

2-2- مناسک شیخ، ص 16.



\* آیه الله (اراکي): اگر کسی در احرام عمره تمتع پیش از سعی از روی علم و عمد با زن چه در قبل و چه در دبر، و یا مرد، جماع کند بنا بر احتیاط عمره اش باطل می شود و باید عمره را تمام کند و یک شتر کفاره بر او لازم است و در صورتی که وقت وسعت دارد عمره تمتع را اعاده کند و اگر وقت تنگ است حج خود را به حج افراد بدل و پس از حج، عمره مفرده به جا آورد و حج تمتع را سال بعد اعاده کند و هم چنین هرگاه جماع عمدی در عمره مفرده قبل از سعی واقع شود عمره او فاسد است (1).

\* آیه الله (فاضل): حرمت نفسی و ذاتی و طی با مرد گر چه خیلی شدید و موجب حد است لیکن ارتباط آن با احرام محل اشکال است.

آیه الله (بهجت): عمره اش باطل است لکن باید عمره را تمام کند و دوباره اعاده نماید و بعد حج تمتع به جا آورد. و اگر وقت تنگ باشد حج او مبدل به افراد می شود و باید بعد از حج، عمره مفرده به جا آورد و احوط اعاده حج است در سال آینده (2).

\*\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): اگر پیش از سعی باشد عمره او فاسد است و باید احتیاطاً آن را تمام کند، و بعد از تمام کردن عمره پیش از حج، واجب است عمره را اعاده نماید و یک شتر کفاره بر او واجب است، و اگر وقت اتمام و اعاده ندارد آن عمره فاسده را قطع کند و اعاده نماید، و اگر نتواند به واسطه تنگی وقت آن را پیش از حج اعاده کند حج او افراد می شود و باید بعد از حج عمره مفرده به جا آورد، ولی باید به همان احرام عمره باقی بماند و احتیاطاً به یکی از مواقیت خارج مکه برود و تجدید نیت جهت حج افراد بنماید، و احوط اعاده حج است در سال آینده.

\* آیه الله (فاضل): بنا بر احتیاط موجب کفاره است.

\* آیه الله (مکارم): کفاره آن بنا بر احتیاط یک شتر است.

\* آیه الله (مکارم): احتیاط مستحب.

\* آیه الله (تبریزی): بنا بر اظهر عمره اش باطل نمی شود ولی احتیاط این است که عمره را پیش از حج در صورت امکان اعاده نماید و در صورت عدم امکان در سال بعد حج را اعاده کند.

\* آیه الله (سیستانی): احتیاط واجب این است که عمره اش را تمام کند و پس از آن حج به

ص: 232

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، ص 155.

2-2- مناسک، مسأله 220.

جا آورد و در سال آینده هر دو را دوباره به جا آورد و اگر در عمره مفرده باشد نیز عمره اش باطل است و واجب است در مکه بماند تا ماه دیگر قمری و برود از یکی از مواقیط پنجگانه محرم شود و عمره را اعاده کند و به احتیاط واجب إحرام از خارج حرم کافی نیست (1).

\* آیه الله (غروی): عمره را از میقات اعاده می کند بعد از اكمال علی الأحوط در صورت تمکن از آن قبل از حج و در صورت عدم تمکن از آن عمره را بعد از قطع آن استیناف میکند و اگر آن هم ممکن نشد عمره را تمام می کند و حج افراد به جا می آورد و در سال آینده قضا می نماید.

\*\*\* آیه الله (خوئی)، آیه الله (تبریزی): از اینجا تا آخر در مناسک ایشان نیست بلکه به جای آن هست: «و در صورت عدم امکان سال دیگر حج را اعاده نماید» (2).

\* آیه الله (مکارم): اگر وقت تنگ است عمره را اعاده نکند و حج تمتع را ادامه دهد.

\* آیه الله (فاضل): ظاهراً عمره باطل نمی شود، لذا اگر وقت تنگ است حج تمتع را به جا آورد و احتیاط مستحب آن است که سال بعد حج را اعاده کند. و اگر این عمل در عمره مفرده قبل از سعی واقع شده باید این عمره را تمام کند و یک شتر کفاره بدهد و در ماه بعد نیز یک عمره مفرده دیگر انجام دهد. (اگر چه اصل آن مستحب بوده و محل احرام عمره دوم در صورتی که در عمره اول از یکی از مواقیط معروفه محرم شده همان جاست و الا از ادنی الحل است. همان طور که در صورت عدم تمکن از رفتن به مواقیط می تواند از ادنی الحل محرم شود.

امام خمینی (ره):

اگر در عمره تمتع این عمل را از روی علم و عمد پس از سعی مرتکب شود کفاره بر او واجب می شود و کفاره بنا بر احتیاط واجب یک شتر است چه ثروتمند باشد یا نباشد (3).

\*\*\* آیات عظام (اراکي)، (نوری)، (فاضل): عمره او صحیح است.

\* آیه الله (گلپایگانی): و کفاره او اگر ثروتمند باشد یک شتر، و اگر فقیر باشد یک گوسفند، و در متوسط الحال یک گاو است، و اظهر تخییر بین سه چیز است مطلقاً.

\* آیه الله (صافی): کفاره آن اگر متمکن است یک شتر و الا یک گاو است.

\*\*\* آیات عظام (خوئی)، (نوری)، (اراکي): بنا بر احتیاط واجب یک شتر است برای کسی

ص: 233

1-1- مناسک، مسأله 220.

2-2- همان.

3-3- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 315، ص 156.



که بتواند شتر تهیه کند، و یک گاو است اگر متوسط باشد و نتواند شتر تهیه کند، و یک گوسفند است اگر معسر باشد و نتواند گاو تهیه کند.

آیه الله (سیستانی): کفاره اش بنا بر احتیاط یک شتر و یا یک گاو است (1).

\* آیه الله (تبریزی): کفاره اش یک گوسفند است و بنا بر احتیاط یک شتر و یا یک گاو (2).

\* آیه الله (بهجت): کفاره اش یک شتر است (3).

\* آیه الله (فاضل): کفاره اش یک شتر و یا یک گاو و یا یک گوسفند است به اختیار خودش اگر چه بهتر آن است که شتر را کفاره دهد.

امام خمینی (ره):

اگر در احرام حج این عمل را از روی علم و عمد به جا آورد اگر قبل از وقوف به عرفات بوده حج او فاسد است مسلماً، و اگر بعد از وقوف به عرفات و قبل از وقوف به مشعر الحرام بوده، حج او فاسد است بنا بر اقوی، و در هر دو صورت کفاره آن یک شتر است (4).

\*\*\* آیه الله (نوری)، آیه الله (اراکی): و باید زن و شوهر با هم خلوت نکنند تا اعمال مناسک خود را تمام کنند، و هم چنین در سال بعد در صورتی که از همان راه قبلی قصد حج کنند، پس از رسیدن به محل معصیت باید از هم جدا شوند تا اتمام مناسک

\* آیه الله (فاضل): ظاهراً حج او در هر دو صورت صحیح است ولی باید یک شتر و در صورت عجز یک گاو کفاره بدهد و باید زن و شوهر با هم خلوت نکنند تا اعمال مناسک خود را تمام کنند و سال بعد باید حج تمتع به عنوان عقوبت انجام دهند. و هم چنین در سال بعد در صورتی که از همان راه قبلی قصد حج کنند، پس از رسیدن به محل معصیت باید از هم جدا شوند تا اتمام مناسک. و زن هم اگر در احرام بوده و به عمل راضی شده همین حکم را دارد. و اگر مجبور شده کفاره اش به عهده شوهر است.

\*\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (بهجت): در این صورت حج او فاسد است علی الاشهر.

\*\* آیه الله (خوئی)، آیه الله (تبریزی): اگر این عمل قبل از وقوف در مزدلفه صورت گرفته باشد باید حج در سال آینده اعاده شود.

ص: 234

1-1- مناسک، مسأله 220.

2-2- مناسک، مسأله 220.

3- مناسک شیخ، ص 16 و 93.

4- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، مسأله 316، ص 157.

آیه الله (سیستانی): اگر این عمل قبل از وقوف در مزدلفه صورت گرفته باشد باید حج را تمام کند و در سال آینده نیز اعاده نماید چه حج واجب باشد چه مستحب.

\* آیه الله (بهجت): کفاره این عمل در صورت تمکن یک شتر و در صورت عجز یک گاو و در صورت عجز یک گوسفند می باشد.

\* آیه الله (خامنه ای): کفاره آن شتر است و متعرض صورت عجز نشده اند.

\*\*\* آیات عظام (خوئی)، (تبریزی)، (سیستانی): در صورت تمکن یک شتر و در صورت عجز یک گوسفند کفاره بدهد.

- امام خمینی (ره):

در این دو صورت که حج فاسد شد باید حج را تمام کند و در سال دیگر نیز حج به جا آورد.

آیات عظام در مناسک خود اضافه بر کلام حضرت امام رحمه الله متعرض تقریق و جدایی بین زن و شوهر در حج امسال و سال آینده شده اند.

آیه الله (فاضل): گذشت که حج فاسد نشده است

\* آیه الله (خامنه ای): بعد از وقوف به مشعر الحرام و قبل از اتمام طواف نساء اگر آمیزش جنسی شود حج صحیح است و فقط باید کفاره بدهد.

- امام خمینی (ره):

اگر این عمل بعد از وقوف به عرفات و شعر واقع شد دو صورت دارد (1):

یکی آن که:

قبل از تجاوز از نصف طواف نساء مرتکب شده، در این صورت حج او صحیح است، و فقط باید کفاره بدهد (2).

\*\*\*\*\* آیات عظام (گلپایگانی)، (خوئی)، (اراکی)، (تبریزی)، (صافی): اگر این عمل پیش از طواف نساء و یا قبل از تمام شدن شوط پنجم باشد حج او صحیح است ولی باید کفاره بدهد.

ص: 235

---

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، مسأله 318.

2-2- همان، ص 158.

\* آیه الله (سیستانی): اگر این عمل قبل از طواف نساء و یا قبل از اتمام شوط چهارم طواف نساء باشد حجت صحیح و کفاره دارد و اگر بعد از آن باشد کاره هم ندارد (1).

آیه الله (فاضل): اگر قبل از تمام شدن شوط سوم باشد حج او صحیح و کفاره دارد.

\* آیه الله (مکارم): اگر قبل از طواف نساء این عمل صورت گیرد حجت صحیح ولی گناه کرده است و کفاره آن یک شتر است.

آیه الله (بهجت): اگر این عمل در دور سوم طواف نساء باشد و هم چنین اگر در دور چهارم باشد بنا بر احتیاط و اگر بعد از دور پنجم طواف نساء بوده کفاره نیز ندارد علی الاظهر الا شهر اگر چه احوط کفاره است (2).

دوم آن که:

بعد از تجاوز از نصف طواف نساء مرتکب شده، پس حج او صحیح است و کفاره هم ندارد بنا بر اقوی.

\*\*\* آیه الله (اراکي)، آیه الله (نوری): بعد از تمام شدن شوط پنجم طواف نساء.

\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): بعد از تجاوز از 5 شوط اگر مرتکب شود حج او صحیح و کفاره نیز ندارد اگر چه احوط است.

\* آیه الله (تبریزی): بعد از شوط پنجم کفاره ندارد.

\*\*\* آیه الله (اراکي)، آیه الله (نوری): علی الاظهر الا شهر، گر چه احوط کفاره است.

\* آیه الله (فاضل): اگر این عمل بعد از تمام شدن شوط سوم باشد کفاره نیز ندارد.

- امام خمینی (ره):

اگر زنی را از روی شهوت ببوسد کفاره آن یک شتر است، و اگر بدون شهوت ببوسد کفاره آن یک گوسفند است. و احتیاط مستحب آن است که یک شتر کفاره بدهد (3).

\* آیه الله (گلپایگانی): در این صورت خالی از قوت نیست که یک شتر کفاره بدهد.

\*\* آیه الله (سیستانی) آیه الله (بهجت): در این صورت بنا بر احتیاط واجب یک گوسفند کفاره بدهد (4).

ص: 236

1- - مناسک، مسأله 222.

2- 2 - مناسک شیخ، ص 16 و 93.

3- 3 - مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 319، ص 159.

4- مناسک، مسأله 236.

\*\*\* آیات عظام (نوری)، (اراکی)، (صافی): در این صورت بنا بر احتیاط واجب یک شتر باید کفاره بدهد.

\* آیه الله مکارم): احتیاط آن است که بوسیدن بدون قصد لذت را ترک کند و اگر ببوسد یک گوسفند کاره بدهد.

\* آیه الله خامنه ای): کفاره بوسیدن هم سر اگر با شهوت باشد یک شتر است و اگر بدون شهوت باشد یک گوسفند و ظاهراً بوسیدن غیر همسر مانند مادر و فرزند حرام نیست و کفاره هم ندارد.

\* آیه الله (بهجت): متعرض استحباب کفاره شتر نشده اند.

\* آیه الله (خوئی): اگر زنش را با شهوت ببوسد و منی از او خارج شود یک شتر باید کفاره بدهد و اگر منی از او خارج نشود بنا بر احتیاط یک شتر باید بدهد (1).

\* آیه الله (تبریزی): اگر زنش را با شهوت ببوسد و منی خارج شود یک شتر کفاره بدهد و اگر منی خارج نشود و یا از روی شهوت نباشد یک گوسفند کفاره بدهد.

آیه الله (سیستانی): اگر مرد محرم همسرش را از روی شهوت ببوسد و منی خارج شود لازم است یک شتر کفاره بدهد ولی اگر منی خارج نشود بعید نیست که یک گوسفند کفاره دادن کافی باشد و اگر مردی که محرم نیست همسر محرم خود را ببوسد به احتیاط واجب باید یک گوسفند کفاره بدهد.

- امام خمینی (ره):

اگر عمدا نگاه کند بغیر زن خود و انزالش شود احوط آن است که اگر می تواند یک شتر کفاره بدهد، و اگر نمی تواند یک گاو، و اگر آن را هم نمی تواند یک گوسفند کفاره بدهد (2).

\* آیه الله (بهجت): بنحو حرام، و اما اگر انزال نشود پس جز این که گناه کرده چیزی براو نیست بنا بر اظهر (3).

\* آیه الله (خوئی)، آیه الله (تبریزی): چه با شهوت باشد و چه بدون شهوت اگر انزال شود کفاره اش یک شتر است در صورت دارا بودن و یک گاو است اگر متوسط باشد و یک گوسفند اگر فقیر باشد.

ص: 237

---

1-1- مناسک، مسأله 226.

2-2- مسأله 320.

3-3- مناسک شیخ، ص 17 و 94.

\* آیه الله (فاضل): اقوی آن است که اگر متمول است یک شتر و اگر متوسط الحال است یک گاو و اگر فقیر است یک گوسفند کفاره بدهد.

آیه الله (سیستانی): اگر محرم به غیر همسر خود نگاه حرام کند اگر منی خارج نشود کفاره ندارد و اگر خارج شود کفاره واجب است و احتیاط واجب آن است که اگر وضع مالی او خوب است یک شتر و اگر متوسط الحال است یک گاو کفاره بدهد و نسبت به فقیر یک گوسفند کافی است.

- امام خمینی (ره):

اگر محرم نگاه کند به زن خود از روی شهوت و انزالش شود مشهور آن است که یک شتر کفاره است، ولی اگر از روی شهوت نباشد کفاره ندارد (1).

\* آیه الله (تبریزی): و یا از روی شهوت باشد و انزال نشود.

\* آیه الله (بهجت): ولی اگر از روی شهوت نگاه کند و منی از او بیرون نیاید یا بدون شهوت نگاه کند و منی بیرون بیاید کفاره ندارد (2).

آیه الله (بهجت): اگر او را از روی شهوت ببوسد بنا بر احتیاط یک شتر کفاره بدهد چه منی خارج شود و چه نشود.

\* آیه الله (فاضل): اگر زنش را با شهوت ببوسد و منی خارج شود کفاره آن یک شتر است و اگر منی خارج نشود (3). کفاره آن یک گوسفند است. و بوسیدن بدون شهوت کفاره ندارد، چون حرام نیست. وزن هم در این مسأله حکم مرد را دارد.

\* آیه الله (مکارم): بنا بر احتیاط واجب.

\* آیات عظام (گلپایگانی)، (خوئی)، (تبریزی)، (صافی): باید یک شتر کفاره بدهد.

آیه الله (سیستانی): بنا بر احتیاط واجب یک شتر بدهد. و اما اگر منی بیرون نیاید و یا بدون شهوت به او نگاه کرد و منی بیرون آمد، کفاره واجب نیست (4).

\* آیه الله (فاضل): بنا بر اقوی یک شتر کفاره بدهد.

ص: 238

---

1- - مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، مسأله 321.

2- 2 - مناسک، مسأله 229

3- 3 - همان، مسأله 226.

4- 4 - مناسک، مسأله 229.

- امام خمینی (ره):

اگر کسی با زن دست بازی کند به شهوت و انزالش نشود یک گوسفند کفاره آن است و اگر انزالش شود احتیاط آن است که یک شتر کفاره بدهد اگر چه کفایت گوسفند، خالی از قوت نیست (1).

\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): این فرع در مناسک ذکر نشده.

\*\*\* آیه الله (خوئی)، آیه الله (تبریزی): اگر محرم زن خود را با شهوت لمس کند باید یک گوسفند کفاره دهد و اگر با همسر خود ملاحظه کند و انزال شود لازم است یک شتر کفاره دهد.

\* آیه الله (سیستانی): اگر زن خود را با شهوت لمس نماید یا بلند کند یا در آغوش بگیرد باید یک گوسفند کفاره بدهد. چه انزال شود و چه نشود. و اگر بدون شهوت باشد کفاره ندارد. و اگر با زن خود ملاحظه نماید و انزال شود باید یک شتر کفاره بدهد و اگر نمی تواند باید یک گوسفند کفاره بدهد (2).

\* آیه الله (بهجت): اگر با شهوت هم سر خود را لمس نماید یک گوسفند باید بدهد و اگر با او ملاحظه کند و انزال شود لازم است یک شتر کفاره بدهد و احوط قضای حج است در موردی که این ملاحظه با انزال و امثال آن بنحو حرام بر غیر محرم صورت بگیرد مثل این که با اجنبیه باشد و در ملاحظه بدون انزال یک گوسفند است.

\* آیه الله (مکارم): این احتیاط ترک شود.

\* آیه الله (فاضل): اگر محرم زن خود را با شهوت لمس کند و یا با او بازی کند اگر انزال نشود یک گوسفند کفاره بدهد، و اگر انزال شود بنا بر احتیاط واجب یک شتر کفاره دارد.

\*\*\* آیه الله (اراکی)، آیه الله (نوری): بنا بر احتیاط واجب یک شتر کفاره دارد.

\*\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): واجب است یک شتر کفاره بدهد (3).

\* آیه الله (خامنه ای): کفاره ملاحظه منتهی به امناء در حال احرام یک شتر است.

ص: 239

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 322، ص 160.

2-2- مناسک، مسأله 228 و 229.

3-3- آداب و احکام حج، مسأله 391.

- امام خمینی (ره):

هر یک از این امور که موجب کفاره است اگر با جهل به مسأله یا از روی غفلت یا از روی نسیان واقع شود به عمره و حج او ضرر نمی رساند و بر شخص کفاره نیست (1).

\*\* آیه الله (خوئی)، آیه الله (تبریزی): اگر طواف حج را فراموش نموده و با عیال خود نزدیکی کند و یا بعد از سعی و قبل از تقصیر از روی جهل به حکم باشد باید کفاره بدهد.

- امام خمینی (ره):

اگر مردی با زن خود که محرم است از روی اجبار جماع کند بر زن چیزی نیست، و مرد باید علاوه بر کفاره خود، کفاره زن را هم بدهد، و اگر زن از روی رضایت جماع دهد کفاره بر خود اوست، و مرد باید کفاره خودش را بدهد، و کفاره ای که باید بدهند گذشت (2).

\* آیه الله (سیستانی): اگر مرد زنش را مجبور به جماع کند، بنا بر احتیاط واجب باید کفاره او را نیز بدهد.

\* آیه الله (فاضل): و در این صورت ظاهراً حج او صحیح است، اما باید مثل مرد سال بعد به عنوان عقوبت حج تمتع انجام دهد.

**سوم: عقد کردن زن از برای خود یا غیر، چه آن غیر، احرام بسته باشد یا نبسته باشد و محل باشد.**

- امام خمینی (ره):

جایز نیست شخص محرم شاهد شود از برای عقد گر چه آن عقد برای غیر محرم باشد (3).

\*\*\* آیات عظام (خوئی)، (تبریزی)، (سیستانی): شاهد شدن بر عقد بنا بر قول مشهور بر محرم حرام است، و این قول موافق احتیاط است.

\* آیه الله (مکارم): بنا بر احتیاط واجب نباید شخص محرم شاهد شود.

\* آیه الله (بهجت): حاضر شدن در مجلس عقد و شاهد شدن بر آن بر محرم حرام است (4).

\*\* آیه الله (اراکی)، آیه الله (نوری): احتیاط واجب.

ص: 240

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 323.

2-2- همان، مسأله 324، ص 161.

3-3- همو، مسأله 325.

4-4- مناسک، مسأله 235.

- امام خمینی (ره):

احتیاط آن است که شهادت ندهد بر عقد اگر چه شاهد عقد شده باشد، در حال محرم نبودن، اگر چه جایز بودن آن خالی از قوت نیست (1).

\* آیه الله (بهجت): احتیاط واجب.

\*\* آیه الله (خوئی)، آیه الله (تبریزی): بعضی از فقهاء فرموده اند که گواهی بر عقدی که قبلاً واقع شده نیز بر محرم حرام است، ولی دلیلش ظاهر نیست.

\* آیه الله مکارم): احتیاط واجب این است که محرم.

آیه الله (فاضل): شهادت دادن به عقد در حال احرام جایز است هر چند احتیاط مستحب در ترک آن است.

\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): شهادت بر عقد جایز نیست اگر چه پیش از احرام شاهد شده باشد.

- امام خمینی (ره):

اقوی آن است که خواستگاری کردن در حال احرام جایز است و احتیاط در ترک است.

\*\*\*\*\* آیات عظام (اراکی)، (نوری)، (گلپایگانی)، (خوئی)، (تبریزی)، (مکارم)، (فاضل)، (صافی): بنا بر احتیاط واجب محرم نباید خواستگاری نماید.

- امام خمینی (ره):

رجوع کردن به زنی که طلاق رجعی داده است مانع ندارد (2).

- امام خمینی (ره):

اگر زنی را در حال احرام برای خود عقد کند با علم به مسأله، آن زن بر او حرام دائمی می شود (3).

\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): متعرض حرمت ابدیه نشده اند و فرموده اند که عقد او باطل است.

\* آیه الله (بهجت): اقوی حرمت ابدیه است (4).

ص: 241

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، مسأله 326.

2-2- همان، مسأله 328، ص 162.



3-3 - همو، مسأله 329.

4-4 - مناسک، مسأله 233.

- امام خمینی (ره):

اگر زنی را با جهل به مسأله برای خود عقد کند عقدی که کرده است باطل است، لکن حرام دائمی نمی شود، ولی احتیاط آن است که آن زن را نگیرد خصوصاً اگر با او نزدیکی کرده باشد (1).

\* آیه الله (بهجت): اگر جاهل بود حرام ابدی نمی شود اگر چه دخول بنماید بنا بر اظهر و اشهر (2).

\* آیه الله (گلپایگانی): متعرض فرض جهل نشده اند.

\*\* آیه الله (اراکي)، آیه الله (نوری): در صورت عدم دخول، و در صورت دخول حرام دائمی می شود.

\* آیه الله (مکارم): این احتیاط مستحب است.

- امام خمینی (ره):

ظاهراً فرقی بین زن عقدی و صیغه ای نیست در احکامی که ذکر شد (3).

- امام خمینی (ره):

احتیاط آن است که زن اگر احرام بسته باشد و مرد محرم نباشد و عقد کند او را، با او نزدیکی نکند و طلاق دهد او را، و در صورت علم به مسأله او را طلاق دهد، و با او هیچ وقت ازدواج نکند (4).

\* آیه الله (اراکي): بنا بر احتیاط مستحب.

\* آیه الله (فاضل): اگر زنی احرام بسته باشد و مردی که محرم نیست او را به عقد خود درآورد، این عقد باطل است. و چنانچه زن عالم به حکم بوده است عقد باطل است و برای همیشه بر یکدیگر حرام می شوند.

آیه الله (گلپایگانی): متعرض این فرع نشده اند.

\*\*\* آیات عظام (خوئی)، (تبریزی)، (سیستانی): در صورتی که زن محرم باشد و مردی که محرم نیست او را به عقد خود درآورد این عقد باطل است و چنانچه زن عالم به حکم بوده است موجب حرمت ابدی هم می شود. \* (آیه الله سیستانی): حکم اخیر مبنی بر احتیاط است

ص: 242

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 330، ص 162.

2-2- کتاب نکاح، ص 48.

3-3- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 331.

4-4- همان، مسأله 332، ص 162.



\* آیه الله (بهجت): احوط اتحاد حکم مرد و زن است بلکه خالی از وجه نیست (1).

- امام خمینی (ره):

اگر کسی عقد کند زنی را برای محرمی و محرم دخول کند پس اگر هر سه عالم به حکم (5) باشند بر هر یک آنها یک شتر کفاره است، و اگر دخول نکند کفاره نیست، و در این حکم فرق نیست بین آن که زن و عاقد محل باشند یا محرم، و اگر بعضی از آنها حکم را می دانند و بعضی نمی دانند بر آن که می داند کفاره است (2).

\* آیه الله (بهجت): و نیز عالم به موضوع در موردی که محلی برای جهل به آن هست (3).

\* آیه الله سیستانی، آیه الله (فاضل): عالم به حکم و موضوع (یعنی این که بدانند مرد محرم است) باشند.

### چهارم: استمناء

یعنی طلب بیرون آمدن منی کردن بدست یا غیر آن هر چند به خیال باشد یا به بازی کردن با زن خود یا کس دیگر بهر نحو باشد، پس اگر منی خارج شود کفاره آن یک شتر است، و احتیاط واجب آن است که در جایی که جماع موجب بطلان است استمناء نیز موجب بطلان باشد به نحوی که در جماع گفته شد (4).

\* آیه الله خامنه ای: و اگر نتواند شتر بدهد قربانی کردن یک گوسفند کافی است و این در صورت علم به حکم و عمد می باشد و اگر استمناء با کاری است که او با خود انجام می دهد و پیش از مزدلفه است لازم است حج را تمام کند و در سال بعد آن را دوباره به جا آورد و اگر استمناء به وسیله هم سرش انجام شده، احتیاط واجب آن است که باز هم این گونه عمل کند.

\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): در صورتی که با آلت خود بازی کند و منی بیرون بیاید کفاره آن یک شتر است و اگر این عمل قبل از موقوفین باشد سال دیگر باید اعاده حج نماید.

\*\* آیه الله (خوئی)، آیه الله (تبریزی): اگر محرم با آلت خود بازی کند و منی از آن بیرون

ص: 243

1-1- کتاب نکاح، ص 48.

2-2- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 333، ص 162.

3-- مناسک شیخ، ص 18.

4-4- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 334، ص: 163

بیاید حکم کسی است که با زن خود نزدیکی کرده و مسأله آن گذشت. و اگر بدون بازی با آلت استمناء نمود، کفاره بر او واجب می شود و بنا بر اظهر حج و عمره اش فاسد نخواهد شد. هر چند رعایت احتیاط در اعاده آنها بهتر است.

\* آیه الله سیستانی: استمناء با عضو تناسلی چه با دست و غیر آن مطلقاً حرام است و حکم آن در حج حکم جماع است که گذشت و هم چنین در عمره مفرده به احتیاط واجب و استمناء به وسیله بوسیدن زن و یا دست زدن و یا ملاعبه و نگاه حکمش در مسائل قبل گذشت. و استمناء به وسیله شنیدن صحبت زن و یا اوصاف و مشخصات او و یا به وسیله تصورات او در خیال و مانند آن بر محرم حرام است ولی موجب کفاره نیست (1).

\* آیه الله (بهجت): و بدان که انزال منی با استمناء، بعضی او را مفسد حج دانسته اند مثل جماع کردن و این قول احوط است در استمناء به مثل عبث با آلت خود و مانند آن از محرم بر غیر محرم پس ترک نشود احتیاط به قضاء حج (2).

\* آیه الله (فاضل): ظاهراً استمناء موجب بطلان نمی شود و حکم آن مثل جماع است که گذشت. و ظاهراً نیز همین حکم را دارد.

### پنجم: استعمال عطریات

از قبیل مشک و زعفران و کافور و عود و عنبر، بلکه مطلق عطر هر قسم که باشد.

\*\* آیه الله (خوئی)، آیه الله (بهجت): احوط اجتناب از هر بوی خوشی غیر از اینهاست.

\* آیه الله (تبریزی): این حکم در غیر زعفران و عود و عنبر و مشک و ورس، مبنی بر احتیاط مستحب است.

\* آیه الله (سیستانی): بر محرم حرام است استعمال هر ماده ای که برای خوشبو کردن بدن یا لباس یا خوراک یا غیر آنها مورد استفاده واقع می شود، چه استعمال به بوییدن باشد یا خوردن یا مالیدن یا رنگ کردن یا بخور دادن و احتیاط واجب آن است که از شامپو و صابون و سیگاری که بوی خوشی دارد نیز اجتناب کند.

ص: 244

1-1- مناسک، مسأله 232.

2-2- مناسک آیه الله بهجت، مسأله 232.

مالیدن عطر بر بدن و لباس جایز نیست و همین طور پوشیدن لباسی که بوی عطر می دهد اگر چه قبلا به آن عطر مالیده شده باشد (1).

\* آیه الله (مکارم): یا پراکندن در فضا به وسیله اسپری و مانند آن.

- امام خمینی (ره):

خوردن چیزی که در آن چیزی است که بوی خوش می دهد مثل زعفران جایز نیست (2).

- امام خمینی (ره):

پوشیدن لباس یا خوردن غذایی که بوی خوش می دهد اضطرار پیدا کند باید (2) دماغ خود را بگیرد که بوی خوش به آن نرسد (3).

\* آیات عظام (خامنه ای)، (خوئی)، (تبریزی): بنا بر احتیاط لازم.

\* آیه الله (مکارم): مگر این که موجب عسر و حرج باشد.

- امام خمینی (ره):

از گلها یا سبزیهایی که بوی خوش می دهد باید اجتناب کند، مگر بعضی انواع که صحرايي است، مثل «بومادران» و «درمنه» و «خزومی» که میگویند از خوشبوترین گلها است (4).

\* آیه الله (سیستانی): این حکم مخصوص گیاهانی است که برای بوییدن مورد استفاده واقع می شود چه از آن عطر گرفته شود و چه نشود.

\*\*\* آیات عظام (گلپایگانی)، (اراکي)، (مکارم)، (صافی): بنا بر احتیاط واجب از تمام گلها اجتناب کند.

\*\*نظر آیه الله (خوئی)، آیه الله (بهجت) این است که باید بنا بر احتیاط لازم از هر بوی خوشی اجتناب کند. ولی آیه الله (بهجت) موارد استثناء را ذکر نکرده اند.

\* آیه الله (خامنه ای): احتیاط واجب نبویدن هر چیز معطری است که به آن عطر گفته نمی شود.

\* آیه الله (تبریزی): چنانکه گذشت حکم در غیر زعفران و عود و عنبر و ورس و مشک، مبنی بر احتیاط مستحب است.

ص: 245

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 335، ص 164.

2-2- همان، مسأله 336.

3-3- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 337.

4-4- همان، مسأله 338.

- امام خمینی (ره):

احتیاط آن است که از «دارچینی» و «زنجبیل» و «هل» و امثال آنها اجتناب کند اگر چه اقوی حرام نبودن آنها است (1).

\* آیه الله (سیستانی): حرمت شامل آنها نیز می شود.

- امام خمینی (ره):

از میوه های خوشبو از قبیل سیب و به اجتناب لازم نیست، و خوردن آنها و بوییدن آنها مانع ندارد، لکن احتیاط آن است که بوییدن را ترک کند (2).

\* آیه الله (خامنه ای): بنا بر احتیاط واجب از بوییدن آنها اجتناب کند.

- امام خمینی (ره):

اقوی حرمت گرفتن دماغ است از بوی بد، لکن فرار کردن از بوی بد به تند رفتن عیب ندارد (3).

\*\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): متعرض حرمت ابدیه نشده اند و فرموده اند که عقد او باطل است.

آیه الله (بهجت): اقوی حرمت ابدیه است (4).

- امام خمینی (ره):

خرید و فروش عطریات اشکال ندارد لکن نباید آنها را برای امتحان بو کند یا استعمال کند (5).

- امام خمینی (ره):

کفاره استعمال بوی خوش یک گوسفند است بنا بر احتیاط واجب (6).

- امام خمینی (ره):

مشهور آن است که استعمال خلوق کعبه و آن چیزی است که کعبه را به آن خوش بو می کنند حرام نیست، لکن چون معلوم نیست که خلوق چیست (7).

\* آیه الله (فاضل): ماده خوشبوی مخصوصی است که برای نظافت کعبه استعمال می شود.

ص: 246

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 339.

2-2- همان، مسأله 340.

3-3- همو، مسأله 341، ص 165.

4-4- مناسك، مسأله 233.

5-5- مناسك حج (المحشى للإمام الخميني)، مسأله 342.

6-6- همان مسأله 343.

7-7- همو، مسأله 344.



\* آیه الله (غروی): خلوق عبارت است از عطری که مایع بوده و زرد رنگ و اعظم اجزای آن زعفران است و کعبه را با آن خوشبو می کنند.

\*\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): نهایت احتیاط در آن .. احتیاط آن است که اجتناب کند از بوی خوشی که در کعبه است.

\* آیه الله (بهجت): متعرض این احتیاط نشده است.

\*\* آیه الله (خوئی)، آیه الله سیستانی): بنا بر احتیاط از بوییدن آنها هنگام خوردن باید خودداری شود.

آیه الله (تبریزی): اولی این است که از بوییدن آنها هنگام خوردن خودداری شود.

\* آیه الله (بهجت): این احتیاط در صورتی است که معلوم باشد دخول آن چه جایز نیست بوییدن آن (ولو بحسب احتیاط ممنوع باشد) در آن، و معلوم نباشد نامیده شدن آن به خلوق کعبه (که خوشبو کننده کعبه است با خصوصیتی در ساخت آن) و الا اقوی عدم حرمت است (1).

\*\*\* آیات عظام (خوئی)، (تبریزی)، (فاضل): این احتیاط لازم نیست.

\* آیه الله (سیستانی): خلوق کعبه عطری است که از زعفران و غیر آن گرفته می شده است و نسبت به آن چه فعلا کعبه را با آن خوشبو میکنند چیزی در مناسک ایشان نیامده است.

\* آیه الله خامنه ای): این احتیاط لازم است.

- امام خمینی (ره):

اگر بوی خوش را مکرر استعمال کرد در وقت واحد بعید نیست یک گوسفند کفایت کند، لکن احتیاط در تعدد است، و اگر در اوقات متعدده استعمال کرد احتیاط ترک نشود، و اگر بعد از استعمال کفاره داد و باز استعمال کرد واجب است که باز کفاره بدهد (2).

\* آیه الله (گلپایگانی): در صورت تکرار کفاره هم تکرار شود (3).

\* آیه الله (خامنه ای): تکرر استعمال طیب در یک زمان تا حدی که عرفا آن را یک بار استعمال کردن بدانند کفاره را متعدد نمیکند و در غیر آن علی الظاهر باید کفاره را به تعداد استعمال تکرار کند و عدم تخلل کفاره تأثیری ندارد گر چه وجوب کفاره به جهت استعمال طیب معلوم نیست.

ص: 247

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، ص: 166. و مناسک شیخ، ص 19.

2-2- همان، مسأله 345.

3-3- مناسک عربی، ص 98.

\* آیه الله (بهجت): با تخلخل تکفیر کفاره دارد و بدون آن احتیاط است.

\* آیه الله (تبریزی): چنانچه گذشت کفاره در غیر خوردن مبنی بر احتیاط و جویی است و در صورت تکرار احتیاط در تعدد کفاره است.

\* آیه الله (اراکي): یا مجلس واحد، بنا بر احتیاط کفاره را تکرار کند.

\* آیه الله (فاضل): بنا بر اقوی کفاره را باید متعدد بدهد.

\* آیه الله (خوئی): متعرض این مسأله نشده اند.

### ششم: پوشیدن چیز دوخته

\* مثل پیراهن و زیر جامه و قبا و امثال آنها.

\* آیه الله (سیستانی):

برای محرم جایز نیست که جامه دکمه دار با آن چه فایده دکمه را داشته باشد بپوشد در صورتی که دکمه آن را ببندد و هم چنین جایز نیست جامه ای بپوشد که یقه و آستین داشته باشد و سر را از یقه و دستها را از آستین بیرون بیاورد و هم چنین جایز نیست شلوار و زیر شلواری و آن چه را که در ستر عورتین مانند آنها باشد مگر این که ازار (لنگ) نداشته باشد که در این صورت پوشیدن آن جایز است، و بنا بر احتیاط واجب باید از پوشیدن لباسهای متعارف مانند پیراهن و قبا و لباده و کت و پیراهن عربی بپرهیزد، هر چند دکمه آنها را نبندد یا دست از آستین و سر از یقه بیرون نیاورد (1).

\* آیه الله (خوئی): پوشیدن پیراهن و قبا و شلوار و زیر شلواری و جامه دکمه دار با بستن دکمه آن و درع (زره) و هر جامه ای که آستین دار باشد که دست در آن برود بر محرم حرام است.

- امام خمینی (ره):

چیزهایی که شبیه به دوخته است مثل پیراهنهایی که با چرخ یا با دست می بافند یا چیزهایی را که با نمده به شکل بالا پوش می مانند مثل کلیجه و پستک و کلاه و غیر آن جایز نیست (1) پوشیدن آنها (2).

ص: 248

1-1- مناسک، مسأله 242.

2-2- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 346، ص 167.

\* آیه الله (سیستانی): فرقی نیست در آن چه در حاشیه قبل گفته شد که لباس دوخته باشد یا بافتنی با نمد مالی یا غیر آن.

\*\*\* آیه الله (خوئی)، آیه الله (تبریزی): احوط اجتناب از هر جامه دوخته بلکه شبیه دوخته است، مانند نمدی که چوپانان آن را می پوشند.

\* آیه الله (مکارم): هم چنین لباسهایی که قطعات آن را بهم می چسبانند.

\* آیه الله (خامنه ای): و هم چنین لباسهای دکمه دار گر چه مخیط نباشد، که پوشیدن آن حرام است ولی سایر استعمالات آن مانند فرش قرار دادن یا به عنوان رو انداز استفاده کردن مانعی ندارد.

- امام خمینی (ره): احوط اجتناب از مطلق دوخته است هر چند کم باشد، مثل کمر بند (دوخته و شب کلاه) (1).

\* آیه الله (خامنه ای): پوشیدن مخیط از غیر انواع لباس مانند کمر بند یا همیان حرام نیست،

و کفاره ندارد.

\* آیه الله (فاضل): اقوی اجتناب از مطلق دوخته است.

\* آیه الله (خوئی): احوط اجتناب از مطلق جامه دوخته و شبیه دوخته است ولی انداختن پتوی حاشیه دار که طرفین آن را با نخ دوخته اند مانع ندارد (2).

\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): استفاده از این اشیاء برای محرم جایز است هر چند دوخته باشد:

1- همیان و کمر بند که برای حفظ پول به کمر می بندند.

2- فتق بند.

3- کفشی که تمام روی پا را نپوشاند.

\* آیه الله (مکارم): کمر بند دوخته اشکالی ندارد.

\* آیه الله (سیستانی): معلوم شد که معیار لباس دوخته نیست بلکه انواع خاصی از لباس حرام است و به احتیاط واجب لباسهای متعارف هم حرام است و اما کمر بند و بند ساعت و دمپایی و امثال آن اگر دوخته باشد اشکال ندارد گر چه کمر بند مکروه است و هم چنین اشکال ندارد اگر حاشیه لباس احرام دوخته باشد یا بر آن مارکی باشد که دوخته باشند.

ص: 249

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، مسأله 347.

2-2- استفتاءات، ص 241، س 712.

\* آیه الله (تبریزی): پوشیدن شب کلاه جایز نیست و کمر بند مانعی ندارد.

\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): نهایت احتیاط در آن..

\* آیه الله (بهجت): متعرض این احتیاط نشده است.

\*\* آیه الله (خوئی)، آیه الله (سیستانی): بنا بر احتیاط از بوییدن آنها هنگام خوردن باید خودداری شود.

\* آیه الله (تبریزی): اولی این است که از بوییدن آنها هنگام خوردن خودداری شود.

\* آیه الله (تبریزی): بنا بر احتیاط واجب (1).

آیه الله (بهجت): بنا بر احوط بلکه اقوی.

\* آیه الله (فاضل): و اگر گرفت معصیت کرده ولی کفاره ندارد.

\* آیه الله (نوری): اگر صابون و شامپو دارای بوی خوش باشد باید محرم از آن اجتناب کند.

\* آیه الله (خامنه ای): وجوب کفاره در استعمال طیب ثابت نیست اگر چه احتیاط مستحب آن است که یک گوسفند کفاره بدهد.

\*\*\* آیه الله (خوئی) و آیه الله (تبریزی): کفاره اش بنا بر مشهور یک گوسفند است، ولی ثبوت کفاره در غیر خوردن، محل اشکال است هر چند احوط کفاره دادن است.

\*\*\* آیه الله (سیستانی): هرگاه محرم عمدا مقداری از چیزهای خوشبو را بخورد، و یا چیزی را بپوشد که اثر بوی خوش از سابق در آن مانده باشد، بنا بر احتیاط واجب باید یک گوسفند کفاره بدهد، ولی در غیر این دو مورد در استفاده از بوی خوش کفاره واجب نیست، هر چند احوط کفاره دادن است (2).

\* آیه الله (فاضل): در صورت علم و عمد.

\*\*\*\* آیات عظام (گلپایگانی)، (اراکلی)، (مکارم)، (صافی)، (بهجت): در صورت عمد احتیاط (1) آن است که اجتناب کند از بوی خوشی که در کعبه است.

\* آیه الله (فاضل): ماده خوشبوی مخصوصی است که برای نظافت کعبه استعمال می شود.

آیه الله (غروی): خلوق عبارت است از عطری که مایع بوده و زرد رنگ و اعظم اجزای آن زعفران است و کعبه را با آن خوشبو می کنند.

\* آیه الله (بهجت): این احتیاط در صورتی است که معلوم باشد دخول آن چه جایز نیست

1-1- مناسك، مسأله 241.

2-2- مناسك، مسأله 240.

بوییدن آن (ولو بحسب احتیاط ممنوع باشد) در آن، و معلوم نباشد نامیده شدن آن به خلوق کعبه (که خوشبو کننده کعبه است با خصوصیتی در ساخت آن) و الاقوی عدم حرمت است.

\*\*\* آیات عظام (خوئی)، (تبریزی)، (فاضل): این احتیاط لازم نیست.

\* آیه الله سیستانی: خلوق کعبه عطری است که از زعفران و غیر آن گرفته می شده است و نسبت به آن چه فعلا- کعبه را با آن خوشبو میکنند چیزی در مناسک ایشان نیامده است.

\* آیه الله (خامنه ای): این احتیاط لازم است.

- امام خمینی (ره):

همیانی را که در آن پول میگذارند اشکال ندارد به کمر ببندد هر چند دوخته باشد، و بهتر آن است که قسمی کند که بی گره باشد(1).

آیه الله (فاضل): اما اگر بتواند همیان دوخته نشده تهیه کند نمی تواند از همیان دوخته شده استفاده کند.

آیه الله (بهجت): در مناسک ایشان، قسمت اخیر آورده نشده است.

- امام خمینی (ره):

فتق بند اگر دوخته باشد برای ضرورت جایز است ببندد، لکن احتیاط آن است که کفاره بدهد.

\*\*\* آیه الله (فاضل)، آیه الله (صافی): اولی این است که کفاره بدهد.

\* آیه الله (تبریزی): کفاره هم ندارد.

\*\*\* آیه الله (مکارم)، آیه الله سیستانی: ضرورت لازم نیست و کفاره هم ندارد.

\* آیه الله (سیستانی): این احتیاط لازم نیست.

- امام خمینی (ره):

اگر به لباس دوخته احتیاج پیدا کرد جایز است بپوشد، ولی کفاره باید بدهد(2).

\* آیه الله (بهجت): الا در صورتی که ازار نداشته و شلوار بپوشد که در وجوب فدیة تامل است(3).

ص: 251

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، مسأله 348، ص 168.

2-2- همان، مسأله 350.



\*\*\* آیات عظام (خامنه ای)، (خوئی)، (تبریزی)، (سیستانی): بنا بر احتیاط واجب باید یک گوسفند بدهد.

- امام خمینی (ره):

جایز است گره زدن لباس احرام را ولی احتیاط در گره زدن است، و احتیاط واجب آن است که لنگ را به گردن گره زنند (1).

- امام خمینی (ره):

جایز است که لباس احرام را با سوزن یا چیز دیگر بعضی را به بعضی وصل کند گر چه احتیاط در ترک است (2).

امام خمینی (ره):

از برای زنها جایز است لباس دوخته هر قدر می خواهند به پوشند و کفاره ندارد، بلی جایز نیست از برای آنها پوشیدن «قفازین» و آن چیزی بوده که زنه‌های عرب در آن پنبه می گذاشتند و دست می کردند برای حفظ از سرما (3).

\* آیه الله (اراکي): احوط بلکه اقوی اجتناب از آن است.

\*\* آیه الله (سیستانی)، آیه الله مکارم): منظور از قفازین هر نوع دستکش است.

- امام خمینی (ره):

کفاره پوشیدن لباس دوخته، یک گوسفند است (4).

\* آیه الله (بهجت): برای متعمد و یا مضطر، بخلاف ناسی و ساهی و جاهل که چیزی بر آنها نیست .

\* آیه الله (نوری): هر چند از روی اضطرار پوشیده باشد و با تعدد لباس یا تکرار در پوشیدن، کفاره نیز تکرار می شود.

امام خمینی (ره): اگر محرم چند قسم لباس دوخته بپوشد مثل پیراهن و قبا و عبا برای هر یک باید کفاره بدهد

ص: 252

---

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 351.

2-2- همان، مسأله 352.

3-3- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 353.

4-4- همان، مسأله 354. 5- مناسک شیخ، ص 20.



و احتیاط واجب آن است که اگر آنها را توی هم کرد و یک دفعه پوشید باز برای هر یک کفاره بدهد(1).

\* آیه الله (خامنه ای): اگر تعدد پوشیدن صدق کند برای هر مورد یک کاره بدهد.

\*\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): ظاهر آن است که اگر برای پوشیدن جنس دوخته یک کفاره بدهد کافی است.

\* آیه الله (سیستانی): در این صورت اگر نوع لباسها مختلف باشد به تعداد هر لباس باید کفاره بدهد، و اگر نوع لباسها یکی باشد بنا بر احتیاط به تعداد هر لباس باید کفاره بدهد(2).

\* آیه الله (بهجت): ظاهر تعدد کاره است به تعدد صنفها مطلقا، چه علی الترتیب بیوشد و چه در یک دفعه بیوشد(3).

امام خمینی (ره):

اگر از روی اضطرار لباسهای متعدد پوشید کفاره ساقط نمی شود(4).

\*\*\* آیه الله (خامنه ای)، آیه الله (تبریزی): بنا بر احتیاط در صورت اضطرار به پوشیدن لباس هم کفاره دارد.

\* آیه الله (مکارم): مگر این که موجب عسر و حرج شود.

\*\* آیه الله (خوئی)، آیه الله سیستانی): بنا بر احتیاط (5).

- امام خمینی (ره):

اگر یک قسم لباس بیوشد مثل پیراهن و کفاره بدهد و باز پیراهن دیگر بیوشد یا آن را که پوشیده بکند و باز بیوشد باید برای دفعه دیگر نیز کفاره بدهد(6).

- امام خمینی (ره):

احتیاط واجب آن است که اگر چند لباس از یک نوع بیوشد مثل چند قبا یا چند پیراهن چه در مجلس واحد یا در مجالس عدیده برای هر یک کفاره بدهد(7).

ص: 253

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، مسأله 355، ص 169.

2-2- مناسک، مسأله 245

3-3- مناسک شیخ، ص 20.

4- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، مسأله 356، ص 169.

5-5- مناسک، مسأله 245.

6- مناسک، مسأله 357.

7- مناسك حج (المحشى للإمام الخمينى)، مسأله 358.

\* آیه الله (غروی): اقوی در این صورت کفایت یک کاره است در صورتی که همه را در یک دفعه بپوشد و یک لیس صدق کند.

\* آیه الله (بهجت): اگر یک دفعه پوشیدن صدق کند (1).

\* آیه الله (مکارم): مگر این که موجب عسر و حرج شود.

آیه الله (فاضل): چنانچه چند لباس از یک نوع را یک دفعه (یعنی پشت سر هم و بدون فاصله) بپوشد فقط یک کفاره واجب می شود.

\* آیه الله (تبریزی): در صورتی که چند لباس بپوشد و لو از یک نوع باشد، باید به تعداد آنها کفاره بدهد.

\* آیه الله (گلپایگانی): برای پوشیدن جنس دوخته در احرام عمره یک کفاره و در احرام حج نیز یک کفاره کافی است (2).

### هفتم: سرمه کشیدن

امام خمینی (ره):

به سیاهی که در آن زینت باشد هر چند قصد زینت نکند. و احتیاط واجب اجتناب از مطلق سرمه است که در آن زینت باشد، بلکه اگر بوی خوش داشته باشد بنا بر اقوی حرام است (3).

\*\* آیه الله (خوئی)، آیه الله (تبریزی): سرمه سیاه بقصد زینت کردن حرام است قطعاً. و بنا بر احتیاط یک گوسفند کفاره بدهد و از سرمه سیاه بدون قصد زینت و غیر سیاه با قصد زینت بنا بر احتیاط واجب اجتناب کند.

\* آیه الله (خوئی): و بنا بر احتیاط مستحب کفاره هم دارد ولی سرمه غیر سیاه بدون قصد زینت مانع ندارد و کفاره نیز ندارد.

\* آیه الله (مکارم): فرقی بین سرمه سیاه و غیر سیاه نیست، ملاک در حرمت زینت و عدم زینت است.

\* آیه الله (سیستانی): سرمه سیاه و هر سرمه ای که زینت حساب شود اگر به قصد زینت باشد

ص: 254

1-1- مستفاد از مناسک شیخ، ص 20.

2-2- مجمع المسائل، ج 1، ص 461، - مسأله 20.

3-3- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، مسأله 359، ص 170.

حرام و اگر به قصد زینت نباشد احتیاط واجب در ترک است و اما سرمه ای که نه سیاه باشد و نه زینت شمرده شود اگر به قصد زینت نباشد جایز و اگر به قصد زینت باشد احتیاط واجب در ترک است، بلی در هر صورت برای معالجه در حال اضطرار اشکال ندارد (1).

\* آیه الله (خوئی): اگر قصد زینت نکند بنا بر احتیاط واجب باید اجتناب کند.

\* آیه الله (اراکی): در صورت عدم قصد زینت، احوط ترک است.

\* آیه الله (بهجت): اگر سرمه سیاه بکشد و قصد زینت نداشته باشد بلکه برای اعلاج مرض باشد اشکال ندارد.

\* آیه الله (بهجت): احوط اجتناب از مطلق سرمه است اگر بقصد زینت باشد یا بوی خوش در آن باشد (2).

\* آیه الله (اراکی): بنا بر احوط حرام است.

امام خمینی (ره): حرام بودن سرمه کشیدن، به زن اختصاص ندارد و برای مرد نیز حرام است (3).

امام خمینی (ره):

- در سرمه کشیدن کفاره نیست، لکن اگر در سرمه بوی خوش باشد احتیاط کفاره دادن است (4).

آیه الله (خوئی): بنا بر احتیاط باید یک گوسفند کفاره دهد. \* آیه الله سیستانی: بنا بر احتیاط مستحب یک گوسفند کفاره بدهد.

\* آیه الله (تبریزی): اگر سرمه سیاه را بقصد زینت بکشد بنا بر احتیاط یک گوسفند کفاره دارد و در سرمه سیاه که بقصد زینت نباشد یا سرمه ای که بقصد زینت میکشد ولی سیاه نیست احتیاط استحبابی در کفاره دادن است.

\* آیه الله (بهجت): متعرض مسأله کفاره اکتحال نشده اند.

آیه الله (فاضل): اگر بوی خوش آن در لحظه سرمه کشیدن قابل استشمام باشد اقوی کفاره دادن است ولی چنانچه بوی خوش از آن استشمام نشود احتیاط مستحب در کاره دادن است.

ص: 255

1-1 - مناسک، مسأله 246.

2-2 - مناسک، شیخ ص 21.

3-3 - مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، مسأله 360.

4-4 - همان، مسأله 361.

\* آیه الله (مکارم): یک گوسفند اگر عمدا باشد.

امام خمینی (ره):

در صورتی که احتیاج داشته باشد به سر مه کشیدن مانعی ندارد (1).

### هشتم: نگاه کردن در آینه

\* آیه الله خامنه ای): نگاه کردن در آینه بدون قصد زینت مانند راننده و امثال آن اشکال ندارد.

آیه الله مکارم): در صورتی که برای تزئین خود و اصلاح سر و وضع خود باشد.

\* آیه الله سیستانی): آیه الله (تبریزی): نگاه کردن در آینه جهت زینت بر محرم حرام است.

\* آیه الله (بهجت): در صورتی که برای عذری از قبیل مرض نباشد که صدق تزئین نمیکند (2).

امام خمینی (ره):

در این حکم فرقی بین زن و مرد نیست (3).

امام خمینی (ره):

نگاه کردن به اجسام صاف صیقل داده شده که عکس در آن پیداست و نگاه کردن در آب صاف اشکال ندارد (4).

\* آیه الله (خامنه ای): در صورتی که قصد زینت نداشته باشد.

\* آیه الله (سیستانی): اجسام صیقلی دیگری که خاصیت آینه را داشته باشند حکم آینه را دارند.

\* آیه الله مکارم): هر گاه برای تزئین و اصلاح خود باشد اشکال دارد.

امام خمینی (ره):

عینک زدن اگر زینت نباشد اشکال ندارد، ولی اگر زینت محسوب شود جایز نیست (5).

\* آیه الله (بهجت): اگر بقصد زینت نباشد بنا بر اقوی عیبی ندارد.

ص: 256

---

1-1 - مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، مسأله 362، ص 171.

2-2 - مناسک شیخ، ص 21.

3-3 - مناسک حج (المحشى للإمام الخمينى)، مسأله 363.

4-4 - همان، مسأله 364.

5-5 - همو، مسأله 365.

\* آیه الله (فاضل): و به قصد زینت استفاده کند.

\* آیه الله (خامنه ای): احتیاط واجب اجتناب از هر چیزی است که عرفا زینت محسوب می شود.

\* آیه الله (سیستانی): در صورتی که عینک زدن عرفا زینت باشد، احوط پرهیز از آن است (1).

امام خمینی (ره):

در نظر کردن به آینه كفاره نیست لکن مستحب است که بعد از نگاه کردن لبیک بگوید (2).

\*\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): كفاره اش استغفار است (3).

\* آیه الله (خوئی): كفاره اش بنا بر احتیاط یک گوسفند است (4).

آیه الله (تبریزی): كفاره اش بنا بر احتیاط استحبابی یک گوسفند است.

امام خمینی (ره):

اگر در اطاقی که ساکن است آینه باشد و بداند که گاهی چشم او سهوا به آینه می افتد اشکال ندارد، لکن احتیاط آن است که آن را بردارد یا چیزی روی آن بیندازد (5).

\* آیه الله (فاضل): یا در ماشینی که نشسته است.

امام خمینی (ره):

احتیاط آن است که به آینه نگاه نکند اگر چه برای زینت نباشد (6).

\*\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): نظر در آینه مطلقا جایز نیست چه بقصد زینت باشد و چه نباشد (7).

\*\*\*\*\* آیات عظام (خامنه ای)، (خوئی)، (تبریزی)، (سیستانی)، (مکارم)، (بهجت): نگاه به آینه بدون قصد زینت اشکال ندارد.

آیه الله (نوری): در حال احرام عکس گرفتن از یکدیگر چون نگاه کردن در آینه بر آن صدق نمی کند اشکال ندارد.

ص: 257

1-1- مناسک، مسأله 247.

2-2- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، مسأله 366.

3-3- آراء المراجع، ص 153.

4-4- مناسک، مسأله 247.

5-5- مناسك حج (المحشى للإمام الخمينى)، مسأله 367.

6-6- همان، مسأله 368، ص 172.

7-7- مناسك عربى، ص 89.



## نهم: پوشیدن موزه و چکمه و گیوه و جوراب و هرچه تمام روی پا را می گیرد.

نهم: پوشیدن موزه (1) و چکمه و گیوه و جوراب و هرچه تمام روی پا را می گیرد.

\* آیه الله (تبریزی): احوط نپوشیدن هر چیزی است که تمام پشت پا را به پوشاند.

\*\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): و احتیاط آنست که از پوشیدن چیزی که قسمتی از روی پا را هم به پوشاند نیز خودداری کند ولی بند نعلین اشکال ندارد.

آیه الله (بهجت): و مانند چکمه و جوراب است بلکه مطلقاً با صدق لبس و پوشیدن علی الأحوط (2).

امام خمینی (ره):

این حکم اختصاص به مردان دارد و برای زن مانع ندارد (3).

\* آیه الله (غروی): عمومیت حکم در این مسأله که شامل زنان هم باشد اگر اقوی نباشد علی الأقل احوط است.

\* آیه الله (بهجت): بعید نیست ابتناء حکم بر منع کشف قدمین در غیر حال احرام پس پوشیدن آنها در حال احرام ممنوع نیست و عدم منع آن پس با مرد مشترک است (4).

امام خمینی (ره):

اگر مرد محتاج شود به پوشیدن چیزی که روی پا را میگیرد احتیاط واجب آن است که روی آن را شکاف دهد (5).

\* آیه الله (سیستانی): بلکه مضطر شود.

\*\*\* آیه الله (بهجت)، آیه الله مکارم: احتیاط مستحب این است.

\*\*\* آیه الله (فاضل)، آیه الله (خوئی): احتیاط مستحب (6).

\* آیه الله (خامنه ای): قدر مسلم از حرام بودن پوشاندن روی پا، پوشیدن چکمه و جوراب و امثال آن است نه هر چیزی که روی پا را می پوشاند و در هر صورت اگر محرم ناچار به پوشیدن آن شود، احتیاط شکافتن روی آن است.

ص: 258

---

1-1- موزه . [ از ] ( ) به ترکی چکمه گویند . چکمه و معرب آن موزج است . یک نوع پا افزار که تا ساق پا و زیر زانو را می پوشاند و چکمه نیز گویند . پای افزار چرمین بلند ساق پا افزار . مخف . مسخی . نوعی کفش پوزدار . پاچپله . نوعی پای افزار ساقه دار و ساقه ها عادتاً تا زانو رسد اما از شواهد برمی آید که بر کفش ساقه کوتاه نیز اطلاق شده است . لغت نامه دهخدا .

3-3 - مناسك حج (المحشى للإمام الخمينى)، مسأله 369، ص 172.

4- مناسك شيخ، ص 21 و 22.

5- مناسك حج (المحشى للإمام الخمينى)، مسأله 370.

6- مناسك عربى، مسأله 248.

امام خمینی (ره):

در پوشیدن آن چه روی پا را می گیرد کفاره نیست(1).

\*\*\* آیات عظام (خوئی)، (تبریزی)، (فاضل)، (اراکلی): احوط ثبوت کفاره گوسفند است.

\* آیه الله (سیستانی): در پوشیدن چکمه و مانند آن کفاره‌های واجب نیست، ولی بنا بر احتیاط اگر عمدا جوراب و مانند آن را بپوشد باید یک گوسفند کفاره بدهد(2).

آیه الله (نوری): کفاره پوشیدن آن چه که روی پا را می گیرد یک گوسفند است.

### دهم: فسق و فسوق

امام خمینی (ره):

فسوق اختصاص به دروغ گفتن ندارد بلکه فحش دادن و فخر به دیگران کردن نیز فسوق است، و از برای فسوق کفاره نیست، فقط باید استغفار کند، و مستحب است چیزی کفاره بدهد و اگر گاو ذبح کند بهتر است(3).

\* آیه الله (بهجت): اظهار مقید بودن دروغ گفتن و دشنام دادن و مفاخرت است به آن که بر غیر محرم حرام باشند(4).

آیت الله (خوئی): مراد از فسوق در آیه مبارکه لا یوق ولا فسوق ولا جدال فی الحج دروغ و دشنام است، و فخر کردن هم ملحق به فسوق است.

\* آیه الله (خوئی): فخر در صورتی که مستلزم اهانت به دیگران نباشد حرام نیست. (مناسک، مسأله 249).

\* آیه الله (تبریزی): فخر کردن بر دیگران اگر برای اثبات فضیلت و برتری برای خود باشد که توهین دیگری را در برداشته باشد این عمل فی نفسه حرام است.

\* آیه الله (فاضل): خواه موجب نقص دیگران باشد و یا نباشد.

\* آیه الله (مکارم): بنا بر احتیاط واجب فخر فروشی نیز از فسوق است.

ص: 259

---

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخمینی)، مسأله 371.

2-2- مناسک، مسأله 248.

3-3- مناسک حج (المحشی للإمام الخمینی)، مسأله 372، ص 173.

4-4- مناسک شیخ، ص 22.

\* آیه الله (سیستانی): فخر کردن اگر مستلزم اهانت و تحقیر مؤمن باشد همیشه حرام است و در حال احرام حرمتش مؤکد است و اگر چنین نباشد اشکالی ندارد حتی در حال احرام.

## بازدهم: جدال

و آن گفتن «لا والله» و «بلی و الله» است.

امام خمینی (ره):

آن که گفتن کلمه «لا» و کلمه «بلی» و در سایر لغات مرادف آن مثل «نه» و «آری» دخالتی در جدال ندارد، بلکه قسم خوردن در مقام اثبات مطلب یا رد غیر، جدال است (1).

\* آیه الله (فاضل): در مرادف اشکال است و ظاهراً در جدال محرم خصوص لفظ «لا» و «بلی» دخالت دارد.

آیه الله (گلپایگانی): بنا بر احتیاط لازم، گفتن کلمه آری و الله و بلی و الله و نه والله ملحق به آن است.

\* آیه الله (تبریزی): و احتیاط در این است که بغیر این دو کلمه نیز قسم نخورد و هم چنین با الفاظی که مترادف آنهاست از هر لغتی که باشد.

ظاهر فرمایش آیه الله (خوئی): این است که: کلمه لاوبلی دخالت در مطلب دارد.

آیه الله (اراکی): بنا بر احتیاط مطلق قسم خوردن جدال است.

امام خمینی (ره):

- قسم اگر به لفظ «الله» باشد یا مرادف آن مثل «خدا» در زبان فارسی جدال (6) آن است. (2)

\*\*\* آیه الله (اراکی)، آیه الله (خوئی): بنا بر احتیاط واجب لفظ مرادف «الله» به هر زبانی که باشد ملحق به جدال است.

\* آیه الله (بهجت): اگر قسم به لفظ جلاله نباشد اظهر عدم الحاق است، و اگر به لفظ جلاله باشد ظاهر تحقق حرام به مجرد است، و اما قسم بغیر خدا به هر کس باشد ملحق به جدال نیست.

ص: 260

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 373.

2-2- مناسک شیخ ص 22 و مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 374.

امام خمینی (ره):

احتیاط واجب الحاق سایر اسماء الله است به لفظ جلاله، پس اگر کسی قسم بخورد به رحمان و رحیم و خالق سماوات و ارض، جدال محسوب می شود به احتیاط واجب(1).

\* آیه الله (فاضل): در صورتی که مشتمل بر کلمه لاو یا بلی باشد در این صورت نیز احتیاط مستحب الحاق است.

\* آیه الله (سیستانی): در جدال کافی است که قسم به خدای متعال باشد ولو به لفظ جلاله نباشد.

امام خمینی (ره):

در مقام ضرورت برای اثبات حقی یا ابطال باطلی جایز است قسم بخورد به جلاله و غیر آن(2).

\* آیه الله (سیستانی): استثنا می شود از حرمت جدال موردی که ترک آن مستلزم ضرری بر مکلف باشد، مثلاً حق او را پایمال کند.

\*\*آیه الله (خوئی)، آیه الله (تبریزی): و هم چنین اگر مرادش اظهار محبت یا تعظیم باشد، مثل: تورا به خدا این کار را نکن...

\* آیه الله (بهجت): و در صورت جواز کفاره ای نیست علی الاظهر(3).

\*\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): و برای اظهار مودت و دوستی و اکرام مؤمن نیز جایز است.

امام خمینی (ره):

اگر در جدال راست گو باشد در کمتر از سه مرتبه چیزی بر او نیست مگر استغفار، و در سه مرتبه کفاره باید بدهد، و کفاره آن یک گوسفند است(4).

\* آیه الله (سیستانی): به گفته بعضی از فقها جدال با قسم راست محقق نمی شود مگر این که سه بار پی در پی باشد و این گفته خالی از وجه نیست، گر چه احتیاط ترک آن است حتی یک بار.

ص: 261

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 375، ص 174.

2-2- همان، مسأله 376.

3-3- مناسک شیخ، ص 22.

4-4- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 377، ص 174.

\* آیه الله (بهجت): اگر سه مرتبه پی در پی باشد، و در حکم غیر صورت تتابع با عدم تخلل تکفیر تأمل است در صادق و کاذب(1).

\* آیه الله سیستانی: اگر سه بار پی در پی باشد.

امام خمینی (ره):

اگر در جدال دروغ گو باشد احتیاط واجب آن است که در یک مرتبه یک گوسفند کفاره بدهد و در دو مرتبه یک گاو و در سه مرتبه یک شتر بلکه خالی از قوت نیست.

\*\*\* آیات عظام (خوئی)، (سیستانی)، (تبریزی): در مرتبه اول یک گوسفند و در مرتبه دوم یک گوسفند دیگر و در مرتبه سوم یک گاو کفاره بدهد.

\* آیه الله (اراکي): مطابق با احتیاط است.

\* آیه الله (تبریزی): در همان مرتبه اول یک گوسفند و یک گوسفند دیگر بنا بر احتیاط برای مرتبه دوم و در مرتبه سوم یک گاو کفاره دارد(2).

\* آیه الله (بهجت): در همان مرتبه اول یک گوسفند و در مرتبه دوم بنا بر احتیاط یک گاو کفاره بدهد بلکه خالی از وجه نیست و در مرتبه سوم تخیر میان گاو و شتر خالی از وجه نیست.

\* آیه الله مکارم: این قول موافق احتیاط است.

\* آیه الله (فاضل): واجب است که در مرتبه اول گوسفند کفاره بدهد و احتیاط واجب آن است که در مرتبه دوم یک گاو و در مرتبه سوم یک شتر کفاره بدهد و احتیاط کامل به آن تحقق پیدا میکند که در مرتبه دوم بین گوسفند و گاو و در مرتبه سوم بین گاو و شتر جمع نماید.

\* آیه الله (فاضل): ظاهراً لفظ «الله» بدون «لا» و «بلی» جدال محرم نیست، و مرادف «الله» نیز به هر زبانی که باشد جدال محترم نمی باشد.

امام خمینی (ره):

اگر در جدال به دروغ در دفعه اول یک گوسفند کفاره ذبح کرد بعید نیست که اگر بعد از آن جدال کند به دروغ، کفاره آن یک گوسفند باشد نه گاو(3).

\* آیه الله مکارم: بعید است.

ص: 262

1-1- مناسک شیخ، ص 22.

2-2- مناسک، مسأله 252.



\* آیه الله (سیستانی): و اگر كفاره را داد و دوباره قسم دروغ خورد باید به ترتیبی که گذشت كفاره بدهد.

\* آیه الله (فاضل): بلکه بعید نیست كفاره اش یک گاو باشد.

امام خمینی (ره):

اگر در جدال به دروغ دو مرتبه جدال کرد و یک گاو ذبح کرد برای كفاره، و بعد یک مرتبه دیگر جدال کرد به دروغ، ظاهراً یک گوسفند كفاره است. و اگر بعد از ذبح گاو دو مرتبه دروغ گفت و جدال کرد ظاهراً یک گاو كفاره آن است (1).

\* آیه الله (فاضل): بعید نیست كفاره اش یک شتر باشد.

\* آیه الله (تبریزی): چنانکه سابقاً گفته شد در مرتبه دوم جدال به دروغ باید یک گوسفند دیگر بدهد و در مرتبه سوم باید یک گاو بدهد و بنا بر این اگر بعد از دو مرتبه قسم خوردن به دروغ مرتبه سوم هم قسم به دروغ خورد باید یک گاو كفاره بدهد و گاوی را که قبلاً ذبح کرده کافی نیست و هم چنین است اگر بعد از دو مرتبه سابق، دو مرتبه دیگر یا بیشتر قسم خورد، بلی اگر بعد از این که دو مرتبه بر دروغ جدال کرد و دو گوسفند كفاره داد برای مرتبه سوم فقط یک گوسفند باید بدهد و اگر بعد از دادن دو گوسفند دو مرتبه دیگر جدال به دروغ کرد باید دو گوسفند و اگر سه مرتبه یا بیشتر جدال به دروغ کرد یک گاو باید ذبح کند.

\* آیه الله (مکارم): مانند مسأله سابق است.

\* آیه الله (فاضل): بعید نیست كفاره اش دو شتر باشد.

- امام خمینی (ره):

اگر به راست جدال کرد بیشتر از سه مرتبه هر چند باشد یک گوسفند كفاره است مگر آن که بعد از سه مرتبه كفاره بدهد، در این صورت اگر سه مرتبه دیگر جدال کند به راست باید یک گوسفند ذبح کند (2).

\* آیه الله (بهجت): بیشتر از دو مرتبه را می فرماید و متعرض حکم مورد تخلل كفاره بین موارد تخلف نشده اند.

\* آیه الله (خوئی): فتوای صریحی از ایشان نیست ولی در کتاب «معتمد العروه ج 4 ص 177»

ص: 263

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، مسأله 380.

2-2- همان، مسأله 381، ص 176.



از ایشان نقل شده است: «در جدال راست از بار سوم به بعد هر بار یک گوسفند دارد و دادن کفاره در اثناء تأثیری در این حکم ندارد.

\* آیه الله (سیستانی): اگر بعد از سه بار یا بیشتر قسم راست خوردن پی در پی کفاره بدهد، و یا سه بار پشت سر هم قسم بخورد و پس از فاصله دوباره سه بار یا بیشتر پشت سر هم قسم بخورد، در این دو صورت باید یک کفاره دیگر بدهد(1).

\* آیه الله (فاضل): ثبوت کفاره محل اشکال است.

- امام خمینی (ره):

اگر به دروغ ده مرتبه یا بیشتر جدال کند کفاره یک شتر است ظاهراً، مگر آن که پس از سه مرتبه یا زیادتر کفاره را ذبح کند که در این صورت در دفعه اول گوسفند و در دفعه دوم گاو و در دفعه سوم شتر است(2).

\* آیه الله سیستانی: کفاره قسم دروغ در بار سوم و بعد از آن هر چه باشد یک گاو است ولی اگر کفاره داد و دوباره قسم دروغ خورد یک گوسفند است و بار دوم نیز گوسفند و سوم گاو است.

\* آیه الله (خوئی): در جدال دروغ، بار اول یک گوسفند و بار دوم گوسفندی دیگر و بار سوم به بعد، هر بار یک گاو است و دادن کفاره در اثناء، تأثیری در حکم ندارد(3).

\* آیه الله (فاضل): بعید نیست که برای هر جدال زائد بر سه مرتبه یک شتر واجب باشد.

\* آیه الله (تبریزی): چنانچه به دروغ بیش از سه مرتبه جدال کرد کفاره آن یک گاو است مگر این که پس از مراتب سابق کفاره را ذبح کرده باشد که در این صورت باید آن چه را که بعد از دادن کفاره محقق شده ملاحظه نماید چنانچه یک مرتبه جدال به دروغ کرد یک گوسفند و اگر دو مرتبه جدال به دروغ کرد دو گوسفند و اگر سه مرتبه یا بیشتر بود باید یک گاو کفاره بدهد.

### **دوازدهم: کشتن جانورانی که در بدن ساکن می شوند**

\* آیه الله (بهجت): بنا بر مشهور و موافق با احتیاط، و در خصوص شپش حرمت قتل و القاء از جسد یا ثوب خالی از وجه نیست(4).

ص: 264

1-1- مناسک، مسأله 252.

2-2- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، مسأله 382، ص 176.

3-3- معتمد العروه، ج 4، ص 177.

4-4- مناسک شیخ، ص 23.

\* آیه الله (فاضل): انسان یا حیوان. مثل شپش و کیک و کنه که در بدن حیوان است.

\* آیه الله (سیستانی) متعرض حکم کنه که در بدن حیوان است نشده اند و در مورد پشه و کک فرموده اند اگر ضرر از آنها متوجه شخص نباشد احتیاط واجب این است که آنها را نکشد و اما راندن آنها جایز است.

\*\*\* آیات عظام (خوئی)، (تبریزی)، (گلپایگانی)، (صافی): کشتن شپش و انداختن او از بدن برای محرم جایز نیست اما پشه و کک احتیاط در نکشتن آنهاست در صورتی که ضرری متوجه محرم نشود اما تا راندن آنها ظاهراً جایز است هر چند احوط ترک است.

- امام خمینی (ره):

جایز نیست انداختن شپش و کک را از بدن (1).

\* آیه الله (سیستانی): به احتیاط واجب انداختن شپش از بدن و لباس جایز نیست.

\* آیه الله (گلپایگانی): بنا بر احتیاط واجب جایز نیست که شپش را از روی لباس و بدن بیفکند اما راندن پشه و کک و مانند آنها ظاهراً جایز است هر چند احوط ترک آن است (2).

آیه الله (بهجت): حرمت القاء غیر شپش دلیلی ندارد و شهرت هم بر آن ثابت نیست، بلی دور انداختن کنه خود یا کنه شتر خود، مورد احتیاط است (3).

\* آیه الله (مکارم): بنا بر احتیاط واجب در این مسأله و مسأله بعد.

\* آیه الله (فاضل): در غیر شپش احتیاط واجب در نینداختن است.

- امام خمینی (ره):

جایز نیست نقل کردن آن را از مکانی که محفوظ است به جایی که از آن ساقط شود و بیفتد و احتیاط آن است که به محلی که در معرض آن است که بیفتد نقل ندهد (4).

\*\*\* آیات عظام (خوئی)، (تبریزی)، (سیستانی): به صورت اطلاق فرموده اند که جابه جا کردن آنها ایرادی ندارد.

\* آیه الله (فاضل): در غیر شپش احتیاط واجب در عدم نقل است.

ص: 265

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 383، ص 177.

2-2- مناسک، مسأله 253.

3-3- مناسک شیخ، ص 23.

4- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 384، ص 177.



\* آیه الله (بهجت): جابجا کردن آن از جای محفوظتر عیبی ندارد در صورتی که سبب افتادن آن نشود(1).

- امام خمینی (ره):

احتیاط مستحب آن است که آن را از محلی به محل دیگر از بدن نقل ندهند اگر مکان اول محفوظتر باشد(2).

\*\*\* آیه الله (اراکي)، آیه الله (نوری): احتیاط واجب. \* آیه الله مکارم): این احتیاط ترک نشود.

\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): نباید آن را از محلی.

- امام خمینی (ره):

بعید نیست که در کشتن یا انتقال دادن کفاره نباشد، لکن احتیاطا یک کف از طعام صدقه بدهد(3).

\*\*\* آیات عظام (اراکي)، (خوئی)، (نوری)، (تبریزی)، (بهجت): بنا بر احتیاط واجب باید یک مشت از طعام به فقیر کفاره بدهد.

آیه الله (فاضل): این احتیاط در کشتن یا انداختن شپش ترک نشود.

\* آیه الله (مکارم): این احتیاط واجب است خواه عمدا باشد یا از روی خطا.

\* آیه الله (سیستانی): در صورت کشتن و یا انداختن شپش احتیاط مستحب آن است که یک مشت از طعام کفاره بدهد(4).

### سیزدهم: انگشتر بدست کردن به جهت زینت

و اگر برای استحباب باشد مانع ندارد(5).

\* آیه الله (خامنه ای): بنا بر احتیاط واجب، محرم باید از به دست کردن انگشتر و به کار

ص: 266

1-1- مناسک شیخ، ص 23.

2-2- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 385، ص 177.

3-3- همان، مسأله 386.

4-4- مناسک، مسأله 253.

5-5- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، ص 178.

بردن حنا اجتناب کند اگر اینها زینت محسوب شوند گر چه قصد زینت نکند بلکه باید از هر کاری که زینت حساب شود اجتناب کند.

\* آیه الله (سیستانی): انگشتر به دست کردن برای زینت به احتیاط واجب جایز نیست ولی برای امر دیگری مانند استحباب و یا نگهداری آن اشکال ندارد.

\* آیه الله (مکارم): انگشتر زینتی به هر قصد باشد حرام است.

- امام خمینی (ره):

اگر انگشتر بدست کند نه برای زینت و نه برای استحباب مثل آن که برای خاصیتی بدست کند اشکال ندارد (1).

- امام خمینی (ره):

احتیاط واجب آن است که محرم «حنا» برای زینت نبندد بلکه اگر زینت باشد و لو قصد نکند احتیاط در ترک است بلکه حرمت آن در هر دو صورت خالی از وجه نیست (2).

\*\*\* آیات عظام (خوئی)، (تبریزی)، (مکارم): حنا بستن در صورتی که زینت گفته شود بر محرم حرام است.

\* آیه الله سیستانی: احتیاط واجب برای زن و مرد محرم ترک هر چیزی است که عرفاً زینت شمرده شود چه قصد زینت کردن داشته باشد چه نداشته باشد و از این قبیل است حنا مالیدن به روش معمول ولی استعمال آن به نحوی که زینت نباشد در موارد علاج و مانند آن اشکال ندارد.

\* آیه الله (بهجت): حنا بستن اگر چه برای زینت باشد عیبی ندارد (3).

\* آیه الله (فاضل): حرمت محل اشکال است.

- امام خمینی (ره):

اگر قبل از احرام «حنا» ببندد چه بقصد زینت باشد یا نباشد و چه اثرش تا زمان احرام بماند یا نماند مانع ندارد، ولی احتیاط خوب است (4).

\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): در صورتی که اثرش تا حال احرام باقی می ماند بنا

ص: 267

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 387

2-2- همان، مسأله 388.

3-3- مناسک، مسأله 255.

4-4- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 1389



بر احتیاط باید خود داری کند مطابق متن فرموده اند: اگر اثرش تا زمان احرام بماند بهتر است قبل از احرام حنا نبندد(1).

\* آیه الله مکارم): اگر قصدش ادامه زینت برای حال احرام باشد اشکال دارد.

- امام خمینی (ره):

انگشتر به دست کردن و حنا بستن کفاره ندارد(2).

\* آیه الله (خوئی): بلکه زینت نمودن به هر چیز باشد بر محرم حرام است و کفاره اش بنا بر احتیاط یک گوسفند است.

### چهاردهم: پوشیدن زیور است برای زن به جهت زینت

امام خمینی (ره):

اگر زیور زینت باشد، احتیاط واجب آن است که ترک کند هر چند قصد تزئین نداشته باشد بلکه حرمت آن خالی از قوت نیست(3).

\*\*\*\*\* آیات عظام (گلپایگانی)، (خوئی)، (تبریزی)، (بهجت)، (صافی): پوشیدن زیور برای زینت بر بانوان محرم حرام است.

\* آیه الله (سیستانی): اگر زیور به قصد زینت باشد حرام است و اگر به قصد زینت هم نباشد ولی عرفاً زینت حساب می شود احتیاط واجب در ترک است.

\* آیه الله (اراکی): بنا بر احتیاط اگر قصد تزئین هم نداشته باشد جایز نیست. \* آیه الله (فاضل): احتیاط مستحب. امام خمینی (ره):

زیورهایی را که عادت داشته به پوشیدن آن قبل از احرام لازم نیست برای احرام بیرون بیاورد(4).

\* آیه الله (فاضل): اگر قصد زینت به آنها را نداشته باشد.

آیه الله (مکارم): ولی آن را به پوشانند.

ص: 268

1-1- (مناسک فارسی، ص 41) و در مناسک عربی، ص 91.

2-2- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، مسأله 1399

3-3- همان، مسأله 391، ص 179.

4-4- همو، مسأله 1392

امام خمینی (ره):

زیورهایی را که عادت داشته به پوشیدن آن نباید به مرد نشان دهد حتی به شوهر خود(1).

\* آیه الله (سیستانی): بنا بر احتیاط مستحب آنها را برای شوهرش و مردانی که با او محرمند ظاهر نسازد و نشان ندهد(2).

امام خمینی (ره):

پوشیدن زیور حرام است ولی کفاره ندارد(3).

### پانزدهم: روغن مالیدن است به بدن

\* آیه الله (تبریزی): کفاره اش بنا بر احتیاط مستحب یک گوسفند است.

آیه الله (خوئی)، متعرض اثبات و نفی مسأله کفاره نشده اند.

امام خمینی (ره):

احوط بلکه اقوی حرام بودن مالیدن روغن است اگر چه بوی خوش در آن نباشد(4).

\*\*\* آیه الله (خوئی)، آیه الله (تبریزی): محرم نباید بر بدن خود روغن بمالد.

\* آیه الله (فاضل): اقوی این است.

\* آیه الله (خامنه ای): مالیدن روغن به اعضای بدن و موی سر در حال احرام برای زینت یا نرمی اعضای بدن و امثال آن جایز نیست.

امام خمینی (ره):

جایز نیست روغنی که بوی خوش در آن است استعمال کند پیش از احرام اگر اثرش باقی می ماند تا وقت احرام(5).

\* آیه الله (بهجت): بنحو قطع، و در صورت ارتکاب تأخیر احرام با امکان تا زمان زوال رایحه لازم است(6).

ص: 269

1- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 393

2- 2 - مناسک، مسأله 256.

3- 3 - مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 394، ص 179.

4- 4 - همان، مسأله 395.

5- همو، مسأله 396.





آیه الله (سیستانی): ولی اگر در آن عطر نباشد بلکه خودش خوشبو باشد اشکال ندارد(1).

\* آیه الله (تبریزی): بنا بر احتیاط استحبابی كفاره اش یک گوسفند است.

امام خمینی (ره):

اگر از روی اضطرار و احتیاج روغن بمالد عیبی ندارد(2).

\* آیه الله (سیستانی): محرم می تواند روغنی که بوی خوشی ندارد برای مداوا استعمال کند و جایز است در حال ضرورت استعمال روغنی که خوشبو است یا بوی خوش در آن است.

امام خمینی (ره):

خوردن روغن مانع ندارد اگر در آن بوی خوش مثل زعفران نباشد(3).

امام خمینی (ره):

اگر در روغن بوی خوش نباشد در مالیدن آن كفاره نیست(4).

\* آیه الله (اراکي): بنا بر احتیاط كفاره روغن مالیدن یک گوسفند است و لو مضطر باشد

آیه الله (خوئی): كفاره روغن مالی در صورتی که از روی علم و عمد باشد، یک گوسفند است

و اگر از روی نادانی باشد، كفاره اش اطعام یک فقیر است بنا بر احتیاط در هر دو مورد.

\* آیه الله (تبریزی): كفاره روغن مالی در صورتی که از روی علم و عمد باشد، یک گوسفند

است چه در روغن بوی خوش باشد یا نباشد و اگر از روی نادانی باشد، كفاره اش اطعام یک فقیر است بنا بر احتیاط در هر دو مورد.

\* آیه الله (مکارم): احتیاطا یک گوسفند است.

امام خمینی (ره):

اگر در روغن بوی خوش باشد كفاره آن یک گوسفند است اگر چه از روی اضطرار باشد(5).

\* آیه الله (سیستانی): اگر محرم با علم و آگاهی و از روی عمد، بدن خود را با روغن خوشبو روغن مالی نماید، بنا بر احتیاط باید یک گوسفند كفاره بدهد هر چند از روی اضطرار باشد و اگر بدون علم و آگاهی این کار را کرده باشد، بنا بر احتیاط كفاره آن اطعام یک فقیر است(6).

1-1- مناسك، مسأله 354.

2-2- مناسك حج (المحشى للإمام الخمينى)، مسأله 397، ص 180

3-3- همان، مسأله 398

4-4- مناسك حج (المحشى للإمام الخمينى)، مسأله 399

5-5- همان، مسأله 400.

6-6- مناسك، مسأله 258.

\* آیه الله (خامنه ای): اگر روغن را معطر کرده باشند مانند کرم های معطر و امثال آن احتیاط آن است که یک گوسفند ذبح کند اگر چه واجب نبودن بعید نیست.

\* آیه الله (فاضل): اگر در روغن بوی خوش باشد کفاره خوردن آن بنا بر اقوی یک گوسفند است و در غیر مصرف خوردن هم احتیاطا کفاره را بدهد.

آیه الله (نوری): کفاره مالیدن روغن به بدن یک گوسفند است اگر چه از روی اضطرار باشد.

\*\*\* آیه الله (بهجت)، آیه الله (تبریزی): کفاره اش یک گوسفند است حتی در صورت ضرورت علی الأحوط.

آیه الله (فاضل): در حال اضطرار کفاره ثابت نیست.

### شانزدهم: ازاله مو است از بدن خود یا غیر خود چه محرم باشد چه محل

امام خمینی (ره):

در حرمت ازاله موفرقی نیست میان کم و زیاد بلکه ازاله یک مو نیز حرام است (1).

\* آیه الله سیستانی: بلکه حتی جزئی از یک مو.

امام خمینی (ره):

ازاله مو اگر از روی ضرورت باشد عیب ندارد، مثل زیادی شپش و درد سر و موی چشم که اذیت میکند.

آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): گناه ندارد ولی کفاره دارد (2).

امام خمینی (ره):

اگر در وقت غسل یا وضو مویی بدون قصد کنده شود اشکال ندارد (3).

\* آیه الله (بهجت): یعنی به سبب وضو یا غسل، و اظهر عدم وجوب فدیة است (4).

\* آیه الله (سیستانی): یا تیمم یا تطهیر از خبث یا ازاله مانع از رسیدن آب وضو و غسل و مانند آن.

ص: 271

---

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، مسأله 401.

2-2- همان، مسأله 402.

3-3- همو، مسأله 403.



امام خمینی (ره):

در ازاله موفرقی نیست بین تراشیدن یا نوره مالیدن یا کندن یا قیچی کردن و غیر آن(1).

امام خمینی (ره):

کفاره سر تراشیدن اگر به جهت ضرورت باشد دوازده «مد» طعام است که باید به شش مسکین بدهد، یا سه روز، روزه بگیرد، یا یک گوسفند قربانی کند. و «مد» یک چارک (ده سیر) است تقریباً (2).

\* آیه الله (گلپایگانی): کفاره ازاله مو از بدن خود چه در حال ضرورت و چه در غیر ضرورت ثابت است الا در ازاله مو از بدن دیگری که در حال ضرورت کفاره ندارد.

\* آیه الله (بهجت): اگر محرم با ضرورت و بدون ضرورت سر خود را بتراشد کفاره اش یک گوسفند یا سه روز روزه با اطعام ده مسکین که به هر یک یک مد داده شود بلکه بنا بر احتیاط به هر کدام به مقداری که سیر شوند اگر چه بیش از یک مد باشد طعام داده شود. احتیاط در رعایت اکثر از مد و اشباع است (3).

\* آیه الله (فاضل): یکی از سه چیز به نحو تخییر است.

\* آیه الله (گلپایگانی): صدقه دادن ده م به ده مسکین کفایت میکند اگر چه دوازده مد به شش مسکین بهتر است (4).

امام خمینی (ره):

اگر تراشیدن از روی ضرورت نباشد احتیاط واجب آن است که یک گوسفند کفاره بدهد، بلکه تعیین گوسفند در این صورت بعید نیست (5).

\* آیه الله (بهجت): رعایت این احتیاط لازم نیست (6).

آیه الله (خامنه ای): اگر سر را عالم و عامدا بتراشد کفاره آن یک گوسفند است.

\*\*\*\* آیات عظام (خوئی)، (تبریزی)، (سیستانی)، (مکارم): کفاره آن یک گوسفند است.

\*\* آیه الله (اراکي)، آیه الله (نوری): بنا بر اقوی.

ص: 272

1- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 404.

2- همان، مسأله 405.

3- مناسک، مسأله 260 و مناسک شیخ، ص 24.

4- مناسک فارسی، ص 42، مسأله 63.

5- مناسك حج (المحشى للإمام الخمينى)، مسأله 406.

6- مناسك شيخ، ص 24.

امام خمینی (ره):

اگر از زیر هر دو بغل خود ازاله مو کند باید یک گوسفند ذبح کند برای کفاره، (1) بلکه احتیاط (2) آن است که اگر از زیر یک بغل هم ازاله مو کند یک گوسفند کفاره بدهد (1).

\* آیه الله (نوری): اگر از زیر هر دو بغل ازاله مو کند احتیاط آن است برای هر یک از بغلها یک گوسفند کاره بدهد.

\* آیه الله (مکارم): این حکم واجب است.

\* آیه الله (سیستانی): اگر موی زیر بغل را بکند حکم همین است و هم چنین بنا بر احتیاط واجب اگر به وسیله دیگری غیر از کندن موی آن را ازاله نماید و اگر موی ریش یا غیر آن بکند کفاره آن یک مشت طعام است و اگر محرم سر دیگری را تراشید چه محرم باشد چه غیر محرم کفاره ندارد.

\* آیه الله (گلپایگانی): کفاره ازاله مو از زیر بغل یک گوسفند است (2).

آیه الله (بهجت): اگر موی زیر هر دو بغل خود را بکند کفاره اش یک گوسفند است بنا بر اقوی و در کندن موی یک طرف سه مسکین را طعام بدهد (3).

\* آیه الله (فاضل): سه فقیر را اطعام کند.

امام خمینی (ره):

احتیاط واجب آن است که اگر موی سر را ازاله کند بغیر تراشیدن کفاره تراشیدن را بدهد (4).

\* آیه الله (خوئی): بلکه واجب است.

\* آیه الله (بهجت): فرقی بین کندن و ماشین کردن و نوره گذاشتن نیست چه از سر باشد یا صورت یا مواضع دیگر.

امام خمینی (ره):

اگر دست بکشد به سر یا ریش خود و یک مو یا بیشتر بیفتد احتیاط آن است که یک کف طعام صدقه بدهد (5).

ص: 273

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 407، ص 182.

2-2- مناسک عربی، ص 97 - مناسک فارسی، مسأله 397.

3-3- مناسک، مسأله 260

4-4- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 408.

5-5- همان، مسأله 409.





## هفدهم: پوشانیدن مرد است سر خود را به هر چه او را بپوشاند

\* آیه الله (بهجت): یک کف از طعام صدقه بدهد و ساقط شدن مو به این سبب با عدم اطمینان به ساقط شدن غیر از ازاله غیر عمد است که فدیة ندارد، اگر چه هر دو جایز است (1).

\* آیه الله (تبریزی): باید یک مشت طعام بدهد.

آیه الله (سیستانی): خاراندن سر و بدن اشکال ندارد اگر مویی را نکند و خون خارج نشود و اگر بی جهت محرم دست به سر و ریش خود بکشد و مویی یا بیشتر بیافتد باید یک مشت طعام کفاره بدهد ولی اگر در وضو و مانند آن باشد چیزی بر او نیست.

\* آیه الله خامنه ای: احتیاط آن است که به قدر یک مشت گندم و آرد و امثال آن بدهد، اگر چه وجوب این احتیاط معلوم نیست.

\* آیه الله (فاضل): در غیر وضو و غسل.

\* آیه الله (مکارم): مقصود از یک کف طعام مقداری غذاست.

امام خمینی (ره):

احتیاط واجب آن است که سر را به چیزهایی غیر پوششی هم نپوشاند، مثل گل و حنا و دوا و پوشال و غیر اینها (2).

\*\*\* آیات عظام (اراکي)، (خوئي)، (تبریزی): محرم نباید سر خود را به پوشاند حتی با گل و مانند آن.

\*\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): پوشاندن سر و گوشها برای مردان حرام است، و در این امر تفاوتی بین پوشاندن تمام یا قسمتی از سر نیست، و تفاوتی بین پوشاندن سر با پارچه و یا با حنا، گل، گذاشتن بار بر روی سر، و یا روی دوش به طوری که قسمتی از سر را به پوشاند، و یا ارتماس در آب و امثال آن نمی باشد (3).

امام خمینی (ره):

احتیاط واجب آن است که چیزی بر سر نگذارد مثل بار برای حمل که سر به آن پوشیده شود (4).

ص: 274

1-1- مناسک شیخ، ص 25.

2-2- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 410، ص 183.

3-3- آداب و احکام، ص 161.

4-4- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 411.

امام خمینی (ره):

جایز است ببعض بدن خود، سر را به پوشاند، مثل آن که دستها را روی سر بگذارد، لکن احتیاط در ترک آن است(1).

\* آیه الله (بهجت): احوط و اولی ترک پوشانیدن سر به قسمتی از بدن مثل دست است در غیر موارد ضرورت عرفه یا شرعیه. اگر چه جواز خالی از وجه نیست(2).

\* آیه الله (نوری): از لکن احتیاط.. در مناسک ایشان نیامده است.

امام خمینی (ره):

جایز نیست سر را زیر آب کند بلکه جایز نیست زیر مایع دیگری مثل گلاب و سرکه و غیر آن کند(3).

\*\* آیه الله (خوئی)، آیه الله (تبریزی): محرم نبایستی در آب فرورود که سرش زیر آب برود.

آیه الله (سیستانی): برای محرم جایز نیست همه سر خود را در آب فرورد بلکه بنا بر احتیاط در غیر آب هم جایز نیست و فرقی در این حکم بین زن و مرد نیست و منظور از سر در این حکم همه قسمتی است که بالاتر از گردن است.

\* آیه الله (بهجت): محرم نبایستی در آب فرورود که سرش زیر آب شود و بنا بر احتیاط در غیر آب از مایعات دیگر(4).

\*\*\* آیات عظام (خوئی)، (اراکلی)، (فاضل)، (تبریزی): بنا بر احتیاط.

\* آیه الله (غروی): مشروط بر این که به قصد پوشانیدن سر بوده باشد.

امام خمینی (ره):

در حکم سر است بعض سر، پس نباید بعض سر را هم به پوشاند و نه زیر آب یا مایع دیگری کند(5).

\* آیه الله خامنه ای): جایز نیست تمام سر را زیر آب کند، ولی حرمت آن نسبت به بعض سر معلوم نیست

\* آیه الله مکارم): بنا بر احتیاط واجب ولی ریختن آب بر سر مانعی ندارد.

ص: 275

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 412.

2-2- مناسک شیخ، ص 25.

3- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 0413

4-4- مناسک، مسأله 264

5- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 0414

\* آیه الله (خوئی): بردن بعض سر در آب مانعی ندارد (1).

امام خمینی (ره):

گوشها ظاهرا از سر محسوب است پس نباید آنها را پوشانید (2).

\* آیه الله (مکارم): بنا بر احتیاط واجب.

\* آیه الله (تبریزی): گوشها در این حکم ملحق به سر است.

\* آیه الله (نوری): گوشها از سر محسوب است پس نباید آنها را پوشاند.

امام خمینی (ره):

پوشانیدن رو برای مردان مانع ندارد و از سر محسوب نیست، پس در وقت خواب مانعی از پوشاندن آن نیست (3).

\* آیه الله (اراکي): اشهر و اظهر آن است که جایز است.

\* آیه الله (سیستانی)، متعرض این مسأله نشده اند.

امام خمینی (ره):

گذاشتن بند خیک آب بر سر از حکم پوشش استثناء شده و مانع ندارد (4).

امام خمینی (ره):

دستمالی را که برای سر درد بسر می بندد عیب ندارد (5).

\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): گناه ندارد و لکن کفاره دارد.

امام خمینی (ره):

گذاشتن سر روی بالش برای خوابیدن مانع ندارد (6).

امام خمینی (ره):

اگر پارچه ای را روی کمانی بیندازند به نحوی که بالای سر باشد و سر را زیر آن کند برای حفظ از پشه مانع ندارد، و هم چنین رفتن در پشه بند اشکال ندارد (7).

- 1-1- معتمد العروه، ج 4، ص 221.
- 2-2- مناسك حج (المحشى للإمام الخمينى)، مسأله 415، ص 184.
- 3-3- همان، مسأله 416.
- 4-4- مناسك حج (المحشى للإمام الخمينى)، مسأله 417.
- 5-5- همان، مسدله 418.
- 6-6- مناسك حج (المحشى للإمام الخمينى)، مسأله 419.
- 7-7- همان، مسأله 420، ص 184.

امام خمینی (ره):

زیر دوش حمام رفتن برای محرم مانع ندارد، لکن زیر آبشاری که سر را فرو گیرد جایز نیست.

امام خمینی (ره):

اگر سر را شست نباید با حوله و دستمال خشک کند و بعضی سر هم در حکم همه است (1).

\* آیه الله (گلپایگانی): در «آراء المراجع چاپ سوم ص 168» نقل می کند که معظم له شفاها فرموده اند: خشک نمودن سر به وسیله حوله و دستمال مانع ندارد ولی باید طوری خشک کند که سر پوشیده نشود.

\* آیه الله (بهجت): مرد می تواند سر خود را با حوله خشک کند و زن صورتش را در صورتی که این کار بتدریج انجام گیرد (2).

\* آیه الله (سیستانی): هر چند به نحو کشیدن پارچه بر سر باشد بنا بر احتیاط واجب و اگر وقت نماز تنگ است گوشه حوله یا پارچه را بگیرد و به مقداری که در مسح سر واجب است خشک کند.

\* آیه الله (خامنه ای): خشک کردن سر با حوله اشکال ندارد مگر در صورتی که حوله را بر روی تمام سر بیندازد و سر را با آن خشک کند.

\* آیه الله (مکارم): خشک کردن مانع ندارد به شرط این که سر را با آن نپوشاند.

\* آیه الله (فاضل): بنا بر اقوی در تغطیه، لکن در حمل، بنا بر احتیاط.

\* آیه الله (سیستانی): پوشیدن بعضی سر جایز نیست ولی زیر آب بردن بعضی سر جایز است.

امام خمینی (ره):

در وقت خوابیدن مرد نباید سر خود را به پوشاند، و اگر بدون التفات پوشانید باید فوراً آن را باز کند، و همین طور اگر از روی فراموشی پوشانید واجب است فوراً سر را باز کند، و مستحب است تلبیه بگوید بلکه احوط است گفتن آن (3).

\*\*\* آیات عظام (گلپایگانی)، (صافی)، (بهجت)، متعرض این مسأله نشده اند.

\* آیه الله (نوری): از - مستحب است تلبیه .. در مناسک ایشان نیامده است.

ص: 277

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 422.

2-2- پرسشهای جدید حج، ص 11، مسأله 49.

3-3- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 423، ص 185.

امام خمینی (ره):

اگر سر را به پوشاندن به نحوی از انحاء، کفاره آن یک گوسفند است، و احتیاط واجب کفاره است برای پوشاندن بعض سر (1).

\*\*\*\* آیات عظام (خوئی)، (تبریزی)، (فاضل)، (سیستانی)، (مکارم): بنا بر احتیاط واجب کفاره اش یک گوسفند است.

\* آیه الله (فاضل): احتیاط مستحب.

\* آیه الله خامنه ای: کفاره پوشاندن سر بنا بر احتیاط یک گوسفند قربانی کردن است و بعض سر حکم تمام سر را ندارد مگر عرفا بر آن صدق کند که سر را پوشانده است مثل این که کلاه کوچکی که فقط قسمت وسط سر را می پوشاند بر سر بگذارد.

\*\*\* آیات عظام (خوئی)، (تبریزی)، (سیستانی): متعرض این فرع نشده اند.

امام خمینی (ره):

احوط آن است که اگر مکرر سر را پوشانید مکرر کفاره بدهد، یعنی برای هر دفعه یک گوسفند کفاره است، گر چه تعدد کفاره معلوم نیست و بنظر بعید نمی آید واجب نبودن (2).

\* آیه الله (اراکی): مخصوصا اگر بدون عذر باشد، و مخصوصا اگر مجلس آن هم متعدد باشد، پس در همه صور احتیاط واجب است.

\* آیه الله (نوری): با تکرار در پوشاندن سر کفاره نیز مکرر می شود.

\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): در صورت تعدد پوشانیدن سر، باید کفاره متعدد بدهد (3).

\* آیه الله (بهجت): احوط تعدد فدیة است به تعدد پوشانیدن خصوصا هرگاه بی عذر باشد، خصوصا هرگاه مجلس متعدد باشد، و اقوی تعدد فدیة است در صورت تخلل تکفیر احتیاط به کفاره دادن دوباره خیلی مطلوب است گر چه وجوبش معلوم نیست (4).

\* نظر آیه الله (خامنه ای) در مسأله قبل گذشت.

\* آیه الله (تبریزی): در این صورت دوباره باید کفاره بدهد.

ص: 278

---

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، مسأله 424.

2-2- همان، مسأله 425.

3-3- مناسک عربی، ص 91

4-4- مناسک شیخ، ص 26.

\*\*\*\*\* نظر آیات عظام (گلپایگانی)، (صافی)، (اراکی)، (بهجت): در مسأله قبل گذشت.

\*\* آیه الله (اراکی)، آیه الله (نوری): احتیاط، واجب است.

آیه الله مکارم: این احتیاط در این مسأله و مسأله بعد، وجوبی است.

\* آیه الله (تبریزی): این احتیاط ترک نشود.

\* آیه الله (خامنه ای): احتیاط تکر کفاره در صورت تکرر ستر است مطلقاً.

امام خمینی (ره):

اگر سر را پوشانید و گوسفند را برای کناره ذبح کرد و باز سر را پوشانید(1).

امام خمینی (ره):

کفاره در صورتی واجب است که از روی علم به مسأله و عمد سر را به پوشاند، پس اگر از روی ندانستن مسأله یا غفلت و سهو و نسیان به پوشاند کفاره ندارد(2).

\*\* آیه الله (خوئی)، آیه الله (سیستانی): بلکه ظاهر این است که در موارد جواز ستر و اضطرار نیز کفاره واجب نیست(3).

### هیجدهم: پوشانیدن زنان روی خود را به نقاب و روبند و برقع

\* آیه الله (بهجت): در غیر حال ضرورت مانند تحفظ از مگس و نحو آن در حال خوابیدن(4).

\* آیه الله (نوری): پوشاندن رو هر چند به چیزهای غیر متعارف مثل پوشال و گل نیز جایز نیست و جایز نیست با بادبزنی خود را بپوشاند(5).

امام خمینی (ره):

پوشانیدن رو را به هر چیز اگر چه چیزهای غیر متعارف باشد مثل پوشال و گل و چیزهای دیگر جایز نیست بنا بر احتیاط، و جایز نیست با بادبزنی خود را بپوشاند.

امام خمینی (ره): بعضی رو در حکم تمام آن است و نباید آن را بپوشاند(6).

ص: 279

1-1 - مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، مسأله 426.

2- - همان، مسأله 427، ص 186.



3-3 - همو، مسأله 428.

4- مناسک شیخ، ص 26.

5- - مناسک حج (المحشى للإمام الخمينى)، مسأله 428.

6-6 - همان، مسأله 429.

\* آیه الله (سیستانی): به احتیاط واجب، ولذا پوشیدن مقنعه که اطراف صورت را میگیرد خلاف احتیاط است و هم چنین جایز نیست بنا بر احتیاط خشک کردن صورت با حوله یا دستمال، هر چند همه صورت را نپوشاند، ولی تمیز کردن بینی و مانند آن اشکال ندارد.

\* آیه الله (فاضل): بعض رو در حکم تمام است. و بنا بر اقوی پوشاندن صورت در قسمت پایین آن یعنی از بینی تا چانه جایز نیست. و در قسمت بالایی آن به احتیاط واجب.

\* آیه الله (خامنه ای): بر زنان حرام است پوشاندن صورت به آن گونه که عادتاً برای حفظ حجاب می کنند، و اما پوشاندن گوشه هایی از بالا یا پایین صورت یا دو طرف آن به طوری که پوشاندن صورت بر آن صدق نکند مانع ندارد، چه در نماز و چه در غیر آن.

\* آیه الله (مکارم): پوشانیدن بعض صورت به طوری که تقاب و برفع به آن نگویند جایز است.

آیه الله (تبریزی): بنا بر احتیاط.

امام خمینی (ره):

اگر دستهای خود را روی صورت بگذارد مانع ندارد (1).

\* آیه الله (بهجت): دست گذاشتن روی صورت مانعی ندارد (2).

امام خمینی (ره):

اگر روی خود را برای خوابیدن روی بالش بگذارد مانع ندارد (3).

\* آیه الله (نوری): زن محرم نمی تواند صورت خود را با حوله خشک و یا پاک کند چنانکه مرد محرم نمی تواند سر خود را با آن پاک یا خشک کند.

امام خمینی (ره):

واجب است برای نماز سر را بپوشاند، و مقدمت برای پوشانیدن سر کمی از اطراف رو را بپوشاند، لکن واجب است بعد از نماز فوراً آن را باز کند (4).

\*\*\*\*\* آیات عظام (خوئی)، (خامنه ای)، (تبریزی)، (گلپایگانی)، (اراکلی)، (سیستانی): پوشانیدن رو که مقدمه پوشانیدن سر می باشد در حال نماز عیبی ندارد.

ص: 280

1- - مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، مسأله 430.

2- 2- پرسشهای جدید حج، ص 12، س 50.

3- 3- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، مسأله 431.



\* آیه الله (بهجت): پوشانیدن رو به مقداری که مقدمه پوشانیدن سر می باشد در حال نماز عیبی ندارد و می تواند سراندازش را آویزان نماید در نماز و بعد از آن (1).

\* آیه الله سیستانی: احتیاط واجب این است که پس از فراغت از نماز آن را بردارد.

\*\*\* آیه الله (خوئی)، آیه الله (تبریزی): احتیاط این است که پس از فراغت از نماز آن را بردارد.

\* آیه الله (مکارم): واجب نیست.

امام خمینی (ره):

جایز است برای رو گرفتن از نامحرم چادر یا جامه را که به سرافکننده پائین بیندازد تا محاذی بینی، بلکه چانه، بلکه در صورت احتیاج تا گردن و چیزی بر او نیست (2).

\* آیه الله (بهجت): بلکه مطلقا و اختیارا و تا حد نحر علی الاظهر (3).

\* آیه الله (سیستانی): و در جایی که نامحرم نیست این گونه پوشش نیز جایز نیست.

\*\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): متعرض فرع آخر نشده اند.

امام خمینی (ره):

بهتر آن است که آن چیزی را که در موقع حاجت از سر پائین می اندازد با دست یا چیز دیگر دور از رو نگه دارد که به صورت نچسبد، بلکه این کار احوط است (4).

\*\*\* آیه الله (بهجت)، آیه الله (مکارم): تحفظ آن از رسیدن به صورت لازم نیست.

آیه الله (نوری): زنها در حال احرام باید سعی کنند که مقنعه در حال در آوردن و پوشیدن صورتشان را نپوشاند.

\* آیه الله (اراکي): این احتیاط ترک نشود.

\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): باید با دست یا چیز دیگری آن را از صورت دور نگه دارد.

\* آیه الله (نوری): با توجه به حرمت پوشیدن صورت برای زنان در حال احرام چون چانه جزء صورت محسوب می شود باید مقنعه را طوری ببندد که زیر چانه قرار بگیرد چون زیر چانه جزء صورت نیست.

ص: 281

2-2- همان، مسأله 433

3-3- مناسک شیخ، ص 26.

4-4- مناسک حج (المحشى للإمام الخمينى)، مسأله 434.

امام خمینی (ره):

بعضی برای دور نگه نداشتن جامه را از صورت کفاره لازم دانسته اند، و آن احوط است گر چه اقوی واجب نبودن آن است (1).

\* آیه الله (بهجت): شاید وجه آن استفاده مساوات احرام زن در رو با احرام مرد در سر است در جمیع احکام از بعضی روایات، و در این استفاده تامل است (2).

\*\*\* آیات عظام (خوئی)، (تبریزی)، (گلپایگانی)، (صافی): احتیاط واجب آن است که یک گوسفند کفاره دهد.

امام خمینی (ره):

در نقاب انداختن و پوشاندن روبه هر نحو که باشد کفاره لازم نیست گر چه موافق احتیاط است (3).

آیه الله (نوری): هر چند بر زنی که احرام بسته حرام است اگر تخلف کرد کاره بر او لازم نیست.

\*\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): باید یک گوسفند کفاره بدهد.

\* آیه الله (اراکي): احتیاط ترک نشود.

\*\*\* آیه الله (خوئی)، آیه الله (تبریزی): بنا بر احتیاط واجب باید یک گوسفند بدهد.

آیه الله (سیستانی): احتیاط مستحب آن است که یک گوسفند بدهد.

آیه الله (بهجت): وجوب کفاره پوشانیدن صورت زنان یک گوسفند، منقول از شیخ و حلبی است (4).

### **نوزدهم: سایه قرار دادن مرد است بالای سر خود**

\* آیه الله (اراکي): در حال سیر و راه پیمودن.

\* آیه الله (فاضل): بنا بر احتیاط واجب سایه قرار دادن برای بدن نیز در حال سیر و پیمودن

ص: 282

---

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 435.

2-2- مناسک شیخ، ص 26.

3-3- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 436.

4-4- مناسک شیخ، ص 26.

راه جایز نیست. بنا بر این نشستن در ماشین و بیرون نگهداشتن سر از شیشه یا سقف آن خلاف احتیاط و جویی است.

\* آیه الله (نوری): در حال سیر و راه پیمودن.

امام خمینی (ره):

سایه قرار دادن جایز نیست از برای مردان، و برای زنها و بچه ها جایز است، و کفاره هم ندارد(1).

امام خمینی (ره):

حرام بودن سایه قرار دادن بالای سر مختص بحال منزل طی کردن است و اما در حالی که در محلی منزل کرد در منا باشد یا غیر آن زیر سایه رفتن مانع ندارد، و با چتر و مثل آن سایه بر سر قرار دادن مانع ندارد اگر چه در حال راه رفتن باشد پس مانع ندارد که در منا از چادر خود تا محلی که ذبح می کنند یا محلی که رمی جمرات میکنند با چتر برود گر چه احتیاط مستحب ترک است در حال راه رفتن(2).

\* آیه الله سیستانی: اما پس از پیاده شدن و جایی را منزل خود قرار دادن، اگر محرم بخواهد جهت انجام کارهایش به این جا و آنجا برود، مانند این که در مکه منزل کند و بخواهد جهت انجام طواف و سعی به مسجد الحرام برود، و یا به منزل خود در منا وارد شود و بخواهد به قربانگاه یا جمرات برود، حکم به جواز سایه قرار دادن بالای سر خود، چه به وسیله چتر و چه سوار شدن ماشین سقف دار خیلی مشکل است، و احتیاط نباید ترک شود(3).

\* آیه الله (بهجت): احتیاط واجب ترک سایه انداختن است در وقت تردد برای حوائج غیر خانه و خیمه و نحو آنها، چه در مکه و چه در عرفات و منا(4).

\* آیه الله (تبریزی): رفتن زیر سایه ثابت مانعی ندارد ولی بنا بر احتیاط نمی تواند در حال حرکت برای خود سایه بان درست کند مثل آن که چتر بردارد و یا سوار ماشین سقف دار شود.

\* آیه الله (نوری): حرمت سایه بر سر قرار دادن اختصاص به سایه ای دارد که با شخص

ص: 283

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 437.

2-2- همان، مسأله 438.

3-3- مناسک، مسأله 271.

4-4- مناسک شیخ، ص 27.

حرکت می کند مثل چتر و ماشین مسقف و هواپیما و اما سایه ثابت مثل پل و تونل هر قدر طولانی باشد جواز عبور از زیر آنها بدون اشکال است.

\* آیه الله خامنه ای، از اینجا به بعد را متذکر نشده اند.

\* آیه الله (نوری): اشکال ندارد.

\* آیه الله (خوئی): و در قسمت جدید شهر مکه بنا بر احتیاط، سوار ماشین سقف دار نشوند(1).

\* آیه الله خامنه ای: این احتیاط استحبابی را متعرض نشده اند.

\* آیه الله (خوئی): احوط آن است که از صورت دور نگه دارد.

\* آیه الله (تبریزی): این احتیاط ترک نشود.

امام خمینی (ره):

فرق نیست در حرام بودن سایه قرار دادن در وقت طی کردن منزل بین آن که در محملی باشد که روپوش دارد یا در اتومبیل سر پوشیده باشد یا در هواپیما باشد یا زیر سقف کشتی باشد(2).

امام خمینی (ره):

احتیاط آن است که در وقت طی منزل به پهلو محمل یا هر چیزی که بالای سر او نباشد استظلال نکند، اگر چه جایز بودن آن خالی از قوت نیست(3).

\* آیه الله (خوئی): و احوط بلکه اظهر این است که زیر سایه چیزی که روی سر نباشد نیز نرود، پس اگر از طرف چپ و راست چیزی بر او سایه بیفکند به نحوی که تأثیر در کم شدن گرما یا سرما یا باد و نحو آن داشته باشد جایز نیست و کفاره دارد.

\* آیه الله (تبریزی): حرمت و ثبوت کفاره در تظلیل جانبی مبنی بر احتیاط است.

آیه الله گلپایگانی: احتیاط مستحب آن است که مرد محرم در حال راه رفتن در سایه چیزی که بالای سر او هم نیست نباشد(4).

\* آیه الله سیستانی: سایه های متحرک که بر سر محرم برای پیاده مطلقا جایز است و سواره احتیاطا اجتناب کند مگر این که کوتاه باشد که سر و سینه را فرا نگیرد.

امام خمینی (ره):



- 1-1 - المسائل الشرعية، ج 1، ص 337.
- 2-2 - مناسك حج (المحشى للإمام الخمينى)، مسأله 439، ص 189.
- 3-3 - همان، مسأله 440.
- 4-4 - آراء المراجع، ص 172.

کسانی که از تهران یا جای دیگر می خواهند به مکه مشرف شوند با هواپیما اگر نذر کنند برای احرام بستن از تهران نذر آنها صحیح است و باید محرم شوند، و اگر راه دیگری نباشد جز هواپیما باید بروند به حج، لکن برای زیر سقف بودن در حال طی منزل باید کفاره بدهند(1).

\* آیه الله سیستانی: نذر احرام قبل از میقات برای کسی که می داند ناچار می شود زیرسقف برود محل اشکال است(2).

\* آیه الله (فاضل): صحت نذر برای کسی که می داند باید در روز با وسیله مسقف حرکت کند محل اشکال است. بلی اگر بداند که برای احرام عمره تمتع نمی تواند به یکی از مواقیت معروفه برود نذر اشکال ندارد و معصیت هم نکرده است، ولی احتیاط آن است که در ادنی الحل تجدید احرام کند. و در هر صورت کفاره زیر سقف رفتن را باید بدهد.

امام خمینی (ره):

کسی که نذر کرد از تهران یا جای دیگر محرم شود باید محرم شود، و حتی الامکان باید از راهی برود که زیر سایه در طی منزل قرار نگیرد، و اگر راهی نباشد که زیر سقف قرار نگیرد در صورت التفات به این مطلب پیش از نذر معصیت کار است برای آن که خود را از روی عمد مبتلای به معصیت کرده است(3).

\*\*\* آیات عظام (اراکي)، (فاضل)، (نوری): می تواند از راهی برود که زیر سایه قرار بگیرد، مانند تونل و پل و زیر درخت از سایه های ثابت.

\* آیه الله (غروی): معصیت بودن تظلیل با فرض نذر ثابت نیست و کفاره احتمال دارد برای جبران ما فات بوده باشد.

\* آیه الله (مکارم): معصیتی نکرده است.

\*\*\* آیه الله (خوئی)، آیه الله (تبریزی): ظاهر این است که معصیت نکرده است ولی برای استتلال اضطراری کفاره باید بدهد.

امام خمینی (ره):

کسانی که می خواهند با هواپیما به مکه بروند لازم است با هواپیما به مدینه بروند، و از آنجا در مسجد شجره محرم شوند و با اتومبیلی که سقف ندارد به مکه بروند و یا آن که بروند جده بقصد

ص: 285

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 441، ص 190.

2-2- ملحق مناسک.

3-3- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 442.

رفتن به جحفه و در صورت امکان بروند به جحفه و از آنجا محرم شوند و با اتومبیل بی روپوش بروند به مکه معظمه، و اگر رفتن به میقات امکان نداشت از جده محرم شوند و بهتر آن است که در «جده» هم که بین جده و مکه است تجدید احرام کنند(1).

\* آیه الله (فاضل): از ادنی الحل محرم شوند.

\* آیه الله (خامنه ای): جده نه میقات است و نه محاذی میقات، لذا احوط آن است که با نذر از آنجا محرم شود.

\* آیه الله (غروی): چون جده میقات بودنش معلوم نیست لازم است با نذر از آنجا احرام ببندد.

\* آیه الله (مکارم): از حدیبیه.

\* آیه الله (مکارم): گذشتن از زیر پلهای وسط راه مانعی ندارد و هم چنین بودن در سایه ای که از دیوارهای اتومبیل سر باز و مانند آن بوجود می آید.

\* آیه الله (بهجت): احوط ترک سایه انداختن از آفتاب است اگر چه منحرف از بالای سر باشد با چیزی که در سر ممنوع است(2).

\* آیه الله (نوری): استظلال اختصاص به بالای سر دارد و شامل سایه حاصل از دیوار ماشین نمی شود.

امام خمینی (ره):

نشستن در زیر سقف در حالی طی منزل در شب خلاف احتیاط است گر چه جایز بودن آن بنظر بعید نیست، بنا بر این بعید نیست جایز بودن نشستن محرم در هواپیمایی که شب حرکت می کند(3).

\* آیه الله (بهجت): استظلال در شب نیست و مانع ندارد و ظاهر مجموع روایات و مقتضای اصل اختصاص ممنوعیت به سایه انداختن از آفتاب است(4).

\* آیه الله (نوری): جایز است بنا بر این نشستن محرم در هواپیمایی که در شب حرکت میکند و هم چنین ماشین و کشتی جائز است.

ص: 286

---

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 443.

2-2- مناسک شیخ، ص 27.

3-3- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 444، ص 191

4-4- مناسک، ص 50.

\* آیه الله (سیستانی): سوار شدن در ماشین سقف دار و مانند آن در شب و بین الطلوعین و روزهایی که ابر غلیظ مانع تابش خورشید باشد، در صورتی که بارانی نباشد اشکال ندارد. و اگر بارانی باشد کفاره دارد و به احتیاط واجب جایز نیست (1).

\* آیه الله مکارم: جایز است مگر در شبهای سرد و بارانی که باید کفاره بدهد و در روزهای کاملاً ابری و بین الطلوعین نیز استفاده از ماشین سر پوشیده مانعی ندارد.

\* آیه الله (خوئی): مراد از استظلال تحفظ از آفتاب و سرما و گرما و باران و باد و مانند آنها است پس اگر هیچ کدام از آنها نباشد به نحوی که وجود و عدم سایبان یکسان باشد اشکال ندارد، و در این حکم بین شب و روز فرقی نیست (2). و در فرض شک در این که آیا مظله وجود و عدمش یکسان است یا نه استظلال جایز است (3).

\* آیه الله خامنه ای: ولی احتیاط به ترک تظلیل در شبهای بارانی و سرد ترک نشود مگر این که این احتیاط موجب حرج شود.

آیه الله (تبریزی): بنا بر احتیاط در حرمت استظلال فرقی بین شب و روز نیست.

امام خمینی (ره): در جایز نبودن سایه بالای سر قرار دادن فرق نیست بین سواره و پیاده (4).

\*\*\* آیات عظام (اراکلی)، (خوئی)، (تبریزی): بنا بر احتیاط .

امام خمینی (ره):

کسانی که کشتی سوار می شوند در حال احرام زیر سقف آن نباید بروند، لکن در کنار دیوار کشتی که سایه است ظاهراً نشستن جایز است (5).

\* آیه الله (غروی): احتیاط در ترک آن است.

امام خمینی (ره):

استظلال در وقت طی منزل برای عذری مثل شدت گرما یا شدت سرما یا بارندگی جایز است، لکن باید کفاره بدهد (6).

ص: 287

1-1- مناسک، مسأله 270.

2-2- مناسک، مسأله 270.

3-3- استفتاءات آخر مناسک، چاپ 21، ص 325.

4-4- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 445، ص 192.

5-5- همان، مسأله 446.

6-6- همو، مسأله 447.

امام خمینی (ره):

کفارہ سایه قرار دادن در حال طی منزل یک گوسفند است چه با عذر سایه افکنده باشد چه با اختیار بنا بر احتیاط واجب (1).

\*\*\*\*\* آیات عظام (خوئی)، (تبریزی)، (سیستانی)، (بهجت)، (گلپایگانی)،

خامنه ای)، (صافی): کفارہ آن یک گوسفند است و فرقی بین اختیار واضطرار نیست.

\*\*\* آیات عظام (خوئی)، (فاضل)، (مکارم): بنا بر اقوی.

\* آیه الله (نوری): کفارہ آن یک گوسفند است چه با عذر سایه افکنده باشد چه با اختیار و بدون عذر.

امام خمینی (ره):

اقوی کفایت یک گوسفند است در احرام عمره هر چند بیش از یک مرتبه سایه قرار داده باشد، و یک گوسفند است در احرام حج هر چند بیش از یک مرتبه استظلال کرده باشد (2).

\* آیه الله سیستانی): ولی احتیاط مستحب این است که برای هر روزی یک کفارہ بدهد (3).

### بیستم: بیرون آوردن خون است از بدن خود

\* آیه الله (بهجت): به کاری که بدانند موجب آن می شود، زیرا اخراج احتمالی خون محکوم به حرمت نیست (4).

\* آیه الله (سیستانی): به احتیاط واجب.

امام خمینی (ره):

بیرون آوردن خون از بدن دیگری مثل حجامت کردن او یا دندان او را کشیدن حرام نیست (5).

\* آیه الله (سیستانی): اگر آن دیگری محرم باشد احتیاط مستحب ترک است و بر خود آن محرم جایز نیست، بنا بر احتیاط واجب.

ص: 288

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 448

2-2- همان، مسأله 449.

3-3- مناسک، مسأله 271.

4-4- مناسک شیخ، ص 28.

5-5- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 450.

امام خمینی (ره):

جایز نیست به مثل خراشیدن بدن خون از آن بیرون آورد، و همین طور به مسواک نمودن خون از بن دندانها بیرون آورد(1).

\* آیه الله (مکارم): مکروه است در غیر حال احتیاج و ضرورت.

\*\*\* آیه الله (تبریزی)، آیه الله سیستانی): مسواک کردن عیبی ندارد گرچه بدانند خون خارج می شود و کفاره ندارد.

\*\* آیه الله (خوئی)، آیه الله (بهجت): بنا بر احتیاط واجب.

\* آیه الله (مکارم): در این مسأله و مسأله قبل بنا بر احتیاط مستحب.

امام خمینی (ره):

جایز است در حال احتیاج خون بگیرد به حجامت و غیر آن، و همین طور خون دمل را بیرون آوردن در حال احتیاج و جرب را خاریدن در صورتی که موجب آزار است، اگر چه از آن خون در آید(2).

\* آیه الله (خوئی): در حال ضرورت یا رفع ناراحتی (3).

امام خمینی (ره):

- خون از بدن در آوردن کفاره ندارد (4).

\* آیه الله خامنه ای): گر چه برای غیر ضرورت باشد، هر چند احوط دادن یک گوسفند است.

\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): بنا بر احوط و اولی کفاره آن یک گوسفند است.

آیه الله (تبریزی): کفاره اش بنا بر احتیاط یک گوسفند است.

\*\* آیه الله (خوئی)، آیه الله سیستانی): بنا بر احتیاط مستحب کفاره اش یک گوسفند است (5).

\* آیه الله (فاضل): کفاره ندارد اگر چه بدون ضرورت باشد.

\* آیه الله (اراکلی): احوط کفاره گوسفند است.

ص: 289

1-1 - مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، مسأله 451، ص 193.

2-2 - همان، مسأله 452، ص 193.

3-3 - مناسک، مسأله 374

4-4- مناسك حج (المحشى للإمام الخمينى)، مسأله 453، ص 193.

5-5- مناسك عربى، مسأله 273.

آیه الله (نوری): احتیاط واجب آن است که در حال اختیار اگر خون از بدن خود در آورد یک گوسفند کاره بدهد.

## بیست و یکم: ناخن گرفتن

امام خمینی (ره):

جایز نیست بعض ناخن را هم بگیرد مگر آن که موجب آزار شود، مثل آن که بعض آن افتاده باشد و بعض دیگر موجب آزار او باشد (1).

\* آیه الله (بهجت): لکن محتمل است فدیة بعضی از ناخن آزار رساننده قبضه ای از طعام باشد نه مد (2).

\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): و كفاره آن یک مد طعام است.

\* آیه الله (تبریزی): در این صورت گرفتن ناخن جایز است و از هر ناخنی یک مشت طعام كفاره بدهد (3).

امام خمینی (ره):

جایز نیست ناخن پا را هم بگیرد چنانچه جایز نیست ناخن دست را بگیرد (4).

امام خمینی (ره):

فرقی نیست بین آلات ناخن گیری قیچی باشد یا چاقو یا ناخن گیر، و احتیاط (6) واجب آن است که ازاله ناخن نکند به هیچ وجه حتی به سوهان و دندان (5).

\* آیه الله (فاضل): تفاوتی در گرفتن ناخنها با قیچی و ناخن گیر و حتی دندان نیست علی الأقوی.

امام خمینی (ره):

اگر انگشت زیادی داشته باشد جایز نیست ناخن آن را بگیرد احتیاطاً، و هم چنین اگر

ص: 290

---

1-1 - مناسک حج (المحشى للإمام الخميني)، مسأله 454، ص 193.

2-2 - مناسک شیخ، ص 28.

3-3 - مناسک، مسأله 285.

4-4 - مناسک حج (المحشى للإمام الخميني)، مسأله 455، ص 193.

5-5 - همان، مسأله 456.



دست زیادی داشته باشد احتیاط آن است که ناخن آن را نگیرد اگر چه بعید نیست جواز، اگر معلوم شود آن انگشت یا آن دست زیادی است (1).

\* آیه الله (اراکي): این احتیاط و احتیاط قبلی ترک نشود.

آیه الله (فاضل): این احتیاط و احتیاط قبلی ترک نشود، چه زیادی آن معلوم باشد چه نباشد.

\* آیه الله (بهجت): در صورت زیادی بر ده احوط مد است برای هر یک ناخن (2).

\* آیه الله (سیستانی): گرفتن ناخن زیادی یا ناخن انگشت زیادی جایز نیست.

\* آیه الله (مکارم): فرقی میان انگشت زیادی و غیر آن نیست بنا بر احتیاط واجب.

\* آیه الله (تبریزی): گرفتن ناخن انگشت زیادی جایز نیست و گرفتن ناخن از دست زیادی چنانچه معلوم شود آن دست زیادی است، خلاف احتیاط است.

امام خمینی (ره):

اگر یک ناخن از دست یا پا بگیرد یک مد طعام باید کفاره بدهد، و برای هر ناخن دست تا به ده نرسیده باید یک مد طعام بدهد، و هم چنین در ناخنهای پا (3).

\* آیه الله (مکارم): یک مد طعام حدود 750 گرم است.

\* آیه الله (بهجت): با عدم تخلل تکفیر برای هر ناخنی در اثناء هر یک از دستها و پاها و گر نه متجه کفایت مد است برای هر یک از ناخنهای باقی مانده در دستها یا در پاها (4).

امام خمینی (ره):

اگر تمام ناخن دستها و پاها را در یک مجلس بگیرد یک گوسفند کفاره آن است (5).

امام خمینی (ره):

اگر ناخن دستها را تمام بگیرد در یک مجلس یا چند مجلس و در محل دیگر یا چند محل دیگر ناخن پاها را بگیرد دو گوسفند کفاره آن است (6).

\* آیه الله خامنه ای، آیه الله (مکارم): بنا بر اقوی.

- 1-1- مناسك حج (المحشى للإمام الخمينى)، مسأله 457، ص 194.
- 2- مناسك شيخ، ص 28.
- 3- مناسك حج (المحشى للإمام الخمينى)، مسأله 458، ص 194.
- 4-4- مناسك شيخ، ص 28.
- 5- مناسك حج (المحشى للإمام الخمينى)، مسأله 459، ص 194.
- 6-6- همان، مسأله 460، ص 194.

\* آیه الله (سیستانی): ازاله ناخن به هیچ وسیله جایز نیست.

\* آیه الله (بهجت): فرقی نیست.

\* آیه الله (مکارم): بنا بر احتیاط واجب.

\* آیه الله (بهجت): مجالس متعدد باشد بعد از تکفیر لازم، و قبل از تکفیر احتیاط است.

\* آیه الله (فاضل): در این فرض كفاره برای پا ثابت نیست.

امام خمینی (ره):

اگر تمام ناخن دستها را بگیرد و ناخن پاها را کمتر از ده ناخن بگیرد یک گوسفند برای ناخن دست و برای هر یک از ناخنهای پا یک مد طعام باید بدهد و هم چنین اگر ناخن پاها را بگیرد تماما و ناخن دستها را کمتر از ده بگیرد (1).

\* آیه الله (فاضل): در این فرض برای ناخنهای دست كفاره‌های ثابت نیست.

امام خمینی (ره):

اگر پنج ناخن از پا بگیرد و پنج ناخن از دست برای هر یک باید یک مد طعام كفاره بدهد، و هم چنین است اگر کمتر از ده در هر یک از دست و پا بگیرد برای هر یک باید كفاره بدهد (2).

\* آیه الله (فاضل): در كفاره دم مماثله لازم نیست. و لذا اگر ده ناخن از دست یا پا و یا هر دو تلفیقا بگیرد باید یک گوسفند كفاره بدهد و در کمتر از آن برای هر ناخن یک مد كفاره بدهد.

\* آیه الله (مکارم): كفاره مد طعام بدهد.

امام خمینی (ره):

اگر بیشتر از ده ناخن داشته باشد پس اگر تمام را بگیرد باید یک گوسفند بدهد، و احتیاط مستحب آن است که برای ناخن زیادی از ده تا كفاره بدهد برای هر یک، یک مد (3).

\*\*\* آیات عظام (مکارم)، (اراکي)، (نوری): این احتیاط واجب است.

\* آیه الله (خوئی): كفاره گرفتن ناخن های دست در یک مجلس یک گوسفند است و هم چنین پا.

امام خمینی (ره):

اگر کسی که بیشتر از ده ناخن دارد ده ناخن اصلی را بگیرد احتیاط واجب آن است که

- 
- 1-1- مناسك حج (المحشى للإمام الخمينى)، مسأله 461.  
2-2- همان، مسأله 462، ص 194.  
3-3- همو، مسأله 463، ص 194.

یک گوسفند بدهد، و اگر بعضی از ناخن های اصلی را و بعضی از ناخن های زیادی را بگیرد برای ناخن های اصلی یک مد بدهد و برای زیادی ها احتیاط مستحب آن است که کفاره بدهد(1).

\* آیه الله (اراکي): در صورتی که به ده تا نرسد، برای ناخن های اصلی یک مد بدهد و برای زیادی هم احتیاطا یک مد بدهد، و اگر مجموع اصلی و زیادی به ده برسد بنا بر احتیاط واجب، گوسفند و ده د طعام بدهد.

\* آیه الله (تبریزی): این احتیاط ترک نشود .

\* آیه الله (مکارم): کفاره د طعام بدهد.

امام خمینی (ره):

اگر تمام ناخن های دست را گرفت و کفاره آن را داد و بعد در همان مجلس ناخن های پا را تمام گرفت باید یک گوسفند دیگر کفاره بدهد(2).

\*\* آیه الله (اراکي)، آیه الله (نوری): بنا بر احتیاط .

\* آیه الله (مکارم): بنا بر احتیاط واجب.

امام خمینی (ره):

اگر کسی کمتر از ده ناخن داشت و تمام آن را گرفت برای هر یک، یک مد طعام باید بدهد، و احتیاط مستحب آن است که یک گوسفند ذبح کند(3).

\*\* آیه الله (اراکي)، آیه الله (نوری): بنا بر احتیاط واجب.

\* آیه الله (بهجت): احتیاط مستحب را متعرض نشده اند.

\* آیه الله (فاضل): باید یک گوسفند کفاره بدهد.

امام خمینی (ره):

اگر محتاج شد به گرفتن ناخن، احتیاط واجب آن است که کفاره به همان نحو که ذکر شد بدهد(4).

\*\* آیه الله (خوئی)، آیه الله (تبریزی): در صورتی که بقاء ناخن ضرر نداشته باشد مثل این که

ص: 293

---

1-1- مناسک حج (المحشى للإمام الخميني)، مسأله 464.

2-2- همان، مسأله 465.

3-3 - مناسک حج (المحشى للإمام الخمينى)، مسأله 466، ص 196.

4-4 - همان، مسأله 467.

ناخن کنده شده و ماندنش سبب ناراحتی شود، گرفتن ناخن جایز است و از هر ناخنی یک مشت طعام کفاره بدهد(1).

در اکثر فروع این باب سایر آیات عظام متعرض این مسأله نشده اند.

\* آیه الله (فاضل): و می تواند برای هر ناخن یک کف از طعام کفاره بدهد.

### بیست و دوم: کندن دندان

امام خمینی (ره): هر چند خون نیاید بنا بر احتیاط، و احتیاط آن است که یک گوسفند کفاره بدهد(2).

\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): بر محرم حرام است که دندان خود را بکند هر چند خون نیاید.

\*\*\* آیات عظام (خوئی)، (تبریزی)، (سیستانی): جمعی از فقهاء نظرشان این است که کندن دندان هر چند خون در نیاید، از محرمات احرام است و کفاره اش را یک گوسفند دانسته اند، ولی دلیلش تأمل دارد و بعید نیست این عمل جایز باشد.

\* آیه الله (بهجت): کندن دندان در صورتی که موجب خون آمدن شود حرام است ولی کفاره ندارد و اگر موجب خون آمدن نشود و یا کندن دندان ضرورت داشته باشد، مانعی ندارد(3).

\* آیه الله (مکارم): این احتیاط و احتیاط بعد مستحب است.

\* آیه الله (خامنه ای): کشیدن دندان بدون خونریزی نه حرام و نه کفاره دارد و در صورتی که کشیدن دندان ضرورت پیدا کند و منجر به خونریزی شود احتیاط مستحب آن است که یک گوسفند کفاره بدهد.

### بیست و سوم: کندن درخت یا گیاهی که در حرم روئیده

\*\* آیه الله (مکارم)، آیه الله (سیستانی): این مسأله از محرمات احرام نیست بلکه بر همه کس حرام است چنانچه خواهد آمد.

ص: 294

1- - مناسک، مسأله 275.

2- 2- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، مسأله 468، ص 196.

3- 3- مناسک، مسأله 278.

\*\*\* آیات عظام (اراکي)، (سيستاني)، (نوري)، (فاضل): و بریدن آن.

\* آیه الله (بهجت): و بریدن و نحو آنها.

\* آیه الله سيستاني): حتی اگر اصل آن در خارج حرم و شاخه آن در حرم یا به عکس باشد.

امام خمینی (ره):

اگر گیاهی یا درختی در منزل محرم روییده شده باشد بعد از آن که منزل او شده پس اگر آن را خودش کاشته باشد جایز است آن را بکند(1).

\* آیه الله سيستاني): اختصاص به محرم ندارد و فرقی بین کاشتن خود شخص و دیگری در این صورت نیست، ولی اگر گیاه یا درختی را خود شخص کاشته باشد می تواند قطع کند هر چند در ملک دیگری باشد.

\*\*\* آیات عظام (اراکي)، (نوري)، (فاضل): و یا قطع کند.

امام خمینی (ره):

اگر درختی در منزل او روییده بعد از آن که منزل او شده لکن خودش آن را نکاشته باشد احتیاط (1) آن است که آن را قطع نکند گر چه اقوی جواز است(2).

\*\*\* آیات عظام (گلپایگانی)، (اراکي)، (خوئی)، (تبریزی): مانعی ندارد کندن درخت و گیاه در این صورت.

آیه الله (سيستاني): این احتیاط در مناسک ایشان وجود ندارد.

\* آیه الله (بهجت): کندن و بریدن این گونه درختها و گیاهها اشکال ندارد. ( مناسک، مسأله 283 ).

امام خمینی (ره):

اگر گیاهی که در منزل او روییده بعد از آن که منزل او شده و خودش آن را نگاشته باشد احتیاط واجب آن است که آن را قطع نکند(3).

\*\* آیات عظام (خوئی)، (مکارم): این احتیاط واجب نیست بلکه مستحب است.

\* آیه الله (سيستاني): قطع آنها اشکال ندارد.

\* آیه الله (بهجت): نظر ایشان در حاشیه مسأله قبل گذشت.

ص: 295



2-2- همان، مسأله 470، ص 197.

3-3- همو، مسأله 471.

\*\*\* آیه الله (اراکي)، آیه الله (نوری): اقوی جواز قطع آن است.

امام خمینی (ره): اگر منزلی خریده باشد که دارای درخت و گیاه است نباید آن را قطع کند(1).

\* آیه الله (مکارم): تنها قطع درختان و گیاهان خودرو که قبل از بنا در آن بوده حرام است و غیر آن حرام نیست.

\*\*\* آیه الله (اراکي)، آیه الله (نوری): منزلی که در آن سکونت کرده و لو نخریده باشد.

\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی)، متعرض این فرع نشده اند.

امام خمینی (ره):

درختهای میوه و درخت خرما از این حکم بیرون است و می تواند آنها را قطع کند، و در گیاهها (اذخر) که گیاه معروفی است از حکم مستثنا است و قطع آن مانع ندارد(2).

\* آیه الله (مکارم): قطع درختان میوه اگر خودرو باشد خالی از اشکال نیست.

آیه الله (فاضل): میوه های آنها و شاخه هایی از آنها را که در کمیت یا کیفیت میوه تأثیر میگذارد می تواند قطع کند اما خود آنها را نباید قطع کند.

امام خمینی (ره):

اگر درختی را که جایز نیست کندنش بکند احتیاط آن است که اگر بزرگ باشد یک گاو کفاره بدهد و اگر کوچک باشد یک گوسفند(3).

\* آیه الله (بهجت): اگر درختی را بکنند کاره دادن یک گاو در درخت بزرگ و یک گوسفند در کوچک و اگر بعض درخت باشد قیمت آن را، موافق احتیاط است در صورتی که در درخت کوچک و در بعض درخت رعایت عدم نقصان از قیمت بشود.

\*\* آیه الله (خوئی)، آیه الله (تبریزی): کفاره کندن درخت از بیخ، قیمت همان درخت است. و کفاره قطع مقداری از آن، قیمت همان مقدار است. و کندن علف یا قطع آن کفاره ندارد(4).

\* آیه الله (سیستانی): بنا بر احتیاط کفاره کندن هر درختی قیمت همان درخت و کفاره قطع آن قیمت همان مقداری است که قطع کرده است، و در کندن و قطع گیاه کفاره نیست(5).

ص: 296

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 472، ص 197.

2-2- همان، مسأله 473، ص 197.

3-3- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 474.

4-4- همان، ص 198.



آیه الله (مکارم): در هر دو صورت احتیاط یک گاو است.

\* آیه الله (صافی): و ظاهر آنست که اگر گاو یا گوسفند را به قصد ما فی الذمه از عین آنها یا قیمت درخت بدهد و قیمت درخت بیشتر نباشد کافی است.

\* آیه الله (نوری): اگر درختی را بکند اگر بزرگ باشد باید یک گاو کفاره بدهد و اگر کوچک باشد یک گوسفند و اگر بعض درخت را بکند قیمت آن را کفاره بدهد و در قطع گیاه کفاره نیست بجز استغفار.

امام خمینی (ره):

اگر بعض درخت را قطع کند اقوی آن است که قیمت آن را کفاره بدهد(1).

\* آیه الله سیستانی: بلکه احوط است.

امام خمینی (ره):

در قطع گیاه ها کفاره نیست بجز استغفار(2).

\*\*\* آیات عظام (خوئی)، (تبریزی)، (سیستانی): کفاره ندارد(3).

\* آیه الله (غروی): بلکه احتیاط کفاره دادن به گاو است خواه درخت بزرگ باشد یا کوچک، بلکه بعدی در اقوایت آن نیست.

امام خمینی (ره):

جایز است که شتر خود را بگذارد که علف بخورد، ولی خودش برای او قطع نکند(4).

\* آیه الله (سیستانی): هم چنین چهارپایان دیگر.

\*\*\* آیات عظام (خوئی)، (تبریزی)، (فاضل): این کار جایز است.

امام خمینی (ره):

آن چه ذکر شد از قطع درخت و گیاه حرم مختص به محرم نیست بلکه برای همه کس ثابت است(5).

\* آیه الله (بهجت): در تکلیف تحریمی و در وجوب فداء علی الظاهر(6).

ص: 297

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، مسأله 475، ص 198.

2-2- همان، مسأله 476، ص 198.

3-3 - مناسك، ص 114.

4-4 - مناسك حج (المحشى للإمام الخميني)، مسأله 477، ص 198.

5-5 - همان، مسأله 478، ص 198.

6-6 - مناسك شيخ، ص 30.

امام خمینی (ره):

اگر بنحو متعارف راه برود و گیاهی از راه رفتن او قطع شود اشکالی ندارد (1).

\* آیه الله (بهجت): اطلاق حکم بصورت علم به قطع و عدم ضرورت مورد تأمل است (2).

### بیست و چهارم: سلاح در برداشتن

امام خمینی (ره):

بنا بر احوط مثل شمشیر و نیزه و تفنگ و هر چه از آلات جنگ باشد مگر برای ضرورت، و مکروه است سلاح را همراه بردارد در صورتی که به تن او نباشد اگر ظاهر باشد و احوط ترک آن است (3).

\*\*\* آیات عظام (گلپایگانی)، (سیستانی)، (فاضل)، (صافی): در برداشتن و پوشیدن سلاح حرام است.

\* آیه الله (سیستانی): ولی پوشیدن و حمل وسائل دفاع مانند زره و سپر اشکال ندارد.

\*\*\* آیات عظام (گلپایگانی)، (اراکی)، (صافی): احتیاط واجب آن است که سلاح را حمل نکند.

\* آیه الله (مکارم): بنا بر احتیاط مستحب.

\* آیه الله (سیستانی): بنا بر احتیاط حمل آن هم به طوری که او را مسلح بدانند جایز نیست.

ولی بودن سلاح نزد محرم و حمل آن اگر به طوری باشد که او را مسلح ندانند اشکال ندارد، ولی احوط ترک آن است (4).

\* آیه الله (مکارم): خواه ظاهر باشد و یا نباشد.

\*\* آیه الله (اراکی)، آیه الله (خوئی): برداشتن سلاح بر محرم حرام است. (برداشتن اعم از پوشیدن و حمل کردن است).

\* آیه الله (مکارم): بنا بر اقوی.

\* آیه الله (بهجت): بر محرم حرام است سلاح برداشتن مگر به جهت ضرورت که در این

ص: 298

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 479، ص 198.

2-2- مناسک شیخ، ص 30.

3-3- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 480، ص 198.

4- مناسک، مسأله 277 و 278.

صورت کفاره هم ندارد، و منصوص پوشیدن است یا آن که صدق کند سلاح بر اوست پس همراه داشتن سلاح حرمت ندارد علی الاظهر(1).

\*\*آیه الله (خوئی)، آیه الله (تبریزی): حمل سلاح بر محرم حرام است و الحاق آلات تحفظ به سلاح احوط است و کفاره حمل سلاح بنا بر احتیاط یک گوسفند است، آیه الله (تبریزی): ولی بودن سلاح نزد محرم اگر حملش نکند مانعی ندارد هر چند احوط ترک آن است.

\*\*\* آیه الله خامنه ای): حمل سلاح بر محرم حرام

### مسائل متفرقه محرمات احرام

امام خمینی (ره):

اگر حاجی در حال احرام برای سر درد دستمالی به دور سر ببندد اگر چه تمام سر را بگیرد کفاره ندارد(2).

\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): مانعی ندارد ولی یک گوسفند کفاره دارد(3).

آیه الله (مکارم): احتیاط واجب کفاره است.

\*\* آیه الله (نوری)، آیه الله (اراکی): احوط ثبوت کفاره است.

آیه الله (بهجت): اگر چه جایز است ولی کاره دارد.

امام خمینی (ره):

آن چه در حال احرام حرام است، سایه بر سر قرار دادن است. بنا بر این اگر ماشین از زیر پلهایی که در مسیر واقع شده برود و به ناچار حرمین از زیر پلها عبور کنند و یا در محل بنزین در زیر سقف متوقف شوند و محرمین زیر سقف قرار گیرند اشکالی پیدا نمی شود و کفاره ندارد(4).

امام خمینی (ره):

شخصی که با ماشین مسقف رانندگی میکند باید در هر احرام یک گوسفند کفاره بدهد و با تکرار پیاده و سوار شدن کفاره تکرار نمی شود. و هم چنین در سایر موارد سایه بر سر قرار دادن(5).

ص: 299

1-1- مناسک شیخ، ص 30.

2-2- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 481، ص 199.

3-3- مناسک فارسی، ص 42.

4-4- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 482.





امام خمینی (ره):

پوشیدن نعلینی که بندهای عربی داشته باشد ولی تمام روی پا را نگیرد در حال احرام مانعی ندارد(1).

امام خمینی (ره):

در شب استظلال نیست بنا بر این جایز است محرم در شب با ماشین سقف دار به مکه برود ولی در هوای ابری در روز جایز نیست مگر ابر به طوری تیره باشد که استظلال صدق نکند(2).

\* آیه الله خامنه ای، از این قسمت تا آخر مسأله را متعرض نشده اند.

\* آیه الله (بهجت): اگر طوری باشد که تظلیل صادق نباشد اشکال ندارد.

\*\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی)، در جواب استظلال در روز ابری فرموده اند: استظلال در هوای ابری در روز جایز نیست(3).

\* آیه الله (مکارم): تیره بودن ابرها لازم نیست، منظور نبودن سایه است.

\* آیه الله (خوئی)، آیه الله (تبریزی): استظلال در روز ابری هم جایز نیست.

\* آیه الله (بهجت)، متعرض این حکم نشده اند.

\* آیه الله (سیستانی): اگر ابر تیره باشد که اشعه آفتاب را به کلی پوشانده باشد و باران نباشد اشکال ندارد.

امام خمینی (ره):

جایز است از جاهای دور مثل تهران با نذر محرم شود ولی اگر زیر سقف سفر می کند باید كفاره بدهد(4).

\* آیه الله (سیستانی): صحت نذر برای کسانی که می دانند باید زیر سقف بروند محل اشکال است.

امام خمینی (ره):

تزریق آمپول در حال احرام مانع ندارد ولی اگر موجب بیرون آمدن خون از بدن می شود تزریق نکند مگر در مورد حاجت و ضرورت(5).

ص: 300

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 484.

2-2- همان، مسأله 484.

3-3- مناسک فارسی، ص 184

4-4- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 486.



\* آیه الله (بهجت): یعنی اگر بداند که چنین می شود، چنانچه گذشت در ذیل بیستم از محرمات احرام.

\* آیه الله (سیستانی): بنا بر احتیاط جایز نیست مگر در حال ضرورت.

\* آیه الله (مکارم): مکروه است.

\* آیه الله (فاضل): و در هر صورت کفاره ندارد.

امام خمینی (ره):

- در حرام بودن سایه بر سر قرار دادن فرقی بین سایه ای که با شخص حرکت کند مثل چتر و ماشین مسقف و سایه ثابت مثل پل و غیره نیست و فرقی بین اجبار و اختیار نیست ولی بر عبور از زیر پلهایی که در جاده ها هست صادق نیست (1).

\*\*\*\* آیات عظام (اراکی)، (خوئی)، (مکارم)، (سیستانی)، (تبریزی): عبور از زیر سایبان ثابت اشکال ندارد.

\* آیه الله (گلپایگانی): احتیاط آن است که به اختیار خود روز از آن تونلهایی که صدق رفت و آمد در منزل نمیکند، نرود (2).

\* آیه الله خامنه ای: عبور از زیر سایه بان ثابت مانند پل و تونل اشکال ندارد.

\*\*\* آیات عظام (اراکی)، (فاضل)، (نوری): فرق هست و حرمت استظلال، سایه ثابت را شامل نمی شود.

\* آیه الله (مکارم): پلها اشکال ندارد.

\* آیه الله (سیستانی): در فرض اجبار قطعاً حرام نیست.

امام خمینی (ره):

کسی که حجش را باطل کند اگر حج فاسد شده را به اتمام رسانده از احرام خارج شده و گر نه در احرام باقی است (3).

\* آیه الله (سیستانی): اگر حج خود را باطل کند إحرامش باطل می شود.

\* آیه الله (مکارم): یا در بعضی از موارد که وظیفه او تبدیل به عمره مفرده است، عمره مفرده را به پایان برساند.

ص: 301

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 488.

2-2- آراء المراجع، ص 178.

3-3- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 489.

امام خمینی (ره):

بعد از آن که محرم به منزل رسید ولو در محله های جدید مکه که از مسجد الحرام دور هستند می تواند برای رفتن به مسجد الحرام در ماشینهای مسقف سوار شود یا زیر سایه برود(1).

\* آیه الله (نوری): چون مکه منزل است همین قدر که محرم به مکه رسید می تواند در زیر سایه قرار بگیرد و در روز هم با ماشین مسقف حرکت کند و لازم نیست که منتظر رسیدن به منزل و اتخاذ منزل در مکه باشد.

### سؤالات و جواب هایی پیرامون استفتاءات کفارات احرام

امام خمینی (ره):

آیا کشتن مارمولک و از این قبیل جانوران، در حال احرام اشکال دارد؟

ج- از محرمات احرام محسوب نیست(2).

\* آیه الله (اراکي): بنا بر احتیاط از محرمات محسوب می شود.

\*\* آیه الله (تبریزی)، آیه الله (خوئی): جایز نیست مگر او را اذیت کند(3).

\* آیه الله (مکارم): کشتن هیچ حیوانی جایز نیست بنا بر احتیاط واجب مگر حیوانات مودعی.

\* آیه الله (سیستانی): حرام است.

\* آیه الله (تبریزی): کشتن یک نوع مارمولک (عظایه) کفاره آن یک مشت طعام است.

\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی)، متعرض این فرع نشده اند.

آیه الله (بهجت): اشکال دارد.

امام خمینی (ره):

اگر از روی علم و عمد در احرام حج، قبل از وقوف عرفه با زوجه خود جماع نماید مسلماً حج او باطل است، و قبل از وقوف مشعر الحرام هم بنا بر اقوی باطل است و کفاره دارد و بعد از اتمام در سال آینده اعاده کند، آیا در صورت جهل چه وظیفه ای دارد؟

ج- در صورت جهل، عمل او صحیح است و کفاره هم ندارد(4).

ص: 302

2-2- همان، سؤال 491، ص 202.

3-3- المسائل الشرعية، ج 1، ص 331.

4-4- مناسك حج (المحشى للإمام الخمينى)، سؤال 492، ص 202.

امام خمینی (ره): آیا شوهر پس از محل شدن می تواند زوجه محرم خود را از روی التذاذ دست بزند؟

ج- بر مرد مزبور منعی نیست، ولی اگر زن نیز لذت می برد، در فرض سؤال نباید حاضر شود، علی الأحوط (1)

\* آیه الله (سیستانی): در این صورت تمکین زن حرام است.

\* آیه الله (فاضل): حرمت در زن محل اشکال است هر چند لذت می برد.

امام خمینی (ره):

فردی که از احرام در آمده، زنش را که محرم است می بوسد اگر چه زن راضی نیست، آیا این کار نسبت به مرد و زن چه حکمی دارد؟

ج- اگر زن اختیار نداشته، چیزی بر او نیست، و بر مرد هم کفاره واجب نشده است (2).

آیه الله (فاضل): تحقق حرمت بر هیچ کدام ثابت نیست و کفاره هم بر هیچ یک از آنها لازم نیست.

\*\* آیه الله (تبریزی)، آیه الله (خوئی): هرگاه شخص بعد از طواف نساء زن خود را که در حال احرام است ببوسد، باید بنا بر احتیاط یک گوسفند بکشد (3).

امام خمینی (ره):

- صابون و بعضی از شامپوها که بویی دارد، آیا می شود برای بدن استعمال کرد یا خیر؟ ضمناً خیلی بوی خوشی هم نیست.

ج- اگر صدق بوی خوش می کند، از آن اجتناب کنند و در غیر این صورت مانع ندارد (4).

امام خمینی (ره):

حمل قمقمه آب که در محفظه دوخته نگهداری می شود، برای محرم چه صورت دارد؟

ج- احتیاط آن است که آن را به دوش نیندازد، و دست گرفتن آن مانع ندارد (5).

\* آیه الله مکارم): حمل کیفها و ساکهای دوخته هر چند به شانه و گردن بیندازد مانعی ندارد.

ص: 303

1-1- مناسک حج (المحشى للإمام الخميني)، سؤال 493.

2-2- همان، سؤال 494.

3-3- المسائل الشرعية، ج 1، ص 7

4-4- مناسک حج (المحشى للإمام الخميني)، سؤال 495، ص 203.



\* آیه الله (فاضل): حکم همین دارد. به تفصیلی که در حاشیه مسأله 348 گذشت .

\*\* آیه الله (سیستانی)، آیه الله (تبریزی): مانعی ندارد.

\* آیه الله (بهجت): اگر مثل همین باشد و صدق لبس نکند اشکال ندارد.

\* آیه الله (خامنه ای): پوشیدن همین و کمر بند و دیگر دوخته های کوچک که به آن لباس گفته نمی شود اشکال ندارد.

امام خمینی (ره):

در مورد نظر کردن در آینه، گاهی نگاه می کند که خود را ببیند، و گاهی برای دیدن ماشین و غیره و یا مثلاً برای علاج دردی، آیا برای محرم فرق می کند و یا یکسان است؟

ج- احوط، اجتناب است در همه موارد ذکر شده (1).

\* آیه الله (خامنه ای): نگاه کردن محرم در آینه اگر برای زینت باشد حرام است و گرنه حرام نیست.

\* آیه الله (مکارم): تنها در موردی اشکال دارد که برای تزئین و اصلاح سر و وضع خودش در آینه نگاه کند.

\* آیه الله (بهجت): نگاه کردن محرم در آینه اگر برای زینت باشد حرام است و گرنه حرام نیست (2).

\*\*\*\* آیات عظام (خامنه ای)، (نوری)، (اراکی)، (فاضل): در صورتی که ضرورتی نباشد.

امام خمینی (ره):

در حال احرام عده ای از همدیگر عکس می گیرند، و در دوربین عکاسی که آئینه است و یا حالت شفاف و آینه ماندگی دارد نظر می کنند، بفرمایید اشکال دارد یا خیر؟

ج- اگر معلوم نیست که در آینه نظر می شود، اشکال ندارد (3).

\* آیه الله مکارم: اشکال ندارد.

آیه الله (فاضل): نظر در آینه صدق نمیکند و اشکال ندارد.

\*\*\*\* آیات عظام (خامنه ای)، (سیستانی)، (خوئی)، (تبریزی): بر فرض آینه بودن، و نظر کردن به آن چون غرض غیر زینت است، مانعی ندارد.

ص: 304



2-2- همان، سؤال 497.

3-3- همو، سؤال 498، ص 203

\* آیه الله (بهجت): چون برای تزئین نیست اشکال ندارد(1).

\* آیه الله (سیستانی): بنا بر احتیاط واجب باید مرد یک گوسفند کفاره بدهد(2).

\* آیه الله (بهجت): بنا بر احتیاط باید مرد یک گوسفند کفاره بدهد(3).

امام خمینی (ره):

آیا سوگند معمولی به حال احرام اشکال دارد، همانند سوگندهای روزمره مردم کوچه و بازار؟

ج- قسم بغیر خدا از محرمات احرام نیست(4).

\*\* آیه الله (اراکي)، آیه الله (فاضل): و اسماء الهی.

امام خمینی (ره):

بعضی به علت عرق سوز شدن بدن احتیاج به پمادی دارند که چربی دارد، آیا محرم می تواند از این پماد به بدن خود بمالد یا خیر؟

ج- نمی تواند مگر در مورد ضرورت، ولی کفاره ندارد ولو در غیر مورد ضرورت مگر آن که بوی خوش داشته باشد، که کفاره آن یک گوسفند است، اگر چه از روی اضطرار باشد(5).

\* آیه الله سیستانی): اگر بوی خوش نداشته باشد برای معالجه اشکال ندارد و اگر داشته باشد در صورت ضرورت جایز است.

آیه الله مکارم): مالیدن انواع پمادها در ضرورت و معالجه مانعی ندارد.

آیه الله (خوئی)، آیه الله (تبریزی): کفاره روغن مالی از روی علم و عمد یک گوسفند و از روی جهل اطعام یک فقیر است بنا بر احتیاط در هر دو مورد..

\* آیه الله (مکارم): در غیر مورد ضرورت کفاره آن احتیاطاً یک گوسفند است.

\* آیه الله (خامنه ای): اگر بوی خوش داشته باشد بنا بر احتیاط مستحب کفاره آن گوسفند است.

امام خمینی (ره):

در موردی که کننده شدن مو با کشیدن دست به سر و صورت کفاره دارد، آیا فرقی بین عمد و سهو و غفلت هست؟

ص: 305

3-3- پرسشهای جدید حج، س 51.

4-4- مناسک حج (المحشى للإمام الخمينى)، سؤال 499، ص 204.

5-5- همان، سؤال 500.

ج- فرق نمی کند بشرط آن که دست کشیدن عمدی باشد(1).

\* آیه الله مکارم): یعنی میان سر و صورت فرقی نیست.

\* آیه الله سیستانی): و بی هدف.

امام خمینی (ره):

اگر غیر محرم از حرم، ازاله مو کند یا یکی از کارهایی که بر محرم حرام است و کفاره دارد انجام دهد، چه حکمی دارد؟

ج- اگر محرم به اختیار خود حاضر شود که مثلا محلی سر او را بتراشد حرام است و باید کفاره بدهد، ولی چنانچه بدون اختیار او باشد کفاره ندارد، حتی بر محل مزبور(2).

آیه الله (فاضل): نسبت به محل مطلقا کفاره ای نیست و نسبت به محرم اگر در موقع ازاله بی اختیار بوده و با اسناد ازاله به محرم و لو تسبیب محرز نباشد کفاره ندارد.

امام خمینی (ره):

محرم سرش تر است، اگر بخواهد صبر کند تا خودش خشک شود و وضو بگیرد آفتاب طلوع می کند و نمازش قضا می شود، آیا وظیفه اش تیمم است؟

ج- اگر نمی تواند ولو با دست سر را خشک کند، احوط جمع بین وضو با این حال و تیمم است(3).

\* آیه الله (مکارم): با حوله خشک کند مانعی ندارد.

\* آیه الله (بهجت): مرد می تواند سر خود را با حوله خشک کند و زن صورتش را در صورتی که این کار بتدریج انجام گیرد(4).

\* آیه الله (خامنه ای): می تواند قسمت جلو سر را خشک کند به طوری که حوله تمام سر را نپوشاند و وضو بگیرد.

\* آیه الله (تبریزی): با دست و یا جای دیگر بدن، سر را به مقدار مسمای مسح خشک کند.

\* آیه الله (سیستانی): اگر چاره ندارد می تواند با کنار حوله به مقدار مسح سرش را خشک کند.

ص: 306

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، سؤال 501، ص 205.

2-2- همان، سؤال 502.

3-3- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، سؤال 503، ص 205.

4-4- پرسشهای جدید حج، س 49، ص 11.

امام خمینی (ره):

کسی که موی مصنوعی دارد و با همین حال برای عمره و حج محرم شده و اعمال خود را انجام داده است آیا اشکال دارد؟

ج- ضرر به عمره و حج ندارد، ولی اگر مرد آن را بر سرش گذاشته است باید کفاره بدهد(1).

\* آیه الله (خامنه ای): بنا بر احتیاط کفاره بدهد.

\*\*\* آیه الله (خوئی)، آیه الله (تبریزی): اگر از روی اضطرار باشد ظاهراً کفاره ندارد.

امام خمینی (ره):

با توجه به حرمت پوشیدن صورت برای زنان در حال احرام، آیا چانه هم جزء صورت محسوب می شود و باید باز باشد یا این که اگر مقنعه ای بر سر گذاشته شود که چانه را تا لبها بپوشاند مانعی ندارد؟

ج- زیر چانه جزء صورت محسوب نمی شود، ولی پوشاندن به نحوی که در سؤال ذکر شده اشکال دارد (2).

\* آیه الله (مکارم): اشکال ندارد.

\* آیه الله (بهجت): جزء صورت است که نباید پوشانده شود و بعضی صورت نیز در حکم تمام آن است ولی دست گذاشتن روی صورت مانعی ندارد(3).

آیا زن محرم می تواند صورت خود را با حوله پاک کند، یا حکم سر مرد را دارد که نمی تواند روی آن را بپوشاند؟

امام خمینی (ره):

احتیاط، مراعات شود(4).

\* آیه الله خامنه ای): اگر حوله را بر روی همه صورت بیندازد اشکال دارد و در غیر این صورت مانع ندارد.

\*\*\* آیه الله (خوئی)، آیه الله (فاضل): جایز نیست.

\* آیه الله (مکارم): پاک کردن صورت با حوله مانعی ندارد.

ص: 307

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، سؤال 504، ص 205.

2-2- همان، سؤال 505، ص 206.

3-3- پرسشهای جدید حج، ص 12، سؤال 50.

4-4- مناسك حج (المحشى للإمام الخمينى)، سؤال 506، ص 206.

\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): به نحوی که صورت پوشیده نمی شود خشک کند.

\* آیه الله (بهجت): اگر تدریجی باشد مانعی ندارد.

امام خمینی (ره):

زنها که در حال احرام برای پوشیدن و در آوردن مقنعه، صورتشان پوشیده می شود، چه صورت دارد؟

ج- باید سعی کنند پوشیده نشود، و اگر عامدا و از روی علم پوشیده نشود مانع ندارد.

\* آیه الله (سیستانی): پوشیدن مقنعه که مقداری از اطراف صورت را می پوشاند به احتیاط واجب جایز نیست.

\* آیه الله (مکارم): این مقدار مانعی ندارد.

\* آیه الله (سیستانی): اگر از روی ضرورت باشد كفاره ندارد و در غیر این صورت بنا بر احتیاط یک گوسفند كفاره دارد.

فرموده اید که محرم از منزل تا مسجد الحرام می تواند زیر سقف برود، آیا کسانی که در مسجد الحرام برای حج محرم می شوند می توانند در مکه زیر سقف باشند؟

امام خمینی (ره):

تا عرفا در منزل و مکه هستند و در حال سیر برای خارج شدن از مکه نیستند می توانند استظلال نمایند(1).

\* آیه الله مکارم): در مکه مانعی ندارد هر چند در حال حرکت به سوی عرفات باشد.

امام خمینی (ره): کسی که از تنعیم محرم می شود استظلال برای او چه حکمی دارد؟

ج- چون تنعیم جزو مکه شده و مکه منزل است، استظلال در فرض سؤال مانع ندارد(2).

\* آیه الله (غروی): دخول تنعیم در مکه به توسعه بعد عصر النبی الأکرم محل اشکال است، و احتیاط ترک نشود.

\* آیه الله (خوئی): بنا بر احتیاط استظلال نکند تا دخول مکه متیقن سابق(3).

ص: 308

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، سؤال 508، ص 207.

2-2- همان، سؤال 509.

3-3- المسائل الشرعیه، ج 1، ص 1337

\* آیه الله (تبریزی): احتیاط لازم ترک استظلال در تنعیم و در حرکت از آنجا تا مسجد الحرام یا محل اقامت است.

\* آیه الله سیستانی: حکم به جواز استظلال در مفروض سؤال بسیار مشکل است و احتیاط ترک نشود(1).

آیه الله (بهجت): به احتیاط واجب تظلیل جایز نیست(2).

امام خمینی (ره):

- میقات عمره مفرده در خود مکه واقع شده است، آیا کسی که در آنجا برای عمره مفرده احرام بست می تواند در اتوبوس سقف دار سوار شود یا خیر، با توجه به این که محل سکونت او مکه است؟

امام خمینی (ره):

در فرض مذکور مانع ندارد(3).

افرادی از مسجد شجره محرم شدند و شبانه برای مکه حرکت نمودند ولی نزدیک طلوع آفتاب در ماشین سقف دار به خواب رفتند و بعد از طلوع آفتاب بیدار شدند و ماشین را نگاه داشتند، آیا برای مدتی که در حال سیر در زیر سقف بودند، کفاره دارد یا خیر، و الآن که ایستاده اند و می خواهند پیاده شوند، چه حکمی دارد؟

امام خمینی (ره):

برای مدتی که خواب بوده اند، یا ماشین ایستاده، کفاره واجب نیست، ولی اگر بعد از بیدار شدن و التفات و قبل از ایستادن ماشین، استظلال شده و لو اضطراراً، کفاره واجب است(4).

\* آیه الله (مکارم): در این صورت کفارهای لازم نیست.

\* آیه الله (تبریزی): در فرض مزبور بنا بر احتیاط برای استظلال در شب باید کفاره بدهند.

- در حال احرام وقتی ماشینهای بی سقف حرکت می کند و سفر انجام می شود، آیا پیاده و سوار شدن از ماشین در حالی که ایستاده است، در صورتی که مستلزم گذشتن از زیر سقف قسمت جلو ماشین است، چه حکمی دارد(5)؟

ص: 309

1-1 - مناسک، مسأله 271.

2-2 - استفتاءات ویژه حج، ص 8.

3-3 - مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، سؤال 510، ص 207.

4-4 - همان، سؤال 511.

5-5 - مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، ص 512، سؤال 208.



امام خمینی (ره):

ج- مانع ندارد.

- کسانی که از مسجد الحرام برای حج محرم می شوند و از مسجد الحرام در ماشین سقف دار سوار می شوند و مثلا در عزیزیه که منزل ایشان است پیاده می شوند، آیا سوار شدن در اتومبیل سقف دار از مسجد الحرام به منزل چه صورت دارد، و اگر پیاده نشوند و از اول قصد عرفات داشته باشند حکم چیست؟

امام خمینی (ره):

در فرض اول مانع ندارد، و در فرض دوم احتیاط کنند(1).

\*\*\* آیه الله (فاضل)، آیه الله مکارم): در هر دو فرض مانعی ندارد.

- این جانب یکی از خدمه کاروان حج هستم، بعد از درک عرفات به اتفاق مدیر کاروان و معاون و این جانب و بانوان کاروان در یک اتوبوسی سر بسته قرار گرفتیم و برای درک اضطراری به مشعر الحرام رفته و چون در مسیر مزدلفه به منا به راه بندان برخوردیم، لذا در هوای آفتابی در اتوبوس سر بسته بودم، ناگاه به یادم آمد که نباید در زیر طاق اتوبوس قرار بگیرم، چند دقیقه ای با علم به این که اتوبوس سر پوشیده است مانده و پس از توقف اتوبوس بر اثر راه بندان پیاده شدم، و ما بقی راه را تا محل چادر کاروان در منا پیاده طی نمودم، لذا از محضر آن بزرگوار تقاضا دارم بفرمایید:

1- آیا کفاره تعلق میگیرد یا نه؟

2- در صورتی که تعلق گرفته باشد باید حتما در منا ذبح گردد؟

3- در حالی که اکنون در تهران هستم آیا می توانم قربانی را در محل اقامت ذبح نمایم؟

4- در صورتی که خدمه کاروان بودم و به دستور مدیر گروه برای کمک نمودن به بانوان مسن برای رمی جمره عقبه عازم منا بودم و از خود استقلال نداشتم، آیا وجه این گوسفند را چه کسی باید پردازد؟ ستاد حج، مدیر گروه یا این جانب؟

5- چنانچه ستاد حج تقبل نموده باشد ذبح را، آیا از گردن این جانب ساقط می گردد یا نه؟

امام خمینی (ره):

باید قربانی کنید، و اگر چه باید در منا ذبح نمایید لکن ذبح در محل خودتان هم برای کفاره

ص: 310

کفایت می کند، و می توانید به مسئولین در ستاد نیابت دهید که برای شما ذبح کنند، و در این صورت ذبح آنها هم کافی است، ولی بدون نیابت صحیح نیست(1).

\* آیه الله (خامنه ای): بنا بر احتیاط واجب در منا ذبح کند.

\* آیه الله (فاضل): احتیاط این است که کفاره محرمات احرام عمره در مکه ذبح شود، و کاره محرمات حج در منا، ولی فعلا که گوشت آن در آن دو مکان مصرف فقرا می شود ذبح در وطن جایز بلکه مطابق احتیاط است تا به مصرف فقرا مؤمن برسد.

\* آیه الله (بهجت): مسأله ذبح را متعرض نشده اند.

\* آیه الله (خوئی): ذبح در منا لزومی ندارد(2).

\* آیه الله (تبریزی): کفاره ای که بر محرم برای غیر از شکار واجب شده است اظهر این است که می تواند کشتش را تا بازگشت از حج تأخیر انداخته و هر جا بخواهد بکشد و بهتر این است که کفاره را در حج خود بکشد(3).

آیه الله (سیستانی): جای این کاره بنا بر احتیاط واجب منا است ولی اگر نکشت هر چند بدون عذر باشد ذبح در هر جای دیگر کافی است.

- آیا استظلال، مربوط به سایه حاصل از تابش عمودی خورشید است یا حاصل از تابش مایل خورشید را هم شامل می شود(4)؟

امام خمینی (ره):

فرق نمیکند.

\* آیه الله (نوری): گفته شد که میزان استظلال نیست.

آیه الله (بهجت): احوط این است که زیر سایه چیزی که روی سر نباشد نیز نرود(5).

\* آیه الله (مکارم): سایه دیوارهای ماشین بدون سقف و مانند آن مانعی ندارد.

- آیا استظلال، مربوط به سایه بر سر می باشد یا اگر سایه فقط بر شانه بیفتد استظلال صدق می کند(6)؟

ص: 311

1- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، ص 209.

2- مناسک، مسأله 287.

3- مناسک، مسأله 287.

4- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، ص 515، ص 209.

5- 5- مناسک، مسأله 269

6- مناسک حج (المحشى للإمام الخمينى)، س 516، ص 209.

امام خمینی (ره):

صدق نمی کند.

\* آیه الله (فاضل): گذشت که بنا بر احتیاط واجب برای بدن نیز نباید سایبان قرار دهد.

- آیا استظلال فقط مربوط به سقف می باشد یا شامل سایه حاصل از دیوار ماشین هم می شود(1)؟

امام خمینی (ره):

شامل نمی شود.

\* آیه الله (غروی): احتیاط واجب آن است که به پهلوی محمل یا هر چیزی که بالای سر او باشد استظلال نکند.

- آیا در عرفات هم مثل منا می شود زیر چتر حرکت کرد یا حکم عرفات غیر از حکم منا است(2)؟

امام خمینی (ره):

زیر چتر حرکت کردن در عرفات اشکال ندارد.

\* آیه الله (تبریزی): صدق می کند.

- در شهر مکه تونلهایی احداث کرده اند که طولش بیش از 1500 قدم می باشد آیا بعد از احرام حج می شود داخل آن با اتومبیل سفر کرد با علم به این که مسقف است(3)؟

امام خمینی (ره):

مانع ندارد بلی اگر خودش آن راه را اختیار کند و از زیر آن سقف برود اشکال دارد.

\* آیه الله (غروی): در صورتی که تونل از شهر مکه خارج شود و اما اگر در خود شهر مکه از نقطه ای به نقطه دیگر از مکه می رساند مانعی ندارد زیرا در خود مکه استظلال ضرری ندارد.

\*\*\* آیات عظام (اراکي)، (فاضل)، (خامنه ای): اشکال ندارد.

\* آیه الله (مکارم): در این صورت هم مانعی ندارد.

\* آیه الله (بهجت): اشکال ندارد(4).

1-1- مناسک حج (المحشى للإمام الخمينى)، س 517، ص 209

2-2- همان، س 518، ص 209.

3-3- همو، س 519، ص 209.

4-4- مستفاد از س 53 مناسک.

- آیا محرم به محض وصول به مکه می تواند استظلال نماید و یا بایستی به منزل برسد و بعد از اتخاذ منزل جایز است (1)؟

امام خمینی (ره):

مکه منزل است، و با رسیدن به آن استظلال مانع ندارد.

- اخیرا از حدود کشتارگاه تا نزدیک جمرات، مسقفی را درست کرده اند، آیا عبور از این راه برای محرمی که هنوز منزل نکرده و از مشعر مستقیم به جمرات می رود جایز است یا نه (2)؟

امام خمینی (ره):

مانع ندارد.

- آیا گرفتن ناخن توسط محرم از غیر محرم جایز است (3)؟

امام خمینی (ره):

- اشکال ندارد.

- آیا محرم می تواند ناخن محرم دیگر را به قصد تقصیر بگیرد یا نه (4)؟

امام خمینی (ره):

اشکال ندارد.

\* آیه الله (سیستانی): ولی ناخن گرفتن در تقصیر بنا بر احتیاط واجب کافی نیست.

- کندن دندان که بر محرم حرام است، مقصود دندان خودش می باشد یا شامل دندان غیر هم می شود؟ و در تقدیر حرمت در صورت خون آمدن است یا مطلقا (5)؟

امام خمینی (ره): شامل دندان غیر نمی شود، هر چند خون از آن بیرون آید.

\* آیه الله (مکارم): در فرض خونریزی مکروه است.

- آیا در حال احرام می توان دندانی را که شدیداً درد دارد و دکتر سفارش می کند که آن را بکشید، کشید، گر چه باعث خونریزی شود (6)؟

ص: 313

1-1- مناسک حج (المحشى للإمام الخميني)، س 520، ص 209.

2-2- همان، س 521، ص 211.

3-3 - مناسك حج (المحشى للإمام الخمينى)، س 522.

4-4 - همان، س 523، ص 211

5-5 - مناسك حج (المحشى للإمام الخمينى)، س 524.

6-6 - همان، س 525، ص 211.

امام خمینی (ره):

اگر ضرورت دارد مانع ندارد، ولی کفاره دارد علی الأحوط .

\*\* آیه الله سیستانی، آیه الله (تبریزی): چنانکه در مسأله 438 گذشت بعد از رسیدن به مکه هم بنا بر احتیاط نمی تواند در حال حرکت برای خود سایبان درست کند مثل این که چتر بردارد یا سوار ماشین مسقف شود بلی رفتن زیر سایه ثابت مانعی ندارد.

\* آیه الله (تبریزی): کشیدن دندان اگر خون در نیاید، مانع ندارد و کفاره هم ندارد. و در

صورتی که خون بیاید، اگر برای رفع ناراحتی بوده کفاره ندارد.

آیه الله خامنه ای: بنا بر احتیاط مستحب.

- هرگاه محرم سر خود را با چیز دوخته بپوشاند آیا یک کفاره باید بدهد یا دو کفاره؟(1)

امام خمینی (ره):

باید دو کفاره بدهد مگر در صورت جهل و نسیان.

\* آیه الله (بهجت): احتیاطاً(2).

\* آیه الله (مکارم): در مثل پارچه دوخته شده یک کفاره دارد ولی کلاه دوخته و مانند آن بنا بر احتیاط واجب دو کفاره دارد.

آیه الله (تبریزی): یک کفاره کافی است.

آیه الله (خوئی): حرمت لبس این گونه مخیط به نظر ایشان مبنی بر احتیاط است و لذا احتیاط در دو کفاره است.

- در بین مردم معروف است که محرم نباید به کسی دستور بدهد، مثلاً نباید به کسی بگوید یک لیوان آب یا چای یا چیز دیگر به من بدهید و باید خودش بردارد، آیا اگر در حال احرام چنین درخواستی از دوست خود بکنند گناه کرده است یا نه؟ و در صورت گناه آیا کفاره هم دارد یا نه(3)؟

امام خمینی (ره):

اشکال ندارد.

ص: 314

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، ص 526، ص 212

2-2- مناسک، بین 58.





\* آیه الله (بهجت): ولی کفاره ندارد علی الأظهر حتی در صورت غیر ضرورت با خون انداختن اگر چه حرام است چنانچه گذشت (1).

\* آیه الله (فاضل): کفاره ندارد.

\* آیه الله (مکارم): مطلقا مانعی ندارد و کفاره هم ندارد.

\* آیه الله (سیستانی): کفاره لازم نیست.

## مستحبات دخول حرم

\* آیه الله مکارم): بقصد رجاء انجام دهد (2).

امام خمینی (ره):

1- همین که حاجی به حرم رسید، پیاده شده و به جهت دخول حرم غسل نماید.

2- از برای تواضع و فروتنی نسبت به حضرت حق جل و علا پا برهنه شده و نعلین خود را در دست گرفته داخل حرم شود و این عمل ثواب زیادی دارد.

3- وقت دخول حرم این دعا را بخواند:

«اللهم إنک قلت فی کتابک و قولک الحق وأنین فی الاسباح بالحق یأتوک رجالا وعلی کل ضامر یأتین من کل فج عمیق. اللهم إنی ارجو ان اکون ممن اجاب دعوتک، و قد جئت من شقه بعیده و فج عمیق سامعا لندائک و مستجیبا لک مطیعا لأمرک و کل ذلک بفضلک علی و احسانک إلی فلک الحمد علی ما وقفتنی له أبتغی بذلک الفه عندک و القربه إلیک و المنزله الیدیک و المغفره لذنوبی و التوبه علی منها بمک، اللهم صل علی محمد و آل محمد و حرم بدنی علی النار و آمنی من عذابک و عقابک برحمتک یا أرحم الراحمین» .

4- وقت دخول حرم مقداری از علف (اذخر گرفته آن را بجود (3).

ص: 315

1-1- مناسک شیخ، ص 28 و 29

2-2- مناسک حج (المحشى للإمام الخمينی)، مسأله 528، ص 212

3-3- همان، ص 213.

امام خمینی (ره):

برای دخول مکه معظمه نیز مستحب است مکلف غسل بنماید. و هنگامی که وارد مکه می شود با حالت تواضع وارد شود، و کسی که از راه مدینه برود از بالای مکه داخل شده و وقت بیرون آمدن از پائین آن بیرون آید(1).

## آداب دخول مسجد الحرام

امام خمینی (ره):

مستحب است مکلف برای دخول مسجد الحرام غسل بنماید و هم چنین مستحب است با پای برهنه و با حالت سکینه و وقار وارد شود و هنگام ورود از در «بنی شیبه» وارد شود و گفته اند که باب بنی شیبه در حال کنونی مقابل باب السلام است بنا بر این نیکو این است که شخص از باب السلام وارد شده و مستقیماً بیاید تا از ستونها بگذرد.

\* آیه الله (سیستانی): استحباب این غسل ثابت نیست(2).

امام خمینی (ره):

و مستحب است بر در مسجد الحرام ایستاده بگوید:

«السلام علیک ایها النبی ورحمه الله وبرکاته، بسم الله و بالله و ما شاء الله، السلام علی أنبیاء الله ورسله، السلام علی رسول الله السلام علی إبراهیم خلیل الله، و الحمد لله رب العالمین».

و در روایت دیگر وارد است که نزد در مسجد بگوید:

«بسم الله و بالله و من الله و إلى الله و ما شاء الله و علی مله رسول الله صلی الله علیه و آله، و خیر الأسماء الله، و الحمد لله و السلام علی رسول الله، السلام علی محمد بن عبد الله، السلام علیک ایها النبی ورحمه الله وبرکاته، السلام علی أنبیاء الله ورسله، السلام علی خلیل الله الرحمن السلام علی المرسلین و الحمد لله رب العالمین، السلام علینا و علی عباد الله الصالحین، الله صل علی محمد و آل محمد و بارک علی محمد و آل محمد و ارحم محمد و آل محمد کما صلیت و بارکت و ترمت علی إبراهیم و آل إبراهیم إنک حمید مجید اللهم صل علی محمد و آل محمد»

ص: 316

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخمینی)، مسأله 529.

2-2- همان، مسأله 530، ص 213.

عبدك ورسولك اللهم صل على إبراهيم خليلك و على أنبيائك ورسلك و سلم عليهم، و سلام على المرسلين و الحمد لله رب العالمين اللهم افتح لى أبواب رحمتك و استعملنى فى طاعتك و مرضاتك و احفظنى بحفظ الإيمان أبدا ما أبقيتنى جل ثناء وجهك، الحمد لله الذى جعلنى من وفده و زواره و جعلنى ممن يعمر مساجده، و جعلنى ممن ينجيه اللهم إني عبدك و زائر في بيتك و على كل ماتى حق لمن أتاه و زاره، و أنت خير مأتى و أكرم مزور فأسألك يا الله يا رحمن بأنك أنت الله لا إله إلا أنت و حدك لا شريك لك بانك واحد احد صمد لم تلد ولم تولد ولم يكن له (لك خل) كفوا أحد، و أن محمدا عبدك و رسولك صلى الله عليه و على أهل بيته يا جواد يا كريم يا ماجد يا جبار يا كريم أسألك أن تجعل تحفتك إياى بزيارتى إياك أول شىء تعطينى فكاك رقبتى من النار»(1).

پس سه مرتبه می گوید:

«اللهم فك رقبتى من النار».

پس می گوید:

«و أوسع على من رزقك الحلال الطيب وادراً عتى شر شياطين الجن و الانس و شر فسقه العرب و العجم».

پس داخل مسجد الحرام شود و روبه كعبه دستها را بلند نموده و بگوید:

«اللهم إني أسألك فى مقامى هذا و فى أول مناسكى أن تقبل توبتى و أن تتجاوز عن خطيئتى و أن تضع عتى و زرى، الحمد لله الذى بلغنى بيته الحرام اللهم إني أشهد أن هذا بيتك الحرام الذى جعلته مثابه للتاس و أمنا مباركا و هدى للعالمين اللهم إني عبدك و البلد بلدك و البيت بيتك جئت أطلب رحمتك و أوم طاعتك مطيعا لأمرک راضيا بقدرک أسألك مسأله الفقير إليك الخائف لعقوبتك اللهم افتح لى أبواب رحمتك و استعملنى بطاعتك و مرضاتك».

\* آیه الله سیستانی: این فراز از دعا در مناسک ایشان مذکور نیست.

امام خمینی (ره):

بعد خطاب می کند بسوی كعبه و می گوید:

«الحمد لله الذى عظمك و شرفك و كرمك و جعلك مثابه للناس و أمنا مباركا و هدى للعالمين»(2).

ص: 317

1-1- مناسک حج (المحشى للإمام الخمينى)، ص 214.

2-2- همان، ص 215.

\* آیه الله (سیستانی): این فراز از دعا در مناسک ایشان مذکور نیست.

امام خمینی (ره):

و مستحب است وقتی که محاذی حجر الأسود شد بگوید:

«أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له وأن محمدا عبده ورسوله آمنت بالله و كفرت بالجبت و الطاغوت واللات والعزى و بعباده الشيطان و بعباده كل ند يدعى من دون الله».

و هنگامی که نظرش به حجر الاسود افتاد متوجه بسوی او شود و بگوید:

«الحمد لله الذى هدانا لهذا وما كنا لنهتدى لولا أن هدانا الله سبحانه الله و الحمد لله ولا إله إلا الله و الله أكبر، الله أكبر من خلقه و الله أكبر مما أخشى و احذر، لا إله إلا الله وحده لا شريك له، له الملك وله الحمد يحيى و يميت و يحيى و هو حى لا يموت بيده الخير و هو على كل شىء قدير، اللهم صل على محمد و آل محمد و بارك على محمد و آله كأفضل ما صليت و باركت و ترمت على إبراهيم و آل إبراهيم إنك حميد مجيد، و سلام على جميع النبيين و المرسلين و الحمد لله رب العالمين اللهم إني أومن بوعدك و أصدق رسلك و أتبع كتابك».

و در روایت معتبر وارد است که وقتی که نزدیک حجر الأسود رسیدی دستهای خود را بلند کن و حمد و ثنای الهی را به جا آور، و صلوات بر پیغمبر بفرست و از خداوند عالم بخواه که حج تو را قبول کند پس از آن حجر را بوسیده و استلام نما. و اگر بوسیدن ممکن نشد استلام نما، و اگر آن هم ممکن نشد اشاره به آن کن و بگو:

«اللهم أمانتى أديتها و ميثاقى تعاهدته لتشهد لى بالموافاه الله تصديقا بكتابتك و على سته نيك صلواتك عليه و آله أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له و أن محمدا عبده و رسوله آمنت بالله و كفرت بالجبت و الطاغوت واللات والعزى و بعباده الشيطان و بعباده كل نديدى من دون الله».

و اگر نتوانی همه را بخوانی بعضی را بخوان و بگو:

«اللهم إليك بسطت يدي و فيما عندك عظمت رغبتى فاقبل سبحتى و اغفر لى و ارحمنى، اللهم إني أعوذ بك من الكفر و الفقر و موافق الخزى فى الدنيا و الآخرة».

ص: 318

## طواف واجب و بعضی از احکام آن

کسی که محرم شد به احرام عمره تمتع و وارد مکه معظمه شد اول چیزی که از اعمال عمره بر او واجب است آن است که طواف کند به دور خانه کعبه برای عمره تمتع.

امام خمینی (ره):

طواف عبارت است از هفت مرتبه دور خانه کعبه گردیدن به نحوی که خواهد آمد، و هر دوری را شوط می گویند، پس طواف عبارت از هفت شوط است (1).

امام خمینی (ره):

طواف از ارکان عمره است، و کسی که آن را از روی عمد ترک کند تا وقتی که فوت شود وقت آن، عمره او باطل است چه عالم به مسأله باشد و چه جاهل باشد (2).

\* آیه الله (بهجت): و وجوب ذبح یک شتر مطلقاً حتی در حال علم و عمد موافق احتیاط است (3).

\* آیه الله (سیستانی): بنا بر احتیاط جاهل به حکم باید یک شتر کفاره بدهد (4).

امام خمینی (ره):

چنین کسی که عمره خود را باطل کرد احوط آن است که حج افراد به جا آورد، و پس از آن عمره به جا آورد، و حج را در سال بعد اعاده کند (5).

آیه الله (گلپایگانی): حج او مبدل به حج افراد می شود. و در سال بعد هم باید حج را قضا کند (6).

\*\* آیه الله (اراکي)، آیه الله (بهجت): و ظاهراً حج او مبدل به حج افراد می شود و وجوب قضای حج بر او در سال آینده قوی است.

\*\*\* آیات عظام (تبریزی)، (خوئی)، (سیستانی): عمره اش باطل می شود و احرام او نیز باطل می شود و باید حج را در سال بعد اعاده کند و احتیاط مستحب این است عدول به حج افراد نموده و او را بقصد اعم از حج و عمره مفرده تمام نماید.

ص: 319

---

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 531، ص 216.

2-2- همان، مسأله 532.

3-3- مناسک شیخ، ص 35.

4-4- مناسک، اول بحث طواف.

5-5- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 533، ص 216.



امام خمینی (ره):

- وقت فوت طواف وقتی است که اگر بخواهد آن را با بقیه اعمال عمره به جا آورد نتواند وقوف به عرفات کند(1).

\* آیه الله (سیستانی): آخر زمان آن وقتی است که بتواند اعمال عمره را تا ظهر روز عرفه تمام کند.

امام خمینی (ره):

اگر از روی سهو ترک کرده طواف را لازم است آن را به جا آورد هر وقت که باشد، و اگر برگشته به محل خود و نتواند برگردد به مکه یا مشقت داشته باشد برگشتن، باید شخص مورد اطمینانی را نایب بگیرد(2).

\* آیه الله (سیستانی): یا آن را به طور صحیح انجام نداده. \* آیه الله (فاضل): و سعی را نیز بنا بر احتیاط اعاده کند.

\*\* آیه الله (خوئی)، آیه الله (تبریزی): اگر قبل از فوت وقت طواف متذکر شود باید تا وقت نگذشته قضا کند.

\* آیه الله (مکارم): و در این مدت چیزی بر او حرام نیست و احتیاط آن است که یک گوسفند قربانی به مکه بفرستد و اگر فرستادن به مکه ممکن نیست در محل خود قربانی کند.

امام خمینی (ره):

اگر سعی را به جا آورده پیش از آن که طواف را به جا آورد احتیاط واجب آن است که سعی را هم به جا آورد، و اگر نماز طواف را به جا آورده باید آن را هم بعد از طواف اعاده کند(3).

آیه الله (فاضل): بنا بر اقوی سعی را نیز بعد از طواف اعاده کند.

\* آیه الله (خامنه ای): باید سعی را اعاده نماید.

آیه الله (مکارم): این احتیاط در مورد سعی مستحب است.

\* آیه الله (سیستانی): باید سعی را اعاده نماید. مگر در صورتی که طواف را فراموش کند تا وقت آن بگذرد مثل این که طواف عمره را تا وقوف در عرفات یا طواف حج را تا پایان ذی حجه فراموش کند که اعاده سعی لازم نیست گر چه بهتر است.

ص: 320

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 534، ص 216.

2-2- همان، مسأله 535.

3-3- همو، مسأله 536.



امام خمینی (ره):

اگر شخص محرم به واسطه مرض، خودش قدرت نداشته باشد که طواف کند و تا وقت تنگ شود قدرت حاصل نکند، اگر ممکن است خود او را به یک نحو ببرند و طواف دهند اگر چه به دوش گرفتن یا بر تخت گذاشتن باشد، و اگر ممکن نشود باید برای او نایب بگیرند(1).

\*\*\* آیات عظام (خوئی)، (فاضل)، (تبریزی): یعنی نتواند خود را به اندازه درک مقدار رکن از وقوف - مسمای وقوف اختیاری - به عرفات برساند.

\* آیه الله (بهجت): میزان در تنگی وقت .. بیم از دست رفتن وقوف اختیاری عرفات است (2).

\*\*\* آیات عظام (گلپایگانی)، (اراکی)، (صافی): و طوری طواف دهند که پاهایش بر زمین کشیده شود و اگر ممکن نشود او را توسط دوش یا چیز دیگر طواف دهند و اگر هیچ گونه ممکن نشود نایب بگیرد که برای او طواف کند.

\* آیه الله (فاضل): و بهتر است در صورت امکان پاهای او به زمین کشیده شود.

آیه الله (سیستانی): احتیاط مستحب آن است که به طوری او را طواف دهند که پاهایش به زمین کشیده شود (3).

\* آیه الله (مکارم): و لازم نیست پاهای او به زمین کشیده شود.

امام خمینی (ره):

شخص مریض را که طواف می دهند باید مراعات شرایط و احکام طواف را به مقداری که برای او ممکن است بکنند (4).

## واجبات طواف

### اشاره

واجبات طواف دو قسم است:

ص: 321

---

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 537.

2-2- مناسک، مسأله 157.

3-3- مناسک، مسأله 320.

4-4- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 538، ص 0218

### 1- نیت است

یعنی باید طواف را با قصد خالص برای خدا به جا آورد.

- نظر آیات عظام در مسائل مربوط به کیفیت نیت در بحث نیت در احرام گذشت.

\* آیه الله (مکارم): برای عمره تمتع یا حج و غیر آن.

\*\* آیه الله (اراکي)، آیه الله (فاضل): و نیز نیت کند که هفت دور طواف خانه کعبه انجام میدهم برای عمره تمتع از حجه الإسلام یا حج استحبابی.

امام خمینی (ره):

نیت را لازم نیست به زبان بیاورد و لازم نیست به قلب بگذراند، بلکه همان که بنا دارد این عمل را به جا آورد و با این بنا به جا آورد، کفایت میکند و به عبارت دیگر، نیت در عبادت و کارهای دیگر در این جهت فرق ندارد، پس همان طور که انسان با قصد آب می خورد و راه می رود عبادت را اگر همان طور به جا آورد با نیت به جا آورده (1).

امام خمینی (ره):

باید عبادت را برای اطاعت خدا به جا آورد و در این جهت با کارهای دیگر فرق پیدا میکند. پس باید طواف را برای اطاعت خداوند به جا آورد (2).

\* آیه الله سیستانی: در عبادت معتبر است که برای تذلل و کرنش در پیشگاه خداوند انجام داده شود، خواه اطاعت صدق کند یا نکند.

امام خمینی (ره):

اگر در به جا آوردن طواف یا سایر اعمال عمره و حج که عبادی است ریاء کند یعنی برای نشان دادن و به رخ دیگری کشیدن و عمل خود را خوب جلوه دادن به جا آورد طواف او و همین طور هر چه را این طور به جا آورده باطل است، و در این عمل معصیت خدا را هم کرده است (3).

ص: 322

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 539.

2-2- همان، مسأله 540.

3-3- همو، مسأله 541.

امام خمینی (ره):

ریاء بعد از عمل و تمام کردن طواف یا دیگر اعمال باعث بطلان عمل نمی شود(1).

امام خمینی (ره):

کفایت میکند در صحیح بودن عمل آن که برای خدا بیاورد یا برای اطاعت امر خدا یا برای ترس از جهنم یا برای رسیدن به بهشت و ثواب (2).

امام خمینی (ره):

اگر در عملی که برای خدا می آورد رضای دیگری را هم شرکت دهد و خالص برای خدا نباشد عمل باطل است.

## 2- طاهر باشد

از حدث اکبر مثل جنابت و حیض و نفاس و از حدث اصغر یعنی باید با وضو داشته باشد(3).

\* آیه الله (نوری): و اگر وضو ممکن نیست تیمم کند.

امام خمینی (ره):

طهارت از حدث اکبر و اصغر در طواف واجب شرط است، چه طواف عمره باشد یا طواف حج یا طواف نساء، حتی در عمره و حج مستحب که پس از احرام بستن واجب است آن را تمام کند(4).

\* آیه الله (مکارم): یعنی در طواف عمره و حج مستحب، طهارت لازم است.

امام خمینی (ره):

طهارت از حدث اکبر و اصغر در طواف مستحبی شرط نیست، لکن کسی که جنب یا حائض است جایز نیست در مسجد الحرام وارد شود، ولی اگر غفلتا یا نسیانا طواف مستحب کرد صحیح است(5).

ص: 323

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 542.

2-2- همان، مسأله 543.

3-3- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 544.

4-4- همان، مسأله 545.

5-5- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 546.

\* آیه الله (فاضل): یا جهلا.

\* آیه الله (سیستانی): در طواف مستحب طهارت از حدث اصغر شرط نیست و بنا بر مشهور طهارت از حدث اکبر شرط نیست.

امام خمینی (ره):

طواف - یعنی هفت دور اطراف خانه کعبه گردیدن - مستحب است و بلکه هر چه شخص بتواند طواف کند خوب است. و در این طواف طهارت شرط نیست (1).

\* آیه الله (مکارم): بهتر است هنگام ازدحام جمعیت برای طواف واجب، طواف مستحب را ترک کنند.

امام خمینی (ره):

اگر شخصی که حدث اکبر یا اصغر داشته طواف کند باطل است، چه از روی عمد باشد یا از روی غفلت یا نسیان یا ندانستن مسأله باشد (2).

\*\*\* آیات عظام (اراکلی)، (نوری)، (فاضل)، (مکارم): واجب.

امام خمینی (ره):

اگر در اثنای طواف حدث عارض شود پس اگر پس از تمام شدن دور چهارم است باید طواف را قطع کند و طهارت تحصیل کند و از همان جا که طواف را قطع کرده تمام کند (3).

\* آیه الله (فاضل): اگر در بین طواف واجب حدث عارض شود مسأله چهار صورت دارد:

اول: حدث قبل از رسیدن به نصف طواف باشد، در این صورت طواف باطل می شود که باید بعد از تحصیل طهارت آن را از سر بگیرد، خواه محدث شدن اختیاری باشد یا بدون اختیار.

دوم: پس از رسیدن به نصف و قبل از تمام شدن دور چهارم باشد، که در این صورت بنا بر احتیاط واجب پس از وضو طواف را تمام کند و نماز آن را بخواند و دوباره طواف دیگر کند و نماز آن را نیز بخواند، خواه حدث با اختیار باشد یا بدون اختیار.

سوم: بعد از تمام شدن دور چهارم اختیار خود را محدث کند، که در این صورت نیز مثل صورت دوم احتیاط کند.

چهارم: پس از تمام شدن دور چهارم بی اختیار محیث شود، در این صورت پس از تحصیل

ص: 324

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، مسدله 547.

2-2- همان، مسأله 548.



طهارت، طواف را از آنجایی که محدث شده تمام کند، و صحیح است. و در این مسأله فرقی بین حدث اصغر و اکبر نیست.

آیه الله (اراکي): اگر بعد از تجاوز از نصف بوده طواف را قطع می کند.

\* آیه الله (گلپایگانی): اگر بعد از گذشتن از 4 شط محیث شود پس از تحصیل طهارت از موضعی که محدث شده آن را ادامه دهد. و طوافش صحیح است (1).

\*\*\* آیه الله (خوئی)، آیه الله (تبریزی): اگر حدث بعد از تمامی دور چهارم و بدون اختیار باشد، که در این صورت طواف را قطع نموده و طهارت گرفته و طواف را از همان جا که قطع نموده ادامه می دهد. و اگر حدث بعد از نصف و پیش از تمامی دور چهارم طواف، یا بعد از تمامی دور چهارم و اختیاری باشد، که احوط در این دو صورت این است که طواف خود را پس از طهارت از جایی که قطع نموده تمام کرده سپس اعاده اش نماید. و به جای این احتیاط اگر این کار را بکند کافی است که پس از قطع طواف و طهارت، یک طواف کامل بقصد اعم از تمام کردن طواف پیش و یک طواف کامل جدید به جا آورد.

\* آیه الله (بهجت): آن که حدث بعد از تجاوز از نصف از روی سهو و غفلت باشد، که در این صورت طواف را قطع نموده و طهارت گرفته و طواف را از همان جا که قطع نموده ادامه می دهد و در صورتی که بعد از تجاوز از نصف و از روی عمد باشد حکم به ادامه طواف بعد از قطع آن مورد تأمل است (2).

\* آیه الله سیستانی): اگر بدون اختیار پس از تمام شدن شوط چهارم محدث شود، باید طوافش را قطع نماید و بعد از تحصیل طهارت از همان جا که قطع کرده ادامه دهد و به اتمام برساند. و اگر از روی اختیار باشد احتیاط واجب این است که طوافش را قطع نماید و بعد از تحصیل طهارت از همان جا که قطع کرده ادامه دهد و به اتمام برساند، و سپس طواف را اعاده نماید (3).

امام خمینی (ره):

- اگر در فرض سابق پیش از تمام شدن دور چهارم، حدث عارض شود (4).

ص: 325

1-1- آداب و احکام حج، مسأله 479.

2-2- مناسک، مسأله 288

3-3- مناسک، مسأله 285.

4-4- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 550، ص 220.

\*\*\* آیه الله (اراکي)، آیه الله (بهجت): اگر پیش از تمام شدن نصف طواف حدث عارض شود طواف را قطع کند، پس از تحصیل طهارت آن را اعاده کند.

\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): پس اگر به سه شؤط و نیم نرسیده طواف او باطل است و باید بعد از وضو یا غسل یا بعد از رفع عذر طواف را از سر بگیرد. و اگر از سه شؤط و نیم گذشته و به 4 شؤط نرسیده احتیاط به اتمام و اعاده طواف با نمازهای آن ترک نشود.

\*\* آیه الله (خوئی)، آیه الله (تبریزی): اگر حدث پیش از رسیدن به نصف طواف باشد، در این صورت طواف باطل و لازم است پس از طهارت اعاده شود.

آیه الله خامنه ای): اگر پیش از تمام شدن نصف دور چهارم حدث اصغر عارض شود واجب است که قطع کند طواف را و بعد از طهارت آن را اعاده کند و در صورتی که بعد از نصف دور چهارم و قبل از پایان این دور عارض شود باز هم باید طواف را قطع و بعد از طهارت اعاده کند لکن به نیت ما فی الذمه.

\* آیه الله (سیستانی): اگر قبل از تمام شدن شوط چهارم باشد، طوافش باطل است و باید پس از تحصیل طهارت آن را دوباره انجام دهد(1).

امام خمینی (ره):

اگر در اثناء طواف حدث اکبر مثل جنابت یا حیض عارض شود باید فوراً از مسجد الحرام بیرون رود، پس اگر پیش از تمامی دور چهارم بود پس از غسل طواف را اعاده کند(2).

\* آیه الله (مکارم): وظیفه او فقط اعاده است و اتمام طواف سابق لازم نیست. نظری که از آیه الله سیستانی در این دو مسأله نقل شد اختصاص به حدث اصغر ندارد. نظر آیات عظام در دو مسأله قبل گذشت که فرقی بین حدث اصغر و جنابت نگذاشته اند.

\*\* آیه الله (خوئی)، آیه الله (تبریزی): احوط در هر دو صورت (قبل و بعد از شوط چهارم) این است که بعد از پاکی یک طواف کامل به نیت اعم از تمام و اتمام به جا آورد.

آیه الله (سیستانی): اگر زن در حال احرام حین انجام طواف حائض شود، پس اگر قبل از تمام شدن شوط چهارم باشد، طوافش باطل است پس اگر وقت وسعت داشته باشد باید صبر کند تا پاک شود و طواف و اعمال بعدی را انجام دهد و اگر وقت تنگ باشد می تواند بر عمره تمتع خود باقی بماند، و اعمال آن را بجز طواف و نماز آن انجام دهد، یعنی این که سعی و

ص: 326

1-1- مناسک، مسأله 285.

2-2- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 551، ص 221.

تقصیر نماید، و بعد از آن احرام حج ببندد، و پس از فارغ شدن از اعمال منا و بازگشتن به مکه، قبل از این که طواف حج را انجام دهد طواف عمره و نماز آن را انجام دهد و احتیاط مستحب این است که به حج افراد عدول نماید و اگر بعد از تمام شدن شوط چهارم باشد، مقداری که انجام داده صحیح است و باقی آن را باید بعد از پاک شدن از حیض و انجام غسل به جا آورد، و اگر وقت تنگ باشد سعی و تقصیر را انجام دهد و برای حج محرم شود و پس از فارغ شدن از اعمال منا و بازگشتن به مکه، قبل از طواف حج، آن چه از طوافش باقی مانده است و نماز آن را انجام دهد(1).

\* آیه الله (فاضل): اگر در بین طواف حدث اکبر مثل جنابت یا حیض عارض شود باید فوراً از مسجد الحرام خارج شود.

امام خمینی (ره):

اگر عذر داشته باشد از وضو و غسل، واجب است تیمم کند بدل از وضو یا بدل از غسل(2).

آیه الله خامنه ای: اگر پیش از اتمام نصف دور چهارم بود پس از غسل طواف را اعاده کند و اگر بعد از آن بود باز هم اعاده بعد از غسل لازم است لکن به نیت ما فی الذمه.

\* آیه الله مکارم: اگر عذر داشته باشد و نتواند صبر کند تا عذر بر طرف شود.

\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): در غسل غیر جنابت علاوه بر تیمم بدل از غسل در صورت تمکن باید وضو هم بگیرد، و گرنه باید یک تیمم دیگر به جای وضو به جا آورد. و جنب متیمم بنا بر احتیاط مستحب نایب هم بگیرد(3).

آیه الله (تبریزی): در صورت معذور بودن از غسل و مایوس شدن از توانایی بر غسل واجب است با تیمم طواف کند، و احوط اولی این است که نایب نیز بگیرند.

\*\* آیه الله (اراکی)، آیه الله (فاضل): و وقت طواف تنگ شود..

امام خمینی (ره):

اگر تیمم کرد بدل از غسل، و حدث اصغر عارض شد، برای حدث اکبر لازم نیست تیمم کند، بلکه برای حدث اصغر باید تیمم کند، و تا حدث اکبر برای او حاصل نشده و عذرش

ص: 327

1-1- مناسک، مسأله 290 و 291.

2-2- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، مسأله 552، ص 222.

3-3- آداب و احکام حج، مسأله 476.



باقی است همان تیمم اول کافی است، لکن احتیاط مستحب آن است که تیمم بدل از غسل هم بکند(1).

\* آیه الله (بهجت): احوط جمع بین وضو یا تیمم بدل از آن و تیمم بدل از حدث اکبر است (2).

\* آیه الله (غروی): این احتیاط ترک نشود.

\* آیه الله (خامنه ای): بنا بر احتیاط باید بار دیگر تیمم بدل از غسل کند.

\* آیه الله (خوئی): لازم است تیمم بدل از غسل بکند (3).

امام خمینی (ره):

احتیاط واجب آن است که اگر امید دارد که عذرش از وضو یا غسل مرتفع شود صبر کند تا وقتی که وقت تنگ شود یا امیدش قطع شود (4).

\* آیه الله (بهجت): افضل و احوط تأخیر است ولی اظهار جواز مبادرت است (5).

\* آیه الله خامنه ای: اگر می داند عذر او تا آخر وقت برطرف می شود، باید صبر کند.

آیه الله سیستانی: اگر وقت تنگ نباشد به تیمم جایز نیست مگر این که از برطرف شدن عذر مأیوس باشد یا احتمال دهد در صورت تأخیر از انجام تیمم نیز عاجز شود.

\* آیه الله (غروی): بلکه بدار جایز است ولی در صورتی که تا آخر وقت عذرش مرتفع بگردد باید دوباره وضو یا غسل کند.

\* آیه الله (خوئی): اگر احتمال بقاء عذر تا آخر وقت می دهد می تواند صبر نکند ولی اگر بعدا کشف خلاف شد باید اعاده نماید بلی اگر عذرش نبود آب باشد باید فحوص کند به تفصیلی که در رساله عملیه مذکور است.

امام خمینی (ره):

اگر با وضو بوده و شک کند که حدث عارض شده است یا نه، بنا بر وضو داشتن بگذارد و لازم نیست وضو بگیرد، و هم چنین اگر از حدث اکبر پاک بوده و شک کند که حدث عارض شده (6).

ص: 328

1-1- آداب و احکام حج، مسأله 553.

2-2- ذخیره 1، ص 199.

3-3- منهاج، مسأله 381.

4-4- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، مسأله 554، ص 223.

5-5- ذخیره 1، ص 196.



امام خمینی (ره):

اگر محدث به حدث اصغر یا اکبر بوده و شک کند که وضو گرفته یا نه یا غسل کرده یا نه باید در فرض اول وضو بگیرد و در فرض دوم غسل کند(1).

امام خمینی (ره):

اگر بعد از تمام شدن طواف شک کند که با وضو آن را به جا آورده یا نه یا شک کند با غسل آن را به جا آورده یا نه طواف او صحیح است، لکن برای اعمال بعد باید طهارت تحصیل کند(2).

\*\* آیه الله (خوئی)، آیه الله (تبریزی): اگر بعد از حدث اصغر شک کند در این که قبل از طواف غسل کرده یا نه باید غسل کرده و طواف را اعاده کند و برای اعمال آتیه وضو بگیرد(3).

امام خمینی (ره):

اگر در اثناء طواف شک کند که وضو داشته یا نه پس اگر بعد از تمامی دور چهارم است طواف را رها کند و وضو بگیرد و از همان جا تتمه طواف را به جا آورد، و اگر قبل از تمام شدن دور چهارم است احتیاط واجب آن است که طواف را تمام کند و اعاده کند(4).

\* آیه الله (مکارم): و سپس اعاده کند.

\* آیه الله (مکارم): طواف او باطل است.

\* آیه الله (سیستانی): اتمام لازم نیست بلکه اعاده کند.

\* آیه الله (تبریزی): اگر بدل از غسل جنابت تیمم کرد و بعد حدث اصغر عارض شد، چنانچه عذرش باقی است، باید بدل از غسل تیمم کند و احتیاط مستحب آن است که بین تیمم و وضو جمع کند، و اگر برای حدث اکبر دیگر غیر از جنابت تیمم کرد و بعد حدث اصغر عارض شد باید بدل از غسل تیمم کند و بنا بر احتیاط وضو هم بگیرد، و اگر متمکن از وضو هم نبود باید تیمم دیگری بدل از وضو بنماید.

\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): در این صورت باید وضو بگیرد و بعد طواف را از سر بگیرد، چه قبل از تمام شدن چهار دور باشد یا بعد از آن(5).

ص: 329

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 556.

2-2- همان، مسأله 557.

3-3- منهاج الصالحين ج 1، مسأله 209

4-4- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 558، ص 223.

5-5- مناسک فارسی، ص 62، مسأله 93

آیه الله (اراکي): اگر بعد از نصف دور چهارم باشد طواف را رها و وضو بگیرد و از همان جا تمام کند و اگر قبل از نصف دور چهارم باشد، اتمام لازم نیست، بلکه اعاده لازم است.

\* آیه الله (بهجت): حکم شک در طهارت در اثناء طواف هم همان حکم شک است در طهارت در اثناء نماز(1).

\*\*\* آیات عظام (خوئی)، (خامنه ای)، (تبریزی): اگر سابقه طهارت داشته به شک خود اعتناء نکند و از واجب است طهارت گرفته و طواف را از سر بگیرد.

\* آیه الله (سیستانی): و سابقه طهارت نداشته باشد.

\* آیه الله (مکارم): و حالت سابقه خود را از وضو و حدث نداند.

\* آیه الله (فاضل): اگر در بین طواف شک کند که وضو داشته یا خیر مسأله سه صورت دارد،

اول: حالت سابق خود را بداند که طاهر بوده در این فرض جایز است طواف را تمام کند. و برای اتمام آن وضو واجب نیست و اعاده طواف نیز لازم نیست و در این صورت فرقی نیست که شک بعد از دور چهارم عارض شده باشد یا قبل از آن. دوم: حالت سابق خود را بداند که محدث بوده، در این فرض ظاهراً هر مقدار طوافی که انجام داده محکوم به بطلان است چه شک بعد از دور چهارم عارض شده باشد یا قبل از آن، و باید بعد از وضو از نو طواف کند. سوم: حالت سابق خود را نداند، که در این صورت به احتیاط واجب پس از وضو طواف را تمام کند و نماز آن را بخواند و پس از آن طواف و نماز آن را اعاده کند و در این صورت فرقی نیست که شک بعد از دور چهارم یا قبل از آن عارض شده باشد.

امام خمینی (ره):

در تمام صورتهایی که در شک گفته شد که بنا بر طهارت بگذارد یا طوافش صحیح است بهتر آن است که تجدید وضو کند و رجاء غسل به جا آورد، چون ممکن است که بعد معلوم شود وضو یا غسل نداشته و اشکال پیدا می شود(2).

امام خمینی (ره):

اگر در اثناء طواف شک کند که غسل کرده است از جنابت یا حیض یا نفاس یا نه باید فوراً از مسجد الحرام بیرون برود پس اگر شوط چهارم را تمام کرده بوده و شک کرده، بعد از غسل

ص: 330

1-1- مناسک شیخ، ص 36.

2-2- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 559، ص 224.

برگردد و تتمه را به جا آورد، و الا بعد از غسل اعاده کند طواف را، و احتیاط آن است که در صورت اول نیز اعاده کند(1).

\* آیه الله خامنه ای: و پس از غسل برگردد و طواف را اعاده نماید.

\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): و پس از طهارت طواف را از سر بگیرد و چه قبل از شوط چهارم باشد و یا بعد از آن.

\* آیه الله (فاضل): و به احتیاط واجب طواف را اعاده کند

\*\* آیه الله (خوئی) و (تبریزی): باید غسل کرده و طواف را اعاده نماید.

امام خمینی (ره):

اگر آب و چیزی که به آن جایز است تیمم کند موجود نباشد حکم آن حکم غیر متمکن از طواف است، پس با مأیوس بودن از پیدا شدن یکی از آن دو، باید نایب بگیرد. و احتیاط وجوبی آن است که اگر جنب و حائض و نفساء نیست خودش نیز طواف کند و چون مستحاضه بدون به جا آوردن غسلهایی که بر او لازم است می تواند وارد مسجد الحرام شود و طواف کند، بنا بر این به احتیاطی که در غیر جنب و حائض و نفساء گفته شد باید عمل کند، گر چه دخول مسجد الحرام نیز برای او خلاف احتیاط استحبابی است(2).

\* آیه الله (مکارم): فرض فاقد الطهورین در مسجد الحرام وجود ندارد.

\*\*\* آیات عظام (خوئی)، (سیستانی)، (تبریزی): و احتیاط مستحب آن است.

\* آیه الله (بهجت): حکم فاقد الطهورین حکم غیر متمکن از طواف است که با یأس از تمکن نایب میگیرد و احوط آن است که خود نیز طواف کند(3).

\* آیه الله خامنه ای، متعرض این احتیاط و بقیه مسأله نشده اند.

\*\*\* آیه الله (اراکلی)، آیه الله (مکارم): و مستحاضه هم نمی تواند داخل مسجد الحرام شود.

\* آیه الله (بهجت): مستحاضه متوسطه و کثیره بدون غسلهایی که بر آنها واجب است نمی تواند وارد مسجد الحرام و مسجد النبی صلی الله علیه و آله شوند(4).

\* آیه الله (مکارم): نمی تواند وارد مسجد شود.

ص: 331

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 560.

2-2- همان، مسأله 561، ص 225.

3-3- مناسک شیخ، ص 36.

4-4- پرسشهای جدید حج، ص 14، سؤال 57.



### 3- طهارت بدن و لباس از نجاست

\* آیه الله مکارم): نمی تواند وارد مسجد شود.

امام خمینی (ره):

احتیاط واجب آن است که از نجاساتی که در نماز عفو شده - مثل خون کمتر از درهم و جامه ای که با آن نتوان نماز خواند مثل عرقچین و جوراب حتی انگشتر نجس - اجتناب کند(1).

\* آیه الله سیستانی): اگر امکان تیمم باشد و تیمم کردن کمتر از خارج شدن از مسجد وقت می گیرد باید تیمم کند و سپس خارج شود و اگر بیشتر وقت می گیرد باید فوراً خارج شود(2).

\* آیه الله (بهجت): اگر متمکن است تطهیر می نماید و سپس اعاده میکند.

\* آیه الله (فاضل): ظاهر آن است که.. از درهم و جامه ای که با آن نتوان نماز خواند مثل عرقچین و جوراب حتی انگشتر نجس - اجتناب کند.

\*\*\* آیات عظام (خوئی)، (بهجت)، (تبریزی): طواف در جامه ای که با آن نتوان نماز خواند (یعنی ساتر نباشد مانند مثالهای مذکور در متن اگر نجس باشد مانع ندارد. و هم چنین بودن چیز نجس همراه انسان در طواف مانعی ندارد.

\* آیه الله مکارم): نجس بودن این لباسهای کوچک ضرری ندارد ولی خون کمتر از درهم معاف نیست.

\* آیه الله سیستانی): همراه داشتن چیز متنجس در طواف مانع ندارد.

\* آیه الله (فاضل): در انگشتر و مانند آن که ثوب صدق نمی کند برای صحت طواف طهارت آنها شرط نیست.

امام خمینی (ره):

در خون قروح و جروح اگر تطهیر آن مشقت داشته باشد لازم نیست تطهیر کند(3).

\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): و احتیاط آن است که هم خودش با آن حال طواف کند و هم نایب بگیرد تا برای او طواف نماید.

\*\*\* آیات عظام (خوئی)، (خامنه ای)، (بهجت)، (تبریزی): متعرض این فرع نشده اند.

ص: 332

2-2- در بقیه مسأله، نظر ایشان موافق متن است.

3-3- مناسک حج (المحشى للإمام الخميني)، مسأله 563، ص 226.



امام خمینی (ره):

در خون قروح و جروح تا آن اندازه ای که می شود تطهیر کرد و لباس را عوض کرد احتیاط واجب آن است که تطهیر کند یا جامه را عوض کند(1).

امام خمینی (ره):

احتیاط آن است که اگر می تواند تأخیر بیندازد طواف را تا بشود بی مشقت تطهیر کرد، تأخیر بیندازد بشرطی که وقت تنگ نشود(2).

امام خمینی (ره):

اگر طواف کند و بعد از آن که از طواف فارغ شد علم پیدا کند به نجاست در حال طواف اظهر آن است که طوافش صحیح است(3).

امام خمینی (ره):

اگر شک داشته باشد که لباسش یا بدنش نجس است می تواند با آن حال طواف کند، و صحیح است چه بداند که پیشتر از این پاک بوده یا نداند، لکن اگر بداند که پیشتر نجس بوده و نداند که تطهیر شده است نمی تواند با آن حال طواف کند بلکه باید تطهیر کند و طواف کند(4).

امام خمینی (ره):

اگر در بین طواف نجاستی به بدن یا لباس او عارض شود اظهر آن است که دست از طواف بردارد و جامه یا بدن را تطهیر کند و طواف را از همان جا تمام کند، و طواف او صحیح است(5).

\*\*آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): اگر در بین طواف لباس یا بدنش نجس شود یا بفهمد که از پیش نجس بوده و بدون رها کردن طواف شستن آن ممکن نباشد، طواف را رها نماید، و اگر چهار دور طواف کرده بعد از تطهیر بدن یا لباس بقیه طواف را تمام کند، و اگر به سه دور و نیم نرسیده طواف او باطل است و باید بعد از تطهیر از سر بگیرد و اگر از سه دور و نیم گذشته و چهار دور را تمام نکرده احتیاط آن است که بعد از تطهیر از همان جا که رها کرده طواف را تمام کند و نماز طواف را بخواند و دوباره طواف و نماز آن را به جا آورد.

ص: 333

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 564، ص 226.

2-2- همان، مسأله 565.

3-3- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 566، ص 226.

4-4- همان، مسأله 567.

5-5- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 568، ص 226.

\* آیه الله (اراکي): و احوط استیناف طواف است.

\* آیه الله (مکارم): خواه قبل از تکمیل شوط چهارم باشد یا بعد از آن.

\*\*\* آیه الله (خوئی)، آیه الله (تبریزی): هرگاه نجس بودن بدن یا لباس خود را نمی دانسته و در اثنای طواف دانست یا آن که پیش از فراغت از طواف، بدن یا لباسش نجس شد، اگر جامه پاکی داشته باشد همان جا جامه نجس را کنده و با جامه پاک طواف خود را تمام نماید، و چنانچه جامه پاک همراه نداشته باشد. و اگر این حادثه بعد از تمام شدن شوط چهارم بوده، طواف را قطع نموده و پس از ازاله نجاست از بدن یا لباس باقی مانده طواف را به جا آورد. و چنانچه علم به نجاست یا حدوثش پیش از تمام شدن شوط چهارم باشد، باز هم طواف را قطع و نجاست را ازاله نموده و بنا بر احتیاط یک طواف کامل بقصد اعم از تمام یا اتمام به جا آورد.

آیه الله خامنه ای): اگر بدون رها کردن طواف تطهیر ممکن نباشد باید دست از طواف بردارد و جامه یا بدن را تطهیر کند و فوراً برگردد و طواف را از همان جا تمام کند و طواف او صحیح است.

آیه الله مکارم): طواف در حالی که بدن یا لباس خون کمتر از درهم داشته باشد جایز نیست.

\* آیه الله خامنه ای): خونی که در نماز معفو است در طواف معفو نیست، در چیزهایی از قبیل جوراب و عرقچین و نیز دستمال و انگشتر طهارت شرط نیست.

امام خمینی (ره):

اگر در بین طواف نجاستی در بدن یا لباس خود ببیند و احتمال بدهد که در این حال نجاست حاصل شده ظاهراً حکم مسأله قبل را دارد(1).

امام خمینی (ره):

- اگر در بین طواف علم پیدا کند که نجاست به بدن یا لباس او از اول بوده احتیاط آن است که طواف را رها کند و تطهیر کند، و از همان جا بقیه طواف را تمام کند و بعد از آن طواف را اعاده کند خصوصاً اگر تطهیر زیاد طول بکشد، و در این صورت بعد از اتمام، نماز طواف را بخواند و پس از آن طواف را اعاده کند و نماز طواف را نیز اعاده کند، و در این احتیاط فوقی

ص: 334

نیست بین آن که بعد از چهار دور علم پیدا کند یا قبل از آن، گر چه در صورت دوم احتیاط شدیدتر است (1).

\* آیه الله (سیستانی): حکم در این مسأله همان است که در مسأله 568 گذشت.

آیه الله (فاضل): ظاهراً طوافش صحیح است اگر چه احتیاط استحبابی آن است که..

\* آیه الله خامنه ای، آیه الله مکارم): وظیفه همین است، و اعاده ندارد.

امام خمینی (ره):

اگر فراموش کند نجاست را و طواف کند، احتیاط واجب اعاده است، و همین طور است اگر در بین طواف یادش بیاید (2).

\* آیه الله (گلپایگانی): اقوی اعاده طواف است (3).

\* آیه الله (اراکی): و احوط آن است که پس از تطهیر بدن یا لباس از همان جا اتمام کند، و نماز بخواند، و احتیاطاً اعاده کند طواف و نماز را.

آیه الله (مکارم): در فرض فراموشی اعاده ندارد.

آیه الله (خوئی)، آیه الله (تبریزی): بنا بر اظهر طوافش صحیح است.

\* آیه الله (بهجت): صحت طواف خالی از وجه نیست. در فرضی که بعد از طواف یادش بیاید و مسأله به یاد آوردن بین نماز را متعرض نشده اند (4).

\* آیه الله (سیستانی): طوافش صحیح است و در مورد تذکر در اثنا نظر ایشان در دست نیست.

\* آیه الله (فاضل): اگر نجس بودن بدن یا لباس را فراموش کند و در بین طواف یا پس از آن

یادش آمد طواف صحیح است ولی مستحب است آن را اعاده کند. بلی اگر بعد از نماز طواف یادش آمد فقط نماز را اعاده کند.

#### 4- ختنه کردن در حق مردان

و این شرط در زنها نیست، و احتیاط واجب آن است که در باره بچه های نابالغ مراعات شود.

ص: 335

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، مسأله 570، ص 227.

2-2- همان، مسأله 571، ص 228.

3-3- آداب و احکام حج، مسأله 484.



\* آیه الله سیستانی: اگر ممیز باشد ختنه معتبر است و اگر نباشد احتیاط مستحب است.

آیه الله (گلپایگانی): واجب است (1).

\* آیه الله (خامنه ای): و در این حکم فرقی بین بالغ و غیر بالغ نیست.

\*\* آیه الله (خوئی)، آیه الله (تبریزی): احوط بلکه اظهر این است که بچه ممیز که خوب و بد را تشخیص می دهد، اگر شخص محرم شود باید ختنه کرده باشد، و اما اگر بچه ممیز نباشد، اعتبار ختان در او ظاهر نیست، اگر چه اعتبارش احوط است.

\* آیه الله (مکارم): تمام طوافهای او اشکال دارد.

\* آیه الله (سیستانی): اگر ممیز باشد بنا بر احتیاط واجب حکم کسی را دارد که طواف را ترک کرده است مگر این که پس از ختنه طواف را اعاده کند.

\* از آیه الله سیستانی: در مورد کفایت نیابت در این فرض مطلبی در دست نیست.

\*\*\* آیات عظام (گلپایگانی)، (صافی)، (مکارم): گرفتن نایب در این صورت (قبل از ختنه) مشکل است.

\*\*\* آیات عظام (خوئی)، (تبریزی)، (سیستانی): بنا بر احتیاط واجب ستر عورت معتبر است.

امام خمینی (ره):

اگر بچه را که ختنه نشده وادار به احرام کنند یا او را محرم کنند احرام او صحیح است ولی طواف او صحیح نیست، پس اگر محرم به احرام حج شود چون طواف نساء او باطل است بنا بر احوط حلال شدن زن بر او مشکل می شود مگر آن که او را ختنه کنند و طواف دهند یا خودش بعد از ختنه شدن طواف کند یا آن که نایب برای او بگیرند تا طواف کند (2).

\* آیه الله (بهجت): اگر طفل محرم بدون ختنه طواف کند یا طواف دهند او را طواف نساء از او باطل خواهد بود طبق احتیاط مذکور، پس زن از برای او بعد از بلوغ حلال نخواهد بود مگر آن که تدارک طواف نساء نماید خودش یا نائش (3).

\* آیه الله (سیستانی): اگر ممیز باشد.

ص: 336

1-1- آداب و احکام حج، مسأله 485.

2-2- مناسک حج (المحشی للإمام الخمینی)، مسأله 572، ص 228.

3-3- مناسک شیخ، ص 27.

اگر بچه ختنه کرده به دنیا بیاید طواف اور صحیح است(1).

## 5- ستر عورت

اگر بدون ساتر عورت طواف کند باطل است، و معتبر است در آن اباحه، پس با ساتر غصبی طواف صحیح نیست بلکه با لباس غصبی غیر ساتر نیز بنا بر احتیاط واجب، و احتیاط آن است که مراعات شرایط لباس نمازگزار را بنمایند(2).

\* آیه الله (تبریزی): در ممیزی که خودش محرم شده باشد.

\* آیه الله (فاضل): طواف طفل ممیزی که ختنه نشده صحیح نیست، و از غیر ممیز بنا بر احتیاط صحیح نیست هر چند حرام آنها صحیح است.

\*\* آیه الله خامنه ای، آیه الله مکارم): وظیفه همین است، و اعاده ندارد.

\*\*\* (خونی)، (تبریزی)، (سیستانی): بنا بر احتیاط واجب ستر عورت معتبر است.

\* آیه الله (خامنه ای): بنا بر احتیاط واجب ستر عورت در طواف شرط است.

\* آیه الله (بهجت): بنا بر احتیاط بلکه اقوی(3).

\* آیه الله (مکارم): حتی اگر فقط ستر عورت کند و برهنه و عریان بر او صدق کند طوافش باطل است.

\*\* آیه الله (فاضل)، آیه الله سیستانی): بنا بر احتیاط واجب.

\* آیه الله (بهجت): طواف در لباس غصبی جایز نیست و در صحت آن تأمل و احتیاط است خصوصا در ساتر(4).

\*\*\* آیه الله (فاضل)، آیه الله سیستانی): این احتیاط واجب نیست.

\*\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): اگر جامه احرام، کفش و یا لباسهای دیگر شخص طواف کننده غصبی باشد طواف باطل است.

\* آیه الله (نوری): بلکه با لباس غصبی غیر ساتر نیز صحیح نیست.

ص: 337

1- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 573، ص 229.

2- همان، ص 228.

3- مناسک، ص 108، شرط پنجم.



\* آیه الله (نوری): از قبیل نبودن از اجزاء میتة و از اجزاء حیوان غیر مأکول اللحم و از حریر نبودن و طلا بافت نبودن را بنمایند.

امام خمینی (ره):

احتیاط واجب آن است که مراعات موالات عرفیه را در طواف بکند، یعنی در بین دوره‌های طواف آن قدر طول ندهد که از صورت یک طواف خارج شود(1).

\*\*\* آیات عظام (سیستانی)، (خوئی)، (تبریزی): مراعات موالات لازم است.

\* آیه الله (بهجت): مراعات موالات عرفیه در غیر موارد عذر حاصل بعد از شوط چهارم لازم است(2).

\* آیه الله (مکارم): در طواف واجب موالات لازم است، و در مستحب شرط نیست.

\* آیه الله خامنه‌ای: احتیاط واجب آن است که در میان اجزاء طواف، موالات عرفیه را رعایت کند، مگر در مورد قطع طواف پس از گذشتن از نیمه آن به خاطر نماز و امثال آن.

## قسم دوم - شرایط خاص در حقیقت طواف

### اشاره

اگر چه بعضی از آنها نیز شرط است از برای طواف، لکن در عمل فرقی نمی کند، و آن هفت چیز است:

### اول - آن که ابتداء کند به حجر الاسود

امام خمینی (ره):

در ابتداء کردن به حجر الاسود لازم نیست که تمام اجزاء بدن طواف کننده به تمام اجزاء حجر الاسود عبور کند، بلکه واجب آن است که انسان از حجر الاسود، هر جای آن باشد شروع کند و به همان جا ختم کند(3).

\*\*\* آیات عظام (خوئی)، (بهجت)، (تبریزی)، (سیستانی): احوط و اولی این است که تمام بدن خود را بر تمام حجر الاسود بگذرانند، و برای انجام این احتیاط کمی قبل از حجر

ص: 338

1-1 - مناسک حج (المحشی للإمام الخمینی)، مسأله 574، ص 230.

2-2 - مناسک شیخ، ص 44.

3-3 - مناسک حج (المحشی للإمام الخمینی)، مسأله 575.



بایستند و نیت کند که طواف را از محاذات واقعی انجام می دهد و زائد بر آن از باب مقدمه علمیه است.

\*\*\* آیات عظام (گلپایگانی)، (صافی)، (اراکلی): طواف را در هر دور واجب است از حجر الاسود شروع کند و به آن ختم کند و چون تحقق این معنا بر وجه حقیقت متعسر و بلکه متعذر است، در تحقق آن اکتفاء می شود به این که پیش از رسیدن به حجر الاسود نیت کند و قصد کند که ابتدای طواف در هر دور از محاذی اولین جزء حجر باشد و انتهای آن همان موضعی که واقعا انتهای دور است باشد و زائد از باب مقدمه علمیه باشد. و این نیت را در ذهن باقی بدارد تا وقتی که محاذی حجر شود، و این کافی خواهد بود و با همین نیت هفت دور طواف کند.

\* آیه الله (مکارم): دقت در محاذی بودن اجزای بدن با اجزای حجر الاسود لازم نیست همین اندازه که عرفا محاذات صدق کند کافی است.

\* آیه الله (فاضل): آن چه که برای صحت طواف لازم است، آن است که شروع و ختم طواف نزد عرف از حجر و محاذی حجر باشد و می تواند برای یقین به حصول این معنا از باب مقدمه علمیه کمی قبل از حجر نیت کند و در پایان کمی پس از حجر ختم کند.

\* آیه الله (خامنه ای): و مانعی ندارد که مقداری هم اضافه کند از باب احتیاط تا یقین کند که از حجر الاسود شروع کرده و به نقطه ابتداء ختم نموده است.

امام خمینی (ره):

آن چه واجب است آن است که در عرف گفته شود از حجر الاسود شروع به طواف کرد و ختم کرد به حجر الأسود، چه از ابتداء آن شروع کند چه از وسطش چه از آخرش (1).

امام خمینی (ره):

از هر جای حجر الأسود که شروع کرد باید در دور هفتم به همان جا ختم کند، پس اگر از اولش شروع کرد باید به اولش ختم شود. و هم چنین اگر از وسط یا آخر شروع کرد باید به همان جا ختم شود (2).

\* آیه الله (مکارم): این دقتها لازم نیست، و محاذات عرفیه با حجر الأسود کافی است.

\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): ولی اقوی شروع به طواف است از جزء اول حجر.

امام خمینی (ره):

ص: 339

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 576، ص 231.

2-2- همان، مسأله 577، ص 231.

در طواف باید به همان طوری که همه مسلمین طواف می کنند، از محاذات «حجر الأسود» بدون دفتهای صاحبان وسوسه، شروع کنند، و در دورهای دیگر بدون توقف دور بزنند تا هفت دور تمام شود(1).

\* آیه الله مکارم): یعنی توقف لازم نیست.

امام خمینی (ره):

گاهی دیده می شود که اشخاص نادان در هر دوری که می زنند می ایستند و عقب و جلو می روند که محاذات را درست کنند، و این موجب اشکال است و گاهی حرام است(2).

### **دوم - ختم نمودن هر دوری است به حجر الاسود**

و این حاصل می شود به این که بدون توقف، هفت دور را ختم کند و در دور هفتم به همان جا که شروع کرده ختم شود، و لازم نیست در هر دوری بایستد و باز شروع کند، و کارهای جهال را نباید بکنند.

\* آیه الله (بهجت): و این از حیث مطاف کافی است، و از حیث طائف در ابتداء کافی است محاذات معظم بدن شخص، و تمام بدن محاذات آن احوط است، و هم چنین در ختم محاذات معظم بدن یا تمام بدن با بعضی از حجر با رعایت وصول به موضع ابتدا موافق احتیاط است(3).

\*\* آیه الله (خوئی)، آیه الله (تبریزی): و در شوط آخر احتیاطا قدری از حجر بگذرد و زیادی را مقدمه علمیه محسوب دارد.

\* آیه الله خامنه ای): و مانعی ندارد که مقداری هم اضافه کند از باب احتیاط تا یقین کند که از حجر الاسود شروع کرده و به نقطه ابتدا ختم نموده است.

\* آیه الله (اراکي): آن چه نسبت به شروع از حجر الاسود بیان شد در پایان آن هم جاری است، و در اینجا طواف کننده برای تحصیل علم به اتمام دور باید نیت کند که انتهای هر

ص: 340

---

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 578.

2-2- همان، مسأله 578، ص 231.

3-3- مناسک شیخ، ص 39.

دوری همان جایی باشد که شروع کرده، و در دور آخر قدری زیادتر برود، تا علم به اتمام هفت دور حاصل شود.

### سوم- آن که در طواف کردن، خانه کعبه در طرف چپ طواف کننده واقع شود

امام خمینی (ره):

لازم نیست در تمام حالات طواف خانه را حقیقتاً به شانه چپ قرار دهد، بلکه اگر در موقع دور زدن به حجر اسماعیل علیه السلام خانه از طرف چپ قدری خارج شود مانع ندارد، حتی اگر خانه متمایل به پشت شود لکن دور زدن بنحو متعارف باشد اشکال ندارد(1).

\*\*\* آیات عظام (اراکلی)، (خوئی)، (تبریزی): خانه خدا در جمیع احوال طواف باید در طرف چپ قرار گیرد، پس اگر مقداری این چنین نبود آن مقدار از طواف شمرده نمی شود.

\* آیه الله (تبریزی) در ادامه می فرماید: و میزان در قرار دادن کعبه در طرف چپ صدق عرفی است، و بهتر این است که دقت شود بخصوص در دو دهانه حجر اسماعیل و در نبشهای خانه خدا که در این جاها باید مواظب بود که به چپ یا راست منحرف نگردد.

\* آیه الله سیستانی: خانه باید در همه حالات طواف در طرف چپ باشد پس اگر رو به آن کند برای بوسیدن و مانند آن یا فشار جمعیت او را ناچار به پشت کردن یا رو کردن به آن کند آن مقدار از طواف شمرده نمی شود ولی معیار صدق عرفی است و لازم نیست در دو دهانه حجر اسماعیل و در نبشهای خانه بدن را منحرف سازد.

آیه الله مکارم: بهتر است به جای این گونه کارهای غیر متعارف مانند همه مسلمین طواف کند و حضور قلب داشته باشد و با خداوند راز و نیاز کند.

امام خمینی (ره):

اگر در موقع رسیدن به گوشه های خانه شانه از محاذات کعبه خارج شود هیچ اشکالی ندارد اگر بطور متعارف دور زند، حتی اگر خانه متمایل به پشت شود(2).

امام خمینی (ره): گاهی دیده می شود که بعضی از نادانان برای احتیاط، دیگری را وادار می کنند که او را طواف

ص: 341

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 580، ص 232.

2-2- همان، مسأله 581.

دهد و خود طواف کننده اختیار را از خود سلب می کند، و به دست دیگری می دهد و تکیه به دست او می دهد و او را آن شخص دیگر با فشار دور می دهد، این طواف باطل است، و اگر طواف نساء را این طور به جا آورد زنها یا مردها بر او حرام خواهند بود(1).

\*\*\* آیه الله خامنه ای) و آیه الله مکارم): این طواف باطل نیست. و در بسیاری از مواقع ازدحام طواف ظاهرا اختیار سلب می شود و چون از اول مختارا این راه را انتخاب می کند منافات با اختیار ندارد، اما کارهای افراد نادان بسیار بد و زننده است.

امام خمینی (ره):

احتیاط به این که خانه در تمام حالات طواف حقیقتا به طرف چپ باشد گر چه خیلی ضعیف است و قابل اعتناء نیست و باید اشخاص جاهل و اهل وسوسه از آن احتراز کنند و به همان ترتیب که سایر مسلمین دور می زنند بزنند، لکن اگر شخص عاقل عالمی بخواهد احتیاط کند و قدری شانه را چپ کند در موقع رسیدن به حجر اسماعیل یا ارکان کعبه به طوری که خلاف متعارف و موجب انگشت نمایی نشود مانع ندارد(2).

آیه الله (فاضل): و خلاف تقیه نباشد و موجب..

\* آیه الله (فاضل): احتیاط در ترک آن است.

\* آیه الله (مکارم): این کار لزومی ندارد.

امام خمینی (ره):

اگر به واسطه مزاحمت طواف کنندگان مقداری از دور زدن بخلاف متعارف شد مثل آن که روی طواف کننده به کعبه واقع شد یا پشتش واقع شد و یا عقب عقب طواف کرد باید آن مقدار را جبران کند و از سر بگیرد(3).

\* آیه الله (سیستانی): و اگر نتواند در اثر ازدحام برگردد و جبران کند می تواند تا حجرالاسود بدون قصد طواف برود و از آنجا شؤط را کاملا اعاده نماید.

ص: 342

---

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 582.

2-2- همان، مسأله 583، ص 233.

3-3- همو، مسأله 584، ص 233.

امام خمینی (ره):

اگر به واسطه کثرت جمعیت، انسان را بدون اختیار خود بردند و دور دادند کفایت نمی کند و باید آن دور را از سر بگیرد، اگر چه خانه هم طرف چپ او بوده (1).

\*\*\* آیه الله خامنه ای) و آیه الله (بهجت): البته با ملاحظه این که بردن غیر از سلب اختیار است (2).

امام خمینی (ره):

در طواف کردن هر طور برود مانع ندارد، می تواند آهسته برود و می تواند تند برود و می تواند بدود و می تواند سواره طواف کند یا با دوچرخه طواف کند. لکن بهتر آن است که بطور میانه روی برود (3).

### چهارم- داخل کردن حجر اسماعیل علیه السلام در طواف

- حجر اسماعیل محلی است که متصل به خانه کعبه است، و باید طواف کننده دور حجر اسماعیل نیز بگردد.

امام خمینی (ره):

اگر دور حجر اسماعیل نگردید و از داخل آن طواف کرد طوافش باطل است، و باید اعاده کند (4).

امام خمینی (ره):

اگر عمد این کار را بکند حکم ابطال عمدی طواف را دارد که گذشت (5).

امام خمینی (ره):

اگر سهوا این کار را بکند حکم ابطال سهوی را دارد (6).

ص: 343

---

1- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 585.

2-2 - مناسک، ص 95

3-3 - مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 586، ص 233.

4-4 - همان، مسأله 587

5-5 - مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 588، ص 233.

6-6 - همان، مسأله 589، ص 233.

امام خمینی (ره):

اگر در بعضی از دورها حجر اسماعیل را داخل در دور زدن نکرد احتیاط واجب آن است که آن دور را از سر بگیرد، و اعاده کند طواف را اگر چه ظاهر آن است که اعاده طواف لازم نیست (1).

\*\*\* آیات عظام (اراکلی)، (گلپایگانی)، (صافی): باید آن دور را اعاده نماید، و احوط اعاده کل طواف است بعد از اتمام آن.

\* آیه الله (سیستانی): اگر به طور کلی اختیار از او سلب شده باشد و در این صورت اگر بتواند آن مقدار را جبران نماید و اگر نتوانست همان گونه که در مسأله قبل گفته شد عمل کند و شوط را از سر بگیرد.

\* آیه الله (مکارم): هرگاه با توجه به این امر و با اختیار خود وارد طواف شود و او را ببرند ضرری ندارد.

\* آیه الله (تبریزی): مجرد بردن جمعیت موجب بطلان نمی شود مادامی که سایر شرایط موجود باشد.

امام خمینی (ره):

اگر کسی در بعضی از دورها از روی دیوار حجر اسماعیل علیه السلام برود، احتیاط آن است که به دستور مسأله قبل عمل کند، و در این فرض نیز به احتیاط واجب کفایت نمیکند تمام کردن دور را از آنجایی که از روی دیوار رفته است (2).

### **پنجم- طواف بین خانه کعبه و مقام حضرت ابراهیم علیه السلام از همه اطراف**

\* آیه الله (خامنه ای): بنا بر احتیاط واجب ستر عورت در طواف شرط است.

\* آیه الله (بهجت): بنا بر احتیاط بلکه اقوی (3).

\* آیه الله (مکارم): حتی اگر فقط ستر عورت کند و برهنه و عریان بر او صدق کند طوافش باطل است.

\*\* آیه الله (فاضل)، آیه الله (سیستانی): بنا بر احتیاط واجب.

ص: 344

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 590.

2-2- همان، مسأله 591، ص 234.

3-3- مناسک، ص 108، شرط پنجم.

\* آیه الله (بهجت): طواف در لباس غصبی جایز نیست و در صحت آن تأمل و احتیاط است خصوصاً در ساتر(1). \*\* آیه الله (فاضل)، آیه الله سیستانی): این احتیاط واجب نیست.

\*\* آیه الله گلپایگانی)، آیه الله (صافی): اگر جامه احرام، کفش و یا لباسهای دیگر شخص طواف کننده غصبی باشد طواف باطل است.

\* آیه الله (نوری): بلکه با لباس غصبی غیر ساتر نیز صحیح نیست.

\* آیه الله (نوری): از قبیل نبودن از اجزاء میتة و از اجزاء حیوان غیر مأکول اللحم و از حریر نبودن و طلا بافت نبودن را بنمایند.

امام خمینی (ره):

احتیاط واجب آن است که مراعات موالات عرفیه را در طواف بکند، یعنی در بین دورهای طواف آن قدر طول ندهد که از صورت یک طواف خارج شود(2).

\*\*\* آیات عظام (سیستانی)، (خوئی)، (تبریزی): مراعات موالات لازم است.

\* آیه الله (بهجت): مراعات موالات عرفیه در غیر موارد عذر حاصل بعد از شوط چهارم لازم است(3).

\* آیه الله (مکارم): در طواف واجب موالات لازم است، و در مستحب شرط نیست.

آیه الله خامنه ای): احتیاط واجب آن است که در میان اجزاء طواف، موالات عرفیه را رعایت کند، مگر در مورد قطع طواف پس از گذشتن از نیمه آن به خاطر نماز و امثال آن .

امام خمینی (ره):

مراد از این که طواف بین کعبه و مقام باشد آن است که ملاحظه شود مسافتی را که میان خانه و مقام ابراهیم علیه السلام است و در همه اطراف خانه کعبه طواف کننده از آن مقدار دورتر نباشد از خانه کعبه (و ما بین مقام و خانه چنانچه گفته اند تقریباً بیست و شش ذراع و نصف است) پس در همه اطراف باید همین قدر بیشتر دور نباشد(4).

\* آیه الله (بهجت): از خانه تا سنگ مخصوص است نه بناء، و موضع معروف به شاذروان داخل بیت است از جمیع جوانب علی الأحوط(5).

ص: 345

1-1 - مستفاد از وسیله در نماز، ص 179.

2-2 - مناسک حج (المحشی للإمام الخمینی)، مسأله 592، ص 230.

3-3 - مناسک شیخ، ص 44.

4-4 - مناسک حج (المحشی للإمام الخمینی)، ص 235.





\* آیه الله (خوئی): و لکن ظاهر این است که طواف در دورتر از این مسافت بیست و شش ذراع و نیم نیز کافی باشد، خصوصاً برای کسانی که در این مسافت نتوانند طواف کنند یا طواف در آن بر آنها مشقت داشته باشد و مراعات احتیاط با قدرت و تمکن بهتر است، و از این مسأله حکم چهار مسأله بعد هم معلوم می شود(1).

\* آیه الله (تبریزی): در صورت امکان بنا بر احتیاط طواف باید در محدوده فاصله بین کعبه و مقام ابراهیم علیه السلام باشد ولی در موارد ازدحام طواف در خارج این محدوده هم کافی است.

\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): تا جایی که جمعیت طواف کننده متصل به یکدیگر مشغول طوافند، طواف در آن حد صحیح و مجزی است، و مع ذلک اولی رعایت حد است با امکان(2).

\* آیه الله (سیستانی): ولی بعید نیست که در بیش از مقدار ذکر شده هم - هر چند که کراهت دارد - طواف جایز باشد، خصوصاً برای کسی که در فاصله ذکر شده توانایی طواف را ندارد یا موجب حرج و مشقت زیاد برای او می شود، و در صورت توانایی رعایت احتیاط اولی است و از اینجا حکم مسائل بعد نیز روشن می شود.

\* آیه الله خامنه ای): اقوی عدم وجوب است، و برای مظاف حدی وجود ندارد و تا هر جای مسجد الحرام که طواف در آن طواف کعبه صدق کند طواف مجزی است، بلی مستحب است که اگر اضطرار و ازدحام نباشد فیما بین کعبه و مقام ابراهیم انجام دهد. و از این مسأله حکم مسائل بعد نیز روشن می شود(3).

آیه الله (بهجت): لکن ظاهر این است که طواف در دورتر از این مسافت - بیست و شش ذراع و نیم - نیز کافی باشد برای کسانی که در این مسافت نتوانند طواف کنند یا طواف در آن بر آنها مشقت داشته باشد و مراعات احتیاط با قدرت و تمکن متعین است و با تحری اوقات خلوت نسبی و عدم تمکن از طواف در حد لازم، اقرب جواز طواف از اقرب به حد است با رعایت اختلاف اطراف در مانع(4). و از اینجا حکم چهار مسأله بعدی معلوم می شود.

ص: 346

1-1- مناسک، مسأله 306.

2-2- آراء المراجع، ص 320.

3-3- مناسک، مسأله 303.

4-4- مناسک، مسأله 306.

آیه الله (مکارم): رعایت این امر خوب است ولی لازم نیست. و در همین جا حکم 5 مسأله بعد روشن می شود.

امام خمینی (ره):

اگر شخص از پشت مقام ابراهیم طواف کند که مقام ابراهیم هم داخل در طوافش شود طوافش باطل است و باید اعاده کند(1).

\* آیه الله خامنه ای): صحیح است و باطل نیست.

امام خمینی (ره):

اگر بعضی از دورها را از پشت مقام طواف کند باید آن دور را با اعاده همان جزء تمام کند و احوط آن است که طواف را هم اعاده کند اگر چه ظاهراً اعاده لازم نباشد، بلکه بعید نیست کفایت اعاده همان جزء(2).

امام خمینی (ره):

چون در طرف حجر اسماعیل علیه السلام محل طواف تنگ می شود زیرا که مقدار حجر از آن کاسته می شود و چنانچه گفته اند تقریباً شش ذراع و نیم برای محل طواف باقی می ماند باید در طواف از آن جانب بیشتر از شش ذراع و نیم دور نشود(3).

\* آیه الله (فاضل): ظاهر آن است که در طرف حجر اسماعیل علیه السلام مقدار محل طواف ضیق نمی شود و از حجر به مقدار بیست و شش ذراع و نیم عنوان مطاف را دارد لکن رعایت احتیاط یعنی طواف در مقدار شش ذراع و نیم نیکو است(4).

\*\*آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): در طرف حجر فاصله از دیوار حجر محاسبه می شود.

\* آیه الله (اراکی): بنا بر احتیاط.

امام خمینی (ره):

اگر از جانب حجر اسماعیل علیه السلام بیشتر از شش ذراع و نیم در دور زدن دور شد اظهر آن است که آن جزء را اعاده کند و از مطاف دور بزند(5).

ص: 347

---

1-1 - مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 593.

2-2 - همان، مسأله 594، ص 236.

3-3 - همو، مسأله 595.

4-4 - مناسک، مسأله 416.

5-5 - مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 596، ص 236.

\* آیه الله (اراکي): بنا بر احتیاط و احوط آن است که آن جزء را اعاده کند و از مطاف دور بزند.

\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): به حاشیه مسأله 595 مراجعه شود.

\* آیه الله (فاضل): ظاهر آن است که طوافش صحیح است (1).

### **ششم- خروج طواف کننده از خانه و آن چه از آن محسوب می شود**

امام خمینی (ره):

در اطراف دیوار خانه یک پیش آمدگی است که آن را «شاذروان» گویند، و آن جزء خانه کعبه است، و طواف کننده باید آن را هم داخل قرار دهد (2).

امام خمینی (ره):

اگر کسی در بعضی از احوال به واسطه کثرت جمعیت یا غیر آن بالای شاذروان برود و دور بزند آن مقدار که دور زده باطل است، و باید اعاده کند (3).

\*\* آیه الله (خوئی)، آیه الله (تبریزی): و احتیاط این است که آن مقدار را تدارک نموده و طواف خود را تمام، سپس طواف را اعاده نماید.

\* آیه الله (مکارم): امروز شاذروان طوری ساخته شده که عملاً طواف روی آن ممکن نیست.

\* آیه الله (صافی): حکم راه رفتن روی دیوار حجر را دارد که حکم آن گذشت.

\* آیه الله (خوئی)، آیه الله (مکارم): صحیح است و باطل نیست.

\* آیه الله (تبریزی): اگر ازدحام بوده و طواف در فاصله بین کعبه و مقام ابراهیم علیه السلام میسر نبود، طوافی که انجام داده صحیح است و اعاده ندارد، و از اینجا حکم سه مسأله بعد هم معلوم می شود.

\* آیه الله (غروی): مگر با ضیق و حرجی بودن طواف از پیش مقام.

ص: 348

---

1-1- مناسک، مسأله 417.

2-2- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 597، ص 236.

3-3- همان، مسأله 598، ص 236.

امام خمینی (ره):

دست به دیوار خانه کعبه گذاشتن در آنجایی که شاذروان است جایز است، و به طواف ضرر نمی رساند گر چه احتیاط مستحب در ترک آن است (1).

\* آیه الله (بهجت): احوط آن است که در اثناء طواف دست خود را دراز نکند از طرف شاذروان به دیوار خانه به جهت استلام ارکان یا غیر آن و هم چنین دست بر روی دیوار حجر نگذار (2).

\*\*\*\*\* آیات عظام (اراکي)، (نوری)، (فاضل)، (گلپایگانی)، (صافی): بنا بر احتیاط واجب جایز نیست و باید همان قسمت را اعاده کند.

\* آیه الله خامنه ای: این احتیاط را متعرض نشده اند.

امام خمینی (ره):

در حال طواف دست گذاشتن روی دیوار حجر اسماعیل علیه السلام جایز است، و به طواف ضرر نمی رساند گر چه احتیاط مستحب در ترک است (3).

\*\*\* آیه الله (اراکي)، آیه الله (فاضل): بنا بر احتیاط واجب جایز نیست و باید همان قسمت را اعاده کند.

\* آیه الله (نوری): جایز نیست و باید همان قسمت را اعاده نماید.

- نظر آیات عظام غیر از آیه الله (خوئی)، آیه الله سیستانی) و آیه الله (تبریزی) و آیه الله مکارم) که موافق متن هستند در این مسأله مثل مسأله قبل است.

\* آیه الله (خامنه ای)، این احتیاط را متعرض نشده اند.

**هفتم - آن که هفت شوط یعنی هفت دفعه دور بزند نه کمتر و نه زیادت**

امام خمینی (ره):

اگر از روی عمد، طواف کننده از اول قصد کند کمتر از هفت دور به جا آورد و یا بیشتر به

ص: 349

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 599، ص 237

2-2- مناسک شیخ، ص 42.

3-3- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 600، ص 237.

جا آورد طوافش باطل است اگر چه به هفت دور تمام کند، و احتیاط واجب آن است که اگر از روی ندانستن حکم بلکه از روی سهو و غفلت باشد طواف را اعاده کند(1).

\* آیه الله (گلپایگانی): بنا بر احتیاط در هر حال طوافش باطل است (2).

\* آیه الله (خوئی): با فرض تحقق قصد قربت طواف او صحیح است.

\* آیه الله (تبریزی): بنا بر احتیاط اصل طواف باطل است

\*\* آیه الله (تبریزی)، آیه الله (فاضل): در صورت ندانستن مسأله و در صورت سهو و غفلت، چنانچه به هفت دور تمام کند اعاده طواف لازم نیست گر چه احتیاط مستحب اعاده آن است.

امام خمینی (ره):

اگر در اثناء طواف از قصد هفت دور آوردن برگردد بقصد زیادتز آوردن یا کمتر آوردن، از آنجا که این قصد را کرده و هر چه به این عمل کرده باطل است و باید اعاده کند، و اگر با این قصد زیادتز آورد اصل طواف باطل می شود(3).

\*\*\* آیات عظام (اراکلی)، (نوری)، (فاضل)، (سیستانی): بنا بر احتیاط اصل طواف باطل می شود.

\* آیه الله (تبریزی): بنا بر احتیاط اصل طواف باطل می شود اگر از روی علم و عمد قصد زیادتز آوردن یا کمتر آوردن را کرده باشد.

آیه الله (خوئی): اگر قصد قربت مختل شود اصل طواف اشکال پیدا میکند.

\* آیه الله (مکارم): احتیاط آن است که طواف را به نیت صحیح تمام کرده و بعد اعاده کند.

\* آیه الله (بهجت): آن چه که مصادف با نیت زیاده بوده است باطل می باشد(4).

امام خمینی (ره):

اگر از اول قصد کند که هشت دور به جا آورد لکن قصدش آن باشد که هفت دور آن طواف واجب باشد و یک دور قدم زدن دور خانه برای تبرک یا مقصد دیگر باشد طواف او صحیح است(5).

ص: 350

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، مسأله 601.

2-2- مناسک عربی، ص 112.

3-3- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، مسأله 602، ص 238.

4-4- مستفاد از ص 43، مناسک شیخ.

5-5- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، مسأله 603، ص 238.



امام خمینی (ره):

اگر گمان کند که یک دور نیز مستحب است همان طور که هفت دور مستحب است و قصد کند که هفت دور واجب را بیاورد و یک دور مستحب هم دنبال آن بیاورد طواف او صحیح است (1).

\* آیه الله (فاضل): هفت دور واجب است.

امام خمینی (ره):

اگر بعد از طواف واجب که هفت دور است به خیال آن که یک دور نیز مستحبی جداگانه است هشت دور به جا آورد طوافش صحیح است (2).

امام خمینی (ره):

اگر کم کند از طواف واجب چه یک دور یا کمتر یا بیشتر از یک دور از روی عمد واجب است آن را تمام کند، و اگر نکند حکمش حکم کسی است که طواف را عمدا ترک کرده- که در مسائل فصل چهارم گذشت - به احتیاط واجب، و حکم جاهل به مسأله حکم عالم است (3).

\* آیه الله (بهجت): اشکال ندارد.

\*\* آیه الله (خوئی)، آیه الله (تبریزی): هر گاه طواف کننده پیش از تجاوز از نصف طواف بدون عذر از مطاف خارج شود، اگر موالات عرفیه از او فوت شود طوافش باطل و اعاده اش لازم است و چنانچه موالات فوت نشود یا خروجش بعد از تجاوز نصف باشد، احتیاط این است که آن طواف را تمام نموده سپس اعاده کند.

\* آیه الله (سیستانی): اگر طواف کننده در طواف واجب بی دلیل طواف خود را قطع کرد به این معنی که از مطاف خارج شود و مشغول به کاری شود که عرفاً صدق کند طوافش را قطع کرده است پس اگر قبل از تمام نمودن شوط چهارم باشد، طواف باطل است و باید آن را دوباره انجام دهد، و اگر بعد از آن باشد، احتیاط واجب این است که آن را تمام کند و دوباره انجام دهد. مگر این که فوت موالات شود که می تواند از سر بگیرد (4).

\* آیه الله (مکارم): اگر قبل از فوت موالات اتمام کند صحیح است.

ص: 351

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، مسأله 604.

2-2- همان، مسأله 605، ص 238.

3-3- همو، مسأله 606.

4-4- مناسک، مسأله 308.

\*\*\* آیات عظام (سیستانی)، (خوئی)، (تبریزی): بلکه بنا بر اظهر(1).

\* آیه الله (بهجت)، باید اعاده کند در هر دو صورت.

امام خمینی (ره):

اگر بعد از کم کردن از طواف کارهای بسیاری کند. که موالات فوت شود حکمش حکم قطع طواف است که می آید(2).

\* آیه الله مکارم): یا فاصله زیادی بدهد.

امام خمینی (ره):

اگر سهوا از طواف کم کند پس اگر تجاوز از نصف کرده باشد اقوی آن است که از همان جا تمام کند طواف را در صورتی که فعل کثیر نکرده باشد، و الا احتیاط واجب اتمام و اعاده است(3).

آیه الله (خوئی): هرگاه مقداری از طواف را سهوا کم کند اگر پیش از فوت موالات یادش آمد و از مطاف بیرون نرفته باشد کمبود را به جا آورد و طوافش صحیح خواهد بود، و چنانچه پس از فوت موالات یا بیرون رفتن از مطاف یادش بیاید و مقدار فراموش شده یک شوط باشد یک شوط را به جا آورد و طوافش صحیح است و چنانچه شخصاً نتواند کمبود را انجام دهد، باید دیگری را نایب بگیرد که آن شوط را به جا آورد و چنانچه مقدار فراموش شده بیش از یک و کمتر از چهار شوط باشد بایستی برگشته و کمبود را شخصا به جا آورد و بهتر این است که پس از به جا آوردن کمبود طواف را اعاده نماید و اگر مقدار فراموش شده چهار یا بیش از چهار شوط باشد احوط اتمام سپس اعاده است.

- نظر آیه الله (تبریزی) عینا نظر آیه الله (خوئی) در حکم فوق است، الا این که معظم له در مقدار فراموش شده که اگر بیش از یک و کمتر از چهار باشد به جای عبارت: بایستی برگشته می فرمایند: بنا بر احتیاط بایستی برگشته و کمبود را شخصا به جا آورد و پس از به جا آوردن کمبود طواف را اعاده نماید و هم چنین اگر مقدار فراموش شده چهار یا بیش از چهار شوط باشد احوط اتمام سپس اعاده است(4).

ص: 352

1-1- مناسک، مسأله 315.

2-2- مناسک حج (المحشی للإمام الخمینی)، مسأله 607، ص 239.

3-3- همان، مسأله 608.

4-4- مناسک، مسأله 316.



\* آیه الله (سیستانی): در صورتی که از روی اشتباه یا فراموشی بعضی از شوطهای طواف یا قسمتی از یک شوط را انجام نداده باشد، پس اگر پیش از فوت موالات عرفی به یادش آمد، باقی مانده آن را به جا آورد و طواف صحیح است و اگر پس از آن باشد، در صورتی که مقدار فراموش شده، یک یا دو یا سه شوط باشد، آن را به جا آورد و طواف باز هم صحیح است.. و در صورتی که مقدار فراموش شده بیش از سه شوط باشد، بنا بر احتیاط واجب باقی مانده را به جا آورد و طواف را اعاده کند(1).

\* آیه الله (بهجت): اگر سهوا از طواف کم کرده پس تمام کردن آن در صورت تجاوز از نصف یعنی با تمام شدن چهار شوط علی الأحوط، و از سر گرفتن آن در صورت عدم خالی از وجه نیست (2).

\* آیه الله مکارم: یعنی چهار دور کامل انجام داده باشد.

\*\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): اگر چهار دور تمام شده باشد لازم است طواف را تمام کند و اگر کمتر از نصف باشد اعاده نماید و در فاصله بین 3 / 5 تا چهار دور احتیاط در تکمیل اشواط و اعاده است.

\* آیه الله (مکارم): این شرط زائد است.

\* آیه الله (اراکی): چه فعل کثیر انجام داده باشد یا نه گر چه احتیاط اتمام و اعاده مستحب است.

\* آیه الله (فاضل): اولی و احوط این است.

آیه الله (مکارم): و اتمام لازم نیست باید اعاده کند.

امام خمینی (ره):

اگر سهوا کم کرده و تجاوز از نصف نکرده، طواف را اعاده نماید، لکن سزاوار نیست ترک احتیاط در همه موارد سهوا، به تمام کردن طواف ناقص و اعاده کردن(3).

\* آیه الله (اراکی): در صورتی که فعل کثیر انجام نداده طواف را تمام کند و الا اعاده کند.

ص: 353

1-1- مناسک، مسأله 313.

2-2- مناسک شیخ، ص 42.

3-3- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، مسأله 609، ص 240.

امام خمینی (ره):

اگر متذکر نشود که ناقص کرده است طواف را مگر بعد از مراجعت به وطن خود احتیاط آن است که خودش برگردد و اگر نتوانست با مشکل بود مراجعت، نایب بگیرد(1).

\* آیه الله (بهجت): و اگر متذکر نشود مگر بعد از مراجعت به وطن خود پس نایب می گیرد(2).

\*\*\*\*\* آیات عظام (گلپایگانی)، (فاضل)، (صافی)، (خامنه ای)، (خوئی)، (تبریزی): باید برگردد.

\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): و بنا بر احتیاط واجب هدی بفرستد و احوط آنست که شتر باشد(3).

\* آیه الله سیستانی: اگر نتواند باقی مانده را خود به جا آورد، اگر چه به این علت باشد که پس از رجوع به وطن یادش آمده دیگری را نایب خود قرار دهد و به هر حال نماز طواف را باید خودش هر جا هست بعد از طواف نایب بخواند.

آیه الله مکارم: و احتیاط آن است یک گوسفند در مکه قربانی کند و اگر نتوانست در شهر خودش قربانی کند.

امام خمینی (ره):

در طواف واجب، قران جایز نیست یعنی جایز نیست طواف واجب را با طواف دیگر دنبال هم آورد بدون آن که بین دو طواف، نماز طواف فاصله شود، و در طواف مستحب مکروه است(4).

\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): بنا بر احتیاط واجب سبب بطلان طواف می شود.

امام خمینی (ره):

اگر زیاد کند دوری را با کمتر یا بیشتر از دور بر طواف و قصدش آن باشد که زیاده را جزء طواف دیگر قرار دهد، داخل در قران میان دو طواف است که حرام است(5).

\* آیه الله (سیستانی): اگر طواف دوم را تمام نکند قران نیست ولی اگر قصد قران را داشته باشد با علم به این که مبطل است قصد قربت محقق نمی شود و طواف باطل است.

آیه الله مکارم: ولی طواف اول باطل نیست.

ص: 354

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 610، ص 240.

2-2- مناسک شیخ، ص 42.

3-3- مناسک فارسی، مسأله 104.

4-4- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 611، ص 240.



\* آیه الله (خوئی): اگر طواف دوم کمتر از هفت شوط باشد داخل در قران نیست، بلی اگر از ابتدا قصد هفت شوط دارد و می داند قران مبطل است دیگر قصد قربت در طواف اول از او متمشی نمی شود(1).

\* آیه الله (تبریزی): اگر قصد جزئیت زیادی را برای طواف دیگر بنماید و اتفاقاً نتواند طواف دیگر را به آخر برساند، در این صورت نه زیادی است و نه قران ولی گاهی طواف در این صورت به جهت عدم تحقق قصد قربت باطل می شود و آن در صورتی است که مکلف هنگام شروع به طواف یا در اثنای آن با این که می داند قران حرام و مبطل طواف است آن را قصد نماید که قصد قربت با قصد حرام جمع نمی شود، هر چند از باب اتفاق آن حرام انجام نشود(2).

\* آیه الله (بهجت): اگر طواف دیگر را به آخر نرساند نه زیادی در طواف است و نه قران(3).

امام خمینی (ره):

در فرض سابق اگر از اول قصد داشته یا در اثناء طواف قصد زیاده کرده باشد احتیاط واجب آن است که طواف اول را اعاده کند، و اگر بعد از تمام شدن، قصد به جا آوردن طواف دیگر برای او حادث شد و به دنبال طواف اول، زیاده را آورد اقوی صحت طواف اول است، و احوط اعاده است(4).

\* آیه الله (گلپایگانی): بنا بر احتیاط واجب سبب بطلان طواف می شود، چه از اول این قصد را داشته باشد و یا در بین آن و یا آخر آن.

\* آیه الله (سیستانی): اگر از ابتدا قصد قران داشته باشد باطل است.

آیه الله (بهجت)، کلام ایشان مطلق است و تفاوتی بین این که از ابتدا قصد اضافه کردن را داشته باشد یا در اثناء نگذاشته اند(5).

\* آیه الله (اراکي): این احتیاط ترک نشود.

\* آیه الله (سیستانی): اگر طواف دوم را تمام کند طواف اول باطل است. امام خمینی (ره): اگر سهو زیاد کند بر هفت دور پس اگر کمتر از یک دور است قطع کند آن را و طوافش

ص: 355

1-1- مناسک، قبل از مسأله 318.

2-2- مناسک، مسأله 317.

3-3- مناسک، مسأله 317.

4-4- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 613، ص 241.

5-5- مناسک، ص 114.

صحیح است، و اگر یک دور یا زیادتر است احوط آن است که هفت دور دیگر را تمام کند بقصد قربت بدون تعیین مستحب یا واجب و دو رکعت نماز قبل از سعی و دو رکعت بعد از سعی بخواند، و دو رکعت اول را برای فریضه قرار دهد بدون آن که تعیین کند برای طواف اول یا طواف دوم است(1).

\*\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): این احتیاط مستحب است(2).

امام خمینی (ره):

جایز است قطع طواف نافله را بدون عذر واقعی کراهت قطع طواف واجب است بدون عذر و بمجرد خواهش نفس، و احوط قطع نکردن آن است، به این معنی که طواف دیگر دنبال هم آورد بدون آن که بین دو طواف، نماز طواف فاصله شود، و در طواف مستحب مکروه است(3).

\* آیه الله (اراکی): در صورتی که فعل کثیر انجام نداده طواف را تمام کند و الاعداده کند.

\* آیه الله (تبریزی)، آیه الله (خوئی): بلکه در فرض اتیان به طواف کامل اظهر بطلان طواف اول است مطلقاً(4).

\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): احتیاط آنست که نماز طواف را بخواند و بعد اصل طواف و نماز آن را اعاده کند.

\* آیه الله (بهجت): و اگر متذکر نشود مگر بعد از مراجعت به وطن خود پس نایب می گیرد(5).

\*\*\*\*\* آیات عظام (گلپایگانی)، (فاضل)، (صافی)، (خامنه ای)، (خوئی)، (تبریزی): باید برگردد.

\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): و بنا بر احتیاط واجب هدی بفرستد و احوط آنست که شتر باشد(6).

\* آیه الله (سیستانی): اگر نتواند باقی مانده را خود به جا آورد، اگر چه به این علت باشد که پس از رجوع به وطن یادش آمده دیگری را نایب خود قرار دهد و به هر حال نماز طواف را باید خودش هر جا هست بعد از طواف نایب بخواند.

ص: 356

---

1- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 614، ص 242.

2- 2 - مناسک، ص 70، مسأله 103.

3- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 615، ص 242

4- مناسک، قبل از مسأله 318.

5- مناسک شیخ، ص 42.

6- 6 - مناسک فارسی، مسأله 104.

آیه الله (مکارم): و احتیاط آن است یک گوسفند در مکه قربانی کند و اگر نتوانست در شهر خودش قربانی کند.

\*\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): بنا بر احتیاط واجب سبب بطلان طواف می شود.

\* آیه الله (بهجت)، حکم قرآن در طواف مستحب را متعرض نشده اند.

امام خمینی (ره):

اگر بدون عذر طواف را قطع کرد احوط آن است که اگر چهار دور به جا آورده باشد طواف را تمام کند و بعد اعاده کند، و این در صورتی است که منافی به جا آورده باشد حتی مثل زیاد فاصله دادن که موالات عرفیه بهم بخورد (1).

\* آیه الله (گلپایگانی): اقوی آن است که در این صورت اگر چهار دور به جا آورده باشد طواف را تمام کند و بعد احتیاطاً اعاده کند (2).

\* آیه الله (بهجت): احوط بلکه اقوی استیناف آن است هر چند که چهار شوط به جا آورده باشد (3).

\* آیه الله (اراکي): اگر از نصف شوط چهارم گذشته، طواف را تمام و بعد اعاده کند.

\* آیه الله (تبریزی): هرگاه طواف کننده پیش از تجاوز از نصف طواف، بدون عذر از مطاف خارج شود، اگر موالات عرفیه از او فوت شود طوافش باطل و اعاده اش لازم است، و چنانچه موالات فوت نشود یا خروجش بعد از تجاوز نصف باشد، احتیاط این است که آن طواف را تمام نموده سپس اعاده کند (4).

\* آیه الله (فاضل): اعاده مستحب است.

امام خمینی (ره):

اگر طواف را قطع کند و منافی به جا نیاورده باشد اگر برگردد و تمام کند طواف صحیح است (5).

امام خمینی (ره):

اگر در بین طواف عذری برای اتمام آن پیدا شد مثل مرض یا حیض یا حدث بی اختیار پس

ص: 357

1-1 - مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 616، ص 243.

2-2 - احکام عمره، ص 62 و 63.

3-3 - مناسک شیخ، ص 44.

4-4 - مناسک، مسأله 310.

5-5 - مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 617، ص 243.

اگر بعد از تمام شدن چهار دور بوده بعد از رفع عذر برگردد و از همان جا تمام کند و اگر قبل از آن بوده طواف را اعاده کند، و احتیاط مستحب در فرض اول در غیر حیض آن است که اتمام کند و اعاده نماید(1).

\* آیه الله خامنه ای: (در مورد حدث اصغر) اگر در اثناء طواف حدثی از او سرزند در صورتی که پیش از رسیدن به نیمه شوط چهارم (یعنی نرسیده به محاذی رکن سوم کعبه) باشد طواف را رها کند و پس از وضو گرفتن طواف را از اول اعاده نماید و اگر فیما بین نیمه شوط چهارم و آخر شوط چهارم باشد طواف را رها کند و پس از وضو گرفتن یک طواف کامل به قصد مافی الذمه انجام دهد، و اگر پس از اتمام شوط چهارم باشد طواف را رها کند و پس از وضو سه شوط دیگر انجام دهد.

\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): پس اگر به نصف نرسیده اعاده کند و اگر در فاصله بین 3 / 5 و چهار بوده احتیاط به اتمام و اعاده طواف است.

\* آیه الله (فاضل): اگر از نصف تجاوز نکرده عذر پیدا شد طواف را اعاده کند و اگر از

نصف گذشته و دور چهارم را تمام نکرده است احتیاط واجب آن است که طواف را تمام کند و اعاده نماید.

امام خمینی (ره):

اگر شخصی که با عذر طواف را قطع کرده نتوانست به جا آورد تا آن که وقت تنگ شد اگر ممکن است او را حمل کنند و طواف دهند، و اگر ممکن نیست نایب برای او بگیرند(2).

\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): و چون بعید نیست گفته شود که طواف حکم نماز را دارد و تبعیض در اشواط آن در نیابت محتاج به دلیل است نایب همه طواف را انجام دهد(3).

\* آیه الله (اراکلی): اگر به خاطر مرض طواف را ترک کرده.

و اما در مورد مرض:

\*\* آیه الله (خوئی)، آیه الله (تبریزی): در این فرض اگر ناچار به قطع طواف شد و از مطاف خارج گردید چنانچه قبل از تمامی شوط چهارم باشد، طوافش باطل و اعاده اش لازم است و

ص: 358

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، مسأله 618.

2-2- همان، مسأله 619، ص 244.

3-3- آراء المراجع، ص 249.

چنانچه بعد از آن بوده احتیاط این است که برای باقی مانده نایب بگیرد و شخصا بعد از زوال عذر احتیاطا باقی مانده را به جا آورده و طواف را اعاده نماید.

\* آیه الله سیستانی، نظر ایشان مطابق با متن است ولی اضافه فرموده اند: این در طواف واجب بود و اما در طواف مستحبی از هر جا که قطع کند مادامی که موالات عرفی فوت نشده است می تواند برگردد و تمام نماید و هم چنین در مورد عذر علاوه بر مرض قضای حاجتی برای خود یا برادر دینی ذکر فرموده اند.

\* آیه الله (اراکي): اگر بعد از تمام شدن نصف شوط چهارم بود..

\* آیه الله (بهجت): هرگاه طواف کننده به علت عذر ناچار طواف خود را قطع نمود و از مطاف بیرون رفت، چنانچه قبل از تمامی شوط چهارم باشد طوافش باطل و اعاده اش لازم است، و چنانچه بعد از آن بوده اگر قادر بر اتمام نباشد احوط آن است که صبر کند تا وقت آن طواف تنگ شود اگر قادر نشد او را دوش بگیرند و طواف می دهند و اگر ممکن نباشد نایب از برای او می گیرند در اتمام (1).

امام خمینی (ره):

اگر مشغول طواف است و وقت نماز واجب تنگ شود واجب است طواف را رها کند و نماز بخواند، پس اگر بعد از چهار دور رها کرد از همان جا طواف را تمام کند، و الا اعاده کند (2).

\* آیه الله (خامنه ای): کسی که برای نماز واجب، طواف واجبش را قطع کند، اگر قطع بعد از اتمام نصف باشد طواف را از همان جا که قطع کرده، اتمام کند، و اگر قبل از آن بوده و مدت زمان طولانی بین قطع و اتمام فاصله شود، بنا بر احتیاط طواف را اعاده کند و گرنه بعید نیست این احتیاط واجب نباشد اگر چه احتیاط در هر حال خوب است و در این مسأله فرقی بین این که نماز جماعت باشد یا فردی، وقت نماز تنگ باشد یا نه، نیست و از این مسأله حکم مسأله بعد نیز روشن می شود.

\* آیه الله (بهجت): اگر موالات عرفیه بهم بخورد (3).

\* آیه الله سیستانی: باید اتمام کند و احتیاط مستحب آن است که طواف را بعد از طواف اول و نماز آن اعاده کند.

ص: 359

1-1- مناسک، مسأله 312.

2-2- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 620، ص 245.

3-3- استفاد از مناسک، مسائل متفرقه، مسأله 12، ص 161



\*\*\* آیات عظام (فاضل)، (گلپایگانی)، (صافی): ولی اگر از نصف گذشته و چهار شوط هم تمام نشده، احتیاطاً طواف را تمام کند و بعد اعاده کند.

\* آیه الله (اراکي): و الا بنا بر احتیاط بعد از اتمام اعاده کند.

\* آیه الله (تبریزی): اعاده لازم نیست، گر چه احتیاط مستحب آن است که طواف را بعد از طواف اول و نماز آن اعاده کند.

\* آیه الله (مکارم): و بنا بر احتیاط واجب آن را اعاده کند.

امام خمینی (ره):

جایز است بلکه مستحب است قطع کند طواف را برای رسیدن به نماز جماعت یا رسیدن به وقت فضیلت نماز واجب، و از هر جا قطع کرد از همان جا بعد از نماز اتمام کند، و احتیاط آن است که به دستور مسأله قبل عمل کند، و سزاوار نیست این احتیاط ترک شود (1).

\* آیه الله (بهجت): اگر موالات عرفیه بهم نخورد و اگر بهم نخورد و قبل از اكمال شوط چهارم باشد احتیاط مراعات شود با اكمال آن طواف و اعاده آن (2).

\* آیه الله (تبریزی): بنا بر احتیاط مستحب طواف را بعد از طواف اول و نماز آن اعاده کند.

\* آیه الله (مکارم): این احتیاط واجب نیست.

\* آیه الله (سیستانی): اگر قبل از تمام کردن شوط چهارم عاجز شود و نتواند او را طواف دهند باید نایب بگیرد که طواف را از اول به نیابت او انجام دهد و اگر بعد از تمام کردن شوط چهارم باشد، نایب در مقدار باقی مانده نیابت می کند (3).

امام خمینی (ره):

اگر بعد از تمام شدن طواف و انصراف از آن شک کند که آیا طواف را زیاده‌تر از هفت دور

به جا آورده یا نه یا شک کند کمتر به جا آورده یا نه اعتناء نکند و طوافش صحیح است، لکن در صورت دوم خالی از اشکال نیست و احتیاط ترک نشود (4).

\* آیه الله (فاضل): این اشکال در صورت عدم انصراف از طواف است اما اگر شک بعد از

ص: 360

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 621.

2-2- مناسک، س 88 و مستفاد از مناسک، مسأله 12 ص 161.

3-3- ملحق مناسک، س 234.

4-4- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 622، ص 246.



انصراف و دخول در نماز طواف باشد اعتنا نکند و طواف او صحیح است بلکه ظاهراً به محض انصراف هم طواف محکوم به صحت است و لازم نیست اعتنا کند.

\* آیه الله (بهجت): هر گاه بعد از فراغ از طواف شک نماید که آیا طوافم هفت شوط یا کمتر یا بیشتر بوده، اعتنا به شک ننماید، مانند کسی که بعد از شروع به نماز طواف چنین شکی بکند.

\*\*\* آیه الله (خوئی)، آیه الله (تبریزی): در صورت دوم طواف باطل است مگر این که بعد از دخول در نماز طواف شک بکند که به شکش اعتنا نمی کند (1).

\* آیه الله (اراکي): این احتیاط واجب نیست.

\*\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): احتیاط واجب نیست.

\* آیه الله (سیستانی): اگر در عدد شوطها یا در صحت آنها بعد از تمامی طواف یا بعد از تجاوز از محل شک کند نباید به شک اعتنا نماید مثلاً پس از فوت موالات یا بعد از وارد شدن در نماز طواف شک نماید (2).

امام خمینی (ره):

اگر بعد از طواف شک کند که صحیح به جا آورده آن را یا نه، مثلاً احتمال بدهد که از طرف راست طواف کرده یا محدث بوده یا از داخل حجر اسماعیل علیه السلام طواف کرده اعتنا نکند، و طوافش صحیح است اگر چه باز در محل طواف باشد و از آنجا منصرف نشده یا مشغول کارهای دیگر نشده باشد، در صورتی که هفت دور بودن معلوم باشد بی زیاده و نقیصه (3).

امام خمینی (ره):

اگر در آخر دور که به حجر الاسود ختم شد شک کند که هفت دور زده یا هشت دور یا زیادتر، اعتناء به شک نکند و طوافش صحیح است (4).

امام خمینی (ره):

اگر قبل از رسیدن به حجر الاسود و تمام شدن دور شک کند که آن چه را دور می زند دور هفتم است یا هشتم طوافش باطل است (5).

\*\* آیه الله (اراکي)، آیه الله (بهجت): احوط بطلان طواف است.

ص: 361

1-1- مناسک، مسأله 319.

2-2- مناسک، مسأله 315.

3-3- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 623.

4-4- همان، مسأله 624.

5-5- همو، مسأله 625.

امام خمینی (ره):

اگر در آخر دور یا اثناء آن شک کند میان شش و هفت و هر چه پای نقیصه در کار است، طواف او باطل است (1).

\* آیه الله (اراکي): و بنا بر احتیاط طواف را تمام کند و بعد از آن اعاده نماید، و این احتیاط، مستحب است.

\* آیه الله (بهجت): بطلان طواف او و لزوم استیناف خالی از قوت نیست با آن که فی الجمله احوط است. و احوط از آن بنا بر اقل بگذارد و اتمام و بعد از آن اعاده طواف نماید (2).

\* آیه الله (سیستانی): اگر شک در نقیصه در غیر 6 و 7 باشد، طوافش باطل است. و اگر شک در پایان شوط بین 6 و 7 باشد، بنا بر احتیاط واجب طواف را اعاده کند ولی اگر در این صورت بنا بر 6 گذاشت و از روی جهل به مسأله طواف را تمام کرد و متوجه مسأله نشد تا وقت اعاده گذشت طوافش صحیح است و اگر شک در زیاده و نقصان باشد مثل این که شک کند بین 6 و 7 و 8 و یا شک بین 6 و 8 طوافش باطل است (3).

\* آیه الله (مکارم): بنا بر احتیاط واجب.

امام خمینی (ره):

- اگر در طواف مستحب شک کند در عدد دورها، بنا بر اقل گذارد، و طوافش صحیح است (4).

امام خمینی (ره):

شخص کثیر الشک در عدد دورها اعتناء به شکش نکند و احتیاط آن است که کسی را وادار کند که عدد را حفظ کند (5).

\* آیه الله (مکارم): و بنا بر آن چه به نفع اوست بگذارد.

\* آیه الله (خوئی): کثیر الشک در طواف تا به حد وسواس نرسد باید به شکش اعتناء کند (6).

ص: 362

1- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 626، ص 247.

2- مناسک شیخ، ص 43.

3- 3 - مناسک، مسأله 314.

4- 4- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 627، ص 247.

5- - همان، مسأله 628، ص 247

6- 6- المسائل الشرعيه، ج 1، ص 343.

\* آیه الله (بهجت): کثیر الشک در طواف مثل کثیر الشک در نماز است و همان وظیفه را دارد(1).

\* آیه الله سیستانی: کثیر الشک در طواف نباید به شکش اعتنا کند چنانچه در نماز نباید اعتنا کند(2).

امام خمینی (ره):

گمان در عدد دورها اعتبار ندارد و حکم شک را دارد(3).

\* آیه الله (بهجت): حکم آن مانند حکم ظت در نماز است.

امام خمینی (ره):

اگر مشغول سعی بین صفا و مروه شد و یادش آمد که طواف به جا نیاورده باید رها کند و طواف کند و پس از آن سعی را اعاده کند(4).

\*\*آیه الله (فاضل)، آیه الله مکارم): آن دور را تمام کند و طوافش صحیح است.

\*\*\* آیات عظام (خوئی)، (تبریزی)، (سیستانی): ظاهر این است که طوافش باطل است و احتیاطاً بقصد رجاء تمام و اعاده طواف نماید.

\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): لکن احوط اتیان نماز طواف و اعاده طواف و نماز است.

امام خمینی (ره):

اگر در حال سعی یادش آمد که طواف را ناقص به جا آورده باید برگردد و طواف را از همان جا که ناقص کرده تکمیل کند و برگردد تتمه سعی را به جا آورد و طواف و سعیش صحیح است. لکن احتیاط آن است که اگر کمتر از چهار دور به جا آورده طواف را تمام کند و اعاده نماید، و هم چنین اگر سعی را کمتر از چهار بار انجام داده تمام کند و اعاده کند(5).

\* آیه الله (سیستانی): اگر قبل از فوت موالات متذکر شود یا بعد از آن باشد ولی سه شوط یا کمتر باقی مانده باشد اتمام طواف کافی است ولی اگر بیش از آن باشد به احتیاط واجب طواف

ص: 363

---

1-1 - پرسشهای جدید حج، ص 15، سؤال 64.

2-2 - ملحق مناسک، ص 212.

3-3 - مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، مسأله 629، ص 247.

4-4 - همان، مسأله 630

5-5 - همو، مسأله 631، ص 248.

را پس از اتمام اعاده کند و نسبت به سعی اتمام کافی است گرچه احتیاط مستحب اعاده آن است پس از اتمام.

\* آیه الله (بهجت): احتیاط در اتمام و سپس اعاده سعی است.

\*\*\* آیات عظام (اراکلی)، (مکارم)، (فاضل): این احتیاط ترک نشود.

\* آیه الله (تبریزی): این احتیاط در اتمام و اعاده طواف ترک نشود، و هم چنین است نسبت به سعی. ولی اگر سعی فراموش شده یک شؤط باشد، اعاده لازم نیست.

امام خمینی (ره):

اگر سهوا یا غفلتا یا جهلا طواف را بی وضو به جا آورد طوافش باطل است، و همین طور اگر با حال جنابت یا حیض و نفاس به جا آورد (1)

امام خمینی (ره):

اگر کسی مریض یا طفلی را حمل کند و طواف دهد و خودش نیز قصد طواف کند طواف هر دو صحیح است (2).

امام خمینی (ره):

در حال طواف تکلم کردن و خنده نمودن و شعر خواندن اشکال ندارد لکن کراهت دارد و مستحب است در حال طواف مشغول دعا و ذکر خدا و تلاوت قرآن باشد (3).

امام خمینی (ره):

واجب نیست در حال طواف روی طواف کننده طرف جلو باشد بلکه جایز است به یمین و یسار نگاه کند و صفحه صورت را برگرداند بلکه به عقب نگاه کند، و می تواند طواف را رها کند و خانه را بیوسد و برگردد از همان جا اتمام کند (4).

\* آیه الله سیستانی: احتیاط واجب آن است که به حدی رو نگرداند که بتواند مقداری از پشت سر را نگاه کند (5).

امام خمینی (ره): جایز است در بین طواف برای رفع خستگی و استراحت بنشیند یا دراز بکشد و بعد از همان

ص: 364

1-1 - مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، مسأله 632.

2-2 - همان، مسأله 633، ص 248.

3-3 - مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، مسأله 634، ص 248.

4-4 - همان، مسأله 635.

5-5 - ملحق جدید مناسک، ص 33.





جا اتمام کند، ولی نباید آن قدر طول دهد که موالات عرفیه بهم بخورد، و اگر آن قدر نشست احتیاط آن است که اتمام کند و اعاده نماید(1).

\* آیه الله (بهجت): اگر در موردی است که عذر صدق نمیکند حکم آن در مسأله 615 و 616 گذشت، و با فرض تحقق عذر از ادامه، قبل از اكمال شوط چهارم، در حدی که موالات عرفیه بهم نخورد مانعی ندارد و اگر بهم بخورد احتیاط مراعات شود به اكمال آن طواف و اعاده آن، و بعد از شوط چهارم مطلقاً مانعی ندارد(2).

\*\*\* آیات عظام (خوئی)، (سیستانی)، (تبریزی): در این صورت طوافش باطل است، و لازم است از نو شروع کند.

\* آیه الله (فاضل): که موالات عرفیه بهم خورد. \* آیه الله مکارم: احتیاط به اتمام لازم نیست.

\* آیه الله (خامنه ای): ولی اگر بعد از نصف دور چهارم باشد می توان به اتمام همان طواف اکتفا نمود.

### مسائل متفرقه طواف

امام خمینی (ره):

در طواف در مقابل حجر اسماعیل باید طوری حرکت کند که طواف بیت، صادق باشد و بنحو متعارف باشد و مخفی نماند که حجر اسماعیل از بیت نیست هر چند باید در خارج آن طواف کرد(3).

امام خمینی (ره):

در صورت امکان و لو در وقت خلوت باید طواف در حد بین مقام ابراهیم و خانه که مسافت بیست و شش ذراع و نیم است باشد و دورتر از آن حد، کفایت نمی کند و در صورت عدم امکان و لو در وقت خلوت، طواف در خارج حد مزبور مانع ندارد با مراعات الاقرب فالاقرب(4).

\* آیه الله (مکارم): سابقاً گفتیم رعایت این مقدار لازم نیست.

ص: 365

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 636، ص 249.

2-2- مناسک س 87 و 88.

3-3- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 637، ص 249.

4-4- همان، مسأله 638، ص 249.

امام خمینی (ره):

هرگاه در طواف خانه خدا مثلاً در چند قدم از طواف اشکالی پیش آمد مثل این که او را بی اختیار بردند، همان چند قدم را باید از سر بگیرد و اگر از حجر الاسود به قصد طواف شروع کند، اشکال دارد(1).

\*\*\* آیه الله خامنه ای) و آیه الله مکارم): سابقاً گفته شد، از اول نیت می کند که خود را در وسط جمعیت قرار دهد و طواف کند هر چند او را ببرند، بنا بر این اعاده لازم نیست.

\* آیه الله (بهجت): اگر بتواند برگردد و از همان جا طوافش را ادامه دهد باید این کار را بکند و گرنه بدون نیت دور می زند تا به محلی که بدون اختیار برده شده برسد تا از همان جا به طواف ادامه دهد(2).

\* آیه الله (سیستانی): اگر نتواند برگردد و جبران کند می تواند بدون قصد طواف تا حجر الاسود برود و آن دور را از سر بگیرد.

\*\* آیه الله (خوئی)، آیه الله (تبریزی): ولی چنانکه سابقاً گفته شد، مجرد بردن جمعیت موجب بطلان نمی شود مادامی که سایر شرایط موجود باشد.

امام خمینی (ره):

اگر در طواف بی اختیار او را ببرند، اعاده آن مقدار لازم است و باید طواف را صحیح انجام دهد و خودش به اختیار طواف کند و چنانچه ممکن نیست باید در وقت خلوت طواف نماید ولی باید دانست که منظور از بی اختیار شدن این نیست که در اثر فشار جمعیت تندتر برود بلکه در این صورت اگر قدمها را به اختیار خود برمی دارد ضرر ندارد و طوافش صحیح است(3).

\* آیه الله (فاضل): و اگر وقت خلوت پیدا نکند و اعاده نیز مستلزم عسر و حرج باشد به همین مقدار اکتفا کند، و طواف در این فرض صحیح است.

امام خمینی (ره):

اگر در حال طواف در اثر فشار و ازدحام جمعیت پشت به خانه شود و قسمتی از طواف به این صورت انجام گیرد یا در اثر فشار جمعیت، شخص را مقداری جلو ببرند باید مقداری از

ص: 366

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 639.

2-2- پرسشهای جدید حج، س 79.

3-3- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، مسأله 640، ص 250.

طواف که پشت به خانه یا بدون اختیار بوده، اعاده شود و اگر نمی تواند برگردد با جمعیت بدون قصد طواف برود تا به جایی که باید از آنجا طواف را اعاده کند برسد و از آنجا تدارک نماید(1).

\* آیه الله (مکارم): در مورد فشار جمعیت مثل مسأله سابق است، اما اگر پشت به خانه شود باید آن مقدار را اعاده کند.

\* آیه الله (نوری): باید مقداری از طواف که پشت به خانه بوده اعاده شود.

\* آیه الله (سیستانی): همان گونه که گذشت می تواند بدون قصد طواف تا حجرالاسود برود و آن شوط را اعاده کند و نمی تواند بدون قصد طواف برود تا جایی که طوافش نادرست بوده است و از آنجا اعاده نماید.

امام خمینی (ره):

اگر حاجی در حال طواف، پول خمس نداده همراه داشته باشد طوافش اشکال پیدا نمی کند(2).

\* آیه الله (گلپایگانی): در صورتی که طواف موجب حرکت اضافی نشود(3).

امام خمینی (ره):

اگر کسی پس از انجام اعمال حج تمتع فهمید که در طواف عمره یا حج چند شوط از هفت شوط را از داخل حجر اسماعیل دور زده، حج او صحیح است و باید طواف را اعاده کند(4).

\* آیه الله مکارم: یعنی از روی سهو.

\*\*آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): اگر در عمره بوده حج او بدل به افراد شده باید عمره مفرده به جا آورده و در سال بعد نیز حج تمتع را انجام دهد و اگر در طواف حج باشد مسأله صوری دارد(5).

\* آیه الله سیستانی: اگر سهوا باشد و در سه شوط یا کمتر چنین شده باشد باید همان سه شوط را انجام و اگر بیشتر باشد احتیاطا طواف را نیز اعاده کند و در این صورت اگر طواف حج باشد و در ماه ذی حجه متذکر شود اعمال مترتبه را نیز احتیاطا اعاده کند و اگر بعد از ماه ذی حجه باشد یا مربوط به طواف عمره باشد اعاده بقیه اعمال لازم نیست و اگر جهلا و در طواف

ص: 367

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، مسأله 641.

2-2- همان، مسأله 642، ص 250.

3-3- مجمع المسائل 1 / 472، مسأله 21.

4-4- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، مسأله 643، ص 251.

5-5- آداب و احکام. مسأله 558.

حج باشد و در ماه ذی حجه متوجه شود باید طواف و اعمال مترتبه را انجام دهد و اگر بعد از ماه ذی حجه متوجه شود یا مربوط به طواف عمره باشد حجش باطل است و احتیاطاً باید یک شتر قربانی کند.

\* آیه الله (اراکي): بنا بر احتیاط آن چند شوط را اعاده کند، و پس از آن اصل طواف را هم اعاده کند.

\* آیه الله (فاضل): بنا بر احتیاط آن چند شوط را اعاده کند و نماز را نیز اعاده کند و پس از آن اصل طواف و نماز را اعاده کند و بنا بر احتیاط واجب سعی را نیز اعاده کند.

\* آیه الله (خامنه ای): حج او صحیح است و باید طواف و نماز آن را اعاده کند.

\* آیه الله (مکارم): احتیاط آنست که تکمیل کند و بعد اعاده نماید.

\*\* آیه الله (خوئی)، آیه الله (تبریزی): چون از روی جهل به حکم طواف صحیح را ترک کرده با فرض انقضاء وقت حجش باطل است (1).

امام خمینی (ره):

زنی که در غیر ایام عادت لک دیده و به اعتقاد پاکي، طواف و نماز را انجام داده و شب بعد خون دیده، با شرایط حیض، اگر یقین کند که بعد از دیدن لک، خون در باطن فرج بوده و قطع نشده، حیض بوده است و طواف و نمازش صحیح نیست و اگر شک دارد یا یقین کند که خون قطع شده، حیض نبوده است و اعمالش صحیح است و در صورت اول حج او صحیح است و باید طواف و نماز را اعاده کند و اگر در عمره بوده در صورت ضیق وقت احتیاطاً بعد از حج، یک عمره مفرد نیز به جا آورد (2).

\* آیه الله (نوری): در این صورت از تاریخ دیدن لک حیض شروع شده..

\*\*\* آیه الله (خوئی)، آیه الله (تبریزی): اگر لک دارای صفات حیض بوده در این صورت حکم کسی را دارد که قبل از طواف حیض شده و چنانچه به وظیفه خود عمل نکرد تا زمان تدارک گذشت حجش باطل است.

\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): و باید اعاده نماید و اگر در عمره بوده و وقت اعاده ندارد حج او مبدل به افراد می شود.

\* آیه الله (غروی): در صورتی که لک دارای صفات حیض باشد.

ص: 368

1- - مناسک، مسأله 325.

2- 2- مناسک حج (المحشى للإمام الخميني)، مسأله 644، ص 251.

\* آیه الله (نوری): ولی اگر حصول این یقین بعد از انجام اعمال حج باشد حج او صحیح و فقط طواف و نماز طواف را اعاده کند و اگر بعد انجام عمره و قبل از حج یقین حاصل شد اگر وقت هست طواف و نماز طواف را انجام بدهد و بعد برای حج محرم شود و اگر وقت نیست و احتیاطاً بعد از حج یک عمره مفرده به جا آورد.

\* آیه الله (فاضل): و سعی را نیز احتیاطاً اعاده کند.

\* آیه الله (فاضل): حج تمتع مبدل به افراد می شود و اگر واجب بوده باید بعد از آن عمره مفرده به جا آورد و اگر مستحب بوده بعد از آن عمره مفرده واجب نیست.

\* آیه الله (اراکي): باید از عمره تمتع عدول کند به حج افراد و پس از حج، عمره مفرده به جا آورد.

\*\*آیه الله (تبریزی)، آیه الله سیستانی): اگر در عمره تمتع بوده، باید طواف عمره و نماز آن را قبل از طواف حج قضاء نماید.

\* آیه الله (غروی): هکذا اگر پول غصبی همراه داشته باشد.

آیه الله (نوری): طوافش اشکال پیدا میکند. آیه الله (بهجت): همان حکم محمول غصبی در نماز را دارد.

### پرسش هایی در باب استفتاءات طواف

سؤال - جوان 17 ساله غیر مختون، که به تشخیص شورای پزشکی ختنه برای او خطر دارد، مستطیع شده و فعلاً در مدینه است، آیا تکلیف او نسبت به حج چیست؟

امام خمینی (ره):

ج- باید محرم شود و خودش طواف کند و نایب هم بگیرد برای طواف و بعد از طواف، خودش یک نماز بخواند و بعد از طواف نایب نیز، خودش نماز دیگر بخواند، و در صورتی که دو طواف با هم انجام شود خودش یک نماز بخواند کفایت می کند(1).

\* آیه الله (مکارم): گرفتن نایب لازم نیست.

\*\*\* آیات عظام (گلپایگانی)، (صافی)، (خوئی)، (تبریزی)، (بهجت)، (سیستانی):

ص: 369

اگر بتواند ختنه کند و لو با تأخیر حج تا سال آینده باید این کار را بکند، پس اگر اصلاً متمکن از ختنه نباشد یعنی برایش ضرر و مشقت دارد لازم است حج را همان سال به جا آورد. لکن احتیاط این است که در عمره و حج شخصاً طواف نموده و برای طواف، نایب نیز بگیرد، ولی خودش نماز طواف را به جا آورد.

سؤال - اگر در اثناء طواف، نماز جماعت برقرار شد و شخص از ادامه طواف معذور شد تکلیف چیست، و اگر در اثناء سعی باشد وظیفه چیست؟

امام خمینی (ره):

ج- اگر بعد از شوط چهارم طواف یا سعی قطع شده، از همان جایی که قطع شده طواف یا سعی را تمام کند، و اگر قبل از شوط چهارم طواف بوده و فصل طویل شده طواف را از سر بگیرد، هر چند احتیاط آن است که طواف را اتمام و پس از خواندن نماز آن، طواف را اعاده کند و نماز طواف دیگری بخواند، و در سعی نیز احتیاط در اتمام و اعاده است (1).

\* آیه الله (خوئی): اگر موالات فوت شود طواف باطل است و اعاده لازم است (2).

\* آیه الله (خامنه ای): اگر در حین طواف واجب برای نماز یومیه طواف را قطع کند در صورتی که اقلاً نیمی از طواف یعنی سه شوط و نیم را انجام داده است باید از همان جا که قطع شده طواف را ادامه دهد و اگر کمتر از سه شوط و نیم طواف کرده است، اگر فاصله طویل شود احتیاط آن است که طواف را از سر بگیرد و اگر فاصله طویل نشده بعید نیست که این احتیاط واجب نباشد اگر چه به هر حال مستحسن است و در احکام مذکوره فرقی میان نماز جماعت و فرادی و سعه وقت یا ضیق آن نیست.

\* آیه الله (بهجت): در طواف اگر موالات عرفیه بهم نخورد اشکالی ندارد و اگر بهم بخورد و قبل از اكمال شوط چهارم باشد احتیاط مراعات شود با اكمال آن طواف و اعاده آن، ولی در سعی چون موالات معتبر نیست با فرض عذر که مورد سؤال است مانعی ندارد (3).

\* آیه الله (غروی): در صورتی که فصل طویل در بین واقع نشود.

\* آیه الله (اراکی): می تواند تمام کند و می تواند از سر بگیرد.

ص: 370

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، سؤال 646، ص 252

2-2- مناسک فارسی، مسأله 314.

3-3- مناسک، ص 88.

\* آیه الله (تبریزی): حکم قطع طواف در صورتی که در اثناء طواف نماز جماعت اقامه شود در مسأله 21 گذشت، و اما نسبت به سعی، احوط در هر دو صورت اتمام و اعاده است.

\* آیه الله سیستانی): اگر در نماز جماعت شرکت کند پس از نماز از همان جا که قطع شده است ادامه دهد چه در طواف باشد چه در سعی و احتیاط مستحب اتمام و اعاده است و اگر شرکت نکند پس اگر قبل از پایان شوط چهارم باشد و فوت موالات عرفی نشده باشد از همان جا که قطع شده است ادامه دهد و اگر موالات فوت شده است از سر بگیرد و اگر بعد از پایان شوط چهارم باشد در هر حال اتمام آن کافی است و در سعی اگر موالات از بین برود به احتیاط واجب باید سعی را تمام و اعاده کند.

\* آیه الله (نوری): طواف را از سر بگیرد و در سعی نیز اگر بعد مرتبه چهارم است بعد از قطع کردن سعی و خواندن نماز از همان جا که قطع کرده بود سعی را به آخر برساند و اگر قبل از مرتبه چهارم است سعی را از سر بگیرد.

\* آیه الله (فاضل): اگر طواف قبل از سه دور و نیم قطع شده و فصل طویل شده طواف را از سر بگیرد، اما اگر بعد از نصف و قبل از تمام شدن دور چهارم بوده و فاصله هم شده احتیاطاً باید طواف را تمام کند و نماز آن را بخواند و بعد طواف و نماز را اعاده کند و سعی را اگر بعد از دور چهارم قطع شده تمام کند. ولی اگر قبل از دور چهارم قطع شده و فاصله هم زیاد شده بنا بر احتیاط لازم اعاده کند.

سؤال - کسی که بعد از تقصیر در عمره تمتع متوجه شود که وضوی او باطل بوده یا وضو نداشته و با این حال طواف کرده و نماز طواف خوانده است، وظیفه او چیست؟

امام خمینی (ره):

ج- طواف و نماز را اعاده کند و عمره او صحیح است (1).

\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): در مفروض سؤال (که بعد از تقصیر و قبل از شروع اعمال حج فهمیده باید پس از وضو طواف و نماز و سعی و تقصیر را اعاده کند (2)).

\* آیه الله (سیستانی): اگر قبل از گذشتن وقت یادش آمد باید آن را جبران کند و بعد از آن سعی و تقصیر را نیز اعاده کند و تا اعمال را انجام نداده است از محرّمات احرام اجتناب نماید و

ص: 371

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، ص 647، ص 254.

2-2- مجمع المسائل 478/1، مسأله 47.

اگر بعد از گذشتن وقت تدارک متوجه شود در صورت سهو و نسیان اعاده طواف کافی است و در صورت جهل حجب باطل است و به احتیاط واجب باید یک شتر قربانی بدهد.

\*\*\*\* آیات عظام (فاضل)، (اراکي)، (تبریزی)، (بهجت): و بنا بر احتیاط، بعد از آن سعی و تقصیر را نیز اعاده کند، و تا تقصیر نکرده احکام محرم را مراعات کند.

\* آیه الله (بهجت): و در صورتی که بطلان از جهت جهل به حکم نبوده تقصیر قبلی کفاره ندارد(1).

\* آیه الله (خوئی): باید لباس دوخته را بیرون بیاورد و سعی و تقصیر را نیز اعاده کند و در فرض گذشت زمان تدارک، حجب باطل است(2).

\* آیه الله مکارم): احتیاطا سعی و تقصیر را نیز اعاده کند.

سؤال - شخصی در حال طواف، کعبه را بوسیده است و احتمال می دهد که در آن حال چند قدم راه هم رفته باشد، فعلا وظیفه او چیست و البته این شک بعد از عمل برای او حادث شده است؟

امام خمینی (ره):

ج- طواف او صحیح است(3).

\* آیه الله (مکارم): هر گاه آگاه به مسأله بوده که نباید در آن حالت زیاد راه برود.

\*\*آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): در صورتی که توجه به حکم و بنا بر اتیان طواف صحیح داشته است.

سؤال - اگر در اثناء طواف شک در صحت شؤط سابق یا جزئی از شؤطی که مشغول است و محل آن گذشته است بکند چه حکمی دارد، مثلا نمی داند که از مقابل حجر که عبور کرده از حد مطاف خارج بوده است یا نه؟

ص: 372

---

1-1- مناسک، سم 85 و 170.

2-2- المسائل الشرعیه، ص 342 و 351 و 357.

3-3- مناسک حج (المحشی للإمام الخمینی)، س 648، ص 254



امام خمینی (ره):

ج- اگر مسأله را می دانسته و می خواسته است عمل صحیح را انجام دهد، یعنی غافل نبوده، طواف صحیح است (1).

\*\*\* آیه الله خامنه ای، آیه الله (خوئی): با احتمال التفات بنا بر صحت میگذارد مطلقاً (2).

\*\*\* آیه الله (فاضل)، آیه الله (تبریزی): و در غیر این صورت طواف را تمام کند و نماز آن را بخواند و پس از آن احتیاطاً طواف و نماز آن را اعاده نماید.

\* آیه الله (بهجت): شک در صحت محل اعتنا نیست (3).

\* آیه الله (سیستانی): در هر صورت عمل صحیح است

سؤال - اگر طواف یا سعی یا نماز طواف در عمره به جهتی باطل شده باشد و شخص بدون توجه به آن، تقصیر نموده باشد و لباس پوشیده و بعد متوجه شده که عمل مزبور باطل بوده است وظیفه او چیست و کفاره دارد یا نه؟

امام خمینی (ره):

ج- باید عمل باطل شده را جبران کند، و ظاهر این است که از احرام خارج شده و کفاره ندارد (4).

\* آیه الله (غروی): خروج از احرام با تقصیر از غیر محل آن معلوم نیست و علی الأحوط کفاره باید بدهد.

\* آیه الله (فاضل): اگر طواف بوده احتیاطاً بعد از اعاده طواف و نماز آن، سعی و تقصیر را نیز اعاده کند، و تا تقصیر نکرده احکام محرم را مراعات کند.

\* آیه الله (سیستانی): اگر طواف یا سعی باطل بوده است باید عمل را با رعایت ترتیب جبران کند و تقصیر نماید و از تروک احرام قبل از آن اجتناب کند و پوشیدن لباس چون عمدی نبوده است کفاره ندارد و اگر فقط نماز طواف باطل بوده است فقط آن را انجام دهد و لازم نیست لباس احرام بپوشد.

ص: 373

1-1 - مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، ص 649، ص 255.

2-2 - تعلیقه عروه، ج 1، ص 663، مسأله 56 از فروع علم اجمالی.

3-3 - مستفاد از وسیله، ص 238 در نماز.

4-4 - مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، ص 650، ص 255.

آیه الله مکارم): اگر طواف بوده احتیاطاً بعد از اعاده طواف، سعی و تقصیر را نیز اعاده کند.

سؤال - کسی در شوط ششم طواف، نجاستی در بدن دیده و یقین کرده که از شوطهای قبل این نجاست در بدن او بوده است، بدون توجه به مسأله طواف را تکمیل کرده و بعداً بدن را تطهیر نموده و طواف را اعاده کرده است و عمره را تمام کرده است، آیا عمل او صحیح است یا خیر؟

امام خمینی (ره):

ج- باید مقداری از طواف را که بعد از یقین به نجاست باقی مانده اعاده کند و بعد نماز طواف را بخواند، و ظاهر این است که از احرام خارج شده و با اتمام طواف و نماز طواف مذکور، عمل صحیح است (1).

آیه الله مکارم): طواف دوم باطل بوده است و باید طواف سابق را ادامه دهد.

\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): بنا بر احتیاط سعی و تقصیر را هم اعاده نماید.

\* آیه الله (فاضل): اگر طواف دوم را بقصد مافی الذمه (اعم از اتمام و اعاده) و به عنوان مقدمه علمیه برای یقین به براءت ذمه باشد صحیح است و در غیر این صورت احتیاطاً باید نقص طواف قبلی را تکمیل و نماز آن را خوانده، و پس از آن بنا بر احتیاط واجب سعی و تقصیر را اعاده کند. و تا تقصیر نکرده احکام محرم را مراعات کند.

\* آیه الله (تبریزی): اگر طواف را به نیت وظیفه فعلیه اعاده کرده نیاز به اتمام طواف اول نیست.

\* آیه الله (سیستانی): اگر طواف دوم را پس از فوت موالات عرفی انجام داده صحیح است و در غیر این صورت اگر جاهل قاصر بوده صحیح است و گرنه بنا بر احتیاط واجب اعمال عمره را اعاده کند.

سؤال - کسی در اثناء طواف آن را قطع کرده و از اول شروع کرده است آیا طواف او صحیح است یا خیر و چنانچه اعمال مترتبه و تقصیر را انجام داده وظیفه او چیست؟

امام خمینی (ره):

ص: 374

ج- اگر بعد از دور چهارم بوده به احتیاط واجب آن را تمام کند و بعد یک طواف دیگر به جا آورد و اگر قبل از دور چهارم بوده در فرض سؤال باید یک طواف دیگر به جا آورد، و با فرض جهل ظاهر این است که اعمال مترتبه صحیح و از احرام خارج شده است(1).

\* آیه الله (غروی): و هکذا در صورتی که قبل از دور چهارم شؤط بوده باشد طواف را به آخر رسانده علی الأحوط یک طواف دیگری را انجام دهد.

\* آیه الله (خوئی): در فرض اعتقاد به جواز از سر گرفتن طواف، طواف مزبور مجزی است(2).

\*\* آیه الله (نوری)، آیه الله (اراکی): این احتیاط واجب نیست بلکه همان طوافی که از سر گرفته کفایت می کند.

\*\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): طواف و اعمال مترتبه صحیح است

\* آیه الله (تبریزی): در هر دو صورت اگر یک طواف کامل به نیت وظیفه فعلیه اعم از تمام و اتمام به جا آورد کافی است.

\* آیه الله مکارم): طواف او و اعمال بعد از آن در هر دو حال صحیح است.

آیه الله سیستانی): اگر قبل از اتمام شوط چهارم باشد و قطع به این صورت باشد که از مطاف خارج شده و مشغول کاری شده باشد که عرفاً بگویند طوافش را قطع کرده است سپس از سر گرفته باشد طواف صحیح است و اگر بعد از شوط چهارم باشد در صورتی که استیناف پس از فوت موالات عرفیه بوده صحیح است و گر نه مشکل است مگر این که جاهل قاصر باشد

\* آیه الله (بهجت): باید طواف را از موضع علم به نجاست تمام کند و بقیه اعمال را اعاده نماید و احوط استیناف طواف بعد از اتمام آن است(3).

سؤال - کسی در شوط آخر محدث شده است و بدون طهارت شوط را اتمام کرده و بعد وضو گرفته و طواف را اعاده نموده است و نماز و سعی و تقصیر را انجام داده است، آیا صحیح است و وظیفه او چیست؟

امام خمینی (ره):

ص: 375

1-1- مناسک حج (المحشى للإمام الخميني)، مسأله 652، ص 256.

2-2- المسائل الشرعيه، ج 1، ص 348.

3-3- مستفاد از مسأله 303 مناسک

ج- باید قسمتی از طواف را که بی وضو انجام داده با وضو به جا آورد و بعد از آن نماز طواف بخواند(1).

\* آیه الله (بهجت): اگر سهوا و از روی غفلت محدث شده است باید پس از تجدید طهارت طواف را از همان جایی که قطع شده ادامه دهد و در صورتی که عمدا بوده است حکم به ادامه طواف از محل قطع مورد تأمل است و باید طواف را از سر بگیرد و احتیاطا نماز و سعی و تقصیر را اعاده کند(2).

\* آیه الله مکارم): طواف دوم و اعمال بعد از آن صحیح است، هر چند می توانست طواف اول را پس از وضو هم تکمیل و به آن قناعت کند.

\* آیه الله (فاضل): و سعی و تقصیر را احتیاطا اعاده کند.

\* آیه الله (تبریزی): در مسائل سابق توضیح داده شد.

\* آیه الله (سیستانی): اگر پس از موالات عرفیه اعاده کرده صحیح است و گرنه مشکل است.

سؤال - کسی توهم کرده است که در طواف، مقداری در اثر فشار جمعیت برده شده ولی برای او جزمی نیست، و چون نمی توانسته برگردد و تدارک کند، بقیه شوط تا محل تدارک را بقصد احتیاط و رجاء انجام می دهد که اگر شوط او باطل است زیادی لغو باشد و اگر شوط او صحیح است زیاده از طواف باشد و بعد بقیه اشواط طواف را به جا آورده و این شوط را به حساب نیاورده است، آیا این طواف صحیح است یا خیر؟

امام خمینی (ره):

ج- صحیح نیست(3).

\* آیه الله (مکارم): بنا بر احتیاط واجب.

آیه الله (سیستانی): صحت آن مشکل است مگر این که جاهل قاصر باشد.

سؤال - کسی در وقت طواف شک در اشواط پیدا کرد و چون گمانش به یک طرف بیشتر بود بنا بر آن طرف گذاشت و بعد از انجام اعمال یقین به صحت طواف خود پیدا کرد، آیا طواف او صحیح است؟

ص: 376

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، س 653، ص 257.

2-2- مناسک، ص 102 و پرسشهای جدید حج، س 74.

3-3- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، س 654، ص 257.

امام خمینی (ره):

ج- صحیح است (1).

\* آیه الله (تبریزی): بنا بر احتیاط لازم طواف را اعاده نماید.

\*\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): اگر به قصد رجاء و کشف حال طواف را ادامه داده صحیح است.

\* آیه الله (خوئی): بنا بر احتیاط صحیح نیست (2).

آیه الله (فاضل): اگر با اطمینان به یک طرف ادامه داده صحیح است. و الا باید احتیاطا طواف و نماز طواف و سعی و تقصیر را اعاده کند.

سؤال - کسی در شوط چهارم از حجر الأسود تا اول حجر اسماعیل را پیمود و فکر کرده است که چون اول شوط چهارم نیت جدا در این شوط نداشته باید این قسمت شوط را اعاده کند لذا بقیه شوط را بدون نیت رفته، و از حجر الأسود بقصد شوط چهارم طواف کرده است، آیا اشکالی در طواف حاصل می شود؟

امام خمینی (ره):

ج- اشکال دارد (3).

\*\*\* آیه الله (تبریزی)، آیه الله (فاضل): اشکال دارد و احتیاط این است که آن طواف را تمام کرده و نماز طواف را بخواند و طواف و نماز آن را اعاده کند.

\* آیه الله سیستانی: مگر این که جاهل قاصر باشد.

سؤال - کسانی در طواف بعد از انجام مقداری از آن، آن را رها می کنند و بلافاصله از نو شروع می کنند، طواف آنها چه صورت دارد، و چنانچه در سعی بوده حکم چیست؟

امام خمینی (ره):

ج- اشکال دارد و اگر بعد از شوط چهارم طواف بوده باید آن را تمام کنند و نماز بخوانند و دو مرتبه طواف و نماز آن را اعاده نمایند (4).

ص: 377

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، ص 655.

2-2- آراء المراجع، چاپ سوم، ص 302.

3-3- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، ص 656، ص 257.

4-4- همان، ص 657.

\* آیه الله سیستانی): مگر این که جاهل قاصر باشد.

\* آیه الله (مکارم): اشکال ندارد.

\* آیه الله (اراکلی): بعد از نصف شوط چهارم.

\* آیه الله (فاضل): و باید بعد از نماز اعاده گردد و حکم سعی بعدا بیان می شود.

\* آیه الله (خوئی): در صورت اعتقاد به جواز از سر گرفتن طواف، عمل مزبور مجزی است.

سؤال - در باره اشخاصی که قادر به طواف نیستند آیا نایب گرفته شود یا خودشان در تخت روان طواف داده شوند، با در نظر گرفتن این که متصدیان وسیله نامبرده، در خارج محدوده مطاف طواف می دهند؟

امام خمینی (ره):

ج- احتیاطا هر دورا انجام دهند. اگر چه طواف دادن در خارج مطاف کفایت می کند(1).

\*\* آیه الله (خامنه ای)، آیه الله مکارم): این احتیاط لازم نیست و طوافش صحیح است.

\* آیه الله (سیستانی): همه مسجد الحرام مطاف است.

\* آیه الله (غروی): در صورت ضرورت و اضطرار و اما در حال قدرت و اختیار خالی از اشکال نمی باشد.

\* آیه الله (بهجت): اگر می تواند به کمک دیگری مباشرتا در محدوده طواف کند باید این کار را بکند و در غیر این صورت واجب است نایب بگیرد که در محدوده طواف کند و طواف با تخت روان در خارج محدوده کفایت نمی کند.

سؤال - شخصی در حال طواف اشتباها بقصد طواف وارد حجر اسماعیل علیه السلام می شود و بعد که متوجه شد بر می گردد و از همان جا که وارد حجر شده بود طواف را شروع و شوط را کامل می نماید، آیا طوافش صحیح است یا نه؟

امام خمینی (ره):

ج- اشکال دارد. بلی، اگر پس از تذکر در حجر اسماعیل از حجر الاسود بقصد احتیاط

ص: 378

شوط را اعاده می کرد، و از محلی که وارد حجر شده قاصد جدی طواف بود، طوافش اشکال نداشت(1).

\*\*\* آیات عظام (خامنه ای)، (سیستانی)، (مکارم): آن دور باطل است و باید آن را از حجر الاسود اعاده کند ولی چون غالباً برگشتن به عقب مشکل است بهتر است همراه جمعیت آن دور را بدون نیت ادامه دهد سپس از حجر الاسود قصد کند.

آیه الله (بهجت): مستفاد از آن چه در ذیل مسأله 590 گذشت آن است که با اتمام آن به یک شوط، طواف صحیح است.

\* آیه الله (غروی): اگر همان ترتیب را هم عملی نماید طوافش اشکال دارد چون از حجر الاسود تا حجر اسماعیل را زیاده انجام داده است.

\* آیه الله (اراکي): و نیز اصل طواف را بنا بر احتیاط اعاده می کرد.

\* آیه الله (فاضل): شوط فاسد را اتیان کند و بنا بر احتیاط مستحب طواف را اعاده کند.

\*\*آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): و در فرض اخیر هم چون احتمال باطل شدن اصل طواف می رود احتیاط لازم آن است که پس از تمام کردن طواف و خواندن نماز دوباره طواف کند و نماز آن را بخواند(2).

سؤال - اگر در حال طواف یا سعی یا در نماز شک کند که شوط چندم و یا رکعت چندم است، و با همین حال طواف و سعی و نماز را ادامه دهد، بعد به یک طرف شک یقین کند، و اعمال را تمام نماید، آیا عملش به نحوی که ذکر شد صحیح است؟

امام خمینی (ره):

ج- اگر طواف یا سعی را در حال شک ادامه داد و بعد یقین به صحت پیدا کرد اشکال ندارد، و طواف و سعی صحیح است، ولی در نماز بدون نروی محل اشکال است، و احوط اعاده آن است(3).

\* آیه الله مکارم): به امید انجام وظیفه شرعی.

\* آیه الله (فاضل): ادامه دادن طواف و نماز و سعی در حال شک اشکال دارد. لذا در فرض

ص: 379

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، ص 659.

2-2- مناسک فارسی، ص 67.

3-3- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، ص 660، ص 260.

سؤال باید از ادامه اعمال خودداری کند و تروی کند و اگر به یک طرف اطمینان پیدا کرد طبق آن عمل کند و الا عمل را از نو انجام دهد و در این مسأله فرقی بین طواف و نماز و سعی نیست.

\* آیه الله (تبریزی): (طواف یا سعی اشکال دارد).

آیه الله (خوئی): بنا بر احتیاط صحیح نیست (1).

\*\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): اگر در حال سعی شک کند و در حال شک بقصد رجاء کشف حال ادامه دهد و بعد یقین به صحت پیدا کند سعی او صحیح است، و در طواف اگر از دلیل طواف لزوم حفظ هر شؤط استفاده شود حکم به صحت مشکل است و الا بعید نیست (2).

\* آیه الله (بهجت): متذکر حکم نماز نشده اند.

\* آیه الله (خامنه ای): در مورد سعی حکم به صحت فرموده اند و متعرض طواف و نماز نشده اند.

\* آیه الله (مکارم): همه شکها احتیاج به مختصری فکر دارد تا مشمول ادله شک گردد.

سؤال - زنی با شوهرش که یک دور طواف را انجام داده بود، نیت طواف کرد، و با او ادامه داد و بعد از شوط آخر مرد که شوط ششم زن است، او به جای این که یک شؤط دیگر بیاورد تا طوافش کامل شود، طواف را از سر گرفت، آیا طواف اول و دوم زن چگونه است؟  
امام خمینی (ره):

ج- احتیاط آن است که یک شؤط دیگر بقصد احتیاط به جا آورد که مجموعاً چهارده شوط می شود، و بعد از انجام نماز طواف، طواف و نماز را اعاده نماید (3).

\* آیه الله (غروی): بلکه احتیاط در این است که یک شؤط دیگری روی اشواط اضافه کند که در واقع تکمیل طواف دوم بوده و شوط اولی که آورده تکمیل طواف اول محسوب می گردد.

آیه الله مکارم: طوافی که از سر گرفته صحیح است.

\* آیه الله (تبریزی): با فرض تمشی قصد قربت، طوافش صحیح است.

ص: 380

1-1- آراء المراجع، چاپ سوم، ص 202.

2-2- همان، ص 268.

3-3- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، س 661، ص 260.



\* آیه الله سیستانی: اگر طواف جدید را پس از انجام منافی - مثل فوت موالات عرفی - به جا آورده صحیح است و گر نه طوافش اشکال دارد مگر آن که، جاهل قاصر باشد.

سؤال: در مطاف چیزهایی از افراد می افتند از قبیل ساعت، حرامی و غیره، و کسانی که طواف می کنند پا روی آن می گذارند، آیا برای طواف ضرر ندارد و موجب بطلان آن نمی شود؟

امام خمینی (ره):

ج- موجب بطلان طواف نمی شود(1).

\*\*\* آیات عظام (مکارم)، (گلپایگانی)، (صافی): ولی عمد، پا روی آن نگذارد.

سؤال: اگر انسان می داند که پا گذاشتن روی احرامی دیگران موجب اذیت و عدم رضایت او می گردد، آیا این عدم رضایت او به طواف ضرر ندارد؟

امام خمینی (ره):

ج- به طواف ضرر نمی زند(2).

\* آیه الله (مکارم): ولی عمدا این کار را نکنند مگر این که مانع عبور باشد.

\* آیه الله (گلپایگانی): ولی نباید اذیت دیگران را فراهم آورد(3).

سؤال - اگر کسی قبل از شوط چهارم طوافش را قطع و از نو طواف کند، گفته شده در صورتی که فاصله زیاد نشده باشد احتیاط این است که طواف قطع شده را تمام کند و اعاده هم بنماید، مراد از تمام کردن چیست، آیا فقط شوطی را که قطع کرده تمام کند یا ما بعدش را هم به جا آورد؟

امام خمینی (ره):

ج- طواف مزبور اشکال دارد و اتمام موضوع ندارد، و باید طواف را بعد از نماز طواف اول، اعاده کند احتیاطاً(4).

\* آیه الله گلپایگانی: در فرض مذکور صحت طواف بعید نیست(5).

ص: 381

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، س 662.

2-2- همان، س 663، ص 260

3-3- آداب و احکام حج، مسأله 545.

4-4- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، س 664، ص 260.



آیه الله (اراکي): گذشت که طوافی که از سر گرفته کافی است.

\* آیه الله مکارم): طوافی که از سر می گیرد اشکال ندارد.

سؤال - شخصی طواف را از حجر الأسود شروع کرد، و در هر شوط به رکن یمانی که می رسید نیت ختم میکرد و از حجر الأسود نیت شوط بعد را می نمود و هفت شوط طواف را این گونه تمام کرد به گمان این که ختم طواف و اشواط آن باید در رکن یمانی باشد، آیا وظیفه اش چیست؟

امام خمینی (ره):

ج- این طواف اشکال دارد، و باید اعاده شود (1).

\* آیه الله سیستانی): طواف او باطل است.

سؤال - گاهی مأمورین نظافت مسجد الحرام از کنار کعبه دست به دست هم میدهند و همان طور توسعه می دهند تا انسان از مطاف خارج می شود، آیا به همین مقدار بیرون کردن از مطاف، ضرورت حاصل است که طوافش در خارج از مطاف صحیح باشد یا باید صبر کند تا نظافت تمام شود، و اگر افرادی گمان می کردند که ضرورت است و طواف را انجام دادند حال تکلیفشان چیست؟

امام خمینی (ره):

ج- اگر امکان دارد که در حد، طواف کند باید صبر کند و در حد طواف کند، و در این صورت طواف در خارج حد صحیح نیست (2).

\*\* آیه الله (خامنه ای)، آیه الله مکارم): طواف حد معینی ندارد.

\*\*\* آیه الله (خوئی)، آیه الله (تبریزی): در فرض مزبور، طواف صحیح است.

آیه الله (فاضل): افرادی که به طریق مذکور عمل کرده اند طواف و نماز را باید اعاده کرده و احتیاطا سعی و تقصیر را نیز اعاده کنند و اگر کیفیت مذکور در طواف نساء واقع شده زن بر آنها حلال نشده است.

\* آیه الله (بهجت): می تواند در کناری قرار بگیرد تا بعد از تمام شدن کار آنها از آنجا که طوافش را قطع کرده بود به طوافش ادامه بدهد و صحیح است.

ص: 382

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، س 665، ص 262

2-2- همان، س 666.

\* آیه الله (سیستانی): بعید نیست که در بیشتر از مقدار ذکر شده [فاصله بین مقام ابراهیم و کعبه] هر چند کراهت دارد، طواف جایز باشد (1).

\* آیه الله (سیستانی): اگر قطع به این صورت بوده که از مطاف خارج شده و مشغول کاری شده است که عرفا گفته شود طوافش را قطع کرده است طواف دوم صحیح است و گرنه مشکل است مگر این که جاهل قاصر باشد.

سؤال - کسی که از اول بلوغ، سال خمسی برای خود قرار نداده است، اگر به حج مشرف شود و با همان پول که دارد احرامی تهیه و قربانی و مصارف در حج بکند، آیا برای حج او ضرر ندارد؟

امام خمینی (ره):

ج- اگر پول او از درآمد کسب و حقوق است و معلوم نیست که ربح بین سال است، بدون تخمیس حکم غصب را دارد که طواف و قربانی صحیح نیست (2).

\* آیه الله (سیستانی): در فرضی که خمس واجب باشد اگر همان طور که متعارف است به ذمه خریداری کرده باشد اشکال ندارد.

\* آیه الله (نوری): و باید خودش آنها را انجام بدهد و اگر چون مراجعت کرده قدرت ندارد باید برای انجام طواف و نماز طواف و قربانی نایب بگیرد.

\* آیه الله (اراکی): بنا بر اشاعه ولی چون حق این است که اشاعه نیست، پس آن چه با آن پول تهیه کرده است مالک شده طواف و قربانی او صحیح است.

\*\*\*\* آیات عظام (خوئی)، (تبریزی)، (صافی)، (بهجت): ولکن اگر همان طور که متعارف است به ذمه خریداری کرده باشد، حجتش صحیح است.

آیه الله (گلپایگانی): اگر با عین پول خمس نداده لباس احرام بخرد اشکال دارد (3).

سؤال - شخصی که با پول خمس نداده لباس احرام بخرد و با آن محرم شده، و طواف و نماز به جا آورد، وظیفه اش چیست؟

ص: 383

1-1- مناسک، مسأله 303.

2-2- مناسک حج (المحشی للإمام الخمینی)، س 667، ص 263.

3-3- آداب و احکام حج، مسأله 542.

امام خمینی (ره):

ج- اگر از روی علم و عمد نبوده، اصل عمره و حج او صحیح است، ولی در صورتی که جاهل مقصر باشد باید طواف و نماز را اعاده کند(1).

\* آیه الله (بهجت): اگر قصد قربت از او محقق نشده است(2).

\* آیه الله (فاضل): و بنا بر احتیاط سعی و تقصیر را نیز اعاده کند.

سؤال - اگر با پولی که معلوم نیست متعلق خمس است یا نه لباس احرام بخرد، آیا لازم است خمس آن را بدهد و اگر نداد طواف با آن چه صورت دارد؟

امام خمینی (ره):

ج- با فرض شک لازم نیست خمس بدهد و طواف صحیح است هر چند احتیاط مطلوب است(3).

\* آیه الله سیستانی: اگر احتمال می دهد خمس به آن متعلق باشد به احتیاط واجب باید با حاکم شرع به نسبت احتمال مصالحه کند ولی طواف با فرض خرید بنحو کلی فی الذمه صحیح است.

\* آیه الله (خوئی): صور مسأله مختلف است و احتیاط به مصالحه با حاکم شرع ترک نشود(4).

\* آیه الله (تبریزی): اگر احتمال می دهد از ربی می خرد که سال بر آن نگذشته اشکال ندارد.

سؤال - شخصی در سال گذشته که حج تمتع واجب خود را انجام می داده، تنها نماز طواف را به گمان این که کفایت میکند بدون طواف، انجام داده است و سپس باقی اعمال را انجام داده، آیا چه وظیفه ای دارد؟

امام خمینی (ره):

ج- با فرض این که طواف حج را از روی جهل به مسأله ترک کرده و به محلس برگشته است باید حج را اعاده کند، و یک شتر( قربانی نماید(5).

ص: 384

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخمینی)، س 668، ص 263.

2-2- وسیله، ص 179.

3-3- مناسک حج (المحشی للإمام الخمینی)، س 669، ص 264.

4-4- استفاد از منهاج الصالحین، کتاب الخمس، ص 343.

5-5- مناسک حج (المحشی للإمام الخمینی)، س 670، ص 264.

**\*\* آیه الله (خوئی)، آیه الله (فاضل):** بلکه در صورتی که طواف عمره را هم از روی جهل ترک کرده باشد عمره باطل می شود ولی کفاره ندارد و باید حج را در سال بعد اعاده کند(1).

\* آیه الله (مکارم): بنا بر احتیاط واجب.

\* آیه الله (بهجت): بنا بر احتیاط (2).

**\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی):** متعرض کاره نشده اند ولی قبل از انجام عمره مفرده احتیاطا از نزدیکی با زن خودداری نماید.

سؤال - تعدادی مشغول طواف عمره یا زیارت بودند، که شروع کردند مسجد را نظافت کنند، ناچار طواف کننده ها از مطاف خارج شدند، مدتی طول کشید خیال کردند موالات عرفیه بهم خورده است، طواف را از سر گرفته اند، بفرمایید در صورتی که بهم خوردن موالات مشکوک باشد، طوافشان درست است یا نه؟

امام خمینی (ره):

ج- اشکال دارد(3).

آیه الله (مکارم): اشکال ندارد.

**\*\*\* آیات عظام (نوری)، (اراکی)، (سیستانی):** طوافشان صحیح است.

سؤال - زنی است که قادر بر طواف کردن نیست، امر دائر است بین این که با تخت در خارج مطاف، طواف دهند و یا نامحرم او را پشت کند و در مطاف طواف دهد، وظیفه چیست؟

امام خمینی (ره):

ج- باید او را در مطاف، طواف دهند، هر چند نامحرم او را پشت کند(4).

\* آیه الله خامنه ای، آیه الله مکارم): با توجه به این که مطاف حد معین ندارد او را با تخت در پشت مقام ابراهیم طواف دهند.

\* آیه الله (تبریزی): با تخت در خارج از حد او را طواف دهند.

ص: 385

---

1-1- مناسک، مسأله 325.

2-2- مناسک شیخ، ص 35.

3-3- مناسک حج (المحشی للإمام الخمینی)، س 671، ص 264.

4-4- همان، س 672.

\* آیه الله (گلپایگانی): با توجه به این که طواف با اتصال به طواف کنندگان از هر فاصله صحیح است با تخت طواف دهند(1).

سؤال - کسی که وظیفه اش اتمام و اعاده طواف است، اتمام کرد و مشغول اعاده بود که دوباره در یکی از شؤطهای طواف قطع شد مثل اول، آیا این طواف را نیز باید اتمام و اعاده نماید؟

امام خمینی (ره):

ج- فرقی نیست(2).

سؤال - شخصی در حال طواف افتاد و غش کرد و چند ساعت بعد به هوش آمد، آیا می تواند از همان جا که طواف را قطع کرده بود شروع کند و باقی اعمال را ادامه دهد یا نه؟

امام خمینی (ره):

ج- اگر قبل از شوط چهارم بوده، وضو بگیرد و طواف را اعاده نماید، و اگر بعد از شوط چهارم بوده، باید وضو بگیرد و طواف را اتمام کند(3).

\* آیه الله (خوئی): فرض مزبور را متعرض نشده اند و مقتضی احتیاط اعاده طواف به نیت اعم از اتمام و تمام است.

\* آیه الله (فاضل): چون اغما مثل حدث مبطل وضو است.

سؤال - آیا بعض شؤطهای طواف و سعی برای کسانی که قادر نباشند خودشان انجام دهند، قابل نیابت است یا نه؟

امام خمینی (ره):

(4) ج- بلی، قابل است .

\*\* آیه الله (خوئی)، آیه الله (تبریزی): اگر کسی از اتیان طواف یا سعی یا رمی کامل عاجز باشد ولی به انجام مقداری از آن قادر باشد بایستی برای تمام عمل نایب بگیرد.

\* آیه الله (فاضل): اگر از ابتدا از انجام طواف مأیوس باشد و امکان طواف دادن او نباشد

ص: 386

1-1- آداب و احکام حج، مسأله 568.

2-2- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، س 673، ص 264.

3-3- همان، س 674.

4-4- همو، س 675، ص 264.

باید برای همه آن نایب بگیرد و اگر بعد از دور چهارم از انجام بقیه آن عاجز شده است می تواند برای بقیه نایب بگیرد و در این فرض خودش نماز طواف را بخواند و احتیاطاً نایب نیز نماز بخواند و اگر کمتر از چهار دور به جا آورده نیابت در بقیه صحیح نیست.

**\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی):** بعید نیست طواف حکم نماز را داشته باشد و تبعیض در اشواط آن در نیابت محتاج دلیل است، پس باید در همه طواف نیابت کند(1).

سؤال - با وضعیت فعلی که جمعیت حجاج خیلی زیادند، و عده ای از ضعفاء نمی توانند در مطاف طواف کنند، آیا توسعه در مطاف هست، و نیز خلف مقام که یا نمی شود نماز خواند و یا مصادف با اذیت طواف کنندگان است و اطمینان از تمام کردن نماز مخصوصاً برای ضعفاء نیست، نماز خواندن در دورتر چه حکمی دارد؟ و آیا شخصی که وارد مکه شد می تواند فوراً به اعمال طواف و نماز هر جور که ممکن باشد مشغول شود یا باید در حال احرام بماند که وقت ضیق شود، مثلاً تا شب نهم، و آن وقت چنین کند، و معلوم است برای همه کس میسر نیست؟

امام خمینی (ره):

ج- اگر می توانند ولو در وقت خلوت در مطاف طواف کنند باید در حد آن طواف نمایند، و نماز خواندن در مکان دور در مورد ضرورت مانع ندارد، و صبر لازم نیست(2).

\* آیه الله (نوری): در مطاف رعایت حد معینی لازم نیست همین قدر که صدق طواف دور خانه کعبه بکند کافی است هر چند هر قدر به خانه خدا نزدیکتر انجام بگیرد اولی است.

\* آیه الله (مکارم): طواف حد معینی ندارد.

سؤال - دختری در کودکی و یا اوائل سنین بلوغ جنب شده و تا کنون هم ازدواج نکرده است، با توجه به این که در سنین بالاتر نمی دانسته به واسطه فعلی که در کودکی انجام شده جنب گشته است و در نتیجه غسل جنابت را تا حال انجام نداده است و با این کیفیت به حج نیز رفته است، تکلیف او چیست؟ آن غسلهایی که یقیناً انجام داده است، حیض و جمعه بوده است با توجه به موارد یاد شده فوق این سؤالها مطرح است:

1- وضع نماز و روزه و کلیه عباداتی که بعد از بلوغ تا کنون انجام داده است چیست؟

ص: 387

1-1 آراء المراجع، ص 249.

2-2 مناسک حج (المعشی للإمام الخمينی)، س 676، ص 266.



2- آیا در زمان حال محرم است، و به صورت احرام وارد مکه و خارج شده است؟ و در صورت محرم بودن آیا تا زمانی که اعاده حج نکند، جمیع محرمات که در آن ایام حرام است بر این شخص حرام می باشد یا خیر؟

3- در صورتی که فقط حجتش باطل باشد ولی محرم نباشد چگونه می تواند با وضع اعزام حجاج به بیت الله الحرام که چند سال یک بار این توفیق حاصل می شود، اعاده حج کند؟

امام خمینی (ره):

ج- اگر یقین دارد که جنب شده، بدون غسل جنابت نماز و طواف او صحیح نیست و غسلهای دیگر کفایت از غسل جنابت نمی کند، و در فرض مسأله نمازهایی را که با این حال خوانده باید قضا کند، و اگر نمی دانسته جنب است و روزه گرفته روزه های او صحیح است و قضا ندارد، و حج در مفروض سؤال صحیح است ولی طوافهای عمره و حج و نساء و نمازهای آنها را باید دو مرتبه به جا آورد، و اگر خودش نمی تواند برود برای آنها نایب بگیرد، و تا طواف حج و طواف نساء و نماز آنها را انجام نداده یا با عدم قدرت، نایب او به جا نیاورده باید از بوی خوش و ازدواج و محرماتی که با طواف نساء حلال می شود، اجتناب نماید(1).

\* آیه الله (اراکلی): در صورت جهل قصوری.

\* آیه الله (بهجت): کفایت غسل واجب که انجام داده است از آن بعید نیست اگر چه احوط خلاف آن است و در کفایت غسل مستحب از آن اشکال است احتیاط ترک نشود(2).

\*\*\* آیات عظام (خوئی)، (تبریزی)، (سیستانی): بلکه اگر غیر از جنابت نیز، یکی از آنها را قصد کرده باشد اقوی کفایت است، بنا بر این اعمالی که بعد از غسل حیض یا جمعه انجام داده تمام آنها صحیح است و فقط نمازهایی که بعد از جنب شدن و قبل از اولین غسل حیض یا جمعه خوانده باطل و قضا دارد.

آیه الله (گلپایگانی): بنا بر احتیاط غسل مستحبی کفایت از غسل واجب نمیکنند و در این مسأله می تواند رجوع کند به کسی که غسل مستحبی را کافی از غسل واجب می داند و در این صورت حج او صحیح و چیزی بر او نیست(3).

ص: 388

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، س 677، ص 266.

2-2- وسیله، ص 59.

3-3- مجمع المسائل 1/470، مسأله 14.

\* آیه الله (فاضل): اگر غسل واجبی انجام داده از غسل جنابت کفایت میکند بنابراین همه اعمالی که بعد از غسل انجام داده است صحیح است.

\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): حج او باطل است و شخص مذکور باید با اعمال عمره مفرده از احرام خارج شود.

آیه الله (بهجت): و به احتیاط واجب در صورت امکان عمره مفرده به جا آورد با فرض بقاء حالت جنابت او (1).

\* آیه الله مکارم): احتیاطا، و تقصیر را نیز اعاده کند.

\* آیه الله (اراکي): باید آنها را به دوش بگیرند طوری که پاهایشان به زمین کشیده شود، و در صورت عدم امکان، آنها را به دوش بگیرند، و اگر این هم ممکن نیست قابل نیابت است.

\* آیه الله مکارم): در صورتی که بشود در باقی مانده آنها را طواف داد باید چنین کنند، و در غیر این صورت برای تمام طواف نایب بگیرند.

آیه الله سیستانی): اگر از ابتدا بدانند که نمی توانند طواف را تمام کنند باید برای همه آن نایب بگیرد و هم چنین اگر قبل از اتمام شوط چهارم عاجز شود، ولی اگر بعد از آن باشد می تواند برای باقی مانده نایب بگیرد، ولی در سعی اگر از یک شوط هم عاجز باشد باید برای همه آن نایب بگیرد.

سؤال - شخصی در اثناء طواف، محدث شده و خجالت کشیده بگوید و با همین حالت اعمال را اتمام کرده و به ایران بازگشته، مستدعی است بفرمایید:

1- حش چه صورت دارد؟

2- اگر اعاده لازم است، آیا می تواند نایب بگیرد یا باید شخصا انجام دهد؟

امام خمینی (ره):

ج- اگر با اعتقاد صحت، اعمال را تمام کرده حش صحیح است و باید طواف و نماز آن را اعاده کند، و اگر خودش نمی تواند برود باید نایب بگیرد، و اگر در فرض مزبور حدث بعد از شوط چهارم باشد به تفصیل مذکور در مناسک طواف را تدارک کند، و چنانچه کار او عمدی

ص: 389

بوده یا با تردید و عدم اعتقاد به صحت انجام داده، شقوق و صوری دارد که در بعضی آنها صحت حج مشکل است(1).

\* آیه الله (فاضل): اگر جاهل قاصر بوده است حج او صحیح است اما باید طواف و نماز آن را اعاده کند و بنا بر احتیاط سعی را نیز اعاده کند. و اگر در طواف عمره بوده تقصیر را نیز اعاده کند و اگر حدث بعد از شوط چهارم باشد حج او مطلقاً صحیح است ولی باید خودش و اگر نتواند نایبش بقیه اشواط را به جا آورد و اگر بعد از سه دور و نیم و قبل از تمام شدن دور چهارم محدث شده باید احتیاط کند. و چنانچه کار او عمدی بوده یا با تردید و عدم اعتقاد به صحت انجام داده یا جاهل مقصر بوده است صوری داری که در بعضی از آن صور حج باطل است. بلی اگر حدث در طواف نساء بوده حج مطلقاً صحیح است ولی طواف نساء را باید طبق مسأله 549 انجام دهد.

\* آیه الله سیستانی: اگر وقت عمل گذشته است در هر صورت حجتش فاسد است.

آیه الله (خوئی): اگر وقت طواف و اعمال بعد از آن باقی است تدارک می کند و گرنه حجتش باطل است(2).

\* آیه الله (مکارم): در تمام صور حج او مشکل است.

\* آیه الله (تبریزی): حجتش فاسد است.

سؤال - ما در شب، ساعت 9 از مسجد شجره برای زیارت و انجام اعمال به سوی مکه حرکت کردیم، در نزدیکی اذان صبح به کعبه رسیدیم، و چون زائران قبلی مشغول نماز صبح بودند سرپرست کاروان از ما تقاضا کرد مقدار کمی صبر کنیم تا پس از نماز ما را طواف دهد، ولی در این مهلت به علت خستگی زیاد چند بار من خوابم برد چون آب در دسترس خود نمی دیدم و جایی را نمی شناختم، روی ریگهای اطراف باغچه تیمم کردم و طواف و نماز آن را انجام دادم، آیا عمل حج من با این توصیف صحیح است یا نه؟

امام خمینی (ره):

ج- با این که برای شما امکان داشته که وضو بگیرید ولو به این نحو که به منزل بروید و مثلاً برای روز بعد اعمال را انجام دهید، تیمم صحیح نبوده است، و اگر عمل شما با اعتقاد به صحت

ص: 390

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخمینی)، س 678، ص 268.

2-2- استفاد از المسائل الشرعیه، ج 1، ص 342.

بوده از احرام خارج شده اید و فقط باید طواف و نماز را اعاده کنید، و اگر خودتان نمی توانید بروید باید نایب بگیرید(1).

\* آیه الله (فاضل): و جاهل قاصر بوده اید طواف و نماز و سعی و تقصیر را هم اعاده کنید و اگر مقصر بوده اید طبق حاشیه مسأله قبل عمل کنید.

\* آیه الله (بهجت): اگر بعد از تقصیر بفهمد که طوافش باطل بوده است لازم است اعاده کند و احتیاطا سعی و تقصیر را نیز اعاده کند و اگر بعد از اعمال حج فهمید غیر از تدارک در صورت امکان عمره مفرده هم به جا می آورد علی الأحوط (2).

\*\*آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): و در هر صورت از احرام خارج نشده اید و اگر قبل از وقوفین باشد پس از طهارت، طواف و نماز و سعی و تقصیر عمره تمتع را انجام دهید و سپس محروم شوید برای حج تمتع و اگر بعد از وقوفین یا بعد از حج بفهمد حج او مبدل به حج افراد می شود و بعد از اعمال حج احتیاطا عمره مفرده انجام دهد و سال بعد ثانیه عمره و حج تمتع را به جا آورد (3).

\* آیه الله مکارم): خارج شدن از احرام خالی از اشکال نیست.

آیه الله (تبریزی): اگر تدارک نکرده اید، حج شما اشکال دارد.

\* آیه الله سیستانی): حج باطل است و به احتیاط واجب باید یک شتر کفاره بدهید.

سؤال - اگر کسی قبل از حجر الاسود طواف را شروع نمود و به همان جا ختم کرد، آیا طوافش باطل است؟

امام خمینی (ره):

ج- بلی، طواف باطل است (4).

آیه الله (بهجت): اگر کمبود طواف یعنی از موضع شروع تا حجرالاسود را جبران کند طوافش صحیح است (5).

ص: 391

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، س 679، ص 269

2-2- مناسک، س 85 و 75.

3-3- استفاد از مجمع المسائل 1/ 478 مسأله 47، و 474 مسأله 32 و ...

4-4- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، س 680، ص 268.

5-5- استفاد از س 83، مناسک.

سؤال - اگر در هنگام خروج از مطاف، بعد از پایان هفت شوط مقداری مسافت را بقصد جزئیت به جا بیاورد، آیا مبطل طواف است؟

امام خمینی (ره):

ج- اگر عمدی باشد مبطل است، و در صورت سهو قطع کند، و طوافش صحیح است(1).

\* آیه الله (سیستانی): در مورد سهو رجوع شود به حاشیه مسأله 614، و اگر جاهل باشد صحت طواف او مورد اشکال است مگر این که جاهل قاصر باشد.

سؤال - شخصی بیش از چهار شوط از طواف انجام نداد، و بدون این که نماز طواف را بخواند سعی را شروع کرد و یکی دو شوط از سعی را انجام نداده تقصیر نمود و از احرام خارج شد، تکلیف او چیست؟

امام خمینی (ره):

ج- اگر این شخص قصد هفت شوط طواف یا سعی را نداشته، عملش باطل است و باید تمام اعمال را اعاده کند(2).

\* آیه الله (خوئی): بنا بر احتیاط باید طواف را اتمام و اعاده نموده و سایر اعمال را تدارک نماید.

\* آیه الله (غروی): اگر قصد هفت شوط طواف یا سعی را هم داشته باشد چون قطعش قبل از چهار شوط بوده باطل است و باید از سر بگیرد.

\* آیه الله (فاضل): اگر قصد هفت شوط را هم در ابتدا داشته باشد و عمدا و یا با جهل تقصیری طواف را به این کیفیت انجام داده باشد باطل است و باید تمام اعمال را اعاده کند.

سؤال - کسی نتوانسته است بیش از دو شوط از طواف خود را انجام دهد، و بقیه اشواط را دیگری به جای او انجام داده است، وظیفه او چیست؟

امام خمینی (ره):

ج- با فرض عذر حتی در آینده عمل مزبور صحیح است و نماز را بخواند(3).

ص: 392

1-1 - مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، س 681، ص 270.

2-2 - همان، س 682، ص 270.

3-3 - همو، س 683.

\* آیه الله (فاضل): اگر قدرت بر انجام طواف ولو در آینده نداشته باشد باید برای تمام طواف نایب بگیرد و نماز طواف را نیز نایب بخواند.

\* آیه الله (مکارم): باید برای تمام طواف نایب بگیرد.

سؤال - آیا می شود قبل از شوط چهارم، طواف را بدون عذر بهم زد و آن را کأن لم یکن دانست، و یا مانند نماز قطع کردن آن جایز نیست؟

امام خمینی (ره):

ج- قطع مانع ندارد، ولی قبل از فوات موالات نمی توان آن را از سر گرفت (1).

\* آیه الله (غروی): احوط لزومی عدم قطع طواف واجب است من دون عذر.

آیه الله (خوئی): قطع طواف جایز نیست (2).

\* آیه الله (مکارم): از سر گرفتن آن مانعی ندارد.

سؤال - کسی که از طواف حتی در خارج مطاف عاجز است و بخاطر گرانی طواف با تخت روان، انجام آن برای او مشکل است، آیا طواف نیایی در محدوده از او کفایت نمی کند؟

امام خمینی (ره):

ج- اگر از طواف با تخت روان نیز معذور است نایب بگیرد (3).

\* آیه الله (فاضل): یا برایش حرجی است.

سؤال - اگر کسی یک شوط طواف را از درون حجر به جا آورده و بقیه اعمال را انجام داده است تکلیف او چیست؟

امام خمینی (ره):

ج- باید یک شوط طواف و نماز طواف را اعاده کند، و اگر با اعتقاد صحت بوده بقیه اعمال صحیح است (4).

\*\*\* آیه الله (خوئی)، آیه الله (تبریزی): اگر طواف کننده داخل حجر اسماعیل علیه السلام شود آن شوط باطل می شود و باید آن را اعاده کند و بهتر اعاده طواف است بعد از اتمام آن و این

ص: 393

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، ص 684، ص 271.

2-2- استفتاءات موجود نزد آقای موسوی مددی، ص 255، ص 763.

3-3- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، ص 685، ص 271.



در صورت بقاء موالات است و در صورت فوت موالات طواف محکوم به بطلان است اگر چه از روی جهل یا نسیان باشد. سؤال: از داخل حجر طواف کرده و در وقت طواف حج به اشتباه خود واقف شد؟ جواب: در مفروض سؤال حج او باطل است به بطلان عمره اش. (فتوای آیه الله (تبریزی) هم مثل همین است).

\*\*\* آیه الله (مکارم)، آیه الله (فاضل): احتیاط آن است که سعی و تقصیر را نیز اعاده کند.

\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): احتیاط آنست که یک طواف کامل و نماز آن و اعمال مترتبه را نیز انجام دهد.

\* آیه الله (اراکي): صحت بقیه اعمال محل اشکال است، و احوط اعاده بقیه است.

آیه الله (سیستانی): در فرض جهل و فوت موالات باید طواف و سایر اعمال را اعاده کند، و اگر وقت تدارک گذشته باشد عمره او باطل است و به احتیاط واجب باید یک شتر کفاره بدهد.

\* آیه الله (بهجت): آن شوط و نماز طواف را اعاده کند و احتیاطا سعی و تقصیر نیز اعاده نماید.

سؤال - در مواردی که شخص شک در اشواط کند حکم به بطلان طواف می فرمایید، حالا اگر کسی تجدید طواف نمود و در این میان کشف شد که طواف اول شش شوط داشته، و از طواف جدید نیز سه شوط انجام داده است، تکلیف او چیست؟

امام خمینی (ره):

ج- اشکال دارد و باید احتیاط کند(1).

\*\*\* آیات عظام (فاضل)، (سیستانی)، (تبریزی): طواف دوم محکوم به صحت است همان را به اتمام برساند.

آیه الله (خوئی): فتوای ایشان در دست نیست و لذا طبق مبنای ایشان برای عمل به احتیاط کافی است چهار شوط دیگر به نیت اعم از اتمام طواف اول در صورتی که وظیفه اش اتمام آن باشد و اتمام طواف دوم در غیر آن صورت به جا آورد.

\* آیه الله مکارم): صبر می کند، تا موالات طواف دوم به هم بخورد سپس طواف اول را تکمیل کند.

ص: 394



**\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی):** باید احتیاط کند به این که طواف دوم را رها کند و طواف قبلی را تکمیل نماید و پس از نماز طواف قبلی طواف و نماز آن را بطور کامل اعاده نماید(1).

**آیه الله (غروی):** در صورتی که موالات عرفی از بین نرفته باشد یک شؤط دیگری انجام می دهد و با این عمل طواف اولش صحت پیدا می کند.

**سؤال - بعضی به تصور این که طواف 14 دور است با این کیفیت طواف انجام داده اند، آیا مخل به طواف است؟**

**امام خمینی (ره):**

**ج- اگر بقصد 14 شؤط طواف کرده، طوافش باطل است(2).**

**\* آیه الله (فاضل):** اگر جاهل قاصر بوده طوافش صحیح و اعاده مستحب است.

**\* آیه الله (سیستانی):** اگر جاهل قاصر باشد صحیح است و گرنه مشکل است.

**سؤال - اگر کسی طواف عمره را فراموش کرد و یا آن را ناقص انجام داد و در عرفات به یاد آورد، تکلیف چیست؟ و آیا انجام و یا متمیم آن فوریت دارد؟**

**امام خمینی (ره):**

**ج- می تواند بعد از اعمال منا آن را تدارک کند و فوریت ندارد(3).**

**آیه الله (بهجت):** و اگر سعی را انجام داده سعی را بنا بر احتیاط اعاده کند.

**\* آیه الله (مکارم):** احتیاط آنست که سعی را نیز اعاده کند.

**\* آیه الله (سیستانی):** به احتیاط واجب قبل از طواف حج آن را تدارک کند پس اگر کسری آن سه شؤط یا کمتر است تکمیل نماید و اگر بیشتر است تکمیل کند و به احتیاط واجب اعاده کند.

**سؤال - اگر کسی جهلا طواف را بیش از هفت شؤط آورد و بقیه اعمال بعد از آن را به جا آورد، تکلیف او چیست؟**

**ص: 395**

---

1-1- آداب و احکام حج، مسأله 587.

2-2- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، س 688، ص 272.

3-3- همان، ص 689.

امام خمینی (ره):

ج- اگر از اول قصد بیش از هفت شوط داشته، طواف و نمازش صحیح نیست. و باید آنها را اعاده کند، و ظاهراً اعاده بقیه اعمال لازم نیست، ولی اگر قصد هفت شوط داشته و بعد از تمام شدن، زیاد کرده، پس اگر چهار شوط یا بیشتر زیاد کرده، احتیاط آن است که بقیه را تا چهارده شوط متمیم کند و یک نماز دیگر هم به جا آورد و طواف و نماز را اعاده کند، و اگر کمتر از چهار شوط زیاد کرده و موالات عرفیه بهم خورده است احتیاط واجب اعاده طواف و نماز است و اگر موالات عرفیه بهم نخورده حکم صورت قبل را دارد(1).

\* آیه الله (فاضل): مگر این که جاهل قاصر باشد.

\* آیه الله سیستانی: در هر صورت اگر جاهل قاصر باشد طوافش صحیح است و گرنه مشکل است و به احتیاط واجب باید آن را و اعمال پس از آن را اعاده کند.

\* آیه الله (فاضل): بنا بر احتیاط بقیه اعمال را اعاده کند.

\* آیه الله (خوئی): بنا بر احتیاط طواف باطل است و بقیه اعمال بعد از آن را هم اعاده نماید(2).

\* آیه الله مکارم: این صورت هم مانند صورت اول است باید زیاده را رها کرده از سر بگیرد.

\* آیه الله (فاضل): اگر سهواً اضافه کرده و قبل از یک دور متوجه شده آن را قطع کند و طواف صحیح است و اگر بعد از یک دور متوجه شود باید طواف را به احتیاط واجب تا چهارده دور به قصد قربت تمام کند و دو رکعت نماز برای طواف واجب قبل از سعی بخواند، و به احتیاط مستحب دو رکعت برای طواف مستحب نیز بعد از سعی بخواند.

سؤال - شخصی طواف حج واجب خود را غلط انجام داده و پس از آن چندین بار حج نیایی انجام داده است، تکلیف او در مورد حج خود و دیگر حجها چیست؟

امام خمینی (ره):

ج- مانع ندارد و باید طواف حج خود را تدارک کند، و حجهای نیایی که انجام داده صحیح هستند(3).

ص: 396

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، ص 690، ص 273.

2-2- استفتاءات، ص 243، ص 719 و المسائل الشرعية، ج 1، ص 345، ص 19.

3-3- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، ص 691، ص 273.

\* آیه الله (سیستانی): در فرض جهل به مسأله حج او باطل است و به احتیاط واجب باید یک شتر کفاره بدهد و سایر حجها صحیح است.

\* آیه الله (مکارم): اگر از روی سهو و فراموشی باشد حج او صحیح است و اگر عمدا باشد یا جهلا حج او اشکال دارد.

\*\* آیه الله (خوئی)، آیه الله (تبریزی): در فرض عمد یا جهل حجش باطل است ولی حجهای نیایی صحیح است.

\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): اگر از روی عمد ولو با جهل به مسأله بوده حج هایی که انجام داده اشکال دارد و اگر از روی نسیان بوده طواف حج خود را به جا آورد و سعی را احتیاطا انجام دهد و حجهای نیایی او صحیح است.

\* آیه الله (فاضل): و اگر عمد چنین کرده باید حج خودش را اعاده کند و سایر حجها اگر خللی در آنها ایجاد نکرده باشد محکوم به صحت است.

آیه الله (غروی): یعنی در صورتی که آنها را مثل طواف خود غلط انجام نداده باشد.

سؤال - شخصی طواف خود را انجام داده است و بعدا دو شوط طواف رجاء برای جبران نقص احتمالی به جا می آورد، آیا این عمل خللی به طواف او می رساند؟

امام خمینی (ره):

ج- ضرر ندارد، ولی جبران نقص نمی کند (1).

\* آیه الله (اراکي): و باید طواف را اعاده کند.

\* آیه الله (مکارم): طواف او اشکال دارد..

\* آیه الله (بهجت): قصد جبران قصد زیاده نیست (2).

آیه الله (سیستانی): طواف او اشکال دارد مگر این که جاهل قاصر باشد.

سؤال - شخصی در دور پنجم طواف عذری برایش پیش آمد، آیا بعدا باید همین طواف را تکمیل کند، یا طواف دیگری انجام دهد؟

ص: 397

---

1-1 - مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، س 692، ص 274.

2-2 - مناسک، س 090

امام خمینی (ره):

ج- باید همین طواف را تکمیل کند(1).

سؤال - شخصی در حین طواف ، اندکی خون در بینی خود می بیند و آن را با دستمال پاک می کند و طواف خود را تمام می نماید، آیا این طواف صحیح است؟

امام خمینی (ره):

ج- اگر بینی او نجس شده باید بینی خود را آب بکشد و طواف را تکمیل کند، و اگر بدون تطهیر بینی طواف را ادامه داده، احتیاط آن است که بعد از تکمیل و نماز، طواف و نماز را اعاده کند، و هم چنین اگر دستمال نجس همراه او بوده است(2).

\* آیه الله (فاضل): و سعی و تقصیر را اعاده کند.

\* آیه الله (خوئی): محمول متنجس و هم چنین لباس کمتر از مقدار ساتر در طواف عیبی ندارد(3).

آیه الله مکارم): لباسهای کوچک که به تنهایی ستر عورت نمی کنند اگر نجس باشند ضرری ندارند خواه بصورت محمول باشند یا لباس.

آیه الله (بهجت): حکم دستمال نجس و نیز اعاده طواف و نماز را متذکر نشده اند.

آیه الله سیستانی): اگر ظاهر بدن و لباس نجس نشود طواف صحیح است و همراه داشتن چیز متنجس ضرر ندارد.

سؤال - شخصی در شوط دوم طواف شک می کند که آیا طواف را به نیت منوب عنه یا به نیت خود آغاز کرده است، وظیفه او چیست؟

امام خمینی (ره):

ج- احتیاط آن است که طواف را به نیت منوب عنه اتمام کند و پس از نماز، دو مرتبه آن را با نماز دیگر اعاده کند(4).

\* آیه الله (خامنه ای): می تواند طواف مزبور را به نیت منوب عنه اتمام کرده و پس از نماز آن را با نماز، اعاده کند و می تواند صبر کند تا موالات عرفیه به هم خورده و سپس آن را اعاده کند.

ص: 398

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، س 693، ص 274

2-2- همان، س 694.

3-3- مناسک، مسأله 300.

4-4- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، س 695، ص 275.

\* آیه الله (فاضل): در فرض سؤال به نیت آن چه نیت کرده آن را تمام کند و نماز طواف را بخواند. اما نمی تواند به آن اکتفا کند و باید طواف و نماز آن را به نیت منوب عنه اعاده کند.

آیه الله (سیستانی): باید طواف را به نیت نیابت از سر بگیرد.

سؤال - شخصی در اثناء طواف به خاطر تقبیل و لمس بیت الله الحرام از مسیر خود منحرف شده، و نمی داند در بازگشت، طواف را از همان نقطه که رها کرده بود ادامه داده است یا نه، آیا طوافش صحیح است؟

امام خمینی (ره):

ج- اگر ملتفت بوده که از همان محلی که طواف را رها کرده شروع کند، و بعداً شک عارض شده، حکم به صحت نماید، و در غیر این صورت اکتفا به طواف مزبور محل اشکال است (1).

\* آیه الله خامنه ای، آیه الله (خوئی): احتمال التفات کافی است.

\* (سیستانی): در هر دو فرض عمل صحیح است.

سؤال - شخصی در اثناء طواف بر اثر فشار جمعیت چند گام به جلو رانده شده است، پس از آن به جای این که همان مقدار را جبران کند، شوط دیگری آورده، که مجموعاً هفت شوط تمام و یک شوط ناقص می شود، آیا این طواف صحیح است؟

امام خمینی (ره):

ج- طواف او اشکال دارد و باید آن را اعاده کند (2).

\*\* آیه الله (سیستانی)، آیه الله (فاضل): مگر این که جاهل قاصر باشد.

سؤال - شخصی بعد از اتمام طواف سهواً یک شوط زیاد کرده است و بعد مرد است که سه یا چهار شوط دیگر به جا آورده است، و سپس همه اعمال عمره را نیز انجام داده است، آیا طواف او باطل است، و آیا تردید در عدد اشواط اضافی مضر نیست؟

امام خمینی (ره):

ج- مضر است، و باید طواف و نماز را اعاده کند (3).

ص: 399

1-1 - مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، س 696.

2-2 - همان، س 697، ص 275.

3-3 - مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، س 698، ص 276.

\* آیه الله (خوئی): بنا بر احتیاط باید شوط زائد را به نیت قربت مطلقه تمام می نمود (1).

لازم به تذکر است برای رعایت احتیاط، اعاده سعی و تقصیر هم لازم است (2).

\* آیه الله (مکارم): بنا بر احتیاط.

\* آیه الله (سیستانی): مانند سؤال قبل است.

سؤال - شخصی بر اثر شلوغی، مقداری از طواف را در خارج مطاف انجام داد، و بعد نیز بقیه اعمال را انجام داده است، تکلیف او چیست؟

امام خمینی (ره):

ج- اگر ممکن نبوده و لو در وقت دیگر که در حد، طواف کند اشکال ندارد، و گرنه باید طواف و نماز اعاده شود (3).

\*\* آیه الله (فاضل)، آیه الله (بهجت): و احتیاطا سعی و تقصیر را نیز اعاده نماید.

\* آیه الله (مکارم): در هر صورت اعاده لازم نیست.

سؤال - کسی که وظیفه او وضوی جیره ای و تیمم است اما از روی جهل، بدون تیمم، اعمال عمره را انجام داده است، وظیفه او چیست؟

امام خمینی (ره):

ج- طواف و نماز آن، باید اعاده شود (4).

\* آیه الله سیستانی): اگر وقت تدارک باقی است باید طواف و سعی و تقصیر را اعاده کند و اگر وقت تدارک گذشته است حجتش محکوم به بطلان است مگر این که در کفایت وضو به غیر رجوع کند با رعایت الاعلم فالاعلم اگر از موارد رجوع باشد.

\* آیه الله (مکارم): احتیاط آن است که اعمال بعد از آن را نیز اعاده کند.

\*\* آیات عظام (خوئی)، (تبریزی)، (فاضل): سعی و تقصیر را هم باید اعاده کند.

سؤال - شخصی شوط اول طواف را خارج از مطاف و بقصد طواف انجام داده، بعد

ص: 400

1-1 - مناسک، مسأله 318.

2-2 - المسائل الشرعیه، ج 1، ص 335، س 19.

3-3 - مناسک حج (المحشی للإمام الخمینی)، س 699، ص 276.



متوجه شده است که طواف باید در محدوده معینی باشد، لذا مجدداً طواف را در مطاف آغاز نموده و بعد از طواف اعمال دیگر را انجام داده است، آیا اشکال دارد؟

امام خمینی (ره):

ج- مانع ندارد (1).

\* آیه الله مکارم: احتیاط اعاده طواف است.

\* آیه الله (خوئی): ظاهراً طواف در خارج از حد تعیین شده صحیح است (2). ولی اگر استیناف طواف از روی اعتقاد به جواز بوده طواف دوم صحیح است (3).

آیه الله سیستانی: اگر طواف اول را قطع کرده است به این نحو که از مطاف خارج شده و به کاری مشغول شده باشد که عرفاً صدق کند طواف را قطع کرده است یا طواف دوم را پس از فوت موالات عرفی انجام داده باشد صحیح است و گرنه مشکل است مگر این که جاهل قاصر باشد.

سؤال - کسی که اشتباهاً طواف را از رکن یمانی شروع و به همان جا ختم کرده و نماز طواف را خوانده و پس از آن متوجه شده، حکمش چیست؟ و چنانچه در اثناء طواف متوجه شد و طوافش را به حجر الاسود ختم کرد، مقدار زیادی، مضر به طوافش می باشد یا خیر؟

امام خمینی (ره):

ج- طواف و نماز را باید اعاده کند، و فرقی بین دو صورت نیست (4).

\* آیه الله (خامنه ای): اعاده در صورت دوم مبنی بر احتیاط است.

\* آیه الله (بهجت): اگر کمبود طواف یعنی از رکن یمانی تا حجر الاسود را جبران کند طوافش صحیح است (5).

آیه الله مکارم: اعاده در صورت دوم احتیاط است.

آیه الله (سیستانی): در فرض اول باطل و در فرض دوم صحیح است.

سؤال - کسی که می داند یا احتمال می دهد که مقداری از طوافش را بدون اختیار انجام

ص: 401

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، س 701، ص 277.

2-2- مناسک، مسأله 306.

3-3- المسائل الشرعية، ج 1، ص 348، س 37.

4-4- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، س 702، ص 277.





می دهد، یعنی جمعیت او را می برند، آیا می تواند از اول نسبت به آن مقداری که جمعیت او را می برند نیز قصد طواف کند و آن مقدار را مثل طواف سواره حساب کند؟

امام خمینی (ره):

ج- باید طواف را شروع کند، و اگر در اثناء بدون اختیار او را بردند همان مقدار را جبران (3) کند و طواف را ادامه دهد (1).

\* آیه الله (فاضل): اگر به کلی سلب اختیار از او نشود طواف صحیح است و گرنه باید طواف را در وقتی انجام دهد که بتواند همه آن را با اختیار انجام دهد و قصد مذکور در پایان سؤال وجهی ندارد، بلی اگر وقت ندارد و جبران آن مقدار نیز مستلزم عسر و حرج باشد به همان مقدار اکتفا کند.

سؤال - مواردی که باید احتیاطاً طواف را تمام کند و نماز طواف بخواند و طواف را با نمازش اعاده کند آیا اگر یک طواف بقصد اعم از تمام و اتمام (یعنی چنانچه آن مقدار انجام شده، باطل بوده تمام هفت شوط را قصد طواف داشته باشد، و چنانچه صحیح بوده به متمم آن قصد طواف داشته باشد) انجام دهد و دو رکعت نماز بخواند، کافی است یا خیر؟

امام خمینی (ره):

ج- این عمل صحیح نیست و تردید در نیت است (2).

\*\*\*\* آیات عظام (خوئی)، (فاضل)، (بهجت)، (تبریزی): کفایت میکند و صحیح است.

\* آیه الله مکارم): بنا بر احتیاط.

سؤال - شخصی در عمره تمتع بعد از تقصیر فهمید طواف و سعیش باطل بوده مجدداً طواف و سعی را با لباس دوخته انجام داد، آیا مجزی و صحیح است یا نه؟ و در فرض مذکور آیا باید تقصیر را هم تکرار کند یا نه؟

امام خمینی (ره):

ج- طواف و سعی او صحیح است، و اعاده تقصیر لازم نیست اگر چه احوط است (3).

ص: 402

1-1 - مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، س 703.

2-2 - همان، س 704، ص 278.

3-3 - همو، س 705، ص 278.

\*\*\*\* آیات عظام (خوئی)، (تبریزی)، (گلپایگانی)، (صافی)، (سیستانی)، (فاضل): اعاده تقصیر لازم است.

آیه الله (بهجت): لازم است طواف و نماز اعاده شود و پوشیدن لباس احرام لازم نیست و احتیاطا سعی و تقصیر را اعاده کند و در صورتی که بطلان از جهت جهل به حکم نبوده کفاره ندارد (1).

\* آیه الله (مکارم): این احتیاط ترک نشود اگر چه کفاره ندارد.

سؤال - شخصی چند متری از یک شئوط را خراب کرده است و چون دقیقا اول و آخر آن معلوم نیست، یک شئوط کامل از حجر الاسود شروع و به آنجا ختم می کند بقصد این که آن چه خراب شده به نحو صحیح انجام شود و زیادی قبلی و بعدی مقدمه علمیه باشد، آیا این طواف صحیح است؟

امام خمینی (ره):

ج- صحیح است. مگر بعد از خراب شدن آن قسمت طواف را ادامه داده باشد که در این صورت طواف اشکال دارد (2).

\*\* آیه الله (مکارم)، آیه الله (تبریزی): جبران لازم نیست، و طوافش صحیح است.

\* آیه الله (سیستانی): اگر بکلی سلب اختیار از او نشود طواف صحیح است و گرنه باید طواف را در وقتی انجام دهد که بتواند همه آن را با اختیار انجام دهد و قصد مذکور در پایان سؤال وجهی ندارد.

\* آیه الله (فاضل): طواف مزبور صحیح است و لکن اگر پس از خرابی، اشواط دیگری را هم اتیان کرده باشد صوری دارد که در بعضی از آنها اقوی بطلان است.

سؤال - کسی که به حدود مطاف آگاهی ندارد، بعد از فراغ از طواف شک میکند که در مطاف بوده است یا نه، آیا طوافش صحیح است یا نه؟

ص: 403

1-1 پرسشهای جدید حج، س 74.

2-2 مناسک حج (المحشی للإمام الخمینی)، س 0706

امام خمینی (ره):

ج- اگر از اول در مطاف بود و شک در خارج شدن دارد، طوافش صحیح است. و اگر از اول شک دارد، با جهل مذکور در سؤال نمی تواند به طواف مزبور اکتفا کند(1).

\* آیه الله (مکارم): در هر صورت طوافش صحیح است.

سؤال - شخصی در شوط اول طواف بود که نماز جماعت شروع شد، طواف را قطع میکند و مشغول نماز می شود و پس از نماز طواف را از سر می گیرد و هفت شوط کامل به جا می آورد، آیا طواف او صحیح است؟

امام خمینی (ره):

ج- اشکال دارد و باید طواف را اعاده نماید(2).

\* آیه الله (خامنه ای): اگر بین شوط اول و طواف دوم فاصله زیاد شده باشد به طوری که موالات عرفه به هم خورده طواف دوم صحیح است و الا باطل است و باید اعاده کند.

\* آیه الله (مکارم): اشکال ندارد.

\* آیه الله (فاضل): اگر موالات عرفیه بهم خورده طواف دوم صحیح است و الا باید اعاده شود.

\* آیه الله سیستانی: اگر با اعتقاد به بطلان طواف اول، طواف دوم را انجام داده صحیح است.

سؤال - شخصی با علم به حرمت تماس با بدن زن در حین طواف از روی شهوت با بدن زنی تماس می نماید و از این تماس متلذذ میگردد، آیا طواف او اشکال پیدا می کند یا نه، تکلیف او چیست؟

امام خمینی (ره):

ج- مضر به طواف نیست، و اگر کاری که موجب کفاره است انجام داده باید کفاره بدهد(3).

\* آیه الله سیستانی: در این فرض اگر جاهل قاصر باشد صحیح است.

\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): صحیح نیست مگر آن که چند قدم جلوتر از محلی

ص: 404

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، س 707، ص 279.

2-2- همان، س 708.

3-3- همو، س 709، ص 279.

که طواف خراب شده به عنوان مقدمه علمیه طواف را شروع کند و ادامه آن را به عنوان وظیفه واجب طواف به جا آورد.

\* آیه الله (فاضل): اما اگر این عمل با علم و عمد انجام شده موجب انزال شده علاوه بر گناه باید یک شتر کفاره بدهد. و نسبت به طواف حکم محیرث شدن در اثنای طواف را دارد.

\* آیه الله (فاضل): اما اگر موجب انزال شود طوافش باطل و کفاره هم دارد.

\* آیه الله (مکارم): اگر لمس از روی لباس باشد گناه کرده ولی کفاره ندارد.

\* آیه الله (تبریزی): چنانچه موجب تماس، مشی در حال طواف باشد، طوافش اشکال دارد.

سؤال - اگر کسی طواف را فراموش کند یا باطل انجام دهد، آیا می تواند در ماههای غیر حج انجام دهد؟

امام خمینی (ره):

ج- مانع ندارد (1).

\*\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): در صورتی که طواف را فراموش کرده باشد و بعد از گذشتن موسم متذکر شود مانعی ندارد (2).

\*\*\* آیه الله (خوئی)، آیه الله (تبریزی): اگر طواف باطل باشد با گذشت زمان تدارک، حجش باطل است.

\* آیه الله (سیستانی): اگر بطلان نیز در اثر فراموشی بعضی از شروط باشد پس اگر طواف عمره باشد و در وقت متذکر شود باید در وقت انجام دهد و اگر بعد از آن و قبل از طواف حج باشد به احتیاط واجب قبل از طواف حج انجام دهد و اگر بعد از آن باشد هر وقت قضا کند جایز است و در صورتی که طواف حج باشد و در ماه ذی حجه متذکر شود باید قبل از پایان ماه انجام دهد و گرنه هر وقت قضا کند کافی است.

\* آیه الله (فاضل): ولی اگر طواف عمره تمتع یا حج را از روی جهل تقصیری باطل انجام شده باشد حج او باطل است و محلی برای تدارک ندارد.

سؤال - شخصی شؤط اول طواف را در حالی که ناقص بوده رها می کند و پس از آن شش

ص: 405

1-1 - مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، س 710، ص 280.

2-2 - مجمع المسائل 1 / 441، مسأله 9.

شوط دیگر به جا می آورد و بعد از آن تقیصه شوط اول را به جا می آورد، آیا طواف او صحیح است؟

امام خمینی (ره):

ج- صحیح نیست (1).

\* آیه الله (فاضل): اگر هنوز موالات عرفیه بهم نخورده باید نقصان شوط اول را جبران و اتمام کند و بنا بر احتیاط اعاده هم بنماید.

سؤال - اگر کسی در عدد اشواط طواف و سعی و عدد سنگهای رمی به دیگری اعتماد کند کافی است؟

امام خمینی (ره):

ج- اگر اطمینان به عدد پیدا کند مانع ندارد (2).

\* آیه الله (سیستانی): و در خصوص طواف می توان بر او اعتماد کرد اگر خود او یقین به عدد اشواط داشته باشد.

\*\*\* آیه الله (خوئی)، آیه الله (تبریزی): یا آن شخص ثقه باشد.

سؤال - شخصی به علت مریضی یا مسن بودن، در دور اول طواف خسته شده و از مطاف بیرون آمد و بعد از کمی استراحت از همان جا که طواف را قطع نموده بود شروع میکند، آیا چون به دور چهارم نرسیده است طوافش چه حکمی دارد؟

امام خمینی (ره):

ج- اگر موالات بهم نخورده صحیح است (3).

\* آیه الله مکارم): رفع خستگی اگر طولانی نباشد موالات را بهم نمی زند.

سؤال - آیا واجب است برای درک خلوتی مطاف و طواف در محدوده بیت و مقام، طواف را تأخیر بیندازد یا مستحب است یا رجحان دارد، خصوصاً اگر پس از ایام تشریق مطاف خلوت نشود؟

ص: 406

---

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، س 711، ص 280.

2-2- همان، س 712.

3-3- همو، س 713، ص 280.

امام خمینی (ره):

ج- در صورت امکان طواف در حد، ولو در وقت خلوت، باید در حد طواف کند و لو با تأخیر(1).

سؤال - آیا محرم قبل از انجام طواف واجب خود، چه طواف عمره یا حج و چه طواف نساء، می تواند همین طوافها را برای معذور نیابت کند؟

امام خمینی (ره):

ج- مانع ندارد(2).

سؤال - شخصی در طواف عمره تمتع در اثر فشار احساس می کند که لنگ احرامش تر و نجس شده ولی اعتنا نمیکنند و با همان حال طواف را تمام میکنند و نماز طواف و سعی و تقصیر را انجام می دهد و به منزل می رود، بعد از بررسی می بیند مقداری نجاست خارج شده و احرامش را آلوده کرده است، یقین پیدا میکنند که در همان حال طواف چنین شده است، بعد از اعمال حج و مراجعت به وطن به او می گویند باطل است، مستدعی است حکم الله را با توجه به این که نماز و سعی را هم با همان حال انجام داده در باره این شخص بفرمایید، و اگر اعمالش باطل باشد آیا هنوز در حال احرام است یا خیر؟

امام خمینی (ره):

ج- اگر در حال طواف، شبهه داشته و یقین نداشته که نجس شده و وضوی او باطل شده، از احرام خارج شده است، و فقط باید طواف و نماز را اعاده کند(3).

\* آیه الله (تبریزی): حکم به بطلان حج مبنی بر احتیاط است.

\* آیه الله (فاضل): در فرض مذکور حج او باطل است، بلی اگر جاهل قاصر بوده حج او صحیح است و باید طبق حاشیه مسأله 678 عمل کند.

\*\* آیه الله (خوئی)، آیه الله سیستانی): چون بعدا یقین پیدا کرده وضویش با خروج آن رطوبت باطل شده بوده در فرض مذکور حجش باطل است(4).

ص: 407

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، س 714، ص 280 .

2-2- همان، س 715

3-3- همو، س 716، ص 280.

4-4- المسائل الشرعيه، ج 1، ص 342، س 2 و صراط النجاه.





## استفتاءات مراجع پیرامون احکام بانوان در طواف

سؤال - اگر صاحب عادت وقتی و عددیه که عددش مثلا هفت روز است، روز هفتم پاک شد و غسل کرد و اعمال حج را به جا آورد ولی بعدا لک دید، اعمالش چگونه است؟

امام خمینی (ره):

ج- اگر خون دیده و از روز دهم تجاوز نکرده، محکوم به حیض است که در وسعت وقت باید طواف و نماز را اعاده کند، و در ضیق وقت، محل اشکال است که مراعات احتیاط باید بشود (1).

\* آیه الله (فاضل): اگر در طواف حج واقع شده باید طواف و نماز را اعاده کند، و احتیاطا سعی را نیز اعاده کند و اگر در عمره تمتع بوده اگر فرصت دارد طواف و نماز را اعاده کند و احتیاطا سعی و تقصیر را نیز اعاده کند و اگر فرصت نداشت حج تمتع مبدل به افراد می شود و اگر حج واجب بوده بعد از حج افراد یک عمره مفرده انجام دهد و الا انجام عمره مفرده واجب نیست.

\* آیه الله (تبریزی): اگر آن لک صفات حیض را داشت و قبل از گذشت ده روز از ابتداء حیض قطع شد باید طواف و نماز طواف را که خوانده اعاده نماید و اگر بعد از آن سعی یا تقصیر کرده آنها را هم اعاده نماید و در غیر این صورت اعمالی را که انجام داده صحیح است.

\* آیه الله (خوئی): اگر به صفات حیض ادامه یافت و از ده روز نگذشت اعمال گذشته باطل بوده و اگر از ده روز گذشت و یا به غیر صفات ادامه یافت اعمالش صحیح واقع شده (2).

\* آیه الله (غروی): در صورتی که واجد صفات حیض بوده باشد.

\* آیه الله سیستانی: پاکی بین دو خون که حیض واحد شمرده می شوند محل اشکال است و به احتیاط واجب باید طواف و نماز را اعاده کند.

\* آیه الله (مکارم): اگر اعمال در حال پاکی واقع شده صحیح است.

سؤال - بعضی از زنان به جهت خوردن قرص، نظم عادت ماهانه شان برهم می خورد، به

ص: 409

1-1 - مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، ص 719.

2-2 - استفتاءات آخر مناسک، چاپ سابق، ص 11.

طوری که گاهی در مدت طولانی مرتب خون و لک می بینند، آیا وظیفه این گونه زنان در حج چیست؟

امام خمینی (ره):

ج- اگر خون سه روز استمرار داشته باشد، ولو به این نحو که پس از خروج تا سه روز باطن فرج آلوده باشد، حکم حیض دارد، وگرنه باید به وظائف مستحاضه عمل کند(1).

\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): و اگر سه روز اول خون دیدن او پشت سر هم نباشد تفصیلی دارد.

سؤال - اگر زن در عمره تمتع بعد از سه شؤط و نیم و قبل از چهار شؤط، حائض شد و تا قبل از رفتن به عرفات، پاک نمی شود، وظیفه او چیست؟

امام خمینی (ره):

ج- مورد عدول به افراد است(2).

\* آیه الله خامنه ای): اگر قبل از سه شؤط و نیم حائض شد مورد عدول به افراد است.

آیه الله (فاضل): اگر قبل از سه شؤط و نیم حائض شده مورد عدول به افراد است و اگر بعد از آن و قبل از تمام شدن دور چهارم حائض شده طواف را رها کند و سعی و تقصیر را احتیاطاً و رجاء انجام دهد، و احتیاطاً محرمات احرام را رعایت کند، و وقت رفتن به عرفات احتیاطاً و رجاء محرم به احرام حج تمتع شود و اعمال آن را به قصد ما فی الذمه - اعم از تمتع و افراد - انجام دهد. و پس از پاک شدن بنا بر احتیاط ابتدا طواف و نماز عمره را تکمیل کند و احتیاطاً سعی و تقصیر را نیز اعاده کند و بقیه اعمال حج را به جا آورد، و اگر حج تمتع بوده احتیاطاً عمره مفرده را انجام دهد.

آیه الله (اراکی): اگر قبل از سه شؤط و نیم حائض شد مورد عدول به افراد است.

\* آیه الله (بهجت): مخیر است بین این که اول حج افراد را به جا آورده و بعد از فراغت، عمره مفرده به جا آورد و بین این که اعمال عمره تمتع را بدون طواف و نمازش به جا آورده، بدین معنی که سعی و تقصیر نموده و برای حج احرام بسته و به حج رفته و پس از فراغت از حج و بازگشت به مکه قضای طواف عمره را پیش از طواف حج به جا آورد.

ص: 410

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخمینی)، س 720، ص 283.

2-2- همان، س 721.

\* آیه الله (خوئی): مخیر است بین عدول به حج افراد و بقاء بر حج تمتع به این نحو که سعی و تقصیر میکند و بعد از رجوع از مناقبل از طواف حج یک طواف به نیت اعم از اتمام و تمام به جا می آورد(1).

\* آیه الله (تبریزی): طواف را رها نموده سعی و تقصیر می کند و برای حج محرم می شود و بعد از برگشتن از مناقبل از طواف حج یک طواف کامل بقصد اعم از تمام یا اتمام به جا می آورد و نماز آن را می خواند.

\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): طواف را رها نموده، سعی و تقصیر را احتیاطا انجام دهد، و تروک احرام را ترک نماید، و رجاء محرم به احرام حج تمتع شود، و اعمال آن را بقصد ما فی الذمه از تمتع و افراد انجام دهد و پس از پاک شدن ابتداء طواف ناقص عمره را تکمیل نموده، نماز بخواند و بعد بقیه طوافها را به جا آورد و احتیاطا عمره مفرده نیز انجام دهد.

\* آیه الله سیستانی): احتیاط مستحب این است که به حج افراد عدول نماید، گر چه می تواند در عمره تمتع خود باقی بماند، و اعمال آن را بجز طواف و نماز آن انجام دهد. و پس از فراغت اعمال مناقبل از طواف حج، طواف عمره و نماز آن را به جا آورد(2).

\* آیه الله (نوری): و بعد از انجام حج، عمره حج افراد را به جا بیاورد.

سؤال - اگر زنی بعد از شوط چهارم در طواف عمره تمتع حائض شد و تا وقت وقوف به عرفه پاک نشد، وظیفه اش چیست؟

امام خمینی (ره):

ج- باید سعی و تقصیر عمره تمتع را انجام دهد و محروم شود برای حج تمتع و در وقت انجام طواف حج، قبل یا بعد از آن، بقیه طواف عمره تمتع و نماز آن را هم به جا آورد(3).

\* آیه الله (خامنه ای): بعد از سه شوط و نیم.

\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): آن چه از طواف عمره باقی مانده و نماز آن را بعد از اعمال مکه به جا آورد و احتیاطا سعی را هم اعاده کند هر چند لازم نیست.

ص: 411

1-1- تعلیقه عروه، ج 2، ص 331، و مناسک، مسأله 294.

2-2- مناسک، مسأله 290.

3-3- مناسک حج (المحشی للإمام الخمینی)، ص 722، ص 284.

آیه الله (بهجت): باید قضای طواف عمره را به نحوی که گذشت، قبل از طواف حج به جا آورد.

\* آیه الله (فاضل): و سعی و تقصیر را نیز احتیاطا اعاده کند.

سؤال - زنی عمره تمتع را انجام داد، بعد متوجه شده که طواف او باطل بوده است، پس از این که متوجه شد ملاحظه نمود دید عذر زنانه دارد، تکلیف او چیست؟

امام خمینی (ره):

ج- هر وقت عذر او مرتفع شد، طواف و نماز را اعاده کند، و اگر قبل از وقوف، پاک نمی شود برای حج محرم شود و پس از آمدن به مکه و رفع عذر، آنها را انجام دهد(1).

\* آیه الله (بهجت): و احتیاطا سعی و تقصیر را اعاده کند و در صورت ضیق وقت بعدا تدارک کند و عمره مفرده هم به جا آورد به احتیاط واجب(2).

\*\*\* آیه الله (مکارم)، آیه الله (فاضل): سعی و تقصیر را نیز احتیاطا اعاده کند.

\* آیه الله (سیستانی): اگر قبل از فوت وقت وقوفین پاک شود باید همه اعمال را انجام دهد و اگر پاک نشود به وظیفه ای که در حاشیه مسأله 721 آمده است عمل کند.

\* آیه الله (خوئی): در هر دو صورت سعی و تقصیر را اعاده نماید(3).

سؤال - زنی مسأله را نمی دانست، بعد از پاک شدن از حیض، خیال می کرده جنب است و لذا غسل جنابت رانیت می کرد و با همین حال حج انجام داد، بفرمایید حج او چگونه است؟

امام خمینی (ره):

ج- اگر منظور او غسل برای حدثی که از خون داشته است باشد و اسم آن را جنابت گذاشته، عملش صحیح است(4).

سؤال - آیا مستحاضه کثیره باید برای طواف یک غسل، و برای نماز طواف غسل دیگر بکند، یا یک غسل برای هر دو کافی است؟

ص: 412

1-1 - مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، س 723، ص 284.

2-2 - مناسک س 85 و 75.

3-3 - المسائل الشرعیه، ج 1، ص 345.

4-4 - مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، س 724، ص 284.

امام خمینی (ره): ج- برای هر یک غسل لازم است، مگر آن که از وقت غسل برای طواف تا آخر نماز خون قطع باشد(1).

آیه الله (تبریزی): و بعد از برگشتن از مناجات قبل از طواف حج یک طواف کامل بقصد اعم از تمام و اتمام به جا آورد و نماز آن را بخواند.

آیه الله (سیستانی): باید سعی و تقصیر کند و پس از اعمال مناجات قبل از طواف حج باقی مانده طواف را انجام دهد و احتیاط مستحب این است که پس از اتمام، طواف و نماز آن را اعاده کند.

\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): اگر بعد از غسل برای نماز یومیه خون نبیند تجدید غسل لازم نیست، و اگر خون ببیند

سؤال - زنی به حساب شناسنامه، بیش از پنجاه سال شمسی دارد و یک سال و نیم خون ندیده است. ولی در عرفات خون می بیند، بنا بر این آیا در یائسگی او می توان تردید داشت یا نه، و وظیفه او چیست؟

امام خمینی (ره):

ج- اگر اطمینان دارد که پنجاه سال قمری او تمام شده و سیده نیست، حکم مستحاضه را دارد(2).

\* آیه الله (مکارم): فرقی میان سیده و غیر سیده نیست.

\*\* آیه الله (خوئی)، آیه الله (تبریزی): اگر به صفات حیض باشد، بنا بر احتیاط جمع بین احکام حائض و مستحاضه نماید.

\* آیه الله (سیستانی): یائسگی در مسأله حیض در سیده و غیر سیده با اتمام شصت سال قمری شروع می شود.

سؤال - آیا نماز و طواف، برای زن مستحاضه یک حکم دارند یا هر کدام از طواف و نماز، جدا و مستقل هستند؟

ص: 413

---

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، س 725، ص 284.

2-2- همان، س 726.

امام خمینی (ره):

ج- مستقل هستند(1).

\* آیه الله (گلپایگانی): بنا بر احتیاط. برای هر کدام از طواف و نماز طواف یک غسل احتیاطا به جا آورد و اگر فاصله بین غسل و طواف زیاد می شود مثل این که در نزدیک مسجد الحرام نتواند غسل کند احتیاطا در موقع ورود به مسجد الحرام تیمم بدل از غسل هم بنماید(2).

آیه الله (بهجت): زنی که در حال استحاضه است به همان دستوری که برای نماز خود طهارت می گیرد برای طواف نیز همان طهارت کافی است(3).

\* آیه الله (تبریزی): بنا بر احتیاط برای طواف و نماز آن یک غسل کند و برای هر یک از آن دو یک وضو بگیرد.

آیه الله (مکارم): مستحاضه کثیره هنگامی که غسلهای نماز خود را به موقع به جا آورد غسل دیگری برای طواف بر او واجب نیست، تنها وضو بگیرد بنا بر احتیاط.

\* آیه الله (خوئی): و اما کثیره غسل کند برای هر کدام و محتاج به وضو نیست مگر این که محیرث به حدث اصغر باشد، که در این صورت احوط ضم وضو است به غسل(4).

\* آیه الله (سیستانی): اگر خون مستمر باشد که بیرون آمدن خون از پنبه منقطع نشود یک غسل کافی است اگر چه احتیاط مستحب برای هر کدام یک غسل است و اگر چنین نباشد و به نحوی باشد که بتواند پس از طواف با غسلی دیگر نماز را انجام دهد در حالی که خون بیرون نرزد باشد در این صورت اگر پس از غسل و انجام طواف خون بیرون نیامده بود می تواند با همان غسل نماز را بخواند و اگر بیرون آمده بود به احتیاط واجب برای نماز دوباره غسل کند.

\* آیه الله (فاضل): احتیاط واجب آن است که مستحاضه کثیره و متوسطه علاوه بر اغسال یومیه یک غسل برای طواف و نماز آن انجام دهد و در صورتی که به حدث اصغر محدث شده وضوء هم بگیرد.

سؤال - زنی بعد از وقوفین حیض می شود، با مصرف قرص، خون قطع می گردد و اعمال را انجام می دهد ولی بعد از آن لک می بیند، وظیفه او چیست؟

ص: 414

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، ص 727، ص 284.

2-2- مجمع المسائل 1/ 468، مسأله 9.

3-3- مناسک، مسأله 299.

4-4- مناسک، مسأله 299.

امام خمینی (ره):

ج- اگر خون سه روز مستمر نبوده و حتی در باطن فرج هم قطع شده حیض نبوده است و با انجام وظیفه مستحاضه، عمل او صحیح است (1).

\*\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): در صورتی که سه روز اول پشت سر هم نباشد مثل آن که دو روز خون ببیند و یک روز پاک شود و دوباره یک روز خون ببیند، بنا بر احتیاط لازم در روزهایی که خون می بیند باید جمع کند میان کارهای مستحاضه و تروک حائض و در روزهایی که خون نمی بیند هم کارهایی را که بر حائض حرام است ترک کند و عبادتهای خود را به جا آورد (2).

سؤال - زنی در حال طواف، مستحاضه قلیله می شود، وظیفه او چیست؟

امام خمینی (ره):

ج- اگر بعد از تمام شدن دور چهارم بوده پس از تجدید وضو و تطهیر بدن و لباس، طواف را تمام کند، و اگر قبلاً بوده به احتیاط واجب پس از تجدید وضو و تطهیر، آن را اتمام و سپس اعاده نماید (3).

\* آیه الله (مکارم): وظیفه او فقط اعاده است بعد از طهارت و احتیاط لازم نیست.

سؤال - زن مستحاضه‌های بعد از غسل و وضو مشغول طواف می شود، در اثناء طواف لک می بیند، وظیفه او چیست؟

امام خمینی (ره):

ج- اگر خون او مستمر است و به وظیفه عمل کرده با تحفظ از خروج خون چیزی براو نیست، و در غیر این صورت حکم حدث جدید را دارد (4).

آیه الله مکارم: یعنی اگر خون قطع شده و غسل کرده سپس خون جاری شده حکم حدث جدید دارد.

ص: 415

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، س 728، ص 284.

2-2- توضیح المسائل، مسأله 447، احکام حائض.

3-3- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، س 729، ص 284.

4-4- همان، س 730.

\* آیه الله (سیستانی): مستحاضه قلیله برای هر یک از نماز و طواف به احتیاط واجب یک وضو بگیرد و در متوسطه بنا بر احتیاط واجب یک غسل و برای هر کدام یک وضو لازم است.

سؤال - زنی به تصور این که پاک شده است، طواف انجام می دهد و در اثناء سعی متوجه می شود که هنوز پاک نشده است، آیا سعی او نیز باطل است، و اگر بعد از سعی متوجه شود چگونه است؟

امام خمینی (ره):

ج- در فرض اول سعی را قطع کند و پس از پاک شدن از حیض، طواف و نماز را اعاده کند، و احتیاط آن است که پس از اعاده طواف و نماز سعی را اتمام و اعاده نماید، و در فرض دوم نیز اعاده طواف و نماز لازم، و اعاده سعی مبنی بر احتیاط است(1).

سؤال - زن مستحاضه که باید غسل کند و وضو بگیرد و با این کار فاصله ای بین اعمال پیش می آید که شاید طولانی هم باشد، مثلاً باید برود منزل غسل کند و برگردد، آیا این فاصله اشکال ندارد؟

امام خمینی (ره):

ج- اگر خون قطع نمی شود برای هر یک از طواف و نماز باید غسل کند و وضو بگیرد، و باید طوری باشد که بعد از غسل و وضو مبادرت به عمل نماید، بنا بر این اگر با رفتن به منزل نتواند مبادرت کند، نزدیک مسجد الحرام غسل کند و وضو بگیرد.

\* آیه الله (تبریزی): بنا بر احتیاط برای طواف و نماز آن یک غسل کند و برای هر یک از آن دو یک وضو بگیرد.

\* آیه الله (خوئی): در کثیره احوط این است که برای هر کدام از طواف و نماز غسل نماید و قلیله برای هر کدام وضو بگیرد و متوسطه یک غسل برای هر دو به جا آورده و برای هر کدام وضو بگیرد(2).

\*\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): و اگر از نزدیک مسجد الحرام نتواند غسل کند احتیاطاً در موقع ورود به مسجد تیمم بدل از غسل هم بنماید(3).

ص: 416

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، س 731، ص 288.

2-2- همان، س 732.

3-3- مجمع المسائل 1/ 468، مسأله 9.



آیه الله (مکارم): چنانکه قبلا گذشت هنگامی که مستحاضه وظیفه غسل خود را برای نمازها انجام دهد به حکم طاهر است و غسل دیگری برای طواف لازم نیست.

\* آیه الله (سیستانی): اگر فاصله بین غسل یا وضو یا هر دو و انجام طواف یا نماز طواف زیاد باشد و تیمم بدون فاصله میر باشد به احتیاط واجب قبل از نماز یا طواف یک تیمم بدل از غسل یا وضو کند.

سؤال - زن مستحاضه که باید برای هر نماز و طواف غسل کند طبق وظیفه اش غسل کرد و یا وضو گرفت و طواف را شروع کرد، بین طواف نماز ظهر شروع شد، نماز را خواند، و با همان طهارت اول، بعد از نماز، طواف را ادامه داد، آیا طوافش صحیح است؟

امام خمینی (ره):

ج- اگر از هنگام غسل تا آخر طواف خون قطع بوده، طواف صحیح است، و در غیر این صورت احوط آن است که این طواف را تمام کند و پس از غسل اعاده نماید(1).

\* آیه الله (اراکلی): اتمام لازم نیست.

سؤال - زنی که حیض نمی شود ولی هر دو ماه یک بار، دو سه روزی لک و ترشحات می بیند، وظیفه اش چیست؟

امام خمینی (ره):

ج- اگر خون استمرار تا سه روز ندارد ولو به این نحو که پس از خارج شدن تا این مدت باطن فرج آلوده باشد، حکم استحاضه را دارد(2).

سؤال - هرگاه زن قرشیه پس از شصت سال، و غیر قرشیه پس از پنجاه سال، چند روز متوالی خون ببیند که همه به اوصاف حیض باشد در طوافها و نماز چه کند؟

ص: 417

---

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، س 733.

2-2- همان، س 734.

ج- حکم مستحاضه را دارد، و حکم حیض بر خون مزبور مترتب نیست، حتی در صورت توالی یا داشتن صفات (1).

\*\* آیه الله (خوئی)، آیه الله (تبریزی): چنانچه بین پنجاه سال و شصت سال خون به صفات حیض باشد، بنا بر احتیاط قرشیه و غیر قرشیه بین احکام حائض و مستحاضه جمع کنند، و اگر بعد از شصت سال خونی دیده اند حکم به استحاضه می شود.

سؤال - زنهایی که برای جلوگیری از قاعدگی از قرص استفاده میکنند که موقع طواف گرفتار حیض نباشند و ایام عادت ممکن است یک یا دو لکه کم رنگ ببینند، آیا این خون استحاضه حساب است یا خون قروح و جروح، و در هر صورت به طواف ضرر می زند یا خیر؟

ج- حکم استحاضه را دارد و باید به وظیفه مستحاضه عمل کنند، و اگر در اثناء طواف لک دیده تفصیلی بین ما قبل از تمام شدن دور چهارم و ما بعد آن هست که در مناسک ذکر شده است (2).

\* آیه الله (نوری): اگر در موقع اعمال خون نبینند که پاک می باشند و اعمالشان صحیح است ولی اگر در ایام عادت یک یا دو لکه کم رنگ ببینند این خون استحاضه حساب می شود و باید به وظیفه مستحاضه عمل کنند.

\* آیه الله (بهجت): مگر آن که علم پیدا کند در باطن خون است (3).

\* آیه الله (تبریزی): بعید نیست تمام کردن طواف سابق کافی باشد و احتیاط به اعاده آن پس از غسل نباشد.

\* آیه الله (سیستانی): صحیح نیست و با انجام غسلی برای نماز، نمازش را اعاده کند و طواف را با غسلی دیگر از سر بگیرد اگر قطع قبل از پایان شوط چهارم بوده است و اتمام کند اگر بعد آن بوده است.

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، س 735.

2-2- همان، س 736، ص 288.

3-3- مناسک، س 174.

## استفتاءاتی در باب معذورین و امور مشتبه در طواف

سؤال - شخصی غسل مس میت به گردش بوده ولی بعد از اعمال حج متذکر می شود، وظیفه او چیست؟

امام خمینی (ره):

ج- اگر بعد از مس میت غسل جنابت کرده باشد- چون جنب هم بوده یا بعدا جنب شده - غسل جنابت کفایت میکند و عملش صحیح است، و الا باید طواف و نماز آن را اعاده کند(1).

\*\*\* آیه الله (خوئی)، آیه الله (تبریزی): یا غیر غسل جنابت از اغسال واجب یا اغسالی که استحباب آنها ثابت شده مثل غسل جمعه یا غسل احرام یا غسل دخول مکه و غیر آن.

\* آیه الله (مکارم): هر گاه غسل دیگری غیر از جنابت کرده باشد آن نیز کفایت میکند.

\* آیه الله (سیستانی): هر غسلی هر چند مستحبی باشد کافی است.

\* آیه الله (نوری): و اگر شخصا ممکن نیست نایب بگیرد.

سؤال - محرمی است که مبتلا به خروج ریح است، یعنی مرتب ریح از او جدا می شود، و در عرض سال شاید یکی دو ماه فی الجمله تخفیف پیدا میکند، ولی نوعا به فاصله یکی دو دقیقه وضویش باطل می شود، تکلیف چنین شخصی در طواف و نماز چیست؟ چند وضو باید بگیرد؟

امام خمینی (ره):

ج- حکم مبطلون را دارد، و علی ای حال چنانچه نتواند در اثناء طواف وضو بگیرد یا حرجی باشد اکتفا به یک وضو برای طواف کافی است، ولی اگر بتواند و لو با حمل آب در اثناء طواف وضو بگیرد واجب است تجدید وضو کند، و هم چنین است حکم در نماز طواف(2).

\* آیه الله (بهجت): مانند مسلوس است و همان وظیفه را دارد(3).

\*\* آیه الله (اراکی)، آیه الله (فاضل): بنا بر احتیاط واجب مثل مبطلون باید نایب هم بگیرد.

سؤال - مدتی است که به علت ابتلاء به بیماری و در اثر عمل جراحی هنگام خروج مدفوع

ص: 419

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، س 737، ص 290.

2-2- همان، س 738، ص 290.

3-3- پرسشهای جدید حج، س 66.

احساس نمی‌کنم و از کیسه مخصوص استفاده می‌کنم، البته برای وضو و نماز فتوای حضرت امام مشخص و معین است، که بدان عمل می‌کنم، ولی چون سال آینده به امید خدا تصمیم دارم خانه خدا را زیارت کنم، مستدعی است در رابطه با انجام مراسم حج، تکلیف شرعی بنده را مرقوم فرمائید؟

امام خمینی (ره):

ج- اگر در طواف و نماز آن رعایت وظیفه ای که برای وضو و نماز دارید، بنمایید، عمل حج شما صحیح است(1).

\*\* آیه الله (خوئی)، آیه الله (تبریزی): مبطلون احوط اینست که در صورت ممکن هم خود طواف نموده و هم نائب بگیرد(2).

\* آیه الله (بهجت): باید برای طواف نایب بگیرد(3).

سؤال - شخصی عمل جراحی انجام داده است، و فعلاً کیسه ای بسته است که بول او قطره قطره در آن کیسه می‌ریزد، لکن نه از مجرای بول بلکه از موضع جراحی که در پهلو قرار داده اند، آیا این شخص حکم مسلوس را دارد؟

امام خمینی (ره):

ج- حکم مسلوس را دارد(4).

\* آیه الله (خوئی): اگر از محل غیر معتاد ولو بالعارض خارج شود، آن هم بنا بر احتیاط واجب همان حکم را دارد(5).

\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): و مبطلون برای طواف نایب بگیرد و احتیاطاً خودش هم طواف کند(6).

\*\* آیه الله (خوئی)، آیه الله (تبریزی): بلکه حکم مسلوس را دارد(7).

\* آیه الله (مکارم): این احتیاط در مورد مسلوس و مبتلا به خروج ریح واجب نیست.

ص: 420

---

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، س 739، ص 291.

2-2- مناسک، مسأله 299

3-3- مناسک، مسأله 299.

4-4- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، س 740، ص 291.

5-5- منهاج، آخر ص 41.

6-6- مجمع المسائل، 1/ 469 مسأله 13.

7-7- استفاد از مناسک، مسأله 299.

\* آیه الله (سیستانی): در فرض مذکور یک وضو برای طواف و نماز کافی است مگر این که محدثی غیر از آن چه مستند به بیماری اوست از او سر بزند.

سؤال - کسی نیت طواف را در دل گذرانده و بقصد طواف حرکت می کند، مقداری که می آید گمان می کند نیت طواف را باید به زبان بگوید، لذا برمی گردد و نیت را با زبان می گوید و طواف را از نو شروع می کند، آیا طوافش صحیح است یا خیر؟

امام خمینی (ره):

ج- اشکال دارد (1).

\*\*\* آیات عظام (گلپایگانی)، (صافی)، (اراکی)، (تبریزی): با قصد استیناف اشکال ندارد.

سؤال - به خاطر اهمیت زیادی که در اعمال حج داده می شود، و بخصوص در طوافها و نماز آن، غالباً یک عملی را به عنوان احتیاط و رجاء چندین بار به جا می آورند ولو این که عمل نزد خودشان نقصی ندارد، البته به حد و سواس هم نمی رسد، آیا این گونه تکرار در اعمال، اشکالی دارد؟

امام خمینی (ره):

ج- و سواس همین است، و نباید به و سوسه اعتناء شود، بلی انجام عمل احتیاطی بدون و سوسه مانع ندارد (2).

\*\* آیه الله (خوئی)، آیه الله (فاضل): لکن در طواف و سعی تکرار در اعمال در برخی از صور موجب بطلان است، اگر چه بدون و سوسه هم باشد.

سؤال - کسی به جهتی طواف یا سعیش قطع می شود و به جلو می رود، می خواهد از همان جا که قطع شده شروع کند ولی در اثر ازدحام نمی تواند خود را به آنجا برساند و در محاذی آنجا به طرف چپ یا راست قرار می گیرد، آیا می تواند از محاذی جایی که قطع شده شروع کند، یا باید همان نقطه باشد؟

ص: 421

---

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، ص 741، ص 291.

2-2- همان، ص 742.

امام خمینی (ره):

ج- لازم نیست همان نقطه باشد، بلکه محاذات کافی است، و باید طواف تکمیل شود(1).

سؤال - قران که در طواف حرام است آیا طواف را باطل می کند یا خیر؟

امام خمینی (ره):

ج- اگر از اول یا در اثناء طواف اول، قصد قران داشته احتیاط در اعاده طواف است، و اگر بعد از تمام شدن طواف اول قصد قران کرده طواف باطل نمی شود(2).

\* آیه الله (سیستانی): صحت طواف بعید نیست.

آیه الله (مکارم): اشکال ندارد.

\* آیه الله (خوئی): با اعتقاد به جواز استیناف مجزی است.

\* آیه الله (تبریزی): در صورتی که قران محقق شود مطلق موجب بطلان طواف است چه از اول یا اثناء طواف اول قصد قران داشته یا این که بعد از تمام شدن طواف اول قصد قران کرده باشد.

\* آیه الله (سیستانی): اگر هر دو طواف واجب باشد یا یکی مستحب و دیگری واجب باشد

چه از اول قصد قران داشته باشد و چه بعدا تصمیم بگیرد ولی طواف دوم را تمام کند طواف اول باطل است، آری اگر هر دو مستحب باشد، هر چند کراهت دارد ولی جایز است.

سؤال - آیا یک شؤط و دو شوط طواف هم استحباب دارد، یا باید طواف هفت شؤط باشد، و اگر کسی گمان داشت که مستحب است و بعد از هفت شوط طواف واجب، یکی دو شوط طواف مستحبی به جا آورد و بعد، نماز طواف را خواند، آیا طوافش اشکالی دارد؟

امام خمینی (ره):

ج- استحباب آن ثابت نیست، ولی طواف مزبور صحیح است(3).

سؤال - معیار در کثیر الشک بودن در طواف چیست؟

ص: 422

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، س 743، ص 291.

2-2- همان، س 744، ص 291.

3-3- همو، س 745.

امام خمینی (ره):

ج- عرفی است (1).

\* آیه الله (سیستانی): معیار این است: شکی که برای او حاصل می شود نسبت به کسانی که در موجبات حواس پرتی مانند او هستند، به مقدار معتنی به بیشتر باشد.

سؤال - طواف کردن در محدوده 26/5 ذراع، و نماز خواندن پشت مقام هر چه نزدیکتر به مقام، آن طوری که در مناسک بیان شده است، گویی نزد آنان بدعت است، آیا باید همان گونه که آنان در خارج از حد طواف میکنند و دور از مقام نماز می خوانند، انجام شود؟

امام خمینی (ره):

ج- چنین چیزی نیست، و باید به وظیفه عمل شود (2).

\* آیه الله مکارم: طواف چنانکه گفتیم حد معینی ندارد ولی نماز طواف را در صورت امکان باید پشت مقام ابراهیم به جا آورد، و اگر ممکن نشد در دو طرف آن و اگر مانعی وجود داشته باشد عقب تر می خواند.

سؤال - این که فرموده اید در بعضی موارد باید طواف و سعی را اتمام و اعاده کند، بفرمایید که ترتیب هم لازم است یا نه؟

امام خمینی (ره):

ج- بلی، احتیاط به این است که قبلاً اتمام کند طواف را و نماز بخواند، و سپس اعاده نماید (3).

سؤال - کسی که در سعی یا طواف عمره تمتع یا عمره مفرده، نیاز به نایب پیدا کرده است، آیا نایب باید در حالی که محرم است، نیابت کند یا خیر؟ بر فرض عدم لزوم احرام آیا باید با لباس احرام طواف کند یا در لباس مخیط هم جایز است؟

امام خمینی (ره):

ج- هیچ یک از احرام یا لباس احرام در نایب لزوم ندارد (4).

ص: 423

---

1-1 - مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، س 746، ص 291.

2-2 - همان، سی 747، ص 291.

3-3 - مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، س 748.

4-4 - همان، س 749، ص 291.

\*\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): احوط آن است که در عمره، نایب بعد از فراغ از اداء مناسک خود، طواف و سعی نیابتی را قبل از تقصیر و خروج از احرام انجام دهد(1).

سؤال - شخصی مسلوس است، برای طواف و نماز آن، وظیفه او چیست؟

امام خمینی (ره):

ج- اگر وقتی دارد که بتواند طواف را با وضو و نماز را با وضو انجام دهد باید آن وقت را انتخاب کند و طواف و نماز را با وضو و بدن پاک به جا آورد و بقیه اعمال را بعد از آن اتیان نماید، و اگر چنین وقتی ندارد در صورتی که مشقت نداشته باشد برای هر بار که حدث از او صادر شود یک وضو بگیرد و اگر مشقت دارد برای طواف یک وضو و برای نماز هم یک وضو بگیرد(2).

\*\* آیه الله (خوئی)، آیه الله سیستانی): به همان دستوری که برای نماز خود طهارت برای طواف نیز همان طهارت کافی است.

\* آیه الله (بهجت): بهمان دستوری که برای نماز خود طهارت میگیرد برای طواف نیز همان نحو عمل می کند(3).

آیه الله (گلپایگانی): و اگر این را هم نمی تواند (حکمی که در متن هست)، برای طواف یک وضو بگیرد و چهار شؤط آن را به جا آورد و بعد تجدید وضو نموده و سه شؤط دیگر آن را انجام دهد(4).

\*\* آیه الله (فاضل)، آیه الله (اراکی): و در هر دو صورت بنا بر احتیاط واجب نایب هم بگیرد.

\* آیه الله (تبریزی): بعید نیست که یک وضو کفایت کند مادامی که حدث متعارف از او صادر نشود، گر چه احتیاط، اعاده وضو است.

سؤال - آیا در مواردی که طواف و نماز باید اعاده شود لازم است با لباس احرام باشد؟

امام خمینی (ره):

ج- لازم نیست(5).

ص: 424

1-1- مجمع المسائل، 441 / 1، مسأله 8.

2- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، ص 750، ص 294.

3- مناسک شیخ، ص 36 و وسیله، ص 76 و 39.

4- مجمع المسائل، 477 / 1، مسأله 40.

5-5- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، ص 751، ص 294.



\* آیه الله (سیستانی): او بر احرام خود باقی است و باید از محرّمات احرام اجتناب کند.

\* آیه الله (فاضل): احتیاطاً محرّمات احرام باید رعایت شود.

\* آیه الله (خوئی): اگر طواف را از روی جهل ترک کرده و یا آنها را باطل انجام داده تا محل تدارک آن باقی است باقی در احرام می باشد و لباس دوخته را باید در بیاورد و بعد از گذشت زمان تدارک حجتش باطل است و بعید نیست احرامش هم باطل باشد(1).

سؤال - هرگاه محرم لباس احرام را کنار بگذارد و با لباس دوخته اعمال عمره را از طواف و سعی انجام دهد، جهلاً یا عمداً، آیا طواف و سعی او صحیح است؟ و عمره او مجزی است یا نه؟

امام خمینی (ره):

ج- طواف و سعی مزبور صحیح، و عمره مذکور مجزی است(2).

آیه الله (مکارم): در صورت عمد خلاف احتیاط است گناه کرده و یک گوسفند کفاره دارد.

سؤال - هرگاه محرم به احرام عمره تمتع، جنب باشد و آب برای او ضرر دارد یا آب ندارد و یا وقت عمره می گذرد، آیا طواف و نماز با تیمم کافی و مجزی است؟ یا باید نایب هم بگیرد؟

امام خمینی (ره):

ج- نایب گرفتن لازم نیست(3).

\* آیه الله (بهجت): اگر واقع شود طواف با تیمم در آخر زمان تمکن از مباشرت(4).

\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): بنا بر احتیاط نایب هم بگیرد.

سؤال - آیا حجاب زن در طواف مثل حجاب او در نماز است یا فرق می کند؟

امام خمینی (ره):

ج- فرق می کند، و فقط وجه و کفین در طواف مستثنا است علی الأحوط(5).

ص: 425

1-1 - المسائل الشرعیة، ج 1، ص 342 و 345 و 351 و استفتاءات، ص 282.

2-2 - مناسک حج (المحشی للإمام الخمینی)، س 752، ص 294.

3-3 - همان، س 753، ص 295.

4-4 - مناسک شیخ، ص 36.



\* آیه الله (خوئی): فرق نمیکند و پوشاندن صورت برای زن از نامحرم بنا بر احتیاط واجب است و لکن باید به نحوی باشد که ساتر به صورت زن مش نشود(1).

\* آیه الله (فاضل): در حال طواف برای زن حفظ از نامحرم و جوب نفسی دارد.

\* آیه الله (مکارم): در حال نماز پشت پا و کف آن نیز مستثنا است ولی در طواف احتیاط پوشاندن آن است. هم چنین در نماز نقاب ضرری ندارد ولی در طواف جایز نیست.

\* آیه الله سیستانی: فی الجملة فرق می کند گر چه احتیاط این است که همان مقدار که در نماز پوشاندن واجب است در طواف نیز واجب است ولی اگر قسمتی از موها یا بازو و ساق پا پیدا باشد طواف صحیح است هم چنین به احتیاط واجب نباید صورت خود را با نقاب و مانند آن به پوشاندن حتی اگر محل باشد.

آیه الله (نوری): فرق می کند چون در نماز می تواند صورت خود را به پوشاندن ولی در طواف واجب است صورت خود را نپوشاند.

سؤال - اگر مقداری از موهای سر زن یا جاهای دیگر بدن او که باید در حال طواف به پوشاندن ظاهر باشد، آیا به طواف او ضرر می رساند یا نه؟ و اگر با ظاهر بودن موی سر طواف را انجام داده طواف او باطل است یا نه؟

امام خمینی (ره):

ج- اگر عمدی باشد، طواف صحیح نیست علی الأحوط و در غیر مورد عمد صحیح است، مگر در جاهل مقصر علی الأحوط(2).

\*\*\* آیات عظام (خامنه ای)، (فاضل)، (مکارم)، (سیستانی): طواف صحیح است هر چند گناه کرده است.

\* آیه الله (خوئی): فتوای ایشان در جایی که هیچ گونه ساتر دوخته نشده نداشته باشد روشن نیست.

\* آیه الله (تبریزی): اگر ساتر منحصر به لباسهای دوخته ای که پوشیده است باشد طواف اشکال دارد مگر اعتقاد داشته که این عمل بر او جایز است.

ص: 426

1-1- مناسک عربی، مسأله 267، و استفتاءات، مسأله 861.

2-2- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، س 755، ص 295.

\* آیه الله (بهجت): ولی پوشیدن لباس مخیط در حال احرام کفاره دارد برای متعمد و یا مضطر، بخلاف ناسی و ساهی و جاهل (1).

آیه الله (نوری): هر چند که مرتکب حرام شده است و باید یک گوسفند کاره بدهد.

سؤال - شخصی در عمره تمتع طواف را تمام کرده است، ولی میگوید دل چسب نشد لذا یک طواف دیگر بدون خواندن نماز طواف اول به جا می آورد و نماز و سعی به جا می آورد و تقصیر می کند، آیا عملش صحیح است یا نه؟

امام خمینی (ره):

ج- عمل او صحیح است، هر چند داخل در قران حرام است (2).

\*\* آیه الله (خوئی)، آیه الله (تبریزی): اعاده طواف به عنوان احتیاط قران نیست (3).

\* آیه الله (بهجت): چون جنبه احتیاطی دارد اشکالی ندارد و طواف احتیاطی طواف دیگر نیست تا قران حاصل شود (4).

\* آیه الله (سیستانی): صحت عمل مورد اشکال است از جهت فاصله بین طواف و نماز مگر این که جاهل قاصر باشد.

سؤال - اکل و شرب در حال طواف جایز است یا نه؟

امام خمینی (ره):

ج- مانع ندارد (5).

سؤال - کسی که در حال طواف شخصی را از روی زمین بلند می کند، و ممکن است در این حال گامی به طرف جلو بردارد و در این حال توجه به طواف ندارد، در نتیجه نمی داند که آیا مقداری از مسافت را بدون قصد طواف آمده است یا نه، تکلیف او چیست؟

ص: 427

---

1- مناسک شیخ، ص 20.

2- 2- مناسک حج (المحشی للإمام الخمینی)، س 756، ص 296.

3- 3- المسائل الشرعیه، ج 1، ص 343 و صراط النجاه، ج 1، ص 232.

4- 4- مناسک، س 91 و 92.

5- مناسک حج (المحشی للإمام الخمینی)، س 757، ص 296.

امام خمینی (ره): ج- باید آن مقدار را احتیاطاً تدارک کند(1).

\*\*\* آیه الله (مکارم)، آیه الله (تبریزی): اگر قصد طواف و لو اجمالاً داشته باشد کافی است.

\*\*\* آیه الله (فاضل)، آیه الله سیستانی): به شک خود اعتنا نکند.

سؤال - کودک نابالغی با اذن پدر محرم شد و طواف را نیمه کاره به تصور این که همین مقدار کافی است رها کرده و سعی را نیز از طبقه دوم انجام داده است، تکلیف چیست؟

امام خمینی (ره):

ج- اگر از اول قصد هفت شوط نداشته، طواف او باطل است و باید طواف و نماز و سعی را اعاده کند و بعد تقصیر نماید(2).

آیه الله (خوئی): در فرض جهل به حکم طواف صحیح است(3).

\* آیه الله (فاضل): و تا اعمال را به صورت صحیح انجام نداده در احرام باقی است.

سؤال - کسی که در شوط ششم، طواف خود را رها کرد و نتوانست که ادامه دهد، و دیگری به جای او بقیه را به جا آورد، و لیکن نماز طواف را خودش خوانده و بعداً متوجه شده است که استراحت در خلال طواف، به طواف ضرر نمی رساند و او با استراحت می توانست خودش طواف خود را تمام نماید، اکنون تکلیف او چیست؟

امام خمینی (ره):

ج- بقیه طواف را تمام کند و نماز را اعاده نماید(4).

آیه الله (تبریزی): اگر بخواهد عملش صحیح شود باید طواف و اعمال بعد از او را اعاده کند.

\* آیه الله (بهجت): حکم قطع طواف را دارد.

آیه الله (خوئی): حکم قطع طواف را دارد و پس از تصحیح طواف سعی را در طبقه اول اعاده نماید.

ص: 428

---

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، س 758.

2-2- همان، س 759، ص 296.

3-3- المسائل الشرعيه، ج 1، ص 334.

4-4- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، س 760، ص 297.

\* آیه الله (سیستانی): ولی اگر موالات به هم خورده باشد باید طواف و نماز را اعاده کند.

آیه الله خامنه ای: مگر این که موالات به هم خورده باشد که در این صورت، بنا بر احتیاط علاوه بر تکمیل طواف و اعاده صلات مجدداً طواف و نماز را اعاده کند.

\*\* آیه الله (خوئی)، آیه الله (تبریزی): خودش احتیاطاً بقیه طواف را به جا آورده و بعد از خواندن نماز طواف، طواف و نماز آن را اعاده کند.

سؤال - شخصی طواف خود را بهم می زند و طواف دوم را شروع میکند، آن را نیز بهم می زند و طواف سوم را آغاز کرده به اتمام می رساند، وظیفه او چیست؟

امام خمینی (ره):

ج- اشکال دارد و موارد احتیاط مختلف می شود(1).

\* آیه الله (فاضل): چنانچه قبل از نصف، طواف را قطع کرده و پس از به هم خوردن موالات عرفیه، طواف کامل انجام داده صحیح است و الا احتیاطاً طوافهای ناقص را تکمیل کند و پس از هر طواف نماز آن را بخواند پس طواف و نماز را اعاده کند.

\*\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): صحت طواف آخر که به اتمام رسانده بعید نیست(2).

\* آیه الله (اراکی): طوافی را که تمام کرده صحیح است.

\* آیه الله (خوئی): با فرض اعتقاد به جواز از سر گرفتن طواف، طواف سوم مجزی است.

\* آیه الله مکارم: اشکال ندارد.

\* آیه الله (سیستانی): اگر جاهل قاصر باشد صحیح است و گرنه مشکل است.

سؤال - اگر شخصی رکن مستجار (رکن یمانی) را یقین کرد که رکن حجر الاسود است، لذا طواف را از مستجار به عنوان حجر الاسود شروع کرد و هفت شوط کامل به جا آورد، بعداً فهمید که یقین او خطا بوده است، تکلیف او چیست؟

امام خمینی (ره):

ج- طواف مزبور باطل است، و باید تدارک شود(3).

ص: 429

1- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، ص 761.

2- مجمع المسائل، 467/1 و 479.

3- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، ص 762، ص 298.

\* آیه الله (فاضل): ظاهراً قصد او شروع از موضع معتبر شرعی بوده و در تطبیق اشتباه کرده است لذا کسری دور آخر را تا حجر الاسود تمام کند و طواف صحیح است ولی احتیاطاً پس از نماز طواف، طواف و نماز را اعاده کند.

\* آیه الله مکارم: بنا بر احتیاط.

\* آیه الله (سیستانی): اگر قصد او شروع از موضع معتبر شرعی است ولی در تطبیق اشتباه کرده است در صورتی که کسری دور آخر را تا حجر الاسود به قصد طواف تمام کند طواف صحیح است در غیر این صورت باطل است.

سؤال - گاهی انسان شک میکند که این شوط طوافم بهم خورد یا نه، آیا می شود بعد از طواف یک شوط هم به عنوان احتیاط، اضافه بر هفت شوط آورد و بعد نماز بخواند یا خیر؟

امام خمینی (ره):

ج- به وسوسه نباید اعتنا کرد، و اگر قسمتی از طواف اشکال پیدا کند همان قسمت باید تصحیح شود، و ادامه بعد از آن بقصد طواف، بدون تصحیح آن قسمت، موجب اشکال در طواف می شود، و با آوردن یک شط بعد از طواف احتیاطاً، اشکال رفع نمی شود(1).

سؤال - شخص در حالی که مشغول طواف است در شوط پنجم یقین کرد که 5 متر در شوط اول و 5 متر در شوط سوم بی اختیار طواف کرده است، تکلیف او چیست؟

امام خمینی (ره):

ج- این طواف قابل تصحیح نیست، و باید اعاده شود(2).

\* آیه الله (تبریزی): بی اختیار شدن مانع صحت طواف نیست، وقتی که شروع به اختیار بوده است.

\* آیه الله (خوئی): حرکت به سبب ازدحام مبطل طواف نیست(3).

\* آیه الله (مکارم): اگر از اول قصد کرده خود را در میان طواف کنندگان قرار دهد و با آنها بچرخد، آن چه را با فشار جمعیت به جا می آورد جزء طواف است و صحیح می باشد.

\* آیه الله (فاضل): باید از همان جایی که در شوط اول طواف را خراب کرده طواف را

ص: 430

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، س 763، ص 298.

2-2- همان، س 764.

3-3- المسائل الشرعیه، ج 1، ص 342.

تصحیح و اتمام و احتیاطا اعاده هم بنماید. اگر موالات عرفیه بهم نخورده باشد. و الا اعاده کافی است ظاهرا.

\* آیه الله (سیستانی): اگر به کلی از او سلب اختیار شده است دو شوط دیگر انجام دهد.

سؤال - شرایطی که در طواف واجب، لازم الرعایه است آیا در طواف مستحبی نیز معتبر است یا نه؟

امام خمینی (ره):

ج- ظاهر آن است که آن چه در مناسک استثناء نکرده معتبر است (1).

\* آیه الله (فاضل): مانند این که در طواف مستحبی موالات، طهارت از تحذث و خواندن نماز طواف معتبر نیست و قطع آن حتی بدون عذر جایز است و شک در عدد دورهای آن موجب بطلان نمی شود و بنا را بر اقل می گذارند و صحیح است و قران بین دو طواف مستحب حرام نیست بلکه مکروه است و خواندن نماز آن در هر جای مسجد الحرام در حال اختیار صحیح است.

سؤال - در طواف مستحبی زنان می دانند که به بدن مردان نگاه میکنند و احيانا هم در بین فشار مردان قرار می گیرند، از نظر شرع اشکال ندارد؟

امام خمینی (ره):

ج- اگر اختیارا نگاه به نامحرم نکنند اشکال ندارد، ولی در ازدحام بهتر است مراعات کنند. و در هر صورت طواف صحیح است (2).

سؤال - آیا در طوافهای مستحبی هم ختنه شرط است یا نه؟

امام خمینی (ره):

ج- بلی شرط است (3).

سؤال - حرم وارد مکه شد، آیا می تواند قبل از اعمال عمره تمتع یا قبل از اعمال عمره

ص: 431

---

1-1- مناسک حج (المحشی للإمام الخمينی)، س 765، ص 298.

2-2- همان، س 766، ص 299.

3-3- همو، س 767.



مفرده، و هم چنین پس از محرم شدن به احرام حج تمتع و قبل از رفتن به عرفات، طواف مستحبی به جا آورد یا خیر؟ و اگر به جا آورد به عمره و حجش ضرر می زند یا نه؟

امام خمینی (ره):

ج- احوط ترک طواف مستحبی است در فرض سؤال، ولی به عمره و حج ضرر نمی زند (1).

آیه الله (سیستانی): به حسب اختلاف شرایط و احکام موارد متفاوت می شود. برای شناخت آن به مناسک مراجعه شود (2).

\* آیه الله مکارم: مانند موالات و وضو که در طواف مستحبی معتبر نیست و نماز که در همه جای مسجد الحرام می توان خواند.

\* آیه الله (سیستانی): طواف مستحبی قبل از طواف عمره و حج اشکال ندارد ولی پس از احرام و قبل از رفتن به عرفات به احتیاط واجب نباید طواف مستحبی کند و اگر کرد به احتیاط مستحب تلبیه بگوید.

\*\*\* آیه الله (گلپایگانی)، آیه الله (صافی): اقوی جواز و احوط ترک آن است (3).

\*\*\* آیه الله (خوئی)، آیه الله (تبریزی): احوط این است شخصی که احرام حج تمتع بسته پس از احرام و پیش از رفتن به عرفات طواف مستحبی ننماید و چنانچه طواف نمود بنا بر احتیاط بعد از طواف تلبیه را تجدید کند.

آیه الله (بهجت): اشکالی ندارد (4).

سؤال - آیا می شود هر شوط از طواف مستحب را به نیت یکی از مؤمنین به جا آورد، یا باید مجموع هفت شوط را برای یک نفر به جا آورد؟

امام خمینی (ره):

ج - نیابت در یک شوط صحیح نیست، ولی می تواند مجموع را به نیت چند نفر انجام دهد (5).

\* آیه الله مکارم: و نیز می تواند ثواب هر شوط را به یک نفر اهداء کند.

ص: 432

1- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، س 768، ص 299.

2- 2- ملحق مناسک، س 244.

3- 3- آراء المراجع، ص 323.

4- 4- پرسشهای جدید حج، س 69.

5- 5- مناسک حج (المحشی للإمام الخميني)، س 769، ص 299.

\* آیه الله (سیستانی): نیابت در یک شؤط نیز صحیح است ولی در این صورت نباید مجموع هفت شؤط را به عنوان یک طواف انجام دهد(1).

سؤال - آیا جایز است طواف مستحبی را خارج از حد طواف واجب به جا آورد یا نه؟

امام خمینی (ره):

ج- جایز نیست مگر در مورد ضرورت(2).

سؤال - اگر حاجی از منا برگشته و هنوز طواف واجب را به جا نیاورده است، آیا می تواند طواف مستحبی به جا آورد یا نه؟

امام خمینی (ره): ج- احوط آن است که تا اعمال واجب را انجام نداده، طواف مستحبی نکند(3).

### آداب و مستحبات طواف

امام خمینی (ره):

در حال طواف، مستحب است بگوید:

«اللهم إني أسألك باسمك الذي يمشى به على ظلل الماء كما يمشى به على جدد الأرض وأسألك باسمك الذي يهتز له عرشك وأسألك باسمك الذي تهتز له اقدام ملائكتك وأسألك باسمك الذي دعاك به موسى من جانب الطور فاستجبت له وألقيت عليه محبه منك وأسألك باسمك الذي غفرت به لمحمد صلى الله عليه وآله ما تقدم من ذنبه وما تأخر وأتممت عليه نعمتك أن تفعل بي كذا وكذا».

و به جای کذا و کذا حاجت خود را بطلبد(4).

ص: 433

1-1- ملحق مناسک، سؤال 178.

2-2- مناسک حج (المحشى للإمام الخميني)، س 770، ص 299.

3-3- همان، س 771.

4-4- همو، مسأله 772.

## بیان چند مسأله در باب احکام حج مستحبی

مسأله اول: مستحب است برای کسی که شرایط وجوب حج را ندارد، این که حج کند هر وقت ممکن است و هم چنین کسی که حج واجب را کرده مستحب است حج کند و مستحب است تکرار حج در هر سال، بلکه کراهت دارد ترک آن در پنج سال پی در پی (1).

مسأله دوم: مستحب است کسی که حج رفته، نیت مراجعت کند وقتی می خواهد از مکه خارج شود.

مسأله سوم: مستحب است برای خویشاوندان و سایر مؤمنین؛ چه زنده و چه مرده، حج به جا بیاورد.

مسأله چهارم: مستحب است برای معصومین (علیهم السلام) حج به جا آورد؛ چه زنده باشند یا نباشند.

مسأله پنجم: مستحب است برای حج رفتن قرض کردن، در صورتی که اطمینان داشته باشد که می تواند ادا کند.

مسأله ششم: مستحب است دیگران را به حج بفرستد؛ چه خودشان استطاعت رفتن داشته باشند یا نه.

مسأله هفتم: مستحب است که در سفر حج زیاده روی کند در خرج.

مسأله هشتم: جائز است با مال مشتبیه مثل هدیه ظالم حج کند در صورتی که علم به حرام بودنش نداشته باشد.

مسأله نهم: حج رفتن افضل است از آن که خرج آن را صدقه بدهد.

ص: 434

بخش دوم: منشور موقفین در حج از منظر مذاهب خمسہ (امامیہ و حنبلی - شافعی - مالکی - حنفی)

اشارہ

ص: 435



واژه « موقین » در کتابنامه حج ؛ از الفاظ مبرهن و در عین حال، مورد اختلاف است. چرا که در برخی کتب فقهی به سه واژه عرفات - مشعر و منا، « موقف » اطلاق می شده است. و حال آن که طبق آیه قرآن : (... فإذا أفضتم من عرفات فاذكروا الله عند المشعر...) و سخنان فقها، لفظ وقوف بر عرفات و مشعر گفته می شود و بر منا، لفظ « بیتوته » اطلاق می گردد.

از آنجا که سرنوشت انسان ها در گروی تاریخ است و مطالعات تاریخی و قرآنی می توانند راهگشای بسیاری از شبهات گردد ؛ ولی متأسفانه با اختلافاتی که از سوی دشمنان در زمانی امام علی (علیه السلام) ایجاد شد و اذهان مردم عوام را نسبت به ائمه منحرف ساختند. لذا ثمره آن، تشکیل فرق متعددی از جمله فرقه تشیع و تسنن گشت.

البته با ظهور انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی در ایران به رهبری امام خمینی «ره» و با شعار ایجاد اتحاد مسلمین و تقریب مذاهب، نقشه های شوم دشمنان، نقش بر آب گردید؛ و اکنون همه با هم در کنار یکدیگر با کمال اتحاد و دوری از تفرقه در جهت اصلاح امور جامعه و پیشرفت در عرصه علمی گام برداریم.

به این دلیل می توان گفت: اختلافات اهل سنت و مذاهب اربعه (حنفی - حنبلی - شافعی - مالکی) با شیعه امامیه در خصوص موقین، کاملاً قشری و سطحی گرایانه است. و آن هم با قدری مطالعه، می تواند مرتفع شود.

حقیق در طی مطالعات خود، تلاش نموده ام که از متون دست اول فقه شیعه و اهل سنت استفاده نموده و با ترجمه فارسی آن ها، متن فقه جامعی را تحت عنوان « منشور موقین... » ارایه نمایم. که مورد استفاده عموم طلاب و دانشجویان و محققان علوم اسلامی قرار گیرد.

لازم به ذکر است که در ترجمه آیات، از ترجمه آیه الله مکارم شیرازی بهره وافی، برده ام. البته با بررسی در کتب فقهی، به این مطلب دست یافته ام که ؛ در اکثر کتب فقهی عربی و یا فارسی به مسأله وقوفین به نحو اجمال و مختصر اشاره شده ؛ ولی به طور تخصصی به اقوال مختلف آن ها پرداخته نشده است. و من هم با توجه به کثرت منابع، به مهم ترین آن منابع

مراجعه نموده ام. در پایان از تمام افرادی که با راهنمایی های خود؛ کمال مساعدت را مبذول نمودند، متشکرم.

ص: 438







«وقوف» در لغت از ریشه (وقف) که ماضی ثلاثی مجرد آن «و» بر وزن «فعل» به معنای: ایستاد - توقف کرد، آمده است. و از این ریشه کلماتی چون: واقف و موقوف به معنای نگهدارنده و باز داشته شده آمده است. زیرا افراد از تصرف در مال وقفی باز داشته شده اند. و نیز از این ریشه، کلمه «موقف» بکار می رود که بر وزن «فیل» به معنای «جای ایستادن» و «موضع ایستادن» در مفهوم اسم مکان بکار رفته است (1).

فرهنگ فارسی معین: 1- ایستادگی، ایست. 2- آگاهی، بصیرت -

لغت نامه دهخدا (وقوف): ایستادن. (منتهی الارب) (غیث اللغات) (از اقرب الموارد).

دانستن. (غیث اللغات). دریافتن. - حاضر بودن به وقت وقوف به عرفات. (از اقرب الموارد). ایست. توقف. آگاه.

(غیث اللغات). آگاهی و شعور. آگاهی و اطلاع.

- اهل وقوف؛ با اطلاع و تجربه. - باوقوف؛ اهل وقوف. اهل اطلاع.

- بی وقوف؛ بی اطلاع. بی تجربه. ناآگاه.

### موقین در معنای اصطلاحی

«موقین» مثنای کلمه «وقف» می باشد که شامل وقوف در عرفات و وقوف در مشعر الحرام می شود. و البته شاید به این دلیل «عرفات» و «مشعر» را «موقین» (اسم زمان + اسم مکان + مثنی) می نامند، که از نظر توقف و انجام نیت در مکان خاص (عرفات و مشعر) و زمان خاص، بسیار مورد توجه قرار گرفته که تخطی از آن، موجب ابطال حج می گردد.

ص: 441

منظور از روز حج اکبر، با توجه به آیه قرآن و احادیث، روز عید قربان و نیز روز عرفه (روز نهم ذی الحجه) دانسته شده است. خداوند در قرآن چنین می فرماید:

«وَأَذَانٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ فَإِنْ تُبْتُمْ فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ وَبَشِّرِ الَّذِينَ كَفَرُوا بِعَذَابٍ أَلِيمٍ» (1)

ترجمه:

و این، اعلامی است از ناحیه خدا و پیامبرش به عموم مردم در روز حج اکبر (روز عید قربان که: خداوند و پیامبرش از مشرکان بیزارند! با این حال، اگر توبه کنید، برای شما بهتر است! و اگر سرپیچی نمایید، بدانید شما نمی توانید خدا را ناتوان سازید و از قلمرو قدرتش خارج شوید!) و کافران را به مجازات دردناک بشارت ده؟

### تفسیر برخی واژگان در آیه وَاَذَانٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ

اذان، اعلان و اعلام و اخبار است به مطلبی و از این باب است اذان اعلامی که آگاه می کند به دخول وقت صلوه صبح، ظهر، مغرب و یک عبادت بزرگی است که در خبر دارد که صدای او به هر سنگ و کلوخی برسد برای او طلب مغفرت می کنند و هر کس به واسطه او نماز خواند ثواب آن در نامه این هم نوشته می شود و فردای قیامت مؤذنین بر طلی از مشک بالا می روند و اذان می گویند و در هر خانه که اذان گفته شود برکات نازل می شود و فوائد بسیار دیگری و در مواردی هم اذان تشریح شده و از همین باب، اذان و اقامه که در نماز که است.

دو صف از ملائکه که طول صف از مشرق تا مغرب است عقب او نماز می گذارند و ثواب آن در نامه عمل نمازگزار نوشته می شود و مواردی در فقه داریم که اذان و اقامه یا اذان تنها ساقط می شود آن هم به نحو عزیمت یا رخصت. علی اختلاف؛ و این آگاهی از طرف خدا و رسول است که هر دو فرموده اند و مؤذن، امیر المؤمنین علیه السلام است الی الناس که جمع محلی بالف و لام شامل همه افراد بشر می شود تا آخر دنیا همه بدانند ( مؤمن و کافر) (2).

ص: 442

1-1- توبه: 3.

2-2- طیب، سید عبد الحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج 6، ص 174.

به مقتضای اخبار، یوم النحر که روز دهم ذی الحجه (عید قربان) بوده بر خلاف نظر برخی مفسرین که گفته اند روز عرفه بوده و از شواهد این ادعا این است که روز عرفه حاجیان در صحرای عرفات بودند و این اذان بالای کعبه بوده البته موقعی که برای طواف و سعی آمده بودند (1).

أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ

چنانچه در جای دیگر می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدِ افْتَرَىٰ إِثْمًا عَظِيمًا (48)» (2).

خداوند (هرگز) شرک را نمی بخشد! و پایین تر از آن را برای هر کس بخواهد و شایسته بداند) می بخشد.

وشوله مرفوع علی الابتداء و خبر آن محذوف شده یعنی و رسوله بریء، و بعضی به نصب قرائت کرده اند و عطف «بالله» داده اند.

فَإِنْ تَبُتُّمْ

خطاب به مشرکین است بعض مفسرین گفتند: «در این مدت چهار ماه»؛ لکن تقييد در آیه نشده است و وجهی هم ندارد مشرک و کافر در هر زمانی اگر اسلام آورد و از شرک و کفر توبه کرد از او قبول می شود.

فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ

در دنیا از قتل و ذهاب مال محفوظ می ماند و هم از فوائد اسلام بهره مند می شود و هم در آخرت از عذاب الهی نجات پیدا می کنید و هم به سعادت و فیوضات بهشت نایل می شوید.

ص: 443

1-1- طیب، سید عبد الحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج6، ص175.

2-2- (نساء: 48)

تولی « در اینجا به معنی اعراض و پشت کردن و به شرک باقی بودن است.

فَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ

توهم نکنید که دیگر بعد از فتح مکه بتوانید عرض اندامی کنید و جز خواری و خفت و ترس برای شما چیزی نیست و هر کجا دست آمدید کشته خواهید شد این نسبت به دنیای شما است و اما نسبت به آخرت،....

وَبَشِّرِ الَّذِينَ كَفَرُوا

چه مشرک باشند یا سائر طبقات کفر، به عذاب دردناک بشارت داده است هر چند که درجات و مراتب مختلفی دارد و هر درجه راجع به یک طبقه است (1).

مراد از "یوم الحج الأكبر" در آیه: "وَأَذَانٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ..." و اقوال مختلف در این مورد و اما اینکه منظور از "روز حج اکبر" چیست؟ مفسرین در آن اختلاف کرده اند.

بعضی گفته اند: منظور روز « دهم ذی الحجه » از سال « نهم هجرت » است (2). چون در آن روز بود که مسلمانان و مشرکان یک جا اجتماع کرده و هر دو طایفه به حج خانه خدا پرداختند، و بعد از آن سال، دیگر هیچ مشرکی حج خانه خدا نکرد. و این قول مورد تأیید روایاتی است که از ائمه اهل بیت (علیهم السلام) رسیده و با معنای اعلام براءت، مناسب تر و با عقل نیز سازگارتر از سایر اقوال است، چون آن روز بزرگترین روزی بود که مسلمانان و مشرکین، در منا جمع شدند، و این معنا بنابر روایاتی از طرق عامه است؛ که منظور از حج اکبر، روز دهم هر سال است (نه تنها از سال نهم هجرت) و بنا بر این همه ساله حج اکبر تکرار می شود، ولیکن از طریق نقل ثابت نشده که اسم روز دهم، روز حج اکبر بوده باشد.

بعضی دیگر گفته اند: منظور از آن، روز عرفه (نهم ذی الحجه) است؛ چون وقوف، در آن روز است و عمره که وقوفی در آن نیست؛ حج اصغر است. لیکن این قول، صرف استحسان (3) و اعمال سلیقه است، و دلیلی بر آن وجود ندارد، و هیچ راهی برای تشخیص صحتش نداریم.

ص: 444

1-1- طیب، سید عبد الحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج6، ص176.

2-2- طباطبایی، سید محمد حسین، سید محمد باقر موسوی همدانی، ترجمه تفسیر المیزان، ج9، ص200.

3-3- در عرف اهل سنت استحسان حجت است یعنی هر امری را که مفتی بر حسب طبع و ذوق و سلیقه خود نیکو و مستحسن پندارد آن امر واجب می گردد و اگر قبیح و مستهجن شمرد، آن امر حرام می شود. رشاد، محمد، اصول فقه، ص283.

بعضی دیگر گفته اند: منظور از آن، روز نحر (قربان) است، چون امام مسلمین در آن روز ایراد خطبه می کند. البته بی اعتباری این قول روشن است.

قول دیگر اینکه منظور از آن، تمامی ایام حج است هم چنان که ایام جنگ جمل را روز جمل و حادثه جنگ صفین و جنگ بعاث (1) را روز صفین و روز بعاث می گویند، که در حقیقت مقصودشان از روز، زمان است پس منظور از روز حج اکبر نیز زمان حج اکبر است. و این قول را نباید در مقابل اقوال گذشته، قولی جداگانه در نظر گرفت؛ چون با همه آنها سازگاری دارد، و همه، آن روزها را؛ روز «حج اکبر» می دانند، و اما اینکه چطور حج را حج اکبر نامیده؟ ممکن است بتوان آن را با بعضی از اقوال قبلی (قول اول) توجیه کرد.

با بررسی دقیق، این قول هم؛ کلام صحیحی نمی باشد، زیرا همه ایام حج نسبت به اعلام براثت که در آیه مورد بحث واقع شده است؛ یکسان نیستند، و وضع روز دهم طوری است که آیه شریفه را به سوی خود منصرف می سازد و از شنیدن کلمه "روز حج اکبر" آن روز به ذهن می رسد، چون تنها روزی که عموم زوار، حج را در خود فرا گرفته باشد و اعلام براثت به گوش همه برسد، همان روز دهم است، و وجود چنین روزی در میان روزهای حج، نمی گذارد کلمه "یوم الحج الأكبر" سایر ایام را نیز شامل شود، چون در سایر ایام، زوار اجتماع آن روز را ندارند (2).

وَ أَذَانٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ

ترجمه:

واین، اعلامی است از ناحیه خدا و پیامبرش به عموم مردم در روز حج اکبر (روز عید قربان که: خداوند و پیامبرش از مشرکان بیزارند؟

مبنی بر اعلام به مسلمانان است که ساحت پروردگار و رسول گرامی صلی الله علیه و آله و ستم از بت پرستان بری است و هنگام اعلام روز عید قربان که حج اکبر است در حالی که بت پرستان و مسلمانان در سرزمین منا برای ادای مراسم حج گرد آمده حکم براثت به مسلمانان

ص: 445

---

1-1- جنگ بعاث، جنگی که پیش از اسلام در جنوب شرقی مدینه بین دو قبیله اوس و خزرج روی داد. این جنگ که آخرین نزاع بین این دو قبیله بود، طرفین را به ستوه آورد و بعد از متارکه جنگ، زمینه روانی لازم برای نفوذ و انتشار اسلام را در یثرب فراهم آورد. ویکی شیعه

2-2- طباطبایی، سید محمد حسین، سید محمد باقر موسوی همدانی، ترجمه تفسیر المیزان، ج 9، ص 200.

اعلام می شود تا اینکه در انتظار صدور دستور باشند که پروردگار در باره بت پرستان در آینده نزدیکی چه حکمی صادر خواهد فرمود(1).

## رفع یک شبهه

در برخی نوشته ها، کلمه وقوف را برای سه مکان عرفات - مشعرالحرام و ناکار برده اند در حالیکه منظور از موقوفین، وقوف در عرفات و مشعر الحرام است و برای برنا، از لفظ بیتوته در منا استفاده می شود (2).

در منابع فقهی، به تبع احادیث، برای روزهای مخصوص مناسک حج در ماه ذیحجه، نام ها و تعبیرهای خاصی به کار رفته است، از جمله روز ترویبه برای روز هشتم، روز عرفه و روز مشهود برای روز نهم، روز نحر (قربانی کردن) برای روز دهم، ایام معدودات..، ایام تشریق و ایام منا برای روزهای یازدهم تا سیزدهم، روز قبر برای روز یازدهم و روز تحصیب برای روز چهاردهم

است.(3)

حج، مواقف و مناسکی دارد که هر یک با خصوصیتی همراه است که در دیگری نیست یا اندک است. از همین رو، و نیز به قرینه ی حدیث شریف نبوی (صلی الله علیه و آله) «الحج عرفه»، بعید نیست که در عرفات معرفتی پدید آید که آن معرفت در موارد دیگر یافت نمی شود. حج به سبب همین آگاهی خاص، که جز در عرفات یافت نمی شود؛ سبب تعالی و نیل انسان به اوج قله ی عالم امکان، یعنی «خلق عظیم» است(4).

روز عرفه و سرزمین عرفات، هر یک مقامی ویژه دارد که رسیدن بدان ها برای آن حج گزاری میسر می شود که این دو مقام را در دیگر زمان ها و مواقف معین حج ادراک کند و بدین ترتیب خود را برای ادراک دعا آماده کند، تا آنکه روح او به عرش خدا بیاویزد و به معدن عظمت برسد و خود عظیم شود.

ظهر روز عرفه (روز نهم ذی الحججه) اعمال حج آغاز می شود. البته بعد از بستن إحرام، دومین عمل ما از اعمال حج، وقوف در صحرای عرفات است. ما در عرفات، عمل واجبی جز

ص: 446

1-1- حسینی همدانی سید محمد، انوار درخشان، ج 7، ص، 434.

2-2- حلی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، إرشاد الأذهان إلى أحكام الإیمان، ص 330.

3-3- حسینی آهق، مریم، در باره حج، ص 2.

4-4- آیه الله جوادی آملی، جرعه ای از صهبای حج، فصل هشتم، ص 208.

وقوف در صحرای عرفات نداریم و فقط باید ابتدا در اذان ظهر نیت کنیم که: «وقوف می‌کنم در صحرای عرفات از حجه الاسلام، قربه الی الله». کسانی که بار دوم یا بیشتر مشرف می‌شوند، چنین می‌گویند: وقوف می‌کنم در صحرای عرفات از حج تمتع قربه الی الله. که این وقوف از اذان ظهر تا غروب آفتاب است.

خداوند در قرآن چنین می‌فرماید(1):

لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا مِنْ رَبِّكُمْ فَإِذَا أَفَضْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ فَاذْكُرُوا اللَّهَ عِندَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَاذْكُرُوهُ كَمَا هَدَاكُمْ وَإِنْ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمَنِ الصَّالِينَ (198) ثُمَّ أَفِضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (199) فَإِذَا قَضَيْتُمْ مَنَاسِكَكُمْ فَاذْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ آبَاءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًا فَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَاقٍ (200)

ترجمه:

گناهی بر شما نیست که از فضل پروردگارتان (و از منافع اقتصادی در ایام حج) طلب کنید که یکی از منافع حج، پی ریزی یک اقتصایر صحیح است). و هنگامی که از «عرفات» کوچ کردید، خدا را نزد «مشعر الحرام» یاد کنید! او را یاد کنید همان طور که شما را هدایت نمود و قطعاً شما پیش از این، از گمراهان بودید. (198).

سپس از همان جا که مردم کوچ میکنند، (به سوی سرزمین منا) کوچ کنید! و از خداوند، آمرزش بطلبید، که خدا آمرزنده مهربان است! (199).

و هنگامی که مناسک (حج) خود را انجام دادید، خدا را یاد کنید، همانند یاد آوری از پدرانتان (آن گونه که رسم آن زمان بود، بلکه از آن هم بیشتر! (در این مراسم، مردم دو گروهند: بعضی از مردم می‌گویند: «خداوندا! به ما در دنیا، (\* نیکی \*) عطا کن!» ولی در آخرت، بهره ای ندارند. (200).

شان نزول:

از ابن عباس، مجاهد، حسن بصری و عطاء نقل شده است که: مسلمین در اوقات حج تجارت کردن را گناه می‌دانستند و خداوند در این آیه تصریح فرمود که می‌توانند به تجارت نیز

ص: 447



پردازند. چنان که این موضوع از ائمه اطهار علیهم السلام هم روایت گردیده است و نیز گویند اعراب در جاهلیت چند بازار به نام عکاظ و مجنه و ذوالمجاز داشتند.

و اگر هر کس در اوقات جاهلیت هنگام حج به تجارت می پرداخت به او « حاج » نگفته بلکه « داج » می گفتند: سپس آیه فوق نازل گردید(1).

تفسیر:

«لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا مِنْ رَبِّكُمْ» اعراب زمان جاهلیت خرید و فروش و داد و ستد را در هنگام حرام کاری ناپسند تلقی میکردند و انجام آنرا در ضمن حج معصیت می پنداشتند. اما آیه شریفه آن را مباح و جائز تلقی کرده چنانکه در « تفسیر عیاشی » از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که فرمودند: چنانچه شخص احرام پوشیده و به اعمال حج مشغول شد هیچ مانعی ندارد که نیازمندیهای خود را نیز خریداری نموده و یا آنکه چیزهای اضافی که دارد به فروش برساند(2).

فَإِذَا أَفَضْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ فَاذْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَاذْكُرُوا كَمَا هَدَاكُمْ (3)

«افاضه» به معنای خروج از مکانی است که شخص در آن جا توقف نموده است. و عرفات نام بیابانی است در مکه و چون جبرئیل ضمن تعلیم اعمال حج، آن را به حضرت ابراهیم (علیه السلام) معرفی کرد از این جهت به نام عرفات خوانده می شود. «المشعر» نام کوهی است که در شمال غربی مکه و جنب منا واقع است و به آن «مزدلفه و جمع» نیز گفته می شود به تناسب آنکه محل نیایش و اجتماع حاجیان است. و از نظر این که جمله «افضتم» به صورت ماضی و شرط قرار داده شده یعنی توقف در عرفات مفروض گرفته شده، این است که زمینه برای واجب دیگر می باشد. و «فَاذْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ»: مفاد آن چنان است که از جمله واجبات و ارکان حج همانا وقوف در عرفات است و پس از خروج از آن، باید در مشعر الحرام نیز توقف نمود و به ذکر پروردگار مشغول شد و درک این دو موقف، از ارکان حج می باشد.

«إِنْ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمَنِ الضَّالِّينَ (4)»

بیان آن است که: قبل از راهنمایی به وقوف در عرفات و شعر، مردم جاهلیت اعمال حج

ص: 448

1-1- محقق، محمدباقر، نمونه بینات در شأن نزول آیات از نظر شیخ طوسی و سایر مفسرین خاصه و عامه، ص 66.

2-2- انوار درخشان، ج 2، ص 160.

3-3- بقره: 198.

4-4- همان.

و وظایف آن را نمی دانستند و اغلب آن را به صورتی دور از روش پرستش انجام می دادند؛ بنابراین مقتضی است که حاجیان از این نعمت هدایت و راهنمایی سپاسگزاری کنند.

«ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ (1)»

خداوند در این آیه کریمه، مسلمانان را امر فرموده است که: مناسک و اعمال حج را بر طبق روش ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام انجام داده و از روش انبیاء تخلف نورزند. به این معنا که در بیابان عرفات توقف کرده و سپس به سوی مشر و منا روانه شوند. در حالیکه طائفه قریش بنا به سلیقه شخصی از توقف در عرفات خودداری می کردند به این بهانه که از ساکنان حرم هستند (2).

چنانکه «عیاشی» از «زند شحام» روایت نموده که سؤال کردم از حضرت صادق علیه السلام در باره تفسیر آیه «ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ». فرمودند:

قریش می پنداشتند که به خانه کعبه و حرم پروردگار اولویت دارند بدین جهت برای این که از حرم خارج نشوند در عرفات توقف نمی کردند این بود که آیه شریفه نازل شد و مقرر فرمود که طائفه قریش از روش انبیای سلف پیروی کرده و در عرفات توقف نمایند و سپس به سوی مشعر روانه شوند.

همچنین «تفسیر عیاشی» از حضرت صادق علیه السلام در ذیل آیه شریفه «مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ» روایت نموده که فرمود: «مراد ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام اند»

### وقت شناسی در «موقین»

در باب وقت شناسی زمان احرام، اینچنین آمده است که:

«الافضل ایقاعه یوم الترویة...» فضیلت دارد که فرد حاجی در «یوم الترویة» (هشتم ذی الحجه) محرم شود سپس به سوی عرفات برود و از زوال روز عرفه تا غروب روز عرفه وقوف کند آنگاه از عرفات به سوی «مشعر» کوچ نماید و شب را تا صبح بیتوته نماید و فاصله طلوع فجر تا طلوع خورشید روز عید قربان را در آنجا بماند؛ سپس به طرف «منا» حرکت کند. (3)

ص: 449

1-1- بقره: 199.

2-2- انوار درخشان، ج 2، ص 161.

3-3- الطباطبایی الیزدی، سید محمد کاظم، العروه الوثقی، ص 508.

زمانی که از عرفات قبل از غروب خورشید از روی علم و عمد کوچ کند؛ واجب است که یک بدنه (شتر یا گاو فربه) کفاره بدهد و «ابن بابویه» گفته است که یک گوسفند واجب است و جایز است کوچ کردن در مشعر قبل از طلوع خورشید باشد.

«علی بن بابویه» گفته است: بر حذر باش که از «مشعر» قبل از طلوع خورشید و از عرفات قبل از غروب خورشید کوچ کنی، که اگر این کار را انجام دادی باید یک گوسفند خون کنی در راه خدا بدهی (1).

و از «جعفر بن محمد» پیرامون وقت کوچ از «عرفات» پرسیده شد؛ حضرت فرمودند: «إذا وجبت الشمس» یعنی زمانی که خورشید ساقط شود و کسی که قبل از غروب خورشید کوچ کند یک شتر «بدنه» باید نحر و قربانی کند و یا قیمتش را صدقه دهد (2).

مرد روحانی می گفت: با همه این مطالب، که قسمتی از آن را باید با فرصت بحث نمود، چه اشکالی دارد احتیاط نماییم و دوباره یکی از موققین را درک کنیم؟

گفتم: اگر این احتیاط فی نفسه خوب باشد با هوای گرم و مراقبتی که دولت درباره این کار دارد به نظر من خلاف احتیاط است. ما که از ترس گرما و گم شدن نمی توانیم از چادر خود بیرون برویم، چگونه چند کیلومتر بدون وسیله و امنیت به مشعر بیاییم و اگر مردمی از ما تبعیت کردند و دچار زحمت شدند، مسؤلیت نسبت به آنها را چه باید کرد؟ چون این کار تکذیب عملی دولت و ملت سعودی بلکه اکثریت حجاج است، به حسب آنچه شنیده می شود و مرسوم بوده، کتک و حبسی هم در میان هست، بعد معلوم شد که عده ای شب بعد، به مشعر رفته و دچار زحمت شده اند؛ یکی از اهل علم که دنده اش شکسته بود، مدتی می نالید و از ماکتمان می کرد! (3).

ص: 450

---

1-1 - قمی، شیخ صدوق اول، علی بن بابویه، مجموعه فتاوی ابن بابویه، ص 95. و عمانی، حسن بن علی بن ابی عقیل حذاء، حیاة ابن ابی عقیل و فقهه.

2-2 - التمیمی المغربي، ابی حنیفه النعمان...، دعائم الاسلام، ج 1، ص 321.

3-3 - طالقانی، سید محمود، بسوی خدا می رویم با حج، ص 188.

وجود مبارک حضرت بقیه الله، حجه بن الحسن (علیه السلام) هر سال در مراسم حج در عرفات و نوا حضور دارد. چنانکه امام صادق (علیه السلام) فرمود: « یفقد الناس إمامهم ؛ یشهد الموسم فیراهم ولا یرونه »<sup>(1)</sup>.

همچنین نایب خاص امام زمان (علیه السلام) « محمد بن عثمان عمری » (ره) می گوید: « واللله إن صاحب هذا الامر لیحضر الموسم کل سنه، یری الناس و یعرفهم و یرونه ولا یعرفونه ». بسیاری از تربیت یافتگان و شاگردان خاص آن حضرت نیز در میان حج گزاران حضور دارند و به مدد عنایت خاص حضرتش از ملکوت افراد آگاهی می یابند.

نکته در خور ذکر اینکه، چنین نیست که حل مشکلات حج گزار و هر عمل خارق عادت و کرامتی که در ایام حج و در سرزمین منا و عرفات روی دهد، مستقیماً به دست مبارک امام زمان (علیه السلام) انجام گیرد. ممکن است نا آشنا یا سالمندی راه چادر خود را گم کند یا در بین راه بدون زاد و راحله بماند و ولی از اولیای الهی که تربیت شده مکتب ولایت حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) است او را راهنمایی کند.

تشریف بی واسطه و مستقیم به محضر نورانی امام زمان (ارواحنا فداه)، لیاقت و شایستگی های ویژه ای می طلبد. از این رو تنها اوحدی از مردان (افرادی خاص) توفیق می یابند که وجود مبارک آن حضرت، شخصا به بالین او بیاید. البته عنایت ایشان، اولیا و صالحان و شهیدانی را که خود تربیت کرده شامل است و آنان به دستور آن حضرت مشکلات دیگران را حل می کنند.

### پیام های «خداوا عتی مناسککم»

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در اوقات و مکان های مختلف در مراسم حج، به حاجیان می فرمودند که: « خداوا عتی مناسککم » یعنی در انجام مراحل مختلف اعمال حج، به ویژه در « موقفین » که مورد بحث ما می باشد و از ارکان حج تمتع است؛ هر نوع عملی که من انجام می دهم؛ شما هم از من تبعیت نمایید. این دستور خود حاوی پیام های مهمی است؛ از جمله:

ص: 451

1- تبعیت از مقام شامخ ولایت و رهبری.

2- اهمیت و توجه به مقام فقاهت و دوران تشریح احکام الله .

3- تبیین نقش مراجع تقلید.

4- جایگاه رسانه در پیام آوری. لذا با وجود مراحل فوق، حاجی می تواند از صحت اعمالش اطمینان حاصل نماید.

### احکام وادی محسر

« ابن ادریس » این قول را اختیار کرده است:

هرگاه فردی از تمنا به عرفات کوچ کند، از باب استحباب از وادی محر عبور نکند، مگر بعد از طلوع خورشید، و قبل از طلوع خورشید، عبور از وادی محر کراهت دارد.

شیخ طوسی در «نهایه» و «مبسوط»: جایز نیست از وادی محسر بگذرد، مگر بعد از طلوع خورشید.

ابن براج، از جمله مواردی که ترکش واجب است: خروج از وادی محسر جایز نیست مگر بعد از طلوع خورشید.

دلیل ما: اجرای اصل برائت ذمه و عدم تحریم. زیرا بیتوته در برنا واجب نیست.

احتجاج شیخ، بر طبق روایت صحیح هشام از امام صادق (علیه السلام) است که فرمود: «لا تجوز وادی محسر حتی تطلع الشمس».

جواب این است که: از باب عمل به اصالت برائت، حمل بر استحباب شده است (1).

### از جمله مواقف، عرفات و مشعر

در انجام وقوف در هر دو موقف (عرفه و مشعر الحرام)، مستحب مؤکد است که بعد از نماز و دعا، وقوف صورت گیرد (2).

در حدیث مشهور نبوی، حضرت فرموده اند: «الحج عرفه» و در برخی از روایات (حسن):

ص: 452

1-1- حلی، مختلف الشیعه، ج 4، فصل دوم، مسأله 198، ص 247.

2-2- حلی، (علامه)، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، تبصره المتعلمین فی أحكام الدین، ص 82.

« الحج الأكبر الموقوف بعرفه ورمی الجمار ». رسول خدا (صلی الله علیه و آله) حج را، عرفه میدانند و وقوف در عرفه ورمی جمرات را، به عنوان حج الأكبر می دانند.

در مشعر (وقوف دوم)، از ظاهر قول اکثر فقها، وجوب بیتوته (شب را تا صبح در مشعر ماندن در مشعر حکایت شده است. و برخی فقها، به «صحیح ابن عمار» و «حلبی» استدلال نموده اند.

حال « و يستحب للصروره أن يقف على الشعر و يطأوه برجله ولا يتجاوز الحيض ليله المزدلفه » : مستحب است برای کسی که بار اول به مشعر آمده، پای پیاده آید و شب مزدلفه را از « الحیاض » نگذرد. البته در این قول محل اشکال است. که با عطف لا يتجاوز، با یقف، استحباب فهمیده می شود که اگر اینگونه نباشد؛ همانا محتمل است که جمله خبریه باشد که افاده وجوب نمی کند. علاوه بر آن این که؛ عبور نکردن از « الحیاض » شامل بیتوته در مزدلفه است(1).

### القای دوست در عرفه

ناله دردمندان در آن صحرا مورد قبول و آه و فغان مستمندان در آن وادی در معرض توجه خداوند مهربان است. در آنجا باید زمینه لقای دوست را فراهم آورده و از گلستان رحمت حضرتش گل وصال چید.

نزدیکی خداوند سبحان به بندگان دارای مراتب و درجاتی است که با طی هر مرحله می توان به مرحله بعد رسید؛ با این ویژگی که پیمودن هر مرحله، به نیایش فروغ تازه تری می بخشد و به دعا جذبه ی ویژه عطا میکند. این مراتب، که برخی از آن ها از برخی دیگر نزدیک تر است، برابر آیات قرآن کریم عبارت است از:

1- بر اساس آیه شریفه «(وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ (2))»: و هنگامی که بندگان من، از تو در باره من سؤال کنند، (بگو: من نزدیکم! دعای دعا کننده را، به هنگامی که مرا می خواند، پاسخ می گویم!

2- آنچنان قرب الهی محقق است که به پیامبرش نفرمود: «تو در جواب سائل چنین بگو»

ص: 453

1-1- نراقی، مستند الشیعه، ص 251.

2-2- بقره: 186.

بلکه خود سبقت جست و مستقیماً به پاسخ مبادرت فرموده و نزدیکی خود را به بندگان متذکر شده است.

خداوند به شخص محضر، از حاضران کنار بستر وی نزدیک تر است لیکن آنان این قرب خاص الهی را نمی بینند؛ «وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْكُمْ وَلَكِنْ لَا تُبْصِرُونَ» (1).

ترجمه: و ما از شما به او نزدیکتریم ولی نمی بینید!

3- خداوند به انسان از شریان خون و ورید حیاتی او نزدیک تر است: «وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ» (2).

4- خداوند به انسان از خود انسان نزدیک تر است. تصور صحیح این مرحله و نیز فهم درست بیان نورانی امیر مؤمنان (علیه السلام) که: «هوفی الأشياء علی غیر ممازجه، خارج منها علی غیر مبیانه»

در پرتو آیه «وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَأَنَّهُ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ» (3) میسور است.

ترجمه: و بدانید خداوند میان انسان و قلب او حایل می شود، و همه شما (در قیامت) نزد او گردآوری می شوید!

حج گزار باید مراحل مزبور را پشت سر نهاده، به انتهای آن برسد. البته این ادراک، تنها برای موحدان خالص و راستین حاصل می شود.

لذا انسان برای رهیدن حجاب نفس، باید از خویشتن سفر کرده، از خواسته های خود هجرت کند تا مصداق این آیه شود. «وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ» (4):

ترجمه: و هر کس به عنوان مهاجرت به سوی خدا و پیامبر او، از خانه خود بیرون رود.

اگر کسی از خود بینی نجات پیدا کرد، را مشاهده ی اسرار الهی و نیل به «جنه اللقاء» برایش باز است (5).

ایام حج و مناسک آن و به ویژه سرزمین عرفات بهترین فرصت برای رهایی از خودبینی و

ص: 454

1-1-1- واقعه: 85. آیه الله جوادی آملی، جرعه ای از صهبای حج، فصل هشتم، ص 209.

2-2- ق: 16.

3-3- انفال: 24.

4-4- نساء: 100.

5-5- آیه الله جوادی آملی، جرعه ای از صهبای حج، فصل هشتم، بخش سوم، ص 210.

هجرت از بیت نفس است. قرآن کریم در تبیین این هجرت چنین می فرماید: «وَالرُّجْزَ فَاهْجُرْ» (1). و از پلیدی دوری کن.

اگر کسی از پلیدی هجرت کند و از تنگنای طبیعت به در آید، هرگونه مرگی که به سراغ او آید، خداوند خود عهده دار اجر اوست؛ «فَقَدْ وَفَع أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ» (2) پاداش او بر خداست.

## مشعر

### وجه تسمیه مشعر

سر نامیده شدن «مشعر» در قرآن این است که این مکان به عنوان جایگاه شعائر الهی است.

«مشعر»، رواق ورودی حرم است و دالان حرم و مهمانسرای خداست. در صحرایی تاریک، بدون خیمه، بدون سرپناه، روی خاک باید بمانی تا صبح شود، نه دری و نه دیواری، نه سقفی و نه سرپناهی، چهره های ربانی از انسان های بهم فشرد، و در همین مهمانخانه، آدم (علیه السلام)، ابراهیم (علیه السلام)، محمد (صلی الله علیه و آله) و حسین (علیه السلام) نیز پذیرایی شده اند.

شگفتا این چه حکمتی است؟! حج، رازناک ترین و رمز آمیز ترین احکام خداست و «مشعر» رمز آمیز ترین مناسک حج است (3).

از امیر المؤمنین (علیه السلام) سؤال شد که چرا وقوف در حرم واجب نشد؟

پاسخ فرمودند: چون کعبه بیت خدا و حرم باب خدا است؛ پس چون آهنگ آن کنند، آن ها را بر باب نگه دارد تا به درگاهش تضرع کنند. پرسش شد چرا مشعر الحرام در حرم قرار داده شد؟ فرمود: چون وقتی خداوند به زوار، اذن دخول داد آن ها را در حجاب ثانی نگاه داشت و هنگامی که تضرع آنان در آنجا به درازا کشید به آنها رخصت داد تا قربانی های خود را نزدیک کنند (4).

ص: 455

---

1-1- مدثر: 5.

2-2- نساء: 100.

3-3- همان: 100.

4-4- درویش، عبدالله، از میقات تا عرفات، ص 111.



## تفاوت های زمان جاهلیت و اسلام در وقوف عرفات و مشعر

ثروتمندان و توانمندان قریش در عصر جاهلیت به « عرفات » وقوف نمی کردند و بدانجا نمی آمدند؛ آن ها خود را از نژاد خمس از فرزندان ابراهیم می دانستند و این فضیلت را برای خود قایل بودند که چون آنها ساکن حرم هستند، شرافت آنها به بیرون رفتن از حرم تأمین می گردد و چون عرفات خارج از حرم بود آن ها مستقیماً به مشعر می رفتند که داخل حرم است. با این که می دانستند وقوف عرفات جزء مناسک حج است؛ به خاطر غرور از رفتن به عرفات خودداری می کردند و کوچ از عرفات تا مشعر با آن ازدحام را خلاف شأن خود می دانستند؛ اما حج ناب محمدی خط بطلانی بر تمام امتیازات جاهلی می کشید و فریاد بر می آورد که: «ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (1)».

ترجمه: سپس از همان جا که مردم کوچ می کنند، (به سوی سرزمین منا) کوچ کنید! و از خداوند، آمرزش بطلبید، که خدا آمرزنده مهربان است!

توضیح آن است که: در زمان جاهلیت، وقتی در این سرزمین های مقدس مخصوص « منا » وقوف می کردند قبایل مختلف بر اساس حس قبیله پرستی خود، هر یک به ذکر افتخارات خود می پرداختند و از اجداد و پدران خود و میزان توانایی آنان چه سخن ها که نمی گفتند.

ولی خدا در قرآن مجید می فرماید:

«فَإِذَا قَضَيْتُمْ مَنَاسِكَكُمْ فَاذْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ آبَاءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًا فَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِن خَلَقٍ (2)».

ترجمه: و هنگامی که مناسکی (حج) خود را انجام دادید، خدا را یاد کنید، همانند یادآوری از پدرانتان (آنگونه که رسم آن زمان بود، بلکه از آن هم بیشتر!) (در این مراسم، مردم دو گروهند: بعضی از مردم می گویند: «خداوند! به ما در دنیا، (\*نیکی\*) عطا کن!» ولی در آخرت، بهره ای ندارند.

ص: 456

1-1- بقره: 199.

2-2- بقره: 200.

وقوف در عرفه و مشعر به اعتبار اختیاری و اضطراری هر کدام هشت قسم بوده که چهار قسم آن مفرد و چهار قسم دیگر مرکب است (1).

چهار قسم مفرد عبارتند از:

- 1- اینکه حج گزار تنها اختیاری عرفات را درک کند.
- 2- فقط اختیاری مشعر را درک نماید.
- 3- منحصر اضطراری عرفات را برسد.
- 4- تنها اضطراری مشعر را بجای آورد. چهار قسم مرکب به قرار ذیل است:

1- اختیاری عرفات و شعر را با هم درک نماید.

2- اضطراری عرفات و مشعر را اجتماعاً ادراک کند.

3- به اختیاری عرفه و اضطراری مشعر برسد.

4- عکس آن، یعنی اضطراری عرفه و اختیاری مشعر را انجام دهد (2).

مرحوم مصنف می فرماید:

تمام اقسام هشتگانه وقوف، مجزی و کافی است مگر در جایی که تنها به یک اضطراری برسد.

شارح (ره) می فرماید:

مجزی بودن اقسام هشتگانه بطور اجمال و با قطع نظر از تمام موارد است چه آنکه اگر کسی عمداً یکی از اختیاری دو وقوف را ترک کند حجش باطل است پس مقصود مصنف از مجزی بودن اقسام، اجزا بطور مطلق یعنی اگر چه ترک یکی از وقوفین از روی عمد و اختیار باشد نیست.

چنانچه حکم به اجزاء منحصر در موردی است که فقط به درک یک وقوف اضطراری نائل نشده باشد زیرا در این صورت طبق رأی مشهور عملش صحیح نیست اگر چه منشأ و موجب آن عمد و اختیار نباشد (3).

ص: 457

1-1- ذهنی تهرانی، سید محمد جواد، المباحث الفقهیه فی شرح الروضه البهیة، با راهنمای فارسی شرح لمعه، ج 7، ص 34.

2-2- همان، ص 35.



ولی قول قوی تر از نظر ما این است که ؛ اگر وقوف اضطراری خصوص مشعر را درک کند حجت صحیح است و دلیل ما بر این حکم، روایت «صحيحه عبدالله بن مسكان» از مولانا الكاظم (عليه السلام) است.

ناگفته نماند که: اگر تنها جزئی از شب را در مشعر، قبل از طلوع فجر درک نماید مطلقاً مجزی و حجت صحیح و بلا اشکال است اعم از اینکه اختیاری آن را عمداً ترک نموده یا در ترک و فوت آن معذور باشد. و اینکه مرحوم مصنف این اضطراری را از حکم به عدم اجزاء استثنا ننمود، جهتش این است که آن را از اقسام اختیاری قرار داده ؛ زیرا وقت اضطراری مشعر را نسبت به زمان بعد از طلوع آفتاب دانسته است. لذا قهر" از مصادیق اضطراری محسوب نشده تا از حکم مجزی بودن خارج شود ( غیر مجزی گردد).

## اوقات در موقین

- وقت وقوف اختیاری در عرفه که از زوال خورشید روز عرفه تا غروب آن است.

- وقت وقوف اضطراری روز عرفه، تا طلوع فجر است.

- وقت وقوف اختیاری در مشعر، از طلوع فجر روز عید قربان تا طلوع خورشید است.

- وقت وقوف اضطراری مشعر، تا زوال است.

پس اگر شخصی یکی از دو موقف را، در وقت اختیاری درک کند و به جهت ضرورتی، موقف دیگر را انجام ندهد؛ حجت صحیح است. و اگر دو موقف را با یکدیگر در زمان اضطراری آن ها درک کند، بنابر قولی حجج از او فوت می شود و حجتی برای او منظور نمی گردد، اما اگر یکی از دو موقف را درک کند، بنا بر اجماع فقها حجت باطل است (1).

## حکم درک یکی از موقین

إذا أدرك أحد الموقين اختيار و فاته الآخر لضرورة صح حجه، ولو أدرك الاضطراريين... هرگاه فردی یکی از دو موقف را در وقوف اختیاری درک کند و وقوف دیگر به جهت

ص: 458

ضرورت از او فوت شود، حجش صحیح است و اگر دو وقوف را به صورت اضطراری درک کند، قول نزدیک تر به صحت، حجش صحیح است.

شیخ مفید « ره » گوید:

کسی که بماند در عرفات، قبل از فجر روز عید قربان، پس به تحقیق؛ عرفات را درک کرده است، و اگر در عرفات نباشد تا آن که فجر و سپیده صبح طلوع کند، از او وقوف فوت شده است، پس اگر قبل از طلوع خورشید روز عید قربان در مشعر الحرام حاضر شود، حج را درک کرده است، و اگر حاضر نشود تا آن که خورشید طلوع کند، حج از او فوت گردیده است).

مطلب مورد اجماع:

هرگاه فردی نه روز و نه شب را در عرفه حضور نیابد، و مشعر را درک نکند تا آن که خورشید طلوع کند، حج از او فوت شده است. و این مطلب را می فهماند به این که: زمانی که در هنگام شب، در عرفه حاضر شود و شعر را بعد از طلوع خورشید درک کند، پس به تحقیق حج را درک کرده است.

ابن جنید گوید:

حاجی حج تمتع، زمانی که عمل حج تمتع و احرام را قبل از زوال خورشید در روز عرفه درک کند، پس محرم شود و در عرفه به مردم ملحق شود، چه در روز و یا شب باشد، پس به تحقیق عمل تمتع و حجش صحیح است (1). و کسی که به مردم در عرفه ملحق نشود، ولی در مشعر تا زوال خورشید روز عید قربان، وقوف کند؛ پس به تحقیق حج را درک کرده است و به دلیل آن که عرفه از او فوت شده، باید کفاره (خون) دهد.

و این قول ناظر بر این است که: حاجی حج را درک می کند؛ اگر مشعر را به وقوف اختیاری قبل از زوال درک کرده و وقوف اضطراری عرفه از او فوت شده باشد.

دلیل ما این است که:

هر کدام از دو وقوف اختیاری در عرفه و مشعر، دارای بدلی هنگام اضطراری هستند و چون اضطراری بودن هر یک، جداگانه صحیح است، پس در هنگام اجتماع هم قطعاً صحیح است (وقوف اضطراری در عرفه و مشعر).

در روایت « ن »، « جمیل » از امام صادق (علیه السلام) آورده است که؛ حضرت فرمود:

ص: 459

هر فردی که مشعر را روز عید قربان، قبل از زوال خورشید درک کند، پس به تحقیق حج را درک کرده است.»

عبد الله بن مغیره « در حدیث صحیحی گوید:

مردی در نا پیش ما آمد و گفت: من با مردم هر دو موقف را (عرفه و مشعر)، درک نکرده‌ام؛ اینک چه حکمی دارم؟ «عبد الله بن مغیره» به او عرض کرد: بر تو هیچ حجتی حساب نمی‌شود.

آنگاه «اسحاق بن عمار» بر ابی الحسن (علیه السلام) وارد شد و همان سؤال را پرسید، حضرت فرمود: «هرگاه کسی مزدلفه را درک کند به طوری که قبل از زوال خورشید روز عی؛ قربان؛ و قوف کند، پس به تحقیق حج را درک کرده است.»

«ابن جنید» بر این دو روایت اعتماد نموده است. و ما این دو روایت را حمل کرده ایم بر

زمانی که؛ فردی هر دو موقف را (عرفه و مشعر) در زمان اختیاری، درک نکرده باشد؛ به دلیل آن روایتی را که «حسن العطار» از امام صادق (علیه السلام) آورده است که امام (علیه السلام) فرمودند: «زمانی که حاجی، عرفات را قبل از طلوع فجر درک کند؛ سپس از عرفات برود و به مردمی برسد که مشعر (جمع) را درک نکرده اند. از عرفات به سوی مشعر در حال کوچ هستند)، پس باید اندک وقوفی را در شعر داشته باشد؛ تا در منا به مردم ملحق شود که در این صورت کفاره ای به گردش نمی‌باشد»<sup>(1)</sup>.

### حکم تارک وقوفین

کسی که هر دو وقوف (عرفات و مشعر) را ترک نماید، حجتش باطل است. البته به دلیل نص واجماع، چه از روی عمد و یا از روی فراموشی باشد<sup>(2)</sup>.

ابو عبدالله «(علیه السلام) فرموده است: «هرگاه حاجی قبل از طلوع فجر، عرفات را درک کند و از عرفات بیاید در حالی که مردم را

ص: 460

1-1- حلی، مختلف الشیعه، ج 4، مسأله 218، ص 265.

2-2- مفاتیح الشرایع، ج 1، مفتاح 391، ص 348.

در مشعر مشاهده نکند؛ در این صورت باید مختصر وقوف کوتاهی را در مشعر الحرام داشته باشد و در « منا » به مردم ملحق شود و چیزی از باب کفاره به گردش نمی باشد(1).

### بررسی نحوه دعا در وقوفین

فرد حاجی، در تمام زمان وقوف هرگز نباید از یاد خدا غافل باشد لذا نوع دعا و اقوال آن اینگونه مورد بررسی قرار می گیرد:

1- از ذکر ودعا غافل و جدا نشود و بر طبق اخبار و روایات مستفاد از ائمه، تمام زمان وقوف خود را صرف ذکر و دعا نماید. مثلاً اینچنین بگوید:

«اللهم إياك صمدت، وإياك اعتمدت، ووجهك أردت، أسألك أن تبارك لي في رحلتی، وأن تقضی لی حاجتی، وأن تجعلنی ممن تباهی به الیوم، من هو أفضل متی».

2- قول نادری از « الحلبي » بیان شده است که ؛ قائل به وجوب است و در « المنتهی » بعد از ذکر حکم به استحباب و عدم وجوب ذکر و دعا، می فرماید: « ولا نعلم فی ذلک خلافا » در حالی که ما در این قول، نظر مخالفی ندیده ایم.

3- در حال دعا، ایستاده باشد. همچنان که در « الشرایع » و « القواعد » هم بیان شده است. البته به دو دلیل:

الف - به ادب و احترام نزدیک تر است. ( این قول محل نظر و اشکال است ).

ب - با فضیلت ترین مصداق و بهترین فرد واجب، سخت ترین آن می باشد. به دلیل این حدیث: « أفضل الأعمال أحمرها » و از ظاهر قول علامه در « تذکره »: « علما بر این مطلب اتفاق دارند بر این که ؛ وقوف چه به صورت سواره و یا نشسته هر دو مکروه است. و بلکه ایستاده و در هنگام دعا مستحب است. و عده ای از فقها استثنا کرده اند آن خشوع را که موجب سختی و مشقت است ( ایستاده دعا کردن ) پس نشسته دعا کردن د وقوف، مستحب است و ایرادی ندارد(2).

ص: 461

1-1 کرمانی، حاج محمد کریمخان، فصل الخطاب، (علم الشریعه، العبادات)، ج4، ش 2985، ص355.

2-2 طباطبایی، ریاض المسائل فی بیان الأحكام بالدلائل، ص 141.

## حکم وقوف بر بالای کوه ها

وقوف بر بالای کوه ها کراهت دارد؛ چه به صورت نشسته و چه سواره باشد. وقول ضعیفی قیل قائل به منع است و در آن محل نظر است هر چند که به احتیاط نزدیک تر است؛ البته اگر ضرورتی باشد، به اجماع فقها بالا رفتن از کوه، نه کراهت دارد و نه حرمت (1). همچنان که علامه در «تذکره» و نیز روایت موثقی با این مضمون اشاره به آن نموده است که: «فإذا كان بالموقف و كثروا كيف يصنعون؟ قال: يرتفعون الجبل»، زمانی که افراد زیادی بخواهند در موقف، وقوف کنند؛ چه باید بکنند؟ فرمود: از کوه بالا روند.

أبو علی الأشعری عن الحسن بن علی الكوفی عن علی بن مهزیار عن عثمان بن عیسی عن ابن مشکان ممن رواه عن أبي عبد الله ع روایت کرده است که فرمود:

همانا «داود»، وقتی در موقف عرفه، وقوف کرد، به جمعیت زیاد مردم نگریست و از کوه بالا رفت. سپس مشغول دعا شد؛ هنگامیکه اعمال عبادی را انجام داد، کسی پیش او آمد و به وی گفت: ای «داود»: پروردگارت به تو می گوید: برای چه بالای کوه رفتی؟ گمان می کنی که صدای فردی که مرا صدا می زند بر من مخفی و پنهان است؟ آنگاه با او به دریای جده رفت (در آب فرورفت) سپس چهل صبح در خشکی حرکت کرد. پس زمانی که به سنگ بزرگی رسید، آن را شکافت؛ در حالیکه در داخل آن گرمی بود. پس به او گفت: ای داود، پروردگارت به تو میگوید؛ که من شنواترین هستم، صدای این کرم را در درون این سنگ بزرگ و در ته این دریا را می شنوم. پس گمان می کنی که بر من صدای تو مخفی باشد (2)؟!.

## حکم فرد خواب، مجنون و کوان در وقوفین

شیخ طوسی در کتاب «مبسوط» خود فرموده است (3):

از جمله مواضعی که انسان باید بیدار باشد تا عملش مجزی باشد، عبارتند از:

إحرام - وقوف در موقوفین - طواف - سعی - نماز طواف - طواف نساء.

ص: 462

1-1- طباطبایی، ریاض المسائل فی بیان الأحكام بالدلائل، ص 141.

2-2- الکافی، ج 9، ص 59.

3-3- حلی، مختلف الشیعه فی احکام الشریعه، ج 4، ص 267.



«علامه حلی»، در «مختلف الشیعه فی أحكام الشریعه» از «شیخ طوسی» در کتاب «مبسوط» پیرامون مسأله فوق در موقین، نظر شیخ را اینگونه مطرح نموده است که:

از حاجی، وقوف در موقینی در هنگام خواب؛ صحیح است؛ زیرا آنچه واجب است، نفس بودن (کون) است؛ نه انجام ذکر».

«ابن ادريس» گوید:

این سخن واضح نیست، زیرا به اجماع فقها؛ حاجی باید نیت وقوف نماید؛ و حال آن که شیخ طوسی در «نهایه»، سخن واضح و صحیحی را بیان کرده است که اصول شیعه بر آن مبتنی است:

«کسی که در تمام مناسک، حاضر شده و تمام آن ها را در جای خودش به ترتیب انجام داده است؛ ولی چون سکران و مست بوده، هیچ حجی بر او منظور نمی شود و حش صحیح نمی باشد. و باید سال آینده حج را بجای آورد.

و شیخ طوسی در «تهذیب» می فرماید (1):

«وقول بهتر در نزد من این است: چیزی از عبادات و مناسک حاجی که مجنون باشد پذیرفته نیست. زیرا رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرموده اند: (الأعمال بالنیات وإنما لا-مرئ ما نوى). اعمال انسان بر مبنای نیت ها در نظر گرفته می شود و حال آن که نیت مجنون، صحیح نیست»

و نیز کلام الهی در قرآن که می فرماید: (2)

«وَمَا لِأَحَدٍ عِنْدَهُ مِنْ نِعْمَةٍ تُجْزَى إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِ الْأَعْلَى» یعنی؛ و هیچ کس را نزد او حق نعمتی نیست تا بخواهد به این وسیله) او را جزا دهد، بلکه تنها هدفش جلب رضای پروردگار بزرگ اوست» (3).

و بدان که شیخ - رحمت خدا بر او باد -، شرط عقل را؛ در جاهایی واجب می داند که با تر آن مواضع، حج از او فوت می شود. و در غیر آن مکان ها، حج او مکفی و مجزی است.

و اما پیرامون وقوف فرد خواب: هرگاه فرد حاجی، وقوف خود را با نیت آغاز کند، در این صورت حضور او و بودنش (گون) در آن مکان مجزی است و کفایت میکند؛ هر چند که خواب باشد. زیرا استمرار بیدار بودن و متنبه گشتن در همه اوقات لزوم و وجوبی ندارد.

ص: 463

1-1 - حلی، مختلف الشیعه فی احکام الشریعه، ج 4، ص 267.

2-2 - اللیل: 19-20.

3-3 - حلی، مختلف الشیعه فی احکام الشریعه، ج 4، ص 267.

پس اگر شیخ طوسی و ابن ادریس اینچنین قصدی از کلامشان داشته باشند، به صواب رفته اند و با هم اتفاق قول دارند(1).

## حکم مجامعت در وقوفین

« شیخ طوسی » چنین گوید:

کسی که در فرج زنش از روی عمد و قبل از وقوف در مشعر، مجامعت کند، حش باطل است و باید کفاره یک شتر بدهد. و در سال آینده حج را بجای آورد. و به این قول « علی بن بابویه » و پسرش در «المقنع» و در کتاب «من لا یحضره الفقیه» و قول « ابن جنید» و « ابن البراج » و «ابن حمزه» و « ابن ادریس » نیز همین است.

« شیخ مفید » چنین گوید:

اگر قبل از وقوف در عرفه، مجامعت کند، کفاره اش یک شتر است و سال آینده باید حج را بجای آورد و طلب استغفار از خداوند نماید و اگر بعد از وقوف در عرفه مجامعت کند، یک شتر باید کفاره دهد و دیگر لزومی ندارد در سال آینده حج را بجای آورد و این قول « سلار » و « ابی الصلاح » است. و « سید مرتضی » دو قول دارد که یکی از آن ها ؛ همین قول است که آن را در «

جمل العلم و العمل» آورده است. و قول دوم همچون قول اول است که « سید مرتضی » آن را در « الانتصار » خود ذکر کرده است. و به امامیه اختصاص دارد، به این سخن که: کسی که عمدا قبل از وقوف در مشعر در فرج زنی وطی کند، یک شتر باید کفاره دهد و جزء گنهکارانی است که قبل از وقوف در عرفه وطی انجام داده است.

و همچنین « سید مرتضی » در « المسائل الرسیه » می فرماید: بدان که همانا بین امامیه هیچ اختلافی نیست بر این که مجامعت کننده، قبل از وقوف در عرفه یا مشعر الحرام، علاوه بر کفاره باید قضای این حج را چه مستحب یا واجب را بجای آورد(2).

و ابن ابی عقیل چنین گوید: پس اگر شخصی قبل از دیدن موقفین، مجامعت کند، حش باطل است و یک شتر کفاره دهد و حج را در سال آینده بجای آورد که این قول موافق قول

ص: 464

---

1-1- حلی، مختلف الشیعه فی احکام الشریعه، ج 4، ص 267.

2-2- همان، ص 165.

شیخ طوسی است و نظر قابل اعتمادی است. دلیل ما آن است که: این فرد به محرم بودنش بی احترامی کرده است. در نتیجه مورد مؤاخذه و عذاب باید قرار گیرد.

در روایت صحیحی از « معاویه بن عمار » از امام صادق (علیه السلام): « هرگاه مردی با همسرش قبل از آن که به مزدلفه برسد؛ مواجهه کند، باید سال آینده حج را بجای آورد ».

احتجاج شیخ مفید: بنابر روایت این که حضرت فرمود: ( الحج عرفه ).

و جواب: بعد از پذیرش حدیث، روایت حمل می شود بر این که؛ با عظمت ترین قسمت حج، عرفه است (1).

شیخ طوسی در نهاییه گوید: دلیل اول آن که؛ حجه الاسلام است و دلیل دوم آن که دارای عقوبت است.

و « ابن ادریس » برعکس قول « شیخ طوسی » در « خلاف » آورده است که: اول: به جهت عقوبت و دوم به جهت حجه الاسلام.

احتجاج شیخ طوسی: با عمل به استصحاب، مسأله حجه الاسلام هم قبل از جماع و هم بعد از جماع مطرح است. و زیرا جماع چه بعد از وقوف در مزدلفه و چه قبل از وقوف در مزدلفه، و چه حکم بر وجوب اعاده، فرد حاجی را از حجه الاسلام خارج نمی کند (2).

مطلب اول: احادیث دال بر ایجاب حج در سال آینده هستند بدون آن که نامی از فساد ببرند « این مطلب در عمره هم این گونه وارد شده است »

مطلب دوم: ما هم می پذیریم که ذمه بری نمی شود بوسیله آن کفار (بدنه)، بلکه باید علاوه بر آن قضاء هم بکنند.

شیخ طوسی در « خلاف » می فرماید:

زمانی که بر آن دو (زن و شوهر) حج در سال آینده واجب شد، پس زمانی که به مکانی رسیدند که واقعه انجام داده بودند، باید بینشان جدایی انجام شود. فرقه شافعی اختلاف کرده اند که: آیا ایجاب جدایی بینشان، واجب است یا مستحب؟ و حال آن که شیخ طوسی بر هیچ یک تصریح نفرموده است.

در «نهاییه» و در «مبسوط» شیخ طوسی فرموده است: شایسته است که آن دو از هم جدا باشند.

ص: 465

1-1- حلی، مختلف الشیعه فی أحكام الشریعه، ج 4، ص 166.

2-2- همان، مسأله 125، ص 166.

علی بن بابویه « بر وجوب جدایی بین آن ها تصریح نموده است و فرموده: و یجب أن یفقی بینک و بین أهلك » (1).

شیخ طوسی در « خلاف » می فرماید:

در هنگام قضای حج و انجام مناسکشان، بین زوجین حکم به جدایی انجام می شود، و زمانی که مناسک را بجا آوردند، این حکم ساقط می گردد.

علی بن بابویه « گوید: و واجب است جدایی بین تو و خانواده ات تا آن که مناسک را بجا آوری. سپس در کنار هم قرار گیرید. زمانی که در سال آینده حج بجا آوردید، و رسیدید به آن جایی که واقعه انجام داده بودید، بین شما جدایی انجام می شود تا مناسک عبادیتان را انجام دهید سپس در کنار هم قرار می گیرید.

ابن جنید « گوید: بین آن دو جدایی انجام می شود اگر آن خانم، زوجه اش یا کنیزش باشد تا این که برگردند به مکانی که واقعه در آنجا انجام شده به طوری که در تمام آن مکان ها، ممنوع از جماع هستند. هر چند که با هم حلال باشند. و نمی توانند کنار هم جمع شوند، مگر آن که قربانی در آن محلش ( محل خطا و گناه ) داده شود. (کفاره) (2).

از شیخ طوسی در « نهاییه » اینچنین آمده است:

اگر جماع این فرد ( حاجی ) در فرج زنی قبل از وقوف باشد، بر این فرد یک شتر ( بدنه ) به عنوان کفاره واجب است. بدون آن که سال آینده حجی بجای آورد (3). و حال آن که شیخ این مطلب را مطلق آورده است.

و شیخ طوسی در « مبسوط »:

اگر مردی قبل از وقوف در مشعر، از روی عمد؛ در فرج زنی مجامعت کند چه در جلو و یا چه در پشت، البته چه قبل از وقوف در عرفه و یا بعد از وقوف در عرفه، در این صورت حش فاسد است، و واجب است آن سال را بگذرد و در سال آینده حج را به همراه پرداخت کفاره شتر) انجام دهد. و اگر جماع در غیر از فرج باشد، فقط کفاره یک شتر دهد و نه هیچ کار دیگری.

ص: 466

---

1-1- حلی، مختلف الشیعه فی أحكام الشریعه، ج4، مسأله 126، ص 167.

2-2- همان، مسأله 127، ص 168.

3-3- همو، مسأله 128، ص 169.

شیخ طوسی در «خلاف» چنین گوید:

زمانی که شخصی در فرج زنی وطی کند، حش فاسد می شود؛ و اگر در غیر از فرج باشد، حش فاسد نمی شود هر چند که انزال منی صورت گرفته باشد.

سپس شیخ طوسی گوید: اصحاب ما دارای چند نظر هستند:

1- انجام عمل مجامعت با حیوان و لواط با مردان و در پشت زنان، همه آن ها مصداقی بر فساد حج است. در استدلال به این دلیل به اصل احتیاط استدلال نموده اند. قول و نظر شافعی هم اینچنین است.

2- فساد عمل عبادی در حج، تعلق نمی گیرد مگر به وسیله عمل وطی در جلوی زن (قبل).

در استدلال به دلیل براءت نمسک جسته اند.

3- ابوالصلاح چنین گوید: در مورد استمناء و مالیدن و انجام آن با چهار پایان، کفاره یک

شتر بدهد.

4- ابن حمزه: جماع در فرج زن، بطور کلی موجب فساد حج میشود.

5- ابن براج گوید: زمانی که در فرج یا غیر از آن، قبل از وقوف در مزدلفه به صورت عمدی جماع کند، حش فاسد است. پس اگر منظور از فرج، جلو (قبل) باشد و منظور از غیر (ما دون)، در باشد، کلامش صحیح است؛ وگرنه صحیح نمی باشد.

6- ابن ادریس مانند شیخ طوسی در «مبسوط» قائل به تفصیل شده است (1).

7- شیخ مفید در «المقنعه» و سلار در «المراسم»، کلام را همچون شیخ طوسی در «النهایه» مطلق آورده اند.

8- قول نزدیک تر به صحت در نزد من (علامه حلی)، این است که: هیچ فرقی بین قبل و بر نمی باشد همچنان که هیچ فرقی بین زن یا برده نیست.

دلیل ما:

هتک حرمت و بی احترامی و رودر رو قرار گرفتن بر احکام اسلامی است. که مساوی با فساد است. زیرا زشت ترین عملی است که، کامل ترین عقوبت و مجازات را در بر دارد (2).

شیخ طوسی در «نهایه» و «مبسوط» و ابن براج و ابن حمزه معتقدند:

کسی که سخن عبث گوید؛ تا آن که منی از او خارج شود، حکم اینچنین فردی مانند کسی

---

1-1 - حلّى، مختلف الشيعة فى احكام الشريعة، ج 4، ص 170.

2-2 - همان، ج 4، ص 171.

است که مجامعت کرده است. که اگر قبل از وقوف در مشعر باشد، حجبی در سال آینده بر او واجب است و اگر بعد از وقوف در مشعر باشد، غیر از کفاره، چیزی بر عهده او نمی باشد(1).

پدر علی بن جنید بنا بر حدیث کلبی از مسمع بن عبد الملک از ابی عبد الله (علیه السلام) گوید: «فرد محرم زمانی که انزال منی از او صورت گیرد (یا در انجام کار عبث و حرام یا در هنگام ذکر یا با تداوم در نظر و نگاه) همچون کسی است که مجامعت کرده است»(2).

### بررسی قاعده حرمت اهانت و کوچک شمردن (تحقیر) حرمت الهی

منظور از «حرمت» که یکی از احکام خمسسه تکلیفی، همان «طلب ترک شیء» و عدم رضایت بر انجام کار است. به طوری که ترک عمل لازم می آید و اگر فردی آن را انجام دهد؛ گنهکار است و استحقاق عذاب دارد(3).

اهانت»، مصدر باب افعال است که از فعل آهان - نهی و مراد از اهانت، کوچک شمردن و حقیر شدن و ذلیل و خوار شمردن است.

در قاموس: حُماَت به ضم ح و ر آمده است. همزه گوید: آنچه که هتک حرمتش حلال نمی باشد. زمخشری در تفسیر کشاف خود گوید: قول خداوند که در قرآن می فرماید:

«ذَلِكَ وَمَنْ يُعْظَمْ حُرْمَاتِ اللَّهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَأُحِلَّتْ لَكُمْ الْاَنْعَامُ اِلَّا مَا يُتْلَى عَلَيْكُمْ فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْاَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ»

ترجمه:

مناسک حج) این است! و هر کس برنامه های الهی را بزرگ دارد، نزد پروردگارش برای او بهتر است! و چهارپایان برای شما حلال شده، مگر آنچه (ممنوع بودنش) بر شما خوانده می شود. از پلیدیهای بتها اجتناب کنید! و از سخن باطل بپرهیزید(4)!

مراد از «حرمت» در این قاعده، مطلق هر آنچه که در دین محترم است که به اختلاف

ص: 468

1-1- حلی، مختلف الشیعه فی احکام الشریعه، ج 4، مسأله 129، ص 171.

2-2- همان، مسأله 129، ص 171.

3-3- البجنوردی، سید محمد حسن، القواعد الفقهیة، ج 5، ص 293.

4-4- حج: 30. با ترجمه آیه الله مکارم شیرازی.

مراتبش شأنی در نزد خداوند دارد. مانند: کعبه معظم، قرآن، مسجد الحرام و سایر مساجد (1). و پیامبر (صلی الله علیه و آله) و ائمه معصومین و ضریح های مقدس - قبور شهدا، صالحین، علما و فقها... چه زنده و مرده و کتاب های حدیثی پیامبر (صلی الله علیه و آله) که از اهل بیت و صحابه ی خوب روایت شده است. و نیز تربت امام حسین (علیه السلام) و کتاب های دعا و منبرهای در مساجد که برای وعظ یا سخنرانی برای نماز جمعه قرارداد شده است (2).

نتیجه آن که:

مفاد این قاعده قایل است به این که: هر آنچه که از جمله امور محترم و دارای احترام و حرمت الهی است و شأن و مقامی در دین دارد، هتک حرمت و کوچک شمردن و نیز اهانت کردن به آن جایز نمی باشد.

دلیل این قاعده در چند وجه قابل بررسی است:

دلیل اول) - اجماع فقها بر حرمت هتک و بی احترامی نسبت به هر آنچه که در شرع مقدس محترم است و جزء شعائر دین است؛ پس همانا فقها ادعای اجماع کردند بر حرمت نجس کردن مساجد و حتی نجاستی که قابل سرایت است بطوری که استدلال آن ها این است که: نجاست مستلزم هتک حرمت است و نیز فقها فرموده اند: نجاست غیر مسری در مساجد تا زمانی که موجب هتک حرمت نشود جایز است؛ گویا حرمت آنچه که مستلزم هتک می شود؛ در نزد فقها امری مسلم است. البته اتفاق قول فقها بر حرمت، تنها خاض مساجد نیست و تمام امور قابل احترام در دین و شعائر دینی را شامل می شود. البته این مساله (نجاست در مسجد) از اموری است که عقل آن را زشت می داند و تقبیح می کند.

و اما پیرامون شعائر الهی که شامل مناسک حج یا در خصوص قربانی کردن و... امری بدیهی است و موجب بطلان مناسک حج میگردد. زیرا اطلاق «شعائر» در قرآن، از باب اطلاق کلی بر بعض مصادیق است و جزء مجاز نیست و از باب تعدد دال و مدلول است؛ زیرا آن خصوصیت، مستفاد از دلالت دیگری است (3). و آنچه که اهل لغت و برخی مفسرین بر این دو لفظ (حرمت الله - شعائر الله) ذکر کرده اند از باب اشتباه مفهوم به مصداق است.

ص: 469

1-1- البجنوردی، سید محمد حسن، القواعد الفقهیه، ج 5، ص 293.

2-2- همان، ص 294.

3-3- همو، ص 295.



نتیجه: هر آنچه که در نزد خدا محترم است و از نشانه های دین است، پس جزء حرمت الله و از جمله شعائر الهی است.

مؤید مطلب فوق:

زمخشری « در تفسیر « حرمت الله » می گوید: حرمت، هر آنچه که هتک آن حلال نمی باشد.

و همچنین فقها اجماع کردند بر اینکه هتک مؤمن حرام است چه زنده و چه مرده. و همچنین فقها اجماع کردند بر حرمت هتک مشاهد مشرفه و ضریح های مقدس.

خلاصه کلام اینکه ؛ بعضی از فقها حتی عدم هتک حرمت را از ضروریات دین شمرده اند.

بلی تنها اختلاف در وجوب تعظیم این امور است که خواهد آمد.

دلیل دوم) - ارتکاز ذهنی همه متشرعه حتی زنان و کودکان بر عدم جواز هتک حرمت و اهانت و کوچک شمردن آن ها دلالت دارد به طوری که حتی اعتراض بر هتک حرمت نمودند و شکی نیست در این که اگر کسی مثلاً در حرم یکی از امامزادگان سیگار بکشد و یا با کفش وارد شود ؛ در این صورت این عمل را به شدت زشت می دانند و بر این شخص همه فریاد اعتراض می زنند (1).

حق و انصاف این است که:

ثبوت اینچنین ارتکاز ذهنی از سوی متشرعه قابل انکار نیست و همچنین ممکن نیست که کسی انکار کند که این ارتکاز کاشف از ثبوت این حکم در شریعت است. البته مراتب انکار نسبت به این کارها دارای مراتب مختلفی است. پس اگر شخصی به کعبه یا ضریح پیامبر (صلی الله علیه و آله) و قرآن کریم اهانت کند، پس انکار آن ها چه بسا منجر به قتلش شود، همچنانکه اینچنین حکمی در شرع مقدس نسبت به لوٹ و بی احترامی به کعبه معظم هم وارد است. که این مسأله نشانه قطعی از کفر آن شخص و اگر مسلمان باشد نشانه ارتدادش است. اما اگر اهانت نسبت به نعمتی از نعمت های الهی باشد مثلاً اگر فردی از روی عمد (بدون عذر و ضرورتی) نانی را با پایش لگد کند که در این صورت همه مردم، عمل او را زشت می دانند و در صورتش فریاد می کشند نه بیش تر از آن.

دلیل سوم) - حکم عقل به زشت بودن اهانت و کوچک شمردن آنچه را که در نزد مولا

ص: 470

محترم است. زیرا این عمل بر می گردد به کوچک انگاشتن مولای حکیم که در این صورت فرد مستحق ذم و عقاب است و حال آنکه استحقاق ذم و عقاب از جمله لوازمی است که از فعل حرام یا ترک واجب جدا نمی شود. پس هر آنچه که موجب استحقاق عذاب باشد، کشف می شود که آن حرام است.

این مطلب فوق به توسط برهان «انی» بدست آمده است و برهان «انی» یعنی طلب کشف علت از وجود معلول و یا طلب کشف ملزوم از لازم. پس هرگاه عقل به قبج چیزی حکم کند، به توسط قاعده ملازمه، حرمت آن شیء کشف می شود.

همانا اهانت و کوچک شمردن محترمان و شعائر الهی یا:

1- جزء امور قصدیه است. یعنی جز با قصد تحقق نمی یابد. همچنانکه تعظیم شعائر الهی که بر ضد اهانت شعائر الهی است از امور قصدیه می باشد.

2- جزء امور قصدیه نمی باشد. خود آن عمل نوعی اهانت است؛ هر چند که قصد اهانت نکند. همچنانکه در تعظیم هم ممکن است گفته شود که فردی یا قصد تعظیم میکند و یا قصد تعظیم نمیکند. مثلا اگر فردی از سجده قصد استهزاء و مسخره کردن را داشته باشد، نوعی اهانت است. چه بسا خود آن عمل؛ نوعی اهانت است چه قصد اهانت بکند و چه نکند(1).

دلیل چهارم - آیات و روایات از جمله آیاتی که در باب تعظیم و بزرگداشت محترمان الهی نازل شده مانند:

«ذَلِكَ وَمَنْ يُعْظِمِ حُرْمَاتِ اللَّهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَأُحِلَّتْ لَكُمْ الْأَنْعَامُ إِلَّا مَا يُتْلَى عَلَيْكُمْ فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ» (2)

ترجمه:

مناسک حج) این است! و هر کس برنامه های الهی را بزرگ دارد، نزد پروردگارش برای او بهتر است! و چهارپایان برای شما حلال شده، مگر آنچه ( ممنوع بودنش) بر شما خوانده می شود. از پلیدیهای بتها اجتناب کنید! و از سخن باطل بپرهیزید!

ص: 471

1-1 - البجنوردی، سید محمد حسن، القواعد الفقهیه، ج 5، ص 297.

2- - الحج : 30.

«حُنْفَاءٌ لِلَّهِ غَيْرَ مُشْرِكِينَ بِهِ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَكَأَنَّمَا خَرَّ مِنَ السَّمَاءِ فَتَخَطَّفَهُ الطَّيْرُ أَوْ نَهَىٰ بِهِ الرِّيحُ فِي مَكَانٍ سَحِيقٍ» (1)

ترجمه:

برنامه و مناسک حج را انجام دهید، در حالی که همگی خالص برای خدا باشد. هیچ گونه همتایی برای او قائل نشوید! و هر کس همتایی برای خدا قرار دهد، گویی از آسمان سقوط کرده، و پرندگان (در وسط هوا) او را می ربایند؛ و یا تندباد او را به جای دوردستی پرتاب می کند!

«ذَلِكَ وَمَنْ يُعَظِّمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ» (2).

ترجمه: این است (مناسک حج)! و هر کس شعائر الهی را بزرگ دارد، این کار نشانه تقوای دلهاست

تقریب استدلال

منظور از «محرمات» و «شعائر الهی»، مطلق هر آنچه که در دین محترم است و تطبیق آن ها بر مناسک حج و «مشاعر الهی» از باب تطبیق کلی بر بعضی از مصادیقش است (3).

زمانی که مفاد این آیات، وجوب تعظیم محرمات در دین باشد؛ پس به طریق اولی (دلیل اولویت) دلالت بر حرمت اهانت بر آن ها (مناسک و مشاعر حج) می کند. و نیز بنا بر این که امر به شیء دلالت بر نهی از ضد عام کند (قول مشهور) پس ترک تعظیم، حرام می باشد (4).

حال اگر قائل شویم که تقابل بین اهانت و تعظیم، از نوع تقابل بین ملکه و عدم ملکه است و اهانت عبارت است از: عدم تعظیم. پس حرمتش امری واضح است و اما اگر قائل شویم که اهانت و تعظیم ضدان هستند. زیرا اهانت نیز امر وجودی چون تعظیم است. پس اگر قائل به ضدان شویم و ثالثی برای آن ها نباشد پس باز هم حرام بودن از آن ها جدا نمی شود و آن ترک تعظیم است. و اما اگر ما قائل به واسطه بین آن دو باشیم پس چه بسا گفته می شود؛ بنا بر این قول، بین ترک تعظیم و تحقق اهانت هیچ ملازمه ای وجود ندارد. زیرا بنا بر این قول، ممکن است که نه تعظیم و نه اهانتی در بین نباشد.

ص: 472

1-1- الحج: 31.

2-2- همان: 32

3-3- البجنوردی، سید محمد حسن، القواعد الفقهیه، ج5، ص 297.

4-4- همان، ص 298.

\* پاسخ صحیح از این دلیل: این آیات ظهوری در وجوب تعظیم ندارند و اما سخن خدا در قرآن که می فرماید: (1)

«الْيَوْمَ أُحِلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ وَطَعَامُ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَلْلٌ لَكُمْ وَطَعَامُكُمْ حَلْلٌ لَهُمْ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ وَلَا مُتَّحِذِي أَخْدَانٍ وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ»

ترجمه:

امروز چیزهای پاکیزه برای شما حلال شده؛ و (همچنین) طعام اهل کتاب، برای شما حلال است؛ و طعام شما برای آنها حلال؛ و (نیز) آنان پاکدامن از مسلمانان، و آنان پاکدامن از اهل کتاب، حلالند؛ هنگامی که مهر آنها را بپردازید و پاکدامن باشید؛ نه زناکار، و نه دوست پنهانی و نامشروع گیرید. و کسی که انکار کند آنچه را باید به آن ایمان بیاورد، اعمال او تباه می گردد؛ و در سرای دیگر، از زیانکاران خواهد بود.

اگر چه که نهی در آیه (مائده:5)، ظهور در تحریم است و لکن منظور از «احلال شعائر

الله»، اهانت به امور محترم در دین نمی باشد؛ تا این که به عنوان دلیلی بر حرمت مطلق اهانت محترمان باشد، بلکه به قرینه امور بعد (حرمت ترک فرائض و مناسک حج) و نیز حرمت عدم توجه به ماه حرام یا قتال و جنگ در آن، دلالت بر حرمت می کند (2).

آیه الله اردبیلی (قدس سره) در باب آیات الاحکام این آیه (مائده:5) چنین می فرماید:

منظور آیه یعنی: محرمات الهی را، حلال و مباح قرار ندهید و نه بر عکس آن را. یعنی از حدود الهی تجاوز نکنید.

در مورد نزول آیه نیز می توان بیان داشت که؛ دلالت بر این مطلب دارد که: مراد از «احلال شعائر» یعنی جنگ و قتال، غارت کردن و فریب دادن در ماه حرام.

«حطم بن هند بکری» یکی از افراد قبیله «بنی ربیع» بود و به تنهایی خدمت پیامبر (صلی الله علیه و آله) آمد و اسبش را در خارج مدینه گذاشته بود؛ پس به رسول خدا (صلی الله علیه و آله) گفت: به چه دعوت می کنی؟

پیامبر (صلی الله علیه و آله) به اصحابش فرمود: «یدخل علیکم الیوم رجل من بنی ربیع یتکلم بلسان

ص: 473

1-1- مائده: 5.

2-2- البجنوردی، سید محمد حسن، القواعد الفقهیه، ج 5، ص 298.

شیطان» امروز بر شما مردی می آید که از قبیله «بنی ربیعہ» است و به زبان شیطان سخن می گوید.

پس زمانی که پیامبر (صلی الله علیه و آله) پاسخ او را دادند، چنین گفت: مرا نگاه کن شاید من مسلمان بشوم و حال آن که من کسی را به عنوان مشاور دارم و آنگاه محل را ترک کرد. سپس پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمودند: به صورت کافر وارد شد و با فریبکاری و پیمان شکنی خارج شد؛ پس با چهار پای از چهار پایان مدینه رفت در حالیکه جزو شعری را می خواند. سپس سال آینده به عنوان حاجی آمد که به گردن قربانش علامتی زده بود (تقلید) (1). پیامبر (صلی الله علیه و آله) خواستند که آن فرد به سوی حضرت برود که این آیه نازل شد و خداوند، پیامبرش را از جنگیدن منع کرد و این قول «عکرمه» و «ابن جریح» در بیان شأن نزول این آیه بود.

«ابن زید» چنین گفت: آیه، روز فتح (یوم الفتح) (2) نازل شد البته در بین مردم مشرکی که قصد خانه خدا جهت عمره را داشتند (3).

مسلمانان گفتند: یا رسول الله؛ همانا آنان مشرک هستند. بگذارید تا ما آنان را نابود کنیم. پس این آیه از سوی خدا نازل شد یعنی از فریب و نابود کردن آن ها را منع کرد.

در هر حال، مورد بحث نیز قرینه ی دیگری دارد بر این که مراد از «شعائر»، در این آیه، مناسک حج است نه هر امر محترمی در دین به صورت مطلق.

### موارد تطبیق قاعده «حرمت اهانت به امور محترم در دین»

از جمله موارد تطبیق این قاعده با ابواب فقهی عبارتند از:

#### 1- توهین به خانه خدا:

توسط ایجاد پلیدی با یکی از نجاسات که از روی عمد و اختیار (بدون اجبار) و بدون هیچ مریضی و اضطراری. که البته بعید نیست این عمل کفر است و نوعی انکار خداوند واحد و قهار است.

در روایتی، «ابی الصباح الکنانی» از «ابی عبد الله» (علیه السلام) با طرح این سؤال که: اگر فردی

ص: 474

1-1- تقلید در حج قران و آن این است که اگر هدی و قربانی کسی غیر از شتر باشد، نعل خود را که در آن نماز خوانده است، به گردن می آویزد. فیض، علیرضا، مبادی فقه و اصول، تهران، دانشگاه تهران، 1367، ش 167، ص 272.

2-2- یوم الفتح: روز پیروزی؛ روزی است که دنیا بر روی حضرت قائم (علیه السلام) گشوده می شود. eshia.ir

3-3- البجنوردی، سید محمد حسن، القواعد الفقهیه، ج 5، ص 299.

عمد در مسجد الحرام محدثی را ایجاد کند چه حکمی دارد؛ می فرماید: « یضرب ضربه شدیدة » چند ضربه شدید به او زده می شود و چون کعبه از مسجد افضل و بالاتر است، با بی احترامی به کعبه، آنگاه کشته می شود.

## 2- اهانت به پیامبر (صلی الله علیه و آله) یا قرآن:

« هشام بن سالم » از « ابی عبد الله (علیه السلام) » روایتی را می فرماید که: قبل از آنکه مرافعه و شکایت به سوی امام برده شود، او را به تدریج می کشند.

## 3- بی ادبی و بی احترامی نسبت به خدا:

در روایتی « عبدالله بن ابی یغفور » از « ابی عبدالله (علیه السلام) » چنین نقل می کند (1):

مردی خدمت پیامبر (صلی الله علیه و آله) آمد و گفت: ای رسول خدا؛ من از کسی پیرامون صورت الهی پرسیدم که آن فرد به من پنج ضربه شلاق زد و پیامبر هم به او 5 ضربه دیگر شلاق زدند. و فرمودند: برو از صورت پستت پرس (2).

## 4- اهانت به مسجد:

با تعیین جایی برای قصه گویی در مسجد. در روایتی از « هشام بن سالم » از ابی عبد الله (علیه السلام) که فرمود: همانا امیر المؤمنین فرد قصه گویی را در مسجد دید با دره ( مروارید ) او را زد و از خودش طرد کرد.

## 5- اهانت به اموات مسلمین:

در روایتی از « صفوان » از ابو عبدالله (علیه السلام) چنین آمده است: « أبی الله أن یظن بالمؤمن إلا خیرا و کسرک عظامه حیا و میتا سواء ». و نیز در حدیث دیگری از ایشان آمده است: « عن رجل کسر عظم میت، فقال: « حرمته میتة أعظم من حرمته و هو حی ». فردی استخوان های میتی را شکست که حضرت فرمودند: احترام میت بالاتر از احترام به فرد زنده است.

## 6- توهین قولی و یا فعلی نسبت به مکه مکره :

شیخ کلینی روایت مفصلی را بیان می کند: « معد بن عدنان » از این که حرم از بین برود، جانشینانش را قرار داد؛ ضمن آنکه او از جمله اولین اشخاصی بود که تولیت مکه را به عهده

ص: 475

1-1- البجنوردی، سید محمد حسن، القواعد الفقهیه، ج 5، ص 301.

2-2- همان، ص 302.

گرفت، سپس قبیله «جرهم» آن را به دست گرفتند. و به تدریج بزرگان این قبیله، مکه را مورد ستم خود قرار دادند. (1)

### توضیح برخی مناطق مرتبط با موقفین نوره:

به فتح نون و کسره میم و فتحه راء. و در قول ضعیفی گفته شده است: و جایز است میم آن را ساکن داد. و «نمره»، کوهی است که بر روی آن (سمت راستت زمانی که می خواهی از «مازمین» خارج شوی)، علایم راهنمایی حرم نصب شده است و قصیر و قوف می کنی. همچنین در کتاب «تحریر النوری» و «القاموس» و در روایات، نمره به عنوان بطن عرنه (مرکز عرنه) ذکر شده است.

#### ثویه:

ث سه نقطه فتحه دار و به کسر واو و تشدید یاء و مفتوح (منطبق با کلام جماعتی). در قول ضعیفی بعد از ضبط مذکور، مطلقاً از حالتی واو سخنی به میان نیامده است؛ همچنانکه «ابن ادیس» در «سرائر» فرموده است.

#### ذوالحجاز:

گفته شده است: بازاری است که در یک فرسخی عرنه در ناحیه کبکب است.

#### عرنه

به ضم عین مهمله و فتح راء و نون (عرنه) و در یک لغتی، همه را ضمه داده است، «مطرزی» گوید: محنه، صحرائی در مقابل عرفات است و مصغر آن عرنیه نامیده شده است که قبیله ای است که عربون به آن نسبت داده شده است، و «سمعانی» گوید: و آن صحرائی بین عرفات و منا است.

#### الاراک:

به فتح همزه مانند «سحاب»، گفته شده است: و آن جایی در عرفه نزدیک «نمره» است. در «الموثق»: و آن محدوده عرفه است؛ پس وقوف در آن جا مجزی و مکفی نمی باشد (به

ص: 476

دلیل اجماع (1). و به این قول در کتاب « الذخیره » هم تصریح شده است. بلکه بر آن اجماع واقع گشته است.

و در کتاب « المنتهی » که جمهور اهل سنت ؛ همه بر این قول، قائلند ؛ به جز مالک، که از او حکایت شده است که اگر فردی به بطن عرنه وقوف کند، باید خون دهد در حالی که این عمل او را کفایت میکند. و علاوه بر آن، روایت مستفیضی موجب اعتبار آن گشته است. و در « الوسائل » در حدیث صحیحی، محدوده عرفه را اینگونه بیان داشته است که:

«وحد عرفه من بطن عرنه و ثویه و نمره و هی بطن عرنه و ثویه و ذی المجاز فانه لیس من عرفه فلا تقف فیه».

و محدوده عرفه که از مرکز عرنه و ثویه و نمره که همان بطن عرنه و ثویه و ذی المجاز است و محدوده عرفه جزء عرفه نیست ؛ پس وقوفی در آن نمی باشد.

و در « الصحیحین »:

« حد عرفات من المازمین إلى أقصى الموقف » می داند. یعنی محدوده عرفات از زمین تا دورترین موقف است؛ همچنانکه از « العمانی » و « الحلبی » ذکر شده است ولی لفظ « الأقصى » بکار نبرده و ساقط شده است. و « الاسکافی » هم این نظر را دارد، جز این که وی لفظ « الی الموقف » را به « الی الجبل » تبدیل کرده است.

و در « المختلف » چنین آمده است: « ولا تنافی بین القولین » یعنی بین این اقوال، هیچ منافاتی وجود ندارد. زیرا تمام آن ها ؛ محدوده عرفه است ولی از جهات متعددی به آن دلالت دارد.

### سفیح الجبل:

(وان یقف فی السفح) یعنی در پایین ترین قسمت کوه، وقوف کند (بنا بر قول جوهری). در روایت موثقی، سؤال شده که وقوف در بالای کوه بهتر است یا در سطح زمین؟: «عن الوقوف بعرفات فوق الجبل أحب ذلیک أم علی الأرض؟ فقال: علی الأرض». در پاسخ می فرمایند: وقوف بر سطح زمین بهتر است. (2)

### میسره الجبل:

(مع میسره الجبل) بنا بر ظاهر قول جماعتی ؛ یعنی به سمت کوه از سوی مکه آید. و برخی

ص: 477

1-1 طباطبایی، ریاض المسائل فی بیان الأحکام بالدلائل، ج 4، ص 139

2-2 همان، ص 140.



دیگر گفته اند: مراد از « میسره » آمدن به سوی قبله است. و حال آن که دلیلی بر این قول وجود ندارد (1).

ص: 478

---

1-1 - طباطبایی، ریاض المسائل فی بیان الأحكام بالدلائل، ج 4، ص 140.







## اعمال قبل از رفتن به عرفات (مستحبات و واجبات)

### الف - مستحبات:

قبل از رفتن به عرفات، مستحب است زایر غسل کند و به مسجد الحرام رفته؛ آنگاه در پیشگاه محبوب، نزدیک «مقام ابراهیم» به احرام حج تمتع محرم شود و برای وقوف به عرفات، از ابتدای ظهر نهم تا غروب آفتاب آماده شود. (1)

ص: 481

روز حرکت به سوی عرفه، مستحب است که «یوم الترویبه (1)» باشد؛ مگر کسی که به جهت ازدحام جمعیت، توانایی راه رفتن را ندارد. مانند اشخاص علیل و مریض، زنان و سالخوردگان.

در حرکت به سوی منا، مستحب است که حاجی دعا بخواند و شب عرفه را در منا، تا طلوع فجر بیتوته کند، و کراهت دارد؛ حاجی از روی اختیار قبل از طلوع فجر از منا خارج شود و قول «حلبی» و «قاضی» ظهور در حرمت دارد. آنگاه از «وادی محشر» قبل از طلوع فجر عبور نکند که بسیار کراهت دارد. کلام شیخ طوسی در «نهایه» و قاضی در «مهدب» ظهور در حرمت دارد البته به جهت روایت «هشام بن حکم» که دال بر حرمت است (2).

از امور مستحب دیگر: خواندن ده آیه اول سوره بقره (3) و خواندن سه بار سوره توحید (4) و آیه الکرسی و قل اعوذها... را بخواند سپس حمد الهی را به جهت نعمت حضورش در حج داشته باشد و همچنین بر بلاها و مشکلات هم حمد و سپاس خدا را داشته باشد. و بر مصایب و مشکلات صبور باشد. و تا می تواند کار خیر انجام دهد (5).

طبق روایات، مستحب است که حاجی در وقوف بر عرفات که با طهارت (وضو) باشد. و نیز وقوف در «میسره الجبل (6)» قسمت پایین کوه انجام شود و وقوف در قسمت بالای کوه کراهت دارد.

و نیز مستحب است تمام زمان وقوف را با ذکر و دعا بگذرانند (7). و قولی قایل به وجوب آن شده است. و حتی در برخی روایات تأکید بر ایستاده دعا کردن نموده است، مگر مواردی که با مقام خشوع منافات داشته باشد.

ص: 482

1-1- هشتم ذیحجه روز ترویبه است، ترویبه یعنی ذخیره کردن آب، در این روز زئران خانه خدا از مکه به نارهسپار شده تا شب را در آنجا گذرانده و صبح روز بعد خود را برای عرفات آماده کنند. ترویبه به معنای ذخیره کردن آب است و چون در این روز حجاج باید برای توقف در عرفات و بیتوته در مشعرالحرام و انجام اعمال خاص منا، به فکر ذخیره آب می بودند، به آن یوم الترویبه گفته می شود. چون در گذشته در صحرای عرفات آب نبود، در این روز برای آب دادن به حجاج از مکه آب می بردند، از این رو به این روز روز آب رسانی می گویند.

2-2- الشیخ محمد بن مکی العاملی، الدروس الشرعیه فی فقه الامامیه، ص 417.

3-3- «الم (1)» «ذَلِکَ الْکِتَابُ لَا رَیْبَ فِیْهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِیْنَ (2)» «الَّذِیْنَ یُؤْمِنُونَ بِالْغَیْبِ وَیُقِیْمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ یُنْفِقُونَ (3)» «وَالَّذِیْنَ یُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَیْکَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِکَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ یُوقِنُونَ (4)» «أُولَئِکَ عَلَیْ هُدًى مِنْ رَبِّهِمْ وَأُولَئِکَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (5)» «إِنَّ الَّذِیْنَ کَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَیْهِمْ أَلَنذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا یُؤْمِنُونَ (6)» «خَتَمَ اللَّهُ عَلَی قُلُوبِهِمْ وَعَلَی سَمْعِهِمْ وَعَلَی أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِیْمٌ (7)» «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ یَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالْیَوْمِ الْآخِرِ وَمَا هُمْ بِمُؤْمِنِیْنَ (8)» «یُحَادِّثُونَ اللَّهَ وَالَّذِیْنَ آمَنُوا وَمَا یُخَدِّعُونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا یَشْعُرُونَ (9)» «فِی قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِیْمٌ بِمَا كَانُوا یُكْذِبُونَ (10)»

4-4- «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ (1)» «اللَّهُ الصَّمَدُ (2)» «لَمْ یَلِدْ وَلَمْ یُولَدْ (3)» «وَلَمْ یَكُنْ لَهُ کُفُوًا أَحَدٌ (4)»

5-5- الشیخ محمد بن مکی العاملی، الدروس الشرعیه فی فقه الامامیه، ص 419.

6-6- در پایان فصل اول توضیح داده شده است.

7-7- الفیض الکاشرانی، المولی محمد، مفاتیح الشرایع، تحقیق: السید مهدی رجایی، ج 1، حدیث 387، ص 345.

و مستحب است که خیمه اش را در « نمره » بزند. به طوریکه در وقوف، امکان اجتماع مردم به راحتی باشد. و تمام قلبش را متوجه دعا کند (خود را از مشغلاتی که مانع از توجه در دعا می شود خود را دور کند؛ مثلاً- با موبایلش از طریق تلگرام و واتساپ و... گزارش زنده نفرستد).

## ب- واجبات:

از امور واجب، پنج عمل است:

1- نیتی بعد از زوال، به طوری که تأخیر از زوال صحیح نیست و اگر عمدتاً نیت را به تأخیر بیندازد، گناه و معصیت نموده است ولی عملش مجزی و کفایت می کند(1).

فیض کاشانی « می فرماید: از جمله امور واجب در عرفه، نیت است که بنابر قول مشهور، بعد از تحقق زوال انجام می شود؛ و حال آن که مستندی را برای آن نیافتیم.

در حدیث صحیحی در «الوافی» آمده است: پس زمانی که خورشید از آسمان زایل شد (بعد از غروب خورشید، رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به همراه قریش از آنجا (عرفه) خارج شدند(2).

2- این نیست، باید به قصد فعل و قصد تقرب الی الله و قصد وجوب یا قصد حج تمتع یا قصد حجه الاسلام باشد(3). و این نیت با این تفصیلات، شیخ طوسی در «تذکره» و ابن ادریس در «سرائر» و نیز به اجماع فقها در نزد ما شیعه واجب است البته بر خلاف نظر اهل سنت که آن را واجب نمی دانند و دلایل آن ها بر خودشان حجت است(4).

3- وقوف در محدوده عرفه، شامل: نمره، ثویه ذوالمجاز والاراک، جایز نیست. ظاهر این است که؛ بنابر روایت معاویه، پشت بل (کوه)، موقف است. و بنا بر روایت کن، ابن جنید و حلبی: محدوده عرفه، از مازمین تا موقف است(5).

ص: 483

- 
- 1-1- الشيخ محمد بن مکی العاملي، الدروس الشرعية في فقه الامامية، ص 419.
  - 2-2- الفيض الكاشاني، المولى محمد، مفاتيح الشرايع، تحقيق: السيد مهدي رجائي، ج 1، ص 344.
  - 3-3- طباطبائي، رياض المسائل في بيان احكام بالدلائل، ج 4، ص 134.
  - 4-4- همان، ص 135.
  - 5-5- الشيخ محمد بن مكي العاملي، الدروس الشرعية في فقه الامامية، ص 419.

مطلب اجماعی: وقوف در محدوده عرفه؛ همچون بطن عرفه یا ثویه یا ذی المجاز و یا تحت الاراک، کفایت نمی کند(1).

به این مفهوم که: وقوف در محدوده عرفه، باعث بطلان حج می شود. و اگر در مشعر از روی فراموشی وقوف نکند، همین حکم را دارد(2).

4- کلام شیخ طوسی در «خلاف»: وقوف در عرفه هم به صورت سواره و هم ایستاده جایز است.

و سخن حق در «مبسوط»: ایستاده برتر است. به دلیل آن که سختی و مشقتش بیش تر است. و حضرت فرمودند: أفضل الأعمال أحمزها. برترین کارها، سخت ترین آن ها است.

5- اقامت کردن و ماندن در عرفه تا غروب خورشید. البته آنچه که به عنوان رکن محسوب می شود، همان مسمای ماندن است. ولو آنکه با وجود نیت با حیوانش حرکت کند.

حال اگر فردی عمد، قبل از غروب خورشید و از روی اختیار با علم به حکم آن، از آن مسیر کوچ کند و به موقف برنگردد، حجتش صحیح است ولی باید یک شتر (بدنه کفاره دهد. سپس اگر توانایی پرداخت شتر را نداشته باشد، هیجده روز پشت سر هم روزه بگیرد، چه در سفر یا در حضر، در مکه باشد یا در نزد خانواده اش باشد. و نیز این کفاره ساقط نمی شود حتی اگر بعد از غروب خورشید به عرفه برگردد(3). «ابن بابویه» گفته است: یک گوسفند کفاره دهد(4).

و اما در این هیجده روز روزه گرفتن، بحث است که آیا پشت سر هم باشد یا خیر؟ ظاهر، عدم است(5).

### مطلب اجماعی:

اگر قبل از غروب خورشید از روی جهالت و یا فراموشی؛ کوچ کند، چیزی به گردشش نمی باشد. و اگر عمدا باشد باید یک بدنه (شتر) کفاره دهد، بر خلاف نظر «صدوقین» که قائل به داد گوسفند است. و حال آن که مستند این دو قول را نیافتیم. و اگر قبل از غروب

ص: 484

1-1 - الفیض الکااشانی، المولی محمد، مفاتیح الشرایع، تحقیق: السید مهدی رجایی، ج 1، ص 344.

2- - کرکی، جامع المقاصد، ج 3، ص 222.

3-3 - الشیخ محمد بن مکی العاملی، الدروس الشرعیه فی فقه الأمامیه، ص 419

4- - همان، ص 420.

5-5 - کرکی، جامع المقاصد، ج 3، ص 222.

برگردد، بنابر اصل، چیزی به عهده او نیست که پردازد، به دلیل آن که اگر در ابتدا وقوف نکند سپس قبل از از غروب بیاید و وقوف کند تا غروب شود، کفاره ای به عهده اش نمی باشد(1).

در این که مسمای عرفه، رکن است، مطلب اجماعی است؛ به طوری که اگر کسی عمداً آن را ترک کند، حجی برای او منظور نمی شود.

در حدیث «حسن» آمده است: «اصحاب الازاک لا حج لهم»

زیرا زمانی که اگر کسی در محدوده ی عرفه وقوف کند، حجی برای او نیست؛ پس به طریق اولی، انجام ندادن وقوف در عرفه هم، حجی برایش منظور نمی شود.

و کسی که به جهت عذری وقوف را ترک کند، می تواند آن را جبران نماید؛ ولو قبل از فجر روز عید قربان (اگر برایش ممکن است) باشد. وگرنه که وقوف در مشعر به اجماع فقها و دلایل معتبر، برایش مجزی است. و اگر مردد باشد در این که آیا قبل از فجر امکان وقوف دارد یا نه؟ که در صورت اعمال وقوف در مشعر قبل از فجر برایش کفایت میکند و حجش تمام است(2).

6- سلامتی از بیماری چون جنون، اغماء و بیهوشی، مستی و خواب که البته در بخشی از آن وقت باشد نه اینکه تمام اوقات در خواب باشد(3).

7- وقوف در عرفه، در روز نهم ذی الحجه بعد از زوال باشد.

پس اگر فردی به اشتباه، روز هشتم وقوف کند، عملش کفایت نمیکند و مجزی نمی باشد. اگر در روز دهم وقوف کند، احتمال مجزی بودن به جهت دفع عسر و حرج وجود دارد زیرا با ذکر روایتی از کلام پیامبر (صلی الله علیه و آله) که فرموده اند: «حجکم یوم تحجون»، اگر در آن روز حج بجای نیارید؛ واجب را اتیان ننموده اید، پس قضای آن عمل را باید بجای آورید.

### حکم اعمال موقینتی در روزهای مشتبه

در فرق بین «حکم اشتباه روز دهم و روز هشتم»: چون هیچگاه تصور نمی شود که؛ حج گزار عدد روزها را از نظر تاریخ فراموش کرده باشد، لذا قضا ندارد.

ص: 485

1-1- الفیض الکاشارنی، المولی محمد، مفاتیح الشرایع، تحقیق: السید مهدی رجایی، ج 1، ص 344

2-2- همان، مفتاح 6 و 385، ج 1، ص 245.

3-3- الشیخ محمد بن مکی العاملی، الدروس الشرعیه فی فقه الأمامیه، ص 420



«فاضل»، قائل به عدم اجزاء و کفایت نکردن عمل در غیر از روز نهم ذی الحجه می باشد. چه آن روز، هشتم باشد یا روز یازدهم (1). بطوری که اگر گروهی و طایفه ای از حج گزاران به این اشتباه مرتکب شوند، عذرشان پذیرفته نمی باشد «ابن جنید» هم به این قول قائل است.

حال اگر فردی به تنهایی؛ خودش هلال را ببیند، باید بر اساس رؤیتش عمل کند و در عرفه وقوف نماید؛ لذا وقوف با سایرین در روزهای دیگر برای او وجوبی ندارد.

و اگر نسبت به مکان دچار خطا و اشتباه شوند، باید برگردند.

و اگر از روی جهالت و نادانی، به اشتباه در نیمه اول روز وقوف کنند، این عمل از آن ها مجزی نمی باشد. که در این صورت، «حلی» دعا و استغفار را واجب دانسته و «ابن زهره»، ذکر را واجب می داند (2).

### نقش قاعده «الضرورات تبیح المحظورات»

امام و غیر امام در منا، تا طلوع فجر روز عرفه بیتوته می کنند؛ به طوری که بنا بر قول مشهور؛ خروج آن ها از منا قبل از فجر؛ کراهت دارد. در قول ضعیفی، دلیل آن را امر به خواندن نماز در برنا دانسته است. و نیز در روایت «صحیحی» آمده است: «هل صلی رسول الله (صلی الله علیه و آله) الظهر بمنی یوم الترویة؟ قال: نعم و الغداه بمنی یوم عرفه». آیا رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نماز ظهر را، یوم الترویة قبل از رفتن به عرفه (در منا خواندند؟ فرمود: بلی و نماز صبح روز عرفه را در منا خواندند.

### تبیین قاعده:

خروج از بنا قبل از فجر، کراهت دارد مگر برای مضطربین؛ که همان معذورین می باشند مانند فرد ترسان و شخص مریض. طبق این قاعده؛ همچنان که موارد ممنوع و محظور، به جهت ضرورت هایی مباح می شود؛ پس به طریق اولی موارد مکروه هم برای مضطربین می تواند بلا اشکال باشد.

در خبر صحیحی اینچنین آمده است: «إنا مشاه فکیف نضنع»: تکلیف ما چیست و

ص: 486

---

1-1- الشیخ محمد بن مکی العاملی، الدروس الشرعیة فی فقه الأمامیة، ص 420.

2-2- همان.

چه کنیم که پیاده هستیم؟ حضرت فرمودند: اما کسانی که سواره هستند، نماز صبح را در بینا می خوانند و اما شماها ( پیاده ها)، بگذرید و عبور کنید تا نماز را در بین راه بخوانید. (عدم کراهت)(1).

تصویر



## عرفات، توقفگاه اول

وقوف در عرفات، ابتدای حج است و آنچه پیش از آن بوده به طور مقدمه می باشد. چون عمره تمتع با تمام شرایط ظاهری و معنوی به پایان رسد، زایر خانه آماده رفتن به عرفات می شود. و این وقوف، اصل عمل است ( رکن ) که اگر از کسی فوت شود، حج او، به کلی باطل می گردد.

پس اصل عمل از اینجاست که مربوط به شناسایی است. زیرا معرفت، اساس کلید حرکات است.

جبال و کوههای عرفات، که در شمال کعبه واقع شده؛ در حدود 24 کیلومتر است و میدان وسیعی است که مسافت آن تا خانه، نمایش حریم مسافتی را می دهد که ما بین معرفت و عمل

ص: 487

است. کوههای شمالی مکه که به کعبه متصل است، تکافو با این نمایش نمی کنند. گفته اند که «عرفات»، مکان به هم رسیدن و شناختن آدم و حوا بعد از هبوط بوده و یا جای به هم رسیدن ابراهیم و ابلیس و شناختن آن است. ولی حق این است که «عرفات»، فرودگاه نمایندگان آفاق و نخستین مکان برای شروع به معرفی ایشان است(1).

عرفات، معمول هر بارگاهی است که نمایندگان تازه وارد باید ورقه اعتبار - نامه از خود ارائه دهند و اگر کسی بخواهد به منزل دوست خود برود، ابتدا برای اظهار سوابق شناسایی - برگ دیدار می دهد که زمینه برای ورود و پذیرایی خواهد بود، و شناسایی خدا و معرفت این درگاه نیازمند به قسمتی از عمر است که در تحصیل آن صرف نمایند.

عرفات گرچه از نظر ظاهر، بیابانی بیش نیست ولی باطن آن مهمان خانه حضرت محبوب؛ و جای مهمانان خاص حضرت حق است.

وادی عرفات محفل راز، محل اظهارنیاز، جایگاه درمان دردهای باطن، مرکز دعا، عرصه گاه حال و مناجات، میدان طلب رحمت و مغفرت از جانب دوست و موضع گذاشتن پیشانی ذلت به درگاه ملک الملوک است(2).

حکما برای رسیدن به اسرار و دقایق خلقت، عمر خود را وقف نموده اند. ما هم به مقداری که در سر این کار عمری مصرف نموده و ایستادگی کنیم ممکن است به معرفت صاحبخانه و شناختن وظایف حضور، واقف شویم؛ گویا خواستاری دیدار، بدون سابقه ی معرفت، امری گزاف و از ادب دور و خالی از حقیقت باشد.

وقوف در عرفات نشان می دهد؛ مردمی که گرد آمده اند و خواهان طواف تشریف اند سابقه معرفت به آن ها صلاحیت و لیاقت تشریف داده؛ بنا براین در «عرفات» به عهده بدن، انجام وظیفه ای نیست؛ زیرا که «معرفت»، امری باطنی است و مربوط به ناحیه بدن و اعضا نخواهد بود؛ بلکه غالباً برای این امر سکوت و آرامش بدن، کمک کار می شود و بعکس بدن، هر چه عرفان بیش تر و عرض سوابق آن زیادتر باشد، بهتر است.

بنابر این، وقوف در عرفات»، برای پزشکان امروزی که در قسمت تشریح و وظایف اعضا، جستجو و بحث نموده و ارتباط علل و مبادی را در تمام نسوج بدن می بینند لازم است. همچنین جهت دانشمندان حیوان شناسی که از حیوانات ذره بینی تا بزرگ ترین حیوانات را در نظر

ص: 488

1-1- سحاب، فلسفه و اسرار حج، ص 124.

2-2- انصاریان، حسین، چهل حدیث حج، ص 104.

گرفته و می دانند و ملتفت اند که بعد از این همه معلومات، باز بسیاری از دقائق و اسرار بر آنها نامعلوم است و علمای حقوق و اجتماع و طبیعت شناسان و علمای هیأت فلکی و شیمیدان ها و جغرافی دان ها که در موقف حج، اینگونه دانشمندان، باید صف اول را تشکیل داده و باقی طبقات مردم در عقب ایشان به دیده آن ها بنگرند و به زبان آن ها بگویند(1).

آنجا باید با دیدن کثرت کفن پوشان، یاد قیامت کرد و به وقت کوچ به هنگام غروب، آن لحظه را باید در نظر آورد که خیمه حیات را با همه وسایل و عناصرش خوابانده و انسان را به طرف برزخ با یک لاکفن کوچ می دهند!

برای آنان که هزاران فرسخ راه را طی کرده و دل از اهل و عیال و مال و منال برداشته و به آن صحرا آمده اند و تکیه گاهی جز حق ندارند و با دوست به راز و نیاز برخاسته و از حضرتش - با کمک دعای عرفه حضرت سید الشهداء و راز و نیاز - طلب عنایت و رحمت و مغفرت می کنند، ثواب عظیمی قرار داده شده که روایت زیر گوشه ای از آن را بازگو می کند(2):

امام حسن مجتبی (علیه السلام) می فرماید: «شخصی خارج از مذهب اسلام به محضر رسول حق - صلی الله علیه و آله - آمد و از آن حضرت مسایلی پرسید؛ از جمله عرضه داشت مرا آگاه کن برای چه خاطر خداوند امر به وقوف به عرفات به وقت عصر فرموده؟ حضرت فرمود: عصر ساعتی است که آدم پروردگارش را عصیان کرد، بر امتم واجب فرمود در عرفات وقوف کنند و در محبوب ترین مکان ها در نزدش به تضرع و دعا برخیزند. آن ساعتی که مردم از آنجا کوچ می کنند ساعتی است که آدم کلمات را از حق دریافت نمود و آراسته به مقام توبه شد و توبه او از جانب توابع رحیم پذیرفته شد.

سپس پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: قسم به آن که مرا به حق مبعوث به رسالت فرمود و بشیر و نذیر قرار داد، خداوند را در عالم ملکوت بابی است که به آن گفته می شود: باب رحمت، باب توبه، باب حاجات، باب تفضل، باب احسان، باب جود، باب کرم و باب عفو. احدی در عرفات نمی آید مگر این که از جانب خداوند به وقت وقوف، مستحق همه این واقعیات می شود.

برای حضرت حق صد هزار فرشته است و برای خداوند رحمتی است که برای اهل عرفات به عرفات نشینان نازل می شود، چون از عرفات کوچ کنند خداوند فرشتگان خود را شاهد می گیرد به این که اهل عرفات از آتش جهنم آزادند، و حضرت حق بهشت را بر آنان واجب فرمود

ص: 489

1-1- سحاب، فلسفه و اسرار حج، ص 124.

2-2- انصاریان، حسین، چهل حدیث حج، ص 105.

ویک منادی ندا می دهد: بروید در حالی که آمرزیده شدید، مرا خوشنود کردید و من از شما خوشنودم!

شخص خارج از مذهب اسلام عرضه داشت: «ای محمد، چه صادقانه سخن گفتی .

از «ابا عبدالله (علیه السلام) سؤال کردم در باره فردی که در حج تمام آن دو موقف را از دست داد و انجام نداد. حضرت فرمودند: تا طلوع خورشید روز عید قربان فرصت انجام دارد. و بعد از عید قربان دیگر حجی بر او نیست و آن را عمره قرار می دهد و حج برای او در آینده است(1).

تمام عرفه به عنوان «موقف» است و قول مشهور فقها، وقوف در «میسره» در «سفیح الجبل» مستحب است(2).

و وقوف بر کوه کراحت دارد و «قاضی» در «مهدب» قائل بر حرمت است؛ مگر به جهت ضرورت. که به این قول «ابن ادیس» در «سرائر» قائل است(3).

و «سید مرتضی» چنین گفته است:

بهترین موقف ها «میسره جبل» است. «ابن جنید» و «ابن ابی عقیل» نیز اینچنین گفته اند. و در نزد ما (ابن ابی عقیل) اصل، برائت از ذمه است. و طبق روایتی که از «ابن بابویه» و «ابن ابی عقیل» شده است: پیامبر (صلی الله علیه و آله) در «میسره الجبل»، وقوف در عرفه کرد، پس مردم اقدام به سبک کردن شترش کردند و به سمت شتر توقف کردند پس حضرت بر شتر تکیه کردند و مردم هم مثل او انجام دادند؛ سپس حضرت فرمود: ای مردم اینجا مکانی برای سبک حال کردن شترم نیست و حال آنکه این جا، «موقف» است. و حضرت با دست مبارکشان به «موقف» اشاره کردند، آنگاه مردم متفرق شدند و حضرت فرمودند: تمام عرفه، «موقف» است. و اگر چیزی نباشد، جز آنچه در کف پای شترم است مردم آن را نمی توانند و در وسعت نمی باشند(4).

ص: 490

1-1- آبی، حسن بن ابی طالب و اشتهاوردی، علی پناه و یزدی، حسین، کشف الرموز فی شرح المختصر النافع، ج1، ص 364.

2-2- حلی (علامه)، حسن بن یوسف بن مطهر، مختلف الشیعه فی أحكام الشریعه، ج1، ص 298.

3-3- الشیخ محمد بن مکی العاملی، الدروس الشرعیه فی فقه الأمامیه، ج1، ص 418.

4-4- عمانی، حسن بن علی بن ابی عقیل حذاء، حیاة ابن ابی عقیل و فقهه. ص 261.





در عرفه دعاهایی از پیامبر (صلی الله علیه و آله)، امام حسین (علیه السلام) و امام زین العابدین (علیهما السلام) وارد شده است. « شیخ صدوق» و « شیخ طوسی» به این ذکرها اشاره داشته اند: لا إله إلا الله وحده لا شریک له، له الملك وله الحمد وهو على كل شیء قدير (200 مرتبه) و بعد از آن ها دعا برای پیامبر و تمام انبیاء. و نیز طلب استغفار با زبان و قلب، برشماردن گناهان، گریستن یا خود را به گریه زدن همچنانکه ابن جنذب و ابن شعیب و سایرین از اصحاب ائمه گریستند(1).

### بیان فلسفه توقفگاه اول، برره برخی شبهات در سیره ابی عبدالله و رسول خدا (صلی الله علیه و آله)

از جنبه های مختلف می توان؛ مسأله را مورد بررسی قرار داد؛ که به پنج مورد آن اشاره می شود:

1- عالم ترین شخصی یهودی خدمت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آمد و مسایل مهمی را از حضرت پرسید و گفت(2):

به من خبر بده که برای چه خدا امر به وقوف در عرفات در زمان بعد از عصر داده است؟ حضرت در پاسخ فرمودند: عصر ساعتی است که حضرت آدم عصیان پروردگارش را نمود؛ لذا

ص: 491

1-1- الشیخ محمد بن مکی العاملی، الدروس الشرعیة فی فقه الأمامیه، ج1، ص 418.

2-2- بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج96، ص 249.

خدا بر امتم وقوف را واجب دانسته است. و نیز تضرع و دعا را در بهترین مکان ها و خودش برای آن ها کفیل شده است که آن ها را به بهشت بفرستد و لحظه ای که مردم بر می گردند؛ زمانی است که حضرت آدم (علیه السلام) از پروردگارش سخنانی را دریافت نمود، آنگاه به سوی خدا توبه کرد. زیرا خدا بسیار توبه پذیر و مهربان است. سپس پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: قسم بر کسی که مرا به حق بشارت دهنده و ترساننده مبعوث کرد. همانا برای خدا دری در آسمان است که به آن «باب الرحمه (1)» و «باب التوبه» و «باب الحاجات» و «باب التفضل» و «باب الاحسان» و «باب الجود» و «باب الکرّم» و «باب العفو» گفته می شود و هیچکس در عرفات جمع نمی شود مگر که در آن زمان این خصلت ها را از خدا بخواهد و خداوند صد هزار فرشته دارد و با هر فرشته ای صد و بیست هزار فرشته است و بر ساکنین عرفات تنها رحمت الهی است که بر اهل عرفات نازل می شود؛ پس زمانی که از عرفات بر گردند، خدا بر فرشتگان به آزادی ساکنین عرفات از آتش جهنم شهادت می دهد و خدا بر آنان بهشت را واجب دانسته است. منادی صدا می زند که برگردید؛ در حالی که بخشیده شده اید. به طوری که شما ها از من راضی هستید و من هم از شما ها راضی هستم. در اینجا فرد یهودی گفت که: ای محمد راست گفته ای.

2- از ابی عبد الله (علیه السلام) که فرمود(2):

فردی بعد از بازگشتش از موقف، از آن حضرت پرسید: آیا می بینی که خدا تمام خلق را نا امید می کند؟

ابی عبد الله (علیه السلام) فرمودند: در این موقف، هیچ شخصی اعم از مؤمن و کافر وقوف نمی کند؛ مگر آن که خدا او را می بخشد.

منازل مغفرت سه منزل است:

1- مؤمنی که خدا گناهان گذشته و آینده او را می بخشد. و او را از آتش می رهاند. که از جمله این افراد کسانی هستند که می گویند: «وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ (3)» و بعضی می گویند: «پروردگارا! به ما در

ص: 492

1-1 - باب الرحمه در دیوار غربی از ورودی های سه گانه ای است که در دوران پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم برای مسجد در نظر گرفته شد با وجود شهرت این تام، وجه این نام گذاری مشخص نشده است. با عنایت به روایتی از بخاری درباره نزول باران رحمت به دعای پیامبر در پاسخ به تقاضای یک بادیه نشین نتیجه می گیرد که ورود وی از این در انجام گرفته و این در به همین دلیل به باب الرحمه مشهور گشته است. نتیجه می گیرد که ورود وی از این در انجام گرفته و این در به همین دلیل به باب الرحمه مشهور گشته است. ویکی پدیا.

2-2 - بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج 96، ص 250.

3-3 - بقره: 201.

دنیا (\*نیکی\*) عطاکن! و در آخرت نیز (\*نیکی\*) مرحمت فرما! و ما را از عذاب آتش نگاه دار! 2- مؤمنی که خدا گناهان گذشته اش را بخشیده و به او گفته شده است: آفرین نسبت به ما بقی «فَمَنْ تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ وَمَنْ تَأَخَّرَ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ لِمَنِ اتَّقَى وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ (1)» و خدا را در روزهای معینی یاد کنید! (روزهای 11 و 12 و 13 ماه ذی حجه). و هر کس شتاب کند، (و ذکر خدا را در دو روز انجام دهد، گناهی بر او نیست، و هر که تأخیر کند، دو سه روز انجام دهد نیز) گناهی بر او نیست؛ برای کسی که تقوا پیشه کند. و از خدا بپرهیزید. و بدانید شما به سوی او محشور خواهید شد! و منظور از تقوا، دوری از گناهان کبیره است.

و اما عامه می گویند: منظور از «مَنْ تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ وَمَنْ تَأَخَّرَ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ لِمَنِ اتَّقَى...» در ارتباط با صید است. همچنانکه خداوند متعال فرموده است: «أُحِلَّ لَكُمْ صَيْدُ الْبَحْرِ وَطَعَامُهُ مَتَاعًا لَكُمْ وَلِلْغَنَائِمْ وَحُرْمَ عَلَيْكُمْ صَيْدُ الْبَرِّ مَا دُمْتُمْ حُرْمًا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ (2)» صید دریا و طعام آن برای شما و کاروانیان حلال است؛ تا (در حال احرام) از آن بهره مند شوید؛ ولی مادام که محرم هستید، شکار صحرا برای شما حرام است؛ و از (نافرمانی) خدایی که به سوی او محشور می شوید، بترسید! 3- کافری که از باب زین حیات دنیا در این موقف، وقوف کرده؛ اگر از شرک توبه کند؛ خدا گناهان اولیه او را می بخشد و اگر توبه نکند؛ خدا اجرش را در دنیا به او می دهد و او را از ثواب این موقف محروم نمیکند و این سخن خدا: «مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا نُوفِّ إِلَيْهِمْ أَعْمَالَهُمْ فِيهَا وَهُمْ فِيهَا لَا يُبْخَسُونَ (3)» کسانی که زندگی دنیا و زینت آن را بخواهند، (نتیجه اعمالشان را در همین دنیا بطور کامل به آنها می دهیم؛ و چیزی کم و کاست از آنها نخواهد شد!

3- در «قرب الاسناد» از محمد بن عیسی از حماد بن عیسی که گفته است (4):

من ابا عبد الله را در سمت چپ موقف بر روی استری دیدم در حالی که دستش را به سوی آسمان بلند کرده بود. و نیز در حالی که پیامبر (صلی الله علیه و آله) هم در موقف بودند و دو دست مبارکشان را به سوی آسمان برده بودند. و با دو انگشت سبابه اشان ( اشاره ) لحظه به لحظه به سمت کوه اشاره می کردند.

ص: 493

1-1- بقره: 203.

2-2- مائده: 96.

3-3- هود: 15.

4-4- حمیری، قرب الاسناد، ص 22.



4- در «قرب الاسناد» از محمد بن عیسی که فرمود(1):

حفص بن ابی محمد از مؤذن علی بن یقظین به من حدیثی را نقل کرد و فرمود: ابا عبد الله (علیه السلام) را در حال حج و وقوف در موقوف، سال 140 که والی (حاکم) و اسماعیل بن علی بن عبد الله بن عباس با مردم وقوف می کردند؛ آن ها را دید (شخصی به نام حفص...). حضرت را شناخت و با ابی عبد الله (علیه السلام) وقوف نمود. حضرت به او فرمود: زمانی که امام با مردم حرکت می کند، دیگر وقوفی نمی باشد.

5- در «قرب الاسناد»، محمد بن عیسی از قداح از جعفر از پدرش که فرمود(2):

پیامبر (صلی الله علیه و آله) در روز عرفه، هنگام پنهان شدن خورشید، چشمشان پر از اشک شد و فرمودند: اللهم انی أعوذ بک من الفقر و تشیر الأمور و بین شیر ما یحدث باللیل والنهار أصبح لی مشتجیر بعزک وأصبح وجهی الفانی مشتجیر بوجهک الباقی یا خیر من شل و أجود من أنمی و أرحم من اشترجم للنی برحمتک و ألبسنی عافیتک و اصرف عینی شر جمیع خلقک».

ترجمه:

خدایا من از فقر به تو پناه می برم و از اختلاف در کارها به عزتت پناه می برم و از شیر هر آن چه که در شب و روز موجب خواری من گردد، و از صورت فانی خود به صورت باقی تو ای خدا پناه می برم. ای بهترین کسی که از تو درخواست می شود و بخشنده ترین کسی که می بخشد و مهربان ترین کسی که ترحم می کند، خدایا به رحمتت قسم؛ مرا بزرگ دار و بر من لباس عافیت بخش و تمام امور شر و بد را از من و تمام مخلوقات دور گردان.

### اهمیت وقوف در عرفه

حدیث شریف «الحج عرفه» از پیامبر (صلی الله علیه و آله) دال بر این است که: اعمال حج را اگر بخواهند فشرده سازند، در عرفه خلاصه می شود. زیرا عرفه روح حج است و «وقوف در عرفات» ابتدای حج و اعمالی که پیش از آن بوده، مقدمات عرفات بوده است.

ص: 494

1-1- قرب الاسناد، ص 8 و بحار الانوار الجامعه لدرر الاخبار الائمه الاطهار، ج 96، ص 251.

2-2- بحار الانوار الجامعه لدرر الاخبار الائمه الاطهار، ج 96، ص 251

کلمه « وقوف » یعنی واقف شدن، شناختن و فکر کردن. پس در اینجا باید آموخت؛ آنچه را که در هیچ کجا، هیچ زمان و از هیچکس نمی توان آموخت.

در نیت این مکان ها چنین می گوئیم: « وقوف می کنیم» نمی گوئیم بجا می آوریم. این خود هزارها معنا دارد. در عرفات، هیچ چیز برای دیدن نیست! سرزمینی پر از شن و ماسه، شهری است همه یک رنگ، در اینجا هیچ تکلیفی جز اندیشه و فکر نمی باشد. در زیر آفتاب و چادرهای سوزان عرفات، باید غنچه ی فطرت شگفته گردد تا شعور خود را در مشعر بکار بندی(1).

و نیز در حدیثی، محمد بن البختری، از احمد بن الخلیل،... زید بن طلحه التیمی، از پدرش، از پیامبر (صلی الله علیه و آله)، که فرموده است: « عرفه یوم یعرف الاش » عرفه، روزی است که مردم شناخته می شوند(2).

پس در عرفه، تمام جوانب شناخت حاصل می شود؛ اعم از خود شناسی، دگر شناسی و خداشناسی

سر اینکه فضای عرفات برای این کار (شناخت حقیقت و حق تعالی) اختیار شده؛ از این جهت است که، فضا هر چه بازتر باشد، جلوه حقیقت را بیشتر نمایش می دهد؛ و برای نظر عرفان و ایستگاه حکیمانه، مناسب تر خواهد بود. همچنانکه خداوند در قرآن می فرماید: «أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ (3)».

ترجمه: آیا آنان به شتر نمی نگرند که چگونه آفریده شده است؟!

عرصه ای، از وادی عرفات وسیع تر نزدیک تر به خانه کعبه وجود ندارد. بنابر این « وقوف عرفات » گویا « کلاس تکمیل شناسایی حق » و « طی نمودن مدارج عرفان و معرفت » می باشد.

پس شناسایی حضرت آدم (علیه السلام) با حوا؛ و شناسایی حضرت ابراهیم (علیه السلام) وظیفه خود را در قربانی فرزند و مناسک خود، تمام از پرتو همین شناخت حق می باشد. لذا در سایه همین شناخت باید یکدیگر را بشناسند و به حواجج یکدیگر آشنا گردند و سپس دشمنان حوزه اسلام را شناخته؛ وظیفه خود را از هر جهت انجام دهند.

وقوف در عرفات به منزله توقف پشت درب خانه خدا است که باید آنجا ایستاد و سماجت

ص: 495

1-1- خداکر می زنجانی، ابوعلی، ابعاد گوناگون حج، ص 319-318.

2-2- سنن الدار القطنی، ج 3، ح 2444، ص 230.

3-3- الغاشیه: 17.

کرد تا آن را بگشاید و اجازه ورود دهد. به عبارت دیگر: وقوف عرفات، جهت استیذان و گرفتن اجازه نامه برای ورود به دربار ملکوتی حق تعالی است.

در پرسش «معاویه بن عمار» از امام صادق (علیه السلام) پیرامون علت نامگذاری عرفات، پرسیدم.

حضرت چنین پاسخ فرمودند:

جبرئیل (علیه السلام) حضرت ابراهیم (علیه السلام) را روز عرفه بیرون آورد. چون ظهر شد، به وی گفت: ای ابراهیم! به گناهت اعتراف کن و عبادت هایت را عارف باش (بشناس) از این رو «عرفات» نامیده شد چون که جبرئیل گفت: اعتراف کن، او هم اعتراف کرد(1).

### حد عرفه

ابن ابی عقیل و «ابی الصلاح» در باره حد عرفه (محدوده) چنین گفته اند: از «مازمین»(2) تا «موقف» است. شیخ طوسی در «نهایه» و «مبسوط» و ابن براج و ابن ادریس چنین گویند:

محدوده عرفه از بطن محنه و ثویه و تیره تا ذی المجاز است

و «ابن جنید» گوید: محدوده عرفه از زمین تا کوه (عرفه) است(3).

شیخ صدوق از امام صادق (علیه السلام) چنین نقل می کند که (روایت صحیحی از معاویه بن عمار)(4):

«محدوده عرفات، از مازمین تا دورترین موقف است». و امام صادق (علیه السلام) فرمودند: محدوده عرفه از بطن غزنه و ثویه و تره (وذی المجاز) و پشت کوه تا دورترین قسمت کوه، موقف است.

حال می توان درک کرد که بین دو قول هیچ منافاتی وجود ندارد زیرا همه آن محدوده عرفه است لکن از جهات مختلف آن را بیان می کند.

ص: 496

1-1- غلامی، هادی، مناسک مأثوره، ص 356.

2-2- مازم (بر وزن مسجد) و مازمان بصیغه تشبیه هم گفته میشود: تنگنای است میان جمع و عرفات و نیز تنگنای دیگری است میان مکه و منا (شرح قاموس). حجه التفاسیر و بلاغ الإکسیر، مقدمه دوم، ج 1، ص 1056.

3-3- حلی، مختلف الشیعه، ج 4، مسأله 202، ص 250.

4-4- همان، مسأله 203، ص 250 و ص 251.

مساحت عرفات: هیجده کیلومتر فاصله عرفات تا مکه: بیست کیلومتر

### وقت وقوف در عرفات

شیخ طوسی در «خلاف»: وقت وقوف در عرفه از زوال روز عرفه تا طلوع فجر روز عید قربان است.

ابن ادریس گفته است: همانا وقت عرفه از زوال ظهر تا غروب خورشید روز عرفه است زیرا در این نظر هیچ اختلافی نیست. شیخ طوسی در دو کتاب «خلاف» و «مبسوط» نظر بعضی از اهل سنت را آورده است (1).

تحقیق آن است که: نزاع لفظی است، پس همانا شیخ طوسی، وقوف اختیاری را از زوال خورشید تا غروب خورشید می داند. و وقوف اضطراری را از زوال خورشید تا طلوع فجر می داند.

ابن ادریس «توهم کرده که شیخ در قصد به وقوف اختیاری به خطا رفته است زیرا از برخی مخالفین (اهل سنت) تقلید نموده است؛ در حالی که شیخ مجتهد بسیار بزرگی بوده است و شکی نیست در حرمت تقلید برای مجتهدی که محق است. پس چگونه است بر فرد مخالف (اهل سنت) که مورد تقلید واقع شود در حالی که معتقد است مجتهد هم به خطا می رود. و آیا این نظر از روی جهالت و جسارت بر شیخ نبوده است (2)؟

### حکم کوچ کننده از عرفات قبل از غروب خورشید

از ابو جعفر (علیه السلام) سؤال شد پیرامون مردی که از عرفات قبل از غروب خورشید کوچ کرد؛ حضرت فرمودند: در روز عید قربان یک شتر (بدنه) قربانی کند و اگر نتوانست، هیجده روز در مکه یا در بین راه و یا در کنار خانواده اش روزه بگیرد. و از ابی عبد الله (علیه السلام) در مورد مردی که از عرفات قبل از غروب خورشید کوچ کرد فرمود: اگر جاهل باشد، کفار ای بر گردش نیست و

ص: 497

1-1- حلی، مختلف الشیعه، ج4، ص251.

2-2- همان، ص252.

اگر عمدا باشد، یک شتر باید کفاره دهد. در فقه رضوی می گویم که تو هرگز نباید قبل از غروب خورشید کوچ کنی که در این صورت باید کفاره خون بدهی (1).

### ضرورت خواندن نماز عشاءین در «مشعر الحرام»

« شیخ طوسی » در «نهایه » می فرماید:

نماز مغرب و عشاء آخر را نخوان مگر در مزدلفه ( مشعر الحرام ) و اگر از شب، یک چهارم و یا یک سوم آن بگذرد، پس اگر کسی او را از آمدن به « مزدلفه » منع کند تا اینکه بیش تر از یک سوم از شب برود، در این صورت جایز است که این فرد نماز مغرب را در راه بخواند و حال آنکه این عمل از روی اختیار جایز نمی باشد و سخن « ابن ابی عقیل » گمان وجوب می رود

( واجب است که نمازش را در راه بخواند ). (2)

حال وقتی حکایت و سخن از سنت رسول الله است ؛ و ایشان عمل به سنتش را بر امتش واجب گردانیده است. لذا هیچکس از امت حضرت بعد از برگشت از عرفات، نمازشان را نخوانند مگر آنکه به مشعر الحرام آمدند (3).

### مفهوم شناسی حدیث «أصحاب الأراک لاحج لهم»

« أصحاب الأراک لاحج لهم »، حدیثی از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) است ؛ که اینچنین مورد استدلال واقع شده است:

مفهوم این سخن آن است که: حج، برای غیر از ساکنین اراک ثابت است و کسی که در عرفه وقوف می کند، نباید از اصحاب اراک باشد.

### جواب بر این استدلال:

مفهوم کلام فوق از نظر دلالت، مفهوم ضعیفی است؛ به خصوص آن که با اجماع فقها

ص: 498

---

1-1- کرمانی، حاج محمد کریمخان، فصل الخطاب، (علم الشریعه، العبادات)، ج 4، ش 2987، ص 356.

2-2- عمانی، حسن بن علی بن ابی عقیل حذاء، حیاة ابن ابی عقیل و فقهه. ص 299.

3-3- الحدائق الناظره، ج 16، ص 423.

معارض است. پس همانا غیر از اصحاب اراک، اگر نسبت به ارکانی حج از روی عمد خللی وارد نمایند، حجتشان به اجماع فقها باطل است (1).

## آداب حرکت به سوی عرفه

- 1- همراه با دعا باشد و خیمه زدن در « نمره (2) » که وسط عرفه است و « حسن » گفته ؛ هر جایی که خواست خیمه بزند. (3)
- 2- امکان حضور یافتن در عرفه باشد. چند موضع در اطراف صحرای عرفات است به نام « نمره » و « ثویه » و « ذوالمجاز » و « عرنه » و « اراک » که همه در محدوده عرفات واقعند و در محدوده وقوف نمی باشند. بدلیل روایت « معاویه » و « حسن » و « ابن جنید » و « حلبی » که حد عرفه را از « مأزمین » تا « موقف » دانسته اند. و مستحب است به دعاهای رسیده از خدا و ائمه و آزاد شدن از آتش دوزخ را بخواهد و زیاد استغفار کند به طوری که همراه آرامش و متانت باشد. پس زمانی که از طرف راست به « کثیب الاحمر » (4) رسید. بنا بر روایتی که « معاویه » از امام جعفر صادق (علیه السلام) روایت کرده که اینگونه دعا کند: خدایا بر این موقم رحم کن - خدایا عملم را زیاد گردان - دینم را سالم نگهدار و عباداتم را قبول گردان. و بر این دعا اینچنین بیفزاید: خدایا آخرین لحظه و زمان از این موقف را قرار نده. خدایا بر من همیشه روزی ده آنچه را که بر من باقی گذاشتی. (5)
- 3- پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمودند: « مردم در « عرفه » با میل و رغبت وقوف می کنند و در حد توان، فضل الهی را می طلبند ؛ تا اینکه خورشید غروب کند. کسی که به جهت علتی، بیهوش شود و

ص: 499

---

1-1- حلی، مختلف الشیعه، ج4، مسأله 206، ص254.

2-2- شهید اول، الدروس، 120.

3-3- همان، ص 121

4-4- موضعی است در ساحل دریای یمن. تل سرخ، تپه ای بین عرفات و شعر هست که به نام کثیب احمر مشهور هست. مستند الشیعه، ج 12، ص 231.

5-5- شهید اول، الدروس، ص120.

در آن «وقف» متوقف شود؛ او را کفایت میکند. و نیز فرمودند: شایسته نیست کسی وقوف در عرفه را بدون طهارت انجام دهد». (1)

4- با امید به بخشش گناهان از سوی خدا حرکت کند.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: «بزرگ ترین گناه ساکنین عرفات، گمان بر عدم بخشش آن ها از سوی خداست». (2)

و حال آنکه در روز «عرفه» روایات زیادی از اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) به صور گوناگونی آمده است که ناظر بر وقت و زمان خاصی نیست و همه زمان ها را در بر می گیرد و اینگونه است که: هر شخصی به مقداری که می تواند دعاهای روز عرفه را بخواند و فضل الهی را در دنیا و آخرت از معبودش مسألت جوید.

### احکام و مسائل خاص در عرفه

احکام و دستورات خاص در عرفه، حاوی مسایلی به قرار ذیل است:

1- وقوف اختیاری در عرفه، رکن است و کسی که عمدا آن را ترک کند، حجتش باطل است.

2- فرد فراموشکار آن را جبران میکند (ولو قبل از فجر). پس اگر وقوف در روز و شب عرفه از او فوت شود، مشعر او را کفایت میکند. زیرا آن چه که واجب است، اطلاق نام حضور است؛ هر چند که بر روی چهارپایش با داشتن نیت از آن جا بگذرد (3).

3- ترک عمدی وقوف در عرفات، موجب بطلان حج می گردد. و آنچه در حالت عذر واجب است، مسمای وقوف است. و در چنین زمانی اگر بر حج گزار وقت اختیاری «مشعر» عارض شود، انجام اعمال در «مشعر» اولویت دارد.

4- اگر فردی در «عرفه» وقوف ننماید؛ بطوری که دو وقت اضطراری (عرفه و مشعر) با هم

ص: 500

---

1-1- التیمی المغربي، ابی حنیفه النعمان...، دعائم الاسلام، ج 1، ص 320.

2-2- همان.

3-3- کرکی، جامع المقاصد، ج 3، ص 223.

تعارض نمایند، بنابر قول مشهور، وقوف اضطراری کفایت نمی کند و مجزی نمی باشد. زیرا تأثیر عرفه در مشعر است؛ اگر عرفه را وقوف نکرده، پس وقوف اضطراریش در مشعر کافی نیست.

5- فراموش کننده وقوف در عرفه، باید برگردد؛ تا طلوع فجر، و میزان وجوب در وقوف اضطراری، مسمای آن است.

6- اگر ظن داشته باشد که وقوف عرفه از او فوت شده: قبل از طلوع خورشید بر مشعر اکتفا کند و حجت صحیح است، که البته این حکم در زمانی که قبل از طلوع خورشید وقوف در مشعر میکند؛ و وقوف در عرفه را یادش نیاید، همان حکم را دارد (ظن به وقوف در عرفه) (1).

7- مستحب است امام در چهار جا خطبه و سخنرانی کند: روز هفتم ذی الحجه - عرفه - عید قربان در برنا - کوچ اول. به جهت آن که مناسک حاجیان را اعلام کند، هر چند که شرط صحت حج نمی باشد (2).

8- و اگر حاجی از عرفات قبل از غروب خورشید، از روی عمد و از روی علم به تحریم، کوچ کند، مرتکب گناه شده است ولی به اجماع فقها؛ حجت باطل نمی شود. و در «المنتهی» چنین آمده است: به نظر علمای اهل سنت به جز مالک، واجب است کفاره، خون دهد تا جبران گردد. و در «الوسائل» منطبق با خبر صحیحی: مردی قبل از آن که خورشید پنهان شود، از عرفات کوچ کرد چه حکمی دارد؟ فرمود: در روز عی؛ قربان؛ یک شتر قربانی کند و اگر نتوانست هیجده روز در مکه یا در راه روزه بگیرد (3). البته قول مشهور و اجماع فقها (در کتاب الغنیه)، کفاره شتر است بر خلاف نظر «صدوقین» که کفاره را گوسفند می دانند.

در قول ضعیفی، کفاره را به گوسفند منصرف کرده است و اصل برائت از زاید را دلیل آورده است. البته قول خوبی است؛ و حال آن که راه گریزی از قول مشهور نیست.

اگر این حاجی که قبل از غروب خورشید از عرفات کوچ کرده؛ بعد از غروب به عرفات برگردد، به دلیل اصاله البقاء، عبادتی از او ساقط نمی شود.

ص: 501

---

1-1- کرکی، جامع المقاصد، ج 3، ص 224.

2-2- همان.

3-3- طباطبایی، ریاض المسائل فی بیان احکام بالدلائل، ج 4، ص 137-138.



و نیز اگر فردی از روی جهالت یا از روی فراموشی، از عرفات قبل از غروب خورشید کوچ کند؛ هیچ کفاره ای به عهده اش نمی باشد. (به دلیل اجماع گروهی از فقها) (1).

و اگر فرد جاهل، علم پیدا کند؛ یا فرد فراموشکار، به یادش آید که نباید قبل از غروب از عرفات کوچ کند، در این صورت بر او واجب است که در صورت امکان به عرفات برگردد؛ که اگر اخلاص بورزد، حکم فرد عامد را دارد (2).

### مفهوم شناسی آیه «ثم أفيضوا من حيث أفاض الناس»

در روایتی از «جعفر بن محمد» در توضیح این آیه (3) آمده است که فرمود: «در زمان جاهلیت، قریش از «مزدلفه» کوچ کردند در حالیکه می گفتند: ولایت ما نسبت به خانه (بیت) از سایر مردم بیش تر است و ما اولویت داریم (4). پس خداوند به آن ها امر کرد که «زمانی که از عرفات کوچ کردید، یاد خدا کنید... من حيث أفاض الناس... سپس از همانجا که مردم کوچ می کنند (به سوی سرزمین نا) کوچ کنید! و از خداوند، آمرزش بطلبید...» (5).

### فرصت آشتی با معبود در عرفات

در کلام درس یکی از بزرگان و اساتید پیرامون عظمت این مکانی مقدس (عرفات) که شاید حجاج به آن مکان توجهی نداشته باشند، می فرمودند (6):

کسی که در عرفات وقوف کند و گمانی بخشش از سوی خدا بر او غلبه نیابد؛ در این صورت حجی بر او نیست. پس تو آیا می دانی که با حج چه یافت می شود؟

ای بنده بدان که حج، فرصتی است که با خدا آشتی کنی و فرصتی است که تمام گناهانت محو شود و نیز فرصتی است که با خدا، صفحه جدیدی از زندگی را شروع کنی در حالی که

ص: 502

- 
- 1-1- طباطبایی، ریاض المسائل فی بیان أحكام بالدلائل، ج 4، ص 138.
  - 2-2- همان، ص 139.
  - 3-3- بقره: 199.
  - 4-4- التیمی المغربي، ابی حنیفه النعمان...، دعائم الاسلام، ج 1، ص 320.
  - 5-5- همان.
  - 6-6- کلام نویسنده: نام استاد را به خاطر ندارم.

وقتی به وطن بر می گردی، همچون روزی است که از مادر متولد شده ای. حج مورد قبول، جزا و پاداشی جز بهشت ندارد.

حج نیاز به امور متعددی دارد؛ تا به فهم عمیق، به علم و یقین و نیز به اخلاق نرم و لطیف برسین قسم به خدا که حجاج دارای مقام بالایی هستند زیرا جزء پاک شدگان و با تقواترین انسان ها می باشند. و نیز خاضع و خاشعند.

که این ها از موارد « نوادر» است که حجاج به آن ها توجهی نمی کنند .

### **وقوف عرفات، یاد آور کوناھی عمر**

در عرفات هنوز کاملاً آرام نگرفته ای و بیش از چند ساعت نیست که در آن سرزمین فرود آمده ای باید رخت بربندی و کوچ نمایی. خیمه ها به سرعت بر چیده می شود و این خود، انسان را به این فکر و می دارد که توقف او در دنیا نیز بدین سان کوتاه است و هنوز آرام نگرفته است که صدای « الرحیل» را می شنود، باید آماده کوچ به برزخ و از برزخ به قیامت شود. همزمان با غروب خورشید تو نیز باید به همراه خورشید همسفر شوی و با او کوچ کنی از اردوگاهی به اردوگاه دیگر. از عرفات به شعر و از مشعر به منا. (1)

در عرفات همانند دنیا هیچ چیز برای دیدن و دل بستن وجود ندارد، سرزمینی است پر از شن و ماسه، هیچ چیز مهمی نیست که به آن خیره شوی، باید تلاش کنی تا عظمت در نگاه تو باشد نه در آنچه به آن می نگری (2).

### **تفسیر دعای « عرفه» از جانب امام حسین (علیه السلام)**

دعاهای خاص حج، آکنده از برکات زمانی و مکانی است. دعای عرفه، بهترین نیایشی است که جنبه سیاسی - عبادی حج و زیارت را به خوبی تبیین می کند؛ زیرا حضرتش در این دعا، هم دستور کفر ستیزی و راه طاغوت زدایی و رسم سلحشوری و سنت سرکوبی جنایتکاران

ص: 503

---

1-1- درویش، عبد الله، از میقات تا عرفات، ص 108.

2-2- همان، ص 109.

را ارائه می کند؛ و هم ستایش حکومت اسلامی و تقدیر دولت مکتبی و ظهور ولایت الهی را نشان می دهد و هم تجلی هستی ذات اقدس خداوند و ظهور گسترده و همه جانبه ی آن ذات مقدس و خفای هر چه غیر اوست در پرتو نور او، و پی بردن به او از خود او و به غیر او بها ندادن و غیر او را به او شناختن و ذاتش را عین شهود و مستغنی از استشهاد دانستن را تفهیم می کند لذا ابعاد مختلف دعای عرفه « بدین شرح است (1):

حضرت، ابتدا از عوارف الهیه در جمله آفرینش شروع نموده و نظامات کلی و نوامیس عالم هستی را مطرح فرموده و علم به نظام احسن را وظیفه اول شمرده است. (2)

در پیدایش مولود انسانی و کارگرانی که در کار ترتیب و تکوین و تغذیه و رشد و نمو و الهامات فکری که بسیاری از مطالب مهم در ضمن آن است، در درجه دوم قرار داده شده است. (3)

روح و بدن و اعضای خود را از فرق سر تا نوک پا گرفته و هر یک را تشریح فرموده و آن را خاتمه معارف قرار داده است. (4)

انسان که در عرفات ایستاده وقتی به آن صحنه وسیع، دو چشم خود را باز کند و ابتدای نوری که بالا و پایین را فرا گرفته در نظر بگیرد و به دنباله رشته نور نظر بدوزد، خواهد دید به تعداد امواج نور که هر ثانیه در چشم وارد می شود، اسرار گیتی ورق ورق جلو نظر او می آید. نور کبود رنگی در هر ثانیه هفتصد و بیست و هفت تریلون موج و سایر نورها هر کدام در قسمت خود، امواجی به همین نسبت دارند و این طلوع نور که چشم ها به آن گشوده می شود، حضرت می فرماید: «و علائق مجاری نور بصری...»

نتیجه «وقوف»، معرفت است و خاتمه وقوف عرفات باید به این نکته منجر شود که انسان حقی را که شناخته، پسندد؛ زیرا که اول دیدن و بعد پسندیدن سپس طلبیدن است و نیز اختیار فضای عرفات از جهت آن است که فضا هر چه بازتر باشد جلوه حقیقت را بیش تر نمایش می دهد و برای نظر عرفان و ایستگاه حکیمانه، مناسب تر خواهد بود. (5)

در خبر است که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از جبرئیل خواست که او را به صورت اصلی خود ببیند.

ص: 504

1-1 - آیه الله جوادی آملی، جرعه ای از صهبای حج، فصل هشتم، ص 210.

2-2 - سبحان، فلسفه و اسرار حج، ص 125، از الحمد لله الذی لیس لقضائه دافع تا ابتدائی بنعمتک.

3-3 - همان، از ابتدائی بنعمتک تا و انا أشهدک یا الهی

4-4 - همو، از انا أشهدک بحقیقه ایمانی تا حرکات رکوعی و سجودی

5-5 - همانجا، ص 125.

گفت: در کجا؟ حضرت فرمود: در ابطح. (1) جبرئیل عرض کرد: گنجایش مرا ندارد. حضرت فرمود: در عرفات - که افق وسیع بین شمال و غرب کوههای مکه است و تمام آن سرزمین را نمایش می دهد. جبرئیل عرض کرد: می شود. شاید رمزی از این باشد که هر چه افق بازتر باشد، برای صفحه آگاهی بهتر است بخصوص عظمت درگاه الهی که غیر از افق عرفات، در نزدیکی خانه، محلی مناسب ندارد و در سایه شناسایی حق در آن « موقوف »، طوایف مسلمین گرد آمده که همدیگر را بشناسند و به حقوق و حوایج هم پی ببرند و بعد از آن، دشمنان حوزه اسلام را شناخته. مسلمین، ضعفا را مانند یک حق مطلق بشناسند و شناسایی آدم از شیطان و شناسایی آدم با حوا از لوازم شناسایی حق است که اگر به اندازه کامل و به حد اشباع، حق شناخته شود، ضعفا و زنان و بندگان و حقوقشان و دشمنان، حق همگی شناخته می شوند. (2)

### اسرار وقوف عرفات در حدیث شبلی

حج گزار با وقوف در عرفات باید به معارف و علوم دینی واقف شده و از اسرار الهی نظام آفرینش با خبر شود و بداند که خدای سبحان به همه نیازهای او واقف و بر رفع همه آن ها تواناست. از این روی امام سجاد (علیه السلام) به سائلی که در روز عرفه گدایی می کرد، فرمود: وای بر تو! آیا در چنین روزی، دست نیاز به سوی غیر خدا دراز می کنی؛ در چنین روزی برای کودکان در رحم، امید سعادت می رود؛ « ویحک! أغير الله تسأل في هذا اليوم. أنه ليرجي إمامي بطون الحبالی فی هذ الیوم أن یكون سعیدا! » کسی که در اینجا از خدا غیر خدا را طلب کند زیان کرده است.

امام سجاد (علیه السلام) کسانی را که در چنین زمان و مکانی دست نیاز به سوی دیگران دراز می کنند، بدترین انسان ها معرفی فرمود؛ « هؤلاء شرار من خلق الله. الناس مقبلون علی الله و هم مقبلون علی الناس » (3).

حج گزار باید در آنجا بر این نکته عارف شود که خداوند به نهان و آشکار او و حتی آنچه برای خود او روشن نیست و به طور ناخود آگاه در زوایای روح او می گذرد آگاه است. انسان

ص: 505

1-1- مسیلی است که خانه های مکه در آنجا بنا شده است

2-2- سحاب، فلسفه و اسرار حج، ص 126.

3-3- آیه الله جوادی آملی، جرعه ای از صهبای حج، ص 204.

اگر بداند که قلب او در مشهد و محضر حق است همانطور که خود را به گناهان جوارحی نمی‌الاید، گناه جوارحی نیز نمی‌کند و قلب خود را از خاطرات آلوده تنزیه می‌کند.

امام سجاد (علیه السلام) فرمود: عصر روز عرفه و ظهر روز دهم، خدای سبحان بر ملائکه افتخار می‌کند و می‌فرماید:

«اینان بندگان من هستند که از راه‌های دور و نزدیک با مشکلات بسیار به اینجا آمده و بسیاری از لذت‌ها را بر خود حرام کرده و بر شن‌های بیابان‌های عرفات و منا خوابیده و این چنین با چهره‌های غبار آلود در پیشگاه من اظهار عجز و ذلت می‌کنند. اکنون به شما اجازه دادم تا سراپر آنان را ببینید. آنگاه ملائکه به اذن خداوند بر دل‌ها و اسرار نهان آن‌ها آگاه می‌شوند. (1)»

فرشتگان تا حدودی از غیب باخبر و نسبت به بسیاری از مسایل ماورای طبیعت آگاه‌اند، لیکن پرده پوشی و رحمت و لطف حق اجازه نمی‌دهد حتی فرشتگان مأمور ثبت اعمال و خاطرات نیز بسیاری از اسرار انسان‌ها را بفهمند. اما برابر حدیث مزبور، در روز عرفه و عید قربان، ملائکه به اذن خداوند به نهان‌دل‌های زائران نظر کرده و می‌بینند که قلب عده‌ای از حج‌گزاران بسیار سیاه است و دود‌های سیاه از آن برمی‌خیزد. خداوند به ملائکه می‌فرماید: اینان کسانی هستند که پیامبر را راستگو نمی‌دانند (معاذالله) و در اموری مانند جانشینی امیر مؤمنان علی (علیه السلام) می‌گویند: رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) از نزد خود این کار را کرده است (2)!»

فرشتگان گروه دیگری را می‌بینند که دل‌هایشان بسیار نورانی است. خداوند سبحان می‌فرماید: این گروه مطیع خدا و پیامبر او هستند. پیامبر را امین و وحی می‌دانند و معتقدند که او از نزد خود هیچ نگفته و در همه مسائل و احکام الهی و از آن جمله در امامت و رهبری، سخنان و اقدام‌های او طبق وحی بوده است.

راز این نکته، این است که ولایت، سر همه اعمال است. مؤمنان راستین که هم به سیر ولایت می‌رسند و هم به اسرار حج، به صورت انسان واقعی در سرزمین عرفات و منا ظهور می‌کنند و خدای سبحان در مقام فعل، به آنان فخر می‌کند.

ص: 506

---

1-1- آیه الله جوادی آملی، جرعه‌ای از صهبای حج، فصل هشتم، ص 204.

2-2- همان، ص 205.

در روز عرفه برخی حج گزاران بر « جبل الرحمه (1)» صعود می کنند. راز بالارفتن از کوه رحمت ؛ این است که انسان بداند خداوند نسبت به هر زن و مرد مسلمان رئوف و مهربان بوده و متولی هر زن و مرد مسلمان است. گرچه خدای سبحان نسبت به همگان ولایت تکوینی دارد و او ولی همه است و گر چه رحمت عام خدا فراگیر و شامل همه موجودات است لیکن رحمت خاص او ویژه پرهیزکاران است ؛ « رحمتی وسعت کل شیء فساکتبها للذین یتقون » (2).

در جانبی از سرزمین عرفات که مماس با حرم است کوهی به نام «تمره» قرار دارد، مسجدی نیز به این نام در این منطقه ساخته شده است. معنای حضور در «نمره، این است که: خدایا! من به چیزی امر نمی کنم مگر این که قبلا خود مؤتمر باشم و از چیزی بر حذر نمی دارم مگر این که خود قبلا پرهیز کرده باشم.

در امر به معروف و نهی از منکر، عدالت و طهارت نفس آمر و ناهی از شرایط و جوب آن به شمار نیامده است، بلکه علم و آگاهی او از آن معروف یا منکر و احتمال تأثیر امر و نهی او جزو شرایط است. اما باطن آن بر اساس رازی که در باره «نمره» بیان شد، به عدالت باز می گردد؛ یعنی آمر به معروف باید خود بدان مؤتمر بوده، ناهی و زاجر از منکر باید خود از آن منتهی و منزجر باشد.

حج گزار هنگام حضور در وادی «تمره»، که در حدیث شبلی از آن با عنوان «تمرات» نیز یاد شده، باید آگاه باشد که این سرزمین، سرزمین شهادت، معرفت و عرفان است. یعنی همانگونه که خدا و ملائکه شاهدند، این سرزمین وسیع نیز شاهد اعمال زائران خانه خداست و کاملاً آگاه است که حج گزار با چه نیتی آمده و با چه انگیزه ای باز می گردد و به آن شهادت می دهد.

## جایگاه دعا در عرفات

نقش نیایش در وصول به رحمت بیکران الهی، با بیان امام صادق (علیه السلام) که فرمود: « الدعاء

ص: 507

---

1-1- «جبل الرحمه» در سرزمین عرفات واقع است. رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) بر تخته سنگی از این کوه ایستاد و خطبه معروف عرفات را ایراد فرمود. همچنین سالار شهیدان امام حسین (علیه السلام) دعای بلند روز عرفه را در دامنه این کوه خواند. آیه الله جوادی آملی، جرعه ای از صهبای حج، فصل هشتم، ص 205

2-2- آیه الله جوادی آملی، جرعه ای از صهبای حج، فصل هشتم، ص 206.

کَهف الاجابه کما أن السحاب كهف المطر». همان طور که ابر، قرارگاه باران است، دعانیز قرارگاه اجابت است.

به بیان دیگر، اجابت در درون دعا است؛ همانطور که باران در نهاد ابر تعبیه شده است. (1) همه حالات زندگی برای نیایش مناسب است لیکن دوران پر بار حج و حضور در مواقف آن، شکوه بیشتری برای دعا و تأثیر فراوان تری برای نیایش دارد و چون دعا از ضمیر صاف، مورد قبول است و احرام و آهنگ کعبه ی آزاد و پاک، در تصفیه ضمیر تأثیری به سزا دارد، نیایش در حج و دعا در مواقف آن بهترین اثرها را به همراه خواهد داشت. از این رو برای هر برنامه از مناسک حج، دستور ویژه ای در مورد نیایش داده شده است و عمده ی آن، دعای عرفه در صحرای عرفات است.

روز عرفه روز دعا و نیایش است و اگرچه روزه ی آن روز مستحب است لیکن اگر روزه گرفتن موجب ضعف شود، آن گونه که انسان نتواند دعاها ی این روز را بخواند، خواندن دعا بر روزه گرفتن مقدم است (2).

روایات فراوانی در باره اعمال روز عرفه و هنگام وقوف در عرفات، به ویژه کیفیت دعا در آن موقف نقل شده که بخشی از آن ها در خصوص دعاها ی آن روز، و بخشی نیز در اهتمام و ترغیب به دعا کردن به دیگران است، به گونه ای که برخی شاگردان اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام تمام تلاش خود را در آن سرزمین که دعاها در آن مستجاب است، صرف دعا برای غیر و دیگران می کردند.

«علی بن ابراهیم» در این باره از پدرش نقل کرده که گفت: «عبدالله بن جندب» را در عرفات دیدم که زمانی طولانی دست به سوی آسمان بلند کرده، سیلاب اشک از گونه هایش بر زمین سرازیر بود، به گونه ای که من شخص دیگری را این چنین در حال مناجات ندیدم. هنگامی که مردم از عرفات عازم مشعر بودند به او گفتم: کسی را بهتر از تو در حال نیایش ندیدم. عبدالله گفت: به خدا سوگند در آن حال فقط برادرانم را دعا می کردم؛ زیرا از امام کاظم (علیه السلام) شنیدم که فرمود: کسی که به دور از چشم برادر (ایمانی اش) در حق وی دعا کند از جانب عرش ندا داده می شود که صد هزار برابر آنچه برای او خواستی نصیب تو خواهد شد؛ «من دعا

ص: 508

---

1-1- آیه الله جوادی آملی، جرعه ای از صهبای حج، فصل هشتم، ص 207.

2-2- همان، ص 207.

لأخيه بظهر الغيب نودی من العرش: ولك ما ألف ضعف مثله». پس شایسته نبود که من صد هزار برابر دعای مستجاب را به خاطر یک دعا که برآورده شدنش معلوم نیست واگذارم (1).

### خروج از مکه به سمت «ینا» و وقوف در عرفه»

از جعفر بن محمد (صلی الله علیه و آله) روایت کردیم که فرمود: مردم در «یوم الترویة» که هشتم ذی الحجه است از مکه به سوی «نا» می روند. و بر حاجیان است که از صبح تا شب از مکه به منا بروند البته بعد از نماز ظهر بهتر است. و اشکالی ندارد که خارج شوند از مکه به سمت ینا، قبل از «یوم الترویة» (2). بر کسی که توانایی راه رفتن دارد بهتر است که راه برود و بر کسی که مرکبی دارد بهتر است که سواره بیاید و حال آنکه پیامبر (صلی الله علیه و آله) این مسیر را سواره آمدند.

حضرت فرمود: برای امام سزاوار است که نماز ظهر روز «یوم الترویة» را در برنا بخواند و مردم شب عرفه را در «ینا» بیتوته کنند و صبح هنگام روز عرفه از تمنا به عرفه بروند.

روایتی از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) که حضرت فرمودند: فردای روز عرفه، از تمنا بعد از طلوع خورشید حرکت می کنند تا نماز ظهر را در عرفه می خوانند. و از امام علی (علیه السلام) روایت شده است که حضرت، روز عرفه را غسل می کردند. و نیز از قول امام علی (علیه السلام) فرمودند؛ که پیامبر (صلی الله علیه و آله) روز عرفه به «نمره» (3) آمدند و آنجا ماندند. تا زمانی که خورشید رفت، امر به رفتن نمود تا زمانی که در وسط بیابان رسیدند؛ حضرت ایستادند و به مردم سخنرانی کردند. سپس بلال اذان گفت و

ص: 509

1-1- آیه الله جوادی آملی، جرعه ای از صهبای حج، فصل هشتم، ص 208.

2-2- هشتم ذی الحجه روز ترویة است و این روزی است که حجاج نیت حج تمتع می نمایند و محرم شده از مکه سمت متا حرکت می نمایند و شب را در آنجا بیتوته می کنند و صبح عرفه به جانب عرفات رهسپار می گردند. در علل الشرایع در سر نامیدن این روز به ترویة حدیثی از امام صادق علیه السلام که راوی می گوید: از حضرت پرسیدم چرا روز ترویة را روز ترویة نامیده اند؟ حضرت فرمود: زیرا در عرفات آب نبود و حاجی ها روز هشتم ذی حجه از مکه آب برمی داشتند و به عرفات می بردند و برخی از ایشان به بعضی دیگر می گفتند: ترویتم، ترویتم (سیراب شدید، سیراب شدید) لذا به خاطر همین، روز هشتم را روز ترویة نامیدند. علل الشرایع ج 2 ص 399 باب 171.

3-3- توره نام کوهی در عرفات است که در نزدیکی آن؛ یعنی محلی که پیامبر صلی الله علیه و آله وقوف کرده و نماز خوانده اند، مسجدی به نام نمره یا «عرفه» بنا شده است، به روایتی، حضرت ابراهیم علیه السلام در این مکان وقوف کرده و به نماز و عبادت ایستاده اند. از عبد الله بن عمر نقل شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله روز عرفه را در وادی نمره نزول می کردند. در این مکان غاری (شکافی) بوده و ایشان کنار آن می نشستند. پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام کوچ به عرفات نخست در این مکان، یعنی نمره، پیاده می شد و تا ظهر آنجا می ماند، آنگاه وارد عرفات می گردید. سایت حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت -18 بهمن 1394



حضرت نماز ظهر و عصر را اقامه کردند به طوری که فاصله ای بین آنان ایجاد نکرد. آنگاه سوار مرکب شد تا در روز عرفه زمان ناپدید شدن خورشید به « موقف » رسید ؛ و تلبیه (1) را قطع کرد(2).

در حدیثی از جعفر بن محمد (صلی الله علیه و آله) که فرمود:

در عرفه با یک اذان و دو اقامه بین نماز ظهر و عصر جمع می شود. و نیز حضرت فرمودند: تمام عرفه، « موقف » است. و دامنه کوه فضیلتی بیشتر دارد. و حضرت نهی کردند از پایین آمدن و وقوف در زمینی که شتران در آن اقامت می کنند. و فرمودند: کوه ها بهتر است. و نیز فرمودند: حجاج در عرفه وقوف می کنند، دعا می خوانند و هر قدر که توان دارند با میل و رغبت، فضل الهی را می طلبند. تا آنکه خورشید غروب کند. و کسی که به علتی بیهوش شود ؛ و در آن موقف توقف کند، او را کفایت میکند و گوید: کسی که طهارت ندارد صلاحیت وقوف در عرفه را ندارد.

حضرت فرمودند: از بزرگ ترین گناهان در عرفه این است که: کسی فکر کند در عرفه گناهانش بخشیده نمی شود.

### نحوه حرکت به سوی عرفات در سپیده دم

در حدیثی از « میدبن زیاد » .... از ابی عبد الله (علیه السلام) که فرمود: جزء سنت است تا خورشید طلوع نکند، امام از « منا » به « عرفه » خارج نمیشود.

در حدیثی از محمد بن یحیی، عن أحمد بن محمد، عن الحسين بن سعید، عن النضر بن سويد، عن یحیی بن عمران الحلبي، عن عبد الحمید الطائی، از ابی عبد الله (علیه السلام) که فرمود ؛ به ابی عبد الله (علیه السلام) عرض کردم: ما پیاده هستیم و چه کنیم؟

حضرت فرمودند: سواره ها، نماز صبح را در « منا » به جای آوردند و اما شما در راه نماز را بخوانید (3).

ص: 510

1-1- تلبیه از واجبات احرام در حج و عمره است که با گفتن جمله های خاص شامل «لبیک، انجام می شود. رایج ترین ذکر تلبیه جمله « لبیک اللهم لبیک، لبیک لاشریک لک لبیک، إن الحمد و النعمه لک والملك، لاشریک لک لبیک» است که باید به عربی صحیح به هنگام نیت احرام گفته شود و پس از آن حج یا عمرگزار باید از محرمات احرام اجتناب کند. لبیک» در حج به معنای پاسخ مثبت به ندای خداوند و تجدید عهد بندگی با او است. تکرار تلبیه در بخش هایی از مسیر میقات تا مکه مستحب است. و یکی شیعه

2-2- دعائم الاسلام، ج 1، ص 320.

3-3- الکافی، ج 4، ص 461.

در حدیثی از علی بن ابراهیم، عن ابيه؛ و محمد بن إسماعيل، عن الفضل بن شاذان، عن ابن أبي عمير وصفوان بن يحيى عن معاوية بن عمار: از ابی عبد الله (علیه السلام) که فرمود: در صبح عرفه، در حالیکه توجّهت به سوی عرفه است اینچنین دعا کن: خدایا فقط با تو احساس بی نیازی از غیر می کنم و تنها به تو اعتماد می ورزم و فقط صورت و وجه الهی را می طلبم و از تو کمک می خواهم که در سفرم به من برکت دهی و حاجتم را برآورده سازی. و اینکه مرا امروز از کسانی قرار ده که بر من فخر و مباهات نمایی (توای خدا). آنگاه متمایل به سوی عرفات می شوی، و چون به آنجا رسیدی؛ خیمه ات را در «نمره» بنا کن. و «نمره» همان مرکز «عنه» است، نه آنکه «موقف» و یا «عرفه» باشد. پس زمانی که ظهر روز عرفه فرا رسید، غسل کن و با یک اذان و دو اقامه نماز ظهر و عصر را بخوان. پس همانا آن روز، روز دعا و در خواست است.

در حدیثی از علی بن ابراهیم، عن ابيه، عن ابن أبي عمير، عن حفص بن البختري وهشام بن الحكم: از ابا عبد الله (علیه السلام) سؤال شد که: مشعر - الحرام برتر است یا عرفه؟ حضرت فرمودند حرم برتر است. سؤال شد که چگونه است که عرفات داخل در حرم نمی باشد؟ حضرت فرمودند: خدا اینگونه خواسته است.

### محدوده عرفات

در حدیثی از اصحاب امامیه احمد بنی حمیر، عن حمير بن إسماعيل، عن علی بن العمانی، عن ابني مشکان، عن أبي بصير: از ابی عبد الله (علیه السلام): حد و محدوده عرفات از «مازمین» تا دورترین موقف است.

و در حدیثی در «من لا یحضره الفقیه» از «ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه قمی ملقب به شیخ صدوق»:

عرفات، جزء حرم نیست و حال آنکه حرم، فضیلتش بیش تر از عرفه است و حد «مشعر الحرام»، از «مازمین (1)» تا «حیاض» و تا «وادی محسر» است. (2)

ص: 511

1-1 - المازم: بر وزن مسجد است: هر راه تنگی بین دو کوه و گفته شده است: جای جنگ است. فرصت کم - به سختی خلاص شدن - و نامیده به جایی که بین عرفه و مشعر است. علامه مجلسی گفته است: مدزمین، همان راهی بین کوههای مشعر است که در طرف عرفه است (قول مخالف با مشهور). بعضی از بزرگان اینگونه گفته اند: «مازمین» (راء مهمله) و از آن چنین تفسیر کرده اند: دو میل که محدوده حرم نصب شده است. المصباح المنیر، ص 13.

2-2 - قمی، شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه، من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 464.

«زرعه» از «ابی بصیر» روایت کرده از ابی عبد الله (علیه السلام) که فرمود(1):

زمانی که به «موقف» رسیدی، پس رو به خانه خدا کن و صد بار سبحان الله و صد بار الله اکبر و صد بار ما شاء الله لا قوه الا بالله و صد بار می گویی: اشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شریک له له الملك وله الحمد یحیی و یمیت و یمیت و یحیی بیده الخیر و هو علی کل شیء قدير، سپس ده آیه اول سوره بقره را می خوانی؛ سپس سه بار قل هو الله احد و آیه الکرسی را می خوانی تا تمام شود آنگاه آیه «سخره را می خوانی:

«إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ»(2).

ترجمه:

پروردگار شما، خداوندی است که آسمانها و زمین را در شش روز [= شش دوران] آفرید؛ سپس به تدبیر جهان هستی پرداخت؛ با (پرده تاریک شب، روز را می پوشاند؛ و شب به دنبال روز، به سرعت در حرکت است؛ و خورشید و ماه و ستارگان را آفرید، که مسخر فرمان او هستند. آگاه باشید که آفرینش و تدبیر (جهان)، از آن او (و به فرمان اوست! پر برکت (و زوال ناپذیر) است خداوندی که پروردگار جهانیان است!.

آنگاه سوره فلق و ناس را تا آخر می خوانید. سپس حمد و سپاس خدایی را می کنی، به هر نعمتی که بر تو ارزانی داشته است، آنگاه تک تک نعمت های الهی را به یاد می آوری و آن ها را بر می شماری. و حمد و سپاس خدا را می کنی بر اساس آنچه بر تو نعمت داده است؛ از نظر خانواده یا مال. و حمد و سپاس خدای عروج را می کنی بنابر آنچه تو را آزموده است. و می گویی: خدایا حمد مخصوص توست بخاطر نعمت هایی که از نظر تعداد قابل شمارش نیست و با عملی که (در برابر نعمت هایت) برابری نمی کند.

و می خوانی هر آیه ای در قرآن را که نشان از حمد و سپاس الهی است. و خدا را به بزرگی و عظمت یاد می کنی به هر تسبیح و ستایشی را که در قرآن آمده است. و «لا اله الا الله» می گویی

ص: 512

1-1- قمی، شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه، من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 3-541.

2-2- اعراف: 54.

به هر آنچه که در قرآن آمده است. و خیلی صلوات و درود بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) می فرستی و نام خدا را به هر اسمی که در قرآن آمده، زیاد بر زبان جاری می سازی، و به هر اسمی که او را خوب می دانی، خدا را صدا می زنی (به اسمانی که در قیامت صدا می زنی). در حالیکه از خدا مسألت می جویی، چنین می گویی: «یا الله» - «یا رحمن» به هر مقداری که در توان و نیرویت است. و به هر آنچه که می دانی و در حق پیامبرت، صلوات می فرستی و به نام بزرگ ترین بزرگ ترین ها و به نام عظیم الهی. ای خدا؛ کسی تو را می خواند و صدا می زند. ای خدا بر تو این حق است که جواب دهی و قسم به اسم اعظمت (اعظم اعظم اعظم) آن اسمی که تو را به آن فرا می خواند، که این حقی بر تو است که او را بر نگردانی و اینکه به او بدهی آنچه می خواهد که او را ببخشی به تمام گناهانم. با توجه به اینکه در مورد من علم داری.

و از خدا درخواست کنی همه نیازهایت را اعم از امور دنیا و آخرت. و به سوی او علاقمند است که در سال های آینده و هر سال از طرف معبودش به گرمی استقبال گردد و از خداوند 70 بار بهشت را بخواهد و 70 بار به سویش توبه کند و باید از جمله دعاهایش این باشد: خدایا مرا از آتش دوزخ رها کن. و خدایا بر من از روزی حلالیت بگستران (پهن کن). خدایا! شرفست جن و انس را اعم از عرب و عجم را از من دور گردان. پس اگر دعا تمام شد و خورشید غروب نکرده است، از اول تا آخر دوباره این دعا را بخوان. و از دعا و تضرع و مسألت از خدا خسته نشو.

« معاویه بن عمار» از ابی عبد الله (علیه السلام): پیامبر (صلی الله علیه و آله) به امام علی (علیه السلام) فرمودند: آیا دعای روز عرفه که دعای انبیای قبل از من بودند را به تو یاد ندهم؟ امام علی (علیه السلام) فرمودند: آری ای رسول خدا، پس می گویی: لا إله إلا الله وحده لا شریک له له الملك وله الحمد یحیی و یمیت و یحیی و هو حی لا یموت بیده الخیر و هو علی کل شیء قدير اللهم لك الحمد أنت کما تقول و خیر ما یقول القائلون اللهم لك صلاتی و دینی و محیای و مماتی و لك تراثی و بك حولی و منك قوتی اللهم انی أعوذ بك من الفقر و من وسواس الصدر و من شتات الأمر و من عذاب النار و من عذاب القبر اللهم انی أسألك من خیر ما تأتي به الرياح و أعوذ بك من شر ما تأتي به الرياح و أسألك خیر اللیل و النهار.

هیچ خدایی جز خدای واحد نیست. هیچ شریکی بر او نیست، ملک و حمد مخصوص اوست. زنده میکند و می میراند و می میراند و زنده می کند و حال آنکه او زنده است و نمی میرد. در قدرت دست الهی بهترین است و بر همه چیز توانا است. خدایا حمد مخصوص توست. ای

خدا تو همچنان هستی که می گویی. خدایا؛ نمازم و دینم و زنده بودن و مرگم فقط برای توست (توحید ابراهیمی). و میراث من فقط از توست. ای خدا تو آنچنان هستی که می گویی. خدایا نمازم، دینم، زنده بودن و مرگم فقط برای توست و میراث من از آن توست. نیرو و قدرتم بوسیله تو و از آن توست. خدایا من از فقر و از وسوسه های در سینه و از پراکندگی در کار و از عذاب قبر و قیامت به تو پناه می آورم. خدایا من از تو خیر می خواهم بر هر آنچه را که باد می آورد و پناه می برم بر تو از هر آنچه که باد می آورد؛ و از تو بهترین ها را در شبانه روز خواهانم).

در روایتی از «عبد الله بن سنان» اینگونه آمده است:

اللهم اجعل فی قلبی نورا و فی سمعی نورا و فی بصری نورا و فی لحمی و دمی و عظامی و عروقی و مفاصلی و مقعدی و مقامی و مذخلی و مخرجی نورا و أعظم لی نورا یا رب یوم ألقاک إنک علی کل شیء قلیر).

خدایا در قلبم، گوشم، چشمم، گوشت و خون و استخوان و رگ ها و مفاصل؛ و در محل نشستن و ایستادنم همه و همه، نوری قرار ده و بر من بلند گردان نوری را؛ ای صاحب قیامت، که بر هر چیز توانا هستی «

مصنف (شیخ صدوق) در «من لا یحضره الفقیه» می فرماید: این دعا برای وقوف در عرفه، جامع و کامل است. و هر شخصی خواست آن را بخواند.

در کیفیت کوچ از عرفات

پس زمانی که در روز عرفه خورشید غروب کرد، آنجا را ترک کن و بر تو واجب است که با آرامش و وقار راه بروی؛ و با کلمات و سخنان استغفار همراه باشی آنچنانکه خداوند در قرآن می فرماید:

«ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (1).

ترجمه:

سپس از همان جا که مردم کوچ می کنند، (به سوی سرزمین منی) کوچ کنید! و از خداوند، آمرزش بطلبید، که خدا آمرزنده مهربان است!

ص: 514

زراعه» از «ابی بصیر» روایت نموده است؛ که ابوعبدالله (علیه السلام) فرمود: در روز عرفه، هنگام غروب خورشید، این دعا را بخوان:

اللّٰه لا- تجعله آخر العهد من هذا الموقف و ارزقنيه أبدا ما أبقيتني و اقلبني اليوم مفلحا منجحا متسجبا لي مرحوما مغفورا لي بأفضل ما ينقلب به اليوم أحد من وفدك و حجاج بيتك الحرام واجعلني اليوم من أكرم وفدك عليك و أعطني أفضل ما أعطيت أحدا منهم من الخير و البركة والعافية والرحمة والرضوان و المغفرة و بارك لي فيما أرجع إليه من أهل أو مال أو قليل أو كثير و بارك لهم»

ترجمه:

«خدایا! آخرین زمان از این عمرم را در این موقف (عرفه) قرار مده؛ و همیشه آن را (حضور در موقف) برایم روزی گردان، تا زمانی که مرا باقی می گذاری. و آن روز را مایه رستگاری و موفقیتم قرار ده و مرا مورد رحمت و آمرزشت واقع گردان و آن روز را برایم تبدیل گردان به با فضیلت ترین روز برای مشتاقینت (هم پیمانانت) و حجاج خانه ات. و خدایا بر من عطا کن؛ بهترین آنچه از خیر و برکت و سلامتی و رحمت و رضوان و مغفرت. و بر من و آن ها (حجاج) برکت ده بر آنچه که به سوی او بر می گردد؛ اعم از اهل و عیال و خانواده و یا مال، چه کم و چه زیاد.

پس زمانی که کوچ کردی، در حرکت میانه روی و فروتنی داشته باش؛ و ترک کن تاختن و دویدن را که بسیاری از مردم در کوهها و بیابان ها انجام می دهند. پیامبر (صلی الله علیه و آله) شترش را می بست و باز می داشت؛ تا آنکه سر شتر به استخوان ران می رسید. و امر به آرامش و فروتنی می کرد. روش و سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله)، همان روشی است که باید تبعیت شود.

پس هرگاه به سمت راست راه (کثیب الاحمر) رسیدی، اینچنین بگو:

اللهم ارحم موقفی و بارک فی عملی و سلم لی دینی و تقبل مناسکی».

«خدایا مرا در موقعم مورد رحم قرار ده و در عملم برکت ده و دینم را برایم سلامت بدار و مناسکو عباداتم را بپذیر (1)».

پس زمانی که به «مزدلفه» آمدی، پس از سمت راست در وسط بیابان، نزدیک مشعر

ص: 515

1-1- مفرد آن، تشک است. «تشک»: عبادت. حج. قربانی.

الحرام، فرود آی. و اگر جایی را پیدا نکردی، از « حیاض (1)» که در کنار « وادی محر » است عبور نکن. و نماز مغرب و عشا را با یک اذان و دو اقامه بخوان. سپس نافله های مغرب را بعد از عشا بخوان. و نماز مغرب شب عید قربان را نخوان مگر در « مزدلفه ». هر چند که ربعی از شب یا ثلثی از شب گذشته باشد؛ و باید دعایت در این شب این باشد:

اللهم هذه جمع فالجمع لي فيها جوامع الخير كله اللهم لا- تؤيسني من الخير الذي سألتك أن تجمعه لي في قلبي و عرفني ما عرف أولياءك في منزلي هذا و هب لي جوامع الخير واليسر له و إن استطعت أن تنام تلك الليلة فافعل فإن أبواب السماء لا تغلق لأصوات المؤمنين لها دوى كدوى الخل».

خدایا اینجا «جمع» است پس تمام امور خیر را برایم جمع کن. خدایا مرا از خیرت مأیوس نگردان؛ همان خیری را که از تو می خواهم تمام آن ها را در قلبم دور هم بیاوری و در این منزلم به من بشناسانی همه آنچه را که نسبت به اولیایت شناساندی. پس اگر توانستی که در آن شب نخوابی، این دعاها را بخوان. چه بسا درهای آسمان بر صدای مؤمنین بسته نمی شود. برای صدای مؤمنین، بانگی و زمزمه ای است همچون شنیدن صدای زنبور عسل. در حالی که خداوند متعال می فرماید: من پروردگار شما هستم و شما بنده من هستید. ای بندگان من، حق مرا به جای آورید و بر من نیز حقی است که شما را اجابت کنم. پس شب را سپری میکنید؛ در حالی که می خواهید گناهانش پاک و بخشیده شود. (2)

### شاخصه های روز عرفه

روز عرفه، روزی است که خدا به وسیله آن روز بر ملائک مباحات می کند. پس زمانی که در آن روز حضور پیدا کردی، در روز عرفه خداوند متعال گناهان تو این را می بخشد، هر چند به اندازه ریگ های بیابان و قطرات باران و تعداد روزهای عالم باشد. و در هر گامی که به سوی عرفه بر می دارد، حسنه ای بر او نوشته می شود و گناهانش محو می شود؛ و بوسیله عرفه است که به درجه بالا می رسد.

ص: 516

---

1- 1- مقصود از حیاض، حوضهایی است که در وادی محسر بوده است و حد مشعر همان بین المازمین الی وادی محشر است. و حیاض فاصله بین جمع و منا است.

2- 2- قمی، شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه، من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 5-544.

محمد بن یحیی بن أحمد بن حمیر عن الحسن بن علی عن الحسن بن الجهم عن أبي الحسين الرضا قال قال أبو جعفر (علیه السلام) (1):

هیچ فرد نیکوکار و گنهکار بر آن کوهها وقوف نمی کند، مگر خداوند او را اجابت کند. و اما فرد نیکوکار، حاجت روا در آخرت می شود و فرد گنهکار در دنیا حاجت روا می شود.

و امام در روز عرفه، نماز ظهر و عصر را خواندند و سپس به عرفات تأکید نمودند و فرمودند:

« این عرفات است پس مناسکت را بشناس و به گناهت اعتراف کن. پس عرفات نامیده شد. سپس به سوی « مزدلفه » کوچ کردند لذا به عنوان مکان تقرب نامیده شد. زیرا به سوی آن منزلت یافت. سپس بر مشعر الحرام ایستاد و خدا به او امر کرد و گفت که خودت باید سر پسرت را ببری! کسی تا به حال این کار را نکرده است ولی به ابراهیم (علیه السلام) وحی شد و باور کرد که حکم خداست و خودش را آماده کرد و پسرش اسماعیل را سوار بر الاغ کرد و برای اجرای امر الهی به منا رفتند». (2)

دعاهای فراوانی به صور مختلفی در روز عرفه از اهل بیت (علیه السلام) روایت شده است. که این دعاها منحصر به این زمان نیست (همیشگی و تا آخر عمر کاربرد دارد). و هر شخص باید طبق توانش دعاهای زیادی را بخواند و از خدا فضل الهی را در دنیا و آخرت مسألت دارد.

در کوچ از عرفه به مشعر الحرام، خداوند می فرماید: «ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَقْبَضَ النَّاسُ وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (3) یعنی: سپس از همان جا که مردم کوچ می کنند (به سوی سرزمین منا) کوچ کنید! و از خداوند، آمرزش بطلبید، که خدا آمرزنده مهربان است.

ص: 517

1-1- الکافی، ج 4، ح 38، ص 261،

2-2- ( او را خوابانید که جدی سرش را ببرد پدر، یگانه فرزندش را که خدا در آخر عمر به او داده است با دست خودش به قربانگاه برد و برای این اطاعت فرمان آماده شد. این اطاعت فرمان مثل اطاعت فرمان ماها که باید صبح دو رکعت نماز بخوانیم و ظهر چهار رکعت نیست بلکه این اطاعت فرمان با تمام هستی او مساوی است و چون حضرت ابراهیم نه نگفت و گفت چشم، خدا برای او جشن گرفت). الکافی، ج 4، ص 207، ح 38.

3-3- بقره: 199. عده ای از سران قریش بر اساس خوی برتری طلبی برای وقوف به عرفات که خارج از محدوده حرم است نمی رفتند و فقط در شعر که داخل حرم بود وقوف می کردند و می گفتند: ما اهل حرم هستیم و از محدوده آن بیرون نرفته و در همین مشعر حرام ( مزدلفه) وقوف می کنیم. بهانه آنها این بود که وقوف در حرم بهتر از وقوف در خارج حرم است و اگر خارج حرم موقوف باشد حرمت حرم کاهش می یابد و چون خود را اهل حرم می دانستند هرگونه کاهش حرمت حرم مستلزم کاهش حرمت آنان نیز می شد. آنها نقطه آغاز مناسک حج را مشعر قرار می دادند و دیگران را که اهل حرم نبودند به جمع خود راه نمی دادند و می گفتند که آنان در عرفات وقوف کنند و اصلاً در شعر وقوف نکنند. مجمع البیان، ج 21، ص 528؛ اسباب نزول القرآن، ص 65؛ الدر المنثور، ج 1، ص 545.



از جعفر بن محمد (صلی الله علیه و آله) روایت شده است که:

در زمان جاهلیت، قریش از مزدلفه کوچ کردند در حالی که می گفتند: ما نسبت به مردم، به بیت (خانه خدا) اولی تر هستیم. سپس خداوند به آنان فرمان داد که از عرفات کوچ کنند و از نظر زمان و مکان و روش افاضه، با مردم هماهنگ باشید.

از جعفر بن محمد (صلی الله علیه و آله) پیرامون زمان کوچ کردن از عرفات روایت شده است که حضرت فرمودند:

کسی که قبل از غروب خورشید کوچ کند باید یک شتر قربانی دهد؛ و نیز هرگاه از عرفات کوچ کردی، لازم است که با آرامش و وقار کوچ کنی. و در حالیکه در حرکت میانه رو هستی، استغفار الهی را کنی، لذا بسیار دعا کن و اضطراب نداشته باش (همان خصوصیتی که بسیاری از مردم دارند). پس زمانی که حضرت از عرفه دور شدند در حالیکه افسار شترش را گرفته و سر شترش را بالا برد، با دست راستش به مردم اشاره می کند و آن ها را به آرامش فرا می خواند و می فرماید: ای مردم آرامش - آرامش. و هر زمانی که از کوهی بالا می رفت، در کمال آهستگی و آرامش بود تا به بالای کوه (مزدلفه) رسید و جمع کرد بین دو نماز مغرب و عشا، به اذان واحد و دو اقامه. و از ابی جعفر محمد بن علی (صلی الله علیه و آله): وقتی از حضرت سؤال شد در باره نماز مغرب و عشا قبل از رسیدن به «مزدلفه»؛ حضرت فرمودند: نه، نماز نخواند؛ اگر چه یک سوم از شب رفته باشد. و هر کس عمدا چنین کند، بر او لازم است که خون بدهد.

و وقتی پیامبر (صلی الله علیه و آله) نماز خواند (جمع بین نماز مغرب و عشا)، خوابید و طلوع فجر از خواب بر خاست. و از حضرت است، که فرمود: در «مزدلفه» در مرکز صحرا نزدیک «مشعر الحرام» فرود آید؛ و از «جبل» و «حیاض» نگذرد.

و نیز از ابی جعفر محمد بن علی (صلی الله علیه و آله) که فرمود: حد بین «منا» و «مزدلفه»، «محتر» است. و حد «عرفات»، آنچه که بین «زمین» تا دورترین «موقف» است. و کسی که به طور عمدی و بدون هیچ علتی شب را (شب عید قربان) در «مزدلفه» بیتوته نکند، باید کفاره یک شتر «بدنه (1)» بدهد.

پیامبر (صلی الله علیه و آله) اجازه دادند که: لباس و متاع حاجیان و زنان که ضعیف هستند، در هنگام شب، زودتر از «مزدلفه» به «منا» بروند.

ص: 518

---

1-1- بدنه. شتر ماده، یا گاو است که در مناسک حج و انواع قربانی ها از آن نام برده می شود، جمع آن بدن به ضم باء و سکون دال است. فیض، علیرضا، مبادی فقه و اصول، ش 101، ص 262.

پیامبر (صلی الله علیه و آله) وقتی نماز صبح را به جماعت در روز عید قربان خواندند، سوار بر شتر (ماده شتر) شدند تا به «شعر الحرام» آمدند. حضرت فرمودند: تمام عرفه و تمام مزدلفه، موقف است. و تمام منطقه «منا» گلوگاه است. سپس بر روی کوهی به نام «قرح» (1) که بر رویش ساختمان و بنایی بود؛ ایستادند. جعفر بن محمد (صلی الله علیه و آله) فرمود: بر امام مستحب است که هنگام موسم حج، بر روی آن کوه توقف نماید.

حضرت فرمودند: کسی که عمد از شعر الحرام کوچ کند قبل از آنکه مردم کوچ کنند (به جز افرادی که به آنان اجازه داده شده است؛ مانند افراد ضعیف- باربرها- زنان) باید خون بدهند. ولی اگر از روی نادانی و جهالت باشد، لزومی ندارد.

حضرت فرمودند: کسی که حکم وقوف را نداند (جاهل) و در مزدلفه وقوف نکند بطوریکه از عرفه بگذرد تا به برنا برسد، باید برگردد و وقوف کند و دعا بخواند.

و نیز نقل شده که پیامبر (صلی الله علیه و آله) وقتی از مزدلفه کوچ کردند؛ با آهستگی بود در حالیکه به مردم میگفتند: آرامش - آرامش. تا اینکه بر وسط «وادی تیر» توقف کردند، سپس شترش چرید و به گوشه ای نشست تا آنکه خارج شد سپس به مسیر اولش بازگشت و فرمود: سعی در وسط وادی محر» واجب است. آنگاه حضرت حرکت کرد تا به «جمره عقبه» آمد و هفت سنگریزه را زد.

### موقف های عرفات و شعر

شخصی به نام «حریز» (2)، از ابا عبد الله (علیه السلام)؛ پیرامون فردی سوال میکند که «حج افراد» (3) بجای آورد و دو تا موقف را فراموش کرد. حضرت فرمودند: تا طلوع خورشید روز عید قربان

ص: 519

- 
- 1-1- قال الشيخ طوسی: - المشعر الحرام جبل هناک یسمى قرحا، مناسک الحج للسید الخوئی.
- 2-2- حریز بن عبدالله سجستانی؛ راوی، محدث و فقیه شیعی قرن دوم هجری قمری است. پدرش قاضی سجستان بود. عموم روایات وی از زراره بن اعین و محمد بن مسلم نقل شده است. حریز از فقیهان برجسته عصر خود بوده و یونس بن عبدالرحمان قمی وی را به اعتبار دانش گسترده اش در فقه ستوده و در منابع رجالی اهل سنت نیز از او به عنوان یکی از مشایخ شیعه یاد شده است. الکشی از گفتگوی میان حریز و ابوحنیفه، درباره برخی مسائل فقهی، گزارشی آورده است. کشی، ص 385 و دارقطنی، ج 1، ص 356.
- 3-3- افراد. علت نامگذاری آن به افراد، انفصال آن از عمره و عدم ارتباط بین آن دو است. وظیفه اهالی مکه و کسانی است که فاصله محل سکونتشان تا مکه کمتر از دوازده یا 48 میل - بنا بر اختلاف اقوال در مسأله- است. در حج افراد قربانی واجب نیست؛ هرچند مستحب است. مستند الشیعه، ج 11، ص 206. و جواهر الکلام، ج 18، ص 44.

می تواند، پس زمانی که در روز عید قربان خورشید طلوع کرد، دیگر حجی بر او نیست و آن را عمره قرار دهد. این قول را «ابن ابی عقیل» (1) نیز اختیار کرده است.

مسأله:

تمام عرفه، موقف است و قول مشهور فقها، وقوف در «میسره» (2) و در «سفح الجبل» یعنی کوهپایه مستحب است.

سید مرتضی گوید: بهترین و با فضیلت ترین موقف ها، «میسره الجبل» (3) یعنی قسمت چپ کوه است.

«ابن جنید» و «ابن ابی عقیل» گفته اند: در این مسأله هرگاه شک کردیم، باید اصل برائت الذمه (4) را پیاده کنیم.

و آن روایتی را که «ابن بابویه» و «ابن ابی عقیل» و دیگران بیان کرده اند این است که:

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در منطقه عرفه در «میسره الجبل» توقف کردند؛ سپس مردم اقدام به سبک کردن بار شترشان نمودند. حضرت فرمودند: ای مردم، در «وقف» جای سبک کردن شتر نیست. و با دست مبارک خود اشاره کردند که، اینجا همه «وقف» است. و مردم متفرق شدند.

در کتاب «الدروس الشرعیة فی فقه الإمامیه»، «شہید اول» (5) چنین می فرماید:

در هنگام سفر به سوی عرفه، دعا کند و در حالی که در وسط عرفه است، خیمه ای را با درخت خرما بنا سازد. و «حسن» گفته است: هر جور خواست خیمه بزند.

بودن در خود عرفه ملاک است. و وقوف در محدوده آن، همچون «نمره» و «ثویه» و ذوالمجاز» و «الأراک» جایز نمی باشد. «حسن» و «ابن جنید» و «حلبی» به این قول قائلند:

ص: 520

1-1- حسین بن ابی عقیل، ملقب به حذا معروف به عمانی و ابن عقیل، کنیه اش ابوعلی، از فقها و متکلمین بزرگ امامیه است که معاصر با کلینی بوده، و با واسطه ای، از اساتید شیخ مفید به شمار می آید. او نخستین کسی است که در اول غیبت کبری، فقه را مهذب کرد و آن را با قواعد اصولیه تطبیق نمود. ویکی پدیا-

2-2- میسره: ج ماسرا یسر]: سمت چپ. آنلاین. المعانی الجامع.

3-3- سفح الجبل: فی أسفل الذی ینص فیہ الماء. آنلاین. المعانی الجامع

4-4- مراد از اصل برائت، اصلی از اصول عملی است که هنگام شک مکلف در تکلیف و عدم دسترسی وی به حجت شرعی، اجرا می شود و در مقام عمل، مکلف را موظف به انجام آن تکلیف نمی داند؛ برای مثال، هنگامی که مکلف بعد از جست و جو و عدم دست یابی به دلیل، در حرمت یا حلیت استعمال دخانیات شک میکند، اصل برائت جاری نموده و به حلیت استعمال آن حکم می کند و از عقوبت مخالفت احتمالی با حکم واقعی، ایمن می شود. زین الدین شهید ثانی، تمهید القواعد، قم، 1416ق. و شیخ طوسی، محمد، التبیان، به کوشش احمد حبیب قصیر عاملی، نجف، مکتبه الامین.



محدوده عرفه از «مازمین» تا «موقف» است. و مستحب است که حاجی دعا‌های وارده را بخواند و رهایی از آتش دوزخ را مسألت نماید. و بسیار استغفار کند. (به جهت کلام الهی). در حالی که با آرامش و وقار است. و زمانی که به «کثیب الاحمر» (1) از سمت راست جاده رسید، بنا بر روایتی که معاویه آن را از امام صادق (علیه السلام) روایت کرده است که فرمود: این دعا را بخوان:

خدایا در این موقف، مرا مورد رحم قرار ده و عملم را زیاد کن. و دینم را برایم سالم نگاه دار. و عبادات و مناسکم را مورد قبول خود قرار ده. (2).

و علاوه بر آن، این دعا را بیفزاید که:

خدایا این موقف را آخرین لحظه عمرم قرار مده و خدایا تا زمانی که مرا باقی می‌گذاری به من روزی بخش.

وقوف در عرفه و حد موقف

عده ای از اصحاب ما از جمله: عن سهل بن زیاد، عن ابن محبوب، عن ابن اب، عن مسمع: عن أبي عبد الله عليه السلام که فرمود:

تمام عرفات، موقف است. و برترین موقف، دامنه کوه است. (3)

محمد بن یحیی عن أحمد بن محیر، عن علی بن الحکم، عن علی بن ابی مره، عن ابی بصیر: عن أبي عبد الله عليه السلام، فرمود:

زمانی که در عرفات وقوف کردی، پس نزدیک «هضاب» (تپه و کوه بلند و گسترده بر روی زمین است) شو. پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: همانا ساکنان «اراک» (4) که در کنار «اراک» وقوف کردند حجی بر آنان نیست.

علی بن ابراهیم، عن ابیه، عنی ابن ابی عمیر، عن حماد، عن الحکی: عن أبي عبد الله

ص: 521

1-1- موضعی است در ساحل دریای یمن.

2-2- قمی، شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه، من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 6-464. و الشیخ محمد بن مکی العاملی، الدروس الشرعیة فی فقه الأمامیه، ص 421.

3-3- پایین کوه است - جایی که آب بر آن می‌ریزد و می‌توان در آنجا استراحت کرد. کافی، ج 9، ص 30.

4-4- «فیومی» می‌گوید: «اراک»، مکانی در کنار عرفه در ناحیه شام و نزدیک «نمره» است. و «علامه مجلسی» می‌گوید: اجماع در این است که از حدود عرفه است و داخل در عرفه نمی‌باشد. کافی، ج 9، ص 30.

علیه السلام که فرمود: پیامبر (صلی الله علیه و آله) در مورد «موقف» فرمودند: از «عزنه» (1) بالا روید. و فرمود: برای ساکنان «اراک» حجتی نیست.

علی بن ابراهیم، عن ابيه؛ و محمد بن اسماعیل، عن الفضل بن شاذان، عن ابن ابي عمير و صفوان بن يحيى، عن معاوية بن عمار:

از ابی عبدالله (علیه السلام) فرمود:

توقف کن در سمت چپ کوه. پس همانا پیامبر (صلی الله علیه و آله) در سمت چپ کوه وقوف در عرفات کرد. و در آن زمان، مردم شترش را سبک کردند. پس در کنار پیامبر (صلی الله علیه و آله) ایستادند (وقوف کردند و شتر را به یک طرف بردند. و کاری مثل پیامبر (صلی الله علیه و آله) انجام دادند. و حضرت فرمودند: ای مردم، جای سبک کردن شترم، موقف نیست (در حالیکه همه اش موقف است). و حضرت با دست مبارکشان به «موقف» اشاره کردند و مثل آن را در «مزدلفه» انجام دادند (2).

و در مورد خانم ها حضرت فرمودند: از کوهها بالا نروید و قول مشهور قایل به کراهت است. و از «ابن براج» و «ابن ادريس» نقل شده است که؛ آن دو بزرگوار وقوف و ایستادن بر روی کوهها را حرام کردند مگر به جهت ضرورت. که در صورت ازدحام و شبیه آن به اجماع فقها کراهت و حرمت منتفی می باشد.

و از ریاکاری پرهیز و چون در عرفات وقوف کردی حمد و ثنای الهی را بگو و «لا اله الا الله» را بگو و خدا را به بزرگی یاد کن و 100 تکبیر و 100 قل هو الله بگو و خدا را به بزرگی یاد کن و هر دعایی را که دوست داری به اختیار خودت بخوان. و بکوش زیرا روز دعا و درخواست از خداست و «اعوذ بالله من الشيطان الرجيم» بگوی. زیرا شیطان حتی در بهترین مکان هم تو را فراموش نمی کند. و دوری کن از نظاره کردن دیگران. پس به خودت روی و نظر افکن و کلمه «اللهم» را که دارای تمام شعورها و احساسات است را به زبان جاری ساز. مثلاً اینچنین گوی:

اللهم رب المشاعر كلها، فك رقتي من النار، و أوسع علي من الرزق الحلال، و ادرا عني شر فسقه الجن و الإنس؛ اللهم لاتمكربي، و لاتخذ عني، و لاتستدرجني، يا أسمع السامعين، و يا أبصر الناظرين، و يا أسرع الحاسبين، و يا أرحم الراحمين، أسألك أن تصلي علي محمد و آل محمد، و أن تفعل بي كذا و كذا.

خدایا ای صاحب تمام شعورها و احساسات، مرا از آتش جهنم رهایی ساز و رزق و روزی

ص: 522

1-1- قول ابن اثیر: مکانی نزدیک عرفه. و فیومی: مکانی بین منا و عرفات است. و این منظور: وادی در مقابل عرفات است.

2-2- کلینی، ابو جعفر، محمد بن یعقوب، الکافی، ج 9، ص 29.

حلال را بر من بگستران. و مرا از شر بدی جن و انس دور گردان. خدایا بر من خدعه و مکر نکن ای شنواترین شنوندگان و ای بیناترین بینندگان وای سریع ترین حساب گران وای مهربان ترین مهربانان. من از تو مسألت می جویم که بر محمد (صلی الله علیه و آله) و خاندانش درود بفرستی و اینکه حاجتم را برآورده سازی.

اللهم إني عبدك و ملك يدك، ناصيتي بيدك، وأجلى بعلمك، أسألك أن توقفني لما يرضيك عني، وأن تسليم مني مناسكي التي أريتها إبراهيم خليلك، ودلت عليها حبيبك محمد صلى الله عليه و آله.

خدایا من بنده تو هستم و مالک دست تو هستم و زمام امورم در دست توست و از تمام عمرم مطلع هستی. من از تو می خواهم نسبت به آنچه از من راضی می شوی توفیق یابم و آیین حج را به من حواله کنی همان مناسکی که به ابراهیم خلیل نشان دادی و دوستارت ( محمد (صلی الله علیه و آله)) را بر آن مناسک راهنمایی کردی(1).

و باید این دعا را بگویی: اللهم اجعلني ممن رضيت عمله، وأطلت عمره، وأحييته بعد الموت حيا طيبه».

خدایا مرا قرار ده جزء کسانی که رضایت جستی و عملش را پسندیدی و عمرش را طولانی کردی و بعد از مرگ او را زندگی پاکی به او بخشیدی. عده ای از اصحاب ما از جمله: عن أحمد بن م ير، عن الحسين بن عير، عن حمير بن عيسى، عن عبد الله بن ميموني، قال:

از ابا عبیر الله علیه السلام شنیدم که می فرمایند: همانا پیامبر (صلی الله علیه و آله) در عرفات وقوف کردند. پس زمانی که خورشید خواست پنهان شود (قبل از آنکه پنهان شود) فرمودند: اللهم إني أعود بك من الفقر، ومن تشتت الأمر، ومن شر ما يحدث بالليل والنهار، أمسى ظلمي مشتجيرا بعفوك، وأمسى خوفي مشتجيرا بأمانك، وأمسى لي مشتجيرا بعزك، وأمسى وجهي الفاني مشتجيرا بوجهك الباقي، يا خير من سئل، ويا أجود من أعطى، جللني برحمتك، وألبسني عافيتك، واصر ف عني شر جميع خلقك».

خدایا؛ من از فقر به تو پناه می برم و از پراکندگی در کارها و از شر و هر آنچه که در شبانه روز ایجاد می شود. در هنگام تاریکی شب، به عفو و گذشت تو پناه می برم و در هنگام ترسیدنم به

ص: 523

ایمن بودن تو پناه می برم. و در هنگام (شب) خواریم به عزت تو پناه می برم. و در شب هنگام صورت فانی ام به صورت باقی تو پناه می برم. ای بهترین کسی که مورد درخواست واقع می شود؛ وای بهترین کسی که بخشیده ای؛ مرا به رحمت خودت بزرگ گردان. و بر من لباس عافیت را بپوشان و از من تمام بدی های مخلوقات را دور گردان [\(1\)](#).

قال عبد الله بن ميمون: وسمعت أبي يقول: يا خير من سئل، ويا أوسع من أعطى، ويا أرحم من استرحم، ثم سل حاجتك.

عبدالله بن ميمون» گوید از پدرم شنیدم که می فرمود: ای بهترین کسی که مورد درخواست واقع شده و ای کسی که بهترین دست دل بازی (وسعت در بخشش) وای مهربان ترین کسی که مورد رحم واقع شده ای سپس حاجتت را درخواست کن. [\(2\)](#)

محمد بن يحيى، عن محمد بن الحسين، عن الحسن بن علي، عن صالح بن أبي الأسود، عن أبي الجارود:

در حدیثی از ابی جعفر علیه السلام، فرمود:

در دعای شب عرفه چیزی بصورت موقت و مفروض (فرضی) وجود ندارد یا اگر هم به صورت معین است، غیر ممکن است سالی بدون آن آید. (دعای عرفه)، که همان درخواست های الهی است، در کسب حاجت قطعیت دارد [\(3\)](#).

### دعا برای دیگران در موقین

علی بن ابراهیم» از پدرش که فرمود: «عبد الله بن جندب» را در موقف (عرفات) دیدم و وقوفی بهتر از وقوف او ندیدم، پیوسته دو دستش به سوی آسمان بلند بود و اشکش بر دو گونه اش روان، و چون مردم برگشتند، به او گفتم: ای ابا محمد! من وقوفی بهتر از وقوف تو ندیدم. گفت: به خدا قسم من جز برای برادران دینی خود دعائی نکردم و این برای آن است که أبو الحسن - امام کاظم (علیه السلام) به من خبر داد که هر که در پشت سر برای برادر خود دعا کند، از عرش به او ندا

ص: 524

---

1-1- کافی، ج 9، ص 33، ش 5 / 7745.

2-2- همان، ص 34.

3-3- همو، ص 34، ش 6 / 7746.



رسد که: برای توباد صد هزار برابر آن و من بد داشتم که صد هزار دعای تعهد شده را برای یک دعاء از دست بدهم که نمی دانم آن یک دعاء اجابت می شود یا نه؟ (1)

عده ای از اصحاب ما، از جمله: «سهل بن زیاد» از «محمد بن عیسی» پسر «عبید» از «ابن ابی عمیر» که فرمود:

هرگاه حج می گزارد و به موقف می رسید تا زمانی که مردم از موقف کوچ می کردند، پیوسته برای برادرانش دعا می کرد. به او گفتم: پولت را خرج می کنی و جسمت را به زحمت می اندازی و چون به جایگاهی که در آن حاجت ها به درگاه خداوند عز و جل عرضه می شود، می رسی، برای برادرانت دعا می کنی و خودت را و او می گذاری؟! گفتم: من به [اجابت دعای فرشته برایم اطمینان دارم؛ اما به [اجابت دعای خودم در حق خویش، شک دارم. (2)

أحمد محمد العاصمی، عن علی بن الحسن التیملی، عن علی بن أسباط، عن إبراهیم بن أبی البلاد أو عبد الله بن جندب، که فرمود: (3) در «موقف» بودم؛ پس زمانی که کوچ کردم و خارج شدم، «ابراهیم بن شعیب» را دیدم و به او سلام عرض کردم - در حالیکه گویا به یکی از دو چشمش چیزی برخورد کرده بود - و چشم صحیحش قرمز بود؛ گویا خون بسته بود، پس به او گفتم: شاید چیزی به یکی از دو چشمت برخورد کرده و حال آنکه به خدا قسم دل من بر چشم دیگری می سوزد. پس قدری کم بگریی. پس او گفت: نه به خدا قسم ای ابا محمد، من امروز برای خودم دعوت نشده ام. به او گفتم: بخاطر چه کسی دعوت شده ای؟ گفت: من برای برادرانم دعوت شده ام. زیرا من از «ابا عبدالله (علیه السلام)» شنیدم که فرمود: «من دعا لأخیه بظهر الغیب، وکل الله به ملکا یقول: ولک مثلاه» فأردت أن أکون إنما أدعو لإخوانی، ویکون الملک یدعولی؛ لأنی فی شک من دعائی لنفسی ولست فی شک من دعاء الملک لی» هر گاه انسان در غیاب برادرش برای او دعا کند، خداوند به او فرشته ای را وکیل می کند که از عرش ندا می دهد که: تو را نیز (دعا کننده) دو چندان آن باد. پس من می خواهم که اینگونه بشوم. لذا فقط برادرانم را دعا می کنم. و حال آن که فرشته مرا دعا می کند؛ زیرا من نسبت به دعای بر خودم در شک و تردید هستم و اما نسبت به دعای فرشته، شکی ندارم.

محمد بن یحیی، عن محمد بن الحسین، عن النضر بن شعیب، عن عمرو بن أبی المقدام،

ص: 525

1-1- کافی، ج 9، ص 35، ش 7/7747.

2-2- همان، ص 36، ش 8/7748.

3-3- همو، ص 36، ش 8/7749.

که فرمود(1): ابا عبدالله (علیه السلام) را روز عرفه در «موقف» دیدم در حالیکه با صدای بلند فریاد می زد: ایها الناس، إن رسول الله صلی الله علیه و آله کان الإمام، ثم کان علی بن ابی طالب، ثم الحسن، ثم الحسین، ثم علی بن الحسین ثم محمد بن علی، مم هه» فینادی ثلاث مرات من بین یدیه، وعن یمینیه، وعن یساره، و من خلفه اثنی عشر صوتا.

ای مردم: همانا رسول خدا (صلی الله علیه و آله) امام و پیشوا بود؛ سپس علی بن ابی طالب آنگاه حسن و سپس امام حسین و بعد از آن علی بن الحسین و سپس محمد بن علی و هه . آنگاه سه بار 12 نفر را که جلوی رویش بودند و سمت راست و سمت چپش و پشت سرش بودند را صدا زد.

«عمرو» چنین گفت: پس از عربی دنان معنای «هه» را پرسیدم؛ آن ها گفتند: «هه» زبان و گفتار فلان پیامبر است سپس از دیگران نیز پرسیدم؛ مثل آن را پاسخ دادند.

عده ای از اصحاب ما از جمله: عن سهل بن زیاد، عن أحمد بن محمد، عن سماعه فرمود(2): به ابی عبدالله (علیه السلام) عرض کردم: زمانی که عرفه تنگ شود و وقتش ضیق گردد چه می کنید؟ فرمود: به بالای کوه بروید.

### زمانی کوچ از عرفات

محمد بن یحیی، عن أحمد بن حمیر، عن ابن فضالی، عن یونس بن یعقوب، فرمود(3): به ابی عبد الله (علیه السلام) عرض کردم: وقت کوچ از عرفات چه موقعی است؟ فرمود: زمانی که از طرف مشرق سرخی در آسمان از بین برود.

علی بن ابراهیم، عن ابيه؛ و محمد إسماعیل، عن الفضل بن شادان، عن صفوان بن یحیی، عن معاویه بن عمار، گفت(4): ابو عبد الله (علیه السلام) فرمود:

مشرکان قبل از آنکه خورشید پنهان شود از عرفه کوچ می کنند که پیامبر (صلی الله علیه و آله) با آنان مخالفت کرد و بعد از غروب خورشید کوچ کرد.

و از قول ابو عبدالله (علیه السلام) فرمود: زمانی که خورشید غروب کرد پس با مردم کوچ کن و بر تو لازم است که با متانت و آرامش راه

ص: 526

1-1- الکافی، ج 9، ص 37، ش 10 / 7750.

2-2- همان، ص 38، ش 11 / 7751.

3-3- الکافی، ص 39، ش 1 / 7752.

4-4- همان، ج 9، ص 39، ش 2 / 7753.

روی و به همراه استغفار کوچ کنی. زیرا خداوند در سوره بقره آیه 199 می فرماید: «ثم أفيضوا من حيث أفاض الناس واستغفروا الله إن الله غفور رحيم». پس زمانی که در سمت راست جاده به تپه ای از خاک سرخ رسیدی، اینگونه بگو: اللهم ارحم مؤققی، و زد فی علمی، وسلم لی دینی، و تقبل مناسکی. و ایاک و الوجی الذی یصنعه الناس. خدایا بر «موقعم» رحم کن و در علمم بیفزای و دینم را برایم سالم گردان و مناسک و عباداتم را بپذیر. از دواندن و حرکت سریع اسب و شتر اجتناب کن که اکثر مردم آن را انجام می دهند. زیرا پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: ای مردم، همانا حج به دواندن سریع اسب و شتر نیست. ولكن تقوای الهی به همراه حرکتی زیبا داشته باشید. نه شخص ضعیف و مسلمانی را لگد مال و نه اذیت کنید. بلکه در حرکت، میانه روی باشید. زیرا رسول خدا (صلی الله علیه و آله) شترش را باز می داشت و می بست تا حدی که سر شتر به جلوی پالان او اصابت می کرد و می فرمود: ای مردم شما را به نرمی و ملامت سفارش می کنم. در مسیر حرکت به حجاجی که مرکب داشتند فرمود: «علیکم بالدعه» یعنی: مرکب خود را آهسته و بدون شتاب برانید. و از سنت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) تبعیت کنید.

معاویه» چنین گفت: از ابا عبد الله (علیه السلام) شنیدم که چنین می گفت: «خدایا مرا از آتش قیامت حفظ گردان» و دائما این کلام را تکرار می کرد تا از آنجا کوچ کرد. پس گفتم: مردم کوچ می کنند، آیا شما کوچ نمی کنید؟ ابا عبد الله (علیه السلام) فرمود: همانا من از ازدحام و مشقت می ترسم و نیز می ترسم در سختی انداختن انسانی شریک شوم (1).

عده ای از اصحاب ما از عن أحمد بنی محمد، عن الحسین بن سعید، عن عثمان بن عیسی، عن هارون بن خارجه حدیثی را از قول ابا عبد الله (علیه السلام) نقل می کنند: شنیدم که در پایان سخنش، هنگامیکه (افاض) کوچ کرد؛ چنین می گوید: «اللهم إني أعوذ بك أن أظلم، أو أظلم، أو أقطع رحما، أو أؤذى جارا» (2). خدایا من به تو پناه می برم از اینکه ظلم کنم یا مورد ظلم وارد شده باشم یا قطع رحمی کنم یا همسایه ای را مورد آزار و اذیت قرار داده شده باشم.

برخی از اصحاب ما از «سهل بن زیاد وأحمد بن محمد، عن الحسین بن محبوب، عن علی بن رثاب، عن ضریس الكناسی: عن أبی جعفر علیه السلام» فرمود: در باره شخصی که از عرفات قبل از پنهان شدن خورشید (غروب خورشید) کوچ کرد چه حکمی دارد؟ حضرت فرمودند:

ص: 527

1-1- الکافی، ج 9، ص 40.

2-2- همان، ش 3/7754

یک شتر باید کفاره بدهد و روز عید قربان، آن را قربانی کند؛ و اگر نتوانست، 18 روز در مکه روزه بگیرد یا در راه و یا در بین خانواده اش روزه بگیرد(1).

أحمد محمد، عن الحسين بن سعيد، عن النضر بن سويد، عن عبد الله بن سنان: از ابی عبد الله (علیه السلام) حدیثی را نقل می کند که حضرت فرمود: خداوند، دو فرشته را در « مأزم » عرفه (راه تنگ بین عرفه و مزدلفه بین دو کوه) وکیل می کند. پس آن دو فرشته چنین می گویند: سلم - سلم. سلام و درود باد. سلام و درود باد. یعنی مردم را به سلامتی فرا می خوانند به جهت آنکه محل آفت و آسیب رسیدن است به دلیل تنگی راه و ازدحام مردم.

### استفانائات مقام معظم رهبری در باب وقوف در عرفات

ایشان در چند مسأله، به وقوف در عرفات پرداخته اند که با ذکر شماره به آن ها اشاره می شود:

[956] واجب است وقوف به عرفات - که محلی است معروف و محدود است به حدود معروفه - به قصد قربت و خالص مثل سایر عبادات.

[957] مراد از وقوف، بودن در آن مکان است؛ و اگر وقوف نکرده و شب دهم را عمدا و بی عذر در عرفات وقوف نکند، ظاهره حج او باطل می شود، اگر چه درک کند وقوف به مشعر را(2).

چه سواره و چه پیاده یا نشسته یا خوابیده یا در حال راه رفتن، به هر حال که باشد کافی است.

[958] اگر در تمام وقت بیهوش باشد یا خواب وقوف او باطل است.

[959] به احتیاط واجب لازم است در عرفات باشد از بعد از زوال روز نهم تا غروب شرعی که وقت نماز مغرب است، پس جایز نیست تاخیر بیندازد و در وقت عصر بیاید و توقف کند.

ص: 528

---

1-1- الکافی، ج 9، ص 42.

2-2- خامنه ای، علی، مناسک حج، ص 235.

[960] م - تأخیر انداختن از اول ظهر اگر کم باشد مثلاً به مقدار نماز ظهر و عصر که جمع بین آنها کند، معلوم نیست حرام باشد، ولی احتیاط آن است که تأخیر نیندازد.

[961] م - بودن در مجموع بعد از ظهر تا مغرب گرچه واجب است چنانچه گذشت لکن تمام آن رکن نیست که حج به ترک آن باطل شود، پس اگر مقدار کمی توقف کند و برود یا طرف عصر بیاید و توقف کند حج او صحیح است اگر چه توقف نکردن از روی عمد و علم باشد.

[962] آنچه در وقوف رکن است مسمای وقوف است به این معنی که گفته شود قدری در عرفات بوده، هر چند خیلی کم باشد مثل یک دقیقه یا دو دقیقه پس اگر هیچ به عرفات نرود رکن را ترک کرده.

[963] اگر از روی عمد و علم، وقوف رکنی را ترک کند یعنی در هیچ جزء از بعد از ظهر تا مغرب در عرفات نباشد حجتش باطل است، و کفایت نمی کند برای او وقوف در شب عید که وقوف اضطراری است (1).

[964] - اگر کسی عمداً پیش از غروب شرعی از عرفات کوچ کند و از حدود عرفات بیرون رود و پس از آن نادم شود و برگردد و تا غروب توقف کند چیزی بر او نیست بنابر اقوی، لکن احتیاط در کفاره است به یک شتر، و همچنین اگر بدون آنکه پشیمان شود از کار خود، برای حاجتی برگردد لکن بعد از رسیدن با قصد قربت توقف کند چیزی بر او نیست. ( )

[965] اگر در فرض سابق مراجعت نکرد کفاره آن یک شتر است که باید در راه خدا قربانی کند هر جا بخواهد، و احتیاط مستحب آن است که در مکه قربانی کند، و اگر متمکن از قربانی نباشد هیجده روز روزه بگیرد، و احتیاط مستحب آن است که پشت سرهم روزه بگیرد.

[966] اگر سهواً کوچ کرد و بیرون رفت، پس اگر یادش آمد باید مراجعت کند و اگر مراجعت نکرد گناهکار است، لکن کفاره ندارد بنابر اقوی، گرچه احوط است و اگر یادش نیامد چیزی بر او نیست. ( )

[967] اگر کسی از روی ندانستن مسأله، آنچه ذکر شد بکند، حکم او حکم کسی است که سهوله کرده است.

[968] اگر کسی به واسطه عذری، مثل فراموشی و تنگی وقت و مثل آن، از ظهر نهم تا غروب

ص: 529

شرعی در عرفات نباشد و هیچ جزئی از زمان را درک نکند، کافی است که مقداری از شب عید را هر چند اندک باشد در عرفات باشد و این زمان را وقت اضطراری عرفه می گویند(1).

[969] اگر کسی که به واسطه عذر، روز نهم را وقوف نکرده و شب دهم را عمداً و بی عذر در عرفات وقوف نکند، ظاهراً حج او باطل می شود، اگر چه درک کند وقوف به مشعر را.

[970] اگر کسی به واسطه فراموشی یا غفلت یا عذر دیگر ترک کند وقوف به عرفات را در روز نهم، که وقت اختیاری است و در شب دهم که وقت اضطراری است، کفایت میکند در صحیح بودن حج او که وقوف اختیاری مشعر را درک کند چنانچه خواهد آمد.

جواز تأخیر از اول وقت، به اندازه خواندن نماز ظهر و عصر (به صورت جمع) و مقدمات آن، بعید نیست.

بیرون رفتن از عرفات قبل از غروب از روی عمد حرام است، ولی حج را باطل نمیکند و در صورت مراجعت کفاره ندارد.

بعید نیست عدم تعیین ذیح در منا اگر چه احتیاط ذیح در منا است و بنا بر احتیاط واجب ذیح باید روز عید باشد. متعرض این احتیاط نشده اند.(2)

### پاسخ آیه الله خامنه ای به سؤالاتی پیرامون وقوف در عرفات

[971] س- حدودی که برای عرفات و مؤلفه و نا مشخص شده است جهت انجام مناسک، اعتبار دارد یا نه؟

ج- چنانچه مورد اطمینان یا تصدیق اهل محل باشد معتبر است.

[972] س- کراهت صعود به جبل الرحمه، آیا قبل از نیت وقوف به عرفات است یا بعد از آن؟

ج- در وقت وقوف کراهت دارد که از جبل بالا رود(3).

[973] س- شخصی وقوف اختیاری عرفات را درک کرده و قبل از رفتن از انجام بعض اعمال حج کشف خلاف شده، اکتفا به این حج نکند.

ص: 530

---

1-1 - خامنه ای، علی، مناسک حج، ص 237

2-2 - همان، ص 238.

3-3 - خامنه ای، علی، مناسک حج، ص 238

[975] س - در فرض مسأله فوق، اگر در عرفات یا مشعر لک دید و همان وقت یقین پیدا کرد که خون حیض است و قبلاً پاک نبوده، باید چه کند با توجه به اینکه وقت وقوفین اختیاری و یا اضطراری آن باقی است ولی وقت برگشتن به مکه و انجام اعمال عمره تمتع را ندارد؟

ج- مورد، عدول به افراد است.

[976] س - وقوف اضطراری عرفه آیا از اول شب تا طلوع فجر است، یا طلوع آفتاب؟

ج- وقوف اضطراری عرفه در شب عید است و شب تا طلوع فجر است.

عمل به احتیاط کند و راه احتیاط، انجام اعمال به قصد وظیفه فعلیه بدون قصد خصوص تمتع و افراد است و قربانی نیز انجام دهد پس اگر خون از ده روز تجاوز کرد اعمالش صحیح بوده و اگر تجاوز نکرد، حشش تبدیل به افراد شده و واجب است عمره مفرده نیز - اگر حج واجب بوده است . به جا آورد (1).

### مستحبات وقوف به عرفات در نظر آیه الله خامنه ای

[977] در وقوف به عرفات چند چیز مستحب است.

1- با طهارت بودن در حال وقوف.

2- غسل نمودن و بهتر آن است که نزدیک ظهر باشد.

3- آنچه موجب تفرق حواس است از خود دور سازد تا آن که قلب او متوجه جناب اقدس الهی گردد.

4- نسبت به قافله ای که از مکه می آید، وقوف شخص در طرف دست چپ کوه واقع گردد. (2)

لی مرحوما مغفوراً لی بأفضل ما ینقلب به الیوم أحد من وفدک وحجاج بیتک الحرام واجعلنی الیوم من أکرم وفدک علیک وأعطنی أفضل ما أعطیت أحدا منهم من الخیر والبرکه والرحمه والرضوان والمغفره وبارک لی فیما أرجع الیه من أهل أو مال أو قلیل أو کثیر وبارک لهم فی». و بسیار بگوید: «اللهم أعتقنی من النار».

ص: 531

---

1-1 - خامنه ای، علی، مناسک حج، ص 239.

2-2 - همان، ص 240.

## مستحباتی از احرام حج تا وقوف به عرفات مطابق با فتاوی امام خمینی (ره)

[955] اموری که در احرام عمره مستحب بود، در احرام حج نیز مستحب است و پس از اینکه شخص، احرام بسته و از مکه بیرون آمد، همین که بر ابطح مشرف شود به آواز بلند تلبیه بگوید و چون متوجه منا شود بگوید:

«اللهم إياك أرجو وإياك أدعو فبلغني أملی وأصلح لی عملی»

و با تن و دل آرام با تسبیح و ذکر حق تعالی برود و چون به نا رسید بگوید:

« الحمد لله الذی أقدمنیها صالحا فی عافیة وبلغنی هذا المكان »

پس بگوید: «اللهم هذه منی وهی ما مننت به علینا من المناسک فأسالک أن تمن علی بما مننت علی أنبیائک فإنما أنا عبدک وفی قبضتک» (1).

و مستحب است شب عرفه را در منا بوده و به اطاعت الهی مشغول باشد و بهتر آن است که عبادات و خصوصا نمازها را در مسجد خیف به جا آورد و چون نماز صبح را خواند تا طلوع آفتاب تعقیب گفته پس به عرفات روانه شود و اگر خواسته باشد بعد از طلوع صبح روانه شود مانعی ندارد، ولی سنت آن است که تا آفتاب طلوع نکرده از وادی محسر رد نشود و روانه شدن پیش از صبح مکروه است و چون به عرفات متوجه شود این دعا را بخواند:

« اللهم الیک صمدت وایاک اعتمدت ووجهک أردت أسألک أن تبارک لی فی رحلتی وأن تقضی لی حاجتی وأن تجعلنی ممن تباهی به الیوم من هو أفضل منی »

## وقوف به عرفات در نظر امام خمینی (ره)

امام خمینی (ره) در مسأله اول «تحریر الوسیله» فرمودند:

بعد از عمره، واجب است که محرم برای حج و وقوف به عرفات به قصد قربت مانند سایر عبادات (2).

وقوف در عرفه، رکن است و مسمای آن واجب است ولو یک یا دو دقیقه. پس اگر عمدا

ص: 532

1-1- خمینی، روح الله، مناسک حج امام خمینی (ره)، ص 199.

2-2- خمینی، تحریر الوسیله، ج 1، ص 417.



وقوف را - حتی مسمای آن را ترک کند، حجش باطل است و لکن اگر وقوف به اندازه مسمای کند و بقیه را عملاً ترک کند؛ حجش صحیح است ولی گناه کرده است(1).

[956] واجب است وقوف به عرفات - که محلی است معروف و محدود است به حدود معروفه - به قصد قربت و خالص مثل سایر عبادات.

[957] مراد از وقوف، بودن در آن مکان است؛ چه سواره و چه پیاده یا نشسته یا خوابیده یا در حال راه رفتن، به هر حال که باشد کافی است(2).

[958] اگر در تمام وقت بیهوش باشد یا خواب و وقوف او باطل است.

[959] به احتیاط واجب لازم است در عرفات باشد از بعد از زوال روز نهم تا غروب شرعی که وقت نماز مغرب است، پس جایز نیست تأخیر بیندازد و در وقت عصر بیاید و توقف کند.

[960] تأخیر انداختن از اول ظهر اگر کم باشد مثلاً - به مقدار نماز ظهر و عصر که جمع بین آنها کند، معلوم نیست حرام باشد، ولی احتیاط آن است که تأخیر نیندازد.

[961] بودن در مجموع بعد از ظهر تا مغرب گرچه واجب است چنانچه گذشت لکن تمام آن رکن نیست که حج به ترک آن باطل شود، پس اگر مقدار کمی توقف کند و برود یا طرف عصر بیاید و توقف کند حج او صحیح است اگر چه توقف نکردن از روی عمد و علم باشد.

[962] آنچه در وقوف رکن است مسمای وقوف است به این معنی که گفته شود قدری در عرفات بوده، هر چند خیلی کم باشد مثل یک دقیقه یا دو دقیقه پس اگر هیچ به عرفات نرود رکن را ترک کرده.

[963] اگر از روی عمد و علم، وقوف رکنی را ترک کند یعنی در هیچ جزء از بعد از ظهر تا مغرب در عرفات نباشد حجش باطل است، و کفایت نمی کند برای او وقوف در شب عید که وقوف اضطراری است(3).

[964] اگر کسی عمداً، پیش از غروب شرعی از عرفات کوچ کند و از حدود عرفات بیرون رود و پس از آن نادم شود و برگردد و تا غروب توقف کند چیزی بر او نیست بنابر اقوی، لکن احتیاط

ص: 533

1-1- خمینی، تحریر الوسیله، ج 1، مسأله 3، ص 417.

2-2- خمینی، روح الله، مناسک حج امام خمینی (ره)، ص 200.

3-3- همان، ص 200.

در کفاره است به یک شتر، و همچنین اگر بدون آنکه پشیمان شود از کار خود، برای حاجتی برگردد لکن بعد از رسیدن با قصد قربت توقف کند چیزی بر او نیست(1).

[965] اگر در فرض سابق مراجعت نکرد کفاره آن یک شتر است که باید در راه خدا قربانی کند هر جا بخواهد، و احتیاط مستحب آن است که در مکه قربانی کند، و اگر متمکن از قربانی نباشد هیجده روز روزه بگیرد، و احتیاط مستحب آن است که پشت سرهم روزه بگیرد.

[966] اگر سهواً کوچ کرد و بیرون رفت، پس اگر یادش آمد باید مراجعت کند و اگر مراجعت نکرد گناهکار است، لکن کفاره ندارد بنا بر اقوی، گرچه احوط است و اگر یادش نیامد چیزی بر او نیست.

[967] اگر کسی از روی ندانستن مسأله، آنچه ذکر شد بکند، حکم او حکم کسی است که سهو کرده است.

[968] اگر کسی به واسطه عذری، مثل فراموشی و تنگی وقت و مثل آن، از ظهر نهم تا غروب شرعی در عرفات نباشد و هیچ جزئی از زمان را درک نکند، کافی است که مقداری از شب عید را هر چند اندک باشد در عرفات باشد و این زمان را وقت اضطراری عرفه می گویند(2).

[969] اگر کسی که به واسطه عذر، روز نهم را وقوف نکرده و شب دهم را عمداً و بی عذر در عرفات وقوف نکند، ظاهره حج او باطل می شود، اگر چه درک کند وقوف به مشعر را.

[970] اگر کسی به واسطه فراموشی یا غفلت یا عذر دیگر ترک کند وقوف به عرفات را در روز نهم، که وقت اختیاری است و در شب دهم که وقت اضطراری است، کفایت میکند در صحیح بودن حج او که وقوف اختیاری مشعر را درک کند چنانچه خواهد آمد(3).

[971] حدودی که برای عرفات و مزدلفه و نا مشخص شده است جهت انجام مناسک، اعتبار دارد یا نه؟

ج- چنانچه مورد اطمینان یا تصدیق اهل محل باشد معتبر است.

[972] س: کراهت صعود به جبل الرحمه، آیا قبل از نیت وقوف به عرفات است یا بعد از آن؟

ج- در وقت وقوف کراهت دارد که از جبل بالا رود.

ص: 534

---

1-1- خمینی، روح الله، مناسک حج امام خمینی (ره)، ص 201

2-2- همان، ص 201.

3-3- همو، ص 202.

[973] س - شخصی وقوف اختیاری عرفات را درک کرده و قبل از رفتن به مشعر، غمی علیه شده است، بفرمایید اگر به همین حال تا آخر اعمال باقی باشد وظیفه اش چیست و اگر بعد از اغما او را به ایران آورده باشند چه حکمی دارد و نیز اگر بعد از ایام تشریق در ماه ذی حجه به هوش بیاید، در مکه باشد یا در ایران، چه باید کرد؟

ج - با فرض اینکه عذر او فقط اغما است، پس از به هوش آمدن، اگر ممکن است اعمال حج را اتمام کند و در هر صورت سال بعد حج را اعاده کند و برای احراز خروج از احرام بعد از اتمام حج، عمره مفرده ای اتیان نماید (1).

[974] س - زنی که عادت ماهانه اش مثلاً شش روز بوده است، در حال عادت زنانه برای عمره تمتع محرم می شود و در روز هشتم ذی حجه که روز ششم عادت او است پاک می گردد و غسل می کند و اعمال عمره تمتع را انجام می دهد و برای حج تمتع محرم می شود، ولی ظهر روز نهم در عرفه لک می بیند و نمی داند که آیا ادامه دارد تا پس از ده روز، تا استحاضه حساب شود و اعمال قبلی او صحیح باشد یا قبل از تمام شدن ده روز از اول عادت قطع می شود تا حکم حیض را داشته باشد، وظیفه او چیست؟ و در همین فرض اگر در مشعر لک دید چه کند؟

ج - عمل به احتیاط کند و راه احتیاط، انجام اعمال بدون قصد تمتع و افراد بلکه به قصد مافی الذمه، با قربانی در منا و اتیان عمره مفرده بعد از آن است، و چنانچه قصد تمتع کرده و بعد از انجام بعض اعمال حج کشف خلاف شده، اکتفا به این حج نکند.

[975] س - در فرض مسأله فوق، اگر در عرفات یا مشعر لک دید و همان وقت یقین پیدا کرد که خون حیض است و قبلاً پاک نبوده، باید چه کند با توجه به اینکه وقت وقوفین اختیاری و یا اضطراری آن باقی است ولی وقت برگشتن به مکه و انجام اعمال عمره تمتع را ندارد؟

ج - مورد عدول به افراد است.

[976] س - وقوف اضطراری عرفه آیا از اول شب تا طلوع فجر است، یا طلوع آفتاب؟ ج - وقوف اضطراری عرفه در شب عید است و شب تا طلوع فجر است.

ص: 535

[977] در وقوف به عرفات چند چیز مستحب است

1- با طهارت بودن در حال وقوف.

2- غسل نمودن و بهتر آن است که نزدیک ظهر باشد (1).

3- آنچه موجب تفرق حواس است از خود دور سازد تا آن که قلب او متوجه جناب اقدس الهی گردد.

4- نسبت به قافله ای که از مکه می آید، وقوف شخص در طرف دست چپ کوه واقع

گردد.

5- وقوف او در پایین کوه و در زمین هموار بوده باشد و بالا رفتن کوه مکروه است.

6- در اول وقت، نماز ظهر و عصر را به یک اذان و دو اقامه بجای آورد.

7- قلب خود را به حضرت حق جل و علا متوجه ساخته و حمد الهی و تهلیل و تمجید نموده و ثنای حضرت حق را به جا آورد، پس از آن، صد مرتبه «الله اکبر» و صد مرتبه سوره «توحید» را بخواند و آنچه خواهد دعا نماید و از شیطان رجیم به خدا پناه ببرد و این دعا را نیز بخواند:

« اللهم رب المشاعر كلها فك رقبتي من النار وأوسع علي من رزقك الحلال وادرا عني شرفسقه الجن والإنس، اللهم لا تمكربي ولا تخذ عني ولا تستدرجني يا أسمع السامعين ويا أبصر الناظرين ويا أسرع الحاسبين ويا أرحم الراحمين أسألك أن تصلي علي محمد وآل محمد وأن تفعل بي كذا وكذا» (2).

و به جای کذا و کذا حاجت خود را نام ببرد پس دست به آسمان بردارد و بگوید: « اللهم حاجتي إليك التي إن أعطيتها لم يضرنني ما منعتني وإن منعتني لم ينفعنني ما أعطيتها، أسألك خلاص رقبتي من النار اللهم إني عبدك وملك ناصيتي بيدك وأجلى بعلمك، أسألك أن توفقني لما يرضيك عني أن تسلم مني مناسكي التي أريتها خليلك إبراهيم صلوات الله عليه ودلت عليها نبيك محمد (صلى الله عليه وآله) اللهم اجعلني ممن رضيت عمله وأطلت عمره وأحييته بعد الموت».

ص: 536

1-1- خمینی، روح الله، مناسک حج امام خمینی (ره)، ص 203.

2-2- همان، ص 204.

لا إله إلا الله وحده لا شريك له، له الملك وله الحمد يحيى ويميت وهو حي لا يموت بيده الخير وهو على كل شيء قدير، اللهم لك الحمد كالذي تقول وخيرا ما تقول وفوق ما يقول القائلون، اللهم لك صلواتي ونسكي ومحياي ومماتي ولك تراثي (براءتي خ ل) وبك حولي ومنك قوتي، اللهم إني أعوذ بك من الفقر ومن وساوس الصدور ومن شتات الأمر ومن عذاب القبر، اللهم إني أسألك خير الرياح وأعوذ بك من شر ما يجيء به الرياح وأسألك خير الليل وخير النهار، اللهم اجعل في قلبي ورا وفي سمعي وبصري نورا وفي لحمي ودمي وعظامي وعروقي ومقعدى ومقامى ومدخلى ومخرجى نورا وأعظم لى نورا يا رب يوم ألقاك إنك على كل شيء قدير».

و در این روز تا می تواند از خیرات و صدقات کوتاهی نکند.

9- آن که کعبه را استقبال نموده و این اذکار را بگوید:

«سبحان الله» صد مرتبه «الله أكبر» صد مرتبه «ما شاء الله لا قوة إلا بالله» صد مرتبه «أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له له الملك وله الحمد يحيى ويميت ويحيى وهو حي لا يموت بيده الخير وهو على كل شيء قدير» صد مرتبه.

پس، از اول سوره بقره ده آیه بخواند، پس سوره توحيد سه مرتبه و آیه الكرسى را بخواند تا آخر پس این آیات را بخواند: (1)

«إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُغْشَىٰ اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ \* ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ \* وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ» (2)

پس سوره «قل أعوذ برب الفلق» و سوره «قل أعوذ برب الناس» را بخواند.

پس آنچه از نعم الهی بیاد داشته باشد، یکایک ذکر نموده و حمد الهی نماید و همچنین بر اهل و مال و سایر چیزهایی که حضرت حق به او تفصل نموده، حمد بنماید و بگوید:

« اللهم لك الحمد على نعمائك التي لا تحصى بعدد ولا تكافا بعمل» . . و به آیاتی از قرآن، که در آنها ذکر حمد شده است، خدا را حمد نماید و به آیاتی که در

ص: 537

1-1- خمینی، روح الله، مناسک حج امام خمینی (ره)، ص 205.

2-2- همان، ص 206.

آنها ذکر تسبیح شده است خدا را تسبیح نماید و به آیاتی که در آنها ذکر تهلل شده است خدا را تهلل نماید و بر محمد و آل محمد (علیهم الصلاه والسلام) زیاد صلوات بفرستد و به هر اسمی از اسماء الله که در قرآن موجود است خدا را بخواند و به آنچه از اسماء الهی که در یاد دارد خدا را ذکر کند و به اسماء الهی که در آخر سوره حشر موجود است خدا را بخواند و آنها عبارتند از:

الله عالم الغیب والشهاده الرحمن الرحیم الملک القدوس السلام المؤمن المهیمن العزیز الجبار المتکبر الخالق الباری المصور»(1).

و این دعا را بخواند:

«أسألك يا الله يا رحمن بكل اسم هو لك وأسألك بقوتك وقدرتك وعزتك وجميع ما أحاط به علمك ويجمعك بأركانك كلها وبحق رسولك صلوات الله عليه وآله وباسمك الأكبر الأكبر وباسمك العظيم الذي من دعاك به كان حقا عليك أن لا تخيبه وباسمك الأعظم الأعظم

الذي من دعاك به كان حقا عليك أن لا ترده وأن تعطيه ما سألت أن تغفر لي جميع ذنوبي في جميع علمك في»(2).

و هر حاجت که داری بخواه و از حق سبحانه و تعالی طلب کن که توفیق حج بیایی در سال آینده و هر سال. و هفتاد مرتبه بگو:

«أسألك الجنة» و هفتاد مرتبه «أستغفر الله ربی واتوب الیه».

پس بخوان این دعا را:

«ألهم فكنى من النار وأوسع على من رزقك الحلال الطيب وادرا عني شر فسقه الجن والإنس وشر فسقه العرب والعجم».

10- آن که نزدیک غروب آفتاب بگوید:

«اللهم انى أعوذبك من الفقر ومن تشئت الأمور ومن شر ما يحدث بالليل والنهار أمسى ظلمى مستجيرا بعفوك وأمسى خوفى مستجيرا بأمانك وأمسى ذنوبى مستجيره بمغفرتك وأمسى ذلى مستجيرا بعزك وأمسى وجهى الفانى البالى مستجيرا بوجهك الباقي يا خير من سئل ويا أجود من أعطى جلى برحمتك والبسنى عافيتك واصرف عى شر جميع خلقك».

ص: 538

1-1- خمینی، روح الله، مناسک حج امام خمینی (ره)، ص 206.

2-2- همان، ص 207.

و بدان که ادعیه وارده در این روز شریف بسیار است و هر قدر که میسور باشد خواندن دعا مناسب است و بسیار خوب است که در این روز دعای حضرت سید الشهداء (علیه السلام) و دعای حضرت زین العابدین (سلام الله علیه) را که در صحیفه کامله است خوانده شود و بعد از غروب آفتاب بگوید (1):

اللهم لا- تجعله آخر العهد من هذا الموقف و ارزقنيه مئ قابل أبدا ما أبقيتني و اقلبني اليوم مفلحا منجحا مستجابا لي مرحوما مغفورا لي بأفضل ما ينقلب به اليوم أحد من وفدك و حجاج بيتك الحرام و اجعلني اليوم من أكرم وفدك عليك و أعطني أفضل ما أعطيت أحدا منهم من الخير و البركة و الرحمه و الرضوانى و المغفرة و بارك لي فيما أرجع إليه من أهل أو مال أو قليل أو كثير و بارك لهم في».

و بسیار بگوید: «اللهم أعتقني من النار». خدایا مرا از آتش جهنم رها کن.

### پاره ای از نظرات آیه الله لطف الله صافی گلپایگانی

س: در سال های اخیر با بکارگیری طرح ترددی بین عرفات و شعر و منا از عرفات عجزه و بانوان را به سمت نابرده و بدون توقف در مشعر الحرام این حجاج را عبور داده و به منا و رمی جمرات می برند، آیا صرف عبور از مشعر الحرام و بدون وقوف حتی چند لحظه برای وقوف کفایت می کند و یا اینکه لازم است وقوف کمی و یا چند لحظه ای داشته باشند.

ج: وقوف به معنی مکث نیست بلکه مقصود، بودن در مشعر الحرام است. بنابراین اگر در حال عبور از مشعر قصد وقوف داشته باشند مجزی است.

س: در برنامه ریزی های جدیدی که برای انتقال معذورین با وسائل نقلیه از عرفات به منی صورت گرفته است، گاه توقفی در مزدلفه محقق نمی شود، تکلیف چیست؟ به تعبیری دیگر: آیا صرف حضور در مزدلفه (که زایرین «چه معذورین در شب، یا غیر معذورین در بین طلوعین»، در حال عبور آن را درک می کنند و نیت در حال عبور برای وقوف کفایت میکند یا خیر؟

ج: در فرض سؤال وقوف ولو سواره کفایت می کند.

ص: 539

مسأله- اگر در سال اولی که مستطیع شده به مکه رود و در وقت معینی که دستور داده اند به عرفات و مشعر الحرام نرسد چنانچه هنوز محرم به احرام حج نشده و در این تأخیر مسامحه ننموده و در سالهای بعد نیز مستطیع نباشد حج بر او واجب نیست ولی اگر مسامحه کرده یا از سالهای قبل مستطیع بوده و نرفته اگر چه به زحمت باشد باید حج را بجا آورد و چنانچه محرم به احرام حج شده ولی به عرفات و مشعر نرسیده واجب است - هر چند با قرض گرفتن یا اکتساب - در سال بعد حج بجا آورد؛ بلی چنانچه در تأخیر سال قبل معذور بوده و بدون اختیار او انجام حج سال بعد با مشقت شدید همراه باشد لازم نیست دوباره حج بجا آورد و در هر حال اگر سال بعد حج بجا نیامد حجی بر عهده او نیست هر چند در ترک حج معصیت کرده باشد(1).

### موقین از منظر آیه الله مظاهری

مسأله 1525- اگر در وقت درک مشعر الحرام نابالغ بالغ شد یا مجنون عاقل گردید حج او کفایت از حج واجب می کند.

مسأله 1528- اگر عاقل در حال احرام دیوانه شود یا کسی در حال احرام مریض شود و نتواند اعمال را به جا آورد و بردن آنها نیز به عرفات و مشعر ممکن نباشد، حج آنها تبدیل به عمره مفرده می شود و اگر ممکن است آنها را طواف و سعی می دهند و اگر ممکن نیست از طرف آنها نیابت میکنند و آنها را تقصیر می نمایند و با این عمل از احرام بیرون می آیند، ولی حج آنها کفایت از حج واجب نمی کند.

مسأله 1534- اگر کسی نذر کند که همه ساله روز عرفه مثلاً حضرت رضا علیه السلام را زیارت کند و بعد از این نذر مستطیع شود، نذر منحل و حج بر او واجب می شود و همچنین است اگر نذر کرده باشد که همه ساله مکه رود و بعد از این نذر مستطیع شود نذرش منحل و باید حج واجب به جا آورد.

مسأله 1549- حدودی که عامه برای عرفات و شعر و منا و مسلخ و مانند اینها تعیین کرده اند

ص: 540



کفایت می کند و لازم نیست شیعیان در این امور تحقیق کنند و نباید به شک یا گمان خود اعتنا نمایند بلکه اگر بر فرض نادر یقین به خلاف کنند همان حدود نیز کفایت می کند.

مسأله 1560- کسی که نایب بوده و عمره تمتع را انجام داده و بعد ناچار شده است که به وطن برگردد می تواند بقیه اعمال را به دیگری واگذار نماید ولی استحقاق اجرتی را که گرفته است ندارد گرچه منوب عنه بری المه می شود، و باید با کسی که او را اجیر کرده است تصالح کنند، ولی اگر بعد از وقوف به عرفات ناچار شده است که به وطن بازگردد می تواند در بقیه اعمال نایب بگیرد و علاوه بر اینکه منوب عنه بری الذمه می شود استحقاق کلیه اجرت را هم دارد....

### **اهمیت عرفات در محضر درس خارج فقه آیت الله مکارم شیرازی**

روایات بسیار درباره عرفات نشان می دهد در آن سرزمین عجیب، بسیار رحمت الهی شامل شده و گناهان ریخته و آمرزش شامل حال اشخاص می شود.

دعای عرفه یک دوره عرفان اسلامی، خداشناسی، پیامبر شناسی، ولایت، اخلاق، مراحل سیر و سلوک الی الله و یک دوره از مفاهیم مهم اسلامی است.

یکی از نشانه های حقانیت اهل بیت (علیه السلام) همین دعاهاست چرا که در میان گروه های دیگر این دعاها دیده نمی شود. دعای صباح، ابوحمزه ثمالی، صحیفه سجادیه، کمیل و... با اهمیت است.

امروز، روز پربرکت عرفه است و در برخی روایات از این روز به عنوان عید نام برده شده است هر چند این روز با شهادت مسلم بن عقیل آمیخته است. می بایست یک چشم گریان و یک آن خندان بود.

### **وجه تسمیه عرفات، در نظر آیه الله مکارم شیرازی**

یکی از معانی عرف، بوی خوش است. گفته می شود این سرزمین مقدس به دلیل عبادتی که در آن انجام می شود بوی خوش معنوی دارد و سرزمین خوشبوست لذا عرفات به دلیل خوشبو بودن معنوی و روحانی این نام را گرفته است.

دلیل دوم برای نامیده شدن عرفات، این است که مردم اعتراف به گناه کرده و گناهان در آنجا آمرزیده می شود. توبه در عرفات بسیار با اهمیت است.

یکی از معانی عرف، صبر و تحمل است و چون برای رفتن به آن سرزمین، صبر و تحمل فراوانی است لذا عرفات نام گرفته است.

### مستحبات وقوف به عرفات در کلام آیه الله مکارم شیرازی

مستحب است با تن و دلی آرام از عرفات به سوی مزدلفه حرکت کند و استغفار نماید، و همین که از طرف دست راست به تل سرخ رسید بگوید: «اللهم ارحم توفیقی و زد فی عملی و سلم لی دینی و تقبل مناسکی».

و در راه رفتن عجله ننماید و کسی را آزار ندهد و مستحب است نماز مغرب و عشا را تا مزدلفه به تأخیر اندازد، اگرچه ثلث شب نیز بگذرد. و میان هر دو نماز به یک اذان و دو اقامه جمع کند، و نوافل مغرب را بعد از نماز عشا به جا آورد، ولی با توجه به این که گاه رسیدن به مشعر در زمان ما به تأخیر می افتد بهتر است در شرایط فعلی نماز مغرب و عشاء را در عرفات بخواند و حرکت کند. و مستحب است که آن شب را هر مقدار که ممکن باشد به عبادت الهی به سر برد و این دعا را بخواند:

اللهم هذه جمع، اللهم انی استلک أن تجمع لی فیها جوامع الخیر الله لا تؤیسنی من الخیر الذی سئلتک أن تجمعہ لی فی قلبی و أطلب منک أن تعرفنی ما عرفت اولیائک فی منزلی هذا وأن تقنینی جوامع الشر».

و مستحب است بعد از نماز صبح با طهارت حمد و ثنای الهی را به جا آورد، و هر اندازه ممکن باشد از نعمتهای حضرت حق ذکر کند و بر محمد و آل محمد صلوات بفرستد آن گاه دعاء نماید، و بعضی آن را واجب می دانند و این دعا را نیز بخواند: اللهم رب المشعر الحرام فک رقبتی من النار وأوسع علی من رزقک الحلال و ادراً عنی شر فسقه الجن و الإنس اللهم أنت خیر مطلوب إلیه و خیر مدعو و خیر مسئول و لكل و اقد جائزه فاجعل جائزتی فی مؤظنی هذا أن تقیلنی عثرتی و تقبل معذرتی و آن تجاوز عن خطیبتی ثم اجعل التقوی من الدنیا زادی.

درباره روز عرفه می گویند(1):

گرچه همه حالات زندگی برای نیایش مناسب است ولی دوران پربار حج و حضور در مواقف آن، شکوه بیش تری برای دعا و تأثیر فراوانتری برای نیایش به درگاه پروردگار جهان دارد.

روز نهم ذی الحجه، روز عرفه، و روز دعا و نیایش است. عرفه روزی است که حق تعالی بندگان خویش را به عبادت و طاعت خود فرا خوانده است و سفره ی جود و احسان خود را برای ایشان به صورت خاص، گسترانیده و شیطان در این روز، خوارتر و حقیرتر از سایر اوقات است.

بی شک، عرفه فرصت ویژه ای برای عاشقان و دلدادگان حضرت حق است برای وصل دوباره به معبود بی همتای خود است.

حضرت آیت الله العظمی جوادی آملی در کتاب «صهباى حج» خود می فرماید: روز عرفه روز دعا و نیایش است و اگرچه روزه آن روز مستحب است، لیکن اگر روزه گرفتن آن روز موجب ضعف شود، آن گونه که انسان نتواند دعاهای این روز را بخواند، خواندن دعا بر روزه گرفتن مقدم است.

نقش نیایش در وصول به رحمت بیکران الهی، با بیان امام صادق (علیه السلام) که فرمود: «الدعاء كهف الإجابة كما أن السحاب كهف المطر» به خوبی روشن است. طبق این بیان نورانی همان طور که ابر، قرارگاه باران است، دعا نیز قرارگاه اجابت است. به بیان دیگر، اجابت در درون دعاست، همانطور که باران در نهاد ابر تعبیه شده است. بنابراین، چنانچه کسی با حسن ظن و خالصانه و عارفانه و به نحو عام دعا کند، خدا هم اجابت خواهد کرد. بخش مهمی از پیروزی انبیای بزرگ (علیه السلام) نیز به برکت دعا بوده است؛ زیرا تظاهرات و عملیات، بخش «جسمانی» پیروزی را تشکیل می دهد ولی دعا و نیایش «روح» ظفر است؛ چنانکه امام علی بن موسی الرضا(علیه السلام) همواره به اطرافیان خویش می فرمود: بر شما باد به سلاح پیامبران: «علیکم بسلاح الأنبياء». آنگاه در پاسخ اینکه سلاح آنان چه بود؟ می فرمود:

دعا تنها چیزی است که خدا آن را به انسان تملیک کرده است. انسان جز دعا و تضرع در پیشگاه خداوند مالک چیزی نیست: «یا سریع الرضا اغفر لمن لا یملک إلا الدعاء». از این رو در برابر دشمن درون، سلاحی جز ناله ندارد: «وسلاحه البكاء». دشمن بیرون را می توان با سلاح

ص: 543

سبک و سنگین از پا درآورد ولی شیطان و دشمن سرسخت درون را تنها با اشک در برابر خدا می توان رام کرد. بنابراین، کسی که اهل ناله نیست، مسلح نیست و اگر کسی مسلح نباشد پیروز نخواهد شد؛ زیرا انسان تا زمانی که خود را می بیند، خدا را نمی بیند و به درگاه او تضرع و اظهار عجز نمی کند، وقتی ننالد در نبرد با اهریمن درون و بیرون شکست می خورد.

گرچه همه حالات زندگی برای نیایش مناسب است ولی دوران پربار حج و حضور در مواقع آن، شکوه بیشتری برای دعا و تأثیر فراوانتری برای نیایش به درگاه پروردگار جهان دارد و چون دعا از ضمیر صاف، مورد قبول است و احرام و آهنگ کعبه آزاد و پاک، در تصفیه ضمیر تأثیر به سزایی دارد، نیایش در حج و دعا در مواقع آن بهترین اثرها را به همراه خواهد داشت. از این رو برای هر برنامه از مناسک حج، دستور ویژه ای در مورد نیایش داده شده است و عمده آن دعای عرفه در صحرای عرفات و همراه توده مردم گرد آمده از سراسر جهان و عشاق شعر و مشتاقان کوی مناست.

روایات فراوانی درباره اعمال روز عرفه و هنگام وقوف در عرفات، به ویژه کیفیت دعا در آن موقف نقل شده که بخشی از آنها در خصوص دعاهای آن روز، مانند دعای عرفه امام حسین و دعای امام سجاد (علیه السلام) است و بخشی نیز در اهتمام و ترغیب به دعا کردن به دیگران است، به گونه ای که برخی شاگردان اهل بیت عصمت و طهارت (علیه السلام) همه هم خود را در آن سرزمین که دعاها در آن مستجاب است، صرف دعا برای غیر می کردند.

علی بن ابراهیم در این باره از پدرش نقل کرده که گفت: عبدالله بن جنذب را در عرفات دیدم که زمانی طولانی دست به سوی آسمان بلند کرده، سیلاب اشک از گونه هایش بر زمین سرازیر بود، به گونه ای که من شخص دیگری را اینچنین در حال مناجات ندیدم. هنگامی که مردم از عرفات عازم مشعر بودند به او گفتم: کسی را بهتر از تو در حال نیایش ندیدم. عبدالله گفت: به خدا سوگند در آن حال فقط برادرانم را دعا می کردم؛ زیرا از امام کاظم (علیه السلام) شنیدم که فرمود: کسی که به دور از چشم برادر (ایمانی اش در حق وی دعا کند از جانب عرش ندا داده می شود که صد هزار برابر آنچه برای او خواستی نصیب تو خواهد شد: «من دعا لأخيه بظهر الغيب نودي من العرش: ولک مأه ألف ضعف مثله». پس شایسته نبود که من صد هزار برابر دعای مستجاب را به خاطر یک دعا که برآورده شدنش معلوم نیست واگذارم. مشابه این نقل، درباره دیگر صحابه نیز روایت شده است.





«مشعر» از ماده «شعور» به معنای شناخت و نیز محل شعور و معرفت، اما معرفتی دقیق و باریک همچون مو است (شعر در کلام عرب به معنای مو می‌باشد). شعر را از «شعر» به معنای علامت نیز گرفته‌اند، یعنی علامت و نشانه خدا و تجمع در آنجا تعظیم شعائر الهی است. تجمعی است برای شعائر حج و نشانه‌ای است از این مراسم پرشکوه و روحانی.

نام دیگر «شعر»، «جمع» است زیرا مردم در آنجا تجمع می‌کنند و یا بدان جهت که بین نماز مغرب و عشاء را جمع می‌نمایند. (1)

### علت وقوف در مشعر و وجه نامگذاری آن به مزدلفه - جمع و ابطح

ابوعبدالله (علیه السلام) در حدیث ابراهیم (علیه السلام) فرموده است که: جبرئیل تا غروب خورشید به انتهای موقف رسید سپس از موقف کوچ کرد و گفت: یا ابراهیم از دلف الی المشعر الحرام فسمیت مزدلفه. ای ابراهیم به مشعر الحرام نزدیک شو که در این صورت مزدلفه نامیده شده است. و ابطح نامیده شده است زیرا حضرت آدم به فرمان جبرئیل امر شده است که در سرزمین بطحا (ناحیه بین مکه و منا بر سر راه مدینه) شیطان را با سنگ براند. تا سپیده صبح در این سرزمین باشد سپس امر شد که از کوه جمع (مشعر) بالا رود و زمانی که خورشید طلوع کند به گناهِش اعتراف نماید؛ که البته این کار را انجام داد پس خداوند آتشی را از آسمان فرود فرستاد و نزدیک آدم منقبض و جمع شد. و نیز به مزدلفه، جمع می‌گویند، زیرا در مزدلفه فرد حاجی بین نماز مغرب و عشاء با یک اذان و دو اقامه جمع کرد. (2)

### زمان کوچ از عرفات، به سوی مشعر

در روایتی، «یونس بن یعقوب» از ابی عبدالله (علیه السلام) می‌پرسد: چه موقع از عرفات به مشعر کوچ

ص: 547

1-1- درویش، عبد الله، از میقات تا عرفات، ص 110.

2-2- کرمانی، حاج محمد کریمخان، فصل الخطاب، (علم الشریعه، العبادات)، ج 4، ش 2994، ص 358.

کنیم؟ حضرت فرمودند: «إذ ذهب الحمرة من ها هنا» زمانی که سرخی از این جا برود و با دست مبارکشان به سوی مشرق و به محل طلوع خورشید اشاره کردند.

در حدیث صحیحی از «معاویه بن عمار»، که ابو عبد الله (علیه السلام) فرمود: همانا مشرکین قبل از آن که خورشید غروب کند کوچ می کردند، پس پیامبر (صلی الله علیه و آله) بعد از غروب خورشید از عرفات کوچ کردند(1).

## زمانی وقوف در مشگر (بیان اقوال)

«ابن ادريس» از کتاب «الانتصار» سید مرتضی نقل کرده است:

زمان وقوف در مشعر، تمام روز عید قربان است، پس کسی که مشعر را، قبل از غروب خورشید روز عید قربان، درک کند؛ پس به تحقیق؛ مشعر را درک کرده است(2).

در حالی که این نقل قول، سخن صحیحی نیست؛ چگونه است که سید مرتضی با تمام علمای ما مخالفت ورزیده است؟! و حال آن که؛ علما تنصیص و تصریح نموده اند که، وقتی اضطراری در مشعر، تا زوال خورشید روز عید قربان است(3).

البته این نقلی که «ابن ادريس» نموده؛ و توهمی که حاصل شده، به اعتبار این است که سید مرتضی با مخالفین (اهل سنت) خود، پیرامون «وقوف در مشعر مانند وقوف در عرفه رکن است» نزاع نموده است.

سپس همانا سید مرتضی - که خدا او را رحمت کند - مسأله دیگری را بعد از این مسأله مورد تأکید قرار داده است و آن: کسی که وقوف عرفه از او فوت شود تا آن که مشعر را در روز عید قربان؛ درک کند، پس به تحقیق حج را درک کرده است. که این قول با نظر تمام مخالفین (اهل سنت) مخالف است. و حال آن که تفصیلی بین قبل از طلوع خورشید و بعد از طلوع خورشید و یا بعد از زوال نشده است.

سپس سید مرتضی، نظر مطلوب خود را به اجماع گروهی استدلال نموده است. که البته احدی از علمای شیعه، آن را ذکر نکرده اند(4).

ص: 548

1-1- حلی، مختلف الشیعه، ج4، مسأله 213، ص 259.

2-2- همان، مسأله 217، ص 263.

3-3- حلی، مختلف الشیعه، ج4، مسأله 217، ص 263.

4-4- همان، مسأله 217، ص 264.



شیخ طوسی گوید: وقتی حاجی با مردم قبل از طلوع خورشید به مشعر الحرام آید، در این صورت حج را درک کرده است و عمره ای به گردش نمی باشد، و اگر مشعر را بعد از طلوع خورشید درک کند؛ به منزله عمره مفرده است و حجی برای او نیست؛ اگر خواست به مکه برود و اگر خواست به سوی خانواده اش برگردد و حج را سال آینده بجای آورد(1).

### مشعر، کلاس شبانه خدا

مشعر، در موقع بازگشت از عرفات بطرف خانه، منزلگاه شب حاجیان است و در حدود شش کیلومتری عرفات واقع شده و خود آن سرزمین حدود پنج کیلومتر مربع است و جایی است که در آنجا، حاجیان باید خدمتگزاری و شکل خدمت حق و عدالت را بروز دهند. وظیفه این است که بین الطلوعین را در «مشعر الحرام» باشد و هنگام طلوع آفتاب، از «وادی محر» بیرون نرفته باشد و آن آفتاب اولی است که به حاجیان بعد از عرفان، طلوع نموده و آن ها را به لباس عمل و خدمت که شعار رسمی و مرام آن ها است ملبس می نماید.

بعد از عرفان صحیح، ابراز لیاقتی که شایسته و لایق خدمت و جدیت و عمل است باید در برابر آفتاب اول، نشان داد و آن آفتابی است که انسان مرام دار را با مرامش به عالم معرفی نموده و عالم را هم به او معرفی می نماید و چون شناسایی متبادل در روشنایی صورت می گیرد، باید آفتاب بعد از عرفات، در ایستگاه «مشعر» به حاجی بتابد تا رمزی از این باشد که پس از شناختن عرفات، اول بروز و آغاز معرفی به شعار الهی است که به منزله نشان با نشانان و سپاهیان هر دولتی است؛ واضح است که انسان بعد از شناسایی و عرفان پا به مرحله عمل می گذارد و باید که پا بگذارد. نه تنها «مشعر»، بلکه جمیع اعمال بعد از عرفات، به طور کامل از طرز اعمال عمر است و باید بعد از عرفان صحیح از عرفات، هر یک از وظایف را مادام العمر پیشه خود نمایند.

حج گزار هنگام وقوف در «مزدلفه» با جمع کردن سنگریزه ها نیرو می گیرد و خود را مسلح میکند تا با شیطان به نبرد برخاسته و با هر عصیانی بستیزد و در پیشگاه هر طاعتی سربساید.

حج گزاران پس از بیتوته و وقوف در «مشعر الحرام»، بعد از طلوع آفتاب به سرزمین «منا» وارد می شوند. مستحب است زائر هنگام حرکت به سوی «منا» در راه رفتن میانه روی کند و به سمت چپ و راست متمایل نباشد و فاصله ی شعر و منا را در محدوده خاص طی کند. و

ص: 549

باید حج گزار بیاموزد در صراط مستقیم حرکت کند؛ نه به شرق متمایل باشد و نه به غرب؛ زیرا چپ و راست انحراف است و راه وسط، صراط مستقیم و خوب است. «الیمین والشمال مضله والطریق الوسطی هی الجاده» (1).

طلوع آفتاب، پایان اعمال «مشعر الحرام» است؛ به مناسبت اینکه این تجدید قلب و زندگانی جدیدی که حیات خدمت به خدا باشد باید در روشنایی اول به رسمیتی که عبارت از نماز است به دنیا معرفی شود؛ چون شعار هر سپاهی معرف رسمیت او است و بایستی که بعد از در آمدن به لباس، خود را سان داده و عضویت خود را به رسمیت ارائه دهند. رسمیت این موقف در برابر شخص معین و نژاد و طرز معین نیست؛ بلکه باید در مقابل عموم کسانی که آفتاب بر آن ها می تابد، بوده باشد و میدان سان الهی در واقع، به موقع طلوع آفتاب است که هر کس در آن موقع حیات خود را بروز داده و طرز عمل و نیت خود را نشان می دهد و به دنبال کار خود می رود و اهل موقف مشعر باید در این سانی عمومی علنی و آشکار، خود را در حریم خدا معرفی نموده، نیت خدمت و تصمیم و تسلیم خود را مانند نشان های رسمی سپاهیان، با کمال ایستادگی و رشادت که خاصیت هنگام طلوع آفتاب است بروز دهد و مدرسه اسلام مانند مدرسه فراماسونری، کاری سری و نهانی نیست. بلکه زن هم وظیفه دار است که صورت خود را باز کند.

حتی تزئینات و پوشیدنی ها که جمال خلقت را می پوشاند؛ یعنی آنچه‌چنانکه هست و آنطور که خدا آنان را آفریده، خود را جلوه دهد. (2)

فرض کنیم که روی صندلی آرایشگاه نشسته ایم و به کار آرایشگر اطمینان نداریم، لذا دائما به او در مورد چگونگی اصلاح موی سر دستور می دهیم. حال اگر به کار آرایشگر اطمینان داشته باشیم، فقط می نشینیم و او کار خود را انجام می دهد. در صورت اطمینان، فقط نشستن روی صندلی شرط است، لازم نیست چیزی بگوییم و او کار خود را می کند، اگر هم خواستیم حرفی بزنیم، فقط با او صحبت می کنیم، تعریفش می کنیم، از او چیزی نمی خواهیم و او کار خود را انجام می دهد. (3)

در این برنامه، خدا چیزی را که می خواهد، فقط وقوف است. بیا و از ابتدای ظهر تا غروب

ص: 550

1-1- آیه الله جوادی آملی، جرعه ای از صهبای حج، ص 216.

2-2- سحاب، فلسفه و اسرار حج، ص 127.

3-3- افتخارزاده، سید حسن، چهارده گفتار پیرامون حج، ص 8-147.

آفتاب روز نهم در صحرای عرفات وقوف کن. می توانی هیچ کاری انجام ندهی، ولی خدا کار خود را انجام می دهد.

همچنین صبح روز دهم از اذان صبح تا طلوع آفتاب در «مشعر الحرام» بمان؛ آن وقت خدا می آمرزد. اگر خواستی، می توانی از ابتدای ظهر تا غروب روز نهم در عرفات بخوابی؛ فقط قصد قربت داشته باش، آنگاه خدا می آمرزد. اگر هم خواستی حرف بزنی، خدا را حمد و ستایش کن: « الحمد لله الذی لیس لقضائه دافع، ولا لعطائه مانع، ولا کصنعه صنع صانع... »:

ستایش خدایی را که برای فرمان او دفع کننده ای نیست و برای عطایش بازدارنده ای نیست و مانند ساخت او سازنده ای نیست...» (1).

این جملات گهربار و زیبای امام حسین (علیه السلام) در ستایش خداوند بزرگ در صحرای عرفات است، سرتاسر این دعا در ستایش و تمجید خداوند سبحان است که می فرماید:

یا مولای، انت الذی مننت، انت الذی أنعمت، انت الذی أحسنت، انت الذی أجملت، انت الذی أفضلت، انت الذی أكملت، انت الذی رزقت...

«ای مولای من تو کسی هستی که منت گذاشتی، تو کسی هستی که نعمت دادی، تو کسی هستی که خوبی بخشیدی، تو کسی هستی که زیبایی دادی، تو کسی هستی که برتری بخشیدی، تو کسی هستی که کمال دادی، تو کسی هستی که روزی بخشیدی...».

قرآن مجید «شعر» را جایگاه ذکر و یا حضرت حق میداند و به ذکر و یاد حق امر فرموده است.

آری باید به خالق مهربان، بخصوص در آن شب، توجه کرد و متذکر به ذکر قلبی و لسانی شد.

آن وجود مقدسی که انسان را به انواع نعمت های ظاهری و باطنی آراست و به او لیاقت انجام مناسک حج را عنایت فرمود.

آن وجود مبارکی که توفیق تصفیه مال و تزکیه اخلاق و پاکی عمل به انسان مرحمت فرمود و زمینه آمدن به حج را پس از تحقق آن برای زائر فراهم آورد. (2)

آن مهربانی که چراغ هدایت در قلب بر افروخت، و پیوند دل را با توحید و رسالت و عدل و امامت و قیامت کبری محکم نمود.

ص: 551

---

1-1- افتخارزاده، سید حسن، چهارده گفتار پیرامون حج، ص 148.

2-2- انصاریان، حسین، چهل حدیث حج، ص 107.

آن منبع لطف و رحمت که عرصه آشنایی با قرآن و اهل بیت را برای زایر تحقق داد و بدین وسیله تمام درهای رحمت را به روی آدمی گشود.

زایر باید به وقت وقوف به «شعر» دل از مظاهر بردارد و گوشه ای خلوت برای خود بگزیند و در آن فرصت کوتاه از ذکر و عبادت و راز و نیاز غافل نماند، مبدا که با طلوع آفتاب جز حسرت و ندامت برای او بماند.

زایر با قرار گرفتن در «مشعر» و توجه به حضرت محبوب؛ و یاد و ذکر خدا، مستوجب اجر بزرگ

می شود که روایت زیر به آن اشاره کرده (1):

عن سلیمان بن مهران قال: «قلت للصادق - علیه السلام - : کیف صار وطی المشعر علیه واجبا؟ قال: لیستوجب بذلک بحبوحه الجنه».

. سلیمان بن مهران گوید: « به حضرت صادق - علیه السلام - گفتم: چه شده که فرود آمدن به مشعر بر مکلف واجب گشت؟ فرمود: به آن سبب که مستوجب قرار گرفتن در وسط بهشت شود».

### مفهوم رکن در شریعت و دین

رکن در لغت، جانب قوی تر از هر چیز است. و در اصطلاح، به اجزای مهم عبادت، یا غیر آن اطلاق می شود، که ترک عمدی، یا سهوی آن نیز موجب بطلان عبادت است.

ارکانی که در حج از آن ها نام برده شده است، هرگاه عمد ترک شوند، به حج، اخلال وارد می شود (2).

### رکن بودن وقوف در مشعر

نظر علامه حلی: وقوف در مشعر، رکن است و کسی که عمدا آن را ترک کند؛ حجتش باطل است (3).

ص: 552

---

1-1- انصاریان، حسین، چهل حدیث حج، ص 108.

2-2- فیض، علیرضا، مبادی فقه و اصول، ش 290، ص 299.

3-3- حلی، مختلف الشیعه، ج 4، ص 252.

ابن جنید گوید: و مستحب است حاجی آن شب را نخواست و با خواندن نماز و دعا و وقوف در شعر، شب زنده داری کند، و کسی که از روی جهل و نادانی در شعر وقوف ننماید، و به این صورت برگردد تا زوال خورشید از روز عید قربان را تا این که وقوف نماید؛ و در صورت ترک عمدی مشعر، یک شتر (بدنه) کفاره دهد (1).

و این کلام، احتمال سه امر را می دهد:

1- کسی که وقوف در مشعر را ترک کند (شعری که، محدوده اش ما بین مازمین تا حیاض و تا وادی محشر است) بر او یک شتر (بدنه) کفاره است.

2- کسی که در خود مشعر (تفسیر مشعر) که همان کوه است، وقوف ننماید - در نزد اصحاب ما (شیعه)، وقوف بر روی کوه مستحب است - بر او یک شتر (بدنه) کفاره واجب است (2).

در دو احتمال فوق، اختلاف است؛ بنابر آن چه که علمای ما ذکر کرده اند، زیرا احدی از علمای شیعه قائل نشده اند که: حج کسی که وقوف در مشعر را از روی عمد و اختیار ترک کند؛ صحیح است. و نیز احدی از علما قائل نشدند به وجوب وقوف بر خود مشعر (کوه)، هر چند که استحباب وقوف در کوه مشعر، مورد تأکید واقع شده است. و مصنف حمل کرده کلامش را بر اولویت احتمال دوم، به جهت دلالت سیاق کلامش بر این احتمال.

3- گاهی فردی وارد مشر شده؛ سپس از روی عمد و از باب سبک شمردنی این عمل عبادی، قبل از آن که با مردم وقوف کند، از مشعر کوچ کند بنا بر روایتی از امام صادق (علیه السلام) باید یک شتر کفاره دهد؛ که این روایت را «علی بن رئاب» از ایشان نقل کرده اند که: «من أفاض من عرفات مع الناس فلم يلبث معهم بجمع و مضى الى منى متعمدا أو مستخفا فعليه بدنه». کسی که با مردم از عرفات به سوی مشعر کوچ کند؛ سپس با آن ها در شعر توقف ننماید و بگذرد به سوی بینا رود؛ چه به جهت عمد یا سبک شمردن وقوف باشد، باید یک شتر کفاره دهد (3).

دلیل ما این است که:

ص: 553

---

1-1- حلی، مختلف الشیعه، ج 4، مسأله 216، ص 263.

2-2- همان.

3-3- همو.

1- مأمورٌ به را به وجهی که برایش واجب است، بجا نیاورده است؛ پس تکلیف به عهده اش باقی مانده است.

2- اگر انجام ندادن عرفه، باعث بطلان حجش می شود، پس فوت شدن مشعر هم موجب بطلان است؛ و زمانی که مقدم (عرفه) حق باشد، پس تالی هم (شعر)، مثل آن است.

بیان شرطیت کلام فوق:

وقوف در مشعر، مورد تأکید بیش تری نسبت به وقوف عرفه شده است؛ پس ترک وقوف مشعر به طریق اولی موجب بطلان می شود(1).

به دو دلیل مشعر مورد تأکید بیش تری واقع شده است:

1- درن و کلام صریح قرآن چنین آمده است:

«فَإِذَا أَقْبَضْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ فَأَذْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ (2)»

ترجمه:

و هنگامی که از «عرفات» کوچ کردید، خدا را نزد «مشعر الحرام» یاد کنید. با توجه به آیه (فاذکروا الله) ذکر خدا، مستلزم بود در عرفه است. و وجوب وقوف در عرفه از باب سنت است.

2- در روایتی «ابن فضال» از برخی اصحاب ما از ابی عبد الله (علیه السلام) :

الوقوف بالمشعر فریضه، و الوقوف بعرفه سته» وقوف در شعر فریضه است و وقوف در عرفه ، سنت است (3).

**دو اعتراض نسبت به کلمه ذکر در آیه «فَإِذَا أَقْبَضْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ فَأَذْكُرُوا اللَّهَ يَرُدُّ الشَّعْرَ الْحَرَامَ»**

\* اعتراض اول:

بودن (گون) و وجود داشتن در آن مکان (مشعر)، از نظر وجوب یا استحباب، تابع ذکر است. اگر ذکر واجب است؛ پس حضور در مشعر هم واجب است و اگر ذکر مستحب است؛ پس حضور هم در مشعر مستحب است.

\* پاسخ بر اعتراض اول:

ما این تبعیت مشعر را از ذکر، قبول نداریم. زیرا حضور در مشعر، عبادتی؛ جدای از ذکر

ص: 554

1-1- حلی، مختلف الشیعه، ج 4، مسأله 205، ص 252.

2-2- بقره: 198.



است. و ذکر هم عبادتی دیگر است. همچنان که حضور در عرفات، تابع ذکر در عرفات نیست. بنابر این هر چند که ذکر واجب نباشد، ولی در هر حال تشکر از نعمت های الهی واجب است. و حال آن که خداوند ما را فرمان داده است که از او در کنار مشعر تشکر کنیم (وجوب حضور در مشعر).

\* اعتراض دوم:

اعتراض دیگری شده این که: تقیید ذکر در آیه، مستلزم تقیید شکر نمی باشد. پس همانا بدلیل آن که معطوف علیه به چیزی مقید شده، ضرورتی ندارد و وجوبی نیست که معطوف هم بر آن چیز مقید شود(1).

\* پاسخ بر اعتراض دوم:

سید مرتضی در «الانتصار» پاسخ داده است که: عطف، مقتضی تساوی در حکم محل است. مانند وقتی می گوئیم: اضرب زیده فی الدار و وقتی آن را مقید سازد، در واقع خانه محلی برای انجام دو کار با یکدیگر است(2). (مثلا ادب زیدا فی الدار).

واعلم... (حلی): و بدان که اصل اعتراض، دارای اشکال است به طوری که نه جواب سید بر وجوب ذکر، جواب خوبی است و نه اعتراض بر جواب دوم و نه مسأله تبعیت؛ پاسخ خوبی است.

سخن نزدیک تر به صحت: جواب آخری است که می فرماید: زمانی که شکر در مشعر واجب باشد، بودن (کون) هم واجب است.

و این اعتراض که تقیید معطوف علیه، اقتضای تقیید معطوف را نمی کند؛ اعتراض خوبی است؛ ولی جواب به این اعتراض (جواب به منع)، پاسخ خوبی نمی باشد.

آری، بهتر است که بگوئید: تقیید در این جا، امر ثابتی است؛ زیرا کلام اول تمام نمی شود، به جهت سخن خداوند متعال: «ثم أفيضوا» پس وجود تقیید ضرورت دارد، و گرنه که لازم می آید وجوب شکر را که یک کلام مستقلی در بین اجزای کلام باشد و حال آن که، این نوع استعمالی در عرف بکار نمی رود. و دور از صواب است که گفته شود: ذکر واجب است البته نه به معنایی که متعارف است، بلکه به معنای نیتی که مشتمل بر قصیر وقوع فعل، به نیت قربه الی الله باشد(3).

ص: 555

---

1-1- حلی، مختلف الشیعه، ج 4، مسأله 205، ص 253

2-2- همان.

3-3- همو، مسأله 206، ص 254.



از جمله امور مستحب، عبارتند از:

- 1- با وضو بودن، بعد از آن که نماز صبح را خواند.
- 2- بعد از نماز صبح، نیت وقوف کند. آن چنان که در المقنع - الهدایه - الکافی - المراسم و جمل العلم والعمل آمده است. و دلیل آن؛ در صحیح ابن عمار و الحلبي ذکر شده است. در دلالت این صحیح، نظر است. زیرا عبارت «إصبح، بعد ما تصلى الفجر» یعنی نماز صبح را بخوان بعد از آن که نماز فجر را خواندی. حال؛ مراد از نماز فجر، همان نافله صبح است که قبل از نماز صبح خوانده می شود. که البته تصریح اصحاب فقها، دال بر استحباب دارد.
- 3- خواندن دعابه ویژه دعاهای وارده از طرف ائمه معصومین. سید مرتضی و حلبی و قاضی، قائل بر وجوب آن هستند. و ظهور اوامر در روایات، دال بر استحباب دارد البته در حدی که فرد توان جسمی از نظر ذکر و دعا دارد (1).
- 4- با آرامش و وقار، به سوی «مشعر» حرکت کند.
- 5- با استغفار به درگاه الهی، خواهان رهایی از آتش دوزخ باشد.
- 6- هنگامی که از سمت راست جاده به «کثیب الاحمر» رسید در حال دعا باشد (2).
- 7- در حدیث صحیحی از کتاب «وسایل الشیعه» چنین آمده است:  
وإن ذهب ثلث الليل یعنی تا وقتی به مزدلفه رسید می تواند نماز مغرب و عشا را به تأخیر بیندازد، هر چند که یک سوم شب گذشته باشد. و حال آن که قول شیخ حر عاملی به وجوب این عمل، شاذ و نادر است و به توسط دو روایت صحیح رد می شود.
- 8- در «الصحاح» چنین آمده است:
- بین دو نماز مغرب و عشا با یک اذان و دو اقامه جمع کند؛ بدون آن که بینشان نماز نافله بخواند. پس نافله نماز مغرب را می تواند تا بعد از نماز عشا به تأخیر بیندازد؛ که این قول به اجماع فقها است (3).
- 9- از مشعر قدری قبل از طلوع خورشید کوچ کنند (البته غیر از امام مطابق موثقه اسحاق و روایت معاویه بن حکیم. ولی امام بعد از طلوع خورشید کوچ کند به دلیل روایت جمیل.

ص: 556

1-1 نراقی، مستند الشیعه فی أحكام الشریعه، ص 251.

2-2 مفاتیح الشرایع، ج 1، ح 388، ص 346.

3-3 همان، ص 347.

10- فردی که بار اول به مشعر قدم می گذارد، پیاده آید(1).

### حکم نماز مغرب و عشاء در مزدلفه

قول مشهور فقها: جمع بین نماز مغرب و عشا با یک اذان و دو اقامه، امری مستحب است که البته این قول شیخ طوسی، در «نهایه» و «خلاف» است و آن را به منزله یک نماز دانسته است(2).

البته مفهوم جمع بین دو نماز، در نظر ما شیعیان، به مثابه آن است که؛ روز جمعه و عرفه در یک روز واقع شود.

حلبی از امام صادق (علیه السلام)، روایتی را نقل کرده است که حضرت فرمودند: «لا تصل المغرب حتی تأتی جمعه، فصل بها المغرب والعشاء الآخره بأذان واحد وإقامتین». یعنی؛ نماز مغرب را بخوان مگر آن که در مشعر (جمع) آن را بجای آوری پس نماز مغرب و عشا را با یک اذان و دو اقامه بخوان.

در حدیث موثقی از «زرعه» از «سماعه»: از نحوه جمع بین دو نماز مغرب و عشا پرسیدیم؛ که حضرت فرمودند: این دو نماز را نخوانید مگر منتهی به جمع شود، هر چند که از شب گذشته باشد همانطور که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بایک اذان و دو اقامه آن ها را جمع کرد آنچنان که در عرفات، نماز ظهر و عصر را با هم خواندند.

در حدیث صحیحی از «منصور بن حازم» از ابی عبدالله (علیه السلام) که فرمود: نه تنها بین نماز مغرب و عشاء با یک اذان و دو اقامه جمع کنید؛ بلکه حتی نمازی و چیزی را بینشان فاصله نیندازید. که اینچنین رسول خدا (صلی الله علیه و آله) هم عمل می کردند.

\* دلیل شیخ طوسی:

1- اجماع گروهی از فقها است.

2- حدیث جابر است؛ که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در مزدلفه بین نماز مغرب و عشا را با یک اذان و دو اقامه جمع کرد و حتی ذکر و تسبیحی بین دو نماز نیاورد.

ص: 557

1-1- نراقی، مستند الشیعه فی احکام الشریعه، ص 251.

2-2- حلبی، مختلف الشیعه، ج 4، مسأله 207، صص 254 و 255.

\* جواب بر احتجاج شیخ طوسی:

این دو دلیل فوق (اجماع و حدیث جابر)، تنها شامل سخن کسی است که آنان را تکرار می کرده است، اما شامل کسی که اقامه را تکرار می نموده؛ نمی شود (1).

## آداب وقوف در مشعر الحرام

از جمله آداب واجب یا مستحب وقوف در مشعر الحرام به این شرح است:

هم در روز وقوف داشته باش و هم در شب؛ هم شب به یاد خدا باش و هم روز؛ آن هم در بیابان. تو انسان بیابانی، چه شب و چه روزت برای خدا فرقی نمی کند. خداوند هم شب و هم روز می بخشد.

در آن شب و صبح اعمال واجبی نداریم و فقط باید وقوف کرد. این وقوف (مشعر الحرام) برای خانم ها واجب نیست، البته تا صبح ماندن واجب نیست. خیلی از کاروان ها، خانم ها را در ماشین سوار می کنند و در «شعر» به مدت مثلاً ده دقیقه تا یک ربع وقوف می کنند؛ نیت را انجام می دهند و سپس آن ها را سوار کرده به سوی «منا» حرکت می دهند. لازم نیست خانم ها در شعر تا طلوع آفتاب بمانند. (2)

از جمله کارهای مستحبی که باید حجاج در هنگام وقوف در مشعر الحرام انجام دهند، جمع کردن مقداری ریگ برای جمرات است. آن نقطه پر است از ریگ، باید دقت کرد که ریگ ها از بند انگشت بزرگ تر نباشند و از یک نخود هم نباید کوچک تر باشند.

قبل از طلوع آفتاب نباید از شعر خارج شد. نوع ماشین ها، حجاج را پیاده می کنند و می روند. اگر قبل از اذان صبح یا مثلاً نیمه شب در «مزدلفه» بودیم، لازم نیست آنجا بایستیم و می توانیم برویم؛ ولی از موقع اذان صبح باید وارد «مشعر» شده و آنجا بنشینیم و تا طلوع آفتاب هم از آنجا خارج نشویم.

البته واجب نیست بلافاصله بعد از طلوع آفتاب از مشعر خارج شد بلکه می توان حتی تا چند ساعت بعد از طلوع آفتاب هم در مشعر ماند، ولی اعمال «بینا» در روز دهم در وقتش باید انجام شود (3).

ص: 558

1-1- حلی، مختلف الشیعه، ج4، مسأله 207، ص255.

2-2- افتخارزاده، سید حسن، چهارده گفتار پیرامون حج، گفتار دهم، ص149.

3-3- همان.

در حدیث موثق، «مسمع» از ابی عبد الله (علیه السلام) آورده است: در مورد مردی که با مردم در مزدلفه وقوف کرد سپس قبل از این که مردم کوچ کنند، کوچ کرد، حضرت فرمود: اگر نسبت به حکم شرعی جاهل بوده، چیزی (کفاره) بر عهده اش نمی باشد، و اگر قبل از طلوع فجر کوچ کند، باید گوسفندی را خون دهد.

\* دلیل آن این است که:

باطل شدن حج، زحمت بزرگ و ضرر زیادی را به همراه دارد و حضرت فرمودند: «لا ضرر ولا ضرار» و نیز سخن خدا را فرمودند که: «وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ (1)» در دین؛ حکم حرجی بر شما (مسلمانان) جعل نشده است.

و زیرا برای فرد ترسان و مریض و زنی که می ترسد حیض شود و سایرین از مضطربین، جایز است که قبل از فجر (سپیده صبح) بشتابند تا بینا را درک کنند و در هنگام روز به طواف کنندگان خانه خدا ملحق شوند و سعی را بجای آورند (2).

### آداب در راه رسیدن به مشعر

1- در حرکت میانه رو باشد، بنا بر کلام پیامبر (صلی الله علیه و آله): بر شما باد به نرمی و ملایمت.

2- گذشتن از راه مازمین (3)، و آمدن به مرکز صحرا از سمت راست راه که نزدیک بر «مشعر» است.

3- تأخیر در نماز مغرب و عشا تا رسیدن به مشعر. 4- به اجماع فقها اذان و اقامه با هم جمع می شود (4).

5- کسی که بدون هیچ دلیلی و از عمد، شب عید قربان را در «مزدلفه» بیتوته نکند، یک شتر بدنه «باید کفاره بدهد و اما اگر از روی جهالت باشد، هیچ کفاره ای بر گردشش نمی باشد.

و در حدیثی از «جعفر بن محمد» که فرمود:

ص: 559

1-1- حج: 78.

2-2- حلی، مختلف الشیعه، ج 4، مسأله 211، ص 258.

3-3- حجاج در راه بازگشت از عرفات به سوی مکه، از وادی مازمین میگذرند که میان دو کوه است. «مازم» به معنای راه تنگ و به عبارت دیگر، تنگه است، این کلمه اشاره به دور راه رفت و برگشت تنگ این ناحیه دارد و حجاج با عبور از این وادی به مزدلفه یا سرزمین مشعر الحرام می رسند. و یکی شیعه. عن الجوهری: «المازم بالهمزة الساکنه ثم کسر الراء المعجمه» کل طریق ضیق بین جبلین و منه سمی الموضع الذی بین جمع و عرفه مازمین

4-4- عمانی، حسن بن علی بن ابی عقیل حذاء، حیاة ابن ابی عقیل و فقهه، ص 262.

کسی که از روی جهالت در «مزدلفه» وقوف نکند و از «عرفه» به سوی «منا» برود؛ پس باید برگردد و در «مزدلفه» وقوف کند و دعا بخواند. (1)

6- پیامبر (صلی الله علیه و آله) اجازه فرمودند که زنان و افراد ضعیف در هنگام شب از «مزدلفه» به «منا» بروند.

7- اگر فردی بداند که نمی تواند در هنگام روز، «مشعر» را درک کند و فقط شب را در مشعر می تواند حضور یابد، قول اقرب و نزدیک تر به صحت، در صورتی که قائل به وقوف اختیاری در شب باشیم، همان است که شب را در مشعر باشد. و اگر قایل به وقوف اضطراری باشیم، مانند مسأله قبل عمل شود (2).

### مشعر، جایگاه شعور انسان و معجزه الهی

در روایت چنین آمده است: حشرات و جانوران مشعر الحرام از همه بیابان ها بیشتر است، اما از شب نهم منادی الهی فریاد می زند: ای گروه حشرات و جانوران! میهمانان و زائران الهی در راهند، از آنها دور شوید. با شنیدن این ندا همه جانوران و حشرات در زوایای کوه ها پنهان می شوند و زمانی که حجاج از آن جا کوچ میکنند دوباره به جای خود باز می گردند (3).

### مسائل پیرامون کوچ از مشعر

جواز کوچ از مشعر قبل از طلوع خورشید، یکی از مسایل مهم و مورد توجه است. ابن ابی عقیل» چنین گوید:

«زمانی که سپیده دم در شرق نمایان شود و شتر، جای سم اش را ببیند، حاجی با آرامش و متانت، به همراه دعا و استغفار از آن مکان کوچ نماید».

از «شیخ طوسی» و «شیخ صدوق» چنین روایت شده است: کوچ کردن از «شعر»، قبل از طلوع خورشید دارای اولویت است.

و «ابن جنید» و «ابن حمزه» و سپس از «علی بن ابن بابویه» نقل شده است که فرمود:

ص: 560

1-1- التیمی المغربي، ابی حنیفه النعمان...، دعائم الاسلام، ج 1، ص 322.

2-2- الشیخ محمد بن مکی العاملی، الدروس الشرعیة فی فقه الأمامیه، ص 421.

3-3- تیمیمی مغربی، ابو حنیفه، نعمان بن محمد بن منصور، دعائم الإسلام، ج 1، ص 319.

بر حذر باش که از مشعر قبل از طلوع خورشید کوچ کنی و نیز نباید، قبل از غروب خورشید از عرفات کوچ نمایی. پس لازم می آید تورا که اگر تخلف ورزیدی یک گوسفند خون کنی (کفاره).

از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است که فرمودند:

برای مرد جایز نیست که قبل از طلوع خورشید کوچ کند و نه از عرفات، قبل از غروبش، که در این صورت لازم می آید گوسفندی خون دهد (کفاره). و نیز حضرت فرمودند: این کلام اشعار به وجوب درنگ و توقف تا طلوع خورشید دارد.

سپس از «شیخ مفید» (ره) نقل شده است که فرمود: پس زمانی که خورشید طلوع کند، باید از «عرفه» به «منا» کوچ کرد. و قبل از طلوع خورشید کوچ نکند؛ مگر زمانی که مضطر شود. و همچنین «سید مرتضی» و «سلار» هم این مطلب را فرموده اند (1).

از «علی بن نعمان»، از «سعید الأعرج» از ابی عبد الله (علیه السلام) حدیثی را نقل می کند که حضرت می فرماید: «در شب مزدلفه، دو فرشته با مردم در کنار «مازم» که تنگ است گشاده رویی و خوشحالی می کنند».

### واجبات در «مشعر»

مهم ترین امور واجب در «مشعر» عبارتند از: 1- انجام نیت و تداوم آن از ابتدا تا انتهای وقوف در مزدلفه.

مطلب اجماعی و در «الصحاح» هم چنین آمده است: برای فرد مختار، از بعد از طلوع فجر تا طلوع خورشید، نیت را داشته باشد؛ و برای فرد مضطر تا زوال می تواند با این نیت باشد (2).

2- در صورت ازدحام جمعیت، بالا-رفتن از کوه جایز است - به دلیل نص و اجماع - و شهید اول و ثانی در صورت اختیار آن را جایز دانسته اند. و در «دروس» شهید اول فرموده است: در جلوی کوه های مزدلفه باشد نه پشت کوه ها.

3- کوچ از مزدلفه قبل از فجر به این سه دلیل جایز است: ضرورت و اضطرار - اجماع - خبر

ص: 561

---

1-1 تمیمی مغربی، ابو حنیفه، نعمان بن محمد بن منصور، دعائم الإسلام، ج 1، ص 319.

2-2 مفاتیح الشرایع، ج 1، ح 389، ص 347.

مستفیض (1). واما از روی اختیار جایز نمی باشد. که اگر کوچ کند؛ باید از باب جبران و كفاره در نزد اكثر فقها، گوسفندی خون دهد. ولی بر طبق روایتی: اگر نسبت به حکم آن جاهل باشد، هیچ كفاره ای ندارد. و اگر قبل از طلوع فجر کوچ کند، باید گوسفندی خون دهد (كفاره). بر خلاف نظر «حلی» که ایشان حج این افراد را باطل می دانند (2).

4- شب را تا صبح در مشعر الحرام ماندن (بیتوته کردن)، از باب تأسی به نبی مکرم اسلام است. البته این مورد به عنوان رکن نمی باشد. نظر علامه حلی در «تذکره» چنین است: شب را تا صبح در مشعر ماندن وجوبی ندارد ولی اگر شب را وقوف کند و قبل از طلوع فجر کوچ کند، حجش صحیح است ولی باید یک گوسفند كفاره بدهد.

ابن ادریس گوید: حجش فاسد است و حال آنکه روایتی با نظر او مخالف است.

در «صحیح هاشم بن سالم»، چنین آمده است: نماز صبحش در «منا» جایز است (واجب نیست).

پیامبر (صلی الله علیه و آله) بر زنان و کودکان و فرد خائف و ترسان اجازه داده اند که شب هنگام از «مشعر» به «منا» کوچ کنند (3).

زن و کسی که از ماندن در مشعر الحرام خائف است و نیز طفل؛ بطور مطلق (بدون دلیل و شرطی) می توانند قبل از طلوع صبح از مشعر به طرف منا خارج گردند؛ بدون اینکه واجب باشد كفاره ای بپردازند و این نقص را به گوسفندی جبران کنند (4).

مرحوم شارح (سید محمد جواد ذهنی تهرانی در ذیل کلمه خایف می فرماید:

این حکم منحصر به خائف اختصاص ندارد بلکه هر مضطری هم چون چوپان که برای بردن گله خود به برنا باید زودتر به آنجا رود یا مریضی که حالش مساعد نیست و نمی تواند تا بعد از طلوع فجر در مشعر بماند می توانند مانند خائف پیش از صبح از آنجا (شعر) خارج و به منا بروند.

و حکم کسی که لازم است با زن همراه باشد مانند آن که صبی بوده و می تواند چه با عذر

ص: 562

---

1-1- خبر مستفیض آن است که مفید قطع و یقین نباشد ولی سلسله روایات آن از سه تا بیش تر باشد. محمدی، ابو الحسن، مبانئ استنباط حقوق اسلامی، ص 164

2-2- مفاتیح الشرایع، ج 1، ح 389، ص 347.

3-3- الشیخ محمد بن مکی العاملی، الدروس الشرعیة فی فقه الأمامیه، ص 423

4-4- ذهنی تهرانی، سید محمد جواد، المباحث الفقہیة فی شرح الروضة البهیة، با راهنمای فارسی شرح لمعه، ج 7، ص 39.

و چه بدون آن از مشعر قبل از طلوع صبح خارج گردد. مخفی نباشد که حکم مزبور یعنی جواز افاضه (کوچ) از مشعر قبل از طلوع فجر لازم است با نیت وقوف در شب مقرون باشد(1).

5- محدوده وقوف در «مشعر»، بین ازمین تا حیاض و تا وادی محر است. وقوف بر روی کوه کراحت دارد مگر به جهت ضرورت

قاضی) آن را حرام دانسته، البته ظاهر این است که مراد کوههای روبروی مشعر است نه کوههایی که پشت مشعر است.

6- وقوف بعد از فجر تا طلوع خورشید و آنچه که در اولویت است، اینکه نیت را از سر بگیرد. و آنچه که در این عمل به عنوان رکن است؛ بجای آوردن مسمای آن کفایت میکند.

و اگر قبل از طلوع خورشید کوچ کند، امر مستحبی است و ایرادی ندارد که از وادی محشر عبور نکند. و اگر از وادی محشر از روی اختیار عبور کند، گنهکار است و کفاره ای ندارد.

صدوقان (علی بن بابویه قمی و فرزندش شیخ صدوق) گفته اند: یک گوسفند کفاره دهد. ابن ادریس گوید: اقامت تا طلوع خورشید، مستحب است (2).

و چون وقوف در مشعر رکن است، واجب تعیینی می باشد. و همه فقها قائلند به مجزی بودن کسی که شب را وقوف کند، و قبل از سپیده صبح از روی علم و عمد کوچ نماید. و حجتش بدون هیچ تفصیلی حجتش صحیح است و اقتضای وجوب دارد زیرا ممتنع است که عمل مستحبی از واجبی کفایت کند (چه به نیت وجوب و چه عدم وجوب، اقتضای وجوب دارد). (3)

وقت اختیاری وقوف در مشعر، از طلوع فجر تا طلوع خورشید است. که «شیخ طوسی» در مبسوط» و «نهایه» و «شهید اول» در «دروس» به آن تصریح کرده اند(4).

قول مشهور آن است که: مستحب است؛ امام تا طلوع خورشید از شعر کوچ نکند و البته این نظر را، «ابن حمزه» واجب دانسته است.

7- سلامت از جنون - بیهوشی - مستی و خواب در بخشی از وقت. (احکامش گذشت).

8- شب عید قربان و روز عید قربان تا طلوع خورشید در مشعر باشد. و برای فرد مضطر تا زوال خورشید (اذان ظهر) می تواند در شعر باشد.

ص: 563

1-1 همان.

2-2 - الشيخ محمد بن مکی العاملي، الدروس الشرعيه في فقه الاماميه، ص 423.

3-3 - کرکی، جامع المقاصد، ج 3، ص 226.

4-4 همان.



حال اگر اعمال را اشتباهی انجام دهد، سخن در غلط و اشتباه مانند سخن در عرفات است احکامش گذشت).

9- پس زمانی که در مشعر؛ شب را تا صبح گذرانند، در صبح روز عید قربان، نماز صبح را بخواند و با دعا و حمد و ثنای الهی وقوف کند. و باید یاد نعمت های الهی را بنماید؛ و تا می تواند صلوات بفرستد(1).

10- مستحب است برای کسی که بار اول به حج آمده، حضور در مشعر الحرام داشته باشد و مشعر را به اختیار خود ترک نکند(2).

11- برای امام خروج از مشعر قبل از طلوع فجر و قبل از طلوع خورشید جایز نمی باشد. حال اگر فردی عمد، در این زمان ها از مشعر خارج شود، باید كفاره، یک گوسفند خون دهد (كفاره). ولی اگر از روی فراموشی یا سهوی باشد؛ لزومی بر پرداخت كفاره ای نمی باشد. و اگر غیر از امام، فردی بعد از طلوع خورشید از مشعر خارج شود، ایرادی ندارد(3).

12- هرگاه فردی به وادی محسر رسید (وادی بزرگ بین شعر و بینا است که البته به منا نزدیک تر است) اینچنین بگوید: «اللهم سلم عهدی، واقبل توبتی، وأجب دعوتی، واخلفنی فیمن ترکت بعدی».

حال اگر فردی «سعی» در این وادی را ترک کند، البته اگر قدرت دارد؛ دوباره باید برگردد و سعی را انجام دهد و اگر قدرت ندارد، وجوبی در انجام آن نمی باشد(4).

13- یکی از مکان هایی را که حاجی می تواند سنگ برای جمرات جمع کند در «مشعر الحرام» است.

### مستحبات در «مشعر»

فردی که می خواهد وقوف در «مشعر» داشته باشد؛ مستحب است که بعد از فجر و با وضو باشد، همچنان که در کتاب «الصحيح» آمده است. و پیوسته در حال خواندن دعاهای رسیده

ص: 564

1-1- حلی، محقق، نجم الدین، جعفر بن حسن، نکت النهایه، ج 1، ص 521.

2-2- همان.

3-3- حلی، محقق، نجم الدین، جعفر بن حسن، نکت النهایه، ج 1، ص 522.

4-4- همان، ص 522.

از ائمه باشد به طوری که ذکر الهی را به همراه داشته باشد و در قول ضعیفی آمده است که: امر خدا در آیه (1)، ظهور بر این مطلب دارد

که ؛ ذکر خدا واجب است و این عمل، از قوت خالی نیست (2).

و نیز وقوف بعد از خواندن نماز صبح و دعا مستحب است.

و از دیگر مستحبات، بالا رفتن از کوه های شعر ؛ که قزح نامیده می شود.

و نیز مستحب است برای کوچ کننده از عرفه به شعر که در راه رفتن، رعایت اعتدال و میانه روی را داشته باشد (3).

قول حسن: کسی که بار اول به «شعر» می رود ؛ بهتر است پای پیاده برود. همچنان که برخی روایات بر این مسأله اشعار دارد.

### حکم مجامعت در مشعر

ابوعبدالله (علیه السلام) فرمود: هرگاه فردی قبل از آن که به «شعر» بیاید، با همسرش جماع کند، باید سال آینده، حج را بجای آورد. و اگر جماع قبل از وقوف در مشعر در حال احرام و محرم بودن باشد، علاوه بر کفاره شتر، باید حج را به سال آینده موکول کند. و اگر بعد از وقوف در مشعر، جماع نماید، فقط باید یک شتر (بدنه) کفاره دهد.

و از ابو عبدالله (علیه السلام) سؤال شد: پیرامون مردی که هنگام عید قربان قبل از آن که به زیارت خانه خدا برود بر همسرش وارد شود ؛ حضرت فرمودند: اگر از روی شهوت باشد، این مرد باید یک شتر کفاره دهد و اگر از روی شهوت نباشد، یک گاو؛ و بنا بر قول ضعیفی یک گوسفند کفاره دهد (4).

و اگر مجامعت، بعد از وقوف در شعر باشد، یک شتر باید کفاره دهد و حجی در سال آینده بر عهده اش نمی باشد ؛ و اگر جماع از روی فراموشی، سهو و یا جهالت باشد، کفاره ای بر عهده اش نیست (5).

ص: 565

1-1- «إِذَا أَفْضَيْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ فَادْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الشَّعْرِ الْحَرَامِ». بقره: 198.

2-2- مفاتیح الشرایع، ج 1، ح 390، ص 347.

3-3- کرکی، جامع المقاصد، ج 3، ص 227.

4-4- کرمانی، محمد کریم خان، فصل الخطاب، ج 4، ح 2757، ص 270.

5-5- همان، ص 271.

## وقوف در مشعر الحرام

پس زمانی که سپیده صبح طلوع کرد؛ نماز صبح را بخوان و در دامنه کوه توقف کن. و مستحب است بر کسی که بار اول به حج می رود، مشعر را با پاهایش پیاده برود و یا اگر سواره است با مرکبش برود.

خداوند متعال در قرآن فرموده است: «فَإِذَا أَفْضَيْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ فَأَذْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَاذْكُرُوهُ كَمَا هَدَاكُمْ وَإِنْ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمَنِ الصَّالِينَ» (1).

و چون از عرفات (به سوی مشعر) سرازیر شدید، خدا را (در وادی مزدلفه) در نزد (کوه) مشعر الحرام یاد کنید و او را یاد کنید به پاس آنکه شما را هدایت نمود و واقعیت این است که شما پیش از آن از گمراهان بودید.

و باید وقوف انجام شود در حالیکه غسل کرده ای و این دعا را بخوان: اللهم رب المشعر الحرام و الركن والمقام و الحجر الأسود و زمزم و رب الأيام المعلومات فك رقبتي من النار و أوسع علي من رزق الحلال و ادراً عنى فسقه الجن و الإنس. «خدایا! ای پروردگار مشعر الحرام و پروردگار رکن و مقام و خدای «حجر الاسود» و زمزم و پروردگار روزهای معلوم، مرا از آتش جهنم رهایی گردان و گسترده گردان بر من از رزق حلال و از من شر افراد بد اعم از جن و انس را دور گردان.

## شب مزدلفه و وقوف در مشعر و کوچ از آن

علی بن ابراهیم، عن ابيه، عن ابن ابي عمير، عن معاوية؛ و حماد، عن الحلبي: از ابي عبد الله (عليه السلام) چنین نقل می کند که می فرماید (2): نماز مغرب را نخوان تا اینکه همه ببینند (چون حضرت آدم و حوا علیهما السلام وقتی هبوط کردند در مزدلفه جمع شدند) (منظور از جمع، جمع بین نماز مغرب و عشا با یک اذان و دو اقامه است). و از طرف راست راه به مرکز صحرا بیا؛ در حالیکه نزدیک مشعر است و مستحب است بر کسی که بار اول حج میکند بر «مشعر الحرام» وقوف کند و با پایش آن را لگد کند (پایش را بر صحرای مشعر بگذارد).

ص: 566

1-1- بقره: 198.

2-2- الکافی، ج9، ص43، ش 1/7758.

و در شب مزدلفه از «حیاض (1)» عبور نکند مگر آن که با خود این دعا را بگوید که:

اللهم هذه جمع، اللهم إني أسألك أن تجمع لي فيها جوامع الخير، اللهم لا تؤيسني من الخير الذي سألك أن تجمه لي في قلبي، وأطلب إليك أن تعرفني ما عرفت أولياءك في منزلي هذا، وأن تقيني جوامع الشر».

خدایا من از تو می خواهم که در «مزدلفه» تمام امور خیر را برایم فراهم کنی و بارالها، مرا از خیری که درخواست کردم، نوامید نگردان که آن را در قلبم برایم فراهم آوری. و بسوی تو درخواست می کنم به من بشناسانی آنچه را که به اولیائت شناساندی در این منزل من و اینکه از تمام امور شر مرا حفظ گردانی.

و اگر توانستی که آن شب را شب زنده داری کنی، پس این کار را انجام ده؛ بدرستی که به ما اینگونه خبر رسیده است که؛ درهای آسمان در آن شب؛ به جهت صداهای مؤمنین بسته نمی شود. لذا برای مؤمنین صدا و صوتی است مثل صدای زنبور عسل (صدای بالایی نیست) و خداوند جل و جلاله چنین می فرماید (2):

أنا ربكم وأنتم عبادي، أديتم حقي، و حق علي أن أستجيب لكم، فيحط تلك الليلة عنم أراد أن يحط عنه ذنوبه، و يغفر لمن أراد أن يغفر له».

من پروردگار شما هستم و شما بندگان من هستید، حقم را ادا کردید و حق بر من این است که شما را اجابت کنم. در آن شب خدا از کسی که بخواهد گناهانش را تنزل دهد (ببخشد) پس خدا هر که را که بخواهد می بخشد.

أبو علي الأشعري، عن محمد بن عبد الجبار، عن صفوان، عن ابن مشكان، عن عنبسه بين مصعب، چنین گفته است (3):

از ابا عبد الله (علیه السلام) پیرامون تعداد رکعاتی که بعد از نماز مغرب شب «مزدلفه» خوانده می شود؛ پرسیدم؛ حضرت فرمودند: بعد از نماز عشا چهار رکعت نماز بخوان.

ص: 567

---

1-1- حیاض، وادی محشر است که حد عرفه از سمت «منا» است و در شب واجب است وقوف در آن که بعضی اصحاب این قول را اختیار کردند و قول مشهور، مستحب است. و همانا وقوف واجب، آن وقوفی است که رکن است و در طلوع فجر می باشد.

2-2- الکافی، ج9، ص45، ش 2/7759

3-3- همان، ش 2/7759.

از حسین بن محمد، عن معلى بن محمد، عن الحسين بن على، عن أبان بن عثمان، عن جل: از ابی عبد الله (علیه السلام) که فرمود(1):

بر کسی که بار اول حج می رود، مستحب است که مشعر الحرام را لمس کند و داخل آن بیت شود.

از علی بن ابراهیم، عن ابيه، عن ابن ابي عمير و محمد بن اشماعيل، عن الفضل بن شاذان، عن صفوان بنی حیی و ابن ابي عمير، عن معاویه بن عمار: از ابی عبد الله (علیه السلام) که فرمود: بعد از آنکه نماز صبح (سپیده دم) را خواندی، با وضو باش و اگر خواستی در نزدیکی کوه و یا هر جای دیگر که خواستی وقوف کن. پس هنگامی که وقوف کردی حمد و ثنای الهی را گوی و بیاد آور نعمت ها و آزمایش های الهی را که بر آن ها قدرت یافتی. و درود بفرست بر پیامبر و خاندانش. و باید همواره سخنت این باشد:

" اللهم رب المشعر الحرام، فك رقبتي من النار، و أوسع علي من رزق الحلال، وادرا عيني فسقه الجن و الإنس ؛ اللهم أنت خير مطلوب إليه، و خير مدعو، و خير مسؤول، و لكل وافد جائزه، فاجعل جائزتي في موطنی هذا أن تقيلني عشرتي، و تقبل معذرتي، و أن تجاوز عن خطيئتي، ثم اجعل التقوى من الدنيا زادي".

خدایا، ای صاحب مشعر الحرام، مرا از آتش قیامت آزاد و رها کن و از روزی حلالیت بر من وسعت بخش و شر بدی های جن و انس را از من دور کن. خدایا تو بهترین خواسته و بهترین دعوت کننده و خواننده شده ای و تو بهترین درخواست شده ای، و برای هر فرستاده شده به عنوان نماینده، پاداشی و جایزه ای است؛ پس جایزه مرا در وطنم این قرار ده که: هرگونه لغزش و امور گناه را از من برداری و عذر مرا بپذیری؛ و از خطا و اشتباهم بگذری. سپس تقوا و دوری از دنیا را، توشه راهم قرار ده.

سپس هرگاه خورشید بر کوه «ثبیر» تأیید، می توانید از شعر خارج شوید؛ پس باید خورشید طلوع کند تا بتوان از مشعر خارج شد. به طوری که بتوانی جای پای شتر را ببینی؛ که در این هنگام می توان از مشعر خارج شد.

ص: 568

## توصیه ای در مورد زنان

قول مشهور فقها این است که: اموری چون؛ طهارت (عدم حیض - وضو)، وقوف، ذکر و دعا مستحب است و از امور واجب، داشتن نیت بین طلوع فجر تا طلوع خورشید است. و قول عمل به روایت، موافق احتیاط است.

أبو علی الأشعری، عن محمد بن عبد الجبار، عن صفوان بن یحیی، عن إسحاق بن عمار، فرموده است (1):

از ابا ابراهیم (علیه السلام) پرسیدم: در چه ساعتی خروج (کوچ) از مشعر بهتر است؟ حضرت فرمودند: در نزد من بهترین ساعت، کمی قبل از طلوع خورشید است. گفتم: پس اگر درنگ کنیم تا خورشید طلوع کند چه حکمی دارد؟ فرمود: اشکالی ندارد.

علی بن ابراهیم، عن أبیه، عن ابن أبي عمیر، عن هشام بین الحکم: از ابی عبد الله (علیه السلام) که فرمود: از وادی محر عبور نکن تا خورشید طلوع کند (2).

### محدوده «مشعر»

محدوده مشعر، عبارت است از وادی که بین «حیاض» و «مازمین» و «وادی محر» قرار گرفته است.

کلمه «مازمین» با همزه ساکنه و زاء مکسوره؛ و آن را باریکی است که بین دو کوه قرار گرفته (و آن حد نهایی مشعر از طرف عرفات است) (3).

و وقوف انسان، فقط در این محدوده صحیح است پس اگر به دلیل ازدحام جمعیت، مکان وقوف در محدوده شعر، برایش تنگ باشد، در این صورت جایز است که از کوه بالا برود (4).

ص: 569

---

1-1 - الکافی، ج 9، ص 47، ش 5/7762.

2-2 - همان، ش 6/7763.

3-3 - ذهنی تهرانی، سید محمد جواد، المباحث الفقہیہ فی شرح الروضه البہیہ، یا راهنمای فارسی شرح لمعه، ج 7، ص 40.

4-4 - حلی، محقق، نجم الدین، جعفر بن حسن، نکت النہایہ، ج 1، ص 521.

## قاعده ای در اثبات وقوف در مشعر

- قاعده « کل من أدرك المشعر فقد أدرك الحج »

### تعریف قاعده

این قاعده « من أدرك المشعر فقد أدرك الحج »، مانند قاعده میقاتیه، مخصوص حج است و در دیگر عبادات، کاربردی ندارد. بر طبق فرموده ائمه اطهار:

«هر فردی قصد عزیمت به حج کند، باید وقوف در مشعر را درک کند. وقوف در مشعر و عرفات تابع وضعیت ویژه و شرایط خاصی است. اگر حج گزار این شرایط را رعایت کند، در حقیقت حج را درک کرده است.»

### وادی محسر

وادی محسر، عبارت است از: انتهای مشعر به طرف منا که همین وادی، انتهای منا نیز می باشد؛ بنابراین این واسطه ای بین این دو وادی یعنی مشعر و منا قرار ندارد(1).

### سعی در وادی محسر

علی بن ابراهیم، عن ابيه، عن ابن ابي عمير، عن حفص بن البختري وغيره: از ابی عبد الله (علیه السلام) به بعضی از فرزندانش چنین فرمود(2):

آیا عمل سعی را در وادی محسر انجام می دهید؟ جواب شنید: خیر. حضرت فرمود: پس خدا امر کرده که برگردد و سعی را انجام دهد. سپس فرزندش به پدرش گفت: من نمی دانم که چگونه سعی را به جای آورم؟ حضرت فرمود: از مردم پرس. (بر استحباب سعی در وادی محسر، آنقدر تأکید شده که حتی می گویند: اگر کسی آن را بجا نیاورد، قضا کند. شأن این است که از طریق حواس پنجگانه، به مرحله ای از شناخت برسد و فیض آن را کسب نماید).

عده ای از اصحاب ما از عن أحمد بن محمد، عن عین الحجال، عن بعض أصحابنا نقل کردند

ص: 570

1-1- ذهنی تهرانی، سید محمد جواد، المباحث الفقهیه فی شرح الروضه البهیة، با راهنمای فارسی شرح لمعه، ج 7، ص 41.

2-2- الکافی، ج 9، ص 48، ش 1/7764.

که فرمود: مردی از وادی محر عبور کرد. پس ابا عبد الله (علیه السلام) که درود خدا بر او باد به او امر کرد که بعد از قدری رفتن به مکه، برگردد، که این عمل سعی کردن است.

مراد از سعی، هروله است که در پیاده رفتن؛ سرعت گیرد و در هنگام سواره، حیوان را حرکت دهد (اجماع فقها)) (1).

علی بن ابراهیم، عن ابيه؛ و محمد بن إسماعیل، عن الفضل بن شاذان، عن ابن أبي عمير و صفوان بن يحيى، عن معاوية بن عمار: از ابی عبد الله (علیه السلام) که فرمود:

زمانی که از وادی محر عبور کردی (صحرای بزرگی بین مزدلفه و منا است البته به منا نزدیک تر است). پس در آن سعی بجای آور تا از آن بگذری. زیرا پیامبر (صلی الله علیه و آله) شترش را حرکت داد و فرمود: اللهم سلم لی عهدی، و اقبل توبتی، و اوجب دعوتی، و اخلفنی فیمن ترک بعدی». خدایا مرا بر عهدم سلامت دار و توبه ام را بپذیر و خواسته ام را اجابت فرما و در این «وادی تیر» مرا جانشین آیندگان قرار ده. (2) علی بن ابراهیم، عن ابيه، عن حمير بن إسماعیل: عن أبي الحسين عليه السلام، فرمود: میزان حرکت در وادی محر، به اندازه صد گام برداشتن است.

أبو علی الأشعری، عن محمد بن عبد الجبار، عن صفوان بن يحيى، عن إسحاق بن عمار: از ابی الحسن (علیه السلام) که فرمود:

از حد و میزان «جمع» (شعر) پرسیدم: پس فرمود: آنچه که بین مازمین (راه تنگ بین دو کوه) تا وادی محبیر است.

محمد بن یحیی و غیره، عن أحمد بن محمد، عن محمد بن إسماعیل، عن علی بن النعمان، عن عبد الله بن مشکان، عن أبي بصير: از «سماعه» فرمودند: به ابی عبد الله (علیه السلام) عرض کردم:

زمانی که تعداد مردم زیاد شود و جا بر آن ها تنگ شود، چه کنند؟ فرمود: تا «مازمین» از کوه بالا روند.

أحمد بن محمد العاصمی، عن علی بن الحسين التیملی، عن عمرو بن عثمان الأزدي، عن محمد بن عذافر، عن عمر بن یزید، فرمودند: بصورت هروله گام برداشتن، در وادی محسر صد ذراع است.

ص: 571

1-1- همان، ح 2/7765.

2-2- الکافی، ج 9، ص 49.



## حکم جاهل بر وقوف در مشعر

عده ای از اصحاب ما از جمله عن سهل بن زیاد، عن أحمد بن حمیر بن أبی نصر، عن محمد بن عثمان، عن حمیر بن حکیم، فرمودند: به ابی عبد الله (علیه السلام) عرض کردم: فرد غیر عربی (1) (عجم) و زنی که ضعیف هستند به همراه ساربان عرب از عرفات کوچ کردند و به دلیل ازدحام جمعیت، جایی پایین نیامدند و از حرکت باز نایستادند. پس حضرت فرمود: آیا نماز نخواندند که آن ها را کفایت کند؟ (حکم وقوف در مشعر را داشته باشد) گفتم: هر چند که نماز نخوانند؟! حضرت فرمود: اگر ذکر خدا کنند، آن ها را کفایت می کند.

## نمونه ای از تساهل و تسامح بر وقوف در مشعر

معمولا تساهل با تسامح مترادف دانسته شده است و به معنای «به آسانی و نرمی با کسی برخورد کردن» می باشد. و به دو نفری که با هم با نرمی و بخشش رفتار کنند، می گویند: این دو با هم تساهل کرده اند. لیکن کلمه تسامح فرق ظریفی با تساهل دارد و آن این است که تسامح از ماده «مح» به معنای بخشش و بزرگواری است و بنابراین، تسامح به معنای نوعی کنار آمدن همراه با جود و بزرگواری می باشد. و در اصطلاح، تساهل و تسامح به معنای عدم مداخله و ممانعت یا اجازه دادن از روی قصد و آگاهی، به اعمال و عقایدی است که مورد پذیرش و پسند شخص نباشد (2).

حال به چند نمونه از موارد تساهل و تسامح در مشعر اشاره می شود:

1- محمد بن یحیی، عن أحمد بن محمد، عن محمد بن سنان، عن ابن مسکان، عن أبی بصیر، گفت: به ابی عبد الله (علیه السلام) عرض کردم: (3)

دو نفر نسبت به وقوف در عرفه جاهل بودند؛ چه حکمی دارد؟ حضرت فرمودند: از مکانشان برگردند و یک ساعتی در مشعر وقوف کنند. گفتم: تا روز «یوم النفر» (روز 13 ذی الحجه که حاجیان از منا به سوی مکه می روند) کسی به آن ها از وقوف در مشعر خبر نداده

ص: 572

1-1 در برخی نسخه ها، فرد نابینا آمده است.

2-2 فیروزآبادی، القاموس المحیط، دار احیاء التراث العربی، ج 3، ص 583؛ البستانی، محیط المحیط، لبنان، مکتبه ناشرون، ص 425، 437.

3-3 - الکافی، ج 9، ص 53، ح 2/7773.

بود. حضرت سرشان را یک ساعتی برگرداندند؛ سپس فرمودند: آیا بامدادان را در مشعر نماز نخواندند؟ عرض کردم: چرا. پس فرمود: آیا در نمازشان قنوت و دعای دست نخواندند؟ گفتم: چرا. حضرت فرمود: حجتشان تمام و کامل شده است. شعر، جزء مزدلفه است و مزدلفه هم جزء مشعر است. و قدر کمی دعا کردن بر آن دو کافی است.

2- محمد بن اسماعیل، عن الفضل بن شاذان، عن صفوان بن یحیی، عن معاویه بن عمار، به ابی عبد الله (علیه السلام) گفتم: چه نظری می فرماید در باره کسی که از عرفات خارج شد و به منا آمد؟ حضرت فرمودند: باید برگردد و در «مزدلفه» وقوف کند. هر چند که با ازدحام جمعیت مواجه شود(1).

3- محمد بن یحیی، عن أحمد بن محمد، عن ابن فضال، عن یونس بن یعقوب، به ابی عبد الله (علیه السلام) عرض کردم(2): مردی از عرفات کوچ کرد و از مشعر گذشت و وقوفی را انجام نداد تا به «منا» رسید و رمی جمره انجام داد و باز هم ندانست تا آن روز گذشت؛ چه حکمی دارد؟

حضرت فرمودند: به مشعر برگردد تا وقوف کند، سپس مجدد برگردد و رمی جمره را انجام دهد.

4- علی بن ابراهیم، عن ابیه، عن ابن ابی عمیر، عن محمد بن یحیی از ابی عبد الله (علیه السلام) در مورد مردی که وقوف در مزدلفه را انجام نداد بود؛ و شب را در مشعر بیتوته نکرده بود، تا به «منا» رسید. حضرت فرمودند: آیا وقتی وارد «منا» شد متوجه مردم نشد؟ عرض نمودم: واقعا جهل داشت. حضرت فرمودند: بر می گردد. گفتم: زمانش فوت شده. حضرت فرمودند: اشکالی ندارد(3).

قول خلاف مشهور: فرد جاهل، در ترک وقوف معذور است.

عده ای از اصحاب ما از جمله: سهل بن زیاد، عن الحسین بن محبوب، عن علی بن رئاب، عن حریر: از ابی عبد الله (علیه السلام) که فرمودند(4): کسی که از عرفات به همراه مردم کوچ کند و وقوف و درنگی را با آن جمعیت نکند و بگذرد تا عمدا و یا از روی کوتاهی به «منا» برسد، در این صورت باید یک شتر در راه خدا بدهد.

ص: 573

1-1 از این جهت که حضرت فرمودند حجتش باطل است، بلکه ارایه طریق نمودند؛ نوعی تساهل و تسامح است.

2-2 - الکافی، ج 9، ص 50.

3-3 همان، ص 55، ح 5/7776.

4-4 همو، ص 56، ح 6/7777.

کوچ از مشعر قبل از طلوع خورشید جایز است. «ابن ابی عقیل» گوید: پس زمانی که سپیده صبح طلوع کند و جای پای حرکت شتر دیده شود، می تواند آن فرد با آرامش و وقار به همراه دعا و استغفار از «مشعر» کوچ کند.

شیخ طوسی» گوید:

و زمانی که قبل از طلوع خورشید ( مقدار اندکی تا طلوع خورشید باقی مانده است) از مشعر کوچ کند، باید به برنا برگردد. در حالی که حق عبور از وادی محشر را ندارد؛ مگر بعد از طلوع خورشید. و بر امام هم جایز نیست که از مشعر کوچ کند، مگر بعد از طلوع خورشید(1).

و اگر غیر از امام، خروج از مشعر را به بعد از طلوع خورشید به تأخیر بیندازد، اشکالی ندارد. که این کلام، دابر اولویت کوچ از مشعر، قبل از طلوع خورشید دارد. «ابن جنید» و «ابن حمزه» هم قائل بر این قول هستند.

علی بن بابویه» و شیخ صدوق چنین گویند: انه قبل از طلوع خورشید از شعر کوچ کن و نه قبل از غروب خورشید از عرفات. که در صورت کوچ، بر تو لازم است کفاره بدهی (گوسفند) (2). این کلام، ناظر بر وجوب توقف و درنگ تا طلوع خورشید را دارد.

شیخ مفید» چنین گوید: پس زمانی که خورشید طلوع کند، زمانی کوچ به سوی منا است و قبل از طلوع خورشید کوچ صورت نمی گیرد، مگر از سوی فرد مضطر. سید مرتضی و سلار هم قائل به این قول هستند(3).

«ابوالصلاح» گوید:

در وقوف اختیاری، کوچ از مشعر جایز نیست، مگر آن که خورشید طلوع کند و تا قبل از آن، باید بایستد و دعا و مناجات کند تا خورشید طلوع کند.

ابن حمزه» این مطلب را جزء واجبات شمرده است: بر امام واجب است تا طلوع خورشید در مشعر بماند.

ص: 574

1-1- حلی، مختلف الشیعه، ج 4، مسأله 215، ص 260.

2-3- همو، مسأله 213 و 215، ص 260-261.

3-2- همان، مسأله 215، ص 261.

شیخ طوسی» گوید: برامام جایز نیست که از مشعر الحرام خارج شود، مگر بعد از طلوع خورشید.

ابن ادریس» گوید: در جایی باشد؛ تا خورشید طلوع کند، امر مستحب و غیر واجب است (1). دلیل ما: روایتی که « معاویه بن حکیم» نقل کرده که گفته است: از ابا ابراهیم (علیه السلام) پرسیدم: چه ساعتی بر شما بهتر است که از جمع (مشعر) کوچ کنیم؟ حضرت فرمود: قدری قبل از آن که خورشید طلوع کند، بهترین ساعت است. عرض کردم: پس اگر درنگ کنیم تا خورشید طلوع کند؛ حضرت فرمود: هیچ اشکالی بر آن نیست (2).

### حکم عبور فردی از مزدلفه با عجله قبل از فجر

برخی از اصحاب ما، از سهل بن زیاد، عن الحسن بن محبوب، عن علی بن رئاب، عن حریر: از ابا عبد الله (علیه السلام) که فرمود (3): در مورد مردی که با جمعیت وقوف کرد، سپس قبل از آنکه مردم کوچ کنند، او کوچ کرد.

حضرت فرمودند: اگر جاهل باشد، چیزی (کفاره ای) بر او نیست و اگر قبل از طلوع فجر سپیده صبح) کوچ کند، کفاره اش یک گوسفند است.

### نحوه وقوف زنان و افراد خائف در مشعر

از حسین بن محمد، عن معلى بن محمد، عن الحسن بن علی الوشاء، عن أبان بن عثمان، عن سعید السمان شنیدم که ابا عبد الله (علیه السلام) می فرماید (4): همانا رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نسبت به زنان، از مزدلفه (در شب) به «منا» عجله می کرد و اینگونه فرمان می داد که: بر خانم ها انجام رمی جمرات و قربانی الزامی است و نباید از منطقه منا عبور کنند مگر آنکه قربانی کنند و اگر خانمی در مضیقه باشد و نتواند قربانی کند، به مکه برود و زیارت کند. (علت جواز تعجیل برای خانم ها، به دلیل معذور بودن آن ها است).

ص: 575

1-1- حلی، مختلف الشیعه، ج 4، مسأله 215، ص 261.

2-2- همان، مسأله 215، ص 262.

3-3- الکافی، ج 9، ص 56، ح 1/7778.

4-4- همان، ص 57، ح 2/7779.

علی بن ابراهیم، عن اَبیه، عن ابن اَبی عمیر، عن جمیل بین دراج، عن بعض اصحابنا: از یکی از دو ائمه (علیهما السلام) فرمود: بر مردان اشکالی ندارد که در شب کوچ کنند آن زمانی که خائف و ترسان باشند(1).

بعضی از اصحاب ما، از سهل بن زیاد، عن احمد بن محمد، عن علی بن اَبی حمزه: که بر آن ها سلام باد؛ فرمود(2): هر زن و مردی که ترسان باشد، اشکالی ندارد که در شب کوچ کند. پس باید رمی جمره انجام دهد و سپس بگذرد (کوچ کند و باید فردی به نیابت او ذبح کند. خانم ها تقصیر می کنند و مردان سر خود را می تراشند. سپس طواف بیت الله الحرام را انجام می دهد و سعی بین صفا و مروه انجام می دهد، آنگاه باید به «منا» برگردد. پس اگر به «منا» آمد و کسی از طرف او ذبح نکند (نایب)، اشکالی ندارد که او خودش ذبح کند و باید موها را بردارد و به «منا» ببرد. اگر فردی در سال های قبل حج را بجای آورده است، در مکه خواست حلق (تراشیدن) کند و اگر خواست تقصیر کند؛ به نظر خودش بستگی دارد.

برخی از اصحاب ما از احمد بن محمد، عن الحسین بن سعید، عن اَبی المغراء، عن اَبی بصیر: عن اَبی عبد الله علیه السلام، فرمود(3):

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به زنان و کودکان اجازه فرمودند که در شب کوچ کنند و در شب رمی جمره کنند و نماز صبحگاهی را در منزلشان بجای آورند. پس اگر خانم ها ترسیدند که حیض شوند، به مکه بروند و وکیل و نایبی بگیرند که از طرف آن ها قربانی کند.

احمد بن محمد، عن محمد بن سنان، عن عبد الله بن مسکان، عن اَبی بصیر، فرمود:

از ابا عبد الله (علیه السلام) شنیدم که می فرماید(4): بر زنان اشکالی ندارد بر اینکه وقتی شب سپری شد یک ساعتی را در «مشعر الحرام» وقوف کنند. سپس مردان به همراه زنان رهسپار «منا» شوند و رمی جمره انجام دهند و پس از یک ساعتی که صبر می کنند، تقصیر نمایند. و به سوی مکه بروند و طواف کنند. مگر آنکه بخواهند از طرف زن ها به عنوان نایب ذبح کنند، که می توانند این کار را انجام دهند.

ص: 576

---

1-1 - الکافی، ج 9، ص 58، ح: 3 / 7780

2-2 - همان، ص 58، ح 4 / 7781

3-3 - الکافی، ج 9، ص 59، ح 5 / 7782

4-4 - همان، ح 6 / 7783

ابو عبدالله (علیه السلام) در حدیثی فرمود:

من افاض من عرفات الی منی فلیرجع ولیأت جمعا ولیقف بها..» کسی که از عرفات به منا کوچ کند، باید برگردد و جمع (وقوف در مشعر) را بجای آورد، هر چند که مردم را در حال کوچ کردن از مشعر بیابد. و در حدیث ضعیفی گفته شده است: مردی از عرفات کوچ کرد به طوری که از مشعر گذشت و وقوفی انجام نداد؛ تا آن که به نارسید و رمی جمره انجام داد تا آن که روز بالا آمد حکمش را ندانست، حضرت فرمود: به مشعر برگردد و در آن جا وقوف کند سپس برگردد و رمی جمره را انجام دهد(1).

در حدیثی از امام صادق (علیه السلام): «من افاض مع الناس من عرفات فلم یلبث معهم بجمع..» کسی که با مردم از عرفات کوچ کند و در جمع (شعر) با آنان توقف نکند و از روی عمد یا کوتاهی از آنجا بگذرد تا به منا برسد، باید یک شتر دهد(2).

### احکام در «مشر» (واجب - مستحب)

در «مشعر» مستحب است که حاجی با آرامش وقار و با استغفار و دعا از آنجا کوچ کند و ذکر الهی را بگوید و به صورت «هروله (3)» به «وادی محر» پیاده یا سواره برود. و اگر «هروله» را فراموش کند آن را جبران نماید.

هشام بن الحکم» در - الصحیح - از ابی عبد الله (علیه السلام): لا یجاوز وادی محسر حتی تطلع الشمس.

و چون وادی محسر، جزء منا است، بنا بر فرض منع دخول منا، قبل از طلوع فجر؛ پس به این دلیل نمی تواند از وادی میر بگذرد؛ تا زمانی که خورشید طلوع کند(4).

حاجی در زمان کوچ و حرکت از «شعر» این دعا را بگوید:

ص: 577

1-1- کرمانی، حاج محمد کریمخان، فصل الخطاب، ج4، ش 3000، ص361.

2-2- همان، ش 3003.

3-3- هروله، همان سرعت و شتاب کردن است. رفتاری است میان دویدن و رفتن. فیض، مبادی فقه و اصول، ش 621 ص 363.

4-4- کرکی، جامع المقاصد، ج3، ص231.

اللهم... خدایا مرا در عهدی که با تو بستم سلامت بدار، توبه ام را بپذیر، دعایم را اجابت کن(1)».

شیخ صدوق می گوید: «امام صادق (علیه السلام)، فردی را که «سعی» در وادی تیر را ترک کرده بود فرمان داد که از مکه، به وادی تیر برگردد.

حسن» گفته است: انجام هروله در آن وادی، قبل از برگشت از عرفه، بدعت است. و روایت شده است که ؛ هروله به اندازه صد ذراع یا صد قدم برداشتن است. و کراهت دارد اقامت در «مشعر» بعد از کوچ کردن.

قاضی» می گوید: در «مشعر»، ذکر نام خدا و سلام و درود بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) و خاندانش واجب است.

به دلیل آیه قرآن و کلام امام صادق (علیه السلام) که فرمودند: «إن ذکرُوا الله أجزأهم. اگر یاد خدا کنند آن ها را کفایت میکند. و حتی اگر دعاهای کوتاهی هم که بخوانند، کفایت می کند(2)».

### احکام تارک مشعر، از روی عمد

حکم کسی که عمد «مشعر» را ترک کند، این است که حش باطل است. زیرا در نظر شیعه ؛ مشعر الحرام، رکنی است که حتی از عرفه عظیم تر و بزرگ تر است(3).

امام صادق (علیه السلام) در حدیثی می فرماید: «الوقوف بالمشعر فریضه و بعرفه سته». وقوف در مشعر واجب است و وقوف در عرفه مستحب است(4).

و نیز حضرت فرمودند: زمانی که مزدلفه از تو فوت شد، حج از تو فوت شده است. «إذا فاتتک المزدلفه فاتک الحج». و حال آنکه سخن امام صادق (علیه السلام) با قول مشهور پیامبر (صلی الله علیه و آله) معارض است که حضرت فرمود: «الحج عرفه واصحاب الأراک لاحق لهم».

شهید اول» در کتاب «دروس» خود می فرماید:

ص: 578

1-1- الشيخ محمد بن مکی العاملي، الدروس الشرعية في فقه الأمامية، ص 424.

2-2- همان.

3-3- الشيخ محمد بن مکی العاملي، الدروس الشرعية في فقه الأمامية، ص 425.

4-4- همان، ص 426.

با اینکه جمع بین این دو روایت ممکن نیست؛ ولی اگر ما این دو روایت را مساوی بدانیم (از جهت ترجیحات روایی)، در عمل به هر یک مخیریم و حق انتخاب داریم (1).

حال در قول ضعیفی از «ابن جنید»: این فرد (تارک عمدی وقوف در مشعر) باید یک بدنه (شتر) به عنوان کفاره بدهد.

در روایت حرز: کفاره بدنه (شتر) واجب است؛ بر تار عامد و نیز بر کسی که در این وقوف (شعر) کوتاهی نموده است، مثلاً شب را به مدت کوتاهی وقوف نموده و سپس عبور کند.

کسی که از او وقوفین (عرفات و شر) فوت شود، أفعال حج از او ساقط است و واجب است که محل شود و حش به عمره مفرده تبدیل شود. افضل آن است که: ایام تشریق (2) را در منا اقامت داشته باشد؛ سپس عمره را بجای آورد؛ هر چند که قربانی را به جهت ذبح در مکه نه در منا پیش فرستاده باشد.

ص: 579

1-1 - الشيخ محمد بن مكي العاملي، الدروس الشرعيه في فقه الأماميه، ص 426.

2-2 - تشریق بر وزن تفعلیل به معنای خشک کردن گوشت در آفتاب، 2- زیبا و نورانی شدن صورت، 3- روی به سوی مشرق کردن 4- و نماز عید 5- است و تعبیر «ایام تشریق» به صورت ترکیبی در اصطلاح فقه به روزهای یازدهم تا سیزدهم 6- به نظر برخی به روزهای دهم تا سیزدهم ذی الحجه 7- اطلاق می شود. روز دهم «یوم التخر»، روز یازدهم «یوم القز»، روز دوازدهم «یوم النفر الاول» و روز سیزدهم «یوم النفر الثاني» یا «یوم الصدر» نام دارد. 8- سبب نامگذاری این روزها به ایام تشریق آن است که عرب در این روزها گوشت های قربانی را قطعه قطعه کرده، در آفتاب می خشکاندند - یا آن که حاجیان بعد از طلوع خورشید، قربانی را ذبح یا نحر می کنند 10- یا این که در این روزها روح و جان آدمی با نور عبادت و عرفان نورانی می شود 11- برخی گفته اند: بر اثر تابیدن ماه در شب های این ایام به این روزها ایام تشریق گفته شده است. 12- عده ای نیز گفته اند: این نام برگرفته از سخن عرب جاهلی است که در این روزها میگفتند: «أشرق ثبیر کیمنا غیر = ای کوه ثبیر در نور آفتاب در آی تا قربانی کنیم. 13- در قرآن کریم به صراحت از ایام تشریق یاد نشده؛ ولی تعبیرهای دیگری بکار رفته که مراد از آن ایام تشریق است؛ از جمله آمده است که خداوند را در روزهای مشخصی یاد کنید: «واذکروا الله فی ایام معدودت». (سوره بقره / 203، 2) مراد از «ایام معدودت» به نظر برخی 10 روز نخست ذی الحجه 14- یا روز عید قربان و دو روز پس از آن 15- است؛ ولی اهل بیت علیهم السلام مقصود از آن را ایام تشریق دانسته اند. 16- بیشتر مفسران فریقین نیز همین نظر را ذکر کرده اند. 17- در آیه 28 سوره حج / 22 نیز به ذکر خداوند در روزهایی معلوم اشاره گردیده است: «ویذکروا اسم الله فی ایام معلومت». در تعیین مراد از «ایام معلومات» اقوال متعددی وجود دارد؛ از جمله ایام تشریق، 10 روز اول ذی الحجه، 9 روز اول ذی الحجه، عید قربان و سه روز پس از آن، روز ترویبه و 4 روز پس از آن و روز عرفه و سه روز بعد از آن؛ 18- ولی بیشتر کسانی که این اقوال را ذکر کرده اند ایام تشریق را نیز یکی از مصادیق ایام معلومات برشمرده اند. بنابر روایتی از امام صادق علیه السلام ایام معلومات و ایام معدودت یکی و همان ایام تشریق است. 19- برخی روایات اهل سنت نیز ایام معلومات را همان ایام تشریق دانسته است. [ / http



در روایت است که: حلق (تراشیدن موها) را انجام می دهد سپس این فرد مخیر است بین انجام عمره از «ادنی الحل (1)»

(او را از انجام حج در سال آینده کفایت می کند)، و بین بازگشت به سوی دیارش و سال آینده حج را بجای آورد. (شیخ این قول را حمل بر استحباب نموده است (2)).

علی بن بابویه و پسرش: بر حاجی متمتعی که از او دو وقوف فوت شده، واجب است که عمره و کفاره (گوسفندی قربانی کند) بدهد و اگر تنها یک وقوف از او فوت گردد، تنها باید عمره بجای آورد. البته در هر دو حالت، سخنی از طواف نساء بیان نشده است (3).

حال اگر چنین شخصی که از او حج فوت شده، بخواهد تا سال آینده در احرام باقی بماند، قول شبیه تر به واقع (اشبه منع از چنین عملی است (4)).

### حکم فرد فراموشکار مشعر

اگر در عرفات، وقوف اختیاری نموده، که در این صورت هیچ چیزی به گردن او نمی باشد. و اگر وقوف در عرفه و مشعر را به طور کل فراموش کند، حجش باطل است. البته فرد جاهل نیز همین حکم را دارد.

شیخ طوسی در تهذیب: حکم ترک وقوف در مشعر از باب جهالت، این فرد حجش باطل است.

روایت محمد بن یحیی: بر خلاف نظر شیخ طوسی است.

البته شیخ آن روایت را تأویل کرده بر کسی که تمام وقوف را (عرفات و مشعر) از روی جهالت ترک کرده باشد (5).

ص: 580

---

1-1 - مقصود از «ادنی الحل» نزدیکترین مکانها به حدود حرم از بیرون مرزهای آن است. به همین دلیل، زمینهای درون مرزهای حرم را «حرم» نامیدهاند: زیرا به احترام مکه، احکام خاصی دارد. منطقه بیرون از مرزهای آن را «حل» مینامند؛ زیرا خداوند متعال آنچه را در درون مرزهای «حرم» حرام کرده، در آنجا حلال فرموده است. ادنی الحل، میقات (میقات) عمره مفرده (میقات) عمره مفرده است برای اهل مکه یا کسانی که در مکه مجاورند یا افرادی که بین میقات های پنج گانه و مکه سکونت دارند، و نیز کسی که برای انجام کاری جز حج به حدود حرم رسیده و تصمیم دارد عمره مفرده بجا آورد. <http://wiki.islamicdoc.org>

2-2 - الشیخ محمد بن مکی العاملی، الدروس الشرعیه فی فقه الأمامیه، ص 426.

3-1 - همان.

4-2 - الشیخ محمد بن مکی العاملی، الدروس الشرعیه فی فقه الأمامیه، ص 427.

5-3 - همان، ص 425.

[978] بعد از آن که از وقوف به عرفات در مغرب شب دهم فراغت حاصل شد، باید کوچ کند به مشعر الحرام که محل معروفی است و حدود معینی دارد.

[979] احتیاط واجب که شب دهم را تا طلوع صبح در مشعر الحرام به سر ببرد و نیت کند اطاعت خدا را در این به سر برد شب.

[980] چون صبح طلوع کرد نیت وقوف به مشعر الحرام کند تا طلوع آفتاب و چون این وقوف عبادت خداوند است باید با نیت خالص از ریا و خودنمایی وقوف کند والا حج او در صورت ریا کردن با عمد و علم، باطل خواهد شد.

[981] اقوی جواز کوچ کردن بلکه استحباب آن است کمی قبل از طلوع آفتاب، به نحوی که قبل از طلوع آفتاب از وادی «محتر» تجاوز نکند و اگر تجاوز کرد گناهکار است ولی کفاره بر او نیست و احتیاط آن است که وقتی حرکت کند که قبل از طلوع آفتاب وارد وادی محشر نشود.

[982] واجب است از طلوع صبح تا کمی قبل از طلوع آفتاب (به طوری که در مسأله پیش گفته شد) در مشعر بمانند، لکن تمام آن رکن نیست (1). بلکه رکن وقوف کمی از بین الطلوعین است اگر چه به قدر یک دقیقه باشد، پس اگر کسی وقوف بین الطلوعین را یکسره ترک کند به تفصیلی که می آید حج او باطل خواهد شد.

[983] جایز است برای کسانی که عذری دارند، قدری که شب در مشعر توقف کردند کوچ کنند به منا؛ مثل زن ها و بچه ها و بیماران و پیرمردان و اشخاص ضعیف و اشخاصی که برای پرستاری یا راهنمایی آنها لازم است همراه باشند و احتیاط واجب آن است که پیش از نصف شب حرکت نکنند، بنا بر این برای این اشخاص وقوف بین الطلوعین لازم نیست و احتیاط مستحب آن است که اگر توقف مشکل نباشد تخلف نکنند (2).

[984] کسی که شب یا بعض آن را در مشعر بوده است اگر قبل از طلوع صبح عمده و بدون عذر از مشعر بیرون رود و تا طلوع آفتاب برنگردد، در صورتی که وقوف عرفه از او فوت نشده است، بنا بر مشهور حج او صحیح است، و باید یک گوسفند کفاره بدهد، لکن احتیاط برخلاف

ص: 581

1-1- خامنه ای، علی، مناسک حج، ص 245.

2-2- همان، ص 246.

آن است؛ یعنی بعد از اتمام حج لازم است در سال دیگر حجه را اعاده کند و این احتیاط ترک نشود.

[985] کسی که درک نکند وقوف بین الطلوعین را یا وقوف شب را، در صورتی که صاحب عذر باشد، اگر مقداری از طلوع آفتاب تا ظهر در مشعر توقف کند اگر چه کم باشد حج او صحیح است (1).

[986] از آن چه گذشت معلوم شد که برای وقوف به مشعر سه وقت است:

اول - شب عید برای کسانی که عذری دارند.

دوم - بین طلوع صبح و طلوع آفتاب.

سوم - از طلوع آفتاب تا ظهر روز دهم، که اضطراری مشعر است؛ چنانکه قسم اول نیز اضطراری است.

[987] چون معلوم شد که وقوف به عرفات و مشعر اختیاری و اضطراری دارند و از برای وقوف به مشعر دو قسم اضطراری است، پس به ملاحظه ادراک هر دو موقف یا یکی از آنها در وقت اختیاری یا اضطراری، مفرده و مرکباً، و به ملاحظه ترک عمدی یا جهلی یا نسیانی، اقسام زیادی دارد که در این جا آنچه مورد ابتلا ممکن است بشود، ذکر می شود:

اول - آن که مکلف درک هر دو موقف کند در وقت اختیاری؛ یعنی از ظهر روز عرفه، عرفات را و بین الطلوعین صبح دهم، مشعر را درک کند. پس اشکالی در صحت حج او نیست (2).

دوم - آن که هیچیک از دو موقف را درک نکند، نه اختیاری آنها را و نه اضطراری را، پس اشکالی نیست در بطلان حج او و باید به همان احرام حج عمره مفرده که عبارت است از طواف و نماز آن و سعی و تقصیر و طواف نساء و نماز آن، به جا آورد و از احرام محل شود و اگر گوسفند همراه داشته باشد احتیاط ذبح کند و باید سال دیگر حج به جا آورد، اگر شرایط استطاعت را دارا باشد، در صورتی که درک نکردن موقف به واسطه عذر باشد.

[988] اگر درک نکردن دو موقف که ذکر شد، از روی تقصیر بوده حج بر او مستقر می شود و باید سال دیگر چه شرایط باشد یا نباشد به حج برود.

[989] احتیاط مستحب آن است که این شخص که حج او باطل شد و باید عمره به جا آورد نیت عدول به عمره مفرده بکند.

ص: 582

---

1-1 - خامنه ای، علی، مناسک حج، ص 246.

2-2 - همان، ص 247.

سوم - آن که درک کند اختیاری عرفه را با اضطراری مشعر در روز؛ یعنی اضطراری نهاری مشعر را، پس اگر اختیاری مشعر را عمدا ترک کرده باشد حج او باطل است و الاصحیح است (1).

چهارم - آن که درک کرده باشد اختیاری مشعر را با اضطراری عرفه، پس اگر اختیاری عرفه را عمدا ترک کرده، حج او باطل است و الاصحیح است.

پنجم - آن که درک کرده باشد اختیاری عرفه را با اضطراری شب شعر؛ یعنی قبل از طلوع صبح، پس اگر اختیاری مشعر را با عذر ترک کرده است، چنانچه گفته شد، حج او صحیح است و الا باطل است بنا بر احتیاط واجب.

ششم - آن که درک کرده باشد اضطراری لیلی شعر و اضطراری عرفه را، پس اگر صاحب عذر باشد و اختیاری عرفه را عمدا ترک نکرده باشد ظاهره حج او صحیح است و غیر صاحب عذر اگر اختیاری یکی را عمدا ترک کرده باشد حجش باطل است بنا بر اقوی در یکی، و بنا بر احتیاط در دیگری که اختیاری شعر باشد، و اگر به غیر عمد باشد احتیاط واجب در بطلان است.

هفتم - آن که درک کرده باشد اضطراری عرفه و اضطراری بومی شعر را، پس اگر ترک یکی از دو اختیاری را عمدا کرده باشد حج او باطل و الاصحیح بعید نیست، گرچه احتیاط اعاده است در سال بعد، با حاصل بودن شرایط وجوب (2).

اختیاری عرفه را فقط، احتیاط واجب در این صورت اتمام و اعاده است اگر اختیاری مشعر را عمدا ترک نکرده باشد و الا حج او باطل است.

نهم - آن که درک کند اضطراری عرفه را فقط، در این صورت حج او باطل است.

دهم - آن که درک کند اختیاری مشعر را، در این صورت حج او صحیح است اگر وقوف عرفه را عمدا ترک نکرده باشد و الا حج او باطل است.

یازدهم - آن که درک کند اضطراری روز مشعر را فقط، در این صورت حج او باطل است.

دوازدهم - آن که درک کند اضطراری لیلی مشعر را فقط، در این صورت اگر وقوف عرفات را عمدا ترک نکرده باشد و از صاحبان عذر باشد، ظاهرا حج او صحیح است و الأباطل است. این احتیاط واجب نیست. (3).

ص: 583

---

1-1- خامنه ای، علی، مناسک حج، ص 248.

2-2- همان، ص 248.

3-3- همو، ص 249.

## پاسخ آیه الله خامنه ای به سؤالات با محوریت وقوف در مشعر الحرام

[990] س. عده ای در شب دهم ذی حجه عازم مشعر بودند، از افرادی که آن جا بودند سؤال نمودند مشعر کجا است؟ جواب دادند این جا است، اطمینان پیدا کردند که مشعر است، نیت بیتوته و قصد وقوف کردند، بعد که وقت اضطراری مشعر هم گذشته بود، معلوم شد مشعر نبوده، آیا نسبت به باقی اعمال حج و سال آینده وظیفه چیست؟

ج - احتیاط این حج را اتمام کنند و بعد از آن، اعمال عمره مفرده انجام دهند و در صورت استقرار حج یا بقای استطاعت، سال بعد حج را اعاده کنند (1).

[991] س- اگر به گفته مدیر گروه که می گوید درک وقوف اختیاری مشعر برای او مشکل است و نمی تواند آن را درک نماید، اعتماد کند و وقوف اختیاری را ترک نماید آیا اشکالی ندارد؟

ج - اگر برای خود شخص عذر حاصل شده، کفایت می کند

[992] س - خدمه ای که با زن ها، قبل از طلوع فجر، به منا می روند ولی خود را قبل از طلوع آفتاب به مشعر می رسانند و وقوف رکنی مشعر را درک می کنند، آیا نیابت آنان صحیح است یا نه؟

ج - اگر از ذوی الأعدا نبوده اند که نیابت آنها صحیح است در فرض مرقوم حجتان نیابت صحیح است؛ هر چند مرتکب حرام شده اند

[993] س - کسی که نمی دانسته وقوف اختیاری شعر، بین طلوعین است، پس از آن وقوف اضطراری را درک کرده، وظیفه او چیست؟

ج- اگر جهل او قصوری و عذری باشد، نه تقصیری و ترک وقوف اختیاری از روی عذر شده باشد، مانع ندارد.

[994] س - شخصی وقوف عرفات و مقداری از وقوف لیلی مشعر را درک کرده و عمدا قبل از طلوع فجر رفته است به نا، برای بردن اثاث و کار دیگری، و قصد داشته است که مجددا به مشعر برگردد ولی در نا خوابش برده، وظیفه چنین حاجی ای چیست (2)؟.

ج- با فرض اینکه ترک اختیاری مشعر عمدی نبوده، در فرض مرقوم، اضطراری کافی است،

ص: 584

---

1-1- خامنه ای، علی، مناسک حج، ص 249

2-2- همان، ص 250.

ولی اگر شب نیت وقوف نداشته، باید اضطراری روز را درک کند، ولی اگر نایب است کافی نیست.

## مستحبات وقوف به مشعرالحرام

[995]م - بدان که مستحب است باتن و دلی آرام از عرفات به سوی مشعرالحرام متوجه شده و استغفار نماید و همین که از طرف دست راست به تل سرخ رسید بگوید:

اللهم ارحم توقفی وزده فی عملی وسلم لی دینی وتقبل مناسکی».

و در راه رفتن میانه روی نماید و کسی را آزار ندهد و مستحب است نماز شام و خفتن را تا مزدلفه به تأخیر اندازد اگرچه ثلث شب نیز بگذرد و میان هر دو نماز به یک اذان و دو اقامه جمع کند و نوافل مغرب را بعد از نماز عشا به جا آورد و در صورتی که از رسیدن به مزدلفه پیش از نصف شب مانعی رسید، باید نماز مغرب و عشا را به تأخیر نیندازد و در میان راه بخواند و مستحب است که در وسط وادی، از طرف راست راه نزول نماید و اگر حاجی ضروره باشد مستحب است که در مشعرالحرام قدم بگذارد و مستحب است که آن شب را به هر مقدار که میسور باشد به عبادت و اطاعت الهی به سر برد و این دعا را بخواند:

اللهم هذه جمع، اللهم إني أسألك أن تجمع لي فيها جوامع الخير، اللهم لا تؤسني من الخير الذي سألتك أن تجمع لي في قلبي وأطلب إليك أن تعرفني ما عرف أولياءك في منزلي هذا وأن تقبلي جوامع الشر».

و مستحب است بعد از نماز صبح با طهارت حمد و ثنای الهی را به جا آورد و به هر مقداری که میسور باشد از نعم و تفضلات حضرت حق ذکر کند و بر محمد و آل محمد صلوات بفرستد آنگاه دعا نماید و این دعا را نیز بخواند:

اللهم رب المشعرالحرام فك رقتي من النار وأوسع علي من رزقك الحلال وادرا عني شر فسقه الجن والإنس، اللهم أنت خير مطلوب إليه و خير مدعو وخير مسؤول ولكل وافد جائزه فاجعل جائزتي في موطني هذا أن تقبلي عثرتي وتقبل معذرتي وأن تجاوز عن خطيئتي ثم اجعل التقوى من الدنيا زادي».

و مستحب است سنگ ریزه هایی را که در منا می خواهد نمود، از مزدلفه بردارد و مجموع

آنها هفتاد دانه است و مستحب است وقتی که از مزدلفه به سوی منا رفته و به وادی محشر رسید، به مقدار صد قدم مانند شتر تند رود و اگر سواره است سواری خود را حرکت دهد و بگوید(1):

«اللهم سلم لی عهدی و اقبل توبتی و اوجب دعوتی و اخلفنی فیمن ترکت بعدی».

### پاسخ آیه الله جوادی آملی به چند سؤال از مشعر

1- آیا حج گزار می تواند بعد از وقوف عرفات به غیر مشعر (مانند مکه) برود و سپس به مشعر بازگردد (2)؟

پاسخ: می تواند به مکه یا جای دیگر برود و برای وقوف بازگردد.

2- بیتوته شب تا طلوع فجر در مشعر چه حکمی دارد؟

پاسخ: بیتوته شب دهم تا طلوع فجر در مشعر، بنابر احتیاط واجب، لازم است.

3- آیا خدمه ای که شبانه به نا رفته اند، باید برای درک وقوف، به مشعر بازگردند؟

پاسخ: اگر اصل وقوف در مشعر را هر چند اندک، درک کرده باشند؛ لازم نیست بازگردند.

4- کسی که وقوف شبانه را در مشعر درک کرده اگر عمداً وقوف بین الطلوعین را ترک کند؛

چه حکمی دارد؟

پاسخ: حج او صحیح است.

ص: 586

---

1-1- خمینی، روح الله، مناسک حج امام خمینی (ره)، ص 214.

2-2- esra.ir







## ذی الحجّه، از جمله ماه های حرام

در حدیثی، مسدد، اسماعیل، ایوب، از محمد، از ابی بکره، نقل می کنند که: « پیامبر (صلی الله علیه و آله) در حجش سخنرانی کرد و فرمود: «همانا زمان چرخیده است مانند همان زمانی که خدا آسمان ها و زمین را آفرید (گردش و چرخش آسمان و زمین). یک سال دوازده ماه است، که از آن ها، چهار ماه حرام است: سه ماه از آن متوالی و پشت سر هم است (ذی القعدة - ذی الحجّه - محرم) و رجب مانند قبیله «مصر» است که بین جمادی و شعبان است (1)».

کلام شافعی در «المختصر»:

مشهورترین ماه های حج، شوال - ذوالقعدة - و نهم ذی الحجّه است که همان روز عرفه است. و کسی که تا فجر روز عید قربان، عرفه را درک نکند، حجش فوت می شود.

دو مبحث مطرح است:

1- «و هو یوم عرفه» مسعودی گوید: معنایش نهم روز عرفه است که بزرگ ترین عمل حج است. و این سخن که: «فمن لم یدرکه» در تفسیر مورد اختلاف است که اکثرا می گویند: یعنی؛ کسی که تا فجر روز عید قربان، احرام حج را درک نکند. و مسعودی گوید: منظور کسی که وقوف در عرفه را درک نکند.

2- اعتراض ابن داود که گفته است: (و تسع من ذی الحجّه) آیا روز نهم یا شب نهم ذی الحجّه مراد است؟ اگر از این کلام، روز (ایام) نهم اراده شود، لفظ دارای اشکال است زیرا جمع مذکر در عدد با هاء می آید. (ایام جمع مذکر است و عدد باید تسعه باشد). مانند سخن خدا (و ثمانیه ایام) و اگر منظور شب نهم (اللیالی) باشد، باز هم در معنا نقص دارد. زیرا منظور از لیالی، عشر (دهم) است؛ نه تسع (نهم). و اصحاب معنای دیگری را اراده کرده اند که شامل شب و روز می شود. و حال آن که عرب در عدد تأنیث آورده است و لذا خداوند فرموده است: (اربعه اشهر وعشرا) (2).

ص: 589

1-1- سجستانی، ابی داود سلیمان بن الأشعث الازدی، سنن ابی داود، باب 67 / 68، ص 454.

2-2- العزیز شرح الوجیز (شرح الکبیر)، ج 3، ص 327.

واجبات حج و عمره، که حاجی با ترک آن‌ها باید کفاره (خون) دهد، در بین فقهای اهل سنت، مختلف است:

حنفیه: واجبات حج 22 مورد است که در کتاب «اللباب» تا 35 مورد هم رسیده است.

از جمله آن‌ها: سعی، وقوف در مشعر الحرام ولو به اندازه یک لحظه در نیمه دوم شب، رمی جمرات، حلق یا تقصیر و طواف وداع. و آن در نزد حنفیه مختص کسی است که خارج از میقات‌ها و حیاض نباشد.

واجبات عمره در نزد حنفی‌ها، دو چیز است: 1- سعی 2- حلق یا تقصیر.

واجبات حج در نزد مالکیه پنج مورد است: طواف قدوم (ورود و حضور یافتن) بنا بر نظر صحیح‌تر، وقوف در مشعر الحرام، رمی جمرات، حلق یا تقصیر بنا بر قول مشهور، بیتوته در منا.

و در عمره، حلق یا تقصیر واجب است.

واجبات حج در نزد شافعیه، پنج چیز است: إحرام از میقات زمانی و مکانی، رمی جمرات، و بیتوته در مزدلفه، یعنی وقوف در مزدلفه، بیتوته در منا به نحو راجح؛ و طواف وداع.

اعمال عمره در نزد آنان (شافعیه) همه جزء ارکان حج است بجز حرام از سوی کسی که محل است (محرم نیست) و آن واجب است. همچنانکه حلق یا تقصیر بنا بر قول مشهور به عنوان رکنی در حج و عمره است.

واجبات حج در نزد حنابله شش امر است: إحرام از میقات، وقوف در عرفه هنگام روز تا غروب، بیتوته در مزدلفه، بیتوته در منا، رمی جمرات را به ترتیب انجام دهد، حلق یا تقصیر، طواف وداع (1).

### بررسی رکن در موقئینی

مذاهب اربعه اهل سنت: به رکن بودن عرفه فتوا نداده، بلکه آن را از واجبات غیر رکنی می‌دانند و لذا اگر کسی آن را ترک کند، حجش صحیح ولی باید کفاره بدهد.

ص: 590

از آنجا که هیچ کدام از مذاهب اربعه مجموع وقت، و مسمای آن را در وقوف در «مشعر» رکن نمی دانند می گویند: اگر ترک شود با کفاره جبران می شود.

به هر حال کسانی که به رکن بودن آن فتوا داده اند، به یک روایت و نیز به عمل پیامبر ص استناد کرده اند.

اما روایت: «روی عن النبی (صلی الله علیه و آله) انه قال من فاته المبيت بالمزدلفه فقد فاته الحج» «پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: کسی که بیتوته در مزدلفه از او فوت شود، حج را از دست داده است»

و همین عده به عمل پیامبر (صلی الله علیه و آله) نیز استناد کرده اند، به این که حضرت در مزدلفه بیتوته کرد (1).

### زمان حرکت از منا به سوی عرفه

در روایتی از «یحیی بن حبیب بن عربی» آمده است: حماد از یحیی بن سعید انصاری از عبدالله بن ابی سلمه از ابن عمر به ما اینچنین حدیث نقل نموده اند که: صبحگاهان با رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از منا تا عرفه حرکت کردیم؛ پس از ما است کسی که تلبیه (2) و تکبیر گوید (3).

بنا بر روایت احمد و ابو داود، این مطلب فوق؛ از باب اولویت است. یعنی حتی اگر قبل از طلوع فجر هم برود جایز است؛ زیرا در این جا، اعمال و مناسکی تعلق نمی گیرد. مستحب است در هنگام توجه به عرفات بگوید:

اللهم اليك توجهت و عليك توكلت و وجهك أرد فأجعل ذنبي مغفورا و حجي مبروره وأرحمني ولا تخيبي و بارك لي في سفري و أفض بعرفات حاجتي إنك على كل شيء قدير». سپس بنا بر قول ابن مسعود، بعد از آن؛ تکبیر (الله اکبر) و تهلیل (لا اله الا الله) بگوید (4).

ص: 591

1-1- جناتی، محمد ابراهیم، حج از دیدگاه مذاهب اسلامی، ص 139.

2-2- تلبیه: اللهم ليبيك، اللهم ليبيك، لا شريك لك ليبيك، ان الحمد والنعمة لك في الملك، لا شريك لك ليبيك.

3-3- دینار النسائی، ابو عبد الرحمن احمد بن شعيب ابن علی بن سنان، سنن النسائی، حدیث 3000، ص 474.

4-4- فخر الدین، عثمان بن علی الزیلعی - احمد الشلبی شهاب الدین، تبیین الحقائق شرح کنز الدقایق و بهامشه حاشیه الشلبی، ص 23.

## ذکر تکبیر در مسیر به سوی عرفه

اسحاق بن ابراهیم» در روایتی آورده است: ابا نعیم الفضل بن دکین به ما خبری را آورده است: مالک و محمد بن ابی بکر ثقفی در حدیثی چنین آورده اند: به انس گفتم در حالیکه صبحگاهان از تمنا به سمت عرفات در حرکت بودیم، در این روز با رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در مورد تلبیه چه کردید؟ لبیک گو، تلبیه می گفت و مکبر تکبیر می گفت در حالیکه حضرت آن ها را انکار نمی کرد (1).

## نحوه ورود به عرفه

بر طبق روش پیامبر (صلی الله علیه و آله) در مناسک و اعیاد، حضرت از یک راهی می رفتند و از راه دیگری بر می گشتند؛ مثلاً از درب بنی شیبیه وارد مسجد شدند و هنگام وداع از در محزوره خارج شدند و از او ضرب به عرفات وارد شدند و از او مازمین خارج شدند. پس همانا بین عرفه و مزدلفه، بطن عرنه است و بین مزدلفه و منا، بطن مکر است. حضرت فرمودند: تمام عرفه، موقف است و از بطن عنه بالا روید و تمام مزدلفه، موقف است و از بطن مکر بالا روید.... (2).

## ورود به عرفه

در حدیثی از احمد بن حنبل و وکیع و نافع بن عمر و سعید بن حسان و از ابن عمر که گفته است: وقتی که حجاج، ابن زبیر را کشت، از ابن عمر این سؤال را پرسید که: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) امروز چه ساعتی می آیند؟ و ابن عمر قبل از آن که برود؛ گفت: وقتی که خورشید هنوز منحرف نشده باشد، که اگر منحرف شود (غروب خورشید) کوچ می کند (3).

## خواندن خطبه سخنرانی از سوی پیامبر (صلی الله علیه و آله) در عرفه

در حدیثی «هاد» از ابن ابی زائده نقل می کند که سفیان بن عیینه، از زید بن أسلم، از

ص: 592

1-1- دینار النسائی، ابو عبد الرحمن احمد بن شعيب ابن علی بن سنان، سنن النسائی، حدیث 3002، ص 474

2-2- ابن تیمیه الحرانی، شیخ الاسلام احمد بن عبد الحلیم، مناسک حج، ص 102.

3-3- سجستانی، ابی داود سلیمان بن الأشعث الازدی، سنن ابی داود، باب 61 / 60، ح 1914، ص 448.

شخصی از قبیله بنی زمره، از پدرش یا عمویش گوید: «من رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را روز عرفه در حالی که بر روی منبر بودند؛ دیدم» (1).

در حدیثی «مسدد» نقل می کند که: عبد الله بن داود از سلمه بن نبیط، از شخص زنده ای، از پدرش نبیط آورده است که: «این شخص در هنگام وقوف در عرفه، پیامبر (صلی الله علیه و آله) را بر روی شتر سرخی دید که سخنرانی می کرد» (2).

در برخی منابع آمده است که:

امام دو خطبه بجای می آورد که یکی بعد از زوال و دیگری بعد از اذان است و مانند خطبه های نماز جمعه است که امام بین آن دو می نشیند. و اگر خطبه قبل از زوال باشد، امری جایز است زیرا مقصود حاصل می شود.

صفات و خصوصیات خطبه اینگونه است: حمد و ثنای الهی است - تهلیل (لا اله الا الله) - تکبیر - و سلام و صلوات بر پیامبر (صلی الله علیه و آله)، و نصیحت مردم و امر آنان به آنچه خدا فرمان داده و نهی از آنچه خدا باز داشته و نهی کرده است و تعلیم مناسک حج (3).

### وقوف در عرفه

در خبری از «اسحاق بن ابراهیم» که از پدر معاویه و هشام از پدرش و او از عایشه نقل می کند که: قریش (خمس نامیده می شوند) و سایر عرب در عرفه وقوف می کردند. پس خداوند به پیامبرش فرمان داد که وقوف در عرفه کند؛ سپس از عرفه کوچ کند آنگاه خدا در قرآن، سوره بقره آیه 199 فرمود: «ثم أفيضوا من حيث أفاض الناس» (4).

در حدیثی از قتیبه - سفیان بن عیینه - عمرو بن دینار... فرمود: ابن مربع انصاری در نزد ما آمد در حالی که ما در مکان دوری وقوف نموده بودیم فرمود: همانا من فرستاده رسول خدا (صلی الله علیه و آله)

ص: 593

---

1-1- سجستانی، ابی داود سلیمان بن الأشعث الازدی، سنن ابی داود، باب 61762، ح 1915، ص 448

2-2- همان، سنن ابی داود، ح 1916، ص 448.

3-3- فخر الدین، عثمان بن علی الزیلعی - احمد الشلبی شهاب الدین، تبیین الحقائق شرح کنز الدقایق و بهامشه حاشیه الشلبی، ص 23.

4-4- دینار النسائی، ابو عبد الرحمن احمد بن شعيب ابن علی بن سنان، سنن النسائی، حدیث 3014، ص 476.

به سوی شما هستیم که می فرماید: مشاعر و شعاعر الهی را حفظ کنید که ارثی از سوی حضرت ابراهیم است (1)

در حدیثی از «محمد بن عبد الأعلى الصنعانی البصری» و از... هشام بن عروه از پدرش از عایشه که گوید: قریش و افراد هم کیش آنان که «خمس» نامیده می شوند، در مزدلفه وقوف کردند و اینگونه قائل بودند که: ما چون جزء ساکنین حرم الهی هستیم، وقوف در عرفه نداریم و این وقوف عرفات، شامل غیر آنان می شود؛ پس خداوند متعال این آیه را نازل کرد و فرمود: «ثم أفيضوا من حيث أفاض الناس».

ابو عیسی گوید: این حدیث حسن و صحیح است. و معنای این حدیث آن است که: اهل مکه از حرم خارج نمی شوند، لذا در مزدلفه فقط وقوف می کردند (2).

## وجوب وقوف در عرفه و نحوه آن

از جمله واجبات حج، هفت امر است که یکی از آن موارد؛ وقوف است (3).

در خبری از اسحاق بن ابراهیم - وکیع - سفیان - بکیر بن عطاء - عبد الرحمن بن یعمر: رسول خدا را دیدم که مردم در نزد حضرت می آمدند و از حج می پرسیدند، رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در جواب فرمود: «الحج عرفه، فمن أدرك ليله عرفه قبل طلوع الفجر من ليله جمع فقد تم حجه». تمام حج در عرفه است، پس کسی که شب عرفه را قبل از طلوع فجر شب مزدلفه (شبی که مغرب و عشا را با هم می خواند) درک کند، حجتش به اتمام رسیده است (4).

## حکم رکن بودن عرفه

در پاسخ به این سؤال که: آیا وقوف رکن است یا نه؟

همه فقهای مذاهب، «وقوف به عرفات» را از ارکان حج می دانند، خواه تمتع باشد یا قران و افراد. بنابراین کسی که وقوف عرفه را ترک کند حجتش باطل است، بدلیل روایتی از پیامبر که

ص: 594

---

1-1 - ابن سوره، ابی عیسی محمد بن عیسی، تحقیق و تخریج و تعلیق: محمد فؤاد عبد الباقي، الجامع الصحیح و هو سنن الترمذی، دارالکتب العلمیه، بیروت - لبنان، ج 3، تحفه 53، باب 53، ش ح 883، ص 230.

2-2 - همان، تحفه 53، ح 884، باب 53، ص 231.

3-3 - برهان الدین، ابراهیم بن محمد بن عبد الله بن محمد ابن مفلح - ابو اسحاق، المبدع فی شرح المقنع، ص 240.

4-4 - دینار النسائی، ابو عبد الرحمن احمد بن شعيب ابن علی بن سنان، سنن النسائی، حدیث 3018، ص 477.

فرمود: «الحج عرفه» و «حصنی شافعی» نیز در کتاب خود برای اثبات این مطلب به این حدیث استدلال کرده است. «ان النبی امر منادیا ینادی الحج عرفه».

پیامبر (صلی الله علیه و آله) به منادی امر کرد: فریاد بزن حج عرفه است» یعنی معظم ارکان حج، عرفه می باشد. همچنان که جزء بزرگ یک رکعت نماز، رکوع می باشد (1).

و وقوف حاصل می شود با حضور در بخشی از عرفات ولو آن فرد به صورت گذرا در جستجوی بنده فراری باشد. یا در جست و جوی گمشده ای باشد و یا اگر چه که در حال خواب، حضور در عرفه پیدا کند. و یا حتی اگر قبل از عرفات وارد عرفات شده است و خوابش برده است تا این که وقت آن بگذرد، بنا بر قول صحیح، او را کفایت میکند؛ زیرا تکلیف بر او باقی است بر خلاف فرد مجنون.

و اگر در حالت بیهوشی حضور یابد، بنا بر قول در «الروضه» او را کفایت میکند و «رافعی» آن قول را به عدم اجزا (کفایت نمیکنند) تصحیح نموده است. سپس آنگاه «النووی» مطلبی را افزوده به این که: قول صحیح تر (اصح) در نزد جمهور، این است که: وقوف فرد بیهوش صحیح نمی باشد.

نتیجه آن که: شرط مجزی بودن وقوف، آن است که؛ وقوف کننده شایستگی عبادت را داشته باشد که در این صورت در هر جایی وقوف کند جایز است؛ زیرا کل آن منطقه عرفه است (2).

### مکان وقوف در عرفه

قتیبہ بن سعید در خبری از سفیان و او از عمرو بن دینار - محمد بن جبیر بن مطعم از پدرش چنین گوید: شترم را در صحرای عرفات و روز عرفه گم کرده بودم و دنبالش بودم که پیامبر (صلی الله علیه و آله) را در حال وقوف دیدم و گفتم: ما شأن هذا؟ إنما هذا من الخمس (3). شأن این مکان چیست؟ حضرت فرمودند: این مکان از قبیلہ خمس است.

فتیبہ در خبری از سفیان بن عمرو بن دینار از عمرو بن عبد الله بن صفوان خبری را آورده

ص: 595

1-1- جناتی، محمد ابراهیم، حج از دیدگاه مذاهب اسلامی، ص 130.

2-2- تقی الدین الشافعی، ابوبکر بن محمد بن عبد المؤمن بن حریر معلی الحسینی الحصنی، کفایه الأخیار فی حل غایه الاختصار، ج 1، ص 214.

3-3- دینار النسائی، ابو عبد الرحمن احمد بن شعیب ابن علی بن سنان، سنن النسائی، حدیث 3015، ص 476.



است که یزید بن شیبان گوید: ما در روز عرفه در مکان دوری از موقف وقوف کردیم، پس ابن مربع انصاری گفت: من فرستاده ی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به سوی شما هستم که ایشان می فرمایند: مواظب مشعر هایتان باشید؛ زیرا این ارثی است که از حضرت ابراهیم به شما رسیده است (1).

یعقوب بن ابراهیم گوید: یحیی بن سعید در حدیثی از جعفر بن محمد آورده است که: پدرم اینچنین گوید: ما در نزد جابر بن عبد الله رفتیم و پیرامون حج پیامبر (صلی الله علیه و آله) پرسیدیم؛ جابر، حدیثی از پیامبر (صلی الله علیه و آله) را بر ما گفت که حضرت فرموده اند: «عرفه کلها موقف» تمام عرفه موقف است (2).

### مفهوم «عرفه کلها موقف»

در حدیثی از «محمد بن بشار» و «ابو احمد الزبیری» و... از علی بن ابی طالب (رضی الله عنه) که فرمود:

رسول خدا در عرفه وقوف کرد و فرمود: اینجا عرفه است و این همان موقف است و تمام عرفه موقف است؛ سپس هنگام غروب خورشید از عرفه کوچ کرد و «اسامه بن زید» هم بود. حضرت با وقار و سنگینی به مردمی که از راست و چپ می رفتند؛ فرمودند: «یا ایها الناس! علیکم السکینه» (3).

در فرقه حنفیه آمده است:

کل عرفات، موقف است به جز بطن ممرنه، و بعد از زوال در عرفات برای وقوف غسل کند و در کنار کوه «جبل الرحمه» رو به قبله و در حال تکبیر - تهلیل (لااله الا الله) - تلبیه و در حال دعا باشد و مانند کسی که برای طلب غذایی دستش را دراز میکند؛ دستش را دراز کند و تلاش برای دعا به خودش و پدر و مادر و برادرانش. و اگر با یک قطره اشک از عرفه خارج شود، دلیل بر قبولی و پذیرش آن است (4).

وقوف بر راحله (مرکب سواری) فضیلت بیش تری دارد. ایستاده بر روی زمین از نشستن با

ص: 596

1-1- سنن نسائی، حدیث 3016، ص 477.

2-2- همان، حدیث 3017، ص 477.

3-3- سنن ترمذی، ح 885، باب 54، ج 3، ص 232.

4-4- طحطاوی الحنفی، احمد بن محمد بن اسماعیل، حاشیه الطحطاوی علی مراقی الفلاح شرح نور الايضاح، ص 734.

فضیلت تر است. پس زمانی که خورشید غروب کرد؛ امام کوچ می کند و مردم هم به همراه امام به آرامی کوچ می کنند (1).

## حکم وقوف در عرفه

به اجماع علما: «عرفه» یکی از ارکان اصلی در حج است به جهت قول پیامبر (صلی الله علیه و آله): الحج عرفه. و امت هم اجماع دارند بر این که: عرفه، رکنی در حج است که اعمال بدون آن به اتمام نمی رسد. پس کسی که از او این عمل فوت شود؛ باید سال آینده حج را مجدد انجام دهد.

تمام عرفه، موقف است ولی در کنار «جبل الرحمه» فضیلتش بیشتر است. و شایسته است که حاجی در «بطن خرنه» وقوف نماید. زیرا پیامبر (صلی الله علیه و آله) از آن مکان نهی نموده است. و در روایات آمده است که آنجا وادی شیطان است. و نیز وقوف در قبل از عرفه مانند «نمره» مجزی نمی باشد (2).

## حد عرفه

حدود عرفه چهار تاست:

اول: بطن عرنه (بضم عین و فتح راء و نون) بیابانی است مقابل عرفه.

دوم: ثویه (به فتح ثاء و کسر واو، و تشدید یاء) یکی دیگر از حدود عرفه است.

سوم: نمره (به فتح نون و کسر میم) نام کوهی است.

چهارم: ذوالمجاز، بازاری است که یک فرسخ تا عرفه فاصله دارد و در ناحیه «کبکب» واقع شده است.

حال که حدود عرفه بر کسی که قصد وقوف دارد؛ معین شد جایز نیست، در این حدود توقف نماید، به دلیل این که این مکان ها از عرفه به شمار نمی آیند. و حتی زیر اراک (مکانی است در عرفه، نزدیک نمره) هم نمی توان وقوف کرد. چون جزء عرفه نیست. بنابراین اگر در آن مکان وقوف کند، تمام فقها به بطلان حجش فتوا داده اند.

ص: 597

1-1- طحطاوی الحنفی، احمد بن محمد بن اسماعیل، حاشیه الطحطاوی علی مراقی الفلاح شرح نور الایضاح، ص 734.

2-2- وهبه الزحیلی، أ. د، الفقه الاسلامی و ادلته، ج 3، ص 2233.

واما مالک در یکی از این حدود با بقیه مخالفت کرده است. او می گوید: وقوف در بطن عرنه کافی است، ولی باید کفاره بدهد (1).

از کوه مشرف به عرنه تا کوه های مقابلش و تا برسد به نزدیکی حوائط بنی عامر. و نیز مستحب است طبق حدیثی از جابر که از پیامبر (صلی الله علیه و آله) نقل کردند که فرمود: مستحب است حاجیان در پایین ترین قسمت «جبل الرحمه» کنار صخره های بزرگ و روی بر قبله توقف کنند (2).

## زمان وقوف

از زمان زوال خورشید در روز عرفه تا طلوع فجر دوم در روز عید قربان است. زیرا پیامبر (صلی الله علیه و آله) وقتی بعد از زوال در عرفه وقوف می کردند، می فرمودند: خذوا عنی مناسککم. مناسکتان را از من فرا بگیرید.

حنابله «معتقدند: وقت وقوف از طلوع فجر روز عرفه تا طلوع فجر روز عید قربان است. و کسی که در عرفات وقوف کند ولو به شکل گذرا و عبوری، یا در هنگام خواب باشد و یا بیهوش باشد بطوریکه نداند عرفه است؛ به نظر حنابله، مجزی از حجش است (3).

به فتوای حنفیان، مالکیان و شافعیان، وقت آن از زوال شمس روز نهم تا طلوع فجر روز دهم می باشد. و سرانجام حنابله: وقت آن را از طلوع فجر روز نهم تا طلوع فجر روز دهم ذی الحجه ذکر کرده اند (4).

عبد الرحمن بن یعمر الدیلی «چنین گفته است:

پیامبر (صلی الله علیه و آله) به عرفه آمد، گروهی از اهل نجد خدمت حضرت آمدند و گفتند: ای رسول خدا، حج چگونه است؟ حضرت فرمود: حج، عرفه است. پس کسی که قبل از نماز صبح و آن ليله المبيت است؛ در مزدلفه (شعر) باشد، به تحقیق حجش تمام شده است (5).

مالکیه» در مورد مار (عبور کننده از عرفه) دو شرط را قرار داده است به اینکه: 1- فرد حاجی

ص: 598

1-1- جناتی، محمد ابراهیم، حج از دیدگاه مذاهب اسلامی، ص 131.

2-2- وهبه الزحیلی، أ. د، الفقه الاسلامی وادلتہ، ج 3، ص 2234.

3-3- همان.

4-4- جناتی، محمد ابراهیم، حج از دیدگاه مذاهب اسلامی، ص 131.

5-5- وهبه الزحیلی، أ. د، الفقه الاسلامی وادلتہ، ج 3، ص 2235.

بداند که آنجا عرفه است 2- نیت حضور به عنوان رکن را داشته باشد. و مانند حنفیه، وقوف فرد خواب و بیهوش را اجازه نموده اند (1).

و از نظر زمان وقوف در شب یا روز، در مذهب مالکی چنین آمده است:

از جمله واجبات حج، چهار تا است که اول آن حرام و دوم وقوف در عرفه است. که از نظر مالک و اصحابش؛ وقوف در روز از وقوف در شب کفایت نمی کند. و در نزد جمهور از علما، وقوف در روز از شب کفایت میکند؛ آن زمانی که بعد از زوال باشد. و وقوف شب از روز نیز کفایت میکند؛ بر کسی که وقوف در روز از او فوت شده است. و این نظر بر اساس حدیث عروه بن مضرس و نظر اهل علم است. و وقوف در روز قبل از زوال به اجماع، کفایت نمی کند و حکمی بر آن نمی باشد. و تنها، در زمان اول وقت نماز ظهر و عصر که بدون فاصله خوانده می شود، وقوف صدق می کند. و کم ترین وقوف هم، مجزی و مکفی است؛ البته به شرط آن که حاجی با قصد؛ برای انجام واجبات، وارد عرفه شود؛ هر چند که توقی نکرده باشد و دعایی نخوانده باشد؛ و مالک اینچنین وقوفی را اجازه داده است (2).

## احکام خاص عرفه

### 1- ایراد سخنرانی (خطبه امام در عرفه قبل از نماز

ابن قدامه در کتاب «المغنی» خود چنین می گوید: پس زمانی که خورشید طلوع کرد، به سمت عرفه حرکت کند و آنجا باشد تا نماز ظهر و عصر را با آوردن اقامه بر هر نماز بخواند و اگر اذان هم بگوید ایرادی ندارد. و اگر نتوانست با امام باشد، در وسیله سواریش نماز بخواند. و خلاصه آن که: حرکت از منا به سمتی موقوف، هنگام طلوع خورشید روز عرفه مستحب است. پس می ماند در تیره و اگر خواست در عرفه تا خورشید غروب کند، سپس امام سخنرانی می کند و مناسک عبادی را به مردم آموزش

ص: 599

1- سنن نسائی، حدیث 3009 و 3010، ص 476.

2- القرطبی، ابو عمر یوسف بن عبدالله بن عبد البر، الکافی فی فقه اهل المدینه المالکی، ص 134.

می دهد؛ از جمله مکان و زمان وقوف، حرکت از عرفات، بیتوته در مزدلفه، جمع کردن سنگریزه برای رمی جمرات (1).

عمرو بن علی، حدیثی را از سفیان و او از سلمه بن شیط از پدرش که دیدم رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در روز عرفه قبل از نماز بر روی شتر قرمزی سخنرانی (خطبه) کردند (2).

## 2- کوتاه بودن سخنرانی (خطبه) در عرفه

احمد بن عمرو بن شرح در روایتی می گوید از سالم بن عبد الله که عبد الله بن عمر در روز عرفه هنگام زوال خورشید به نزد حجاج بن یوسف آمد و من هم با او بودم) و گفت: اگر می خواهید عمل به سنت بکنید همین ساعت بیایید. سالم هم به حجاج چنین گفت: اگر می خواهی امروز عمل به سنت بکنی، از سخنرانی بکاه و در نماز تعجیل کن. و عبدالله بن عمر هم او را تصدیق نمود (3).

## 3- جمع بین نماز ظهر و عصر ونحوه اذان در روز عرفه

اسماعیل بن مسعود از خالد - شعبه - سلیمان - عماره بن عمیر - عبد الرحمن بن یزید از عبد الله چنین خبر آورده اند که: رسول خدا در عرفه نماز ظهر و عصر را به وقتش با هم می خواندند (جمع می کردند) (4).

ابن المنذر» گوید: اهل علم بر این مطلب اجماع دارند که ؛ در عرفه، امام بین نماز ظهر و عصر جمع می کند. ولی طرفداران «شافعی» قائل به عدم جواز اینچنین جمعی هستند و جایز نمی دانند، مگر بر کسی که بین او و بین وطنش شانزده فرسخ فاصله شود. البته از باب اینکه نماز شکسته می خواند. و حال آن که نظر صحیحی نمی باشد، زیرا پیامبر (صلی الله علیه و آله) این دو نماز را به جمع خوانده است؛ چه برای ساکنین مکه و چه غیر آن ها. و به ترک جمع و

ص: 600

---

1-1 ابن قدامه الحماعلی ثم الدمشقی الحنبلی، ابو محمد موفق الدین عبد الله بن أحمد بن محمد، المغنی لابن قدامه، ص 365.

2-2 سنن نسائی، حدیث 3009 و 3010، ص 476.

3-3 همان، حدیث 3011، ص 476

4-4 همان.

ترک قصر شکسته) بر آنان امر نکرده است. به دلیل آن که تأخیر بیان از وقت حاجت جایز نمی باشد(1).

در حدیث جابر آمده است: «أین النبی - صلی الله علیه وسلم - فعل ذلك، ثم أمر بالأذانی، فینز فیصلی الظهر والعصر، یجمع بینهما، ویقیم لكل صلاه إقامه» پیامبر (صلی الله علیه و آله) خود امر به گفتن اذان کرد و نماز ظهر و عصر را بدون فاصله خواند و بر هر نمازی، اقامه ای را بر پا داشت (2).

خواندن نماز روز عرفه به صورت جمع، از طرف هر شخصی، چه مکی و یا غیر آن جایز است. آنچه آنکه ابن منذر گفته است: اجماع اهل علم بر این مطلب آمده است. و اصحاب ما ذکر کرده اند: خواندن نماز به طریق جمع در نماز ظهر و عصر جایز نیست، مگر آن که بین آن شخص و وطنش شانزده فرسخ فاصله باشد که در این صورت ملحق با نماز قصر شکسته می شود و حال آن که این قول صحیح نیست؛ زیرا پیامبر (صلی الله علیه و آله) به صورت جمع خواند و با وی چه ساکنین مکه و چه غیرش به صورت جمع خواندند. و حضرت آنان را به ترک جمع فرمان نداد؛ ضمن آن که به ترک نماز شکسته امر نمود و فرمود: «توا» یعنی نماز روز عرفه را کامل بخوانید؛ نه به صورت شکسته(3).

ابو ثور) گوید: زمانی که امام بر منبر نشست، مؤذن اذان می گوید و زمانی که مؤن فارغ از اذان شد، امام برخاست و سخنرانی کرد. و قول ضعیفی (فیل) گوید: مؤذن در پایان خطبه امام اذان می گوید و حدیث جابر بر این مطلب دلالت میکند که؛ مؤذن بعد از اتمام سخنرانی پیامبر (صلی الله علیه و آله)، اذان گفته است (4).

احمد گوید: برای نماز، مخیر است که؛ اذان بگوید (به جهت برتری و اولویت) یا نگوید.

شافعی - ابی ثور و اصحاب ردی چنین گفته اند: بهتر است که اذان گفته شود.

ص: 601

1-1- شوکانی، محمد بن علی بن محمد، نیل الأوطار فی شرح منتهی الأخبار، ج 5، ص 67.

2-2- ابن قدامه الحماعلی ثم الدمشقی الحنبلی، ابو محمد موفق الدین عبد الله بن أحمد بن محمد، المغنی لابن قدامه، ص 365.

3-3- همان، ص 367.

4-4- همو، ص 365.

مالک گوید: بر هر نمازی اذان بگویند. و از سنت که موافق قیاس است تبعیت کند بهتر است (1).

#### 4- تعجیل در خواندن نماز روز عرفه

در روایتی از «سالم» آمده است: ایشان به حجاج روز عرفه گفته است: اگر می خواهید که عملتان با سنت موافق باشد در نماز هنگام زوال خورشید تعجیل کنید (2).

#### 5- نحوه خواندن نماز ظهر و عصر عرفه (از نظر جماعت یا فرادی، شکسته یا تمام)

نظر خرقی: اگر فردی نتوانست به جماعت نماز ظهر و عصر عرفه را با امام بخواند، آن را به صورت فرادی و به صورت جمع بخواند؛ آنچنان که ابن عمر این کار را کرده است. و بر این قول، عطاء، مالک، شافعی، اسحاق، ابو ثور و ابو حنیفه هم قائلند.

نخعی، ثوری و ابو حنیفه گویند: این نماز را جز با امام نمی تواند به جماعت بخواند. زیرا هر نمازی وقتی محدود دارد. پس زمانی که امامی نباشد، به اصل رجوع می کنیم. و دلیل ما، عمل ابن عمر است. و نیز هر جمعی که (بدون فاصله خواندن نماز ظهر و عصر) با امام جایز است؛ فرادی هم جایز است. مانند جمع بین نماز مغرب و عشا به جماعت. و قول عده ای که جمع در نماز را فقط در حالت جماعت جایز می دانند، کلام صحیحی نیست (3).

#### 6- بلند کردن دودست در دعای عرفه

یعقوب بن ابراهیم از هشیم حدیثی را از عبد الملک و او از عطاء که أسامه بن زید چنین گفته است: در عرفات هم ردیف رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بودم که حضرت دو دستش را در حالیکه دعا می کرد به بالا برد سپس شترش به سویش آمد آنگاه افسار شتر افتاد که آن را با یکی از دو دستش گرفت در حالیکه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) دست دیگرش همچنان جهت دعا بالا بود (4).

ص: 602

1-1 ابن قدامه الحماعلی ثم الدمشقی الحنبلی، ابو محمد موفق الدین عبد الله بن أحمد بن محمد، المغنی لابن قدامه، ص 366.

2-2 همان، ش 2507

3-3 ابن قدامه الحماعلی ثم الدمشقی الحنبلی، ابو محمد موفق الدین عبد الله بن احمد بن محمد، المغنی لابن قدامه، ص 366.

4-4 سنن نسائی، حدیث 3013، ص 476.

## 7- امر به آرامش در هنگام کوچ از عرفه

محمد بن علی بن حرب در خبری آورده است که محرز بن الوضاح از اسماعیل یعنی ابن امیه از ابی غطفان بن طریف حدیثی را آورده اند که وی از ابن عباس شنید که می گفت: زمانی که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به آن مکان رسید، افسار شتر را سخت کشید که سر شتر به وسط پالانش رسید در حالیکه در شبانگاه عرفه، به مردم می گفت: «آرامش، آرامش» (1).

### برخی امور مستحب در عرفه

1- حضور امام اعظم با حاجیان مستحب است و یا اگر امام نیست، فردی از طرف امام منصوب شود.

2- امام در روز هفتم ذی الحجه در مکه خطبه گوید. زیرا آن روز، یوم الزینه نامیده شده است و افراد کجاوه هایشان را تزئین می کنند. که این خطبه بعد از نماز ظهر و یا نماز جمعه باشد (اگر در روز جمعه باشد و البته خطبه ای جداگانه است (جدای از خطبه های نماز جمعه)).

این خطبه، بعد از نماز با تأخیر ایراد می شود (ست است زیرا هدف از آن تعلیم است؛ نه وعظ و ترساندن لذا با خطبه نماز جمعه مشترک نمی باشد. بر خلاف خطبه در کسوف خورشید گرفتگی) (2).

ابن عمر چنین گوید: «کان رسول الله (صلی الله علیه و آله) إذا کان قبل یوم الترویة بیوم خطب الناس وأخبرهم بمناسکهم». رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در قبل از یوم الترویة (روز هفتم ذی الحجه) برای مردم خطبه می گفتند و از مناسکشان به آنان خبر می دادند.

3- امام با سایرین بعد از نماز صبح (اگر روز جمعه نباشد) از عرفه به سوی منا روند و نماز ظهر را آنجا بخوانند. (بنا بر روایتی از مسلم). و اگر روز جمعه باشد، خروج امام با حاجیان از عرفه، قبل از سپیده صبح باشد؛ چرا که سفر در روز عرفه، بعد از فجر و قبل از زوال حرام است.

ص: 603

1-1 سنن نسائی، حدیث 3013، ص 476.

2-2 شربینی، المغنی المحتاج، ج 1، ص 665.



در صحیحین ثابت شده است که: روز عرفه ای که نبی مکرم (صلی الله علیه و آله) در آن وقوف کرده، روز جمعه بوده است.

4- بیتوته در عرفه مستحب است و به اجماع؛ نه رکن است و نه واجب می باشد.

و از جمله بدعت های زشتی که مردم به آن عادت کرده اند؛ روشن کردن شمع در این شب است (1).

5- همان جایی را که پیامبر (صلی الله علیه و آله) وقوف کرده اند، شما هم وقوف کنید در کنار صخره های بزرگ در پایین ترین قسمت کوه جبل الرحمه. البته بر کسی که توانایش را دارد و گرنه به جای نزدیکی بر حسب امکان اکتفا کند که این سخن برای مردان است. اما برای زنان نشستن در کنار موقف مستحب است مگر آن که برای خانم ها کجاوه باشد که سوار شدن بر آن در اولویت است.

6- زیاد دعا کردن و ذکر گفتن و لا اله الا الله نیز مستحب است. مثلاً این گونه بگویید: «لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملك وله الحمد وهو على كل شيء قدير. اللهم اجعل فی قلبی نوراً و فی بصری نوراً. اللهم اشرح لی صدري و پیشرلی امری، اللهم لك الحمد كالذی تقول. و خیر مما تقول».

و مستحب است هر دعایی را سه بار تکرار کند (2).

7- ابوالحسن زعفرانی گوید: کسی که توانایی پیاده رفتن را دارد؛ پیاده روی از مکه تا آخر مناسک حج بر او مستحب است (3).

## از جمله شرایط وقوف کننده

### نظرشافعی:

جهت وقوف در عرفه، شروطی است (4):

اول: حضور شخص در زمان خاص خودش انجام شود (از ظهر روز نهم ذی الحجه تا فجر روز عید قربان) و لو یک لحظه باشد.

ص: 604

1-1- شربینی، المغنی المحتاج، ج 1، ص 665.

2-2- الفقه علی المذاهب الأربعة و مذهب اهل البيت، ج 1، ص 874.

3-3- شربینی، المغنی المحتاج، ج 1، ص 666.

4-4- الفقه علی المذاهب الأربعة و مذهب اهل البيت، ج 1، ص 874.

دوم: حاجی، اهل عبادت باشد؛ به این که مجنون و مست زایل العقل نباشد. و کسی که بیهوش شده، اگر امید به بهبودیش نباشد، حکم مجنون را دارد.

### نظر حنفیه: برای حضور در عرفه، شرایطی است؛ از جمله آن که:

- در زمان شرعی اش انجام شود. و آن بعد از زوال خورشید روز نهم ذی الحججه تا فجر روز عید قربان است.

- داشتن نیت، علم و عقل شرط نمی باشد. لذا کسی که در عرفه، آن زمان باشد؛ حجش صحیح است. چه نیت کرده باشد و یا نیتی نکرده باشد. چه عالم باشد به این که او در عرفه است و یا جاهل باشد. و یا دیوانه، یا بیهوش، یا خواب یا بیدار باشد.

به فتوای امامیه: و به تبعیت از آنها، مالکیان و حنابله، کسی که می خواهد در عرفه وقوف کند، هم باید قصد وقوف کند و هم نیتش خالص و برای خدا باشد. اصل الروضه چنین آمده: چنانچه در حال بیهوشی در عرفه حاضر شود، از وقوف واجب کفایت میکند. ولی ظاهراً این فتوا درست نیست همان طور که «رافعی» آن را تصحیح کرده، و می گوید مجزی نیست.

و مضاف «نووی» در کتاب خود به نام «زیادات» می گوید: صحیح تر در نزد تمام فقها آن است که:

الف: وقوف بیهوش از وظیفه واجب کفایت نمی کند. چون شرط کافی بودن وقوف آن است که، واقف شایستگی عبادت داشته باشد یعنی مانعی از عبادت برای او نباشد، در حالی که انسان بی هوش چنین زمینه ای برای عبادت ندارد.

ب: به اعتقاد حنفیان کسی که در وقت معین، در عرفه حضور پیدا کرده باشد، گرچه مجنون باشد، باز هم کفایت میکند.

ج: حنابله می گویند: شرط کفایت وقوف، آن است که واقف دیوانه نباشد (1).

شافعی گوید: و کسی که در حال بیهوشی و اغما وارد عرفه شده است به طوری که حتی یک لحظه و به اندازه یک چشم به هم زدن هم عقل نداشته است، حج از او فوت شده است. و اگر این گونه طواف و یا محرم شده باشد، نه طوافش و نه احرامش صحیح نمی باشد. و اگر در عرفه و یا در هنگام احرام، یک ساعتی عقلش برگردد سپس بیهوش شود، ضرری به حجش

ص: 605

نمی رساند؛ مگر آن که زمانی آن عمل بگذرد و عقلش برنگردد؛ که در این صورت كفاره باید خون دهد و نماز و طوافش كفایت نمی کند، مگر آن که در تمام این موارد عقلش برگردد. زیرا کم این عمل از زیادش كفایت نمی کند و حال آن که عرفه و احرام؛ از جمله مواردی هستند که کم آنها از زیادش كفایت می کند (1).

## امور واجب در وقوف

- اگر روز وقوف کند، تا غروب خورشید؛ وقوف را امتداد دهد و اگر شب وقوف می نماید، وجوبی بر آن نیست. پس زمانی که در روز، وقوف کند و قبل از غروب خورشید، از عرفه برود، باید خون دهد.

اما از امور مستحب (سنت) (2):

- غسل کردن

- امام دو خطبه بخواند

- حاجی بین نماز ظهر و عصر جمع کند و سریعا بعد از آن ها وقوف نماید.

- روزه نباشد.

- با وضو باشد.

- بر روی مرکبش، وقوف کند. و پشت سر امام و در حد امکان، نزدیک به امام باشد.

- حضور قلب در دعا و ذهنی خالی از مشغله را داشته باشد

- وقوف در کنار صخره های سیاهی که موقف پیامبر بوده را انجام دهد.

- دو دستش را در هنگام دعا بعد از حمد و ذکر لا اله الا الله و الله اکبر باز کند.

- ذکر تلبیه در موقف.

- کثرت استغفار برای خودش، والدیش، مؤمنین و مؤمنات

- نماز بر پیامبر بخواند و حاجاتش را بطلبد (3).

ص: 606

2-2 - الفقه على المذاهب الأربعة ومذهب أهل البيت، ج1، ص 874.

3-3 - همان، ص 875.

## نظر حنبلی و شروط حضور در عرفه

- به اختیار خودش باشد و از روی اجبار و اکراه نباشد.

- حضور دیوانه و مست و بیهوش صحیح نیست.

- زمان وقوف از از فجر روز نهم ذی الحجه تا فجر روز دهم ذی الحجه (عید قربان) است. گر نداند، مکانی را که در آن وقوف کرده جزء عرفه هست یا نه؟ و یا نداند آیا این زمان، جزء زمان وقوف است یا نه، او را مجزی و کفایت میکنند. و اگر از نظر مکان و زمان، مصادف قرار گیرد؛ حجش صحیح است (1).

## نظر اشتراکی شافعی و حنبلی

1- عاقل باشد.

2- برای عبادت شایستگی داشته باشد، چه صبی و کودک نابالغ باشد و چه خواب باشد، زیرا فرد خواب در حکم بیدار است. ولی فرد بیهوش و مست، حکمشان از دایره فرد خواب جدا است. وقوف آن ها صحیح نمی باشد. زیرا آنان شایستگی عبادت را ندارند و عقلشان زایل شده است. پس کسی که اهل عبادت باشد و خواب بر او در یک لحظه در بخش کوچکی از اجزای عرفات، در هنگام وقوف در عرفات بر او عارض شود (در نزد جمهور حنفی، مالکی، حنبلی: بین زوال خورشید روز عرفه تا طلوع فجر روز عید قربان. و در نزد حنابله: از طلوع فجر روز عرفه) در این صورت وقوفش صحیح است. چه خوابش عمدی باشد یا با غفلت وقوف کند و یا در وقوف خود، خرید و فروش کند، یا سخنان گراف و لهوی بگوید. یا در وقت وقوف، به عرفات رفت؛ در حالی که نمی دانست (جاهل) آنجا عرفات است. و هیچ توقف نکرد؛ بلکه به سرعت در یک طرف از محدوده سرزمین عرفات عبور کرد و رفت یا از عرفات عبور کرد در پی بدهکار فراری. یا در پی حیوان رم کرده یا بر روی شتر خوابش برد و شتر از عرفات گذشت، در تمام این موارد، وقوفش صحیح است ولی تمام فضیلت را از دست می دهد (2).

وقوف تا غروب خورشید در نزد جمهور حنفی - مالکی و حنبلی واجب می باشد. تا این که

ص: 607

1-1 همان، ص 876.

2-2 وهبه الزحیلی، أ. د، الفقه الاسلامی و ادلته، ج 3، ص 2235.

بین شب و روز در وقوف در عرفه جمع کند. پس همانا پیامبر (صلی الله علیه و آله) در عرفه وقوف کرد تا آن که خورشید غروب کرد. (در حدیث جابر ذکر شده است).

در حدیثی از علی و اسامه چنین آمده است:

«پیامبر (صلی الله علیه و آله) هنگام غروب خورشید دور شد» پس اگر قبل از غروب دور می شد، در نزد اکثر اهل علم، حجتش صحیح بود و باید حیوانی را خون می داد.

شافعیه گویند: جمع بین شب و روز به عنوان سنت و روشی قرار گرفته شده است (جنبه استحباب). بنابراین این بر کسی که قبل از غروب خورشید از عرفه عبور کرده؛ دادن خون وجوبی ندارد. هر چند که بعد از غروب به عرفات برنگردد.

در روایت صحیحی اینچنین آمده است: «أن من أتى عرفه قبل الفجر ليلاً أو نهاره، فقد تم حجه». کسی که شب یا روز قبل از فجر (سپیده دم به عرفه بیاید، پس به تحقیق حجتش صحیح است. و اگر خون دادن (کفاره) بر او واجب شود، حجتش ناقص می باشد، بلی؛ داد خون (پرداخت کفاره) بر او مستحب است البته از باب ترتیب و تقدیر (1).

مالکیه گویند:

رکن و اساس حضور به عرفه، شب عید قربان است البته به هر طریقی که باشد ولو به صورت عبوری. اگر آن فرد بداند که آن جا عرفه است و نیت حضور کند، همان دو شرطی است که قبلاً در مورد فرد مار (عبور کننده) و مغمی علیه (بیهوش) ذکر شده است. پس کسی که در عرفه بعد از زوال وقوف کند آنگاه قبل از غروب خورشید از عرفه برود؛ بنابراین این، باید سال آینده حج بجای آورد؛ مگر آنکه قبل از فجر برگردد. ولی اگر قبل از امام و بعد از غروب خورشید از عرفه برود، عملش مجزی است.

و شرط صحت وقوف در نزد مالکیون این است: انجام وقوف در هنگام شب. و دلیل آنان سخن پیامبر (صلی الله علیه و آله) است که فرمود: وقف بعرفه حين غربت الشمس، و از ابن عمر روایت شده است: پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «هر کسی که عرفات را شب هنگام درک کند، پس به تحقیق حج را درک نموده است. و کسی که در هنگام شب، عرفات از او فوت شود، حج از او فوت شده است. که در این صورت باید به وسیله عمره محل شود. و سال آینده حج را بجای آورد (2).

ص: 608

1-1- منظور از ترتیب: تا کفاره ندهد، حجتش ناقص است. منظور از تقدیر: میزان معینی از کفاره که باید بپردازد.

2-2- وهبه الزحیلی، أ. د، الفقه الاسلامی و ادلته، ج 3، ص 2236.

دلیل اول مورد مناقشه واقع شده است به اینکه عمل حضرت به جهت افضل بودن اوست زیرا بین آن مخیر است. و حدیث دوم بیان آخر وقت وقوف است.

نتیجه آنکه، جمهور فرق اهل سنت این چنین می گویند: وقوف حاجی چه در شب و چه روز بعد از زوال مجزی و مکفی است. مالکیه معتقدند:

وقوف واجب در هنگام شب است. پس کسی که در این زمان آن را ترک کند، باید آن را با دادن خون جبران کند. به این قول، حنفیه و حنابله هم معتقدند و ترک وقوف در شب را، موجب دادن خون می دانند؛ ولی شافعیه آن را (دادن خون) مستحب می داند (1).

### اختلاف مذاهب چهارگانه در نحوه خواندن نماز ظهر روز عرفه

سؤالی مطرح است؛ و آن این که: آیا دو نماز ظهر و عصر، با دو اذان و دو اقامه خوانده می شود یا با یک اذان و دو اقامه؟

مالک معتقد است: جمع بین دو نماز، با دو اذان و دو اقامه.

دلیل: اصل بر این است که: هر نمازی با یک اذان و اقامه ای جداگانه خوانده شود.

شافعیه و ابو حنیفه و الثوری و ابو ثور و جماعتی: بین دو نماز ظهر و عصر با یک اذان و دو اقامه، جمع می کند. البته به روایتی، مالک هم اینچنین نظری را دارد. و دلیل شافعی، حدیث جابر است.

احمد بن حنبل: جمع بین دو نماز، با دو اقامه.

مطلب اجماعی: هرگاه امام در روز جمعه، قبل از ظهر، خطبه ای نخواند؛ نمازش جایز است.

و نیز اجماع دیگر آن که: زمانی که امام مسافر باشد؛ نحوه قرائت نماز، آهسته و نماز شکسته است.

و مطلب اختلافی آن که: هرگاه امام اهل مکه باشد، آیا در این مکان ها (نماز یوم الترویة در منا - نماز روز عرفه - در مزدلفه، شب عید قربان)، نماز را شکسته بخواند؟.

ص: 609

در پاسخ این سؤال:

مالک و الأوزعی و جماعتی معتقدند: خواندن نماز شکسته در این مکان ها سنت است چه اهل مکه باشد یا نباشد.

دلیل مالک: هیچ شخصی را ندیده است که با پیامبر (صلی الله علیه و آله) نماز کامل بخواند.

الثوری، ابو حنیفه و الشافعی و ابو ثور و داود می گویند: اگر کسی اهل آن مکان ها باشد، جایز نیست نماز شکسته بخواند (1).

دلیل: بقای بر اصل معروف آنکه: نماز شکسته جایز نیست مگر بر مسافر.

اختلاف علما: در وجوب حضور در عرفه و منا، روز جمعه.

مالک: حضور در عرفه و منا روز جمعه و جویی ندارد نه برای ساکنین مکه و نه دیگران. مگر در ایام حج و مگر آنکه امام اهل عرفه باشد.

شافعی: همان نظر مالک است، جز این که در وجوب روز جمعه؛ شرط است که چهل مرد اهل عرفه و بر مذهب او باشند.

ابو حنیفه: زمانی که امیر حج از جمله کسانی باشد که نماز را نه در بینا و نه عرفه؛ شکسته نمی خواند، آنگاه که عرفه با روز جمعه با هم مصادف باشد، روز جمعه را در روز عرفه بخواند (2).

## مقدار وقوف و نحوه آن

علما بر این مطلب اتفاق قول دارند که: وقوف در بخشی از سرزمین عرفه ولو به اندازه یک لحظه کفایت می کند.

مالکیه: منظور از وجوب طمانینه بعد از غروب در وقوف یعنی استقرار به اندازه یک نشستن بین دو سجده البته چه در حال ایستاده باشد یا نشسته و یا سواره باشد.

حنفیه و مالکیه: اندازه واجب از وقوف، همان وجود فرد در عرفه یک ساعتی از این وقت است؛ چه آن فرد عالم به وقت باشد یا جاهل باشد، خواب یا بیدار باشد، بهبودی یافته باشد یا بیهوش باشد، یا مست و یا مجنون باشد. و فرقی نیست در این که در عرفه توقف کرده باشد یا عبور کرده باشد. در حالی که او پیاده می رود و یا سوار بر روی حیوان، یا او را می برند؛ زیرا

ص: 610

1-1- بدایه المجهتد ونهایه المقتصد، ج 1، ص 278.

2-2- همان، ص 279.



به اندازه واجب (وجود و حضور در عرفه)، وقوف در عرفه را انجام داده است. به دلیل حدیث من وقف بعرفه، فقد تم حجه» کسی که وقوف در عرفه را انجام دهد، اعمال حجش به اتمام رسیده است. پیاده روی و راه رفتن از دایره وقوف خالی نمی باشد؛ چه نیت وقوف داشته باشد و یا نداشته باشد (1).

در این مسأله هیچ اختلافی نیست که: در وقوف؛ طهارت، ستر و پوشیدن عورت، رو به قبله و نیت هیچ کدام شرط نمی باشد. پس صحیح است که واقف، محدث یا جنب و یا حیض و نفاس باشد.

«ابن منذر» چنین قایل است: تمام اهل علم بر این مطلب قایلند که؛ کسی که در عرفه وقوف کند به طوری که پاک نباشد، حج را درک کرده است و هیچ کفاره ای به عهده اش نمی باشد. ولی وجود طهارت در فرد امری مستحب است و به دلیل قول پیامبر (صلی الله علیه و آله) به عایشه، در حالیکه حیض بود؛ حضرت به او امر فرمودند که: «هر آنچه که حج گذار انجام می دهد؛ شما هم انجام بده البته به جز طواف خانه خدا».

### حکم حج کننده ای که وقوف در عرفه از او فوت شده

هرگاه وقوف عرفه از حاجیای فوت شود، به مفهوم فوت شدن حج در آن سال است، و جبرانش ممکن نمی باشد زیرا رکن چیزی، ذات آن چیز است، و بقای چیزی با از بین رفتن ذات آن شی، محال است (2).

و نیز کسی که محروم شده است و وقوف در عرفه از او فوت شود؛ تا طلوع فجر روز عی؛ قربان، در این صورت حجش فوت شده و از بین رفته است. و بنا بر این واجب است که طواف و سعی را بجای آورد و از احرام خارج شود (محلل) و حج را سال آینده انجام دهد که در این صورت لزومی بر پرداختن کفاره (خون) نمی باشد. به دلیل قول حضرت که فرمودند: کسی که از او در شب، عرفه فوت شود؛ حج از او فوت شده است و محل می شود و حجش تبدیل به عمره می شود که منحصر در طواف و سعی است (3).

ص: 611

1-1- وهبه الزحیلی، أ. د، الفقه الاسلامی وادلته، ج3، ص2237

2-2- وهبه الزحیلی، أ. د، الفقه الاسلامی وادلته، ج3، ص2238.

3-3- ابو الحسن برهان الدین، علی بن ابی بکر بن عبد الجلیل الفرغانی المرغنیانی، الهدایه فی شرح بدایه المبتدی ف ج1، ص177.

«النوی» در «الایضاح» صفحه 54 معتقد است: «هرگاه حجاج به اشتباه در غیر روز عرفه، وقوف کنند»؛ محل نظر است:

اگر به اشتباه گرفتار تأخیر شوند، و در دهم ذی الحجه وقوف کنند، حجتشان تمام و مجزی است (کفایت می کند و کفاره ای بر آن ها نیست. فرقی نمی کند که این اشتباه بعد از وقوف باشد یا در حال وقوف.

و اگر به اشتباه در یازدهم ذی الحجه وقوف کنند و یا در تقدم و تأخر دچار اشتباه شوند به طوری که در هشتم ذی الحجه وقوف کنند، یا از نظر مکان دچار اشتباه شوند و در غیر سرزمین عرفات وقوف کنند، حجتشان صحیح نمی باشد.

اگر این اشتباه (وقوف در دهم ذی الحجه) بر گروه کمی از حجاج اتفاق بیفتد، نه تمام حاجیان، بنا بر صحیح ترین اقوال، این وقوف بر آن ها مجزی و مکفی نمی باشد.

اگر یک نفر و یا افرادی به دیدن ماه ذی الحجه شهادت بدهند سپس شهادتشان رد شود، بر شهود لازم است در روز نهم کنار آن ها وقوف نمایند، هر چند که مردم بعد از آن وقوف کنند (1).

### حکم جماع در موقفی

به اتفاق جمیع فقها، هرکس قبل از وقوف به عرفه، جماع نماید، حجتش فاسد و باید اعمالش را تمام، و در سال بعد هم، حج خود را قضا کند. و به فتوای امامیه و شافعیه: باید یک شتر هم کفاره بدهد، ولیکن حنفیان یک گوسفند را هم کافی می دانند. اگر حاجی بعد از وقوف به عرفه و قبل از وقوف مشعر نیز همین عمل را مرتکب شود، حکم همان است که در مسأله قبل گفته شد.

ولی به فتوای ابوحنیفه: جماع کردن بعد از وقوف به عرفه، موجب بطلان حج نمی شود بلکه فقط باید یک شتر قربانی کند. چنانچه محرم بعد از وقوف به شعر و قبل از خروج از احرام، جماع نماید، حجتش فاسد نخواهد شد ولیکن باید یک شتر قربانی کند.

شافعی و مالکی گویند: حج وی باطل و باید یک شتر هم قربانی کند مانند جماع نمودن قبل از وقوف به مشعر. به هر حال به نظر همه فقها غیر از داود ظاهری، هر کس حج خود را فاسد کرد

ص: 612

واجب است اعمالش را ادامه داده و بقیه افعال حج را بیاورد. ولیکن داود ظاهری معتقد است: با همان فسادی که انجام داده از احرام خارج می شود و لازم نیست بقیه اعمال را بجا آورد (1).

### **استدلال: کسانی که قائلند باید بقیه اعمال را بجا بیاورد، به این آیه استدلال نموده اند:**

«واتموا الحج والعمرة لله»، «حج و عمره را برای خدا به پایان ببرید»

در توضیح چنین می گویند:

این آیه اطلاق دارد، یعنی اتمام حج و عمره را خواسته است و هیچ گونه تقییدی در آن نیست که حج صحیح را تمام کنید یا فاسد را، بنابراین گرچه در مسأله مذکور حج فاسد است، ولیکن باید آن را به اتمام برساند.

واما داود ظاهری می گوید: لازم نیست بقیه اعمال را بجا بیاورد (2).

در کتاب «الهدایه...» اینچنین آمده است که:

فساد حج و تباه شدن اعمال آن، فقط به جماع تعلق دارد نه به سایر محظورات. و البته آن جماعی که در آن معنای استمتاع و ارتفاق با زن وجود دارد. که این خود محذور احرام است و منجر به پرداخت کفاره (خون) می گردد. برخلاف بطلان روزه، که بدون انزال حاصل نمی شود. حال اگر شخصی به یکی از دو روش فوق؛ قبل از وقوف در عرفه مجامعت کند، حش فاسد میگردد و یک گوسفند هم کفاره دهد. بنا بر روایتی که از رسول خدا پرسیده شد در باره مردی که با همسرش موافقه کرده است؛ در حال که هر دو محرم بودند، حضرت فرمود: هر دو باید خون دهند (کفاره) و هر دو سال آینده به حج آیند. و شافعی گفته است که یک شتر باید کفاره دهند به اعتبار این که جماع بعد از وقوف بوده است. و ابو حنیفه گوید: جماع در غیر از قبل (جلو)، به شرط آن که در معنای وطء تقاصر و کوتاهی نماییم؛ موجب فسایر حج نمی شود. که ایشان بین آن که زنش باشد و بین آن که موجب فساد می گردند، فرقی قائل نشده است. بر خلاف مالک که خروج از خانه اشان را و محرم بودن هر دو را آورده است و شافعی گفته است:

ص: 613

---

1-1- جناتی، محمد ابراهیم، حج از دیدگاه مذاهب اسلامی، ص 141-142.

2-2- همان.

زمانی که برسند به مکانی که در آن واقعه انجام داده اند، به آن ها تذکر داده می شود و از هم جدا می شوند (1).

غزالی گوید: هرگاه اجیری مجامعت کند، حش فاسد است و اجاره فسخ می گردد. حال اگر این حج را حتما باید خودش به عینه بجای می آورد؛ در این صورت واجب است اجیر خودش قضای آن را بجای آورد. و اگر حجی بر ذمه اش باشد، فسخ نمی شود و در این که خودش قضای آن را بجای آورد یا دیگری؟ دو وجه در مسأله است.

رافعی «گوید: زمانی که اجیری مجامعت کند، حش فاسد است و کفاره بر اجیر واجب است. زیرا مأمور به را اتیان نکرده است و آنچه که امر شده بوده، حج صحیح بود ولی او حج فاسدی را بجای آورده است. آیا نمی بینی حج صبی، بصورت نافله و مستحبی منعقد می شود. سپس هرگاه قبل از وقوف بالغ شود، تبدیل به فرض و واجب می شود (2).

### مستحبات وقوف در عرفه و آدایش

مستحب است حاجی در روز ترویبه (هشتم ذی الحجه) به سوی منا حرکت کند و مستحب است توقف کردن یا بیتوته در برنا (شب را تا صبح خوابیدن) تا سپیده صبح روز عرفه، سپس بعد از طلوع خورشید به سوی عرفات بیاید. در روایتی از «مسلم» به پیروی از سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله)، اقامت حجاج در «نمره» نزدیک عرفات، به طوری که وارد عرفات نشوند، مستحب است.

حنابله چنین می گویند:

«اگر حجاج بخواهند، می توانند در عرفه اقامت داشته باشند تا خورشید غروب کند، سپس امام قبل از نماز ظهر، دو خطبه مانند خطبه های نماز جمعه می خواند و مردم را نسبت به مناسک و اعمالشان از مکان و زمان وقوف، و کوچ کردن از عرفات، و شب را ماندن در مشعر الحرام و سنگ جمع کردن جهت رمی جمرات سه گانه، آگاه می کند (3).

سپس مؤذن اذان می گوید و امام به اتفاق مردم نماز ظهر و عصر را با هم (بدون فاصله با

ص: 614

1-1- ابو الحسن برهان الدین، علی بن ابی بکر بن عبد الجلیل الفرغانی المرغنیانی، الهدایه فی شرح بدایه المبتدی، ج 1، ص 160

2-2- العزیز شرح الوجیز (شرح الکبیر)، ج 3، ص 321.

3-3- به دلیل حدیث جابر، از قول پیامبر (صلی الله علیه و آله) که این کار را انجام داده اند.

ذکر یک اذان و دو اقامه و به صورت شکسته می خوانند(1). و در نزد حنفیه، حاجی در وقت خواندن نماز ظهر، نماز عصر را نخواند(2).

در نزد حنفیه جمع بین نماز ظهر و عصر، یک نوع عملی از اعمال حج است که شامل مقیم و مسافر می شود. ولی اگر آن فرد مقیم باشد مانند امام مکه، در این صورت با حاجیان نماز بخواند مانند نماز افراد مقیم. که در این صورت نماز شکسته جایز نمی باشد. و برای حجاج اقتدا به آن امام هم جایز نمی باشد.

رأی مالکیه هم اینچنین است:

جمع بین نماز ظهر و عصر حتی برای ساکنین عرفه مستحب می باشد. و نیز مستحب است نماز ظهر و عصر را شکسته بخوانند مگر برای اهل عرفه؛ و نیز بین نماز ظهر و عصر نافله ای را نخوانند. و کسی که به همراه امام جمع بین نماز های ظهر و عصر از او فوت شد، در این صورت هنگام کوچ کردن جمع کند.

و همچنین حنابله اجازه دادند جمع بین این دو نماز برای هر شخصی که در عرفه است اهل مکه و غیر آن. اما شکسته نماز خواندن برای اهل مکه جایز نمی باشد.

\* نتیجه آنکه:

رأی جمهور علما، جواز جمع بین دو نماز برای هر حاجی است. اما شکسته نماز خواندن برای اهل عرفه و مکه جایز نمی باشد. در حالیکه مالکیه، شکسته نماز خواندن برای اهل مکه را اجازه داده است(3).

رأی شافعیه این است: حکم جمع بین دو نماز ظهر و عصر و شکسته نماز خواندن و در مشعر الحرام نیز در سفر قابل اجرا است نه برای هر عبادتی. پس جمع بین دو نماز و شکسته خواندن تنها برای مسافر است و مختص سفر کوتاه است، پس امام اهل مکه بر کسی که سفرش به اندازه مسافت شکسته نماز خواندن نیست، امر به کامل نماز خواندن و عدم جمع می کند. گویا بعد از سلام به آنان می گوید: «ای اهل مکه وای کسی که سفرش کوتاه است، نمازتان را کامل بخوانید. و زمانی که حجاج به مکه داخل شدند و قصد اقامت چهار روز را نمودند؛ بر آنان

ص: 615

---

1-1 بنا بر روایت مسلم و تبعیت از سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله).

2-2 وهبه الزحیلی، أ. د، الفقه الاسلامی وادلتہ، ج3، ص2239.

3-3 همان.

کامل نماز خواندن واجب و لازم است. پس هرگاه در «یوم الترویة» به سوی منا بروند و نیت رفتن به وطنشان را هنگام فراغت از اعمال کنند، در این صورت از زمانی که خارج شدند، نمازشان شکسته است زیرا آنان ایجاد کردند سفری را که نماز در آن شکسته است. آنگاه بعد از اتمام نماز، به موقف می روند؛ و در حرکت به سوی موقف عجله می کنند. آداب مستحبات و قوف در عرفه عبارتند از:

- 1- غسل کردن در نمره انجام شود.
- 2- احدی وارد عرفات نشود مگر بعد از زوال.
- 3- امام دو خطبه بگوید و بین دو نماز جمع کند.
- 4- بعد از دو نماز، با شتاب و قوف کنند.
- 5- آنچه که فضیلت دارد، این است که قوف در کنار صخره های بزرگ در پایین ترین قسمت «جبل الرحمة» باشد.
- 6- شایسته است که در موقف تا غروب خورشید باقی بماند پس در وقوفش بین شب و روز را جمع کند، بلکه این قول در نزد جمهور غیر از شافعیه واجب است.
- 7- آنچه که فضیلت دارد؛ این است که به صورت سواره و قوف کند چرا که از پیاده روی برتر است. (به جهت اقتدا به رسول خدا (صلی الله علیه و آله)).
- 8- رو به قبله به همراه تطهیر و پوشیدن عورت و نیت و قوف در عرفه، پس اگر در حالت محدث بودن یا جنب بودن یا حیض بودن یا نجاستی بر او باشد، یا در صورت کشف عورت باشد، و قوفش صحیح است و فضیلت از او فوت می شود.
- 9- آنچه که برای و قوف کننده فضیلت دارد، این است که خورشید بر او بتابد و زیر سایه قرار نگیرد مگر به جهت عذری، به اینکه ضرر به او برسد یا این که موجب عدم دعا و عدم تلاشش شود.
- 10- روزه نباشد زیرا در این صورت بهتر می تواند دعا کند. در «صحیح ثابت شده است که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به صورت «مفطر» (عدم روزه) و قوف می کردند(1).

روزه روز نهم ذی الحجّه، (روز عرفه) مستحب است. و تنها برای فردی که در حال

ص: 616

برپایی اعمال حج نمی باشد، این روزه مستحب است. اما اگر کسی حاجی است، در بین مذاهب قایل به تفصیل شده اند:

اهل البیت (علیه السلام): روزه روز عرفه برای کسی که توانایی انجام دعا را دارد مستحب است.

حنابله: روزه گرفتن حاجی در روز عرفه مستحب است البته زمانی که شب را در عرفه وقوف کرده و در روز عرفه وقوف نکرده است، اما زمانی که در روز عرفه وقوف کرده باشد، روزه اش کراهت دارد.

حنفیه: روزه روز عرفه، اگر حاجی را ضعیف گرداند، کراهت دارد؛ و همچنین روزه روز ترویبه (هشتم ذی الحجّه) هم این حکم را دارد.

مالکیه: روزه روز عرفه نسبت به حاجی مکروه است همچنانکه روزه «یوم الترویبه» روز هشتم ذی الحجّه کراهت دارد(1).

11- حضور قلب داشته باشد و خود را از آنچه که او را از دعا باز می دارد، فارغ کند(2).

12- از دشمنی و ضرب و شتم و سخن زشت دوری کنند، بلکه شایسته است که تا حدی که برایش ممکن است از سخن مباح دوری کند زیرا موجب تضییع وقت می شود.

13- در روز عرفه و ایام ذی الحجّه، عمل خیر زیادی انجام دهد بدلیل سخن پیامبر (صلی الله علیه و آله): «ما العمل فی ایام أفضل منه فی هذه الأيام - یعنی ایام العشر» هیچ عملی در این ده روز ذی الحجّه برتر از آن نیست. اصحاب گفتند: آیا جهاد را شامل نمی شود؟ حضرت فرمودند: حیر جهاد را شامل نمی شود، مگر مردی که برای حفظ مال و جانس از وطن خارج شود و خود را به خطر بیندازد. و با چیزی هم برنگردد.

14- دعا زیاد خواندن و ذکر لا اله الا الله و خواندن قرآن و استغفار و تضرع و خشوع و بیان ضعف و نیاز در درگاه حق، و اصرار در دعا ورزیدن، و سه بار هر دعا را تکرار کردن، و ذکر سبحان الله و الحمد لله والله اکبر، و زیاد گریستن و سیل اشک جاری شدن با آن دعاها و طلب بخشش از لغزش ها.

بهترین آن ها، دعاهایی است که «ترمذی» و سایرین از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) روایت کرده اند که فرمود: بهترین دعا، دعای روز عرفه است و بهترین کلامی را که من و سایر پیامبران پیشین گفتند: «لا اله الا الله وحده لا شریک له، له الملك وله الحمد، وهو علی کل شیء قدير» است.

ص: 617

1-1 - الفقه علی المذاهب الأربعة و مذهب اهل البیت (علیه السلام)، ج 1، ص 722.

2-2 - وهبه الزحیلی، أ. د، الفقه الاسلامی و ادلته، ج 3، ص 2240.

و در کتاب «ترمذی» از علی (رضی الله عنه) آمده است: بیشترین دعایی را که پیامبر (صلی الله علیه و آله) در روز عرفه در موقف خواندند این بوده است:

«اللهم لك الحمد كالذي نقول وخير مما نقول، اللهم لك صلاتي ونسكي ومحياي ومماتي، و اليك مآبي، ولك ربي تراثي».

خدایا حمد و سپاس مخصوص توست که تمام خیر و خوبی از آن توست، خدایا نمازم و عباداتم و زندگی و مرگم همه برای توست، و بازگشتم به سوی توست خدای من هر چه ترکه دارم، از آن تو است(1).

خدایا من از عذاب قبر و وسوسه در سینه و شتاب در کارها به تو پناه می برم. از جمله دعاهایی که انتخاب شده بدین قرار است:

(اللهم آتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقتنا عذاب النار. خدایا در دنیا و در آخرت به ما حسنه عطا فرما و ما را از عذاب قیامت حفظ گردان. اللهم انی ظلمت نفسی ظلما كثيرا، و أنه لا- یغفر الذنوب الا- انت خدایا من به خودم خیلی ظلم روا داشتم و جز تو نمی تواند گناهانم را ببخشد. فاغفر لی مغفره من عندک، وارحمنی، أنك أنت الغفور الرحیم. خدایا از روی مغفرتی که داری مرا ببخش و مرا مورد رحمت خودت قرار ده زیرا تو بخشنده و مهربانی «اللهم اغفر لی مغفره من عندک تصلح بها شأنی فی الدارین»، خدایا مرا آنگونه ببخش که شأنم با بخششت، صلاحیت آن را در دنیا و آخرت داشته باشد. و مرا مورد رحمت خودت قرار ده تا خوشبخت ترین فرد در دنیا و آخرت باشم و خدایا توبه صادقانه و خالصانه مرا بپذیر در حالیکه هرگز پیمان شکنی و خلف وعده ای در آن نیست. خدایا راه مستقیم را بر من لازم گردان که هیچ انحرافی در آن نیست. خدایا مرا از پستی گناه به سوی سربلندی طاعت، منتقل گردان. و به توسط حلالیت مرا از حرامت بی نیاز گردان. و با طاعت و عبادتت و به فضلت مرا از معصیتت و هر آنچه غیر توست؛ دور گردان. خدایا قلبم و قبرم را نورانی گردان و مرا پناه ده از تمام آنچه که شر است، و برای من تمام آنچه خیر است جمع گردان. خدایا دینم، امانتم، قلبم، بدنم و پایان کارم را همه پیش تو به امانت می گذارم).

و مستحب است که با صدای بلند بسیار تلبیه (لیک اللهم لیک لیک لاشریک لک

ص: 618



لیک... بگوید و بر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) درود بفرستد. شایسته و سزاوار است در تمام موارد فوق اینچنین عمل کند:

یک بار دعا کنند، و یک بار لا اله الا الله بگوید، یک بار الله اکبر بگوید و یک بار تلبیه بگوید، یک بار بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) صلوات بفرستد، و یک بار استغفار کند بطوری که می تواند به صورت فرادا و جماعت این اعمال را انجام دهد. و باید برای خودش و پدر و مادرش و خویشانش و شیوخ و بزرگانش و اصحاب و محبین و دوستانش و سایر مسلمین دعا کند (1). و به این دعاها اعتقاد قلبی داشته باشد و به همراه دعا و ذکر، مثل سیل بگیرد و طلب دوری از گناه و لغزش ها را داشته باشد.

در «صحیح مسلم» از عایشه روایت شده است که پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: «هیچ روزی بیشتر از روز عرفه نیست که خدا در آن روز، بنده ای را در آن روز آزاد می کند. و ملائکه به آن ها مباحات می ورزند(2)».

### شروط وقوف در عرفه

عدم اختلاف بین علما:

بعد از نماز ظهر و عصر در عرفه وقوف کند. و این که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بعد از آن که در عرفه نماز ظهر و عصر را خواند؛ وقوف کرد و از کوههای عرفه بالا رفت در حالیکه دعا می کرد. و هر کسی هم که با وی بود تا غروب خورشید وقوف کرد و زمانی که یقین بر غروب خورشید کند، به سوی مزدلفه برود.

مطلب اجماعی: کسی که در عرفه قبل از زوال (ظهر) وقوف کند و از عرفه کوچ نماید، به وقوف آن فرد اعتنایی نمی شود. حال اگر بر نگردد پس بعد از زوال وقوف کند یا از هنگام شب قبل از طلوع فجر وقوف کند، حج از او فوت شده است.

روایتی از «عبدالله بن معمر الدیلی» که می گوید: از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) شنیدم که فرمود: «الحج عرفات، فمن أدرك عرفه قبل أن يطلع الفجر فقد أدرك» البته این حدیث را تنها این شخص از صحابه نقل کرده است.

ص: 619

---

1-1- وهبه الزحیلی، أ. د. الفقه الاسلامی وادلته، ج3، ص2242.

2-2- همان، ص2243.

وجه اختلاف، آن است که: حکم کسی که بعد از زوال در عرفه وقوف نموده و سپس قبل از غروب خورشید از آن جا دور شده است:

مالک: به عهده آن فرد است که حج قابل قبولی را انجام دهد مگر آن که قبل از فجر باز گردد. و اگر از عرفه قبل از امام و بعد از از بین رفتن خورشید (بعد از غروب) برود، او را کفایت میکند. خلاصه آن که شرط صحت وقوف، وقوف در شب است.

قول جمهور علما: کسی که بعد از زوال در عرفه وقوف کند، حجش کامل است. هر چند که قبل از غروب دور شود. تنها اختلاف در بین علما از جهت کفاره (و جوب داد خون) است.

دلیل قول جمهور:

حدیث «عروه بن مضرس» است که بر صحتش اجماع شده است، اینچنین می گوید: خدمت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آمدم و عرض کردم: آیا به عهده من هم حج است؟ فرمودند: «کسی که این نماز را با ما بخواند و در این موقف، وقوف نماید تا زمانی که ما کوچ می کنیم، یا قبل از آن از عرفات کوچ کند، در هنگام شب یا در هنگام روز، به تحقیق حج او تمام شده است و از احرام خارج شده و محل می گردد».

اجماع کرده اند بر این که: مراد از روز در این حدیث، بعد از زوال است و کسی که شب را شرط دانسته است، دلیل آورده که منظورش، هنگام غروب خورشید است. لکن این قول اختصاص به جمهور دارد که می گویند: همانا وقوف شخص در عرفه تا پنهان شدن و رفتن کامل خورشید است. (بر مبنای حدیث عروه بن مضرس) (1).

از نظر راه ها، در روایتی از نبی مکرم (صلی الله علیه و آله) روایت شده است: «تمام عرفه موقف است و از دل کوه های عرفه بالا رفتند و تمام مزدلفه، موقف است مگر وادی میر، و نا تمام قربانگاه است...».

اختلاف علما در مورد کسی که وقوف کرده از عرفه به عرفه:

مالک: در قول ضعیفی آمده است: حجش تمام است و باید خون دهد.

شافعی: هیچ حجبی به گردش نیست. عمده دلیل در بطلان حج، بر اساس نهی ای است که در حدیث وارد شده است.

ص: 620

و عمده دلیل در عدم بطلان حج: اصل آن است که وقوف در کل عرفه جایز است، مگر دلیلی بر آن اقامه شود (1).

### کیفیت حرکت (کوچ از عرفه)

یعقوب بن ابراهیم، در خبری می گوید: یحیی از هشام از پدرش از أسامه بن زید حدیثی را ذکر می کند: از مسیر حرکت پیامبر (صلی الله علیه و آله) در حجه الوداع سؤال شد که گفت: به سرعت چهار پا را حرکت می دهد، پس زمانی که زمین فراخی را یافت، به خوبی شتر را راند، و حال آن که نیک راندن شتر، برتر از زمین فراخ است (2).

در حدیثی از «محمود بن غیلان»، «وکیع» و «بشر بن الرئی» و «ابونعیم» و... که پیامبر (صلی الله علیه و آله)

در وادی محسّر قرار گرفت و به این حدیث، «بشر» این مطلب را افزود: که حضرت با جمعیت با آرامش و وقار کوچ کرد. و بر این حدیث «ابونعیم» کلام دیگری از حضرت را اضافه کرد به این که:

نبی مکرم (صلی الله علیه و آله) به آنان فرمان داد که در هنگام رمی جمره و سنگ انداختن، سنگ را بین انگشت شصت و سبابه قرار دهد و نیز فرمود: شاید دیگر من بعد از این سال ها شما را نبینم (3).

### نزول (فرود آمدن در مکانی بعد از دور شدن از عرفه)

در خبری از قتیبه - حماد - ابراهیم بن عقبه - گزیب - أسامه بن زید: پیامبر (صلی الله علیه و آله) وقتی از عرفه کوچ کردند و به شعب رفتند، به ایشان گفتم: آیا نماز مغرب را می خوانید؟ فرمودند: نماز گذار در جلوی تو است (4).

و در خبر دیگری از... از أسامه بن زید که: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در منطقه شعب فرود آمدند آن جایی که امیران فرود می آمدند. سپس دستشویی رفتند و وضوی مختصری را گرفتند، من به

ص: 621

1-1- بدایه المجتهد ونهایه المقتصد، ج 1، ص 279.

2-2- سنن نسائی، حدیث 3025، ص 478.

3-3- سنن ترمذی، باب 55، حدیث 886، ص 234.

4-4- سنن نسائی، حدیث 3026، ص 428.

رسول خدا، نماز را گوشزد کردم که ایشان فرمودند: الصلاة أمامك نماز پیش روی تو است، و چون به مزدلفه بیاییم سایر مردم محل نمی شوند مگر آن که نماز خوانده باشند(1).

## وقوف در مزدلفه

وقوف در مزدلفه از جهات مختلفی مورد بررسی قرار می گیرد:

### اول - صفت و وصف شرعی

به اجماع و اتفاق مذاهب، وقوف در مزدلفه واجب است نه از جهت رکن بودن. پس کسی که آن را انجام ندهد، باید خون دهد، بیتوته در مزدلفه به نظر حنابله واجب است، در نزد حنفیه و مالکیه مستحب است، و در نزد شافعی در مساله دو قول است:

واجب یا مستحب است؛ و در نزد «النووی» عملی است که رجحان دارد و در نزد «السبکی»، واجب است. محل این دو قول جایی است که فرد عذری نداشته باشد، اما فردی که معذور است، قطعاً لزومی بر داد خون نیست.

از جمله افرادی که جزء معذورین (زنان - کودکان - مریض ها - افراد مسن) محسوب می شوند:

کسی که شب هنگام به عرفه بیاید و نتواند وقوف کند، و کسی که از عرفه به سوی مکه کوچ کرده و در مکه طواف کرده (به جهت رکن بودن) و وقوف در مزدلفه از او فوت گشته است.

«أذرعی» چنین گفته است:

و شایسته است کلام حمل شود بر کسی که بدون سختی برایش امکان رسیدن به مزدلفه نباشد، پس اگر برایش امکان رسیدن به مزدلفه باشد، در این صورت واجب است جمع بین دو واجب (طواف و وقوف در مزدلفه).

از جمله معذورین: اگر خانمی بترسد از این که حیض یا نفاس شود، در مکه مبادرت به طواف نماید.

ص: 622

در «کفایه الاختیار»:

بیتوته در مشعر، مستحب است، در نزد حنفیه، به اندازه یک ساعت و لو خیلی کم به طور عبوری باشد؛ همانطور که در عرفه می باشد. و میزان استحباب: این وقوف تا «الاسفار» ادامه دارد.

حنابله: پس اگر بعد از نیمه شب به مزدلفه رسید، و در آن جا باقی ماند، کفاره ای بر دوشش نیست.

شافعی: بعد از نیمه شب به مزدلفه برسد حتی یک لحظه باشد.

مالکی: به اندازه پایین آمدن از شتران و خواندن نماز مغرب و عشا و خوردن چیزی (1) یا نوشیدن در آن باشد.

جمهور علما، غیر از حنابله؛ قایل به این رأی شده اند: مذاهبی که خیلی آسان و راحت نظر می دهند و مردم را به جهت ازدحام حاجیان و سختی بیتوته کردن در تنگنا قرار نمی دهند.

### مشعر الحرام

و آن شامل کوه «قزح» در «مزدلفه» است. در نزد حنفیه مستحب است؛ و در نزد مالکی، شافعی و حنبلی، سنت است.

### دلیل وجوب بیتوته در مزدلفه

و آن سخن خدا در قرآن است (2):

«فَإِذَا أَقَضْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ فَأَذْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ». ترجمه: و هنگامی که از «عرفات» کوچ کردید، خدا را نزد «مشعر الحرام» یاد کنید!

و سخن نبی (صلی الله علیه و آله) است: «من شهد صلاتنا هذه - أي صلاة الفجر - و وقف معنا حتى ندفع، و قد وقف بعرفه قبل ذلك ليلاً أو نهاراً، فقد تم حجه، و قضی تقته». کسی که شاه خواندن نماز صبح ما باشد و با ما وقوف کند تا این که حرکت کنیم؛ و در عرفه وقوف کند چه شب یا روز، حجهش به اتمام رسیده و محل می گردد.

ص: 623

1-1- وهبه الزحیلی، أ. د، الفقه الاسلامی و ادلته، ج3، ص2245.

2-2- بقره: 198.

این روایت فوق را، مذاهب خمس و ترمذی در صحیح خود ذکر کرده اند. اسامی مزدلفه عبارتند از: مزدلفه، جمع والمشعر الحرام.

حد مزدلفه: از «مازمی» عرفه تا نزدیکی محر که البته در هر جایی از آن وقوف کند، او را کفایت میکند؛ بدلیل سخن نبی مکرم (صلی الله علیه و آله): «المزدلفه موقف».

## دوم - رکن بودن وقوف در مزدلفه

حنفیه: چه فردی خواب باشد یا بیهوش یا مجنون و یا مست باشد، چه نیت وقوف را کرده باشد و یا نکرده باشد، مزدلفه را بشناسد یا نشناسد ولو تنها عبور کند، مانند وقوف در عرفه است.

مالکیه: در مزدلفه واجب است حاجی به اندازه پایین آمدن از حیوان و خواندن نماز مغرب و عشا، در آن سرزمین فرود آید. و چیزی بخورد یا بنوشد، که اگر پایین نیاید، باید خون دهد، و وقوف در مشعر الحرام، به عنوان سنت است (1).

شافعیه چنین گفته است:

مقدار واجبی را که در بیتوته در مزدلفه کفایت میکند، باقی ماندن حاجی در یک لحظه است. مانند وقوف در عرفه می باشد. پس عبور کردن از مزدلفه کفایت میکند. اگر چه توفقی انجام ندهد، و زمانش بعد از نیمه شب است. و مستحب است که زنان و افراد ضعیف بعد از نیمه شب زودتر از سایرین به «منا» بروند. و شعاع آنان این است: تلبیه و تکبیر به جهت تأسی به پیامبر (صلی الله علیه و آله). و سایرین در آنجا باقی می مانند تا صبح هوای گرگ و میش شود. (سپیده دم).

حنابله: بیتوته در مزدلفه واجب است و کسی که آن را ترک کند باید خون دهد. و کسی که در مزدلفه بیتوته کند، جایز نیست که قبل از نیمه شب از آنجا برود، پس اگر بعد از نیمه شب از آنجا برود، هیچ چیزی بر گردش نمی باشد. به جهت قول پیامبر (صلی الله علیه و آله): «خذوا عنی مناسککم» مناسک و اعمال حجتان را از من یاد بگیرید. و تنها بعد از نیمه شب از آنجا کوچ کند بنا بر آنچه اجازه داده شده است. «ابن عباس» چنین گفته است: «من در بین افراد ناتوان و ضعیف خانواده پیامبر بودم که از مزدلفه به منا رفتیم. و اینچنین حضرت به اسماء اجازه دادند.

ص: 624

و شرط طهارت از جنابت و حیض نمی باشد زیرا مزدلفه به خانه خدا تعلق ندارد. پس صحیح است که فرد طهارت نداشته باشد مانند وقوف در عرفه و رمی جمرات.

در این که «مزدلفه»، جزو ارکان حج است؛ بحثی نیست؛ به دلیل آیه قرآن (1): «فَاذْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَاذْكُرُوهُ كَمَا هَدَاكُمْ وَإِنْ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمَنِ الضَّالِّينَ». خدا را نزد «مشعر الحرام» یاد کنید! او را یاد کنید همان طور که شما را هدایت نمود و قطعاً شما پیش از این، از گمراهان بودید.

اجماع بین علما در این است: کسی که شب را در مزدلفه بیتوته کند (شب عید قربان و با امام بین نماز مغرب و عشا جمع کند و بعد از وقوف در عرفه، بعد از نماز صبح تا «الاسفار» وقوف کند، حجتش تمام است.

محل اختلاف بین علما: آیا وقوف در مزدلفه بعد از نماز صبح؛ و بیتوته در مزدلفه از جمله مستحبات در حج است یا از جمله واجبات است؟

الأوزعی و گروهی از تابعین چنین گفته اند: از جمله واجبات حج است. و کسی که از او فوت شود، سال آینده حج کند و قربانی دهد.

فقهای کشورهای قایلند بر این که: از جمله واجبات حج نمی باشد. و این که کسی از او وقوف و بیتوته ی در مزدلفه فوت شود، باید خون دهد.

شافعی گوید: اگر تا بعد از نیمه شب اول از مزدلفه برود، و نمازی در آن جا نخواند، باید خون بدهد. به دلیل حدیثی که مورد اتفاق بر صحتش است و از «عروه بن مضرس» است: «من ادرك معنا هذه الصلاة» یعنی نماز صبح مزدلفه را، مورد نظر می باشد.

جمهور افرادی که این حج را بدون خواندن نماز صبح در مزدلفه، صحیح دانسته اند؛ بدلیل کار پیامبر است که حضرت افراد ضعیف را شب هنگام از آن جا (بدون خواندن نماز صبح) می بردند (2).

### سوم - مکان وقوف در مزدلفه

مزدلفه ( مکانی بین منا و عرفه است) تمام آن سرزمین «وقف» است مگر بطن محسر (و ان

ص: 625

1-1- بقره: 198.

2-2- بدایه المجتهد ونهایه المقتصد، ج 1، ص 280.

وادی بین منا و مزدلفه است)، پس وقوف در هر بخشی از قسمت های مزدلفه صحیح است، و در هر قسمتی از مزدلفه که بخواهد فرود می آید بجز در وادی محسر، به جهت سخن پیامبر (صلی الله علیه و آله): « تمام عرفات، موقف است بجز بطن رنه، و تمام مزدلفه، موقف است بجز وادی محسر» (1).

و در نزد حنفیه، فرود آمدن در محسر کراهت دارد. هر چند که وقوف در آن با کراهت مجزی است.

و آنچه که افضل و بهتر است این است که: حاجی پشت سر امام بر روی کوه هایی که امام وقوف میکند، وقوف نماید و آن کوه قزح است (همان مشعر الحرام است که نام دیگرش مزدلفه است زیرا طبق روایت، پیامبر (صلی الله علیه و آله) بر آن کوه وقوف کرده است؛ و فرموده است: از من، مناسکتان را فرا بگیرید. «خذوا عني مناسككم» (2).

### چهارم - زمان وقوف در مزدلفه

در نزد فقها، دو رأی در مسأله وجود دارد:

#### 1- رأی حنفیه:

زمان وقوف، ما بین طلوع فجر روز عید قربان و طلوع خورشید است، زیرا پیامبر (صلی الله علیه و آله) در حدیث جابر و ابن عمر، قبل از طلوع خورشید رسید، و فرمود: پس کسی که در مزدلفه قبل از طلوع خورشید یا بعد از طلوع خورشید، وقوف کند؛ به آن اعتنایی نمی شود. اندازه واجب در وقوف یک ساعت است و لو خیلی کم باشد، و مستحب است (نه واجب) که شب عید قربان را در مزدلفه بیتوته کند؛ و آنچه که واجب است همان وقوف است و افضل و بهتر آن است که وقوف بعد از خواندن نماز صبح باشد (در هوای گرگ و میش). سپس در کنار مشعر الحرام وقوف نماید و دعا و مناجات خدا را بجای آورد و حوایجش را از خدا مسألت دارد، سپس قبل از طلوع خورشید از مزدلفه به نا کوچ کند، و اگر بعد از طلوع فجر، قبل از خواندن نماز صبح، کوچ کند، کار زشتی انجام داده، در حالی که به دلیل ترک سنت کفاره ای به عهده اش نمی باشد.

ص: 626

1-1- وهبه الزحیلی، أ. د. الفقه الاسلامی و ادلته، ج3، ص2247.

2-2- همان.



2- رأی جمهور: زمانی وقوف، شب است. و تفصیل آن اینچنین است:

مالکیه معتقد است: زمان وقوف در هر بخشی از شب، به اندازه پایین آمدن از شتر و خواندن نماز مغرب و عشا و خوردن و یا نوشیدن است. و مستحب (سنت): بیتوته در مزدلفه، شب عید قربان، پس زمانی که سپیده صبح طلوع کند، نماز صبح را بخوانند آنگاه به سوی مشعر الحرام حرکت کنند. بطوری که در این وقوف، با تضرع و دعا در نزد خدا باشد؛ سپس قبل از طلوع خورشید به برنا بروند و در وادی میر سرعت بگیرند.

شافعیه گوید:

وقت وقوف در مزدلفه، بعد از نیمه شب است، پس کسی که در نیمه شب در مزدلفه نباشد، باید خون دهد.

حنابله گوید:

بیتوته در مزدلفه، تا طلوع فجر واجب است، کسی که آن را ترک کند؛ باید خون دهد. پس زمانی که حاجی در اول وقت نماز صبح را خواند، در «مشعر الحرام» وقوف کند، و اگر برایش امکان دارد از کوه بالا رود و گرنه در کنار مشعر وقوف کند و ذکر خدا و دعا کند. به دلیل آیه 198 سوره بقره که خداوند در قرآن می فرماید:

«فَإِذَا أَفْضَيْتُمْ مِنْ عَرَافَاتٍ فَأذْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ» .

و در حدیث جابر آمده است: «وقتی پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) به مشعر الحرام آمد، از کوه بالا رفت، سپس ذکر خدا و لا اله الا الله و الله اکبر گفت». و کسی که به مزدلفه آمد، جایز نیست که قبل از نیمه شب از آنجا برود، پس اگر بعد از نیمه شب برود، هیچ کفاره ای به گردش نیست (1).

ص: 627

### 1- جمع بین نماز مغرب و عشا

در خبری از... عبد الله بن یزید و او از ابو ایوب آورده است که: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بین نماز مغرب و عشا جمع کرده است (1).

در خبری از عیسی بن ابراهیم که حدیثی را از ابن وهب - یونس - ابن شهاب - عبیدالله بن عبد الله از پدرش نقل کرده که: رسول خدا بین نماز مغرب و عشا را جمع فرمودند حتی بین دو نماز یک سجده را هم انجام ندادند به طوری که سه رکعت نماز مغرب و دو رکعت نماز عشا خواندند و عبد الله بن عمر هم این کار را انجام داد. تا به خدا پیوست (2).

عمر و بن منصور هم در خبری از ابو نعیم - از سفیان - از شلمه - از سعید بن جبیر - از ابن عمر: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نماز مغرب و عشا را با یک اقامه با هم خواندند (3).

و در حدیثی از «محمد بن بشار» و... و سفیان ثوری از ابی اسحاق و از عبد الله بن مالک؛ اینکه «ابن عمر» در شعر نماز خواند و بین دو نماز را با یک اقامه خواند و گفت: از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) دیدم که در این مکان مثل این کار را انجام دادند (4).

برخی از اهل علم گفته اند: بین نماز مغرب و عشا در مزدلفه با یک اذان و دو اقامه جمع کند. به طوری که برای خواندن نماز مغرب یک اذان و اقامه بگوید و نماز مغرب را بخواند سپس مجدداً اقامه گوید و نماز عشا را بخواند. و قول شافعی هم اینگونه است (5).

حنفیه: خواندن نماز مغرب، در او مزدلفه جایز نمی باشد، که اگر فردی اینگونه بخواند، باید تا قبل از طلوع فجر آن را اعاده کند و نیز بیتوته در مزدلفه مستحب است (6).

عبد البر» در کیفیت حرکت از عرفه به مزدلفه گفته است: به دلیل عجله در نماز مغرب، به سرعت بخواند و چون باید نماز عشا را در مزدلفه بخواند و به دلیل آن که نماز مغرب و عشا را باید به صورت جمع با هم بخواند، لذا بین دو مصلحت را با هم جمع می کند که

ص: 628

1-1- سنن نسائی، احادیث ش 3029-3030 - 3028.

2-2- سنن نسائی، ح 3031، ص 478.

3-3- همان، ح 3032، ص 478.

4-4- سنن ترمذی، ح 887، باب 56، ج 3، ص 235.

5-5- همان، ص 236.

6-6- طحطاوی الحنفی، احمد بن محمد بن اسماعیل، حاشیه الطحطاوی علی مراقی الفلاح شرح نور الايضاح، ص 734.

اعم از وقار و آرامش در صورت ازدحام جمعیت و سرعت گرفتن در هنگام عدم ازدحام جمعیت (1).

## 2- مقدم کردن زنان و کودکان به منازلشان در مزدلفه

حسین بن حریث از سفیان - از عبید الله بن ابی یزید: از ابن عباس شنیدم: ما جزء کسانی هستیم که پیامبر (صلی الله علیه و آله) در شب مزدلفه ما را جزء ضعفا مقدم داشت (2).

و در خبر دیگری از ... و از فضل که پیامبر (صلی الله علیه و آله) به افراد ضعیف بنی هاشم فرمان داد که در شب هنگام از مزدلفه کوچ کنند (3).

و در خبری از عمرو بن علی، یحیی - ابن جریح - عطاء - سالم بن شوال - ام حبیبه: پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمان داد که نماز صبح را اول سپیده دم فجر از هنگام رفتن مشعر به منا بخواند (4).

## 3- مجوز زنان در کوچ از مشعر، قبل از صبح

در خبری یعقوب بن ابراهیم از هشیم - از منصور - از عبد الرحمن بن القاسم - از عایشه که گفته است: پیامبر (صلی الله علیه و آله) به «سوده (5)» در کوچ از مشعر، قبل از صبح اجازه دادند؛ زیرا او زنی ناتوان در انجام کارهایش بود (6).

## 4- وقت خواندن نماز صبح در مزدلفه

محمد بن علاء در خبری از ابو معاویه، از اعمش - از غماره - از عبد الرحمن بن یزید - از عبد الله آورده است:

« من هرگز ندیدم رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را که نماز بخواند مگر در وقت خودش، به جز نماز

ص: 629

---

1-1 شوکانی، محمد بن علی بن محمد، نیل الأوطار فی شرح منتهی الأخبار، ج 5، ص 72.

2-2 سنن نسائی، ح 3035 - 3034، ص 479.

3-3 همان، ح 3036، ص 479.

4-4 - همو، ح 3038، ص 479.

5-5 - اولین همسر پیامبر (صلی الله علیه و آله) بعد از خدیجه (س). ابن سعد، الطبقات الکبری، ج 8، ص 42.

6-6 سنن نسائی، ح 3039، ص 479.

مغرب و عشاء که به طور جمع، یعنی بدون فاصله با هم خواندند و نماز صبح را در آن روز قبل از وعده گاهش (میقات) اقامه کردند»(1).

## 5- حکم فردی که نماز صبح را با امام در مزدلفه درک نکرد

در خبری سعید بن عبد الرحمن از سفیان - از اسماعیل و داود و ذکریا از شعبی - از عروه بن مضرس چنین گفته است: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را در مزدلفه دیدم که در حال ایستاده فرمودند: کسی که با ما در اینجا (مزدلفه) نماز را اقامه کند به طوری که قبل از آن یک شبانه روز در عرفه بوده، پس به تحقیق حجش به اتمام رسیده است (2).

در خبری از محمد بن قدامه، جریر از طرف از شعبی - از عروه بن مضرس که پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند:

کسی که مزدلفه را با امام و مردم درک کند، تا این که از آنجا کوچ کند، پس به تحقیق حج را درک نموده است. و کسی که با مردم و امام درک نکند، حج را درک نکرده است (3).

و در حدیث دیگری عروه بن مضرس می گوید: در مزدلفه خدمت نبی (صلی الله علیه و آله) آمدم و گفتم: ای رسول خدا (صلی الله علیه و آله) من به جلو پیش رفتم و از هیچ کوهی نگذشتم مگر آن که بر آن وقوف کردم. حال آیا به عهده من حجی است؟ رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند: کسی که این نماز را

(صبح مزدلفه) با ما بخواند و قبل از آن در عرفه یک شبانه روز وقوف کرده باشد، حجش به اتمام رسیده و باید حلق یا تقصیر را انجام دهد. (تا محل) شود (4).

عمرو بن علی در خبری از... شنیدم رحمن بن دیلی گوید:

من پیامبر (صلی الله علیه و آله) را در روز عرفه دیدم در حالی که مردم «نجد» به سویش می آمدند؛ به فردی گفتند که از حج بپرسد، رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند: تمام حج در عرفه است، کسی که شب هنگام قبل از نماز صبح به مزدلفه بیاید، پس حقیقتاً حج را درک کرده است. ایام

ص: 630

1-1 سنن نسائی، ح 3040، ص 479.

2-2 همان، ح 3041.

3-3 سنن نسائی، ح 3042، ص 480 - 479.

4-4 همان، ح 3045-3044-3043، ص 480.

متعلق به من، سه روز است کسی که در دو روز آن، تعجیل یا تأخیر کند، گناهی مرتکب نشده است. سپس مردی پشت سر ایشان رفت و مردم را به آن سه روز فرا می خواند (1).

و در روایت دیگری از جابر بن عبد الله، که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: «تمام مزدلفه، موقف است» (2).

## 6- تلبیه در مزدلفه

از... ابن مسعود گوید: ما در مزدلفه بودیم از کسی شنیدم که می گفت؛ در این مکان سوره بقره نازل شده است. «لبيك اللهم لبيك» (3).

## 7- وقت کوچ از جمع مزدلفه

اسماعیل بن مسعود در خبری از خالد - از شعبه - از ابی اسحاق - از عمرو بن میمون که شنیدم: عمر را در مزدلفه دیدم که می گوید: اعراب جاهلی کوچ نمی کردند تا این که خورشید طلوع کند و همانا رسول خدا (صلی الله علیه و آله) با آنان مخالفت ورزید سپس قبل از آن که خورشید طلوع کند از مزدلفه کوچ کرد (4).

## پنجم - حکم فوت شدن وقوف در مزدلفه از وقتش

حنفیه گوید: اگر فوت زمان وقوف در مزدلفه به جهت عذری باشد، هیچ چیزی (کفاره) به عهده اش نیست که بپردازد، زیرا خود حضرت؛ افراد ضعیف و ناتوان را مقدم می دانستند و هیچ گاه امر به پرداختن کفاره نمی کردند. ولی اگر به جهت عذری نباشد، باید خون دهند؛ زیرا واجبی را ترک کرده اند. که در این صورت موجب پرداخت کفاره است.

جمهور قائلند: ترک وقوف در مزدلفه موجب پرداخت خون (کفاره) است (5).

و شاید علت آن این باشد که: ... عطاء بن ابی رباح از جابر بن عبد الله شنیده است که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرموده است: «كل عرفه موقف وكل المزدلفه موقف، وكل منى منحرا، وكل فجاج

ص: 631

1-1 - سنن نسائی، ح 3046، ص 480.

2-2 - همان، ح 3047، ص 480.

3-3 - سنن نسائی، ح 3048، ص 480.

4-4 - همان، ح 3049، ص 480.

5-5 - وهبه الزحیلی، أ. د، الفقه الاسلامی و ادلته، ج 3، ص 2250.

مکه طریق و منک». تمام عرفه و مزدلفه، موقف هستند و تمام منا قربانگاه است، و تمام شکاف میان دو کوه مکه، راه و قربانگاه است(1).

### ششم - مستحبات و قوف در مزدلفه

از جمله امور مستحب در مزدلفه، به قرار ذیل است:

غسل کردن در شب عید قربان (وقوف در مشعر الحرام) پس کسی که آبی نیابد، باید تیمم کند (کلام النووی در الایضاح است).

جمع بین دو نماز مغرب و عشا چه به صورت فرادا و یا با امام بخواند.

احیا و شب زنده داری این شب با عبادت همچون نماز خواندن - تلاوت قرآن - ذکر و دعا و تضرع.

بعد از نیمه شب آماده شدن و جمع کردن سنگریزه از مزدلفه، برای جمره عقبه روز عید قربان و آن هفت سنگریزه است. و برای ایام تشریق، 33 تا 36 سنگریزه، که مجموع آن 70 سنگریزه به اندازه کم تر از یک بند انگشت شود. و بزرگ تر از آن کراهت دارد. و شکستن سنگ کراهت دارد مگر به جهت عذر که البته شکستن سنگ مورد نهی واقع شده است زیرا منجر به اذیت می شود(2).

و از هر جایی که سنگ بردارد جایز است؛ لکن کراهت دارد که از مسجد و از مکان های نجس باشد و یا از سنگ هایی باشد که آن را در جمرات پرتاب کرده اند. (به دلیل قول ابن عباس).

شستن سنگ های جمرات کراهت ندارد، و حال آنکه «النووی» و بعضی حنابله مستحب دانسته اند. زیرا طبق روایتی از ابن عمر، که او سنگ ها را شست و از حنابله در کتاب «غایه المنتهی»: شستن سنگی که نجس نیست استحبابی ندارد(3).

وقوف در مشعر الحرام، و بالا رفتن بر آن کوه اگر امکانش باشد و گرنه در کنار یا پایین کوه وقوف کند.

ص: 632

---

1-1- بیهقی، الحافظ ابی بکر احمد بن الحسین بن علی، السنن الکبری، ح 9587، ج 7، ص 267.

2-2- وهبه الزحیلی، أ. د، الفقه الاسلامی وادلتہ، ج 3، ص 2250.

3-3- همان.

خواندن نماز صبح در اول وقت، در این روز نسبت به سایر ایام تأکید بر زیاد گفتن الله اکبر شده است؛ به جهت اقتدای بر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) (1).

وقوف در مشعر الحرام بعد از نماز فجر و روبه قبله باشد. و دعا کند و حمد الهی را بگوید و تکبیر ولا اله الا الله بگوید و زیاد تلبیه را به زبان جاری کند. مستحب است حاجی در دعایش اینچنین بگوید:

اللهم كما أوقفتنا فيه و أريتنا إياه، فوقفنا لذكرك كما هديتنا، واغفر لنا وارحمنا كما وعدتنا بقولك، وقولك الحق:

«فَإِذَا أَفْضَيْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ فَادْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَاذْكُرُوهُ كَمَا هَدَاكُمْ وَإِنْ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمَنِ الصَّالِينَ (2)». ترجمه: و هنگامی که از «عرفات» کوچ کردید، خدا را نزد «مشعر الحرام» یاد کنید! او را یاد کنید همان طور که شما را هدایت نمود و قطعاً شما پیش از این، از گمراهان بودید.

و نیز سه بار بگوید: (الله اکبر، لا إله إلا الله، والله اکبر، الله اکبر، والله الحمد).

ترجمه: خدایا همچنانکه قدرت و قوف را به ما بخشیدی و خودت را بر ما نشان دادی، پس ما برای یاد و ذکر تو و این که ما را هدایت کردی، و قوف می کنیم، خدایا بر اساس وعده ای که به ما دادی ما را مورد بخشش و رحمت خودت قرار ده....

شافعیه: مقدم کردن افراد ناتوان از جمله زنان و سایرین، قبل از طلوع خورشید و بعد از نیمه شب، در رفتن به منا، تا قبل از ازدحام مردم، سنگ جمره عقبه را بزنند.

اما سایرین (غیر از افراد ناتوان) تا صبح در مزدلفه هستند و نماز را می خوانند آنگاه به سمت منا حرکت می کنند.

اگر فردی پیاده در وادی محسر (و آن وادی جدا کننده بین مزدلفه و منا است (3)) می رود باید با سرعت و عجله، حرکت کند و نیز اگر سوار بر حیوانی است؛ باید آن را بر سرعت حرکت کردن را دارد. به دلیل روایت مسلم که علت را، عذاب اصحاب فیل (قصد تخریب خانه خدا را داشتند در این منطقه از سوی خدا می داند).

ص: 633

1-1- وهبه الزحیلی، أ. د، الفقه الاسلامی و ادلته، ج3، ص2250.

2-2- بقره: 198.

3-3- وهبه الزحیلی، أ. د. الفقه الاسلامی و ادلته، ج3، ص2251.

از جمله سایر مستحبات، ورود به مزدلفه و خروج از آن به سمت بینا با آرامش و وقار است. بر طبق حدیث جابر: «ایها الناس السکینه السکینه»<sup>(1)</sup>.

تمت بعون الله. مصادف با ولادت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در 17 ربیع الاول 1442.

ص: 634

---

1-1- وهبه الزحیلی، أ. د، الفقه الاسلامی وادلته، ج 3، ص 2252.





\* بعد از قرآن کریم، ترجمه آیه الله مکارم شیرازی.

\* ابن درید، محمد بن حسن، جمهره اللغه، اول، بیروت: دار العلم للملایین.

\* ابن فارس، أحمد، معجم مقاییس اللغه، اول، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، 1404ق.

\* افتخاری گلپایگانی، علی، آراء المراجع، تهران: شعر، کتابخانه دیجیتال نور.

\* افتخارزاده، سید حسن و حسینی، سید حسن، چهارده گفتار پیرامون حج، چاپ اول، تهران: مرکز فرهنگی انتشاراتی

منیر، 1392

\* افتخاری گلپایگانی، علی، آراء المراجع فی الحج، تهران: شعر، بی تا.

\* انصاریان، حسین، چهل حدیث حج، چاپ اول، نشر مشعر، 1374.

\* آبی، حسن بن ابی طالب و اشتهاوردی، علی پناه و یزدی، حسین، کشف الرموز فی شرح المختصر النافع، قم: مؤسسه

فرهنگی تبیان، 1387

\* البجنوردی، سید محمد حسن، القواعد الفقهیة، محققان: محمد حسین الدرایتی، مهدی المهریزی، چاپ اول، قم:

الهادی، 1419 ه. ق، 1377 ه. ش.

\* بحرانی، هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران: بنیاد بعثت، 1416 ق.

\* البستانی، محیط المحيط، لبنان: مکتبه ناشرون

\* بلاغی، سید عبد الحجت، حجه التفاسیر و بلاغ الإکسیر، چاپ اول، قم: حکمت، 1386 ق.

\* بندر ریگی، محمد، فرهنگ جدید عربی - فارسی - ترجمه فارسی، چاپ چهارم، تهران: اسلامی، 1362.

\* بهجت، محمد تقی، پرسش های جدید حج،

بهجت، محمد تقی، رساله ذخیره العباد،

\* بهجت، محمد تقی، مناسک حج، قم: شفق، مرکز تنظیم و نشر آثار آیه الله العظمی بهجت

\* تبریزی، میرزا جواد آقا، مناسک، قم، 1385.

\* جناتی، محمد ابراهیم، حج از دیدگاه مذاهب اسلامی، مترجم: حسینعلی محمد نژاد، تهران: شعر، 1371.

\* جوادی آملی، جرعه ای از صهبای حج، چاپ هفتم، نشر مشعر، 1387

\* حسینی همدانی، سید محمد، انوار درخشان، تهران: کتابفروشی لطفی، 1404 ق.

\* حسینی آهق، مریم و میر ابو القاسمی، سیده رقیه و دشتی، محمد و دیگران، در باره حج، چاپ اول، تهران: کتاب

مرجع، 1389.

\* حلی (علامه)، حسن بن یوسف بن مطهر، مختلف الشیعه فی احکام الشریعه، چاپ اول، قم: مرکز الأبحاث و

الدراسات الاسلامیه، شوال 1415، 1371. . حلی، ابی جعفر محمد بن منصور بن احمد بن ادريس، سرائر، چاپ دوم، مؤسسه نشر

الاسلامی، 1410

0- ق.

\* حلی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، إرشاد الأذهان إلى أحكام الإيمان، اول، قم: ایران، دفتر انتشارات

اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، 1410 ه.ق.

\* حلی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، تبصره المتعلمین فی أحكام الدین، اول، در یک جلد، تهران - ایران

: مؤسسه چاپ و نشر وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، 1411 ه.ق.

\* حلی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، تحریر الأحكام الشرعیه علی مذهب الإمامیه، اول.

ص: 636

\* حلی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، تذکره الفقهاء، اول: 14 جلد، قم - ایران: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، 1414 هـ ق.

\* حلی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، تلخیص المرام فی معرفه الأحكام، اول، در یک جلد، قم - ایران: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، 1421 هـ ق.

\* حلی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، قواعد الأحكام فی معرفه الحلال والحرام، اول، 3 جلد، قم - ایران: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، 1413 هـ ق.

\* حلی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، مختلف الشیعه فی أحكام الشریعه، دوم، 9 جلد، قم - ایران، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، 1413 هـ ق.

\* حلی، محقق، نجم الدین، جعفر بن حسن، نکت النهایه، اول، 3 جلد، قم - ایران: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، 1412 هـ ق.

\* حمیری، عبدالله بن جعفر، قرب الاسناد، قم: مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، 1413 ق.

\* خامنه ای (حسینی)، علی بن جواد، مناسک حج، تهران: شعر، 1385.

\* خامنه ای (حسینی)، علی بن جواد، مناسک حج، کتابخانه نور، نرم افزار جامع فقه اهل البيت.

\* خامنه ای، علی، مناسک حج مطابق با فتوای حضرت آیت الله العظمی خامنه ای، تهران: شعر، 1385.

. خداکرمی زنجانی، ابوعلی، ابعاد گوناگون حج، اول، قم: دار النشر اسلام، 1373.

\* خمینی (موسوی)، روح الله، مناسک الحج (المحشی)، کتابخانه نور، نرم افزار جامع فقه اهل البيت.

\* خمینی (موسوی)، روح الله، نجاه العباد، کتابخانه نور، نرم افزار جامع فقه اهل البيت.

\* خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، دوم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، 1385.

\* خمینی، روح الله، مناسک حج مطابق با فتوای حضرت آیت الله العظمی امام خمینی و رهبر معظم انقلاب حضرت

آیت الله العظمی خامنه ای، تهران: مشعر، 1389.

\* خوئی (موسوی)، ابوالقاسم، المسایل الشرعیه، بیروت - لبنان: دارالزهراء، 1416.

\* خوئی (موسوی)، ابوالقاسم، معتمد العروه الوثقی، -، 1412 ق. . خوئی (موسوی)، ابوالقاسم، مناسک، قم: مدینه العلم، 1412 ق.

\* درویش، عبدالله، از میقات تا عرفات، اول، تهران: معارف، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها، 1382.

\* ذهنی تهرانی، سید محمد جواد، المباحث الفقهیه فی شرح الروضه البهیة (راهنمای فارسی شرح لمعه)، دوم، انتشارات

وجدانی، 1369.

\* رشاد، محمد، اصول فقه، -، چهارم، اقبال، 1367.

\* سبزواری، علی مؤمن قمی، جامع الخلاف و الوفاق، اول، در یک جلد، قم - ایران: زمینه سازان ظهور امام عصر علیه

السلام، 1421 هـ.ق.

\* سحاب، ابو القاسم، فلسفه و اسرار حج - تاریخ و جغرافیای مختصر مکه معظمه و مناسک حج، دوم، -: سحاب

کتاب، 1358.

\* سعدی، ابو جیب، القاموس الفقهی لغه واصطلاحا، دوم، دمشق: دار الفکر، 1408 ق.

\* سیستانی، سید علی، ملحق مناسک، کتابخانه نور، نرم افزار جامع فقه اهل البیت.

\* سیستانی، سید علی، مناسک حج، کتابخانه نور، نرم افزار جامع فقه اهل البیت.

ص: 637

- \* سیستانی، سید علی، منهاج الصالحین، کتابخانه نور، نرم افزار جامع فقه اهل البیت.
- \* سیوری، جمال الدین المقداد بن عبد الله، کنزالعرفان فی فقه القرآن، سوم، مرتضوی، 1365.
- \* شالچی، مجید، فراهایی از حج، اول، تهران: آرون، 1389
- \* شیخ طوسی، محمد بن حسن، الجمل و العقود فی العبادات، اول، مترجم، واعظ زاده خراسانی، محمد، مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه فردوسی، 1387ق.
- \* صافی گلپایگانی، لطف الله، احکام عمره،
- \* صافی گلپایگانی، لطف الله، مناسک، قم: حضرت معصومه، 1297 ق.
- \* طالقانی، سید محمود، بسوی خدا می رویم با حج، مشعر، 1358
- \* طباطبایی، سید علی، ریاض المسائل فی بیان الأحکام بالدلائل، دار الهادی.
- \* طباطبایی، سید محمد حسین، سید محمد باقر موسوی همدانی، ترجمه تفسیر المیزان، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه ی مدرسین حوزه علمیه قم، قرن 15.
- \* الطباطبایی یزدی، سید محمد کاظم، العروه الوثقی، تهران: دار الکتب الاسلامیه، 1397ه
- \* ق. . . طریحی، فخر الدین، مجمع البحرين، تحقیق، حسینی، سید احمد، سوم، تهران: کتابفروشی مرتضوی، 1375ش.
- \* طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، اول، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- \* طیب، سید عبد الحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، دوم، تهران: انتشارات اسلام، 1378 ش.
- \* العاملی، شمس الدین الشیخ محمد بن مکی ( شهید اول )، الدروس الشرعیة فی فقه الأمامیه، اول، مؤسسه نشر اسلامی، 1412 ه.
- \* عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، قم: انتشارات اسماعیلیان، 1415 ق.
- \* عمانی، حسن بن علی بن ابی عقیل حذاء، حیاة ابن أبی عقیل و فقهه، اول، در یک جلد، قم - ایران : مرکز المعجم الفقهی، 01413ق.
- \* غروی تبریزی، علی، مناسک حج، -، 1374.

\* غفاری، ابراهیم، راهنمای حرمین شریفین، اسوه، 1370.

\* غلامی، هادی، مناسک مأثوره، اول، مشهد: طنین قلم، 1390

\* فیروزآبادی، القاموس المحيط، دار احیاء التراث العربی.

\* فیض، علیرضا، مبادی فقه و اصول، تهران: دانشگاه، 1367.

\* الفیض الکاشانی، المولی محمد، مفاتیح الشرایع، تحقیق: السید مهدی رجایی

\* قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، تحقیق: حسین درگاهی، اول، تهران: سازمان

چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، 1368 ش.

\* قمی، شیخ صدوق اول، علی بن بابویه، مجموعه فتاوی ابن بابویه، اول، در یک جلد - قم - ایران.

\* قمی، شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه، من لا یحضره الفقیه، دوم، 4 جلد، - قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین  
حوزه علمیه قم ایران، 1413 ق.

\* الکرکی، (المحقق الثانی)، الشیخ علی بن الحسین، جامع المقاصد فی شرح القواعد، قم: مؤسسه آل البیت (علیه السلام)

لإحياء التراث 1408هـ - ق.

ص: 638

\* كليني، محمد بن يعقوب، فروع الكافي، بيروت - لبنان: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، 01426 - 2005 م.

\* كرمي واقف، رضا، دانشنامه حج، اول، تهران: جامی، 1392

\* كليني، ابو جعفر، محمد بن يعقوب، الكافي، اول، 15 جلد، قم - ايران: دار الحديث للطباعة والنشر، 1429 هـ

\* گلپایگانی (موسوی)، سيد محمد رضا، آداب و احكام حج، اول، قم: دار القرآن الكريم، 1413 ق.

\* گلپایگانی (موسوی)، سيد محمد رضا، مجمع المسائل، اول، قم: -، 1372.

\* محدث خراسانی، صفیه، حج در مذاهب اسلامي، اول، تهران: سيمين دخت، 1381.

\* محقق، محمدباقر، نمونه بینات در شأن نزول آیات از نظر شيخ طوسی و سایر مفسرين خاصه و عامه .

\* محمدی، ابوالحسن، مبانی استنباط حقوق اسلامي، تهران: دانشگاه، چاپ ششم، 1368.

\* منيع، محمد ابن سعد، الطبقات الكبرى، بيروت - لبنان: دارالکتب العلميه.

\* نراقی، مولی احمد بن المولی محمد مهدی، مستند الشيعه فی احكام الشريعه، قم: منشورات مكتبه آيه الله العظمى المرعشى النجفي، 1405 ق.

## منابع فقه اهل سنت

\* ابن تيميه الحراني، شيخ الاسلام احمد بن عبد الحليم، مناسك حج، المحقق: د. أنس بن عادل التيامي، اول،

الكويت: دار الراكز، 01439 - 2018 م.

\* ابن رشد القرطبي الأندلسي، امام القاضي ابو الوليد محمد بن احمد بن محمد بن احمد، بدايه المجتهد ونهايه

المقتصد، تصحيح: خالد العطار، دار الفكر.

\* ابن سوره، ابى عيسى محمد بن عيسى، تحقيق و تخريج و تعليق: محمد فؤاد عبد الباقي، الجامع الصحيح و هو سنن

الترمذی، بيروت - لبنان: دارالکتب العلميه.

\* ابن عطيه اندلسي، عبد الحق بن غالب، المحرر الوجيز فی تفسير الكتاب العزيز، بيروت: دارالکتب العلميه، 1422 ق.

\* ابن قدامه الحماعيلي ثم الدمشقي الحنبلي، ابو محمد موفق الدين عبد الله بن أحمد بن محمد، المغنی لابن قدامه، القاهرة: مكتبه القاهرة، 0 1388 - 1968 م.



\* ابو الحسن برهان الدين، على بن ابي بكر بن عبد الجليل الفرغانى المرغنيانى، الهداياه فى شرح بدايه المبتدى، محقق:

طلال يوسف، بيروت - لبنان: دار احياء التراث العربى.

\* برهان الدين، ابراهيم بن محمد بن عبد الله بن محمد ابن مفلح - ابو اسحاق، المبدع فى شرح المقنع اول، بيروت - لبنان: دار الكتب العلميه، 1418 0 - 1997 م.

\* بيهقى، الحافظ ابي بكر احمد بن الحسين بن على، السنن الكبرى، دار الفكر.

\* بياضوى، عبد الله بن عمر، أنوار التنزيل و أسرار التأويل، بيروت: دار احياء التراث العربى، 1418 ق..

\* تقى الدين الشافعى، ابوبكر بن محمد بن عبد المؤمن بن حريز معلى الحسينى الحصنى، كفايه الأخبار فى حل غايه

الاختصار، اول، دمشق: دار الخير، 1994.

\* تميمى مغربى، ابو حنيفه، نعمان بن محمد بن منصور، دعائم الإسلام، دوم، 2 جلد، قم - ايران: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، 1385 ق0.

\* التميمى المغربى، أبى حنيفه النعمان بن محمد بن منصور بن احمد بن حيون، دعائم الاسلام، تحقيق: آصف بن فيضى، القاهره: دار المعارف، 1383-1963.

ص: 639

الجزيري، عبد الرحمن و الغروي، محمد و الشيخ ياسر مازح، الفقه على المذاهب الأربعة و مذهب اهل البيت، بيروت

- لبنان: دار الثقلين، بي تا. : دار قطنى، ابو الحسن على بن عمر بن احمد بن مهدي بن مسعود بن النعمان بن دينار البغدادي، سنن الدار قطنى،

تحقيق و تعليق: شعيب الأرنؤوط - حسن عبد المنعم شليبي، عبد اللطيف حرزالله، احمد برهوم، اول، بيروت - لبنان:

مؤسسه الرساله، 01424 - 2004م.

\* دينار النسائي، ابو عبد الرحمن احمد بن شعيب ابن على بن سنان، سنن النسائي، بيروت: عصريه ، 1426 - 2006م.

\* رافعي القزويني الشافعي، امام ابى القاسم عبد الكريم بن محمد بن عبد الكريم، العزيز شرح الوجيز ( شرح الكبير ) ، تحقيق و تعليق: الشيخ على محمد معوض - الشيخ عدل احمد عبد الموجود، اول، بيروت - لبنان: دارالكتب العلميه ،

01417 - 1997م.

\* سجستاني، ابى داود سليمان بن الأشعث الأزدي، سنن ابى داود، اول، شركت دار الأرقم بن ابى الأرقم، ، 1420 - 1999م.

\* شافعي، ابو عبد الله محمد بن ادريس بن العباس بن عثمان بن شافع بن عبد المطلب بن عبد مناف المطلبي القرشي المكي، الام، بيروت: دار المعرفه، 0 1410 - 1990 م.

\* شرييني، شمس الدين محمد بن الخطيب، مغنى المحتاج، اول، دارالفكر، تعليقات: الشيخ جوبلى الشافعي،،

2001

- 01421 م.

\* شوكانى، محمد بن على بن محمد، نيل الأوطار فى شرح منقى الأخبار، چاپ آخر.

\* طحطاوى الحنفى، احمد بن محمد بن اسماعيل، حاشيه الطحطاوى على مراقى الفلاح شرح نور الايضاح، اول، محقق: محمد عبد العزيز الخالدى، بيروت - لبنان: دارالكتب العلميه، 1418 - 1997 م.

\* فخر الدين، عثمان بن على الزيلعى - احمد الشلبى شهاب الدين، تبين الحقائق شرح كنز الدقايق و بهامشه حاشيه

الشلبي، اول ، يولاق مصر الحميه: الكبرى الأميريه، 1314 هـ.

\* القرطبي، ابو عمر يوسف بن عبدالله بن عبد البر، الكافى فى فقه اهل المدينه المالكي، چاپ آخر، بيروت: دارالكتب

العلميه ، 2011 م.

\* کرمانی، حاج محمد کریمخان، فصل الخطاب، (علم الشریعہ، العبادات).

\* وہبہ الزحیلی، أ. د، الفقه الاسلامی وادلتہ، دمشق: دارالفکر، 1984 م.

\* Khabar online.ir

\* Anhar . ir آیت اللہ زنجانی

\* Esra . ir جوادی آملی

\* .http://wiki.islamicdoc.org

\* ویکی شیعہ.

\* ویکی اہل البیت ahlolbait .com

ص: 640

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

